

# استفتاءات جدید

جلد اول

حضرت آیہ اللہ العظمیٰ محقق کابلی (مدظلہ العالی)

عنوان: استفتائات جدید حضرت آیہ اللہ العظمیٰ محقق کابلی (مدظلہ العالی)

مولف: حضرت آیہ اللہ العظمیٰ محقق کابلی (مدظلہ العالی)

ناشر: دفتر معظم له

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۱

تیراژ: ۱۰۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: واصف

چاپ: شریعت

## فهرست مطالب

۱۲	احکام تقلید.....
۲۴	احکام طهارت.....
۲۶	احکام تخلی.....
۲۸	احکام نجاسات.....
۳۵	احکام وضو.....
۴۱	احکام منی.....
۴۲	احکام کفار واهل کتاب.....
۴۳	احکام غسل جنابت.....
۴۷	احکام غسل وکفن و دفن میت.....
۴۹	احکام غسل مس میت.....
۵۰	احکام حیض، استحاضه، نفاس.....
۵۱	احکام تیمم.....
۵۷	احکام نماز.....
۵۸	احکام اذان و اقامه.....
۵۹	شرایط لباس نماز گزار.....
۶۰	مکان نماز گزار.....
۶۱	شکایات نماز.....
۶۲	شرایط امام جماعت :.....
۶۶	احکام نماز قضا.....
۷۶	احکام نماز مسافر.....
۸۴	احکام نماز میت.....
۸۵	احکام نماز استیجاری.....
۸۶	احکام روزه.....
۱۱۰	احکام خمس.....
۱۷۲	احکام زکات.....
۱۸۵	احکام زکات فطره.....
۱۸۸	احکام حج.....

۱۹۶.....	احکام امر به معروف و نهی از منکر.....
۱۹۹.....	احکام خرید و فروش.....
۲۲۱.....	احکام شرکت.....
۲۲۶.....	احکام اجاره.....
۲۳۲.....	احکام هبه.....
۲۵۱.....	احکام رهن.....
۲۵۳.....	احکام صلح.....
۲۵۷.....	احکام وکالت.....
۲۵۹.....	احکام قرض.....
۲۶۸.....	احکام حجر.....
۲۷۲.....	احکام ضمان.....
۲۷۸.....	احکام امانت.....
۲۷۹.....	احکام نکاح.....
۲۹۶.....	احکام زنان که ازدواج با آنان حرام است.....
۲۹۹.....	عیوب موجب فسخ نکاح.....
۳۰۲.....	احکام زنان که شوهران شان مفقود الاثر هستند.....
۳۰۸.....	احکام شیربها (گله).....
۳۱۱.....	شروط ضمن عقد.....
۳۱۴.....	ولایت پدر در ازدواج.....
۳۱۸.....	احکام مهریه.....
۳۲۴.....	احکام طلاق.....
۳۳۱.....	احکام عده.....
۳۳۲.....	اسباب تحریم.....
۳۳۴.....	حقوق اولاد.....
۳۳۶.....	احکام اولاد.....
۳۳۹.....	احکام چیزی که انسان پیدا می کند.....
۳۴۱.....	احکام ذباحه.....
۳۴۷.....	احکام نذر.....
۳۵۱.....	احکام غضب.....

۳۵۸.....	احکام احیای موات .....
۳۶۵.....	احکام حریم.....
۳۷۱.....	احکام وقف.....
۳۸۸.....	احکام وصیت.....
۴۰۲.....	احکام ارث.....
۴۱۸.....	احکام حدود.....
۴۲۰.....	احکام مرتد.....
۴۲۱.....	احکام قصاص.....
۴۲۶.....	احکام دیات.....
۴۳۱.....	سئوالات تخصصی.....
۴۳۳.....	احکام حدود.....
۴۴۱.....	احکام قصاص.....
۴۴۹.....	احکام دیه.....
۴۵۹.....	مسائل متفرقه.....
۴۵۹.....	احکام شطرنج و قمار و .....
۴۶۰.....	احکام رقص و کف زدن و .....
۴۶۱.....	احکام فیلمبرداری ، عکاسی و نقاشی.....
۴۶۲.....	احکام نگاه کردن و معاشرت.....
۴۶۳.....	احکام تعویذ نویسی، رمالی و غیبگویی.....
۴۶۴.....	احکام موسیقی.....















## احکام تقلید

س : ۱ - تقلید ابتدائی از مجتهد میت اعلم جایز است یا نه؟

ج : چنین تقلیدی در غیر امور زعامتی مانعی ندارد.

س : ۲ - اگر چند نفر مجتهد از نظر علمی مساوی باشند واعلمیت برخی از آنها احراز نشود اما فتوای یکی از آنان به احتیاط نزدیک تر باشد، تقلید از جنین مجتهدی تعین پیدا می کند؟

ج : احوط تقلید از مجتهدی است که فتوایش مطابق با احتیاط است

س : ۳ - شخصی بدون اینکه اعلم بودن مجتهدی برایش احراز شود از او تقلید می کند و چندین سال به فتوای او عمل می کند اما بعد از آن کشف می شود که آن مجتهد اعلم نبوده است؟ آیا اعمال گذشته اش قضاء دارد؟

ج : اگر احراز شود که اعمال گذشته اش مطابق با واقع یا مطابق با فتوای مجتهدی که وظیفه او تقلید از آن بوده صحیح است.

س : ۴ - آیا تقلید در بعضی ابواب فقهی از مجتهد متجزی که در ابواب فقهی مورد اجتهادش، اعلم از مجتهد مطلق باشد جایز است؟

ج : تقلید از چنین مجتهدی در آن ابواب لازم است.

س : ۵ - اذادار الامرین من کان اجود استنباطا واکثره فایهما یقدم فی التقلید؟<sup>۱</sup>

ج : یجب التقلید ممن کان اجود استنباطا مع وجود سایر الشرائط.

س : ۶ - اگر مجتهدی که مقلد از او تقلید داشته است از دنیا برود، رجوع به مجتهدی که از نظر علمی مساوی با مجتهد میت است جایز است؟

ج : اگر در بین مجتهدان زنده اعلم از این وجود نداشته باشد، رجوع به او واجب است.

س : ۷ - شخصی از مجتهدی تقلید داشته است که چندین سال است از دنیا رفته است اما برای باقی ماندن به تقلیدش به مجتهد زنده رجوع نکرده است، اعمال گذشته او چه حکمی دارد؟

ج : اگر اعمال گذشته او مطابق با فتوای مجتهد اعلم انجام گرفته باشد صحیح است اعاده و قضا لازم ندارد.

س : ۸ - اگر مجتهدی در باب عبادات اعلم و مجتهد دیگری در باب معاملات اعلم باشد تبعیض در تقلید واجب است یا نه؟

ج : در فرض مذکور تبعیض در تقلید لازم است، باید از مجتهد اعلم در آن باب تقلید شود.

س : ۹ - کسی از مجتهدی تقلید نکرده است اما میداند که آن چه را انجام می دهد مطابق با فتوای یکی از مجتهدین جامع الشرائط است، آیا اعمال او صحیح است یا نه؟

ج : اعمالی چنین کسی محکوم به صحت است.

---

۱ - س : هرگاه امر دائر شود بین دو مجتهد که یکی استنباط خوب دارد و دیگری استنباط زیاد دارد کدام یکی در تقلید کردن مقدم است؟  
ج : تقلید کردن از مجتهدی که خوب استنباط می کند واجب است به شرط که سایر شرایط را دارا باشد .

س : ۱۰ - کسی برای انجام اعمال عبادی و یا غیر عبادی وکیل می شود، اگر وکیل و موکل از دو مجتهد تقلید داشته باشند وکیل اعمال یاد شده را مطابق فتوای مرجع تقلید موکل انجام دهد یا مطابق فتوای مرجع تقلید خودش؟

ج : در عمل غیر عبادی مانند عقد نکاح مثلا اگر وکیل اختلاف فتوی را بداند باید مطابق با فتوای مرجع تقلید موکل انجام دهد و اگر نداند می تواند مطابق با فتوای مرجع تقلید خودش انجام بدهد، ولی عمل به احتیاط احوط است.

س : ۱۱ - کسی اجیر یا نائب می شود که نماز، روزه، حج کسی دیگری را انجام بدهد، اعمال یاد شده را مطابق فتوای مرجع تقلید خود انجام دهد یا مرجع تقلید موجر و منوب عنه؟

ج : عبادات را طبق نظر و فتوای مرجع تقلید خود انجام بدهد.

س : ۱۲ - در رساله های عملیه آمده است که اعمال، بدون تقلید باطل است مگر اینکه این اعمال مطابق با واقع یا مطابق با فتوای مجتهد جامع الشرائط که وظیفه او تقلید از این مجتهد بوده انجام گرفته باشد، مطابقت عمل با واقع چگونه تشخیص داده می شود؟

ج : مطابقت با واقع با رجوع به رساله های عملیه موجود که همه حکم به صحت آن کرده باشند و یا موافق با احتیاط باشد، تشخیص داده می شود.

س : ۱۳ - اگر کسی مدتی طبق فتوای مجتهدی عمل کند بعد از آن رجوع به مجتهد دیگر بکند اگر اعمال گذشته او طبق فتوای مجتهد دوم باطل باشد آیا اعمال او اعاده و قضا دارد؟

ج : اگر تقلید از مجتهد اول موافق موازین شرعی بوده باشد اعاده و قضا ندارد.

س : ۱۴ - اگر کسی از طریق غیر موازین شرعی به اعلمیت مجتهدی یقین پیدا کند، آیا اعلمیت مجتهد برای این شخص ثابت می شود؟

ج : اعلمیت ثابت می شود، چون حجّت یقین، ذاتی است.

س : ۱۵ - با وجود مجتهد اعلم تقلید از مجتهد که فتوای او مطابق با احتیاط است جایز است؟

ج : بلی جایز است.

س : ۱۶ - اگر کسی از طریق غیر موازین که در رساله های عملیه برای اثبات اعلمیت مجتهد آمده است یقین به اعلمیت مجتهدی پیدا کند آیا می تواند از او تقلید کند؟ و یا این که به اهل خبره رجوع کند؟

ج : می تواند تقلید کند، در صورت کشف خلاف و عدم مطابقت عمل او با فتوای مجتهد جامع شرایط که وظیفه اش تقلید از او بوده باز این اعمالی صحیح است مگر خللی به ارکان وارد شده باشد.

س : ۱۷ - کسی از آیت الله حکیم (ره) تقلید داشته است بعد از درگذشت ایشان با اجازه آیت الله خونی (ره) بر تقلید خود باقی می ماند، آیا بعد از درگذشت آیت الله خوئی با اجازه مجتهد زنده می تواند بر تقلید پیشین خود باقی بماند؟

ج : در صورتی که در بعضی مسائل از آیت الله خوئی تقلید کرده باشد، بقاء بر تقلید از آن دو مرحوم با اجازه مجتهد جامع شرایط جایز است.

س : ۱۸ - من تقلید از مجتهدی داشتم که فوت کرده است بعد از فوت ایشان رجوع به مجتهد زنده کردم حالا برایم ثابت شده است که مرجع تقلید فوت شده ام اعلم از مرجع تقلید زنده ام بوده است، آیا دوباره رجوع به مرجع تقلید فوت شده ام می توانم؟

ج : با اجازه مجتهد زنده اعلم می توانید رجوع کنید، رجوع قبلی شما از مرجع تقلید فوت شده به مجتهد زنده برخلاف موازین بوده است.

س : ۱۹ - آیا تقلید از مجتهد جامع شرایط زن، برای مردان و زنان یا زنان تنها، جایز است؟

ج : جایز نیست مگر این که مجتهدی مرد وجود نداشته باشد.

س : ۲۰ - در مسائل که از نظر شما احتیاط واجب است آیا در آن مسائل تقلید از

مجتهد دیگر جایز است؟

ج : در مسائل یاد شده تقلید از مجتهد زنده جایز است البته با رعایت *الاعلم فالاعلم*.

س : ۲۱- در فاصله زمانی فوت مرجع تقلید اعلم و عدم احراز مرجع تقلید اعلم زنده مکلفین وظائف شرعی را چگونه انجام دهند؟

ج : در صورت امکان عمل به احتیاط کنند، وگرنه عمل به فتوای مجتهد فوت شده بکنند.

س : ۲۲ - در بقای بر تقلید از مجتهد فوت شده در میان مراجع محترم تقلید اختلاف نظر وجود دارد: برخی مطلقاً جایز می دانند. بعضی مطلقاً جایز نمی دانند. دسته ای در صورتی عمل به فتوای جایز می دانند. گروهی در صورتی علم به فتوای جایز می دانند. آیا در این مسئله هم تقلید از اعلم واجب است؟

ج : بلی تقلید از اعلم واجب است.

س : ۲۳ - آیا در غیر احکام عبادی و معاملاتی هم تقلید از مجتهد لازم است؟

ج : تقلید در احکام شرعی فرعی واجب است نه در ضروریات و یقینیات.

س : ۲۴ - کسی که تازه به بلوغ می رسد می تواند به پیشنهاد پدر و برادر و... خود از مجتهدی تقلید کند یا خودش موظف به جستجو و تحقیق است؟

ج : اگر می داند از میان چند نفر مجتهد یکی از آنان اعلم است در صورت امکان احوط است که تحقیق کند و اعلم را پیدا کند و اگر از گفتار پدر و برادر و... اطمینان به علمیت یک مجتهد پیدا می کند تحقیق لازم نیست.

س : ۲۵ - اگر اهل خبره در تشخیص علمیت مراجع محترم تقلید اختلاف نظر داشته



باشند وظیفه مکلف چیست؟

ج : مکلف در تقلید از یکی از آنان مخیر است.

س : ۲۶ - آیا درصحت عمل مکلف، انتساب آن عمل به فتوای مرجع تقلیدش لازم است؟

ج : لازم نیست اما بدون استناد عمل به فتوای مجتهد، تقلید تحقق پیدا نمی کند.

س : ۲۷ - کسی که از مجتهدی تقلید کرده است بعداً مدتی قصد رجوع به مجتهد دیگر کرده است درحال که هر دو مجتهد از نظر علمی در نظر این شخص مساوی هستند آیا رجوع جایز است؟

ج : درمسائلی که عمل به فتوای مجتهد اول نکرده است رجوع جائز است.

س : ۲۸ - درشهادت دادن به اعلیمیت مجتهدی عدالت شرط است یا وثاقت کفایت می کند؟

ج : اگر از شهادت ثقات اطمینان حاصل شود کفایت می کند.

س : ۲۹ - شهادت یک نفر ثقه عادل اعلیمیت مجتهدی را ثابت می کند یا نه؟

ج : در صورت حصول وثوق ثابت می کند.

س : ۳۰ - حکم حاکم مطلقاً الزام آور است یا اینکه اعلیمیت حاکم نیز شرط است؟

ج : مطلقاً نافذ است.

س : ۳۱ - نفوذ حکم فقها در طول هم است یا در عرض هم؟

ج : در عرض هم است لکن حکمی که مقدم الصدور است نافذ است.

س : ۳۲ - درصورت صدور دو حکم مختلف در یک زمان از سوی دو نفر مجتهد جامع الشرائط وظیفه مکلف چیست؟

ج : حکم فقیه عدل، افقه، ا صدق، و اورع مقدم است.

س : ۳۳ - درگرفتن و مصرف کردن وجوه شرعی در مواردش، اعلیمیت مجتهد شرط است؟

ج : شرط نیست.

س : ۳۴ - حدود اختیارات ولی فقیه را به طور خلاصه بیان کنید:

ج : همان نیازهای را که مردم به امام (ع) در هنگام حضور دارند، به ولی فقیه جامع الشرائط در زمان غیبت نیز دارند، برخی از وظائف ولی فقیه در زمان غیبت : عبارت است از: ۱ - در صورت فراهم شدن شرائط وظیفه ولی فقیه ایجاد حکومت اسلامی و گسترش عدالت اجتماعی و اجراء احکام اسلامی است. ۲ - فتوا دادن. ۳ - قضاوت با واسطه یا بی واسطه. ۴ - تصدی امور حسبه مانند تصرف در اموال صغار، مجانین، غائبین، نصب متولی برای اوقات، نصب قیّم در صورت نیاز، اخذ وجوهات شرعیّه و مصرف آن. ۵ - ایجاد مراکز آموزش و پرورش و گسترش فرهنگ اسلامی. ۶ - تقویت بنیه اقتصاد جامعه از طریق استخراج معادن و حفّارکاربزه‌ها، برای رفاه و آسایش عمومی.

س : ۳۵ - کسی که پیش از این مقلد امام خمینی (ره) بوده است، آیا می تواند به اتفاق خانواده اش از حضرت عالی تقلید کنند و یا با اجازه شما باقی بر تقلیدش باشد؟

ج : اگر با اجازه این جانب باقی بر تقلیدش بمانند برایش سهل تر و آسان تر است.

س : ۳۶ - آیا تبعیض در تقلید جائز است و در صورت جواز آیا یک نفر در یک باب (مثلاً خمس) می تواند از دو مجتهد تقلید کند؟

ج : در صورت که اعلمیت یکی بر دیگری معلوم نباشد تبعیض در تقلید جائز است.

س : ۳۷ - تقلید از مجتهد چگونه تحقق پیدا می کند؟

ج : با استناد عمل به فتوای آن مجتهد، تقلید محقق می شود.

س : ۳۸ - آیا بقاء بر تقلید مجتهد فوت شده مطلقاً جائز است؟

ج : مطلقاً جائز است.

س : ۳۹ - عمل بدون تقلید و احتیاط چه حکمی دارد؟

ج : اگر مطابق با فتوای مجتهد جامع الشرائط نباشد باطل است.

س : ۴۰ - آیا اجتهاد قابل تجزی است؟

ج : بلی قابل تجزی است.

س : ۴۱ - آیا تقلید از مجتهد متجزی در مسائل مورد تجزی جائز است؟

ج : اگر مخالف با فتوای مجتهد مطلق نباشد جائز است.

س : ۴۲ - تقلید متجزی از مجتهد مطلق، مطلقاً واجب است؟

ج : در مسائل که اجتهاد نکرده است، احتیاط و یا تقلید از مجتهد مطلق کند.

س : ۴۳ - با اجازه مجتهد اعلم، باقی ماندن بر فتوای مجتهد غیراعلم فوت شده جائز است؟

ج : اگر مخالف با فتوای مجتهد اعلم نباشد جائز است.

س : ۴۴ - اگر مجتهد فوت شده تقلید از مجتهد مرده را جائز نداند بقاء بر تقلید او با اجازه مجتهد زنده جائز است یا نه؟

ج : در غیر این مسأله (عدم جواز بقاء بر فتوای مجتهد مرده) بقاء جائز است.

س : ۴۵ - برای چه کسانی تقلید جائز نیست؟

ج : کسانی که استنباط احکام کرده اند جائز نیست تقلید نمایند، اما در صورت داشتن ملکه اجتهاد احوط عمل به احتیاط است.

س : ۴۶ - در تقلید نیت و قصد شرط است یا عمل تنها کفایت می کند؟

ج : استناد عمل به فتوای مجتهدی بدون قصد ممکن نیست.

س : ۴۷ - عدالت در مرجع تقلید حدوثاً و بقاء شرط است و یا حدوثاً کفایت می کند؟

ج : حدوثاً و بقاء شرط است.

س : ۴۸ - آیا اولاد و همسر در تقلید تابع پدر و شوهر هستند؟

ج : استقلال دارند.

س : ۴۹ - آیا علم و یقین غیر اهل خبره به علمیت مجتهدی از هر طریقی که پیدا شده باشد در جواز تقلید از آن مجتهد برایش حجت است؟

ج : حجت است.

س : ۵۰ - انکار مرجعیت و حجیت فتوای فقیه در اسلام سبب ارتداد می شود؟

ج : نمی شود.

س : ۵۱ - حجیت فتوای فقیه طریقت دارد یا سببیت و موضوعیت، و ثمره آن چیست؟

ج : طریقت دارد، بیان ثمره ضرورتی ندارد.

س : ۵۲ - در صورت اختلاف دو مجتهد در علمیت و اورعیت کدام یکی مقدم است؟

ج : اعلم مقدم است.

س : ۵۳ - آیا مقلد ملزم است که و جوه شرعیه را به مرجع تقلید خودش بدهد یا آزاد است و می تواند به مرجع تقلید دیگر ی نیز پرداخت نماید در صورت اختلاف موارد مصرف وجوه شرعی از سوی دو مرجع وظیفه مکلف چیست؟

ج : در صورت اتحاد موارد مصرف وجوه شرعیه از سوی دو مرجع تقلید پرداخت وجوه شرعی به غیر مرجع تقلید خودش اشکال ندارد، اما در صورت اختلاف، موارد اهم مصرف در نظر گرفته شود، اگر موارد اهم تشخیص داده نشود به مرجع تقلید خودش پرداخت کند.

س : ۵۴ - آیا تقلید مجتهد از مجتهد دیگر در غیر احکام شرعی فرعی جائز است؟

ج : سیره قطعیه فقها بر این است که در علوم و موضوعاتی مانند طب و هندسه از افراد اهل نظر و خبره گان در این رشته ها بیروی نموده و به گفته های ایشان اعتماد می نمایند.

س : ۵۵ - اگر زنی به مقام اجتهاد برسد تقلید زنان از او جائز است؟

ج : تقلید در احکام مانعی ندارد، اما زعامت زن در راستای امامت جائز نیست.

س : ۵۶ - اگر زنی به مقام اجتهاد برسد آیا می تواند طبق نظر خودش عمل کند یا از مجتهد مرد تقلید کند؟

ج : می تواند مطابق اجتهاد و نظر خودش عمل نماید.

س : ۵۷ - شهادت زنان اهل خبره اعلمیت مجتهدی را ثابت می تواند؟

ج : شهادت چهار زن عادل و اهل خبره اعلمیت را ثابت می کند.

س : ۵۸ - کسی می تواند اکثر مسائل شرعی را از مجتهدی و بقیه را از مجتهد دیگری تقلید کند؟

ج : در صورت عدم احراز اعلمیت جائز است.

س : ۵۹ - مصلحت هم مانند اعلمیت شرط است در تقلید؟

ج : مصلحت شرط نیست.

س : ۶۰ - آیا آگاهی به زمان در مرجعیت شرط است؟

ج : اگر منظور آگاهی به اوقات باشد مانند سالها، ماهها، روزها، شهباء، ساعات، این آگاهی نه تنها بر مرجع تقلید بلکه بر هر مکلفی واجب است، وگرنه اوقات نماز، روزه، حج، و دیگر تکالیف دینی تشخیص داده نخواهد شد، و اگر منظور آگاهی به مسائل سیاسی زمان است فقها این را شرط ندانسته اند اما معتبر بودن آن مطابق احتیاط است.

س : ۶۱ - هل العلم بالزّمان شرط فی المرجعیة؟

ج : آن کان المراد منه العلم بالاوقات من السنین والاشهر والایام واللیالی و ساعاتها، فیجب علی کل مکلف، العلم بها فضلاً عن المرجع الدینی، والا لا يعرف اوقات الصلوات، و الصوم و الحج و غیرها، و آن کان المراد منه علمه با الاوضاع السیاسیة الموجودة فی عصره، فلم یذکره الفقهاء شرطاً للمرجعیة، الا أن اعتبارها موافق للاحتیاط.

س : ۶۲ - بعد از رحلت امام خمینی (ره) بیشتر مقلدین ایشان طبق نظر مرحوم آیه الله

اراکی (ره) بر تقلید امام خمینی باقی ماندند، بعد از فوت آیه الله اراکی آیا مقلدین امام خمینی (ره) اجازه دارند که بر تقلید خود از ایشان باقی بمانند؟

ج: مقلدین حضرت امام خمینی و آیه الله خوئی (رحمهما الله) که به حسب نظر آیه الله اراکی باقی مانده اند می توانند به نظر این جانب همچنان باقی باشند.

س: ۶۳ - با توجه به مسئله ۸ توضیح المسائل حضرت عالی که بقاء بر تقلید مجتهد اعلم را احتیاطاً واجب می دانید، آیا کسی که مقلد مرحوم آیه الله خوئی (ره) بوده است، با توجه به شیوع اعلمیت ایشان می تواند به شما رجوع کند؟

ج: اگر اعلمیت آیه الله خوئی (ره) برای کسی ثابت است، تنها در بقاء بر تقلید می تواند به اینجانب رجوع نمایند.

س: ۶۴ - با توجه به مسئله ۷ توضیح المسائل حضرت عالی که عمل کردن به دستورات و فتاوی مجتهد را در تحقق تقلید شرط می دانید اگر کسی به حکمی عمل کند که فتوای دو مجتهد در آن حکم مساوی است در عمل این شخص تقلید تحقق یافته است؟ اگر تحقق یافته تقلید از کدام یکی از این دو مجتهد به حساب می آید؟

ج: عمل مستند به فتوای هر کدام باشد تقلید از همان مجتهد تحقق یافته است.

س: ۶۵ - مقلدین امام خمینی و آیه الله خوئی (رحمهما الله) که با اجازه حضرت عالی باقی بر تقلید شان مانده اند تکلیف فرزندان این مقلدین که بعد از فوت آن دو مرجع مکلف شده اند چیست؟

ج: به رساله عملیه اینجانب عمل کنند.

س: ۶۶ - کسی که بعد از رحلت امام خمینی (ره) با اجازه آیه الله اراکی (ره) بر تقلید از امام خمینی باقی مانده است و با توجه به اینکه امام تهران را از جمله (بلاد کبیره) می دانست و در داخل تهران پیش از چهار فرسخ نماز و روزه را قصر می دانست حالا بعد از مرحوم آیه الله اراکی تکلیفش چیست؟

---

ج : می تواند بر تقلید از امام خمینی (ره) باقی بماند.

س : ۶۷ - کسی که بر تقلید از امام خمینی(ره) باقی مانده است می تواند مسائل مستحدثة امام خمینی را برای مقلدین حضرت عالی بیان کند؟

ج : بیان کردن فتاوی امام خمینی (ره) را درمسائل مستحدثة، برای مقلدین اینجانب اشکال و مانعی ندارد، اما آنها نمی توانند به فتاوی ایشان عمل نمایند.

س : ۶۸- کسی که مقلد امام خمینی بوده است و به فتاوی ایشان عمل کرده است آیا می تواند به حضرت عالی رجوع کند، مثلا در روئیت هلال رمضان و شوال و معامله نقدی؟

ج : در روئیت هلال و معامله نقدی در صورتی که مستلزم ربا نباشد می تواند رجوع کند.

س : ۶۹ - مقلد مرجع زنده می تواند به مرجع تقلید دیگر رجوع کند؟

ج : در صورتی که مجتهد دومی اعلم باشد باید رجوع کند، در غیر این صورت نمی تواند.

## احکام طهارت

س : ۷۰ - در رساله های عملی آمده است : اگر کسی استبراء نکند اما مدتی طولانی از بولش بگذرد... " این مدت چند ساعت است؟

ج : اگر اطمینان پیدا شود که آنچه خارج شده از اجزای باقیمانده بول سابق نیست محکوم به طهارت است.

س : ۷۱ - اگر آفتاب از پشت شیشه بر زمین نجس بتابد، زمین پاک می شود؟

ج : پاک نمی شود.

س : ۷۲ - کسی که دندان مصنوعی یا دندان پر شده دارد اگر دهانش نجس شود، تطهیر آن ها نیز واجب است؟

ج : اگر نجاست خارجی وارد دهان شود تطهیر دندان مصنوعی و... بنا بر احتیاط واجب است.

س : ۷۳ - کاغذی که بر آن نام خداوند، پیامبران و ائمه (ع) نوشته شده باشد اگر با قیچی به گونه ای ریز شود که هر قطعه آن دلالت بر معنا نکند مس آن بدون وضو جایز است یا نه؟

ج : مس آنها بدون وضو جایز است.

س : ۷۴ - اگر اسمای جلاله یا صفات مخصوص خداوند با حذف یا اضافه کردن یک حرف تغییر داده شود مس آن بدون وضو جایز است یا نه؟

ج : جایز است.

س : ۷۵ - اگر اسمای جلاله با سیاهی یا رنگ محو شود مس آن بدون وضو جایز است؟

ج : اگر کاملاً محو شود جایز است.



س : ۷۶ - وظیفه مکلف در برابر قرآن پاره های که قابل استفاده نیست چیست؟

ج : مکلف در حالی که طهارت دارد باید آنها را بشوید تا حروف قرآن محو شود و یا این که درجا یک دفن کند تا موجب هتک حرمت قرآن نشود.

س : ۷۷ - مس نام های "عبدالرحمان ! و "عبدالرحیم " و...بدون وضو چه حکمی دارد؟

ج : بدون وضو جایز نیست و در حکم اسمای جلاله است.

س : ۷۸ - اگر نام کسی "خداداد"، "خدابخش"، یا لقب کسی "آقاخدای" باشد مس این اسمای بدون وضو چه حکمی دارد؟

ج : حتی مس این گونه اسمای و القاب بدون وضو جایز نیست.

س : ۷۹ - کفش ها و لباس های دسته دوم (لیلامی) که از خارج وارد می شود چه حکمی دارد؟

ج : لباس های لیلامی در صورت عدم علم به نجاست آن پاک است اما کفش وکت جرمی محکوم به نجاست است.

س : ۸۰ - برخی از کشورهای غیر اسلامی از کشورهای اسلامی چرم می خرنند و آن را با چرم تولیدی خودشان مخلوط می کنند و کفش تولید می کنند و معلوم نیست که کفش های خارجی که به کشورهای اسلامی وارد می شود از کدام نوع چرمهای یاد شده است. پوشیدن این نوع کفش ها چه حکمی دارد؟

ج : اجتناب از همه آنها واجب است.

## احکام تخلی

س : ۸۱ - اگر کسی محل بول را به جای این که دو مرتبه بشوید به خاطر ندانستن مساله یک بار بشوید و همین شیوه هم مدتی طول بکشد نمازهایی که خوانده است قضا یا اعاده دارد؟

ج : اگر در یاد گرفتن مساله کوتاهی نکرده باشد اعاده و قضا لازم ندارد.

س : ۸۲ - آیا بر ولی کودک واجب است که او را رو به قبله یا پشت به قبله بول کردن نگذارد؟

ج : واجب نیست.

س : ۸۳ - اگر کسی فقط در حال استبراء یا استنجاء روبه قبله شود حرام است؟

ج : بهتر است که در حال اختیار از رو و پشت کردن به قبله اجتناب کند.

س : ۸۴ - اگر در حال اضطرار امر دایر باشد بین این که پشت به قبله یا رو به قبله بول شود کدام مقدم است؟

ج : احوط این است که پشت به قبله باشد

س : ۸۵ - اگر تشخیص قبله برای کسی ممکن نباشد و صبر هم حرج یا ضرر داشته باشد وظیفه اش چیست؟

ج : به هر سمتی که رو کند اشکالی ندارد.

س : ۸۶ - بول کردن بر زمین کس دیگری بدون اجازه اش چه حکمی دارد؟

ج : اگر می داند صاحب زمین راضی نیست، جایز نیست.

س : ۸۷ - استفاده از توالت مدارس برای غیر طلبه یا طلبه ای که ساکن در آن نیست چه حکمی دارد؟

---

ج : اگر علم به وقف عام بودن مدرسه ندارد جایز نیست.

س : ۸۸ - آیا محل بول با آب جاری نیز دو بار شسته شود؟

ج : محل بول با آب قلیل باید دوبار شسته شود اما با آب جاری یک بار کفایت می کند.

س : ۸۹ - آب استنجا اگر از بول باشد بر بدن یا لباس بپاشد و دفعه اول باشد مستقیماً بریزد یا اول روی زمین بریزد بعد روی بدن و لباس بریزد پاک است یا نجس؟

ج : اگر زمینی که بر آن آب استنجا ریخته است پاک باشد در جمیع فروض پاک است.

## احکام نجاسات

س : ۹۰ - پوشیدن کفش های چرمی که در کشورهای غیر اسلامی تولید می شود چه حکمی دارد؟

ج : اگر با چرم صنعتی تولید شده باشد محکوم به طهارت و اگر با چرم حیوانی تولید شده باشد باید از آن اجتناب شود.

س : ۹۱- اگر الکل طبی مسکری باشد پاک است یا نجس؟

ج : الکل طبی پاک است اما اگر مست کننده و قابل شرب باشد حرام است

س ۹۲ - آیا لازم است که میزبان، مهمان را از نجس بودن فرش خانه اش آگاه کند؟

ج : نه خیر،

س : ۹۳ - اگر چیزی با بعضی از اطراف شبیهه محصوره با رطوبت مسری ملاقات کند نجس می شود؟

ج : نجس نمی شود.

س : ۹۴ - اگر نخ و دانه های تسبیح نجس شده باشد چگونه تطهیر می شود؟

ج : اگر تسبیح در آب فرورود و فشار داده شود و شستن عرفی صدق کند پاک می شود البته در آب کر و جاری حتی فشار دادن تسبیح هم لازم نیست.

س : ۹۵ - اگر چاه آشپزخانه با توالت یکی باشد جایز است؟

ج : مانعی ندارد اما احتیاطاً ذرات نان نباید در چاه توالت ریخته شود.

س : ۹۶ - اگر دست یا لباس کسی نجس باشد و با لباس و دست کس دیگری تماس پیدا کند لازم است که او را از نجس بودن دست و لباس خود آگاه کند؟

ج : اگر علم یا اطمینان دارد که موضع نجس لباس با اعضای وضو ملاقات و آن را نجس می کند و در صورتی که خودش باعث نجاست شده باشد بنا بر احتیاط باید اعلام کند.

س : ۹۷ - لباس ترک که برای خشک شدن بر روی چوبی پهن شده بود و لباس خشک نجسی با آن ملاقات کرد و شک شد که لباس تر و پاک در هنگام ملاقات خشک شده بود یا نه چه حکمی دارد؟

ج : لباس پاک محکوم به نجاست نیست.

س : ۹۸ - دربرخی از اشیاء مانند جلد قرآن و کتب دیگر و لایه درونی کفش پارچه به کار برده شده است که در هنگام شستن و تطهیر فشار دادن آن امکان ندارد، تطهیر و شستن آنها چگونه است؟

ج : در اشیای یاد شده فشار دادن پارچه لازم نیست اما کوشش شود که با آب کثیر شسته شود.

س : ۹۹ - خرید و فروش کفش، کلاه، لباس و بند ساعت چرمی و مانند آنها که از خارج وارد می شود جایز است یا نه؟

ج : اگر علم به ذبح شرعی حیواناتی که از چرم آنها کفش، کلاه، لباس و بند ساعت ساخته می شود نداشته باشیم، خرید و فروش آن جایز

نیست چون حکم میته را دارد.

س : ۱۰۰ - اگر غذای پاک و حلالی را کافر پخته کند و شک شود که دست و بدن آشپز کافر با غذا تماس پیدا کرده است یا نه، غذای یاد شده پاک است یا نجس؟

ج : اگر علم به تماس نباشد پاک است اما این فرض بعید است که در طول آشپزی دست و بدن کافر با غذا تماس پیدا نکند.

س : ۱۰۱ - پنیرهایی که در کشورهای غیر اسلامی تولید می شود، با آن که علم داریم که از پنیر مایه گوساله، بره یا بزغاله تهیه شده است خوردن این پنیرها چه حکمی دارد؟

ج : این نوع پنیرها محکوم به نجاست نیست مگر اینکه علم به نجاست آن باشد.

س : ۱۰۲ - لباس های نجسی که به خشکشویی ها داده می شود و معلوم نیست که با آب مطلق شسته می شود یا با آب مضاف و کارگر خشکشویی مراعات طهارت و نجاست را می کند یا نه بعد از شستن، آیا این لباس ها پاک است یا نجس؟

ج : باید علم یا اطمینان به طهارت شرعی پیدا شود، وگرنه نجس است.

س : ۱۰۳ - فروش گوشت مشکوک التذکبه جایز است یا نه؟

ج : جایز نیست.

س : ۱۰۴ - اگر پا یا لباس انسان با فرش خانه ای که غالباً اطفال و کودکان بر آن بول می کنند تماس پیدا کند، پا و لباس انسان نجس می شود؟

ج : تا وقتی که علم به تماس پا یا لباس با نقطه نجس پیدا نشده است لباس و پاک انسان محکوم به طهارت است.

س : ۱۰۵ - اگر کسی لباس یا غذای کس دیگری را نجس کند و صاحب لباس و غذا نداند بر نجس کننده واجب است که او را آگاه کند؟

ج : در چیزهایی که طهارت واقعی شرط است باید خبرکند مانند آب

وضوء، غسل آب نوشیدنی و غذا اما اگر لباس و یا فرش و یا بدن کسی را نجس کند لازم نیست او را خبر کنند.

س : ۱۰۶ - اگر کافر کتابی کارگر مسجدی باشد که بدنش با سنگ و خشت و دیگر مصالح ساختمانی مسجد تماس پیدا می کند و تر هم است چه حکمی دارد؟

ج : اجیر کردن کافر برای مسجد بعد از آن که شرعاً مسجد گفته شود جایز نیست اما ساختن قطعات پیش ساخته مسجد به دست کافر اشکالی ندارد به شرط این که بعد از تکمیل کار مسجد تمام جاهایی را که دست و بدن کارگر کافر در حال ترک با آن تماس پیدا کرده است با آب جاری شسته شود.

س : ۱۰۷ - استخدام کافر برای کارهای منزل چه حکمی دارد؟

ج : استخدام کافر جایز است به شرط اینکه دست و بدن تر کافر با چیزهایی که طهارت در آن ها شرط است تماس پیدا نکند اما اجتناب از استخدام آنها بهتر است. س ۱۰۸ - آبی که از دامنه برف در پشت بند ها جمع می شود و آب زیاد و جاری هم است اگر فضله موش در آن دیده شود حکمش چیست؟

ج : اگر کسی که از این آب استفاده می کند علم دارد به این که فضله موش از آغاز آب شدن برف همراه این آب بوده است باید اجتناب کند و اگر علم به ملاقات ندارد آب پاک است.

س : ۱۰۹ - آیا عرق شخص جنب از حرام در هنگام جنب شدن و بعد از آن، پیش از غسل مطلقاً نجس است یا عرق این دو زمان (هنگام جنب شدن و بعد از آن) تفاوت دارد؟

ج : اقوی طهارت و پاکی عرق جنب از حرام است ولی نماز با آن جائز نیست (بنا بر قول به نجاست مطلقاً نجس است).

س : ۱۱۰ - کفش ها و لباس های جرمی که از خارج وارد کشورهای اسلامی می شود

چه حکمی دارد؟ در حالیکه معلوم نیست از پوست حیوانات تزکیه شده ( حیواناتی که ذبح شرعی شده باشد) ساخته شده است یا نه.

ج : محکوم به نجاست است. استفاده نکردن از آن احوط است.

س : ۱۱۱ - کارخانه های مقواسازی که کاغذ های باطله، کتاب و قرآن را تخمیر و تبدیل به کارتن می کند آیا این کار جایز است. در صورت جواز آیا تطهیر قرآن های آلوده به نجاست پیش از تخمیر واجب است؟

ج : تطهیر قرآن واجب، تخمیر آن جایز اما توهین به قرآن و زیر پا کردن آن حرام است.

س : ۱۱۲ - استفاده از ظروفی که اسم خدا و نام های مبارک انبیاء و ائمه (ع) بر آنها حک و نوشته شده است چه حکمی دارد؟

ج : در صورتی که استفاده باعث نجس شدن این ظروف نگردد اشکال ندارد.

س : ۱۱۳ - حوض آبی است که به واسطه لوله از منبع آب بر شود. در صورتی که آب کمتر از حد کر در این حوض جمع شده باشد و آب از منبع قطع شده باشد تنها آب باقیمانده از داخل لوله در حوض بریزد آیا می شود که با این آب حوض وضو گرفت و یا لباس شست؟

ج : اگر به مقدار کر است وضو و تطهیر لباس نجس جایز است اما اگر آب حوض کمتر از کر است و پاک، وضو گرفتن، شستن دست و صورت، با آن مانعی ندارد اما از ملاقات با نجاست اجتناب شود.

س : ۱۱۴ - دو توده برف است که در فصل بهار آب می شود و آب آن در مسیر فرود آمدن یک جا می شود و تقریباً به اندازه ثلث آب آسیاب می رسد اگر بر روی یکی از این توده ها فضله موش دیده شود این آب چه حکمی دارد؟

ج : اگر آب توده برفی که فضله موش ندارد پیش از یک جا شدن با آب توده برفی که فضله موش دارد به اندازه کر باشد. آب پاک است زیرا آب نجس با



ملاقات با آب کر پاک می شود و اگر به اندازه کر نباشد همه آن آب نجس است.

س : ۱۱۵ - کاغذ کتابها و قرآن های آلوده به نجاست در منبع تخمیر انداخته می شود آب این منبع همیشه مضاف است البته همین منبع متصل به لوله آب شهری هم است آیا این آب نجسی است و در صورت پاشیده شدن همین آب بر بدن و لباس، نماز با آن جایز است یا نه؟

ج : آب مضاف با ملاقات نجس، نجس می شود هر چند که به آب کر یا جاری متصل باشد. در صورت پاشیده شدن بر بدن و لباس، آنها هم نجس می شود ولی انداختن و خمیر کردن قرآن با آب نجس حرام است.

س : ۱۱۶ - آبی که از کارخانه ها، حمام ها و خانه های مسکونی به صورت نهر و جویی با رنگ و بوی مخصوص جاری می شود چه حکمی دارد؟

ج : اگر علم و یقین به نجاست آن نیست پاک است اما احتیاطاً اجتناب شود.

س : ۱۱۷ - در روزنامه ها، مجلات و نشریات گاهی نام مبارک پیامبر(ص) و امام (ع) دیده می شود اگر همین روزنامه ها و مجلات را کسی در سطل های زباله ببیند وظیفه اش چیست؟

ج : اگر اوراق قرآن مجید یا نام های مبارک پیامبر(ص) و امامان (ع) در معرض نجاست و اهانت دیده شود باید تطهیر و جمع آوری شود.

س : ۱۱۸ - نوشیدن آب برفی که در گودال ها جمع شده است چه حکمی دارد؟

ج : اگر علم و یقین به نجاست آن نباشد، جایز است.

س : ۱۱۹ - می گویند( کسی که نماز نمی خواند کافر است.) آیا نجس هم است؟

ج : نجس نیست.

س : ۱۲۰ - اگر فضله موش در برف دیده شود استفاده از آب این برف چه حکمی دارد؟

ج : به طور کلی اگر انسان علم به ملاقات با نجاست در هنگام آب شدن برف داشته باشد باید از آن اجتناب شود.

س : ۱۲۱ - اگر کسی مخرج بول و غایط خود را با آب تطهیر نکند و وضو بگیرد آیا نمازش صحیح است؟

ج : باطل است.

س : ۱۲۲ - در طولیه های سر پوشیده که آفتاب نمی تابد و در آن گاو و گوسفند، گوساله و بره می زاینند و خون و نجاست آن به طور کلی پاک نمی شود بلکه در گوشه و کنار طولیه می ماند و از سوی دیگر فضوله حیوانات تر است و نجاست همه جا سرایت می کند، اگر به انسان برسد نجس می کند و علاوه بر این پستان های گاو شیرده که با این فضله تماس پیدا می کند و در هنگام دوشیدن شسته نمی شود اگر چه که امکان شستن وجود دارد، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج : اگر یقین به آلوده بودن کود حیوانی به خون زاییدن گاو و گوسفند است نجس است. پستان گاو شیرده اگر عین نجاست در آن نباشد و یقین به نجاست نباشد باکا است.

س : ۱۲۳ - در فصل زمستان که همه جا را برف می گیرد اگر کسی در دور و اطراف تریه در جاهای که اختصاص به رفع حاجت (توالت) داده شده است کف کفش انسان نجس شود و خاکی هم نیست که با قدم زدن بر آن کفش پاک شود و معمولاً کفش ها شسته نمی شود و در مسیر راه برف ها نجس می شود و همان برف ها با لباس آدم تماس پیدا می کند آیا لباس نجس می شود و برای نماز باید شسته شود؟

ج : اگر یقین به نجاست پیدا شود نجس می شود و اگر شک به نجاست پیدا شود تطهیر لازم نیست.

## احکام وضو

س : ۱۲۴ - اگر کسی پیش از مسح، شیر تر آب را ببندد و بعداً مسح کند وضویش صحیح است؟

ج : در صورتی که با همان انگشتان که شیر را بسته است مسح کند وضویش باطل است. اما اگر بعد از ریختن آب بر دست چپ بلافاصله شیر را ببندد، و بعد از کشیدن دست راست بر دست چپ مسح سرو پا را انجام دهد وضویش صحیح است.

س : ۱۲۵ - آیا یک یا نیم ساعت قبل از رسیدن وقت نماز می توان به نیت نماز وضو گرفت؟

ج : به قصد آمادگی و تهییؤ برای نماز قربتاً الی الله اشکالی ندارد اما نباید قصد وجوب شود، احوط این است که وضو قبل از وقت نماز دائماً به قصد قربت مطلقه انجام شود.

س : ۱۲۶ - کسی که برای تلاوت قرآن وضو گرفته است می تواند با همان وضو نماز بخواند؟

ج : می تواند نماز بخواند.

س : ۱۲۷ - غسل های واجب و مستحب (غیر از غسل جنابت) از وضو کفایت می کند؟

ج : کفایت نمی کند.

س : ۱۲۸ - اگر زخمی در اعضای وضو باشد که آب ضرر داشته باشد وضوی جبره واجب است یا تیمم؟

ج : وضوی جبره واجب است. ضمیمه تیمم به وضو احوط است.

س : ۱۲۹ - اگر وضو برای کسی عسر و حرج داشته باشد، برای وضو نایب بگیرد یا تیمم کند؟

ج : در صورت امکان نایب بگیرد وگرنه تیمم کند.

س : ۱۳۵ - اگر در وضو چند بار آب روی دست ها بریزد و هر بار آب تمام نقاط دست را فرا نگیرد، و با دست هم نمالد آیا چنین وضویی صحیح است؟

ج : اگر هر بار آب تمام دست را فرا نگیرد و با دست هم آب را به تمام عضو نرساند چند بار آب ریختن اشکالی ندارد اما احوط این است که پیش از دو بار نباشد.

س : ۱۳۱ - اگر بعضی از اعضای وضو قطع شده باشد شستن باقیمانده آن عضو واجب است؟

ج : شستن باقی واجب است.

س : ۱۳۲ - در صورت شک به رضایت صاحب آب، وضو گرفتن با چنین آبی چه حکمی دارد؟

ج : در غیر نه‌های بزرگ اظهار عدم جواز است مگر این که سیره مسلمین جاری باشد.

س : ۱۳۳ - اگر دست از مرفق قطع شود شستن بالای مرفق در وضو واجب است؟

ج : شستن بالای مرفق واجب نیست. اگر چند که احوط است.

س : ۱۳۴ - اگر کسی در یک بازو دو تا دست داشته و دست اصلی را تشخیص داده نتواند حکم وضوء و مسح چیست؟

ج : شستن هر دو دست و مسح با هر دو دست واجب است.

س : ۱۳۵ - آیا در وضوء همه مرفق باید شسته شود؟

ج : بلی.

س : ۱۳۶ - کسی که هر دو دستش از مرفق قطع شده است وظیفه اش وضو است یا تیمم؟

ج : صورت باید شسته شود اما شستن عضدین اولی و احوط است.

س : ۱۳۷ - ریختن آب بر دست و صورت کس دیگری برای وضو چه حکمی دارد؟

ج : ترک آن احوط است.

س : ۱۳۸ - وضو گرفتن با آبی که برای رفع حدث اصغر یا اکبر به کار رفته است جایز است؟

ج : وضو با آبی که برای رفع حدث اصغر به کار رفته جایز است، اما ترک وضو با آبی که برای رفع حدث اکبر به کار رفته است در صورتی که آب دیگر موجود باشد، احوط است.

س : ۱۳۹ - وضو با آب استنجا که محکوم به طهارت باشد جایز است؟

ج : اگر آب دیگر موجود باشد احتیاط در ترک آن است.

س : ۱۴۰ - در صورت یقین به ضرر استعمال آب، اگر کسی وضو بگیرد صحیح است؟

ج : صحیح نیست.

س : ۱۴۱ - وضو برای سرد شدن بدن صحیح است؟

ج : اگر قصدش وضو گرفتن برای رضای خداوند باشد و در ضمن بدنش هم سرد شود وضو صحیح است و اگر هدف اصلی تنها سرد شدن بدن باشد وضو باطل است.

س : ۱۴۲ - کسی با اعتقاد بر این که وضو دارد باز برای نماز وضو می گیرد اما بعداً معلوم می شود که وضوی نخست نقض شده است، وضوی دوم کفایت می کند؟

ج : کفایت می کند.

س : ۱۴۳ - اگر کسی یقین دارد که - قبلاً - محدث بوده است، یقین بوضو هم دارد اما تقدم و تاخر را نمی داند حکم چیست؟

ج : محدث است.

س : ۱۴۴ - برای انجام سجده سهو وضو معتبر است؟

ج : احتیاط در وضو است.

س : ۱۴۵ - اگر کسی با آفتابه برای وضو بردست کس دیگری آب بریزد، وضو صحیح است؟

ج : صحیح است اما کمک گرفتن در وضو مکروه است.

س : ۱۴۶ - اگر آب مباح در ظرف غضبی باشد وضو جایز است؟

ج : وضو جایز نیست، در صورت عصیان وضو صحیح است، ولی وضو ارتعاسی در آن باطل است.

س : ۱۴۷ - وضو و نماز در مکان غضبی - در صورت اکراه و اضطرار - چه حکمی دارد؟

ج : در صورت که اکراه و اضطرار تا پایان وقت نماز رفع نشود اشکال ندارد.

س : ۱۴۸ - مهمان یقین به غضبی بودن آب میزبان دارد اما فراموش می کند و با آن آب وضو می گیرد و نماز می خواند وضو و نمازش چه حکمی دارد؟

ج : وضو و نمازهای که خوانده شده است صحیح است، اما برای نمازهای آینده با آب مباح وضو بگیرد.

س : ۱۴۹ - اگر خود غاصب فراموش کرد که آب وضویش غضبی است نمازش صحیح است؟

ج : وضو و نمازش باطل است.

س : ۱۵۰ - در تنگی وقت که وظیفه مکلف تیمم است اگر کسی وضو بگیرد چه حکمی دارد؟

ج : اگر عمداً بجای تیمم وضو بگیرد باطل است، اما در صورت جهالت صحیح است.

س : ۱۵۱ - کسی وضو می گیرد و نماز می خواند اما بعداً معلوم می شود که آب غضبی، یا نجسی، بوده است آیا نمازش صحیح است؟

ج : وضو با آب نجس مطلقاً باطل است ولی وضو با آبی که در واقع غضبی است اما شخص علم به غضبی نبودن آب دارد و با آن وضو می گیرد بعداً کشف می شود که علم به غضبی نبودن مطابق با واقع نبوده است وضوی که گرفته صحیح است.

س : ۱۵۲ - با وضو و غسل جبیره ای بعد از بهبودی زخم می توان نماز خواند؟

ج : اگر وقت تنگ باشد اشکالی ندارد و اگر وقت وسیع باشد باید وضو و غسل غیر جبیره ای کند.

س : ۱۵۳ - آیا وضو، کراهت خوردن و آشامیدن شخص جنب را رفع می تواند؟

ج : بلی رفع می تواند.

س : ۱۵۴ - اگر کسی در اثناء نماز شک کند که وضو دارد یا نه وظیفه اش چیست؟

ج : اگر حالت سابقه او طهارت است نمازش صحیح است، و اگر حالت سابقه او عدم طهارت است نماز را قطع کند و بعد از وضو نماز بخواند، و اگر حالت سابقه اش را نداند احتیاطاً نماز را تمام کند و بعد از وضو اعاده کند و اگر وقت نماز ضیق باشد نماز را قطع کند و بعد از وضو دوباره بخواند.

س : ۱۵۵ - در صورت نبودن آب و یا ضرر داشتن آن وظیفه مکلف تیمم است آیا بعد از برطرف شدن این دو عذر می تواند با همان تیمم پیشین نماز بخواند؟

ج : باید وضو بگیرد.

س : ۱۵۶ - با خروج مذی، ودی، ودی، وضو وغسل نقض می شود؟

ج : بعد از استبراء و یا بعد از گذشت مدت طولانی از زمان بول اگرچه استبراء هم نکرده باشد رطوبت یاد شده پاک است و موجب نقض وضو نمی شود.

س : ۱۵۷ - کسی که به خاطر شکستگی پایش گچ گرفته شده است و در هنگام مسح وضو نمی تواند دستش را به پایش برساند وظیفه اش چیست؟

ج : - باید نایب بگیرد و - احتیاطاً - تیمم هم بکند.

س : ۱۵۸ - کسی که هر دو دست خود را از دست داده و وظیفه اش تیمم است چگونه تیمم کند؟

ج : احوط این است که خودش پیشانی اش را به زمین بمالد و نایب هم بگیرد.

س : ۱۵۹ - اگر یکی از دست های کسی قطع شده باشد مثلاً دست راست، آیا مسح پاک راست ساقط می شود؟

ج : نه خیر! با دست چپ به ترتیب سر، پای راست و پای چپ مسح می شود و همچنین اگر دست چپ قطع شده باشد.

س : ۱۶۰ - اگر در هنگام مسح با از سر انگشتان تا بر آمدگی با مسح نشد و مقداری قطع شد این مسح درست است؟

ج : مسح باطل است اما اگر بار دیگر مسح کند و قطع نشود وضو صحیح است.

س : ۱۶۱ - اگر جاهای مسح (جلو سر و پشت باها) تر باشد و وقت نماز هم تنگ باشد وظیفه مکلف چیست؟

ج : وظیفه مکلف تیمم است.

س : ۱۶۲ - اگر در هنگام خواندن نماز در یکی از اعضای وضو مانعی دیده شود وظیفه مکلف چیست؟

ج : اگر احتمال می دهد که در هنگام وضو ملتفت بوده است و مانع را برطرف کرده و بعداً مانع حادث شده است وضو و نمازش صحیح است.

س : ۱۶۳ - آیا وضو گرفتن پیش از وقت نماز جایز است؟

ج : اگر وقت نماز نزدیک باشد یا وقت نماز دور است اما به نیت این که با طهارت و وضو باشد وضو بگیرد نماز با آن جایز است

س : ۱۶۴ - طبق فتوای شما که در مسح پاها ترتیب را احتیاط واجب می دانید اگر کسی مدتی از روی جهل به مساله ترتیب را مراعات نکرده باشد نمازهایش اعاده یا قضاء دارد؟

ج : اعاده و قضا ندارد.

س : ۱۶۵ - اگر بر اثر گرما رطوبت در دست انسان برای مسح سر و پا باقی نماند چکار کند؟

ج : از ریش خود آب بگیرد و اگر ریش ندارد از آبروهای خود آب را بگیرد.

س : ۱۶۶ - وضو گرفتن زنان در جایی که نامحرم او را می بیند در حالی که می توانند دور از نظر نامحرم وضو بگیرند چه حکمی دارد؟

ج : وضویشان صحیح است اما گناه کرده اند.

س : ۱۶۷ - وضو گرفتن با کفش های غضبی چه حکمی دارد؟

ج : وضو صحیح است اما تصرف در مال غضبی حرام است بنابراین در هنگام مسح پاها، پاها برکفش غضبی گذاشته نشود.



---

## احکام منی

س : ۱۶۸ - بعد از بول اگر رطوبتی مانند منی خارج شود آیا حکم بول را دارد و یا حکم منی را دارد که موجب غسل میشود؟

ج : منی سه تا نشانه دارد : ۱ - هنگام خروج همرا با لذت است. ۲ - هنگام خروج جهش دارد. ۳ - بعد از خروج آن بدن سست می شود. اگر این نشانه ها را نداشته باشد منی نیست.

س : ۱۶۹ - اگر هنگام استبراء آب لعاب دار تیره رنگ خارج شود نجس است یا پاک؟

ج : آب که در هنگام استبراء بیرون می آید به خاطر مخلوط بودن با بول نجس است و اگر یکی از نشانه های منی را نداشته باشد منی نیست.

س : ۱۷۰ - کسی در خواب محتلم می شود و منی از او خارج نمی شود اما در هنگام استنجا یا استبراء آبی تیره رنگ به رنگ بول از او خارج می شود چه حکمی دارد؟

ج : اگر علامت های منی را نداشته باشد منی نیست.

---

### احکام کفار واهل کتاب

س : ۱۷۱ - غذا خوردن، معاشرت و کارکردن با اقلیت های دینی مانند زردشتی ها و مسیحی ها، هندوها، بودائی ها، مجوسی ها، یهودی ها و...چه حکمی دارد؟

ج : کافران و مشرکان محکوم به نجاست هستند.از غذاهای آنان پرهیز شود اما کارکردن و دست مزد گرفتن از آن ها در صورتی که تقویت آنان و تضعیف اسلام نباشد اشکالی ندارد.

## احکام غسل جنابت

س : ۱۷۲ - آیا زن محتلم می شود و در صورت احتلام غسل واجب است؟

ج : اگر منی خارج شود غسل واجب است.

س : ۱۷۳ - اگر محتلم بداند که دست رسی به آب برای غسل و خاک برای تیمم ندارد و تا ظهر بدون غسل و تیمم می ماند وظیفه او در برابر نماز چیست؟

ج : در صورت فقدان خاک باید برسنگ یا ریگ تیمم کند و نماز بخواند.

س : ۱۷۴ - امکانات غسل جنابت برای مهمان محتلم فراهم است اما احتمال می دهد که اگر غسل کند میزبان نسبت به ادب و اخلاق مهمان و اهل خانه خودش بدگمان شود، اگر تیمم کند لباس پاک برای نماز ندارد، در این صورت وظیفه او چیست؟

ج : این گونه احتمالات مجوز تیمم نمی شود و باید غسل کند و با همان لباس نجس نماز بخواند اگر لباس پاک تهیه نتواند.

س : ۱۷۵ - اگر برای مهمان محتلم غسل امکان داشته باشد اما تطهیر لباس امکان نداشته باشد وظیفه چیست؟

ج : غسل کند و با همان لباس نماز بخواند. نمازش صحیح است.

س : ۱۷۶ - اگر مهمانی محتلم شود دست رسی به آب نداشته باشد در صورتی که آب را از صاحب خانه بپرسد احتمال دارد درباره مهمان بدگمان شود و مورد اتهام

قرار بگیرد، اگر با تیمم نماز بخواند لباس پاک ندارد و اگر عریان شود ساتر برای عورت ندارد. در این صورت وظیفه اش چیست؟

ج : احتمالات یاد شده مانع از سؤال نمی شود زیرا احتلام امر طبیعی است و با همان لباس نماز بخواند.

س : ۱۷۷ - اگر محتلم آب برای غسل و سنگ و ریگ برای تیمم ندارد وظیفه اش چیست؟

ج : برگرد و غبار فرش و لباس تیمم کند. اگر این هم امکان نداشته باشد با همان حالت جنب نماز بخواند اما بعد از یافتن آب غسل کند و قضای نمازش را بخواند.

س : ۱۷۸ - کسی که در غسل واجب نخست تن و پس از آن سرگردن را می شسته است با اعتقاد اینکه غسل صحیح همین است اما بعد می فهمد که در اشتباه بوده است وظیفه چیست؟

ج : غسل و اعمال گذشته او باطل. قضای نماز و روزه بر او واجب است.

س : ۱۷۹ در غسل جنابت بعد از ریختن آب مالیدن دست هم شرط است؟

ج : شرط صحت غسل نیست، اما مستحب است.

س : ۱۸۰ - اگر کسی غسل جنابت کند و نماز صبح را با آن بخواند اما ظهر متوجه شود که مانعی از رسیدن آب در بدنش بوده است نمازش چه حکمی دارد؟

ج : قضای نماز صبح را بعد از غسل انجام دهد.

س : ۱۸۱ - آیا تا عده تجاوز در وضو، غسل و تیمم مانند نماز جاری می شود؟

ج : قاعده تجاوز جاری نمی شود اما قاعده فراغ جاری می شود.

س : ۱۸۲ - اگر کس غسل کند و دیگری بر او آب بریزد اعانت بر غسل حساب می شود؟

ج : اعانت حساب نمی شود.

س : ۱۸۳ - اگر در هنگام غسل حدث اصغر صادر شود وظیفه غسل کننده چیست؟

ج : احتیاطاً دوباره غسل کند و وضو هم بگیرد.

س : ۱۸۴ - اگر چند تا غسل بر انسان واجب باشد یک غسل معین از همه آنها کفایت می کند؟

ج : بله ! کفایت می کند اما اگر نیت همه غسل ها را بکند ثواب همه غسل ها را می برد.

س : ۱۸۵ - کسی که جاهل بوجوب غسل جنابت یا جاهل به مبطل بودن جنابت در شب برای روزه فردا باشد و در همین حال روزه بگیرد آیا قضا و کفاره بر او واجب است یا نه؟

ج : اگر شخص جنب علم به خروج منی قبل از طلوع فجر داشته فقط قضاء بر او واجب است.

س : ۱۸۶ - اگر کسی غسل جنابت انجام داده و بعد از طلوع فجر بطالان غسلش کشف شد آیا روزه اش صحیح است یا باطل؟

ج : روزه اش باطل است و قضاء بر او واجب است ولی کفاره واجب نیست.

س : ۱۸۷ - کسی که قضاء رمضان بر او واجب است آیا می تواند تبرعاً برای میتی روزه بگیرد یا نه؟

ج : در فرض سوال روزه تبرعی برای میت نمی تواند بگیرد.

س : ۱۸۸ - اگر کسی (مهمانی) در مسجد که از آن به عنوان مهمان خانه عمومی و خوابگاه هم استفاده می شود محتلم شود، به خاطر سردی هوا یا نبودن آب و جای غسل - فوراً - غسل نکند چه حکمی دارد؟

ج : اگر امکان دارد از مسجد بیرون رود. وگرنه تیمم کند، همان جا بماند.

س : ۱۸۹ - آیا ید غسل واجب، از چند غسل واجب کفایت می کند؟

ج : اگر یک غسل واجب به قصد چند غسل واجب یا به قصد یکی از آنها انجام شود کنایت می کند.

س : ۱۹۰ - اگر در غسل های ترتیبی واجب فاصله ای میان شستن سر و پهلوی راست به اندازه باز کردن (در) یامانند آن ایجاد شود چه حکمی دارد؟

ج : شستن درباره سر و گردن واجب نیست باید اعضای دیگر شسته شود و فاصله اشکال ندارد.

س : ۱۹۱ - اگر کسی بعد از غسل متوجه شود که مانعی از رسیدن آب به پوست بدن او

---

وجود داشته است اما نمی داند که مانع پیش از غسل بوده است یا بعد از غسل پیدا شده است دوباره غسل کند؟

ج : اگر احتمال می دهد که در هنگام غسل توجه و التفات به مانع داشته است غسل صحیح است.

س : ۱۹۲ - اگر کسی بعد از وضو شک کند که یکی از اعضاء وضو که نجس بود، پیش از وضو آن را تطهیر کرده است یا نه چه حکمی دارد؟

ج : اگر احتمال التفات به مانعیت نجاست در هنگام وضو بوده است صحیح است اما برای اعمالی که طهارت لازم دارد عضو نجس باید شسته شود.

## احکام غسل و کفن و دفن میت

س : ۱۹۳ - در درگیری های گروه ها برخی از جنگجویان آنها کشته می شوند و آنها را بدون غسل و کفن به عنوان شهید دفن می کنند آیا این کار درست است؟

ج : کشته شده ها شهید حساب نمی شوند.

س : ۱۹۴ - اگر ممائلی از جنس خود میت یا محرمی برای میت وجود نداشته باشد چگونه غسل داده می شود؟

ج : غسل ساقط می شود.

س : ۱۹۵ - اگر کفنی برای میت پیدا نشود و کسی هم نباشد که او را کفن کند وظیفه اش چیست؟

ج : اگر حتی پوست حیوان حلال گوشت هم برای کفن میت نباشد، با پوشاندن عورتین بدون کفن دفن می شود.

س : ۱۹۶ - اگر بر اثر زمین لرزه یا حادثه دیگر مرده ها زیاد و وقت تنگ باشد و غسل دادن و کفن کردن مرده ها معطلی داشته باشد و در این صورت مرده ها متعفن شوند وظیفه چیست؟

ج : مرده ها تیمم داده و دفن شوند.

س : ۱۹۷ - اگر بر اثر بمباران و... بدن مرده ای متلاشی شود و اعضای تیمم هم نداشته باشد وظیفه چیست؟

ج : اگر قابل شستن با آب و حنوط نباشد، قطعات بدن مرده را در کفنی پیچیده و نماز میت بر او خوانده، دفن کنند.

س : ۱۹۸ - اگر بر اثر آتش سوزی تنها استخوانی از میت باقی مانده باشد وظیفه چیست؟

ج : باید همه احکام میت (غسل، کفن، حنوط، نماز و دفن) انجام شود.

س : ۱۹۹ - آیا نوشتن آیات قرآن، دعا و نام های چهارده معصوم بر کفن میت جایز است؟

ج : اگر مورد هتک حرمت قرار داده نشود جایز است ولی بهتر است آیات قران و... بر پارچه ای نوشته و بر بالای سر و سینه میت قرار داده شود.

س : ۲۰۰ - آیا مومیایی کردن بدن میت مسلمان جایز است؟

ج : جایز نیست.

س : ۲۰۱ - آیا استحباب ریختن آب و گلاب یا کشیدن خط بر روی قبر ثابت شده است؟

ج : ریختن آب خوب است اما استحباب موارد دیگر ثابت نشده است.

س : ۲۰۲ - آیا دفن زن و مرد نامحرم در یک قبر به خاطر ضرورت جایز است؟

ج : دفن مرد و زن نامحرم در یک قبر جایز است به شرط این که خلاف نظر واقف گورستان یا ولی میت نباشد.

س : ۲۰۳ - در غسل های سه گانه میت ید نیت کفایت می کند یا سه تا نیت شود؟

ج : یک نیت که همان ارتکاذ ذهنی است کفایت می کند.

س : ۲۰۴ - اگر آب به اندازه یک غسل میت بیشتر نباشد و دو غسل دیگر را کفایت نکند وظیفه چیست؟

ج : به جای دو غسل دیگر باید میت تیمم داده شود..

س : ۲۰۵ - اگر مسلمانی با لباس خودش، بدون غسل، کفن، حنوط و نماز دفن شود وظیفه چیست؟

ج : اگر بدن میت متلاشی نشده باشد نبش قبرکنند و احکامی که درباره یک میت مسلمان است اجراء شود و اگر بدن بوگرفته نماز میت بر قبر او خوانده می شود اما غسل و کفن و حنوط ساقط می شود.

س : ۲۰۶ - عضوی از اعضای میت مسلمانی پیدا شود اما فهمیده نشود که از زن است یا از مرد چه کسی او را غسل بدهد؟

ج : بنا بر احتیاط عضو یاد شده از بالای لباس غسل داده شود. زن غسل بدهد یا مرد فرقی ندارد و اقوی جواز غسل آن است بدون لباس.



### احکام غسل مس میت

س : ۲۰۷ - اگر کسی شک کند که پیش از سرد شدن، میت را مس کرده است یا بعد از سرد شدن، غسل بر او واجب است؟

ج : واجب نیست.

س : ۲۰۸ - اگر کسی میتی را مس کند و شک کند که مس پیش از تمام شدن غسل بوده است یا بعد از غسل وظیفه اش چیست؟

ج : غسل واجب است.

س : ۲۰۹ - آیا غسل مس میت از وضو کفایت می کند؟

ج : کفایت نمی کند.

س : ۲۱۰ - اگر زنی طفل مرده ای به دنیا آورد علاوه بر غسل نفاس، غسل مس میت هم بر او واجب است؟

ج : بله، اما یک غسل به نیت هر دو کفایت می کند و اگر نیت یکی را بنماید نیز از هر دو کفایت می کند.

س : ۲۱۱ - اگر غسل مس میت بر کسی واجب باشد و بعد از مدتی شک کند که غسل کرده است یا نه نمازهایش چه حکمی دارد؟

ج : اگر بعد از واجب شدن غسل مس میت یکی از غسل های واجب مانند غسل جنابت را انجام داده باشد از غسل مس میت هم کفایت می کند و نمازهایش صحیح است اما اگر یقین به انجام یکی از غسل های واجب ندارد اما احتمال می دهد نمازهای گذشته اش محکوم به صحت است اما برای نمازهای آینده باید غسل کند.

## احکام حیض، استحاضه، نفاس

س : ۲۱۲ - دخترانی که شوهر نکرده اند استحاضه می شوند؟

ج : دختر باکره ممکن است استحاضه شود مانند اینکه از سه روز کمتر و ده روز بیشتر خون ببیند.

س : ۲۱۳ - خانمی در ماه رمضان خون می بیند، بعد از خون ریزی روزه می گیرد اما دوباره خونریزی آغاز می شود، ماه رمضان به همین ترتیب تمام می شود، وقتی می خواهد قضای روزه را بگیرد باز گرفتار خونریزی می شود. این خون چه حکمی دارد و وظیفه این خانم چیست؟

ج : اگر عادت وقتیه دارد ایام عادت را حیض حساب کند و بقیه را استحاضه و به احکام زن مستحاضه عمل کند بعد از ایام حیض اگرچه خون قطع نشود باید نماز بخواند و روزه بگیرد، در ماه های دیگر نیز به همین ترتیب عمل کند.

س : ۲۱۴ - خانمی چند سال عادت عددیه داشته است، اول هرماه سه روز خون می دیده است بعد از آن سه، چهار، روز قطع می شده است دوباره یک، یا یک روز و نیم، خون می دیده است، حالا در هرماه دو روز، یا دو روز و نیم، خون می بیند بعد از آن تا سه، چهار روز قطع می شود، دوباره یک روز خون می بیند، با توجه به اینکه در سن حیض شدن است حیض به شماری آید یا مستحاضه؟

ج : اگر سه روز متصل خون نیاید حیض نیست.

س : ۲۱۵ - آیا وطی از عقب در حال حیض و غیر حیض برای شوهر جایز است؟

ج : در حال حیض احتیاط - در ترک است، در غیر آن شدیداً کراهت دارد.

س : ۲۱۶ - شخص جاهل به مسأله اگر با زنش در حال حیض نزدیکی کند چه حکمی دارد؟

ج : کفاره بر او واجب نیست.

## احکام تیمم

س : ۲۱۷ - کسیکه وظیفه اش تیمم است به خاطر شکسته کی دست برای مسح به پیشانی نمی رسد چه گونه تیمم کند؟ و در تیمم باید دست بر خاک زده شود یا گذاشتن دست بر خاک کفایت می کند؟

ج : تنها با دست سالم مسح کند کافی است. و زدن دست بر محل تیمم شرط است، تماس تنها کفایت نمی کند.

س : ۲۱۸ - اگر دو دست کسی از بالا ی مرفق یا از بازو قطع شده باشد چه گونه تیمم کند؟

ج : پیشانی را به نیت تیمم به زمین بمالد، در صورت امکان نائب هم بگیرد.

س : ۲۱۹ - اگر وظیفه تیمم باشد اما عضو یا اعضاء تیمم نجس باشد و امکان تطهیر نداشته باشد تیمم صحیح است؟

ج : طهارت اعضا در صحت تیمم در صورت عدم امکان تطهیر شرط نیست. و یا همان حال تیمم نماید و نماز بخواند.

س : ۲۲۰ - کسی که وظیفه اش تیمم است می تواند پیش از رسیدن وقت نماز تیمم کند؟

ج : پیش از رسیدن وقت نماز تیمم برای نماز صحیح نیست. اگر برای واجبات یا مستحبات دیگر تیمم کند و وقت نماز فرارسد و عذرش باقی باشد می تواند با همان تیمم نماز بخواند.

س : ۲۲۱ - اگر درکف دستها زخم باشد یا نجاست سرایت کننده باشد و ازاله آن هم ممکن نباشد چگونه تیمم کند؟

ج : پشت دست ها را به زمین بزند بعد پیشانی را با پشت دست ها مسح کند بعد با پشت دست چپ پشت دست راست را مسح کند و آنکاه با پشت دست راست پشت دست چپ را مسح کند.

س : ۲۲۲ - اگر درپیشانی یا پشت دست ها مانعی وجود داشته باشد که رفع آن ممکن نیست وظیفه چیست؟

ج : احتیاط واجب این است که با دست روی مانع مسح شود و بعد از زوال عذر، نماز، اعاده یا قضا شود.

س : ۲۲۳ - اگر درکف دست مانعی باشد که رفع آن ممکن نیست چگونه تیمم کند؟

ج : پشت دست بر زمین زده می شود و با آن پیشانی و پشت دست دیگر مسح می شود احتیاط این است که باکف دست هم مسح شود.

س : ۲۲۴ - اگر کسی عاجز از انجام تیمم باشد وظیفه اش چیست؟

ج : نایب بگیرد و عاجز را با دست های خودش تیمم بدهد اگر این هم امکان ندارد خود نایب با دست های خود عاجز را تیمم بدهد.

س : ۲۲۵ - اگر پیشانی و پشت دست های کسی جبیره و باند باشد وظیفه اش چیست؟

ج : باید تیمم کند و روی جبیره رامسح کند و نماز بخواند. پس از بهبودی، نمازهای را که با این گونه تیمم خوانده است بنا بر احتیاط قضا کند.

س : ۲۲۶ - کسی که با غسل و یا وضوی جبیره ای نماز خوانده است، در صورت بر طرف شدن عذر و زائل شدن جبیره اثر غسل و یا

وضوی جبیره ای برای نمازهای آینده باقی است یا نیاز به غسل و وضوی جدید دارد؟

ج : اگر زخم خوب شده باشد و آب ضرر نداشته باشد نیاز به غسل و وضوی جدید دارد.

س : ۲۲۷ - تفاوت " قرح " و " جرح " چیست؟

ج : در اثر تفاوت چندان ندارد. قرح " دمل و دانه " جرح " زخم چاقو و کارد یا امثالی آن را می گویند.

س : ۲۲۸ - در تیمم مسح پیشانی و دست ها با تمام کفین واجب است یا با قسمتی از کفین هم کفایت می کند؟

ج : با تمام کفین واجب است.

س : ۲۲۹ - اگر به خاطر تنگی وقت نماز صبح بدل از وضو یا غسل تیمم کند و در رکعت اول، خورشید طلوع کند نماز چه حکمی دارد؟

ج : تیمم و نماز هر دو باطل است باید قضای نماز را انجام دهد.

س : ۲۳۵ - تیمم بر غبار فرش، پتو، لحاف، سجاده، و... در حال اختیار صحیح است؟

ج : در وسعت وقت و بودن خاک و زمین پاک، صحیح نیست. اما در تنگی وقت و یا نیافتن خاک و زمین پاک صحیح است.

س : ۲۳۱ - اگر کسی عاجز از تیمم باشد کسی دیگری چگونه او را تیمم دهد؟

ج : در صورت امکان با دست خود بیمار او را تیمم دهد و اگر امکان ندارد با دست خود تیمم دهد.

س : ۲۳۲ - اگر دست راست کسی جبیره ای داشته و نتواند بر خاک بزند یا مسح کند آیا زدن بر خاک و مسح بادرست چپ تنها کفایت می کند؟

ج : اگر وظیفه اش تیمم است کفایت می کند، اما احوط این است که در صورت امکان نایب هم بگیرد.

س : ۲۳۳ - اگر قسمتی از دو دست یا تمام صورتش سوخته به گونه ای که شستن صورت یا گذاشتن پارچه برای مسح جبیره امکان نداشته باشد وظیفه اش چیست؟

ج : اگر وضوی جبیره ای ممکن است، وضوی جبیره و در صورت احتیاج به غسل جبیره ای غسل جبیره ای انجام دهد، در صورتی که وضو و غسل

جیره ای کامل امکان نداشته باشد به قدر امکان اکتفا کند و سپس تیمم کند.

س : ۲۳۳ - کسی که به خاطر شکستگی دستش به گردنش آویزان باشد چگونه وضو و تیمم کند؟

ج : اگر می تواند خودش وضو جیره ای انجام دهد و گرنه نایب بگیرد اگر باز از وضوگرفتن یا نایب گرفتن عاجز است باید خودش تیمم کند و اگر نمی تواند باید نایب بگیرد و اگر نایب گرفتن هم امکان ندارد باید با یک دست صورت خود را بشوید و یا با همان دست تیمم کند.

س : ۲۳۵ - اگر کسی در خانه میزبان جنب شود و به خاطر خجالت کشیدن به جای غسل تیمم کند و نماز بخواند صحیح است؟

ج : در انجام وظیفه شرعی خجالت کشیدن معنا ندارد بنابراین اگر غسل ممکن است باید غسل کند مگر این که وقت نماز تنگ شده باشد در این صورت وظیفه مهمان تیمم است.

س : ۲۳۶ - آیا تیمم بر موزاییک، سنگ گچ و آهک صحیح است؟

ج : تیمم بر موزاییک صحیح نیست اما بر سنگ گچ و آهک صحیح است البته احتیاط مستحب آن است که اگر خاک باشد باید بر خاک تیمم شود.

س : ۲۳۷ - کسی که به خاطر عذری وظیفه اش تیمم است می تواند نمازش را در مسجد بخواند؟

ج : بله، تا زمانی که عذر دارد می تواند.

س : ۲۳۸ - کسی که یکی از دست هایش از مچ قطع شده است اگر وظیفه اش تیمم باشد چگونه تیمم کند؟

ج : اگر آب نباشد یا ضرر داشته باشد، دست سالم را به زمین بزند و با آن تمام پیشانی را مسح کند. احتیاط این است که دست سالم و ذراع دست قطع شده را به زمین بزند و با هر دوی آن پیشانی را مسح کند، بعد از آن پشت دست سالم

را به زمین بزند و با ذراع دست قطع شده آن را مسح کند و بعد از آن با دست سالم پشت ذراع دست قطع شده را مسح کند و اگر بتواند نایب هم بگیرد.

س : ۲۳۹ - اگر هر دو دست کسی از مچ قطع شده باشد چگونه تیمم کند؟

ج : نخست پیشانی را به نیت تیمم به زمین بزند و بعد از آن ذراع های هر دو دست را به زمین بزند و پیشانی را مسح کند بعد از آن با ذراع دست چپ پشت ذراع دست راست را و بعد از آن با ذراع دست راست پشت ذراع دست چپ را مسح کند. علاوه بر این، اگر امکان داشته باشد نایب هم بگیرد.

س : ۲۴۰ - کسی که وظیفه اش تیمم است می تواند با تیمم بدل از غسل جنابت وارد مسجد شود؟

ج : اگر تیمم به خاطر فقدان آب یا ضرر آن باشد وارد شدن به مسجد مانعی ندارد اما اگر تیمم به خاطر تنگی وقت باشد نمی تواند وارد مسجد شود.

س : ۲۴۱ - کسانی که دور از آب و آبادی مشغول کار هستند صبح از خانه بیرون می روند و شب باز می کردند و بردن آب برای وضوی نماز ظهر و عصر مشکل است اگر با تیمم نماز ظهر و عصر را بخوانند مجزی است؟

ج : بله، مجزی است.

س : ۲۴۲ - کسی که وظیفه اش جمع بین تیمم و وضو است کدام یکی را مقدم کند؟

ج : ترتیب لازم نیست.

س : ۲۴۳ - تیمم وسجده بر سنگ "مرمره" چه حکمی دارد؟

ج : سجده بر آن مانعی ندارد اما احتیاط مستحب آن است که اگر خاک باشد بر سنگ تیمم نشود.

س : ۲۴۴ - کسی که دو - سه روز جنب است و نمی تواند غسل کند. اگر بعد از تیمم مبطل وضو انجام داده شود برای نمازهای بعدی علاوه بر وضو تیمم هم واجب است؟

ج : اگر برای نمازهای بعدی نتواند غسل کند بنا بر احتیاط واجب باید هم

---

وضو بگیرد وهم تیمم کند.

س : ۲۴۵ - کسانی که درکوه ها و بیابان ها کار می کنند و دسترسی به آب ندارند و مخرج بول آنان نجس است اگر تیمم بکنند و نماز بخوانند مجزی است؟

ج : در فرض مذکور مجزی است.

س : ۲۴۶ - کسی که جراحی پلاستیک می کند و این عمل مانع از رسیدن آب به بدن شود وظیفه چیست؟

ج : در صورت امکان رفع مانع کند و اگر رفع مانع امکان ندارد بدل از غسل یا وضو تیمم کند. اگر آن مانع دراعضاء تیمم باشد باید میان وضو جبیره ای و تیمم جمع کند.



## احکام نماز

س : ۲۴۷ - درس‌های ماه رمضان چه زمانی برای صبح تعیین شده است، آیا شبهای مهتابی و غیر مهتابی فرق دارد؟

ج : اگر مؤذن به وقت نماز آگاهی داشته باشد با شروع اذان نماز جایز است و گرنه باید یقین به دخول وقت نماز حاصل شود، در باره حکم شبهای مهتابی به توضیح المسائل به مسأله ۳۰۸۱ مراجعه شود.

س : ۲۴۸ - اگر مهر کربلا برای مسجدی وقف شده باشد و این مهرها به صورت خاک در آمده باشد کسی آن را ببرد دوباره مهر بسازد جایز است؟

ج : اگر مهر به صورتی خاک قابل استفاده برای مسجد باشد بیرون بردن آن جایز نیست و اگر قابل استفاده نباشد اشکالی ندارد.

س : ۲۴۹ - اگر مسجدی مهر زیادی داشته باشد و مسجد دیگری نیاز به مهر داشته باشد آیا متولی مسجد یا حاکم شرع می تواند بخشی از مهرهای یاد شده را به مسجد دیگری بدهند؟

ج : اگر وقف خاص همان مسجد باشد جایز نیست.

س : ۲۵۰ - اگر کسی فرشی را نذر مسجدی کند و معلوم شود که مسجد یاد شده نیاز به فرش ندارد آیا ناذر می تواند فرش را به مسجد دیگری که نیاز به فرش دارد بدهد؟

ج : اگر مسجد مورد نظر ناذر، نه الان و نه در آینده نیاز به این فرش دارد

می تواند به مسجد دیگری بدهد.

س : ۲۵۱ - آیا متولی مسجد و حسینیه می تواند فرش و ظرف و...مسجد را برای عروسی، فاتحه، و...به امانت یا اجاره بدهد و کرایه اش را صرف مسجد کند؟

ج : اگر وقف خاص باشد جایز نیست.

س : ۲۵۲ - اگر کسی مهر را وقف مسجد نکند بلکه هدیه به مسجد کند بیرون بردن آن مهرها چه حکمی دارد؟

ج : هدیه در واقع همان وقف است اگر نیت هدیه دهنده فقط برای مسجد یا حسینیه خاص باشد نیاز به صیغه ای مخصوص ندارد و بیرون بردن آن جایز نیست.

س : ۲۵۳ - اگر اهالی قریه ای برای ساختن مسجد از همه اهالی به صورت مساوی پول جمع کنند و برخی از اهالی رضایت نداشته باشند ساختن چنین مسجدی جایز است و از نظر شرعی حکم مسجد را دارد؟

ج : پول گرفتن از اهالی به صورت اجبار جایز نیست. اما اگر کسی زمین مسجد را وقف کرده است یا با پول حلال خریده شده است نماز خواندن در آن اشکال ندارد و نیز اگر مصالح ساختمان غیرکف مسجد با عین پول غصبی فراهم شده باشد نماز در آن مسجد جایز اما غصب حرام است و اگر زمین مسجد غصبی باشد نماز در آن مسجد جایز نیست و از نظر شرعی حکم مسجد را ندارد.

## احکام اذان و اقامه

س : ۲۵۴ - ترک اذان و اقامه در نمازهای یومیه با وسعت وقت چه حکمی دارد؟

ج : اذان در نمازهای یومیه مستحب است ترک آن اشکالی ندارد اما اقامه بنا بر احتیاط در وسعت وقت نباید ترک شود.

س : ۲۵۵ - خواندن اذان و اقامه قبل از نماز مستحب است؟

ج : اذان و اقامه اختصاص دارد به نمازهای یومیه در غیر آن جواز ندارد.

س : ۲۵۶ - در زمان که مؤذن اذان می گوید در همان زمان امام جماعت اقامه می خواند بطوریکه بعد از تمام شدن اذان اقامه هم تمام می شود آیا این عمل صحیح است؟

ج : در اذان و اقامه ترتیب معتبر است در فرض مذکور ترتیب رعایت نشده لذا آن عمل اشکال دارد.

س : ۲۵۷ - کسی که عمدا یا سهوا خطبه های نماز جمعه را درک نکند نماز جمعه اش از نماز ظهرش کفایت می کند؟

ج : کفایت می کند اگر چه خواندن نماز ظهر احوط است.

### شرایط لباس نماز گزار

س : ۲۵۸ - کسی که برای خارج شدن ادرار بطور دائم از سوند استفاده می کند اگر با کیسه ادرار نماز بخواند صحیح است؟

ج : اگر به اندازه نماز فرصت برداشتن کیسه باشد باید برداشته شود و گرنه در حال ضرورت نماز صحیح است.

س : ۲۵۹ - آیا پوشیدن لباس افغانی در ایران لباس شهرت به حساب می آید؟

ج : لباس شهرت نیست.

س : ۲۶۰ - اگر کسی نداند لباسش نجس است و با آن نماز بخواند صحیح است؟

ج : اگر نجاست را نمی دانسته است نمازش صحیح است و اگر می دانسته است اما هنگام نماز نجس بودن لباسش را فراموش می کند نمازش باطل اعاده یا قضا واجب است.

س : ۲۶۱ - اگر لباس خونی شسته شود اما لکه خون باقی بماند نماز با آن لباس صحیح است؟

ج : اگر عرف بگوید خون شسته شده است، رنگ خون باقی مانده است نماز صحیح است.

س : ۲۶۲ - کسی که عمل جراحی شده است و لباسش به خون آلود و امکان تعویض و تطهیر نیست آیا علاوه بر وضو تیمم هم بکند؟

ج : تیمم لازم نیست.

س : ۲۶۳ - کسی که انگشتر منقوش به نام خداوند متعال یا پیامبر وائمه (ع) در دست دارد می تواند بدون وضو به آن دست بزند؟

ج : لمس و مس نام خداوند و پیامبر وائمه (علیهم السلام) بدون وضو جایز نیست.

### مکان نماز گزار

س : ۲۶۴ - اگر مهمان بداند که بعضی از فرشها ولباسهای میزبان غصبی است نماز خواندن ومهمان شدن چه حکمی دارد؟

ج : در صورتی که تمام اموال میزبان یا فرش که بر آن نماز می خواند غصبی باشد نماز خواندن ومهمان شدن جایز نیست.

س : ۲۶۵ - اگر خمس مکان نماز گزار پرداخت نه شده باشد نماز جایز است، آیا مجتهد یا وکیل اش می تواند اجازه موقت یا دائم برای نماز بدهد؟

ج : مجتهد می تواند اجازه بدهد اما وکیل نمی تواند و نمازهای که قبل از اجازه مجتهد در صورتی که میدانسته خمس این مکان داده نشده باطل است.

س : ۲۶۶ - کسانی که در بدن شان تصویر زنان، حیوانات وحشی، اشعار مبتذل،

خالکوبی می کنند اولاً چنین کاری شرعاً جایز است یا حرام، و ثانیاً آیا نماز خواندن با چنین تصویری صحیح است؟

ج : کشیدن تصویر حیوانات مطلقاً حرام است، در بدن باشد یا غیر آن، و نماز خواندن در جائی که تصویر انسان باشد و یا بدنی که تصویر انسان دارد مکروه است.

### شکایات نماز

س : ۲۶۷ - کسی در نماز چهار رکعتی بعد از سجده دوم شک می کند که چهار رکعت خوانده است یا سه رکعت یک لحظه ظن به سه رکعت پیدا می کند، برای خواندن رکعت چهارم می ایستد و شروع می کند اما شک دوباره عود می کند بعد از سلام دو سجده سهو به جا می آورد آیا این نماز صحیح است؟

ج : اگر شک درمیان سه و چهار درحال قیام یا بعد از اتمام سجده باشد بنا بر چهارگذاشته و نماز تمام می شود، بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد.

س : ۲۶۸ - شک در نماز مغرب مطلقاً مبطل است یا شک درمیان یک و دو و سه رکعت مبطل نماز است؟

ج : شک در عدد رکعات نماز صبح و مغرب، مطلقاً موجب بطلان است اما شیء بعد از فراغ، بعد از محل، و بعد از وقت موجب بطلان نیست.

س : ۲۶۹ - کسی که نماز احتیاط را مدت‌ها به صورت نماز صبح می خوانده است با اعتقاد بر این که نماز احتیاط کیفیت خاصی ندارد چه حکمی دارد؟

ج : اگر عمل منافعی با نماز انجام نداده باشد نماز صحیح است.

### شرائط امام جماعت :

- س : ۲۷۰ - در اقتداء به امام جماعت، علم به عدالت شرط است یا عدم علم به معصیت او کافی است؟
- ج : در صورت اطمینان به عدالت یا یقین و اطمینان به حسن ظاهر امام جماعت، اقتداء به او جایز است اما عدم علم به معصیت کفایت نمی کند.
- س : ۲۷۱ - اگر انسان نه امام را بشناسد و نه مأمومین را اقتدا جایز است؟
- ج : اگر از اقتدای علما و روحانیون - در صورتی که اقتدا کرده باشند- یا غیر آنان اطمینان به عدالت امام جماعت پیدا کند جایز است وگرنه اقتدا جایز نیست.
- س : ۲۷۲ - آیا کور مادر زادی یا کسی که بر اثر حوادثی کور شده است جایز است امام جماعت شود؟
- ج : با داشتن سایر شرائط امام جماعت جایز است.
- س : ۲۷۳ - اگر دست یا پاک کسی از مچ قطع شده باشد می تواند امام جماعت شود؟
- ج : احتیاطاً از امامت جماعت خودداری کند.
- س : ۲۷۳ - اگر انگشت دست کسی قطع شده باشد می تواند امام جماعت شود؟
- ج : اشکال ندارد اما ترک امامت احوط است.
- س : ۲۷۵ - امامت جماعت غیر روحانی با وجود روحانی جایز است؟
- ج : اگر دارای شرائط باشد و موجب هتد حرمت روحانی نباشد جایز است.
- س : ۲۷۶ - اجرت گرفتن برای امامت جماعت و بیان مسائل دینی جایز است؟
- ج : اگر امامت جماعت و بیان مسائل واجبی دینی در برابر اجرت باشد، نماز باطل و اجرت گرفتن جایز نیست، و اگر اجرت برای رفت و آمد امام جماعت یا تبرعی باشد اشکال ندارد.

س : ۲۷۷ - اگر کسی درمکه یا در مدینه به امامت اهل سنت نماز بخواند چه حکمی دارد؟

ج : در صورت تقیه قضاء و اعاده ندارد.

س : ۲۷۸ - اگر امام جماعت عتیبه به پاکی لباسش داشته باشد اما مأموم علم و یقین به نجاست لباس امام داشته باشد، می تواند به اواقتهاء کند؟

ج : اشکال ندارد.

س : ۲۷۹ - کسی که وظیفه اش تیمم است یا وضو جبیره ای می تواند امام جماعت شود؟

ج : می تواند.

س : ۲۸۰ - اذا كان الاختلاف بين الامام والمأموم في الاجزاء والشرائط اجتهاداً او تقليداً فهل يجوز حينئذ الاقتهاء؟

ج : ان كان الاختلاف بينهما في الاركان فلا يجوز الا قتهاء والا يجوز الا قتهاء<sup>۱</sup>

س : ۲۸۱ - امام جماعتی که نمازش رادر جماعت خوانده است آیا می تواند همان نماز را بار دیگر برای مأمومین دیگر که نماز نخوانده اند بخواند؟

ج : بلی می تواند.

س : ۲۸۲ - اگر مأموم بداند که آب وضوی امام نجس است اما خود امام عقیده به طهارت آن آب داشته باشد می تواند به او اقتدا کند؟

ج : نمی تواند.

س : ۲۸۳ - اقتدا به امام جماعتی که تجوید را در قرائت مراعات نمی کند مثلاً وتف به حرکت و وصل به سکون می کند جایز است؟

ج : بنا بر احتیاط جایز نیست.

س : ۲۸۴ - اقتدا به امام جماعتی که غیبت می کند یا تهمت می زند جایز است؟

ج : اگر توبه نکند جایز نیست.

---

۱ - س : اگر اختلاف بین امام و مأموم در اجزا و شرائط به خاطر اجتهاد یا تقلید باشد اقتدا جایز است؟  
ج : اگر اختلاف در ارکان نباشد جایز است.

س : ۲۸۵ - اگر کسی بدانند که امام جماعت تجوید را مراعات نمی کند گفتن آن برای دیگران واجب است؟

ج : واجب نیست.

س : ۲۸۶ - امام جماعتی که پیش از امامت، گناهان کبیره را انجام می داده است در صورتی که پس از امامت اصرار بر کبیره و صغیره نداشته باشد به او اقتدا می شود؟

ج : در صورت توبه کردن و عادل بودن اقتدا جایز است.

س : ۲۸۷ - کسی که عدالت را درباره دو زنش درباره لباس، خانه و... مراعات نمی کند می توان به او اقتدا کرد؟

ج : به کسی که از موازین شرعی تخلف کند اقتدا جایز نیست.

س : ۲۸۸ - کسی که وظیفه اش خواندن نماز احتیاط در صورت شک بوده است اما به خاطر جهالت نخوانده است باید قضای آن را بخواند یا اصل نماز اعاده و قضا لازم دارد؟

ج : اگر وقت باقی است و منافی نماز را انجام داده شده است نخست نماز احتیاط را بخواند بعد خود نماز را اعاده کند اما اگر منافی انجام نداده است تنها نماز احتیاط را به جا آورد.

س : ۲۸۹ - در صورتی که وقت فضیلت نماز یومیه گذشته باشد، خواندن نماز یومیه مقدم است یا نماز قضا؟

ج : خواندن نماز یومیه مقدم است.

س : ۲۹۰ - کسی که نمازهای یومیه خود را با زحمت و مشقت می ایستد و می خواند آیا می تواند نمازهای قضای خود را نشسته بخواند؟

ج : بله، اشکالی ندارد.

س : ۲۹۱ - نمازهای که در حال عذر قضا شده است می توان قضایی آن را در حال عذر خواند؟

ج : اگر عذر بعد از مدتی رفع می شود باید صبر کند اما اگر عذر طول



---

می کشد می تواند بخواند.

س : ۲۹۲ - اگر پسر بزرگ لال باشد و پولی هم نداشته باشد که برای خواندن نماز قضایی پدرش اجیر بگیرد آیا نوبت به پسر دوم می رسد؟

ج : وظیفه پسر بزرگ ساقط نمی شود. همان طوری که نماز خود را می خواند. نماز قضای پدرش را بخواند.

س : ۲۹۳ - شیعه ای که مدتی سنی شده است و نماز خود را طبق مذهب اهل تسنن خوانده است اگر دوباره به مذهب تشیع برگردد نمازهای خود را قضاء کند؟

ج : نمازهای که طبق مذهب سنی خوانده شده است باید قضاء شود.

س : ۲۹۴ - نماز خواندن و تصرفات در خانه ای که مشترک بین صغار و کبار است با اجازه مادر و برادران کبیر جایز است؟

ج : تصرفاتی که به مصلحت صغار باشد با رضایت وصی و قیم صغار جایز است ولی اگر به مصلحت صغار نباشد جایز نیست و برادران کبیر و مادر حق ندارند اجازه تصرف در اموال صغار را به دیگران بدهند.

## احکام نماز قضا

س : ۲۹۵- رسم است معمولاً هرکسی که از دنیا می رود، ورثه او اجیر می گیرند تا یک سال نماز و روزه برای این میت بجا آورد، بدون این که وصیت کرده باشد، یا بداند که قضای نماز و روزه به عهده دارد، آیا این اجیرگرفتن لازم است یا نه، و نماز روزه تحت عنوان واجب داخل است یا مستحب؟

ج : در صورت عدم وصیت و عدم علم به قضاء نماز و روزه میت، اجیر گرفتن واجب نیست و در فرض شک احتیاطاً می تواند قضاء نماید اگر چه این احتیاط واجب نیست.

س : ۲۹۶ - آیا قضای نماز کفایت از خود نماز می کند، یا اینکه خود نماز را خوانده بعد قضای آن را بجا آورد؟

ج : قضا کفایت می کند، و اگر خود نماز را در وقتش بطور صحیح خوانده باشد احتیاج به قضا ندارد.

س : ۲۹۷ - قضای نمازهای یومیه لازم است هرکدام در وقت خودش خوانده شود؟

ج : لازم نیست.

س : ۲۹۸ - آیا قضای نماز در جهر و اخفات تابع خود نماز فوت شده است یا تابع زمانی که در آن خوانده می شود؟

ج : تابع اصل نماز است. اگر اصل نماز باید به جهر و بلند خوانده شود، قضای آن نیز به جهر و بلند خوانده شود، همچنین است در نمازهای که باید به اخفات و آهسته خوانده شود

س : ۲۹۹ - اگر کسی به خاطر ندانستن مساله نمازهای قصرش را تمام بخواند قضا

لازم دارد؟

ج : قضا ندارد.

س : ۳۰۰ - اگر کسی خودش نماز قضایی داشته باشد می تواند برای نماز دیگران اجیر شود؟

ج : می تواند.

س : ۳۰۱ - اگر کسی به خاطر ندانستن مساله بدون عذر نماز مغرب و عشاء را با تیمم بخواند قضا دارد؟

ج : قضا لازم است.

س : ۳۰۲ - اگر کسی دچار فراموشی و بیماری دائمی شده باشد و نتواند نماز و روزه اش را درست انجام دهد قضا و کفاره دارد؟

ج : در صورتی که توان ادا یا قضا را نداشته باشد و نمازش را به قدر توان خوانده باشد قضا ندارد اما در این فرض روزه از او ساقط است، اگر تا رمضان آینده بیمار باشد.

س : ۳۰۳ - خواندن نماز قضای یا استیجاری در سفر جایز است؟

ج : بله

س : ۳۰۴ - کسی که توانای بر طهارت مائیه و قیام برای نماز را ندارد می تواند با همین حالی نمازهای قضای اش را بخواند؟

ج : اگر علم یا اطمینان دارد که عذرش رفع می شود باید صبر کند اما اگر احتمال می دهد که تا آخر عمر عذر برطرف نشود می تواند نمازهای قضای اش را بخواند.

س : ۳۰۵ - کسی که تمام وقت نماز و روزه را در خواب باشد قضای نماز و روزه بر او واجب است؟

ج : بله، واجب است.

س : ۳۰۶- اگر کسی اول وقت در وطن و آخر وقت در سفر بود و نمازش قضا شد و همچنین اگر اول وقت در سفر و آخر وقت در وطن بوده قضای نماز قصر بر او واجب است یا تمام؟

ج : ملاک آخر وقت است اگر آخر وقت در وطن باشد قضای نماز تمام و اگر در سفر باشد قضای نماز قصر بر او واجب است.

س : ۳۰۷- اگر کسی به خاطر شدت بیماری واجبات نماز و طهارت و نجاست را تمیز داده نتواند قضای نماز و روزه اش بر پسر بزرگترش واجب است؟

ج : اگر عقلش را از دست داده باشد یا در اوقات نماز مغمی علیه باشد واجب نیست.

س : ۳۰۸- در انجام قضای نماز و روزه ترتیب شرط است؟

ج : نمازهایی که در اداء آنها رعایت ترتیب لازم است مانند نماز ظهر و عصر، مغرب و عشاء، در قضاء آنها رعایت ترتیب لازم است، اما در غیر این نمازها و نیز در قضای روزه رعایت ترتیب شرط نیست.

س : ۳۰۹- اگر پسر بزرگ در زمان حیات پدر از دنیا برود آیا قضای نماز و روزه بر پسر دوم که در هنگام مرگ پدرش پسر بزرگ به حساب می آید واجب است؟

ج : بله، مراد از پسر بزرگتر پسری است که در هنگام موت پدر از بقیه بزرگتر باشد و بر او واجب است.

س : ۳۱۰- اگر کسی تعداد نمازهای قضا شده اش را نداند و از سوی دیگر برای خواندن نماز کسی دیگری به مدت چند سال اجیر شده است، اولاً از بابت قضای نمازهای خودش چه وظیفه ای دارد و ثانیاً قضای نمازهای خودش مقدم است یا نماز استیجاری؟

ج : در قضاء نمازهای خودش نمی تواند به حداقل اکتفا کند، حد متوسط و میانه را انجام دهد مثلاً اگر شک دارد که یکسالی یا دو سال نماز قضا به عهده

دارد، یکسال و نیم بخواند (نمی تواند به یکسال که حداقل است اکتفا کند) اما اینکه اول کدام را بخواند، به کیفیت و زمان اجاره بستگی دارد که هنگام شروع و ختم آن را چگونه تعیین کرده باشند.

س : ۳۱۱- پدری که خودش نماز و روزه اش را عمدا انجام نمیدهد، پسر بزرگش هم اتمام حجت می کند که بعد از مرگش قضای نماز و روزه اش را انجام نخواهد داد. با توجه به ترک عمدی پدر و اتمام حجت پسر بزرگ قضای نماز و روزه پدر بر پسر بزرگ واجب است؟

ج : در زمان حیات پدر باید پدرش را امر به معروف و نهی از منکر کند و بعد از فوت پدر تا اندازه ای که به عسر و حرج نیفتد قضای نماز و روزه پدرش را انجام دهد.

س : ۳۱۲- اگر پدر مقلد مجتهدی باشد و پسر بزرگ مقلد مجتهدی دیگر، پسر بزرگ قضای نماز و روزه پدر را مطابق با فتوای کدام مجتهد انجام دهد؟

ج : پسر باید بر طبق فتوای مرجع خود عمل نماید.

س : ۳۱۳- شخصی برای انجام عبادات میتی اجیر شده و بنا داشته خودش انجام دهد، اما نتوانسته و اجرت را به کس دیگری داده تا او این عبادات را از طرف میت انجام دهد، آیا کفایت می کند؟

ج : اگر شرط مباشرت یا قرینه بر مباشرت نباشد نائب گرفتن کافی است.

س : ۳۱۴ - کسانی که روزه و نماز قضایی دارد می تواند اجیر کس دیگری شود؟

ج : اگر باعث ترک نماز و روزه خود اجیر شود اجتناب شود و اگر نشود مانعی ندارد.

س : ۳۱۵- آیا جایز است در نماز استیجاری اول پنج تا نماز صبح بعد پنج تا نماز ظهر و عصر بعد پنج تا نماز مغرب و عشا خوانده شود تا مجموع آن نماز پنج روز به حساب آید؟

ج : احوط این است که نمازهای یومیه به ترتیب خودش خوانده شود یعنی از صبح شروع و به عشاء ختم شود.

س : ۳۱۶- کسی که قرائت اش درست نیست اگر اجبر شود نمازش صحیح است؟

ج : چنین کسی نباید اجبر شود.

س : ۳۱۷- اجبر می تواند - اختیاراً- اذان و اقامه را ترک کند؟

ج : راجع به خواندن اذان و اقامه و دیگر مستحبات نماز باید طبق قرارداد بین ورثه و اجبر عمل شود. در صورتی که هنگام قرارداد در این باره چیزی گفته نشده باشد باید به عرف منطقه عمل شود. اگر خواندن اذان و اقامه متعارف است باید خوانده شود. وگرنه لازم نیست.

س : ۳۱۸- کسیکه تجوید قرائتش درست نیست اگر اجبر شود نمازش صحیح است؟

ج : اگر قرائتش صحیح نباشد نباید اجبر شود.

س : ۳۱۹- کسیکه آب ندارد یا آب برایش ضرر دارد، در هنگام خسوت و کسوت با تیمم نماز آیات را بخواند یا صبر کند تا آب پیدا شود و قضایی نماز آیات را بخواند؟

ج : اگر نماز آیات به خاطر خسوت یا کسوت باشد واجب است که با تیمم بخواند اما اگر به خاطر زلزله (زمین لرزه) است باید صبر کند و نماز آیات را با وضو بخواند.

س : ۳۲۰- اگر کسی در تنگی وقت نماز عصر را طوری بخواند که با سلام نماز عصر اذان مغرب شروع شود آیا این نماز ادا می شود؟

ج : اگر حتی یک رکعت آن را پیش از غروب خوانده باشد نماز ادا و صحیح است اما اگر هر چهار رکعت نماز عصر را بعد از غروب و با نیت ادا خوانده باشد، احتیاطاً قضاء هم بکند.

س : ۳۲۱- اگر کسی نماز عصر را در آخر وقت بخواند و نماز احتیاط هم بر او واجب شده باشد و در خارج وقت بخواند، نماز احتیاط به عنوان ادا خوانده می شود یا قضا؟

ج : ادا و قضا را معین نکند بلکه به نیت قربت مطلقه بخواند. اما به تاخیر انداختن نماز به این اندازه جایز نیست مگر اینکه عذر داشته باشد.

س : ۳۲۲- اگر کسی به خاطر جهل به موضوع، یا جهل به حکم و یا بی توجهی نمازهای احتیاط را نخوانده باشد و اکنون بخواهد، بخواند به نیت ادا بخواند یا قضا و یا اصل نماز را هم قضا کند؟

ج : در صورت بقای وقت و انجام منافی نماز نخست نماز احتیاط را بخواند و بعداً اصل نماز را، اما اگر منافی انجام نداده است نماز احتیاط را بخواند، نمازش صحیح است، و اگر وقت گذشته اصل نماز را قضا کند.

س : ۳۲۳- کسی که به خاطر بیماری یا پیری به سختی می تواند بایستد و نمازهای یومیه خود را بخواند و امید به بهبودی خود ندارد می تواند نمازهای قضایی خود را نشسته بخواند؟

ج : بله، می تواند بخواند

س : ۳۲۴- نمازهایی که از پدر کافر فوت شده است بر پسر بزرگ مسلمانش واجب است؟

ج : واجب نیست.

س : ۳۲۵- اگر پدر و مادر به کسی - غیر از پسر بزرگ خود - وصیت کند که نماز و روزه قضایی آنها را انجام دهد باز بر پسر بزرگ واجب است که نماز قضایی پدر را بخواند؟

ج : اگر وصی به وصیت عمل کند لازم نیست که پسر بزرگ دوباره آن را انجام دهد.

س : ۳۲۶- اگر پدر و مادر در طول زندگی خود نمازها و روزه های شان را انجام نداده باشند باز بر پسر بزرگ واجب است که انجام دهد؟

ج : تا اندازه ای که به عسر و حرج نیفتد بنا بر احتیاط واجب است انجام دهد.

س : ۳۲۷- اگر کسی یک ساعت و یا نیم ساعت بعد از زوال بمیرد قضای نماز ظهر و

عصر آن روز بر پسر بزرگ است یا نه؟

ج : اگر مریض درعالم بیهوشی بوده است و به هوش نیامده است بر پسر بزرگ واجب نیست، اما اگر باهوش بوده و توان داشته است که نماز بخواند اگر چه با تیمم و با اشاره چشم و ابرو اما نخوانده است بر پسر بزرگش واجب است که قضا کند.

س : ۳۲۸- آیا پسر بزرگ می تواند درحال حیات پدرش به او بگوید که نمازهای فوت شده اش را قضا نمی کند مگر این که مبلغی پول به او بدهد. آیا گرفتن چنین پولی برای پسر بزرگ جایز است؟

ج : خواندن نماز قضای پدر بر پسر بزرگ واجب است و پول گرفتن در برابر انجام عمل واجب جایز نیست.

س : ۳۲۹- کسی که چندین بار سکنه کرده است و توان حرکت نداشته است آیا قضای نمازهای این مدت هم بر پسر بزرگ واجب است؟

ج : اگر بیمار حواس خود را از دست داده بوده است و اوقات نماز را تشخیص داده نمی توانسته است واجب نیست، اما اگر اوقات نماز را تشخیص داده می توانسته است قضای نمازهای یاد شده واجب است.

س : ۳۳۰- اگر پدر و مادر نمازهای خود را غلط خوانده باشند قضای نمازهای یاد شده بر پسر بزرگ واجب است؟

ج : اگر برای یاد گرفتن صحیح کوشش کرده باشند اما یاد نگرفته باشند قضا ندارد اما اگر کوتاهی کرده باشند پسر بزرگ باید قضا کند.

س : ۳۳۱- اگر کسی یقین داشته باشد که وقت باقی است و نمازش را بخواند اما بعداً معلوم شود که نمازش قضا شده بوده است وظیفه اش چیست؟

ج : اگر یک رکعت نماز یاد شده در داخل وقت خوانده شده باشد قضا ندارد اما اگر همه رکعات نماز در خارج از وقت و با نیت ادا خوانده شده باشد



باید قضا شود و اگر نیت ما فی الذمه کرده باشد یا نیت قربت مطلقه کرده باشد قضا ندارد.

س : ۳۳۲- کسی که مدت زیادی دسترسی به عالم دینی نداشته - باشد و بر اثر جهل به مسأله با لباس و بدن نجس نماز خوانده است آیا نمازهای او قضا دارد؟

ج : اگر وضو، غسل و تیمم را صحیح انجام داده باشد قضا ندارد.

س : ۳۳۳- اگر کسی برای انجام عمل جراحی بر او از اول ظهر تا غروب بیهوش بوده باشد قضای نماز ظهر و عصر بر او واجب است؟

ج : بله، واجب است.

س : ۳۳۴- با توجه به سوال پیشین - چه فرقی است بین ترک عمدی نماز و ترک غیر عمدی آن مانند بیهوشی زیرا در هر دو صورت قضا دارد؟

ج : در صورت ترک عمدی علاوه بر وجوب قضا معصیت کرده است اما در ترک غیر عمدی تنها، قضای آن واجب است و معصیتی نکرده است.

س : ۳۳۵ - آیا قضای نماز و روزه مادر هم مانند قضای نماز روزه پدر بر پسر بزرگ واجب است؟

ج : بله

س : ۳۳۶- کسی که خانه اش در قم است و به خاطر بیماری در تهران بستری می شود و یک ماه یا بیشتر طول می کشد و نمازش را نمی تواند بخواند، قضای نماز قصر بر او واجب است یا نماز تمام؟

ج : اگر اقامه کرده بوده است باید قضای تمام را بخواند و اگر اقامه نکرده بوده است و نمی دانسته است که چند روز می ماند یک ماه را قصرأ و از آن به بعد را اتماماً قضا کند.

س : ۳۳۷ - کسی که مدت ده سال اختلال حواس داشته است و نمازهای خود را به صورت صحیح نمی خوانده است و به همین صورت از دنیا رفته است آیا بر پسر

بزرگش واجب است که نمازهای یاد شده را قضا کند؟

ج : اگر اختلال حواس به اندازه ای بوده است که اوقات نمازیومیه را تشخیص داده نمی توانسته است نماز و روزه اش قضا ندارد اما اگر وقت نماز را می توانسته تشخیص بدهد و ترک کرده است بر پسر بزرگ واجب است که قضا کند.

س : ۳۳۸ - اگر پسر بزرگ پیش از انجام قضای نماز و روزه پدرش از دنیا برود آیا بر پسر دوم واجب است که نماز و روزه پدرش را قضا کند؟

ج : بر پسر دوم واجب نیست اما اگر بین فوت پدر و پسر بزرگ به اندازه ای فاصله بوده که پسر بزرگ می توانسته قضاء نماز و روزه پدر را انجام دهد و انجام نداده بنا بر احتیاط مستحب بر پسر دوم است که قضا را انجام دهد.

س : ۳۳۹ - اگر کسی وصیت کند به برادرش که ده سال نماز روزه برایش انجام دهد در حالی که پسری ندارد و مالی از خود بر جای نگذاشته است آیا بر برادرش (وصی) واجب است که به وصیت عمل کند؟

ج : در این صورت بر وصی (برادر) موصی واجب نیست که به وصیت عمل کند.

س : ۳۴۰ - اگر پدری نماز نخواند و پسر بزرگش اتمام حجت کند که نمازت را بخوان زیرا بعد از مرگت من قضا نمی کنم اگر به حرف پسر بزرگش گوش ندهد باز بر پسر بزرگش واجب است که نماز پدرش را قضا کند؟

ج : اگر پدر منکر و جوب نماز بوده باشد واجب نیست اما اگر منکر و جوب نبوده است بنا بر احتیاط واجب باید قضا کند.

س : ۳۴۱ - اگر کسی مدت درازی غسل های واجب خود را فراموش کرده باشد و نماز و روزه را با همان حال انجام داده باشد روزه و نمازش قضا دارد؟

ج : نمازش به اتفاق علماء قضا دارد و روزه اش بنا بر قول صحیح باید قضا شود.

س : ۳۴۲ - کسی پانزده سالش تمام بوده است اما پدر و مادرش می گفته چهارده ساله است و خودش علائم بلوغ را نمی دانسته است معلوم می شود که پانزده سالش بوده است و برخی علائم و نشانه های بلوغ در او وجود داشته است اکنون وظیفه شخص یاد شده نسبت به یک سال نماز و روزه فوت شده اش چیست؟

ج : هر اندازه ای را که یقین به فوتش دارد باید انجام بدهد اما احوط این است که آن قدر نماز قضای بخواند تا کمان به برائت ذمه اش پیدا کند.

س : ۳۴۳ - کسی بعد از مدتی متوجه می شود که در لباسش منی وجود دارد و منی هم از خود اوست وظیفه شخص یاد شده نسبت به نمازهای که با این لباس خوانده است چیست؟

ج : اگر قبلاً می دانسته که لباسش نجس است آن مقداری را که یقین دارد که با این لباس نماز خوانده است واجب است قضا کند و اگر نجاست لباسش را نمی دانسته نمازهایی که با این لباس خوانده صحیح است.

س : ۳۴۴ - شخصی که در سفر وظیفه اش خواندن نماز قصر بوده جهلاً نماز را تمام می خواند و یا وظیفه اش خواندن نماز تمام بوده است مثل دائم السفر ولی نماز را جهلاً قصر خواند بعد از توجه به وظیفه اعاده و قضاء دارد یا نه؟

ج : خواندن نماز تمام عوض قصر مجزی است مگر اینکه قبل از انقضاء وقت متوجه شود که وظیفه اش قصر بوده در این صورت اعاده واجب است و اگر عوض نماز تمام قصر بخواند اعاده و قضاء واجب است. مگر در صورتی که قصد اقامه ده روز کرده باشد در این صورت خواندن قصر عوض تمام مجزی است.

## احکام نماز مسافر

س : ۳۴۵ - طلابی که از کشورشان به کشوری دیگری برای تحصیل می روند، چند سال در کشور مقصد بمانند تا حکم وطن پیدا کند؟

ج : اگر قصد چهار سال یا بیشتر را داشته باشند حکم وطن را دارد.

س : ۳۴۶ - برخی از کارگران افغانی مقیم ایران هر روز مسافت شرعی میان خانه و محل کارشان را می پیمایند، یا کارهای سیار مانند جوشکاری و بنایی دارند نماز و روزه شان چه حکمی دارد؟

ج : اگر سه ماه یا بیشتر در این مسافت شرعی رفت و آمد دارند و نیز - کسانی که در جایی اقامه نمی کنند و همیشه در گردش هستند باید روزه و نمازشان را تمام بخوانند.

س : ۳۴۷ - کسی که حواله دار است و پول کارگران افغانی را به افغانستان می برد گاهی یک ماه یا دو ماه در ایران معطل می شود و بیشتر اوقات در سفر است نمازش قصر است یا دائم السفر به حساب می آید؟

ج : اگر کار همیشگی اش این باشد نمازش تمام است و اگر یک ماه یا دو ماه در وطن می ماند، در سفر اول تا مقصد اول (مثلاً مشهد) نمازش قصر است اما بعد از آن وقتی برای گرفتن حواله در شهرها می گردد نمازش تمام است.

س : ۳۴۸ - تاجری که در هر ماه دو یا سه بار مسافرت می کند نمازش چه حکمی دارد؟

ج : اگر در هر ماه سفرش پیش از حضرش است نمازش تمام است مشروط بر این که ده روز در وطن نماند و گرنه در سفر اول احتیاط در جمع میان قصر و تمام است.

س : ۳۴۹ - طلبه ای که در قم درس می خواند و برای کار اندکی مادی و تفریحی هر

جمعه به تهران می رود آیا نمازش در ایام هفته شکسته است یا تمام؟

ج : درمسافرت به تهران نماز قصر می شود ولی اگر سفر او دارای غرض عقلایی نباشد مصرف سهم مبارک امام (علیه السلام) اشکال دارد.

س : ۳۵۰- کسانی که روزها از اردوگاه ساوه برای کار به ساوه و اطراف آن می روند و شب به اردوگاه باز می گردند نماز و روزه شان چه حکمی دارد؟

ج : اگر این آمد و شد حداقل برای پیش از سه ماه است نمازشان تمام است و باید روزه بگیرند.

س : ۳۵۱- اگر درمیان خانه ومحل کارکسی هشت فرسخ فاصله داشته باشد شش - هفت روز در محل کار و سه - چهار روز در خانه اش باشد و تا یک سال ادامه داشته باشد حکم نماز و روزه اش چیست؟

ج : اگر سه ماه تا یک سال ادامه دارد نمازش تمام و باید روزه بگیرد.

س : ۳۵۲- مهاجرین افغانی که شش ماه یا کمتر در روستاهای ایران زندگی می کنند نماز و روزه شان چه حکمی دارد؟

ج : نمازشان تمام و روزه بگیرند.

س : ۳۵۳- کسی که خانه اش در قم و محل کارش درتهران است و هفته ای یک بار به قم می آید نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟

ج : اگر مانند طلاب قصد بود و باش طولانی را در قم دارد، قم مقر ایشان در حکم وطن به حساب می آید. اگر مسافرت به تهران درطول سال باشد حکم دایم السفر را دارد، روزه بگیرد و نماز را تمام بخواند.

س : ۳۵۴- کسی که از خانه چهار فرسخ یا هشت فرسخ تا محل کارش می رود و شب برمی گردد نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟

ج : اگر شغلش سه ماه یا بیشتر طول بکشد نمازش تمام و باید روزه بگیرد.

س : ۳۵۵- مهاجرینی که به مدت سیزده سال در ایران زندگی می کنند و از وطن شان

اعراض نکرده اند هر روز فاصله و مسافت شرعی میان خانه و محل کارشان را می روند و می آیند حکم نماز و روزه شان چیست؟

ج : اگر همیشه و هر روز مسافت یاد شده را طی می کنند نمازشان تمام و روزه واجب است.

س : ۳۵۶- تهران کنونی از بلاد کبیره است؟

ج : اگر در یک محله و منطقه تهران قصد اقامت شود تا از تهران خارج نشود نماز تمام و روزه واجب است.

س : ۳۵۷- کسی که هفته ای یک بار از ورامین به تهران می رود حکم روزه و نمازش چیست؟

ج : چنانچه چهارسال در ورامین مانده باشد، و یا قصد ماندن چهار سال و بیشتر را داشته باشد در سفر نماز را شکسته بخواند. اما در ورامین که محل سکونتش است، بدون قصد اقامه، نماز را تمام بخواند و روزه را بگیرد.

س : ۳۵۸- مدت ۹ سال در ورامین سکونت دارم و از وطن خود افغانستان نیز اعراض نکرده ام. محل کارم شهرری یا تهران است. روزانه صبح سرکار می روم و مغرب بر می گردم. حکم نماز و روزه ام چیست؟

ج : در ورامین و محل کار، روزه بگیرید و نماز را تمام بخوانید.

س : ۳۵۹- مهاجرین افغانی که چند سال یا چند ماه در ایران در حال تردد به سر می برند و نمی دانند چه وقت آنان را اخراج می کنند حکم نماز و روزه شان چیست؟

ج : تا زمانی که از محل اقامتشان سفر نکرده اند نمازشان تمام و باید روزه بگیرند اما وقتی سفر کردند اقامت باطل و نماز و روزه شان قصر می شود.

س : ۳۶۰- مهاجرین افغانی که به مدت سه سال در شهرک خاتون آباد ورامین زندگی می کنند. حداقل در هفته یک بار برای رفع نیازمندی هایشان به تهران که بیست و پنج کیلومتر فاصله دارد می روند و حدود سی کیلومتر در تهران گردش می کنند

و بر می گردند حکم نماز و روزه شان چیست؟

ج : ۱- اگر در ورامین چهارسال مانده باشند و یا قصد ماندن چهارسال یا بیشتر داشته باشند حکم وطن دارد نماز را در آنجا تمام بخوانند و در سفر قصر کنند. ۲- اگر سه سال مانده اند بعد از بازگشت قصد اقامت ده روز کنند و اگر قصد اقامت نکنند جمع میان قصر و تمام احوط است. ۳- اگر یک سال یا دو سال مانده اند و در صورت عدم قصد اقامت ۱۰ روز نمازشان قصر است. اما در سفر به تهران اگر رفت و برگشت به اندازه چهل و پنج کیلومتر یا بیشتر باشد نماز قصر می شود اگرچه در خاتون آباد قصد اقامت ده روز داشته باشند.

س : ۳۶۱- کسانیکه خانه شان در قم است اما کارشان اقتضاء دارد که هر روز یا یک روز در میان در طول سال به تهران بروند و همان روز برگردند نماز و روزه شان چه حکمی دارد؟

ج : اگر در هفته چهار یا پنج روز در سفر باشند دایم السفر و نمازشان تمام است. باید روزه بگیرند و نماز را تمام بخوانند.

س : ۳۶۲- درباره نماز مسافر و ملاک انتخاب وطن : الف - آیا ملاک ماندن در شش ماه اول است اگر چه بعد از آن تردید پیدا شود؟  
ب - مهاجرین افغانی که محلی را به عنوان وطن انتخاب و خانه رهن کرده اند اما آینده شان معلوم نیست چه حکمی دارند. ج - اگر کسی خانه اش در قم و کارش در تهران است و برای ماندن در تهران مدت خاصی پیش بینی نشده باشد نماز و روزه اش در تهران و قم چه حکمی دارد؟ د- کسی که خانه اش در قم و محل اقامتش در تهران است و معمولاً در هر ماه چند روز به قم می آید حکم نماز و روزه اش در قم چیست؟

ج : الف - کسی که قصد دارد حداقل چهار سال در شهری بماند آن شهر

حکم وطن را دارد حتی اگر یک شب بماند نمازش تمام است ب - مهاجرینی که چند سال در مکانی ماندگار شده اند و تصمیم دارند چند سال دیگر هم بمانند حکم وطن را دارد.

ج : قم حکم وطن را دارد. اگر در تهران قصد اقامت کند نمازش تمام است. اگر پنج روز در تهران و دو روز در قم می ماند کنیرالسفر به حساب می آید نماز و روزه اش تمام و واجب است. د - اگر قصد ماندن چهار سال یا بیشتر را در قم دارد، حکم وطن را دارد.

س : ۳۶۳ - کسی که در محدوده شهری، تهران کار می کند و اقامت دارد پس از مدتی به خاطر امور زندگی هفته ای یک بار یا یک هفته در میان یک بار به ورامین یا کرج و... می ورد حکم نماز و روزه اش پس از مسافرت چیست؟

ج : اگر چهار سال در شهر ری و محل کارش مانده باشد و یا قصد چهار سال ماندن و بیشتر را داشته باشد حکم وطن را دارد و بعد از مسافرت بدون قصد اقامت نمازش تمام است و باید روزه بگیرد و اگر چهار سال نمانده است و قصد چهارسال ماندن را هم نداشته بعد از سفر قصد اقامت ده روز کند نمازش تمام است و باید روزه بگیرد.

س : ۳۶۴ - کسی که در محل کارش (شهری) قصد اقامت می کند بعد از ده روز به ورامین می رود بعد از بازگشت آیا اقامه جدید لازم است یا همان قصد اقامت قبلی کفایت می کند؟

ج : اگر از اول تصمیم گرفته است که چهار سال در شهر ری می ماند بعد از بازگشت قصد اقامت جدید لازم نیست و اگر نمی تواند تصمیم اقامت چهار سال بگیرد مانند مهاجرین افغانی در ایران، بعد از بازگشت قصد اقامت جدید لازم است.

س : ۳۶۵ - تعدادی از مهاجرین افغانی در کویته پاکستان در خانه های کرایه ای زندگی می کنند و محل کارشان از خانه هشت فرسخ فاصله دارد. این کارگران ده روز یا



بیشتر در محل کارشان اقامت می کنند.وقتی به خانه شان برمی گردند دو، سه روز بیشتر نمی مانند حکم نماز و روزه شان چیست؟

ج : در صورتی که قصد ماندن چهار، پنج سال یا بیشتر را در کویته پاکستان دارند.حکم وطن دارد و اگر تصمیم دارند به محض تحقق امنیت برگردند تا قصد اقامت نکرده اند نمازشان قصر است.

س : ۳۶۶ - طلبه ای که به مدت پنج ماه در قم درس می خواند به خاطر کمبود هزینه تحصیلی هر هفته برای کار به تهران می رود و بر می گردد درطول مدتی که در قم است نماز را تمام و در مسافرت به تهران قصر خوانده است وظیفه اش چیست؟

ج : در صورتی که تا سه ماه در قم و تهران قصد اقامت نکند و در هفته سه روز یا بیشتر بین قم و تهران رفت و آمد کند حکم دایم السفر را دارد و نمازش در قم و تهران تمام است

س : ۳۶۷ - مهاجرینی که در ایران و دیگر کشورها زندگی می کنند.اقامت شان در آن کشورها در اختیار خودشان نیست نماز و روزه شان چه حکمی دارند؟

ج : اگر قصد ماندن ده روز را می توانند نمازشان تمام است و اگر نمی توانند تا یک ماه نمازشان قصر اما بعد از آن تمام است.

س : ۳۶۸ - کسانی که کارش حواله داری است پول کارگران را از اصفهان و تهران و...جمع آوری می کنند و به افغانستان حواله می دهند البته برخی از این ها خانه اش در تهران و کارش در اصفهان است حکم نماز و روزه آنان چیست؟

ج : اگر هر هفته از تهران به اصفهان می روند می دانند که این رفت آمد بیش از سه ماه طول می کشد در سفر اول هم نماز را تمام بخوانند هم قصر و هم روزه اش را بگیرند و هم دوباره قضای آن را بگیرند، بعد از سفر اول حکم دایم السفر را پیدا می کنند و باید نمازشان را تمام بخوانند و روزه شان را بگیرند.اگر در محل کارشان با قصد ده روز یا بیشتر می مانند در سفر اول تا مقصد جمع بین قصر و تمام کنند اما اگر بدون قصد ده روز بماند حکم دایم السفر بودن شان

باقی است. اگر چند سال در منزل خود زندگی کرده اند یا می خواهند زندگی کنند منزل حکم وطن را پیدا کرده است لذا اگر با قصد یا بدون قصد ده روز در آن جا بمانند در سفر اول جمع بین قصر و تمام کنند.

س : ۳۶۹ - کسانی که خانه شان در تهران است اما از تهران، اصفهان و... پول حواله جمع می کنند نماز و روزه شان چه حکمی دارد؟

ج : اگر در تهران پول حواله جمع می کنند و از مسافت شرعی خارج نمی شوند نمازشان تمام است و روزه هم واجب است. اما اگر هر هفته از تهران خارج می شوند و برمی گردند حکمش در جواب قبلی بیان شد.

س : ۳۷۰ - اگر حواله داران اصلا خانه ای نداشته باشند حکم نماز و روزه شان چیست؟

ج : اگر از افغانستان برای جمع آوری حواله آمده اند تا اولین شهر ایران که می خواهند از آن جا جمع آوری حواله را شروع کنند جمع بین قصر و تمام کنند و بعد از آن حکم دایم السفر پیدا می کنند به شرط این که بدانند این کار بیش از سه ماه طول می کشد و قصد ده روز را در یک مکان نکنند اما اگر بدانند که کارش کمتر از سه ماه طول می کشد حکم دایم السفر را ندارد بنابراین اگر در جای قصد ماندن ده روز کرد نماز و روزه اش تمام والا قصر است.

س : ۳۷۱ - برخی از حواله داران دو یا چهار ماه به ایران مسافرت می کنند و بر می گردند و مدت دو ماه در افغانستان می مانند حکم نماز و روزه شان چیست؟

ج : اگر یقین و اطمینان دارند که دو ماه، یا کمتر در ایران می مانند و یا اصلا نمی دانند که چه مدت زمانی می مانند در این صورت وقتی از افغانستان حرکت می کنند حکم مسافر را دارند و اگر می دانند که پیش از سه ماه در ایران مشغول جمع آوری حواله هستند از آغاز حرکت از افغانستان تا اولین شهر ایران که حواله جمع کردن را از آن جا شروع می کنند باید جمع بین قصر و تمام بکنند.

اما بعد از آن حکم دایم السفر را پیدا می کنند اما در افغانستان اگر چه مدت کمی بمانند نمازشان تمام و روزه شان واجب است.

س : ۳۷۲- کسی که شغلش رانندگی است و در طول سال شش یا هفت ماه رانندگی می کند و بعد از آن به خانه مراجعه می کند و مدتسه چهارماه درخانه می ماند اما در این مدت هم گاهی مسافرت می کند حکم نماز و روزه اش چیست؟

ج : درمندی که رانندگی می کند و مسافت شرعی را هم طی می کند و ده روز در یک جا قصد اقامت نمی کند دایم السفر به حساب می آید. وقتی که به وطن برگشت و ده روز بماند دائم السفرگفته نمی شود و حکم وطن را پیدا می کند، و وقتی که سفر کرد حکم مسافر را پیدا می کند.

س : ۳۷۳- کسی که سوداگری میکند مدت دو- سه ماه درسفر است و بعد از آن مدت یک هفته یا بیشتر به وطن خود بر میگردد آیا این بازگشت او را از دایم السفر بودن خارج می کند و نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟

ج : اگر دایم السفر کمتر از ده روز در خانه اش بماند از دایم السفر بودن خارج نمی شود اگر ده روز یا بیشتر در خانه اش بماند بعد سفر کند در سفر اول جمع بین قصر و تمام بکند و در سفرهای آینده حکم دایم السفر را پیدا می کند و در خانه اگر یک روز هم بماند نماز را تمام و روزه اش را بگیرد.

## احکام نماز میت

س : ۳۷۴- آیا نماز خواندن شیعه بر میت سنی طبق فقه اهل سنت و نماز خواندن سنی بر میت شیعه طبق فقه تشیع جایز است و این نوع نماز میت صحیح است؟

ج : نماز خواندن شیعه از باب تقیه بر میت سنی طبق فقه اهل سنت اشکالی ندارد و اگر از باب تقیه نباشد، شیعه باید طبق نته شیعه بر میت اثنی عشری نماز بخواند اما دعای لیش از تکبیر بنجم را نگوید و با چهار بار تکبیر نماز را ختم کند. اگر در حال ضرورت، سنی طبق فقه اهل تسنن بر میت شیعه نماز بخواند و یا طبق فقه شیعه بر میت شیعه نماز بخواند اشکال ندارد و اگر پیش از دفن میت شیعه، نمازگزار شیعه پیدا نشد بالای قبر میت شیعه، مصلی شیعه نماز بخواند.

س : ۳۷۵- آیا در حال اضطرار یا در حال اختیار جایز است بر چند میت مرد و زن یک نماز خوانده شود؟

ج : خواندن یک نماز برای چند میت در حال اختیار هم جایز است به شرط این که ضمائر دعاهای نماز جمع آورده شود.

س : ۳۷۶- نماز بر میت خنثای مشکله از نظر ضایر مذکر و مونث چگونه خوانده شود؟

ج : به اعتبار میت حاضر می توان ضمائر مذکر آورده شود.

س : ۳۷۷- اگر کسی (خودکشی) کرده باشد جایز است که در نماز میت ا و دعای (اللهم انا لا نعلم...) خوانده شود؟

ج : اگر میت شیعه باشد اشکالی ندارد زیرا منظور از این دعا ولایت امیرالمومنین (ع) است.

س : ۳۷۸- نماز میتی که بدون اجازه ولی خوانده می شود صحیح است یا نه و اقتدا به چنین نمازی جایز است؟

ج : چنین نمازی بنا بر احتیاط باطل است. اما اگر میت وصیت کرده باشد که فلانی بر او نماز بخواند اما، ولی میت اجازه ندهد، اجازه ولی ساقط می شود.

س : ۳۷۹- اگر مسلمانی بدون نماز میت دفن شود آیا جایز است که دو- سه شب بعد برای او نماز وحشت خوانده شود؟

ج : نماز وحشت این چنینی مشروعیت ندارد اما باید بر بالای قبرش نماز میت خوانده شود.

### احکام نماز استیجاری

س : ۳۸۰- کسی که برای انجام دادن نماز و روزه میتی اجیر شده است و مقداری از نماز و روزه را انجام داد و مقداری را انجام نداده است و حالا فراموش کرده است که چه مقدار را انجام داده و چه مقدار را انجام نداده است وظیفه اش چیست؟

ج : اگر انجام نماز و روزه را در ظرف زمانی خاص تعهد کرده باشد و زمان هم تمام نشده باشد باید آن قدر نماز بخواند و روزه بگیرد که یقین به فراغ ذمه اش پیدا کند اما اگر زمان معین به پایان رسیده است بدون اجازه مستاجر نمی تواند باقی مانده را در خارج از وقت معین انجام دهد. و اگر دسترسی به مستاجر ندارد باید از حاکم شرع اجازه بگیرد.

## احکام روزه

س : ۳۸۱- آیا تزریق آمپول های تقویتی، بی حسی و درمانی روزه را باطل می کند؟

ج : آمپول مبطل نیست اما احتیاط این است که آمپول های تقویتی بعد از افطار تا اذان صبح تزریق شود.

س : ۳۸۲- قطره ای که در چشم ریخته می شود اگر به حلق برسد مبطل روزه است؟

ج : در صورتی که به حلق برسد - احتیاطاً - بعد از افطار ریخته شود.

س : ۳۸۳- کسی در ماه رمضان در مسافرت - سهوا - افطار می کند اگر پیش از ظهر همان روز به محل اقامت خود برگردد می تواند نیت روزه کند؟

ج : نمی تواند نیت روزه کند.

س : ۳۸۴ - روزه دار می تواند با خمیردندان مسواک بزند؟

ج : اگر اطمینان دارد که به حلق نمی رسد اشکال ندارد.

س : ۳۸۵- اخلاط سینه که به فضای دهان آمده و آن را نرو برد و به حلق برسد و برگرداند موجب بطلان روزه می شود؟

ج : بنا بر احتیاط موجب بطلان می شود.

س : ۳۸۶ - کسی که قضای روزه رمضان به گردش است می تواند روزه استیجاری بگیرد؟

ج : در صورت وسعت وقت برای قضا می تواند بگیرد.

س : ۳۸۷- روزه هایی که با غسل باطل گرفته شده باشد چه حکمی دارد؟

ج : اگر نمی دانسته است که غسلش باطل است، قضای روزه احوط است.

س : ۳۸۸- اگر کسی بعد از طلوع فجر محتلم شود و- فوراً - غسل کند بعد از غسل می تواند نیت روزه مستحبی یا استیجاری کند؟

ج : روزه مستحبی اشکالی ندارد.

س : ۳۸۹- کسی در ماه مبارک رمضان محتلم می شود، غسل را - عمدأ - تا غروب به تاخیر می اندازد. روزه اش صحیح است؟

ج : روزه اش صحیح است.

س : ۳۹۰- آیا قصد خوردن و آشامیدن روزه را باطل می کند؟

ج : به محض قصد، روزه باطل می شود.

س : ۳۹۱- آیا مجرد انصراف از روزه باعث بطلان روزه می شود؟

ج : استمرار نیت در صحت روزه معتبر است اگر از نیت روزه انصراف پیدا شد باطل می شود.

س : ۳۹۲- کسی که روزه واجب بر عهده اش است می تواند روزه مستحبی بگیرد؟

ج : نمی تواند.

س : ۳۹۳- در سفر می توان روزه مستحبی گرفت؟

ج : در سفر روزه جایز نیست مگر سه روز روزه در مدینه یا این که نذر کرده باشد که در سفر روزه بگیرد.

س : ۳۹۴- کس اجیر شده است که در یک زمان معین روزه بگیرد آیا اجیر می تواند روزه زمانی معین را بعد از ظهر افطار کند و اگر افطار کرد کفاره دارد؟

ج : افطار جایز نیست. اگر افطار کرد کفاره ندارد و اگر بخواهد روز دیگری را به جای روز معین روزه بگیرد باید با موافقت مستاجر باشد.

س : ۳۹۵- اگر کسی از ابتدای ماه مبارک رمضان - اجمالاً - نیت روزه کند و یکی از روزهای آن را از طلوع فجر تا غروب در خواب بماند روزه این روز صحیح است؟

ج : روزه صحیح است. قضا ندارد.

س : ۳۹۶- اگر دختر به نه سالگی برسد و روزه گرفتن برایش سخت و خستگی آورباشد و مسایل نماز را نداند، کسی هم به او یاد ندهد وظیفه پدر و مادرش چیست؟ و اگر همین دختر فوت کند قضای نماز و روزه اش بر چه کسی واجب است؟

ج : پسر و دختر بعد از پایان پانزده و نه سالگی موظف هستند که نماز و روزه و... را انجام بدهند. اگر روزه حرجی باشد بعد از رفع حرج اگر قضای آن را بگیرند بریء الذمه خواهند شد. البته پدر و مادر باید به فرزندان خود مسایل و احکام را یاد بدهند و امر به انجام آن بکنند مگر این که حرجی باشد و اگر فوت کنند قضا بر ورثه واجب نیست.

س : ۳۹۷- با توجه به اختلاف افق ایران و افغانستان اگر در ایران هلال دیده شود در افغانستان می توانند عید کنند؟ آیا بها اعلان رادیو ایران در افغانستان رویت هلال ثابت می شود و آیا با حکم حاکم شرع بر این که فلان روز عید است، عید فطر ثابت می شود؟

ج : وحدت افق رویت هلال معتبر نیست. اگر حاکم شرع حکم کند، عید ثابت می شود اما اگر رادیوی ایران اعلام کند که در نزد حاکم شرع رویت هلال ثابت شده است در صورتی افطار می توانند که اطمینان حاصل شود بر رویت هلال در ایران.

س : ۳۹۸- کسی که به خاطر بیماری نتوانسته است روزه بگیرد و حتی قضای آن را نیز تا روزه سال آینده نتوانسته است بگیرد، پول هم ندارد که کفاره اش را پرداخت کند. کفاره تأخیر چه مقدار است؟

ج : کناره روزه هر روز یک (مد) است که کفاره سی روز سی (مد) می شود.

س : ۳۹۹- زنی که عادت وقتیه دارد، در روز اول ماه رمضان خون می بیند به گمان این که حیض است روزه اش را افطار می کند اما بعد از آزمایش روشن می شود



که خون به خاطر حامله گی و ضعف بدنی بوده است. آن یک روز را که افطار کرده است حکمش چیست؟

ج : قضا دارد، اما کفاره ندارد.

س : ۴۰۰ - آب و رطوبتی که از انسان خارج می شود و اوصاف جنابت را ندارد اما مردد میان منی، بول و رطوبت دیگر است روزه و نماز با آن چه حکمی دارد؟

ج : اگر علامت های منی را - که در توضیح المسائل آمده است - ندارد، نماز و روزه صحیح است.

س : ۴۰۱ - کسی که برای خرید پول (حواله داری) به ایران میآید در شهرها می گردد و محل اقامت خاصی ندارد و نیز کسانی که شرکت تجاری تأسیس کرده اند و کارشان خرید و فروش پول و رفتن و آمدن در شهرها است نماز و روزه شان چه حکمی دارد؟

ج : کسی که از افغانستان برای حواله داری و یا تجارت می آید تا مقصد اول (مثل مشهد) بنا بر احتیاط جمع بین قصر و تمام نمایند و بعد از آن تمام بخواند چون دائم السفر می باشند.

س : ۴۰۲ - کسی که چهار سال مقیم قم است اما به لحاظ شغلی نمی تواند ده روز در قم بماند - البته گاهی ده روز در قم می ماند - حکم نماز و روزه شان چیست؟

ج : اگر در جایی قصد اقامت نمی تواند دایم السفر به حساب می آید.

س : ۴۰۳ - کسی که به مدت پنج - شش سال در محلی زندگی می کند اما گاهی در ماه رمضان هشت فرسخ مسافرت می کند یعنی صبح بر سرکار می رود و شب بر می گردد نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟

ج : در فرض سؤال نماز و روزه ایشان در سفر قصر است.

س : ۴۰۴ - کسی که خانه اش در ورامین و کارش در تهران و از نظر اقامتی هم مطمئن نیست که چند مدت در ایران می ماند سه - چهار روز

در تهران و سه - چهار روز در ورامین است حکم نماز و روزه اش چیست؟

ج : در تهران و ورامین نمازش تمام و روزه اش واجب است چون دایم السفر است اگر اطمینان دارید که این کار شما تا سه ماه ادامه دارد.

س : ۴۰۵ - کارگری که صبح ها (سر فلکه ) برای کار می رود، بعضی وقت ها رفتن و برگشتن به اندازه هشت فرسخ می رسد و برخی اوقات نمی رسد نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟

ج : اگر صاحب کار بگوید که فاصله چهار یا هشت فرسخ است نماز قصر و روزه افطار می شود و اگر فاصله و مسافت را نداند روزه را بگیرد و نماز را تمام بخواند و اگر بدون قصد به هشت فرسخی برسد در بازگشت نماز قصر و روزه افطار می شود.

س : ۴۰۶ - کسی که چهارده سال ساکن قم است اگر یک هفته در میان دو - سه روز در قم بیاید و باقی هفته را در تهران باشد و این آمد و شد - بخاطر تحصیل در دانشگاه - تا پنج سال آینده ادامه داشته باشد، تهران وطن به حساب می آید و این شخص دایم السفر است؟

ج : اگر پنج روز در تهران و دو روز در قم باشد در تهران چون کثیرالسفر است نماز تمام و روزه اش واجب است و در قم به خاطر این که حکم وطن دارد نماز و روزه اش تمام است.

س : ۴۰۷ - کارگران افغانی که در فاصله پنج فرسخی کار کشاورزی می گیرند و رفت و آمد می کنند روزه شان در محل کار و خانه چه حکمی دارد؟

ج : اگر این کار همیشه است تا سه ماه طول می کشد، حکم دایم السفر را پیدا می کنند. نماز تمام و روزه واجب است.

س : ۴۰۸ - کسانی که خانه های رهنی یا اجاره ای دارند و در طول هفته چندین بار مسافرت می کنند وظیفه شان چیست؟

ج : اگر قصد دارند که چهار سال یا بیشتر در آن جا بمانند حکم وطن را دارد و اگر در هفته سه - چهار روز مسافرت می کنند تا سه ماه یا بیشتر، چون دائم السفر به حساب می آیند. در هر دو صورت نمازشان تمام و روزه شان واجب است.

س : ۴۰۹ - آیا در قبول روزه قضایی، دادن کفاره روزه شرط است یا هر کدام عمل (علی حده) است؟

ج : ممکن است شرط قبولی باشد اما شرط صحت نیست. کسی که کفاره روزه دارد می تواند روزه قضایی بگیرد و صحیح است.

س : ۴۱۰ - کسی که اهلیت صدور فتوا را نداشته است به کارگری گفته است که چون شما کار می کنید روزه بر شما واجب نیست شخص یاد شده بدون این که تحقیق کند افطاری کند. حکمش چیست؟

ج : اگر برای آن کارگر یقین حاصل شده است، فقط قضا دارد و گرنه هم قضا دارد و هم کفاره دارد.

س : ۴۱۱ - اگر رسانه های عربستان، ترکیه و... که معمولاً یک روز پیش تر از ایران و افغانستان روزه می گیرند و عید می کنند - خبر بدهند که در کشورهای یاد شده رؤیت هلال شده است وظیفه مقلدین شما چیست؟

ج : با ادعای رؤیت هلال در آن کشورها رویت هلال در افغانستان و ایران ثابت نمی شود.

س : ۴۱۲ - کسی که خانه اش در ورامین و کارش در تهران است. قصد ماندن دائم در ورامین را ندارد و در محل کارش قصد اقامت می کند گاهی پیش از ده روز و گاهی یک روز در میان به خانه اش می رود. روزه اش در محل کار و خانه چه حکمی دارد؟

ج : اگر نمی تواند ده روز در تهران یا ورامین بماند و اکثراً در تردد و رفت آمد می باشد باید روزه اش را بگیرد. و نماز را تمام بخواند.

س : ۴۱۳- اگر کسی در ماه مبارک رمضان محتلم شود و غسل را - عمد ا - به تاخیر بیندازد تا وقت تنگ شود و مساله را نداند و تیمم هم نکند. بعد از غسل شک کند که غسل پیش از اذان تمام شده است یا در هنگام اذان آیا روزه اش صحیح است؟

ج : غسل و روزه صحیح است قضا و کفاره ندارد.

س : ۴۱۴- اگر در روز ماه مبارک رمضان چشم جوان به اجنبی بیفتد و محتلم شود، فوراً تیمم کند و بعد از آن خود را به آب برساند و غسل کند روزه اش چه حکمی دارد؟

ج : روزه اش صحیح است.

س : ۴۱۵- کسی که کفاره روزه در افغانستان دارد در ایران پرداخت کند در صورت جواز چه مقدار و در کجا پرداخت کند؟

ج : اگر در ایران در مدرسه دینی تعداد شصت نفر طلبه را با نان، پنیر و چایی اطعام کند، بدل از یک روز کفایت می کند.

س : ۴۱۶- کسی که می داند روزه اش را خورده است اما مدت آن را نمی داند مثلاً نسبت به ده تا پانزده روزگمان و نسبت به بیست روز شک دارد وظیفه اش چیست؟

ج : احوط این است که پانزده روز را قضا کند.

س : ۴۱۷- اگر کسی برای فرار از روزه به اندازه مسافت شرعی برود و افطار کند بعد از آن به محل اقامت خود برگردد چه حکمی دارد؟

ج : اگر به اندازه بیست و دو نیم کیلومتر برود، افطار کند و برگردد و سرکارش بخورد اشکالی ندارد.

س : ۴۱۸- اگر کسی سهواً یا جهلاً برای گرفتن ماهی سر را زیر آب ببرد روزه اش صحیح است؟

ج : اگر - سهواً - سر را زیر آب برده است روزه اش صحیح است و اگر نمی دانسته است که فرو بردن سر در آب مبطل روزه است جمع بین قضا و کفاره

احوط است، و اقوی در جاهل قاصر عدم کفاره است.

س : ۴۱۹ - اگر مهمانی محتلم شود به خاطر نبودن حمام یا سردی هوا یا خجالت از میزبان چند روز با تیمم روزه بگیرد و نماز بخواند آیا برای هر نماز و برای هر روز، روزه تیمم لازم است؟

ج : خجالت از میزبان مجوز تیمم نمی شود باید غسل کند مگر این که آب سرد مضر باشد که در آن صورت تیمم جایز است.

س : ۴۲۰ - اگر آدم روزه دار در حمامی که بخار آن نفس را تند می کند برود و نداند که بخار مبطل روزه است چه حکمی دارد؟

ج : - احتیاطاً - دهان و بینی را ببندد و اگر جاهل مقصر باشد دادن کفاره احوط است.

س : ۴۲۱ - کسی که در هنگام سحری تریاک می کشد و روزه هم می گیرد چه حکمی دارد؟

ج : روزه اش صحیح است.

س : ۴۲۲ - کسی که در دماوند خانه اش می باشد و در ماه رمضان به تهران مسافرت می کند یک روز یا بیشتر در خانه اش روزه می گیرد بعد به تهران مسافرت می کند دوباره به خانه بر می گردد و روزه می گیرد باز به تهران بر می گردد و این عمل چندین بار تکرار می شود حکم نماز و روزه اش در خانه اش چیست؟

ج : اگر در دماوند چهار سال یا بیشتر مانده باشد قضا ندارد و اگر کمتر مانده باشد و بدون قصد اقامت ده روز، روزه گرفته باشد، روزه اش قضا دارد.

س : ۴۲۳ - آیا نسوار کشیدن در ماه رمضان روزه را باطل می کند؟

ج : احتیاط واجب در اجتناب است.

س : ۴۲۴ - کسی که به خاطر پیروی با تکیه به دیگران وضو می گیرد و نشسته نماز می خواند و توان روزه گرفتن را ندارد اما اصرار به روزه داشته باشد چه حکمی دارد؟

ج : در صورتی که روزه گرفتن مشقت داشته باشد یا خوف بیماری باشد

باید افطار کند.

س : ۴۲۵- کسی که با وجود دانستن مسایل شرعی نماز و روزه اش را ترک کند. امر به معروف و نهی از منکر هم در او تاثیری نداشته باشد آیا معاشرت و غذا خوردن با او جایز است؟

ج : چون اعتقاد اسلامی دارد نجس نیست. از باب امر به معروف و نهی از منکر برای این که اصلاح شود باید از او دوری شود.

س : ۴۲۶- شرط جنب شدن زن چیست آیا بدون دخول اگر ملاعبه ای صورت گیرد و آبی از زن بیرون آید آیا بر زن صدق می کند؟ اگر در ماه رمضان باشد روزه زن باطل می شود؟

ج : اگر در هنگام خارج شدن آب خوشش بیاید و بعد از آن سست شود جنب به حساب می آید و اگر مقدمات جنب شدن را خود فراهم کرده باشد روزه اش باطل، قضا و کفاره بر او لازم است.

س : ۴۲۷- اگر کفاره روزه قضایی آن قدر باشد که مکلف از انجامش نا امید شده باشد می تواند روزه مستحبی بگیرد؟

ج : روزه مستحبی نمی تواند بگیرد.

س : ۴۲۸- اگر نسوار به حلق نرسد اما اثر داشته باشد مبطل روزه است؟

ج : ترک نسوار احوط است.

س : ۴۲۹- اگر ترک نسوار در روزه مشکل باشد اما به حد حرج نرسد چه حکمی دارد؟

ج : ترک نسوار احوط است.

س : ۴۳۰- کسی که مریض باشد و شدیداً تب و درد داشته باشد و احتمال ندهد که روزه برایش ضرر داشته باشد زیرا افطار و عدم افطار برایش یکسان باشد، آیا روزه اش صحیح است؟

ج : اگر روزه باعث شدت یا طولانی شدن بیماری نباشد روزه اش صحیح است.

س : ۴۳۱ - اگر دکتری به زن شیرده یا حامله بگوید که روزه برایش ضرر دارد اما خودش احتمال ضرر ندهد روزه اش صحیح است؟

ج : اگر بداند که روزه برای او و فرزندش ضرری ندارد، روزه اش صحیح است.

س : ۴۳۲ - اگر زن شیرده یا حامله احتمال ضرر برای خود یا فرزندش بدهد، بدون این که دکتری به افطار روزه سفارش کرده باشد می تواند افطار کند؟

ج : در صورتی که خوف ضرر باشد باید افطار کند.

س : ۴۳۳ - آیا تزریق آمپول و سرم مبطل روزه است؟

ج : مبطل نیست.

س : ۴۳۴ - آیا خوردن سحری در نیت روزه کفایت می کند؟

ج : کفایت می کند.

س : ۴۳۵ - اگر کسی از اول ماه رمضان نیت روزه کند، علاوه بر آن هر شب نیت روزه لازم است؟

ج : خوردن سحری کفایت می کند، لازم نیست هر شب نیت کند.

س : ۴۳۶ - آیا ایران و افغانستان (خصوصاً کابل و مناطق مرکزی) در افق اتحاد دارند یا اختلاف؟

ج : اختلاف در افق و وقت نماز دارند اما این اختلاف در هلال ماه رمضان و عید فطر اثر ندارد. اگر در ایران عید شد در افغانستان هم عید می شود در صورت اطمینان پیدا کردن به رؤیت هلال در ایران.

س : ۴۳۷ - کسانی که طبق اعلام رادیوی ایران و اعلام مقام معظم رهبری روز سیام رمضان را اول شوال و عید قرار داده است، روزه آن روز قضا و کفاره دارد یا نه؟

ج : اگر از اعلام رادیوی ایران یقین یا اطمینان به رویت هلال حاصل شود واجب است عید کنند و اگر شک داشته باشند عید نمی توانند و اگر افطار کنند قضا و کفاره دارد و با حکم حاکم شرع هم می توانند عید کنند.

س : ۴۳۸ - کسانی که تقلید از امام خمینی دارند اگر سی روز تمام را روزه بگیرند و در ایران عید شود اما در افغانستان رؤیت هلال نشود روزه روز سی ام که اول شوال و روز عید در ایران است در افغانستان صحیح است یا نه؟

ج : اگر در اول رمضان رؤیت هلال شده است و سی روز گذشته باشد روزه روز سی و یکم حرام است. اگر در اول ماه رمضان ماه را ندیده باشند تا شوال ثابت نشده است روزه حرام نیست و اگر در روز سی ام در ایران عید شود مقلدین امام خمینی (ره) در افغانستان - احتیاطاً - در آن روز سفر و افطار کنند.

س : ۴۳۹ - کسی که خانه اش در قم و کارش در فاصله بیست و دو کیلومتری قم است روزها در خانه و شب ها در محل کار است حکم روزه و نمازش چیست؟

ج : روزه اش واجب و نمازش تمام است.

س : ۴۴۰ - مراد از توافق و اختلاف افق چیست؟

ج : هر شهری که وقت نماز آن با وقت نماز شهر دیگر در یک زمان یا با اندکی تفاوتی باشد اتحاد در افق دارند. بر خلاف کابل و تهران که وقت نمازشان یک ساعت تفاوت دارد بنابراین افق شان هم اختلاف دارند. ولی وحدت و اختلاف افق در اثبات و عدم اثبات رؤیت هلال تأثیری ندارد، مثلاً در ایران بین شرق و غربش یک ساعت فاصله است در حالیکه در سراسر ایران در یک روز عید می شود.

س : ۴۴۱ - اگر کسی نداند که از محل زندگی تا محل کارش مسافت شرعی است یا نیست و روزه اش را بگیرد بعداً معلوم شود که مسافت شرعی نبوده است روزه اش صحیح است؟

ج : اگر قصد قربت کرده باشد روزه اش صحیح است.

س : ۴۴۲ - کسی که هر روز فاصله چهار فرسخی میان خانه و محل کارش را رفت و آمد می کند حکم روزه اش در سفر و حضر چیست؟



ج : اگر این رفت و آمدتا سه ماه طول بکشد باید روزه بگیرد.

س : ۴۴۳- برای بیماران و زنان حامله، ملاک برای جواز افطار، احتمال ضرر است یا یقین به ضرر؟

ج : در صورت خوف به ضرر افطار جایز است. یقین به ضرر شرط نیست.

س : ۴۴۴- اگر بیماری تا یک سال ادامه داشته باشد قضای روزه ساقط می شود؟

ج : بلی، ساقط می شود.

س : ۴۴۵- کسی که به مدت دو سال بیمار است. اگر روزه بگیرد حالت ضعف پیدا می کند آیا روزه گرفتن بر او واجب است؟

ج : اگر روزه سبب ایجاد شدت و طولانی شدن بیماری یا ضعف مفرط شود وظیفه اش افطار است اما ضعف غیر مفرط مجوز افطار نمی شود.

س : ۴۴۶- کسی که به بلوغ رسیده بوده است، پدر و مادرش نگذاشته است که روزه بگیرد و نماز بخواند خودش هم نمی فهمیده است که روزه و نماز برایش واجب شده است یا نه بعداً معلوم شده است که - در این چند سال روزه اش را نگرفته است و نمازش را نخوانده است وظیفه اش چیست؟

ج : باید قضایی نماز و روزه اش را انجام دهد.

س : ۴۴۷- دخترهایی که از نظر سنی (ده سال یا بیشتر) به تکلیف رسیده اند اما از نظر جسمی کوچک هستند و توان روزه گرفتن را ندارند چه حکمی دارند؟

ج : در صورت ضرر و حرج افطارکنند و هر وقتی توان پیدا کردند قضای آن را بگیرند.

س : ۴۴۸- کسی که به مدت دو سال گرفتار بیماری زخم معده است طبق سفارش پزشک اگر روزه بگیرد احتمال دارد از بین برود وظیفه اش چیست؟

ج : اگر قضای روزه را هم گرفته نمی تواند، روزه از او ساقط است اما روز یک (مد) طعام باید کفاره بدهد که کفاره یک ماه آن سی مد می شود.

س : ۴۴۹ - اگر کسی در ماه رمضان چند روز جنب بماند و به خاطر نبودن حمام در خانه یا خجالت نتواند قبل از فجر غسل کند آیا تیمم بدل از غسل کفایت می کند روزه اش صحیح است؟

ج : اگر به خاطر خجالت کشیدن غسل را ترک و تیمم کند احتیاط واجب دادن کفاره است. و اگر حمام در خانه نباشد اما در بیرون از خانه باشد مانند حمام شهرها و عمداً غسل را ترک کند قضا و کفاره هر دو واجب است و اگر حمام - اصلاً - نباشد و غسل با آب سرد مضر یا حرجی باشد وظیفه اش تیمم است روزه اش قضا و کفاره ای ندارد.

س : ۴۵۰ - اگر کسی در شب ماه رمضان از حرام جنب شود و عمداً - تا صبح غسل نکند و روزه اش را هم بخورد کفاره جمع بر او واجب است؟

ج : به خاطر باقی ماندن بر جنابت یک کفاره واجب است اگر چند از حرام باشد.

س : ۴۵۱ - اگر زن اجنبی باعث جنابت مردی شود و آن مرد فردای آن روز، روزه نگیرد باید کفاره جمع بدهد؟

ج : به خاطر بقای بر جنابت یک کفاره واجب است باعث و بانی هر که باشد.

س : ۴۵۲ - اگر کسی در روز ماه رمضان چند بار به همسرش نزدیکی کند کفاره جمع بر او واجب است؟

ج : تعدد جماع موجب تعدد کفاره می شود نه جمع. اگر کسی در روز و ماه رمضان زنا کند کفاره جمع بر او واجب است.

س : ۴۵۳ - در قضای روزه ماه رمضان توالی و موالات مانند اصل روزه ماه رمضان شرط است؟

ج : توالی در قضا شرط نیست.

س : ۴۵۴ - مهمانی که در فصل زمستان در خانه میزبان محتلم می شود و امکان غسل

غیر از خانه میزبان در جای دیگر نیست و از میزبان هم خجالت می کشد به جای غسل تیمم می کند و چند روز با تیمم نماز می خواند و روزه می گیرد آیا روزه اش صحیح است؟

ج : اگر درجایی که مهمان است امکان غسل باشد و نداند که خجالت از میزبان مجوز تیمم نمی شود عمداً - غسل نکند قضا دارد اما کفاره ندارد و اگر جاهل به حکم مسأله نبوده است هم قضا دارد و هم کفاره.

س : ۴۵۵ - کسی که برای جنگیدن در جنگ های داخلی افغانستان چهار فرسخ از محل زندگی اش دور نشده است به دستور فرمانده افطار کرده است آیا کفاره دارد و اگر کفاره دارد به گردن فرمانده است یا خود افطارکننده؟

ج : امتثال امر فرمانده واجب نبوده است باید کفاره روزه اش را خودش بدهد.

س : ۴۵۶ - کسانی که به کشیدن نسوار عادت دارند و نسوار را زیر زبان می گذارند به طوری که نسوار یا آب دهان که مخلوط با نسوار است به حلق فرو نمی رود و بعد از چند دقیقه دور می اندازند مانند مادری که برای بچه اش نان می جود - با این وصف کشیدن نسوار مبطل روزه است یا نه؟

ج : بنا بر احتیاط از کشیدن نسوار در هنگام روزه اجتناب شود.

س : ۴۵۷ - اگر پزشک حاذقی که وثاقتش معلوم نیست روزه را برای بیمار مضر بداند اما خود بیمار اطمینان به ضرر نداشته باشد می تواند افطار کند؟

ج : اگر خود بیمار احتمالی ضرر بدهد چنانچه احتمال او از نظر مردم بجا باشد می تواند افطار کند.

س : ۴۵۸ - اگر برای معاینه، وسایل پزشکی از دهان وارد شکم بیمار روزه دار شود روزه اش باطل می شود؟

ج : خوردن و آشامیدن صدق نمی کند. مبطل روزه نیست.

س : ۴۵۹ - اگر کسی پیش از ظهر از محل اقامت خود مسافرت اما بعد از ظهر از حد

ترخص خارج شود و یا در هنگام ورود پیش از ظهر به حد ترخص و بعد از ظهر به محل اقامت خود برسد روزه اش چه حکمی دارد؟

ج : در هر دو صورت جمع میان روزه و قضای آن احوط است.

س : ۴۶۰- اگر کسی نداند که به بلوغ رسیده است و روزه اش را نگیرد اما بعداً معلوم شود که به بلوغ رسیده بوده است روزه اش قضا و کفاره دارد؟

ج : قضا دارد اما کفاره ندارد.

س : ۴۶۱- شخصی در مسافرت است و قصد دارد که اگر قبل از ظهر به وطن برسد روزه استیجاری بگیرد ولی سهواً چیزی خورد آیا می تواند در وطن روزه استیجاری بگیرد؟

ج : نمی تواند روزه بگیرد.

س : ۴۶۲- اینجانب در روز ماه رمضان مقداری از تربت مقدس کربلا خوردم آیا افطار به حرام کرده ام تا کفاره جمع بر من واجب باشد؟

ج : اگر برای استشفاء بوده افطاریه حرام نیست فقط یک کفاره و قضا بر تو واجب است نه کفاره جمع.

س : ۴۶۳- اگر کسی از شب قصد دارد فردا مسافرت کند آیا از طلوع فجر تا وقت مسافرت لازم است نیت روزه کند؟

ج : نیت روزه با نیت سفر جمع نمی شود ولی تا از حد ترخص خارج نشده امساک واجب است.

س : ۴۶۴- اگر زنی مستحاضه کثیره است و برای نماز شام و خفتن غسل نکرده ولی برای احیاء شب قدر و خواندن دعا و قرآن غسل کرده آیا روزه فردایش صحیح است یا نه؟

ج : بنا بر احتیاط واجب آن روز را روزه بگیرد و بعداً قضاء آن روز را هم بگیرد.

س : ۴۶۵- بر زنی که کفاره شصت روز روزه واجب است و باید سی و یک روز متوالی روزه

بگیرد در وسط عادت ماهانه بر او عارض شد آیا دوباره باید روزه بگیرد یا نه؟

ج : فاصله شدن حیض اشکال ندارد ولی بعد از پاک شدن باید بلافاصله دوباره شروع به روزه گرفتن نماید.

س : ۴۶۶- در روزه استیجاری اگر بعد از ظهر افطار کند کفاره بر او واجب است یا نه؟

ج : کفاره بر او واجب نیست ولی احتیاط در ترک افطار در بعد از ظهر است.

س : ۴۶۷- اگر کسی مجبور شود که در روز ماه رمضان خود را اماله کند آیا روزه اش باطل می شود یا نه؟

ج : اگر اماله با چیزی روان و مایع باشد روزه اش باطل می شود و قضاء آن روز بر او واجب است اگر چه برای معالجه باشد.

س : ۴۶۸- کسانی که عمد ا و بدون عذر شرعی در حضور مردم روزه خود را می خورند، حکم آنها چیست؟

ج : در دفعه اول و دوم از طرف حاکم تعزیر می شوند و در دفعه سوم اگر باز افطار کنند حکم آنها قتل و کشتن است.

س : ۴۶۹- شخص مریضی که هر روز چندین مرتبه باید قرص بخورد و نمی تواند روزه بگیرد اگر بعد از چند سال خوب شود آیا روزه های گذشته را باید قضاء کند؟

ج : اگر تا سال آینده مرضش طول بکشد و قدرت برگرفتن روزه پیدا نکند بعد از یک سال قضاء بر او واجب نیست و برای هرروز یک مد طعام (۷۵۰) گرم به فقیر باید بدهد.

س : ۴۷۰- اگر مسافر قبل از ظهر روز رمضان به وطن خود برسد یا به محل اقامت خود اما نیت روزه را فراموش کند تکلیفش چیست؟

ج : نیت تفصیلی لازم نیست نیت اجمالی کافی است یا اگر از شب نیت داشته که اگر فردا قبل از ظهر به وطن یا محل اقامتم رسیدم روزه می گیرم کافی است.

س : ۴۷۱- اگر کسی غسل جنابت را در شب آن قدر تاخیر بیندازد که فقط برای تیمم

وقت باقی باشد و تیمم کرد و روزه گرفت آیا روزه اش صحیح است یا نه؟

ج : اگر عمدًا غسل را به تاخیر انداخته احتیاطاً قضاء آن روز را هم بگیرد.

س : ۴۷۲- شخصی در شب جنب شد و تیمم نکرد و حمام رفت و در اثناء غسل اذان صبح شد آیا قضاء و کفاره بر او واجب است یا نه؟

ج : روزه اش صحیح است قضاء و کفاره بر او واجب نیست.

س : ۴۷۳- آیا به اعتماد به ساعت می توان افطار کرد یا سحری خورد و اگر کشف خلاف شد قضاء بر او واجب است یا نه؟

ج : نگاه کردن به ساعت حکم نگاه به افق ندارد در صورت کشف خلاف باید قضاء آن روز را بگیرد.

س : ۴۷۴- آیا کسی که قضاء روزه بر او واجب است می تواند روزه استیجاری بگیرد؟

ج : اگر تا رمضان آینده وقت برای روزه قضای و روزه استیجاری کافی باشد می تواند روزه استیجاری بگیرد.

س : ۴۷۵- اگر بخاطر روزه گرفتن چشم انسان کم نور شود ضرر محسوب می شود یا نه؟

ج : اگر کم نور شدن چشم موقتی باشد که بعد از افطار یا بعد از رمضان به حال عادی برگردد و ضرر بر چشم نباشد روزه بر او واجب است.

س : ۴۷۶- زنی که مریض است و مرضش تا سال آینده ادامه داشته و چند روزی هم در ماه رمضان عادت شده آیا کفاره چند روز عادت را هم باید بدهد یا نه؟ ج : بلی باید کناره ایام عادت را بدهد.

س : ۴۷۷- در شب ماه رمضان جنب شدم و موفق به غسل نشدم و متوجه تیمم هم نبودم آیا قضاء و کفاره بر من واجب است یا نه؟

ج : قضاء واجب است و بنا بر احتیاط کفاره هم واجب است.

س : ۴۷۸- شخصی می داند که آب وجود ندارد یا غسل برای او ضرر دارد آیا

می تواند خود را جنب کند و با تیمم روزه بگیرد؟

ج : بلی روزه اش صحیح است اما بنا بر احتیاط قضاء آن روز را باید بگیرد ولی کفاره بر او واجب نیست.

س : ۴۷۹ - کسی که با زوجه اش ملاعبه کند بدون قصد خروج منی و لکن منی از او خارج شده آیا روزه اش باطل می شود یا نه؟

ج : اگر احتمال خروج منی را می داده در صورت انزال منی روزه اش باطل می شود و اگر قصد انزال را نداشته و برایش انزال معتاد هم نبوده بنا بر احتیاط قضاء آن روز را هم بگیرد.

س : ۴۸۰ - اگر کسی قصد افطار کرد ولی افطار نکرد آیا قضاء و کفاره بر او واجب است یا نه؟

ج : قضاء واجب است اما کفاره واجب نیست.

س : ۴۸۱ - اگر کسی با روزه گرفتن مخصوصا در ایام تابستان نتواند به هیچ وجه کسب معاش کند و عائله اش گرسنه بماند یا دست به گدایی بزند در این فرض روزه از او ساقط است یا نه؟

ج : چنین فرضی بعید است لذا روزه بر او واجب است، بلی اگر روزه بر او حرجی باشد یا ضرر داشته باشد یا موجب خوف از مرض باشد در این صورت ها روزه بر او واجب نیست.

س : ۴۸۲ - هتل ها و قهوه خانه هایی که برای روزه خواران چای و غذا می دهند آیا جائز است یا نه؟ و درآمد آنها از این راه حلال است یا حرام؟

ج : اگر خوردن روزه برای آنها بدون عذر شرعی باشد صاحب هتل و قهوه چی که برای آنها نان و چای و غذا تهیه می کنند و به آنها می دهند این کار حرام است چون کمک و تعاون به گناه است اما قیمت غذا و چای خود را می تواند از آنها بگیرند و مالک شوند.

س : ۴۸۳- کسی که دو ماه رمضان یعنی دو سال متصل مریض بوده و از دنیا رفته است آیا قضاء آن روزه ها بر فرزندان یا اگر فرزند بزرگ درحین مرگ داشته است واجب است یا نه؟ و آیا فدیة اش از اصل مال خارج می شود یا از ثلث مال او؟

ج : قضاء واجب نیست و اگر وصیت نکرده باشد فدیة هم واجب نیست ولی موافق احتیاط است.

س : ۴۸۴- آیا کفاره روزه را می شود به افراد واجب النفقة خود بدهد؟

ج : چون در کفاره دادن طعام واجب است لذا به واجب النفقه داده نمی شود.

س : ۴۸۵- اگر در روز ماه مبارک رمضان خلط سر یا سینه در فضای دهن برسد و در عین حال انسان مشغول نماز باشد که بیرون انداختن آن موجب بطلان نماز می شود وظیفه چیست؟ البته از طرفی هم وقت نماز تنگ شده باشد.

ج : انداختن خلط موجب قطع نماز نمی شود. باید آن را به آهستگی به گوشه دستمال یا لباس دیگر بگیرد یا به زمین بریزد.

س : ۴۸۶- کسی که مثلا ده روز قضاء ماه رمضان بر او واجب است و تا ماه رمضان بعد هم بیشتر از ده روز باقی نمانده است آیا می تواند مسافرت کند و یا واجب است بنشیند و قضاء روزه اش را بگیرد؟

ج : ترک مسافرت واجب است و باید قضاء ماه رمضان را بگیرد.

س : ۴۸۷- آیا می شود کفاره روزه میت را به اولاد فقیر میت بدهند؟

ج : اگر اولاد میت فقیر باشند دادن کفاره میت برای آنها اشکال ندارد.

س : ۴۸۸- اگر کسی به خاطر مریضی نتوانست ماه رمضان روزه بگیرد و تا سال بعد هم نتواند قضایش را بگیرد آیا دو تا فدیة بر او واجب است یکی جهت افطار روزه بخاطر مریضی و یکی بخاطر نگرفتن قضاء آن یا یک فدیة کفایت می کند؟

ج : یک فدیة کفایت می کند.

س : ۴۸۹- آیا بخار غلیظ که بنا بر احتیاط موجب بطلان روزه است کدام بخار است؟



ج : مراد بخاری است که مشتمل بر ذرات و اجزاء صغار آب است و شبیه دود است.

س : ۴۹۰- پسر ممیز و غیر بالغ روزه استیجاری بگیرد یا نه؟

ج : احتیاط این است که روزه استیجاری او کافی نباشد.

س : ۴۹۱- آیا در کفارة عمد ماه رمضان می شود یک فقیر را چند مرتبه اطعام کند مثلاً کفارة یک ماه را به ده نفر فقیر، شش مرتبه غذا بدهد؟

ج : اطعام ده نفر را مکرر کافی نیست، باید به شصت نفر غذا بدهد.

س : ۴۹۲- اینجانب خانه ام در تهران و محل کارم در قم است و در هر هفته دو سه روز در قم و بقیة هفته در تهران هستم یا به عکس و بعضی اوقات اتفاق می افتد که در قم قصد ماندن ده روز می کنم آیا نماز و روزه ام در قم و تهران قصر است یا تمام؟

ج : اگر مثلاً سه سال یا بیشتر مسکن شما در تهران و کار شما در قم بوده، تهران و قم هر دو تا مقر شما محسوب است که نماز و روزه شما تمام است و اگر در اثناء راه نماز بخوانید قصر کنید و در این صورت قصد ماندن در قم به مدت ده روز ضرر ندارد و اگر مقر شما مدت سه سال در قم باشد و سه ماه یا بیشتر هفته سه روز و مازاد در تهران تردد کنید حکم دائم السفر را دارید، و در تهران و قم و اثناء راه وظیفه شما تمام است و روزه هم بگیرید و اگر در تهران ده روز با قصد و در قم ده روز با قصد یا بدون قصد بمانید در سفر اول جمع بین قصر و تمام کنید و بعد از سفر اول نماز را تمام و روزه را بگیرید.

س : ۴۹۳- شخصی مبتلا به تنگی نفس است، دکتر یک نوع داروی مایع به صورت پودر گاز به او می دهد که در حلق خود فشار دهد تا راه نفشش باز شود این عمل در روز چندین مرتبه تکرار می شود، آیا روزه این مریض باطل می شود یا نه؟

ج : اگر پودر مذکور قبل از رسیدن به حلق تبدیل به هوا و اکسیژن بشود روزه را باطل نمی کند و اگر خود پودر به حلق برسد مبطل روزه است.

س : ۴۹۴- اگر دکتر برای مریض بگوید روزه برای تو ضرر دارد و مریض هم به قول طبیب اعتماد کرده، روزه خود را افطار کرد اما بعداً معلوم شد که دکتر اشتباه کرده و روزه برای او ضرر نداشته است اکنون که چند سال از این قضیه می گذرد قضاء و کفاره بر این مریض واجب است یا نه؟

ج : قضاء واجب است اما کفاره واجب نیست.

س : ۴۹۵- آیا روزه دار می تواند آدامس بجود؟

ج : جویدن آدامس اگر طعم داشته باشد آیش را فرو نبرد و احوط این است که روزه دار از جویدن آدامس مطلقاً خودداری نماید.

س : ۴۹۶- شخصی از اول ماه رمضان مسافر بوده و در اثناء ماه رمضان در سفر فوت می کند آیا بر ورثه واجب است که قضاء روزه ها را بگیرند؟

ج : بلی قضاء آن بر پسر بزرگ میت واجب است.

س : ۴۹۷- آیا خقنه در قبل زن برای تداوی یا شستشو موجب بطلان روزه می شود یا نه؟

ج : احوط در ترک است و اگر برای تداوی باشد خقنه جائز است ولی قضاء آن را احتیاطاً بگیرد اگر چه واجب نیست.

س : ۴۹۸- در قضاء صوم ماه رمضان یا در روزه مستحبی اگر بعد از طلوع فجر از خواب بیدار شود و خود را جنب ببیند آیا روزه اش صحیح است یا نه؟

ج : اگر صوم قضاء رمضان باشد و علم به خروج منی قبل از طلوع فجر باشد روزه اش باطل است اما اگر روزه مستحبی باشد روزه اش صحیح است.

س : ۴۹۹- دختر بچه ای که تازه نه سالش تمام می شود غالباً در این سن جاهل به احکام صوم است، لذا چه بسا روزه نمی گیرد تا بعد از مدتی متوجه می شوند آیا در این صورت کفاره و قضاء دارد؟

ج : اگر وجوب صوم را می دانسته اما وجوب کفاره را نمی دانسته هم قضاء و هم کفاره واجب است اما اگر وجوب صوم را نمی دانسته و اعتقاد داشته

که روزه بر او واجب نیست در این صورت فقط قضا بر او واجب است.

س : ۵۰۰- اگر کسی مبتلا به مرضی است که همراه بول قطرات منی از او خارج می شود وظیفه اش در روزه ماه رمضان چیست؟

ج : در فرض سوال تا می تواند از بول کردن جلوگیری کند اما اگر به حد ضرر برسد جلوگیری از بول واجب نیست و قضاء آن روزها را باید بگیرد و اگر تا رمضان آینده این مرض طول بکشد قضاء واجب نیست.

س : ۵۰۱- اگر مسافری قبل از ظهر به وطن خود برسد و لکن در سفر به قصد افطار فقط سیگار کشیده است آیا خوردن و آشامیدن در خانه اش برای او جائز است یا نه؟

ج : در فرض سوال، احتیاطاً امساک واجب است و قضاء آن را هم بگیرد.

س : ۵۰۲- اگر کسی در شب آخر ماه رمضان نیت کند که اگر فردا رؤیت هلال ثابت شد مسافرت نمی کنم و اگر ثابت نشد مسافرت می کنم آیا این اندازه نیت برای مسافرت و افطار فردا کفایت می کند یا نه؟

ج : بلی این اندازه نیت برای جواز افطار اگر مسافرت کند کافی است.

س : ۵۰۳- اگر کسی در ماه رمضان از شب نیت سفر داشته باشد و بعد از طلوع فجر مسافرت کند و بعد از رسیدن به حد ترخص - افطار کرد و قبل از قطع مسافت شرعیه قصد برگشت به وطن کرد اگر قبل از ظهر یا بعد از ظهر به وطن رسید وظیفه اش چیست؟

ج : از زمانی که از قصد خود برگردد باید از مفطرات روزه امساک کند و در وطن خود هم امساک کند و بعداً قضاء آن را هم بگیرد.

س : ۵۰۴- اگر زنی شیرده عوض شیر خود به بچه اش شیر خشک یا شیر حیوانات بدهد یا زن دیگری پیدا شود و به شیر دادن بچه حاضر شود آیا می تواند افطار کند و بچه را شیر دهد یا بچه را شیر خشک یا تحویل زن شیرده دیگر کند و روزه بگیرد؟

ج : اگر شیر خشک یا شیر حیوانات یا شیر زن دیگر به بچه ضرر نداشته

باشد باید مادر احتیاطاً روزه بگیرد و به بچه اش شیر ندهد.

س : ۵۰۵- اگر کسی مسافرت کند و بعد از قطع مسافت قصد افطار کند اما افطار نکرده و قبل از ظهر نیت روزه نکرد بلکه در وطن خود افطار کرد آیا قضاء و کفاره بر او واجب است یا نه؟

ج : اگر حکم را می دانسته یعنی می دانسته که نباید افطار کند و لکن عالماً عامداً افطار کند هم قضاء و هم کفاره بر او واجب است اما اگر جاهل به حکم بوده فقد قضاء بر او واجب است.

س : ۵۰۶- اگر قطره بخاطر تداوی در دهان بریزد و آن قطره با آب دهان مستهلک شود آیا می تواند آب دهان را فرو ببرد یا نه؟

ج : بنابراین احتیاط واجب آب دهن را بیرون بریزد و فرو نبرد.

س : ۵۰۷- اگر شخص جنب عادت بیدار شدن ندارد و لکن اعتماد به ساعت زنگی کرده و خیال کرده که به زنگ ساعت بیدار می شود و غسل می کند و لکن تا صبح بیدار نشد آیا روزه اش صحیح است یا نه؟ و آیا قضاء و کفاره بر او واجب است یا نه؟

ج : اگر اطمینان به بیدار شدن داشته یا احتمال عقلایی می داده که بیدار می شود و تصمیم غسل را در شب داشته قضاء بر او واجب است و کفاره واجب نیست.

س : ۵۰۸- نیت صوم استحبابی تا غروب توسعه دارد و در صوم واجبی باید قبل از زوال نیت کرد آیا در صوم استیجاری هم می تواند بعد از زوال نیت کند؟

ج : در صوم استیجاری باید قبل از طلوع فجر نیت کند.

س : ۵۰۹- روزه گرفتن در روز عاشوراء چه حکمی دارد؟

ج : مگروه است.

س : ۵۱۰- از باب ضرورت مشغول کاری هستم که در آن کار، گرد و غبار در گلویم می رود و از طرفی هم ترک آن کار برایم عسر و حرج دارد چون نان زن و بچه ام بستگی به آن کار دارد، راه برای صحت روزه ام چیست؟

ج : راه صحت این است که یا در شب کار کنید و یا در هر روز تا سر چهار فرسخی مسافرت کنید و آنجا افطار کنید و سرکار برگردید و روزه ات را بخورید و بعدا قضاء آن روزها را بگیرید.

س : ۵۱۱- شخصی جنب است وقتی از خواب بیدار می شود که به مقدار غسل یا به مقدار خوردن سحری وقت دارد کدام یک مقدم است آیا غسل کند و بدون سحری روزه بگیرد یا سحری بخورد و با تیمم روزه بگیرد؟

ج : اگر بدون خوردن سحری می تواند بدون عسر و حرج روزه بگیرد باید غسل کند و روزه بگیرد و الا سحری بخورد و در ضیق وقت تیمم کند و روزه بگیرد.

س : ۵۱۲- اگر کسی روزه قضای رمضان یا روزه استحبابی گرفته باشد اگر کسی او را قبل از ظهر دعوت به افطار کند آیا اجابت دعوت مؤمن مستحب است و یا روزه بگیرد؟

ج : در قضا رمضان اگر تا رمضان آینده وقت برای گرفتن قضا باقی است و هم چنین در روزه استحبابی اگر کسی او را دعوت به افطار کند اجابت دعوت او مستحب است.

س : ۵۱۳- کسی که به جهت عذر شرعی نتواند روزه بگیرد و باید یک مد طعام برای هر روز کفاره بدهد، اگر به جای گندم پول نقد بدهد کفایت می کند و همچنین در کفاره افطار عمدی؟

ج : در هر دو مورد پول نقد کفایت نمی کند.

س : ۵۱۴- آیا می شود که کفاره ۲۷ روز، روزه ماه مبارک رمضان را به هشت نفر از اقارب داد؟

ج : کفاره اطعام ۶۰ مسکین را نمی شود داد. ولی کفاره یک مد طعام را که عوض هر روز می دهد می شود به ۸ نفر، حتی به یک نفر فقیر هم می توان کفاره ۲۷- روز را (یعنی ۲۷ - مد - طعام) داد.

## احکام خمس

س : ۵۱۵- زمین هایی که مخارج صاحبش را کفایت نمی کند صاحب زمین اطراف آن را توسعه می دهد اما باز هم کفایت نمی کند آیا آن مقداری که به سبب توسعه بر اصل زمین افزوده شده است خمس دارد؟

ج : اگر خمس آن را بدهد احوط است ولی بنا بر اقوی خمس آن واجب نیست.

س : ۵۱۶- آیا خمس به همه اموال - منقول و غیرمنقول - میت تعلق می گیرد؟ مانند: ۱- درختان مشمر و غیر مشمر کوچک و بزرگ، ۲- گندم، آرد و علوفه حیوانات، ۳- چوب هایی که در خانه مسکونی و طویل حیوانات به کار رفته است، ۴- فرش و ظرف خانه، ۵- حیوانات (گا و، گوسفند، الاغ و اسب سواری)، ۶- لباس های کهنه و نو میت، ۷- هیزمی که از صحرا یا از باغ فراهم شده است.

ج : از اموال یاد شده موارد دوم و هفتم و از مورد پنجم تنها به بره، بزغاله و گوساله که در بین سال به دنیا آمده باشد خمس تعلق می گیرد.

س : ۵۱۷- کسی که تصمیم دارد خمس اموال خانه اش را حساب کند ملاک قیمت گذاری، قیمت هنگام خرید اموال است یا قیمت هنگام محاسبه خمس؟

ج : قیمت هنگام محاسبه و اخراج خمس است، اگر کسی اصولاً خمس نداده است باید قیمت روز خرید بعضی اموال را حساب کند زیرا اموال و اشیای مورد خمس در اثر استفاده، کهنه و قیمت آن ارزان شده است.

س : ۵۱۸ - چند برادری که زمین و دارای شان کاملاً تقسیم شده است اما مصارف زندگی شان مشترک است یکی از برادران طلبه و دیگران کارگرند، آیا طلبه می تواند از پولی که از کارگری برادرانش به دست آمده است و مشترک است به عنوان سهم امام (ع) یا سهم سادات بر دارد؟

ج : اگر پول مورد خمس مشترک باشد نمی تواند بر دارد و اگر مشترک نیست با اجازه مرجع تقلید می تواند بر دارد.

س : ۵۱۹ - حیواناتی که برای تخم و بذر نگهداری می شود اگر بر آن ها سال بگذرد خمس دارد؟

ج : اگر یک سال گذشته باشد خمس تعلق می گیرد.

س : ۵۲۰ - آیا خمس به گاو نری که برای نسل گیری از آن استفاده می شود تعلق می گیرد؟

ج : بله.

س : ۵۲۱ - اگر کسی مبلغی پول افغانی که از کارگری در ایران به دست آورده است به افغانستان بفرستد خمس آن را در این جا (ایران) پرداخت کند یا در افغانستان، وقتی که برگشت؟

ج : اگر تاخیر در ادای خمس نمی شود در افغانستان و اگر سر سال رسیده باشد در ایران پرداخت کند.

س : ۵۲۲ - کسی که در وطن قرض دار و بدهکار است در ایران پیش از رسیدن سر سال تومان را با افغانی معامله می کند تا آن مبلغ افغانی طرف معامله (حواله دار) به افغانستان و به طلبکارش برساند. پیش از رسیدن پول به دست طلبکار،

سرسال بدهکار سر می رسد آیا خمس آن را بدهکار و قرض دار بدهد؟

ج : اگر پولی را که قرض کرده است در مؤونه و مخارج همان سال یعنی سالی که سرسالش رسیده است مصرف کرده باشد خمس ندارد و اگر در مؤونه سال های پیش مصرف کرده باشد باید خمس آن را بدهکار پرداخت کند.

س : ۵۲۳- آیا به زیور آلات زنان (مانند النگو، انگشتر، گردن بند، گوشواره ) که در هنگام ازدواج نصیب آنان می شود خمس تعلق می گیرد؟

ج : این مساله سه صورت دارد: ۱- اگر زیورآلات از پول مهر خریده شده باشد خمس ندارد. ۲- اگر کسی سرسال خمسی دارد، در بین سال برای خانمش زیورآلات خریده است و از آن استفاده کرده است خمس ندارد. ۳- اگر بر پول یک سال گذشته باشد بعد از آن با همان پول طلا خریده باشد خمس دارد.

س : ۵۲۳- آیا هبه، هدایا، جوایز و انعام خمس دارد؟

ج : اگر در بین سال استفاده نشود و یا اگر پول نقد باشد تا سر سال بماند خمس دارد.

س : ۵۲۵- پدر داماد به پدر عروس مبلغی شیربها میدهد تا راضی به ازدواج دخترش با پسر این مرد شود. آیا مبلغ یاد شده برای پدر دختر حلال است و بر فرض حلیت، خمس دارد؟

ج : اگر با رضایت و رغبت خود به پدر عروس بخشیده باشد حلال است و در سر سال خمس دارد.

س : ۵۲۶- پدر عروس از پدر داماد مبلغی را می گیرد و از همین مبلغ جهیزیه و لوازم خانه برای دخترش تهیه می کند آیا این اموال، مال عروس است یا مال داماد و بعد از بردن این اموال به خانه داماد خمس دارد یا نه؟



ج : اگر مهر قرار داده باشد مال عروس است و خمس ندارد در غیر این صورت مال داماد است. آن مقداری که استفاده شده است خمس ندارد اما غیر آن خمس دارد.

س : ۵۲۷ - کسی که لباسی را می خرد، دو سال می ماند و از آن استفاده نمی کند خمس دارد؟

ج : بله، خمس دارد.

س : ۵۲۸ - کسی که خودش در ایران و خانواده اش در افغانستان است اگر در ایران پول و اثاثیه ای داشته باشد و یک سال بگذرد خمس دارد؟

ج : بله، خمس دارد. اثاثیه اگر مورد حاجت باشد و در طول سال مورد استفاده قرار بگیرد خمس ندارد.

س : ۵۲۹ - آیا از خمس در امور خیریه مانند مسجد، حسینیه و... می توان مصرف کرد؟

ج : بدون اجازه حاکم شرع مصرف نمی شود.

س : ۵۳۰ - آیا ضروریات خانه مانند گاو، گوسفند و بز شیرده که در مخارج و مصارف شبانه روزی دخالت دارد و همچنین بره، گوساله و بزغاله خمس دارد؟

ج : اگر خمس گوساله، بز، و بزغاله، در هر سال داده شود وقتی شیرده می شود خمس ندارد. بره و بزغاله اگر تا سر سال موجود باشد خمس دارد.

س : ۵۳۱ - کسی که تاکنون برای درآمدش سال خمسی قرار نداده است و ازدواج هم نکرده است آیا به پولی که تا کنون به دست آورده است خمس تعلق می گیرد؟

ج : خمس تعلق می گیرد. اول پرداخت خمس بعد ازدواج اما ارباب سال ازدواج خمس ندارد.

س : ۵۳۲ - کسی که سر سال ندارد و می خواهد محاسبه کند آیا به ضروریات خانه مانند فرش، یخچال، اجاق گاز، بخاری، تلویزیون، ماشین لباسشویی، یک عدد کیف، یک دست لباس و هزینه عقد بدون عروسی خمس تعلق می گیرد؟

ج : هیچ مکلفی - فی علم... و در واقع - بدون سرسال خمسی نیست اگر

چه خودش نداند بنابراین لوازم و ضروریات خانه اش را اگر از منافع بین سال تهیه کرده باشد خمس ندارد. و اگر بعد از گذشت سرسال خود تهیه کرده باشد خمس دارد و اگر نداند باید با حاکم شرع مصالحه کند.

س : ۵۳۳ - کسی سرسال معین ندارد برای همسر و دخترش زیورآلات می خرد آیا به آن زیورآلات خمس تعلق می گیرد؟

ج : اگر بر قیمت زیورآلات یک سال گذشته باشد خمس دارد و اگر از درآمد بین سال آن را خریده باشد خمس ندارد.

س : ۵۳۴ - کسی که سرسال خمسی ندارد از طرفی بدهکار است و از طرف دیگر پولی هم دارد آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

ج : اگر برای مخارج و مؤونه سال قرض کرده باشد به مقدار قرض خمس ندارد و اگر آن را در مخارج سال مصرف نکرده باشد باید خمس آن را بدهد.

س : ۵۳۵ - کسی که در ایران کار می کند پیش از اخراج خمس، پول خود را برای پدرش به افغانستان می فرستد. پدرش هم خمس آن را حساب نمی کند مدیون پدر است یا پسر؟

ج : اگر پول به مدت یک سال نزد پسر مانده باشد باید خمس آن را بدهد و اگر یک سال نمانده برای پدرش فرستاده باشد و پدر هم پیش از رسیدن سرسال خمسی اش پول را مصرف کرده باشد خمس ندارد و اگر تا سرسال خمسی پدر، نزد او مانده باشد، پدر باید خمس آن را پرداخت کند.

س : ۵۳۶ - اگر کسی در سال اول خمس پول خود را پرداخت کند در سال دوم این پول از دستش برود و در سال سوم پول زیادی به دستش آید آیا می تواند مبلغ پولی را که در سال اول خمس آن را داده بود کنار بگذارد و خمس بقیه را حساب کند؟

ج : پولی که در سال سوم به دست آورده است همه اش خمس دارد و نمی توان کنار بگذارد.

س : ۵۳۷ - کسی قطعه زمینی را در مجاورت زمین زراعتی اش احیاء می کند اما زمین ها همگی مخارج زندگی اش را تامین نمی کند آیا به زمین احیاء شده خمس تعلق می گیرد؟

ج : اگر از راه کسب و کار زندگی می کند، و امرار معاش را به کسب و کار تهیه می کند زمین های احیاء شده خمس دارد.

س : ۵۳۸ - کسی که تعدادی چوب دارد و از دنیا می رود، ورثه بدون این که خمس چوب ها را پرداخت کند از آن ها در خانه مسکونی خود استفاده می کنند آیا به این چوب ها خمس تعلق می گیرد؟

ج : خمس در زمان حیات مالک تعلق گرفته است باید پرداخت شود.

س : ۵۳۹ - پولی که حواله داده شده است اگر - اصلاً - به دست نیاید چه حکمی دارد؟

ج : اگر یک سال در نزد صاحبش مانده باشد خمس دارد.

س : ۵۴۰ - طلائی که سه ماه مشغول تحصیل و نه ماه مشغول کارند آیا می توانند در طول سال از سهم امام (ع) مصرف کنند؟

ج : در اوقات کار از دستمزد خودشان و در هنگام تحصیل از سهم امام (ع) استفا ده کنند.

س : ۵۴۱ - کسی که سرسال دارد اما پیش از رسیدن سرسال پول نقدی یا غیر نقدی به سادات فقیر به نیت خمس می دهد چنین کاری در بین سال جایز است؟

ج : اگر از اول از مجتهد اجازه بگیرد کفایت می کند.

س : ۵۴۲ - کسی که تا کنون خمس نداده است و می خواهد خودش را ((بری الذمه)) کند باید از همة اثاث خانه مانند فرش و لباس کهنه و نو، پول نقد، جهیزیه دختر و خواهرش و اموالی که از آغاز بلوغ تا کنون مصرف کرده است و یا تلف شده است اخراج خمس کند و در صورت مصالحه با حاکم شرع آیا مصالحه با پول نقد تلف شده هم می شود؟

ج : به حاکم شرع رجوع کنید تا همه را در نظر گرفته و مصالحه کند.

س : ۵۴۳- کسی در افغانستان سال خمسی داشته است اما از زمانی که به ایران آمده است خمس خود را حساب نکرده است هر چند که تصمیم داشته است با همین پولی که خمسه حساب نشده است لباس و خانه تهیه کرده است و به زیارت حج و عتبات رفته است آیا نماز، حج و... او صحیح است؟

ج : نماز و حج او باطل است در صورتی که لباس احرامی و گوسفند قربانی خود را از پول غیر مخمس تهیه کرده باشد.

س : ۵۴۴- کسی دوازده سال پیش خمس مالش را تصفیه و از همان پول تصفیه شده خانه ای را به مبلغ یکصد هزار تومان درست کرده است و بعد از آن حساب نداشته است. خانه یاد شده را به مبلغ سیصد هزار تومان می فروشد قیمت خانه را به علاوه پول دیگری که داشته است و مبلغی هم قرض گرفته است در حدود هشتصد هزار تومان خانه رهن کرده است آیا به پول رهن خانه خمس تعلق می گیرد؟

ج : مبلغ صد هزار تومان از هشتصد هزار تومان پول رهن چون تخمیس شده، خمس ندارد. اما مبلغ هفتصد هزار تومان باقی مانده را هر وقت از رهن گرفت باید خمسه را حساب کند.

س : ۵۴۵- کسی در خانه خود قالی می بافد پس از آن که سر سال خمسی می گذرد قالی یاد شده بافته می شود صاحب قالی آن را می فروشد و برای خانواده اش لباس و لوازم مورد نیاز ضروری خانه را می خرد. آیا به قیمت قالی خمس تعلق می گیرد؟

ج : اگر خمس تار و پود آن پرداخت شده باشد خمس ندارد و اگر نشده باشد قالی نیم بافته در سر سال خمسی قیمت گذاری می شود و خمس آن پرداخت می شود نه قیمت قالی بافته شده و کامل.

س : ۵۴۶- کسی از افغانستان به ایران می آید بر اثر تلاش و کوشش و کار برای خود

وسایل خانه می خرد و اندکی پول به افغانستان می فرستد اما اکنون بدهکار است. آیا وسایل خانه و پولی که به افغانستان فرستاده است خمس دارد؟

ج : هر پولی که به مدت یک سال در نزد صاحبش بماند خمس دارد. اگر یک سال نماند، ظرف و... بخرد و یا به افغانستان بفرستد و قبل از رسیدن سر سال مصرف شود، خمس ندارد.

س : ۵۴۷ - کسی همسر سیده دارد که از شوهر قبلی اش که فوت شده است دختری نه ساله و دو پسر هفت و هشت ساله دارد. آیا فرزند این زن مستحق خمس هستند؟

ج : اگر پدر فوت شده فرزندان این زن سیده هم سید باشد و دخترش نه سال را کامل کرده باشد گرفتن خمس برایش جایز است اما برای پسران جایز نیست زیرا به بلوغ نرسیده اند مگر این که ولی و قیم منصوب از طرف حاکم شرع خمس را بگیرد و برای آنها مصرف کند.

س : ۵۴۸ - آیا خمس به اموال مهاجرین افغانی در ایران تعلق می گیرد؟ زیرا برخی می گویند خمس بر اینها واجب نیست چون مشکلات و گرفتاری و مخارج خانه و بازگشت به وطن... دارند.

ج : اگر منافع کسب مهاجرین به سرسال خمسی آنان برسد خمس تعلق می گیرد. فرقی بین مهاجر و غیر مهاجر نیست.

س : ۵۴۹ - برخی از علماء خانه و اموال مهاجرین افغانی را مصالحه می کنند آیا این کار صحیح است؟

ج : این مسأله سه صورت دارد:

۱- اگر لوازم خانه با پولی خریداری شده باشد که سرسال خمسی آن پول نرسیده بوده است خمس ندارد.

۲- اگر لوازم خانه با پول خمسی خریداری شده باشد، لوازم خانه خمس دارد و باید پرداخت شود. مصالحه صحیح نیست.

۳- اگر لوازم خانه با پولی خریداری شده باشد که نمی داند خمس به آن پول تعلق گرفته است یا نه، تنها در این صورت لوازم خانه مورد مصالحه قرار می گیرد. به شرط این که مصالحه کننده وکیل مجتهد باشد یا اجازه از مجتهد داشته باشد.

س : ۵۵۰- مناطقی که از فضله حیوانات به جای هیزم برای سوخت استفاده می کنند یعنی زمستان فضله را جمع تابستان خشک و زمستان دوم مصرف می کنند و همچنین خرید و فروش می کنند آیا خمس دارد و از چه زمانی خمس تعلق می گیرد؟

ج : اگر اول برج حمل (مثلاً) سرسال خمسی شان همان (چلمه) تر را قیمت گذاری و خمس آن را پرداخت کنند کفایت می کند دوباره خمس ندارد.

س : ۵۵۱- کسی در مدت یک سال از کارگری پولی به دست می آورد و از سوی دیگر ازدواج را برای خود ضروری می داند آیا لازم است خمس پول خود را پرداخت کند؟

ج : اگر در بین سال ازدواج و مصرف کند خمس ندارد اگر مصرف نکرده است باید خمس آن را پرداخت کند اما ربحتی که در سال ازدواج عاید شده و مصرف از دواج گردیده است خمس ندارد.

س : ۵۵۲- کسی که با اجازه پدر و مادرش از افغانستان به ایران می آید و درآمدش بیش از مصرفش است اگر درآمدش را به افغانستان بفرستد پولی برایش باقی نمی ماند که به سرسال برسد آیا تعیین سرسال برایش لازم است؟

ج : واجب است که سر سال داشته باشد و روزی که بر سر کار می رود همان روز را سرسالش حساب کند و هر مبلغی که به سر سالش برسد خمس دارد و باید پرداخت کند.

س : ۵۵۳- آیا می توان خمس را در پایان هر ماه پرداخت کرد؟

ج : مانعی ندارد، ولی این تخمیس بر ضرر مالک می باشد زیرا مؤنه و مصرفش از پول مخمس می شود.

س : ۵۵۴ - کسی که چهار میلیون تومان پول نقد دارد مبلغ دو میلیون و هفتصد هزار تومان آن را برای قیمت ماشین سواری و مبلغ یک میلیون و صد هزار تومان آن را برای رهن خانه داده است باقیمانده چهار میلیون موجود است. در سال ۱۳۷۳ مصالحه کرده است. سر سال خمسی هم ندارد اما هر سال خمس داده است. آیا به این چهار میلیون خمس تعلق می گیرد؟

ج : اگر مبلغ یاد شده را در مدت چند سال به دست آورده است خمس دارد و هر مبلغی که به عنوان خمس تا کنون پرداخت کرده است از خمس کم می شود. اگر شان و موقعیتش اقتضاء می کند که ماشین شخصی داشته باشد ارباح سال خرید ماشین خمس ندارد و اگر موقعیتش اقتضاء نمی کند همان ارباح سال خرید ماشین هم خمس دارد.

س : ۵۵۵ - کسی مبلغ دوصد هزار تومان پول تصفیه شده از خمس داشته است. این مبلغ مصرف می شود آیا می تواند از ارباح کسب سال آینده مبلغ یاد شده را کنار بگذارد و خمس باقیمانده را بدهد؟

ج : احوط این است که چنین کاری نمی تواند.

س : ۵۵۶ - کسی که برای ادای وجوه شرعی سر سال ندارد فوت می کند بعد از فوت او آیا خمس به همه اموال او تعلق می گیرد یا تنها به ارباح فوتش؟

ج : اگر در سالهای پیش خمس به امور مصرف شده اش تعلق گرفته باشد باید خمس آن از (ترکه) پرداخت شود اما اگر ورثه کبیر باشند - احتیاطاً - خمس ارباح سال فوت را نیز پرداخت کنند و اگر صغیر باشند واجب نیست.

س : ۵۵۷ - اگر انسان برای پرداخت خمس به سید فقیر ابن سبیل دسترسی به مجتهد یا نماینده اش نداشته باشد و یا این که دسترسی نیاز به فرصت و وقت داشته باشد وظیفه اش چیست؟

ج : اگر سید ابن سبیل یا مضطر باشد جایز است که به اندازه رفع

احتیاجش به او پرداخت شود و بعداً اجازه گرفته شود.

س : ۵۵۸ - کسی که زمین مواتی را احیاء و زراعت می کند آیا خمس به آن تعلق می گیرد. در صورت تعلق خمس از اصل زمین پرداخت یا از قیمت آن، از زمان احیاء بدهد یا بعد از آن؟

ج : در پرداخت خمس از اصل زمین یا قیمت آن مخیر است. هر مبلغی که الان قیمت دارد پرداخت شود.

س : ۵۵۹ - طلبه ای که به خاطر بیماری اکنون مشغول تحصیل نیست مبلغ سیصد و پنجاه هزار تومان دارد که خانه رهن کرده است وضعیت زندگی اش هم بد نیست آیا وقتی که پول را گرفت خمس آن را پرداخت کند. اگر نکند نمازش اشکال دارد؟

ج : وقتی که پول را گرفت خمس دارد و اگر پرداخت نکند، فرش و لباس بخرد نمازش باطل است.

س : ۵۶۰ - آیا خمس به میراث وهبه هم تعلق می گیرد؟

ج : خمس به میراث تعلق نمی گیرد و همچنین به هبه اگر تا سر سال باقی نماند اگر باقی بماند خمس آن پرداخت شود.

س : ۵۶۱ - کسی صغیر بوده است بعد از بلوغ با کار و کوشش سرمایه ای پیدا می کند و می خواهد سر سال تعیین و خمس خود را پرداخت کند آیا از همه اموال خود خمس حساب کند؟

ج : خمس پول نقدی را پرداخت کند اما درباره خمس لوازم خانه باید برای مصالحه به حاکم شرع رجوع کند.

س : ۵۶۲ - کسی که بدون وصیت از دنیا رفته است متدین بوده است اما هیچ گونه اثری از حساب و جوه شرعی اموالش به دست نیامده است حتی همسرش هم خبر ندارد. از او دو فرزند کبیر و دو فرزند صغیر باقی مانده است آیا خمس به همه اموالش تعلق می گیرد؟



ج : ورثه وظیفه ندارد که خمس ما ترک را حساب کنند اما اگر دو فرزند کبیر از سهمیه خودشان از میراث به نیابت پدر خمس بدهند، در حق پدرشان، احسان کرده اند.

س : ۵۶۳- کسی که در کودکی پدرش را از دست می دهد وقتی که به بلوغ می رسد خمس تمام اموالش (لوازم خانه، گا و، گوسفند و...) را پرداخت کند؟ ج : اموالی که از پدر به ارث رسیده است خمس ندارد و چیزهایی را که خودش در بین سال خریده است هم خمس ندارد اما اگر کار کرده است و پولش به مدت یک سال در نزدش مانده است خمس به آن تعلق می گیرد و اگر فرش و ظرفی با آن پول بخرد باید خمسش را حساب کند.

س : ۵۶۴- کسی که به مدت شش ماه در ایران کار کرده است و بدون وصیت فوت کرده است، معلوم نیست که سر سال خمسی اش در افغانستان چه وقت است با توجه به این که در افغانستان فرزندان صغیر دارد، می توان خمس پولش را حساب کرد؟

ج : چون ورثه صغیر دارد خمس پولش حساب نمی شود.

س : ۵۶۵- بعضی از مهاجرینی که در ایران مشغول کارند، فرزندان یا بستگان واجب النفقه شان در افغانستان در تنگدستی به سر می برند و مبلغی را قرض می گیرند در حالی که توان پرداخت آن را ندارند آیا کسانی که نفقه آنان را می دهند می توانند مبلغ مذکور را در سر سال تخمیناً یا تعییناً کسر و خمس باقی را حساب کنند؟

ج : اگر واجب النفقه زن یا فرزند کوچک باشد به مقدار نفقه کسر و خمس باقی حساب می شود. اگر پدر یا مادر کارگران برای نفقه خود قرض کرده باشند کارگران مهاجر می توانند پیش از رسیدن سر سال قرض شان را ادا کنند و اگر ادا نکنند در سر سال خمسی مبلغ بدهکاری پدر و مادر کسر نمی شود.

س : ۵۶۶- آیا معاشرت با کسی که سهم امام (ع) را نمی پردازد و مهمان شدن و غذا خوردن در خانه او اشکال شرعی دارد؟

ج : اگر قطع معاشرت او را وادار به پرداخت خمس می کند باید قطع معاشرت شود وگرنه، مهمان شدن و غذا خوردن در خانه او جایز است.

س : ۵۶۷- کسی که امسال مقدار پنجاه سیر تخم و بذرجو وگندم می کند و خمس آن را می دهد، در سال آینده صد سیر و در سال سوم یکصد و پنجاه سیر تخم و بذر می کند، منتها از تخم اضافی بر تصفیه شده خمس بدهد یا این که تخمی را که تصفیه کرده است هم بدهد؟

ج : اگر تخم را پیش از رسیدن به سر سال خمسی پاشیده است خمس ندارد و اگر تا سر سال باقی مانده است باید خمس آن را بدهد.

س : ۵۶۸- کسی از ارباب کسب خود برای پسرش همسری آورده است و اکنون بدهکار است همین شخص از ابتدای تحصیل علوم دینی پسر یکی از سادات مصارف او را پرداخت کرده است. آیا مصارفی که برای این طلبه سید پرداخت کرده است بدل از خمس حساب می شود؟

ج : اگر پولی که خرج عروس شده است یک سال در نزد پدر داماد بوده است خمس دارد و اگر یک سال نمانده است خمس ندارد. مخارج و مصارف طلبه سید را اگر به قصد خمس پرداخت کرده باشد در صورتی که از خمس بدهکار باشد کفایت می کند. اما اگر (محضاً لله) پرداخت کرده است بدون نیت خمس، کفایت نمی کند.

س : ۵۶۹- کسی می تواند از سهم امام (ع)، برای فرزند دوازده ساله اش که مشغول تحصیل علوم دینی است خوراک، پوشاک و کتاب بخرد؟

ج : می تواند کتاب بخرد اما خوراک و پوشاک نمی تواند بخرد زیرا پسر

واجب النفقہ پدر است.<sup>۱</sup>

س : ۵۷۰- آیا خمس به دیه تعلق می گیرد؟

ج : خیر. تعلق نمی گیرد.

س : ۵۷۱- کسی می تواند از سهم امام (ع) برای اقوام و خویشاوندان فقیرش به افغانستان بفرستد؟

ج : برای کسانی که در حال اضطرار به سر می برند می تواند بفرستد.

س : ۵۷۲- کسی می تواند سهم سادات را برای سادات فقیر به افغانستان بفرستد؟

ج : اگر در حال اضطرار باشند می تواند بفرستد.

س : ۵۷۳- کسی می تواند سهم امام (ع) را برای منبر و مدرسه به افغانستان بفرستد؟

ج : باید خصوصیات منبر و مدرسه بیان شود تا تصمیم مقتضی گرفته شود.

س : ۵۷۴- کسی بر اثر تصادف از دنیا می رود، چند تا بیچہ صغیر هم دارد آیا برادر متوفی - بدون این که وصی متوفی باشد - می تواند خمس اموال آن مرحوم را پرداخت کند؟

ج : وظیفه ندارد که پرداخت کند.

س : ۵۷۵- کسی زمین زیادی را احیاء و قابل زرع کرده است. صاحب زمین از دنیا می رود ورثه نمی داند که خمس زمین های یاد شده پرداخت شده است یا نه آیا بر ورثه واجب است که خمس زمین ها را حساب کند؟

ج : حساب کردن خمس زمین بر ورثه واجب نیست.

س : ۵۷۶- طلبه ای که با پدر و برادرانش زندگی می کند اگر برای ادامه تحصیل به کشور دیگری مسافرت کند آیا می تواند خرج سفر را از سهم امام (ع) برای خود و پدر و برادرانش حساب کند؟

ج : مصرف سهم امام (ع) بدون اجازه مجتهد جایز نیست..

س : ۵۷۷- کارگران افغانی که پول خود را به دست حواله دار به افغانستان می فرستند. اگر سر سال خمسی شان برسد و پول در دست حواله دار باشد. خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج : خمس تعلق می گیرد. وقتی از حواله دار گرفتند باید حساب کنند.

س : ۵۷۸- زمینی که پیش از این جای دریا (رودخانه) بوده است حالا دریا از جای دیگر جریان دارد اگر بستر رودخانه زمین زراعتی درست شود آیا خمس دارد؟

ج : اگر برای امرارمعاش به زمین یاد شده نیاز داشته باشد و حساب کردن خمس آن موجب عسر و حرج باشد، واجب نیست.

س : ۵۷۹- کسی که روز سر سال خمسی اش می رسد در همان روز مبلغی نقد دارد و مبلغی هم بدهکار و قرض دار است برای این که خمس به پولش تعلق نگیرد می تواند پول نقدش را بدل از قرض و طلب، طلبکار حساب کند و بعد از آن به طلبکار بدهد؟

ج : اگر بدهکاری اش برای مخارج همین سال بوده است می تواند از ارباب کسر کند و اگر بدهکاری اش برای مخارج ومؤونه سال های پیش بوده است اگر پیش از رسیدن سر سال قرض خود را پرداخت کند خمس ندارد. وگرنه، خمس دارد.

س : ۵۸۰- کسی مبلغ صد هزار تومان در بانک داشته است که خمس به آن تعلق گرفته است آیا می تواند مبلغ بیست هزار تومان از همان صد هزار تومان بردارد و خمس بدهد؟

ج : جایز است.

س : ۵۸۱- میت وصیت کرده بود که ورثه خمس اموالش را حساب کنند اما ورثه اخراج خمس را تا سر سال به تأخیر انداختند در این مدت از ارزش پول هم کاسته شد آیا می تواند همان مبلغ را پرداخت کنند؟

ج : اگر با پول میت کار کرده باشند فایده آن نیز خمس دارد و اگر کار

نکرده باشند کاهش ارزش پول را باید جبران کنند.

س : ۵۸۲ - کسانی که پیش از وحدت گروه ها در جنگ های داخلی شرکت داشته اند و وجوه شرعی خود را به دفاتر گروه های متخاصم داده اند مجزی است؟

ج : وجوهی که در جنگ های داخلی مصرف شده باشد کفایت نمی کند، مجزی نیست.

س : ۵۸۳ - سهم امام (ع) و دیگر وجوه شرعی را به هیأت امنایی که از طرف رهبر یکی از گروه های قدرتمند انتخاب شده است می توان پرداخت کرد؟

ج : وجوه شرعی نقد به مرجع تقلید و وکیل منصوب از جانب ایشان پرداخت می شود.

س : ۵۸۴ - زمین های احیاء شده به طور مطلق خمس دارد یا تخصیص و تفصیلی در میان است؟

ج : در صورتی که امرار معاش بستگی به آن زمین نداشته باشد خمس دارد. اگر امرار معاش بستگی به آن زمین داشته باشد، حساب کردن خمس آن احوط است، اگر قدرت بر اخراج خمس ندارد، حاکم شرع می تواند مصالحه کند و اگر حساب کردن خمس خرجی باشد خمس ساقط می شود.

س : ۵۸۵ - حسینییه ای که در ایام محرم و عزاداری، عزاداری در آن برگزار می شود، خیرات و نذورات در آن جا به مردم داده می شود قسمتی از حسینییه تعمیر نشده است و همین حسینییه نیاز به فرش و ظرف دارد آیا می توان از سهم امام (ع) را برای منبر و حسینییه مصرف کرد؟

ج : اگر در طول سال در هر جمعه مردم در آن جا اجتماع و امر به معروف و نهی از منکر می کنند مصرف سهم امام (ع) جایز است.

س : ۵۸۶ - آیا پولی (گله) که پدر عروس از پدر داماد می گیرد خمس دارد؟

ج : اگر پدر داماد با میل و رغبت خود بخشیده باشد در سر سال خمس

دارد و اگر با اکراه از پدر داماد گرفته باشد چون حرام است خمس ندارد.

س : ۵۸۷ - کسی که چند سال وجوه شرعی (خمس، زکات و...) خود را پرداخت نکرده است وظیفه اش چیست؟

ج : یادداشتی از دارایی خود تهیه و با مرجع تقلید خود مصالحه کند.

س : ۵۸۸ - جوی آبی است که حدوداً تعداد صد خانه در آن شریک هستند مدتی برای عمران و آبادی آن کار کردند اما به خاطر مسایلی موفق نشدند آن را تکمیل کنند. آیا می توانند از وجوه شرعی برای عمران جوی آب مصرف کنند؟

ج : جوی آبی که برای آبیاری ملک شخصی مردم است نباید با وجوه شرعی آماده شود.

س : ۵۸۹ - آیا پرداخت وجوه شرعی به وکیل مجتهد میت جایز است؟

ج : پرداخت وجوه شرعی به وکیل مجتهد میت جایز نیست زیرا به محض مردن مجتهد، وکیل از وکالت عزل می شود.

س : ۵۹۰ - دستمزد کارگر به مدت یک سال در نزد صاحب کار می ماند آیا به مجرد گرفتن پول خمس به آن تعلق می گیرد یا یک سال بر آن بگذرد؟

ج : اگر قرارداد میان کارگر و کارفرما این باشد که مزد امسال را سال آینده پرداخت کند تا سر سال نرسیده است خمس ندارد و اگر قرارداد این باشد که مزد کارگر را ماهانه پرداخت کند اما کارگر دستمزد خود را به عنوان امانت در نزد صاحب کار بگذارد، در سر سال خمس، خمس به آن تعلق می گیرد.

س : ۵۹۱ - کارگری که بدهکاری خمس سال قبل خود را از پول و درآمد سال بعد می دهد آیا خمس به خود همین پولی که به عنوان خمس پرداخت می شود در سر سال تعلق می گیرد؟

ج : اگر حاکم شرع بنا بر مصالحی اجازه چنین کاری را داده باشد تعان نمی گیرد. اگر خودش تسامح و تأخیر کرده باشد باید خمس آن را بدهد.

س : ۵۹۲ - کسی پولی دارد که در سر سال در دسترسش نیست بعد از سر سال به دستش می آید و پیش از رسیدن سر سال دوم مصرف می شود آیا خمس به این پول تعلق می گیرد؟

ج : اگر پول ربح سال پیش بوده است خمس تعلق می گیرد و اگر مثل این باشد که چیزی را در سال قبل به نسیه سال بعد می فروشد از ارباح سال بعد به حساب می آید و در صورت مصرف شدن پیش از سر سال خمس ندارد.

س : ۵۹۳ - کسی که در سال اول سر سال خمسی برای خود تعیین می کند در سال دوم خمس خود را حساب نمی کند در سال سوم تصمیم دارد خمس خود را حساب کند وظیفه اش درباره خمس سال دوم چیست؟

ج : چون مقدار و مبلغ خمس سال دوم معلوم نیست باید در برابر مبلغی با مرجع تقلید خود مصالحه کند.

س : ۵۹۴ - مهاجرینی که خانه های اجاره ای، یا رهنی دارند با صبر و قناعت و زحمت پولی برای رهن منزل فراهم می کنند اگر خمس این پول را بدهند توانایی رهن و اجاره کردن خانه را ندارند آیا خمس به این پول تعلق می گیرد؟

ج : اگر با پرداخت خمس نمی توانند خانه ای اجاره یا رهن کنند مجاز هستند که خمس را به تأخیر اندازند و هر وقتی که توان تهیه خانه و پرداخت خمس را پیدا کردند، خمس را پرداخت کنند.

س : ۵۹۵ - کسی مبلغ یک میلیون و پانصد هزار تومان به برادرش قرض می دهد اکنون برادرش ورشکست شده است و توان پرداخت بدهکاری خود را ندارد. آیا خمس به مبلغ یاد شده تعلق می گیرد؟

ج : اگر یک سال در نزد صاحبش مانده باشد خمس دارد و اگر از ربح بین سال بوده باشد خمس ندارد.

س : ۵۹۶ - کارگری چند سال کار کرده است و برای خود سر سال خمسی هم قرار نداده

است. هر چه کار کرده است مصرف خانه و اثاثیه آن مانند یخچال، تلویزیون و... شده است و پس انداز هم ندارد آیا خمس به اثاثیه خانه اش تعلق می‌گیرد. بر فرض تعلق، قیمت زمان خرید حساب می‌شود یا زمان پرداخت خمس؟

ج: اگر به تدریج کار کرده و اثاثیه خریده باشد به گونه‌ای که در پایان سال پول زیادی نداشته است خمس تعلق نمی‌گیرد.

س: ۵۹۷ - کسی که کمک نقدی یا غیر نقدی برای تعمیر مسجد و حسینیه کرده است آیا می‌تواند آن را سهم امام (ع) حساب کند؟

ج: اگر با اجازه مجتهد یا وکیلش و به نیت سهم امام (ع) داده است صحیح است و اگر تبرعا داده باشد و بعداً بخواهد آن را سهم امام (ع) حساب کند صحیح نیست.

س: ۵۹۸ - طلبه‌ای که در کنار درس برای تامین مصارف ازدواج که شدیداً به آن نیاز دارد کار می‌کند خمس به پول مازاد بر مصرفش تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر یک سال نگذشته باشد خمس ندارد و اگر گذشته باشد خمس دارد.

س: ۵۹۹ - فرش و ظرفی که برای نیازمندی‌های خانه خریده می‌شود خمس دارد؟

ج: کسی که سر سال دارد اگر از درآمد سال بخرد خمس ندارد.

س: ۶۰۰ - اگر کسی نداند که بر پولش یک سال گذشته است یا نه، اگر آن را مصرف کند خمس دارد؟

ج: خمس ندارد.

س: ۶۰۱ - چه مقدار از سهم امام (ع) برای ساختن منبر مصرف می‌شود؟

ج: منبر و حسینیه با پول شخصی و زکات ساخته می‌شود، سهم امام برای طلاب علوم دینی مصرف می‌شود.

س: ۶۰۲ - طلاب فقیری که در مساجد، قرآن مجید و کتب فارسی می‌خوانند و هنوز به



کتاب های درسی رسمی حوزه علمیه نرسیده اند می توانند از وجوه شرعی استفاده کنند؟

ج : اگر حاکم شرع اجازه بدهد جایز است.

س : ۶۰۳- کسی در تنگدستی با پول قرض لوازم خانه خریده است پس از رفع احتیاج، خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج : اگر از اثاثیه لوازم استفاده شده باشد خمس تعلق نمی گیرد.

س : ۶۰۴- اگر کسی زمین موات و غیر زراعی خود را که متصل به زمین زراعی اش است احیاء و آماده کشت و زرع کند خمس به آن تعلق می گیرد آیا داشتن آب و نداشتن آب از ابتدا برای زراعت تاثیر در وجوب و عدم وجوب خمس دارد؟

ج : بعد از کسر مصارف احیاء، خمس آن را بدهد. داشتن و نداشتن آب تاثیری ندارد.

س : ۶۰۵- چند برادری هستند که زمین زراعی موروثی دارند، علاوه بر آن زمین مواتی را احیاء می کنند. زمین های کهنه و (موروثی) و نو (احیاء شده) را روی هم می کنند و در بین خود تقسیم می کنند زمین احیاء شده سهم یکی از برادران می شود در صورت تعلق خمس به زمین احیاء شده آیا همه برادران خمس آن را بدهند یا تنها کسی که آن زمین قسمتش شده است؟

ج : خمس به عهده همه است نخست خمس را حساب، بعد از آن تقسیم کنند.

س : ۶۰۶- کسی از افغانستان، دیگری را در ایران وکیل کرده است که فلان مبلغ پول افغانی به عنوان سهم امام (ع) پرداخت کند با توجه به تفاوت نرخ صرف تومان و افغانی در افغانستان، پاکستان و ایران وظیفه اش چیست؟

ج : برابر با نرخ صرف در ایران پرداخت کند.

س : ۶۰۷- کسی مبلغی را به عنوان مضاربه در جایی می گذارد پیش از آن که وقت مضاربه پایان یابد سر سال خمسی می رسد بعد از رد شدن سر سال خمسی، مبلغ

یاد شده را می‌گیرد و برای پسرش وسیله کار (چرخ خیاطی) می‌خرد آیا به آن پول خمس تعلق می‌گیرد؟ در صورت تعلق آیا به همان مبلغ مورد مضاربه تعلق می‌گیرد یا به همه قیمت چرخ خیاطی؟

ج: اگر چرخ خیاطی را برای تولید و استفاده خریده است به تمام قیمت آن خمس تعلق می‌گیرد.

س: ۶۰۸- کسی مبلغی برای تعمیر حسینیه ای که محل تدریس، تبلیغ و ترویج دین اسلام و در شرف خراب شدن است کمک کرده است آیا عوض سهم امام (ع) مجزی است؟

ج: اگر حسینیه ویژگی های یاد شده را دارد از سهم امام (ع) کفایت می‌کند.

س: ۶۰۹- کسی تا سال ۱۳۷۵ سر سال داشته بعد از آن به هم خورده است آیا اثاثیه ای که بعد از آن خریده است خمس دارد؟

ج: اثاث خانه نیاز به مصالحه دارد.

س: ۶۱۰- پولی که به عنوان رهن خانه داده می‌شود چه وقت خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: بعد از گرفتن پول از رهن.

س: ۶۱۱- تومانی که با افغانی معامله شده است که بعد از مدتی آن را دریافت کند آیا خمس فعلا به آن تعلق گرفته است یا بعد از گرفتن پول افغانی تعلق می‌گیرد؟

ج: تومانی را که در برابر افغانی داده است اگر یک سال در نزد صاحبش مانده باشد باید خمس آن را پرداخت کند و اگر نمانده است بعد از دریافت افغانی خمس آن را بدهد.

س: ۶۱۲- کسی که مقلد آیت... حکیم بوده است بعد از ایشان با اجازه آیت... خوبی فقط در پرداخت وجوه شرعی بر تقلید از آیت... حکیم باقی مانده است آیا وجوه شرعی را که پرداخت کرده است مجزی است و آیا می‌تواند وجوه شرعی را برای بنای مسجد مصرف کند؟

ج : اگر وجوه شرعی را به مستحقان پرداخت کرده باشد کفایت می کند اما وجوه شرعی را در بنای مسجد مصرف نمی تواند مگر این که مسجدی باشد که در آن در روزهای جمعه تبلیغ اسلام ادامه داشته باشد.

س : ۶۱۳- کسی زمین موروثی دارد که بخشی از آن زراعی و بخش دیگر چراگاه است صاحب زمین هر سال قسمتی از چراگاه را تبدیل به زمین زراعی می کند. آیا زمینی که چراگاه بر زمین زراعی افزوده شده است خمس دارد؟

ج : اگر چراگاه موات بوده و احیا شده باشد خمس، بعد از کسر مخارج و مصارف احیا تعلق می گیرد.

س : ۶۱۴- برخی می گویند دادن ثلث سهم امام(ع)، برای طلبه و غیر طلبه بدون اجازه مجتهد جایز است. آیا این سخن درست است؟

ج : سهم امام(ع) بدون اجازه مجتهد به کسی داده نمی شود.

س : ۶۱۵- کارگری در افغانستان دو فرزندی دارد که مادرشان مرده است و هر سال مبلغی را برای مصارف فرزندان خود می فرستد. از سوی دیگر پدر همین کارگر برای او دختری را نامزد کرده است آیا می تواند از پولی که خمسش را حساب نکرده است و سر سال هم ندارد مهریه و شیربهای همسرش را بدهد؟

ج : پول هایی را که به افغانستان فرستاده است اگر به عنوان امانت در نزد پدر گذاشته باشد خمس دارد. تنها آن مبلغی که توسط پدرش برای فرزندان مصرف شده است اگر یک سال بر آن نگذشته باشد خمس ندارد و نیز پول هایی را که شیربها (گله) داده است هم خمس دارد اگر یک سال بر آن گذشته باشد.

س : ۶۱۶- کسی مبلغ شصت هزار تومان سهم امام (ع) ا و سهم سادات را بنا بر رأی و نظر خودش به مامای (دایی) خود که خیلی فقیر بود داده است آیا مجزی است؟ اگر مجزی نباشد وظیفه اش چیست؟

ج : مصرف سهم امام و سادات به اجازه مجتهد نیاز دارد اگر فقر مامای

این شخص در حد اضطرار باشد مجزی است.

س : ۶۱۷- اگر برکود حیوانی سر سال بگذرد خمس تعلق می گیرد؟

ج : بله، خمس دارد.

س : ۶۱۸- درخت هایی که غرس شده باشد یا خود روئیده باشد برای استفاده شخصی مالکش وگاهی چند تا از آن ها را بفروشد و پولش را برای نیازمندی های زندگی خود مصرف کند خمس دارد؟

ج : هر دو نوع درخت خمس دارد باید در هنگام استفاده از آن خمس حساب شود.

س : ۶۱۹- آیا خمس به اموال آدم بدهکار و قرض دار تعلق می گیرد؟

ج : اگر بدهکاری و قرض برای مؤنه سال باشد از اموال خمسی کسر می شود اما بقیه آن خمس دارد.

س : ۶۲۰- کسی که چند نوع کسب دارد باید چند نوع سر سال خمسی داشته باشد یا یک سر سال کفایت می کند؟

ج : یک سر سال برای همه کفایت می کند.

س : ۶۲۱- اگر پول یا علوفه قرض داده شود و بعد از گذشت سر سال به صاحبش برسد خمس دارد؟

ج : خمس آن در هنگام گرفتن (قبض) پرداخت شود.

س : ۶۲۲- اگر پشم گوسفند پیش از رسیدن سر سال خمسی به گلیم یا نمد تبدیل شود خمس دارد؟

ج : اگر پیش از رسیدن سر سال بدل به گلیم و نمد و از آن ها استفاده شود خمس ندارد.

س : ۶۲۳- اگر چیزی به عنوان سوغات و به نیت خمس به سید فقیر داده شود مجزی است؟

ج : اگر خمس و زکات به سید و فقیر داده شود با اجازه مجتهد و مرجع

---

تقلید اظهار آن لازم نیست.

س : ۶۲۴- پارچه ای که برای کفن با پول مخمس خریده شده است و بعد از چند سال با آن میتی کفن می شود. اگر در طول این چند سال قیمت آن گران شود خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج : به تفاوت قیمت خمس تعلق نمی گیرد.

س : ۶۲۵- کسی درخت های چنار خود را می فروشد و با قیمت آن بدهکاری خود را ادا می کند آیا خمس تعلق می گیرد؟

ج : اگر در هر سال خمس نمو و رشد آن را حساب کرده باشد و در بین سال مصرف شود خمس ندارد.

س : ۶۲۶- اگر کسی از چوب های چنار خود برای در و پنجره و... خانه خود استفاده کند خمس دارد؟

ج : اگر خمس نمو و رشد آن را حساب نکرده است بعد از قطع درخت خمس آن را حساب کند.

س : ۶۲۷- چوب هایی که با پول قرض و رهن زمین خریده و برای در و پنجره استفاده می شود خمس دارد؟

ج : چوب اگر با پول قرض خریداری شود و برای در و پنجره خانه مصرف شود خمس ندارد.

س : ۶۲۸- کسی چند تخته پتو خریده است که به افغانستان بفرستد اما نتوانسته است آن ها را بفرستد اکنون یک سالی از تاریخ خرید می گذرد آیا خمس به پتوها تعلق گرفته است؟

ج : اگر در بین سال استفاده نکرده باشد خمس تعلق می گیرد.

س : ۶۲۹- آیا در خمس داشتن هبه فرقی میان متاع ارزان و (یسیر) و گران (خطیر) است؟

ج : اگر تا سر سال خمسی بماند هر دوخمس دارد.

س : ۶۳۰ - گاو وگوسفندی که برای شیردهی یا بارکشی استفاده می شود به اضافی قیمت و چاقی آنها خمس تعلق می گیرد؟

ج : اگر متعلق خمس بوده است وخمس آن پرداخت شده باشد چاقی و اضافی قیمت خمس ندارد.

س : ۶۳۱ - کسی مبلغ پانصد هزار تومان پول تخمیس شده دارد.مبلغ صد هزار تومان از ربح بین سال را برای مصرف روزانه کنارگذاشته بود اما اشتباها به جای صد هزار ربح بین سال، صد هزار تومان از پانصد هزار تومان مصرف کرده است آیا می تواند ربح بین سال را به جای پول تخمیس شده بگذارد؟

ج : نمی تواند.

س : ۶۳۲ - اگر کسی باغ وماشینی را با پول خمسی خریده باشد قیمت روزخرید را در پرداخت خمس آن حساب کند یا قیمت کنونی را؟

ج : این مسأله سه صورت دارد: ۱- اگر به ماشین و باغ احتیاج دارد قیمت روز خرید را حساب کند. ۲- اگر برای تجارت خریده باشد هم اصل قیمت خمس دارد و هم اضافی قیمت. ۳- اگر باغ و ماشین را با پول غیر مخمس خریده باشد به اصل باغ و ماشین خمس تعلق می گیرد واعلی القیمتین را تخمیس کند.

س : ۶۳۳ - کسی که با پول قرض و درآمد بین سال خانه ای را رهن می کند و به مرور زمان بدهکاری خود را ادا می کند اگر پول رهن را از راهن بگیرد خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج : اگر از ناحیه پیدا کردن خانه در عسر و حرج قرار نمی گیرد پرداخت خمس آن واجب است.

س : ۶۳۴ - کسی که نیاز به ماشین یا اسب سواری دارد اگر بین سال تلف شود قیمت

آن از ربع بین سال کسر می شود؟

ج : اگر از ربع بین سال جبران کند یعنی اسب و ماشین دیگری بخرد قیمت آن کسر می شود و اگر بعد از رسیدن سر سال خمسی اسب یا ماشین بخرد خمس دارد.

س : ۶۳۵- اگر از درآمد بین سال لوازم مورد نیاز خریده شده باشد اما تا سر سال خمسی استفاده نشود خمس دارد؟

ج : بله، خمس دارد.

س : ۶۳۶- اگر کسی خمس را جدا کند و پیش از آن که به مجتهد یا وکیلش بدهد آن را بدل کند و به مجتهد یا سادات بدهد جایز است؟

ج : بله، تا وقتی که خمس را به مجتهد یا وکیلش نداده است تعیین پیدا نمی کند.

س : ۶۳۷- اجناس و اموالی که برای امرار معاش با پول مخمس خریده می شود اگر در بین سال فروخته شود به اضافی قیمت آن خمس تعلق می گیرد؟

ج : اگر در بین سال مصرف نشود اضافی قیمت خمس دارد.

س : ۶۳۸- آیا می توان برای هیزم، علوفه حیوانات و میوه جات و... سر سال جداگانه تعیین کرد؟

ج : بله.

س : ۶۳۹- کسی که زمین زراعتی را با پول مخمس خریداری می کند و در آن چاه عمیق حفر و موتور آب نصب می کند آیا به چاه، موتور و اضافی قیمت زمین خمس تعلق می گیرد؟

ج : تا زمانی که زمین را نفروخته است به اضافی قیمت خمس تعلق نمی گیرد. اگر چاه و موتور را برای زیاد کردن ثروت خود آماده کرده است، ربحتی که مصرف کرده است و اضافی قیمت آن ها هم خمس دارد.

س : ۶۴۰- کسی ده سال پیش مبلغ صد هزار تومان مهریه برای همسرش تعیین می کند اگر آن را پرداخت کند از مؤونه سال پرداخت به حساب می آید یا نه؟

ج : از مؤونه سال پرداخت حساب می شود.

س : ۶۴۱ - زیور آلات زنانه که از رواج (مد) افتاده است خمس دارد؟

ج : اگر از درآمد بین سال یا با پول مخمس خرید شده باشد خمس ندارد.

س : ۶۴۲ - اشیای مورد نیاز اگر از درآمد بین سال خرید شده باشد بعد از گذشت سال اگر بفروشد قیمت آن خمس دارد؟

ج : اشیا و اجناسی که جزء مؤونه سال و از درآمد بین سال خرید و سال بر آن گذشته باشد و فروخته شود خمس ندارد.

س : ۶۴۳ - اگر با پول غیر مخمسی تجارت شود در ربح آن ارباب خمس شریکند؟

ج : بله، شریک هستند.

س : ۶۴۴ - کسی که سر سالی اول برج ثور است کود حیوانی را که زمستان جمع می کند و در پاییز سال آینده مصرف می کند، خمس آن را چه وقت بدهد و آیا به کود حیوانی متنجس خمس تعلق می گیرد؟

ج : اگر برکود حیوانی یک سال بگذرد خمس به آن تعلق می گیرد، متنجس بودن آن مانع تعلق خمس نمی شود.

س : ۶۴۵ - کسی که پول از ایران به افغانستان می فرستد اگر یک سال و نیم این پول در دست حواله دار باشد و بعد از دادن آن مبلغ به دست گیرنده، پیش از رسیدن سر سالی مصرف شود خمس دارد؟

ج : اگر در این مدت (یک سال و نیم) در ملک صاحب اولش بوده است بعد از گرفتن آن خمسش را حساب کند.

س : ۶۴۶ - کسی از ایران پول غیر مخمس به افغانستان می فرستد در آن جا هم خمس آن را حساب نمی کنند و پول مخمس با غیر مخمس مخلوط می شود وظیفه چیست؟

ج : آن مبلغ پولی که مخمس بوده است دوباره خمس ندارد اما خمس پول



غیر مخمس را باید بعد از پایان سال بدهند.

س : ۶۴۷- دو برادر اموال مشترکی دارند یکی به ایران مهاجرت می کند و دیگری در افغانستان می ماند برادری که به ایران آمده است درباره خمس اموال مشترک خود چه وظیفه دارد؟

ج : برادری را که در افغانستان است وکیل بگیرد تا خمسش را حساب کند.

س : ۶۴۸- کسی که سر سال ندارد اگر پولش کم شود و بعد از آن که سر سال تعیین کرد برای خود باید خمس پول گمشده را بدهد؟

ج : اگر پول گمشده به مدت یک سال در نزد صاحبش بوده است باید خمس آن را بدهد.

س : ۶۴۹- کسی که لوازم خانه مانند پتو، پارچه، ساعت و... برای آینده اش می خرد خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج : اگر تا رسیدن سر سال استفاده نشود خمس دارد.

س : ۶۵۰- بعضی برای فرار از پرداخت خمس پارچه را به تن می کنند، در ظرف غذا می پزند در این صورت خمس به آنها تعلق می گیرد؟

ج : اگر پارچه را لباس درست نکنند بلکه با آن خود را بپيچند موجب سقط خمس نمی شود. اما اگر در ظرف برای خود یا مهمان های خود غذا بپزند خمس ساقط می شود.

س : ۶۵۱- اگر کسی مالی را برای دیگری وقف کند خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج : وقف خمس ندارد.

س : ۶۵۲- وکیل مجتهد می تواند خمس کسی را برای خود آن شخص مصالحه کند؟

ج : اگر فقیر باشد اشکالی ندارد.

س : ۶۵۳- برخی کارگران افغانی خمس پول شان را پرداخت نمی کنند و ادعا می کنند که اختیار به دست پدر و یا برادر بزرگش است که در وطن هستند در این صورت

آیا خود کارگران مسؤول نیست؟

ج : مسؤول خود شخص کارگر است اگر مستطیع باشد باید به حج برود و اگر از مؤونه سالش زیاد شود باید خمس آن را پرداخت کند.

س : ۶۵۴- کسی در مدت چند سال پولی به دست می آورد تا در آینده ازدواج کند و نیز کسی که در افغانستان بدهکار است که هر سال باید پولش را برای طلبکارانش بفرستد و اگر مانعی پیش آید که نتواند پولش را بفرستد آیا خمس به این پول ها تعلق می گیرد؟

ج : اگر پول پیش از گذشت یک سالی صرف ازدواج شود و یا برای پدر و مادر فرستاده شود خمس ندارد اما اگر به مدت یک سال در نزد صاحبش به هر دلیلی بماند خمس به آن تعلق می گیرد اول خمس بعد ازدواج.

س : ۶۵۵- چند برادر که زندگی مشترکی دارند و یکی از آن ها صاحب اختیار است. یکی از همین برادران پولی به دست می آورد که از مؤونه سال شخص خودش زیاد اما از مؤونه سال همه برادران کم است آیا خمس پولش را باید بدهد؟

ج : کسی که کار می کند و به برادرانش کمک می کند اگر پولش از سر سال زیاد شد خمس دارد. و اگر نشد ندارد.

س : ۶۵۶- کسی در حادثه ای بدون وصیت از دنیا رفته است آیا به اموال مورد نیازش خمس تعلق می گیرد؟

ج : اگر از ربح بین سال خریده باشد خمس تعلق نمی گیرد.

س : ۶۵۷- کسی هفت سال پیش پدرش از دنیا رفته است و مبلغ شش هزار تومان خمس به اموالش تعلق گرفته است در آن زمان پسرش توانایی پرداخت آن را نداشته است. اکنون که توانایی پرداخت را پیدا کرده است چگونه و چه مبلغی و به کجا پرداخت کند؟

ج : اگر با میراث پدرش تجارت کرده و زیاد شده باشد با پرداخت شش

هزار تومان بری الذمه نمی شود و اگر با آن تجارت نکرده است همان مبلغ را به مجتهد بدهد کافی است

س : ۶۵۸- آیا خمس به سرگین حیوانات تعلق می گیرد؟

ج : اگر در ارباح داخل و قابل خرید و فروش باشد تعلق می گیرد.

س : ۶۵۹- ثلث سهم امام (ع) که در بعضی موارد به طلاب داده می شود اگر از مؤونه سالش زیاد باشد خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج : اگر عین همان پول باقی باشد خمس ندارد.

س : ۶۶۰- کسی که در گرفتن خمس از مجتهد اجازه دارد در مصرف آن نیز اجازه دارد؟

ج : مصرف مقداری که برایش اجازه داده شده است مانعی ندارد اما بیش از آن اجازه ندارد.

س : ۶۶۱- اگر دسترسی به مجتهد یا وکیلش برای پرداخت خمس نباشد وظیفه چیست؟

ج : باید به مجتهد یا وکیل امین او برساند هر چند طول بکشد.

س : ۶۶۲- طلبه ای که بدهکار است می تواند بدون اجازه مجتهد سهم امام را برای ادای قرض خود پرداخت کند؟

ج : سهم امام (ع) باید با اجازه مرجع تقلید مصرف شود.

س : ۶۶۳- کسی با پول غیر مخمس خانه ای ساخته است و بعد از آن فروخته است آیا خمس تعلق می گیرد؟

ج : خمس بر قیمت آن خانه تعلق می گیرد.

س : ۶۶۴- کسی مبلغ پنجاه هزار تومان دارد، مبلغ صد هزار تومان قرض می کند و با مجموع پول خانه ای رهن می کند آیا به

پنجاه هزار تومان پول خودش خمس تعلق می گیرد؟

ج : تا نگرفته است خمس ندارد، بعد از گرفتن آن و بی نیاز شدن از رهن پرداخت خمس واجب است.

س : ۶۶۵- کسی است که مصارف خانواده اش را به عهده دارد و از لحاظ وسایل زندگی مانند فرش و ظرف به حداقل اکتفا می کند تا مبلغی را پس انداز کند برای بازگشت به افغانستان آیا این مبلغ خمس دارد؟

ج : بعد گذشت سال خمس دارد اما ممکن است این مورد با مبلغ کمتر مصالحه شود.

س : ۶۶۶- کسانی که سهم امام (ع) را در مدرسه های دینی که تازه فعال شده است در افغانستان مصرف می کند چه حکمی دارند؟

ج : مصرف سهم امام (ع) باید با اجازه حاکم شرع یا وکیلش باشد.

س : ۶۶۷- آیا کودکانی که در مساجد محل مشغول یادگیری قرآن کریم هستند می توانند از سهم امام (ع) مصرف کنند؟

ج : اگر پدران شان قدرت تأمین مخارج آنان را ندارند بعد از اجازه از حاکم شرع می توانند مصرف کنند.

س : ۶۶۸- در صورتی که وکلای مراجع در افغانستان وجود ندارند حوزه علمیه هم نیست که سهم امام (ع) برای طلاب علوم دینی مصرف شود با این حال آیا هر کسی می تواند سهم امام (ع) خود را به فقرا بدهد؟

ج : وکلای مراجع در افغانستان هستند اگر در منطقه ای نباشد در منطقه دیگر است و یا توسط فرد امین به مراجع و یا وکلایشان ارسال کنند.

س : ۶۶۹- کسی که نه نفر عائله دارد و به مدت یک سال در بیمارستان بوده است و مبلغ دو صد هزار تومان پول درمانش شده است که بازهم خوب نشده است آیا می تواند پول بیمارستان را از خمس پرداخت کند؟

ج : با اجازه مجتهد می تواند از وجوه شرعی پرداخت کند.

س : ۶۷۰- کسی که اجازه مصرف سهم امام (ع) برای یتیمان و صغیران را دارد آیا اجازه دارد ثلث آن را برای خود بر دارد؟

ج : بدون اجازه نمی تواند مصرف یا اخذ کند.

س : ۶۷۱- کسی که خودش از دنیا رفته و از او یادداشت هایی باقی مانده است که در آن سرمایه و بدهکاری خود از سهم امام (ع) را نوشته است و هنوز اصل سرمایه متوفی در اختیار ورثه قرار نگرفته است آیا بر ورثه واجب است که سهم امام (ع) نوشته شده در یادداشت را پرداخت کنند؟

ج : ترکه متوفی تا در اختیار ورثه قرار نگرفته است پرداخت بدهکاریش واجب نیست.

س : ۶۷۲- کسی که مبلغ دو صد هزار تومان در مدت دو سال بدست آورده است آیا می تواند با این پول فرش و لباس و... بخرد؟

ج : تا خمس آن را پرداخت نکرده است نمی تواند استفاده کند.

س : ۶۷۳- گروه های سیاسی نظامی از مردم قلمرو حاکمیت خود وجوه شرعی را دریافت می کردند آیا کسانی که وجوه شرعی را این گونه پرداخت کرده اند بری الذمه شده اند؟

ج : اگر برای حفظ امنیت، کمک به مستضعفین و مبارزه با کمونیست ها مصرف شده باشد مجزی است اما اگر در جنگ های داخلی مصرف شده باشد باید توبه کنند و دوباره پرداخت کنند.

س : ۶۷۴- قطعه زمینی با چشمه آبی به عنوان ارث برای کسی از پدرش مانده است آب این چشمه پیش از این هدر می رفته است وارث هم اکنون حوضی برای ذخیره شدن آب ساخته است تا زمین راکت و با آن آبیاری کند سوال این است که اولاً: زمین هایی که از آب همین چشمه آبیاری می شوند خمس دارد یا نه؟ ثانیاً: کس دیگری هم در این چشمه آب حق و سهمی دارد یا نه؟

ج : اولاً: اگر زمین های یاد شده در زمان حیات مورث موات بوده و وارث آن را احیا کرده است بعد از کسر مصارف احیا باید خمس آن را حساب کند. ثانیاً

اگر پیش از ساختن حوض ذخیره دیگران از آب چشمه استفاده می کرده اند اکنون هم حق استفاده دارند و اگر نمی کرده اند حق ندارند.

س : ۶۷۵- خمس هایی که به پایگاه نظامی که به خاطر حفظ امنیت، قضاوت و جلوگیری از جنگ های داخلی پرداخت شده است چه حکمی دارد؟

ج : کسانی که دریافت می کرده اند اگر اجازه از حاکم شرع داشته اند موجب برائت ذمه شده است.

س : ۶۷۶- کسی که تقلید از مجتهدی دارد می تواند برای مصرف وجوه شرعی خود برای مدرسه و... از مجتهد دیگر اجازه بگیرد؟

ج : اگر مجتهد جامع الشرایط باشد مانعی ندارد.

س : ۶۷۷- کسی با میل و رغبت خود مبلغی پول به عنوان شیربها به پدرهمسر خود می دهد آیا این پول حلال است و خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج : اگر با میل و رغبت داده شود حلال است و اگر تا سر سال بماند خمس دارد.

س : ۶۷۸- کسی که سال خمسی ندارد و اگر بخواهد سال تعیین و خمس خود را حساب کند از تمام سرمایه نقدی (پول نقد، پول رهن خانه و...) و غیر نقدی (یخچال، تلویزیون، فرش و...) خمس حساب کند؟

ج : خمس پول نقد خود را پرداخت کند. خمس پول رهن خانه را عندالتمکن باید بدهد. لوازم خانه را باید با مجتهد مصالحه کند.

س : ۶۷۹- کسی که نه عادل است و نه در حوزه علمیه درس خوانده است اما ادعا می کند که از یکی از مراجع تقلید وکالت دارد و هنگام گرفتن وجوه شرعی کاغذ رسید هم نمی دهد آیا پرداخت وجوه شرعی به چنین کسی موجب برائت ذمه می شود؟

ج : وجوه شرعی به چنین کسی نباید پرداخت شود و اگر پرداخت شود موجب برائت ذمه نمی شود.

س : ۶۸۰- پولی که از قاتل به عنوان مصالحه در قتل عمدی و دیه در قتل خطایی گرفته می شود خمس دارد؟

ج : خمس ندارد.

س : ۶۸۱- رادیو ضبطی که از درآمد بین سال خرید می شود خمس دارد؟

ج : اگر مورد نیاز باشد خمس ندارد.

س : ۶۸۲- اگر در بین سال مرد، کفنی برای همسر متوفایش بخرد خمس دارد؟

ج : اگر سال خمسی داشته باشد خمس ندارد.

س : ۶۸۳- ابزار کار مخمس اگر استهلاک پیدا کند و از منافع سال آینده اش آن را تعمیر کند منافع یاد شده خمس دارد؟

ج : خمس ندارد.

س : ۶۸۴- کسی تعداد چهل عدد درخت برای حسینییه مصرف کرده است آیا خمس به درخت های یاد شده تعلق می گیرد؟

ج : اگر پیش از مصرف، خمس آن ها را نداده باشد باید پرداخت کند.

س : ۶۸۵- طلبه ای که هیچ گونه امکانات برای درس خواندن ندارد می تواند از کسی سهم امام (ع) بگیرد و مصرف کند؟

ج : با اجازه مرجع تقلید مانعی ندارد.

س : ۶۸۶- اگر از ارباب مکاسب زمین زراعی خریده شود که مورد نیاز است خمس دارد؟

ج : زمین حکم سرمایه را دارد، پرداخت خمس آن احتیاط واجب است.

س : ۶۸۷- حوزه های علمیه ای که در مناطق مرکزی تاسیس شده است و در آن ها طلاب فقیر و نیازمند درس می خوانند پرداخت

سهم امام (ع) در این حوزه ها به چه کیفیت مجزی است؟

ج : با نظر و رأی وکیل مجتهد سهم امام مصرف شود.

س : ۶۸۸- کسی خانه ای را رهن می کند آیا به پول رهن خانه خمس تعلق می گیرد؟

ج : اگر پیش از رهن منزل خمس به پول رهن تعلق گرفته بوده است باید خمس آن پرداخت می شد و حالاکه نشده است بعد از گرفتن پول از رهن خمس آن پرداخت شود.

س : ۶۸۹- اگر دامادی به جای پدر عروس، جهیزیه ای برای عروس تهیه کند و تا سر سال در خانه داماد بماند، خمس دارد؟

ج : خمس دارد.

س : ۶۹۰- کسی مبلغ بیست هزار تومان سهم امام (ع) به سیدی که قبلاً طلبه بوده داده است آیا مجزی است؟

ج : اگر سید یاد شده در اضطرار و نهایت فقر بوده باشد سهم امام (ع) حساب می شود.

س : ۶۹۱- کسی که از اول عمر در نزد کس دیگری کار می کند و از دستمزدش اطلاعی ندارد و سر انجام معلوم می شود که مبلغ پانصد هزار تومان شده است آیا خمس به آن پول تعلق می گیرد؟

ج : خمس تعلق گرفته است.

س : ۶۹۲- اگر یکی از بستگان متوفی بدهکاری خمس متوفی را پرداخت کند کفایت می کند؟

ج : اگر به نیابت از متوفی متبرعا پرداخت کند کفایت می کند.

س : ۶۹۳- اگر کسی با پول غیر مخمس چرخ گلدوزی خریده باشد آیا در سر سال خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج : اگر برای کسب و کار خریده باشد خمس دارد و اگر برای کارهای خانه خریده باشد جزء مؤونه به حساب می آید.

س : ۶۹۴- اگر طلبه ای بر اثر تحقیق و تلاش درسی خسته شده باشد می تواند از سهم



امام (ع) برای تفریح و تجدید قوا مصرف کند و می تواند سیگار بخرد؟

ج : برای تفریح و تجدید قوا می تواند از سهم امام (ع) مصرف کند و همچنین اگر عادت به سیگار داشته است و نمی تواند ترک کند به مقدار ضرورت می تواند سیگار بخرد اما اگر عادت به سیگار ندارد با مصرف سهم امام (ع) خود را معتاد به سیگار نکند.

س : ۶۹۵- آیا شهریه طلاب ملک آنان به حساب می آید، اگر سر سال بگذرد خمس به آن تعلق می گیرد و بعد از فوت به ورثه منتقل می شود؟

ج : بعد از فوت اگر عین شهریه باقی باشد باید به حاکم شرع رجوع شود و اگر از شهریه چیزی بخرد و تا سر سال استعمال نشود اجازه گرفتن ورثه برای تصرف در آن از حاکم شرع احوط است و اگر تا سر سال باقی بماند احتیاط واجب در پرداخت خمس آن است.

س : ۶۹۶- اگر کسی پیش از رسیدن سر سال بمیرد خمس به اموالش تعلق می گیرد؟

ج : ریخ و فایده ای که بعد از سر سال وارد ملکش شده است خمس دارد اما اموالی که خمس آن تصفیه یا درمؤونه سال مصرف شده است خمس ندارد.

س : ۶۹۷- کسی که می داند درآمدهش از سر سال تجاوز نمی کند لازم است سر سال برای خود تعیین کند؟

ج : تعیین سر سال در این صورت لازم نیست.

س : ۶۹۸- کسی که شک دارد و لوازم خانه اش را از درآمد بین سال خریده است یا از غیر آن وظیفه اش چیست؟

ج : باید با حاکم شرع یا وکیل او که آشنا با مسایل شرعی است مصالحه کند.

س : ۶۹۹- کسی که سر سال دارد در طول سال پولی پیدا کرد و زمینی خرید که چند سال بدون استفاده ماند آیا به قیمت زمین خمس تعلق می گیرد؟

ج : بله، خمس دارد.

س : ۷۰۰- کسی خانه ای خرید و آن را اجاره داد با پول اجاره آن، خانه ای برای خود رهن کرد آیا قیمت خانه خمس دارد؟

ج : چون صاحب خانه در آن زندگی نکرده است خمس دارد.

س : ۷۰۱- کسی مبلغ پولی مخمس به عنوان شیربها به پدرهمسرش می دهد آیا به صرف تصرف پدر همسرش در آن پول خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج : اگر تا سر سال باقی بماند خمس تعلق می گیرد اما صرف موجب تعلق خمس نمی شود.

س : ۷۰۲- مستطیعی درسال اول استطاعت به حج نرفته و بعد از آن از دنیا رفته است اما برای پسرش وصیت کرده است که حج تمتع از طرف او انجام دهد آیا پولی که به سبب آن مستطیع شده بود و سالی بر آن گذشته است خمس دارد؟

ج : اگر خمس آن را پرداخت نکرده بوده است باید خمسش حساب شود.

س : ۷۰۳- آیا سهم سادات فقط اختصاص به سادات دارد یا در موارد ضروری دیگر هم مصرف می شود؟

ج : در صورت ضرورت حاکم شرع می تواند در موارد دیگر مصرف کند اگر پیش از احتیاجات سادات باشد اما صاحب مال نمی تواند مصرف کند.

س : ۷۰۴- کسی سر سال خمسی اش اول ثور است در اول جوزا منافی به دست می آورد و بعد پشیمان می شود تصمیم می گیرد که اول جوزا سر سالش باشد آیا عدول و تبدیل جایز است؟

ج : اگر منافع را در اول برج جوزا به دست آورده باشد و آن را تخمیس کند مانعی ندارد.

س : ۷۰۵- کسی که نصف عمل و کار را مثلا در سال ۱۳۷۲ و نصف دیگر را در سال ۱۳۷۳ انجام می دهد و ربح در سال ۱۳۷۳ به دست می آید سر سال خمسی ۷۲ گذشته و سر سال خمسی ۷۳ نرسیده است، وظیفه اش چیست؟

ج : اگر ربح و فایده در سال ۷۲ به دست نیامده است و در سال ۷۳ به دست آمده است از منافع سال ۷۳ به حساب می آید.

س : ۷۰۶- اگر کسی پول غیرمخمس در افغانستان داشته باشد می تواند خمس آن را در ایران پرداخت کند؟

ج : بله

س : ۷۰۷- کسی که پول غیر مخمس خود را برای رهن خانه داده است صبر کند تا پول را از صاحب خانه بگیرد یا این که از پول دیگر خمس آن را پرداخت کند؟

ج : می تواند از پول دیگر خمس آن را حساب کند اما اگر این پول از ارباب باشد باید خمس پولی را که به عنوان خمس پرداخت می کند هم پرداخت کند.

س : ۷۰۸- لوازم خانه که با پول غیر مخمس خریده شده است خمس دارد؟

ج : اگر سر سال خمسی داشته باشد و بعد از سر سال از پول غیر مخمس خریده باشد، باید خمس لوازم خانه حساب شود و اگر سر سال نباشد باید به حاکم شرع رجوع و مصالحه شود.

س : ۷۰۹- کسی برای فرار از خمس پیش از رسیدن سر سال اموال خود را به دیگری می بخشد آیا موجب ساقط شدن خمس می شود؟

ج : جایز نیست زیرا فرار از خمس است.

س : ۷۱۰- کسی که مبلغ سه میلیون تومان و قطعه زمینی غیر مخمس دارد اما خانه ملکی در ایران ندارد آیا حج رفتن مقدم است یا خریدن خانه؟

ج : نخست خمس پول و زمین را پرداخت کند بعد به حج برود زیرا باقی مانده پول و زمین مؤونه را کفایت می کند.

س : ۷۱۱- اگر کسی مریض باشد و نتواند خرج خوراک و پوشای و اجاره خانه خود را تأمین کند می تواند از سهم امام (ع) استفاده کند؟

ج : اگر هیچ راهی برای تأمین زندگی حتی از راه مصرف زکات ندارد

می تواند از ثلث سهم امام به اندازه تأمین مخارج خانواده اش استفاده کند.<sup>۱</sup>

س : ۷۱۲- اگر کسی به مریضی کمک کند آیا می تواند بعداً آن را سهم امام محسوب کند؟

ج : اگر محضاً لله داده باشد سهم امام حساب نمی شود اما اگر قرض داده باشد اجازه دارد که از ثلث سهم امام حساب کند.

س : ۷۱۳- کسی گوسفندی را برای شیردهی می خرد اما آن گوسفند شیر ندارد و تا سر سال می ماند آیا گوسفند و نمای متصل و منفصل آن خمس دارد؟

ج : بله، خمس تعلق می گیرد.

س : ۷۱۴- کسی که نهالی را برای استفاده از میوه آن در آینده غرس می کند باید هر سال خمس نمای آن را پرداخت کند؟

ج : هر سال خمس ندارد زیرا اغتنام بر آن صدق نمی کند.

س : ۷۱۵- آیا حاکم شرع یا وکیل او می تواند از وجوه شرعی به کسی قرض بدهد؟

ج : حاکم شرع می تواند.

س : ۷۱۶- در بعضی مناطق رسم است که بعد از فوت پدر خانواده آخوند مکتب خمس مایملک متونی را به عنوان خمس مؤونه حساب می کند و حال این که مثلاً پدر خانواده در پاییز فوت می کند و سر سال خمسی اش اول بهار است آیا چنین کاری مشروعیت دارد و جایز است؟

ج : این کار جایز نیست، تنها ارباحی که بعد از سر سال به دست آمده است تخمیس می شود.

س : ۷۱۷- اگر پدر بدون وصیت و بدون این که سر سال خمسی داشته باشد از دنیا برود آیا فرزندش مالک مایملک پدر می شود و خمس به اموال پدر تعلق می گیرد؟

ج : زمین و خانه که از آباء و اجداد به ارث رسیده است خمس ندارد. اموال دیگر متوفی بنا بر احتیاط خمسه حساب شود. درباره لوازم منزل

۱ - این اجازه در مورد خاص است و عمومیت ندارد.

(فرش و ظرف و...) با حاکم شرع مصالحه شود

س : ۷۱۸ - کسی به مدت سی سال سهم امام (ع) را پرداخت نکرده است وظیفه اش چیست؟

ج : هر اندازه ای که علم و یقین دارد پرداخت کند اما بقیه اش را با حاکم شرع مصالحه کند.

س : ۷۱۹ - آیا پدر داماد می تواند شیربهای (گله) عروسی را جزء مؤونه سال حساب کند؟

ج : آن مقداری که در سال های پیش تهیه شده است در سر سال خمس دارد. آن مبلغی که در سال عروسی مصرف می شود در بین سالی خمس ندارد. پولی را که پدر داماد به عنوان گله پرداخت می کند اگر از ارباب سال عروسی باشد خمس ندارد.

س : ۷۲۰ - کارگرانی که در ایران کار می کنند و پول خود را برای پدران خود می فرستند خمس آن به عهده کیست؟

ج : اگر مدت یک سال در نزد کارگر نماند و به پدر خود ببخشد خمس ندارد در غیر این صورت خمس آن به عهده کارگر است.

س : ۷۲۱ - کارگرانی که در افغانستان زن و بچه دارند و نمی توانند هر برج پول خود را برای خوراک و پوشای خانواده شان به افغانستان بفرستند بلکه سالی یک بار یا دو بار می فرستند آیا خمس به این گونه پول ها تعلق می گیرد؟

ج : باید سر سال داشته باشند اگر پیش از سر سال به افغانستان بفرستند و خانواده شان مصرف کنند خمس ندارد اما اگر بعد از سر سال بفرستند باید اول خمس آن را حساب کنند.

س : ۷۲۲ - کسی که نهال غرس می کند آیا نهال و نموی آن سال به سال خمس دارد؟

ج : اگر نهال ها با پول مخمس خریده شده باشد خمس ندارد، خمس نموی

نهال ها لازم نیست سال به سال حساب شود بلکه در هنگام استفاده از آن ها حساب شود کافی است.

س : ۷۲۳- چند نفر مستطیع که خمس پول شان را نداده بودند طلبه ای را وکیل کرده بودند که از مجتهدی اجازه بگیرند تا آن ها با پول غیر مخمس به حج بروند و پس از بازگشت خمس آن را حساب کنند اما حاجیان وقتی از حج برگشتند خمس پول شان را حساب نکردند آیا طلبه وکیل مشغول الذمه آنان است؟

ج : چون طلبه وکیل بوده است مشغول الذمه نیست.

س : ۷۲۴- آیا خمس به پول وام با گذشت یک سال تعلق می گیرد؟

ج : خمس به پول وام تعلق نمی گیرد.

س : ۷۲۵- کسی که بچه حیوانی را برای نگهداشت بزرگ می کند خمس چه وقت به آن تعلق می گیرد؟

ج : در هر سال، هر اندازه بزرگ شود خمس دارد. اگر ماده باشد پس از شیردهی از نیازمندی های خانه به حساب می آید خمس ندارد و اگر نر باشد در سر سال خمس دارد اما اگر در بین سال ذبح کند یا بفروشد خمس ندارد.

س : ۷۲۶- کسی مبلغی پول نقد و سر سال دارد اما بدهکاری اش از سرمایه اش بیشتر است آیا خمس به اموالش تعلق می گیرد؟

ج : اگر بدهکاری از مؤونه سالی اخراج شده باشد کسر می شود و اگر از سال های قبل باشد خمس تعلق می گیرد.

س : ۷۲۷- کسی از اهل علم و دارای ده سر عاقله و چند تا فرزند مدرسه ای است که زندگی را با سختی می گذراند مبلغ پولی که دارد برای رهن منزلی داده است آیا به چنین کسی می توان از ثلث سهم امام (ع) داد؟

ج : با اجازه حاکم شرع اشکال ندارد.

س : ۷۲۸- کسی که سر سال خمسی اش نوروز و تاریخ انقضای قولنامه خانه رهنی اش

چند ماه بعد از نوروز است آیا در سر سال خمس به پول رهن تعلق می گیرد، در صورت تعلق خمس پول رهن را چه وقت پرداخت کند و نماز در این خانه چه حکمی دارد؟

ج : خمس پول رهن خانه را هر وقت پول را گرفت پرداخت کند. اگر پول را به عنوان قرض الحسنه به راهن داده باشد نماز اشکالی ندارد اما اگر زندگی و سکونت در خانه در برابر فایده پول حساب شود نماز اشکال دارد.

س : ۷۲۹ - بعضی از کارگران افغانی که در ایران شغل کشاورزی دارند مدت قراردادهایشان هر سال در فصل پاییز تمام می شود و سر سال خمسی شان نوروز است اما پیش از نوروز به عنوان مساعده از کارفرما پول می گیرند آیا خمس به این پول تعلق می گیرد؟

ج : خمس تعلق می گیرد اما می توانند سر سال خمسی خود را پیش از برداشت محصول قرار بدهند تا زیاد بدهکار نشوند.

س : ۷۳۰ - کسی مبلغ هشتصد هزار تومان برای توپ دوزی سرمایه گذاری کرده است و اکنون مبلغ دو میلیون تومان مواد خام دارد برای تخمیس مواد خام را قیمت گذاری کند یا صبر کند تا تبدیل به پول نقد شود؟

ج : اگر سر سال داشته باشد پول نقدش را به علاوه مواد خام که قیمت گذاری می شود تخمیس کند و خمس آن را پرداخت کند و اگر توان پرداخت یک جایی آن را ندارد با حاکم شرع قسط بندی کند.

س : ۷۳۱ - تعدادی از مهاجرین افغانی در ولایت هرات زمین خریده بودند و تا کنون مبلغ نود و سه هزار تومان (قیمت زمین و مصرف رفت و آمد) مصرف شده است البته معلوم هم نیست که مشتریان بتوانند زمین های خریداری شده را تصاحب کنند اولاً: خمس به مبلغ یاد شده تعلق می گیرد؟ در صورت تعلق فوراً پرداخت شود یا تا هنگام تصاحب زمین صبر کنند؟ ثانیاً: برخی از مشتریان این زمین ها را

با پول مخمس خریدہ اند آیا اصل زمین ہم خمس دارد؟

ج : اولاً: اگر پول قیمت زمین خمسی بوده است باید فوراً پرداخت شود و اگر از ارباب مکاسب سالی خرید زمین بوده است بعد از تصاحب زمین خمسش را حساب کنند ثانیاً: اگر زمین را با پول مخمس خریدہ باشند اصل زمین خمس ندارد.

س : ۷۳۲ - بعضی ها علاوه بر اخراج خمس کفن، خمس، خمس آن را نیز حساب می کنند آیا جنبه احتیاطی دارد یا استحبابی؟

ج : کسی که سر سال دارد اخراج خمس کفن واجب نیست و اگر ندارد اخراج خمس کفن احوط است.

س : ۷۳۳ - در برخی از مناطق افغانستان رسم است که دوستان و خویشاوندان در مراسم عروسی یا عزاگوسفندی را به صاحب مراسم پیشکش می کنند آیا خمس به این گوسفند تعلق می گیرد؟

ج : اگر تا سر سال بماند خمس دارد.

س : ۷۳۴ - ضبط صوت، تلویزیون و... که در عصر حاضر جزء لوازم زندگی شده است جزء مؤونه به حساب می آید یا خمس دارد؟

ج : کسی که سر سال دارد اگر لوازم یاد شده را در بین سال بخرد خمس ندارد.

س : ۷۳۵ - کارگران افغانی که در خارج از کشور کار می کنند و سر سال خمسی خانواده شان باسر سال خمسی خودشان تفاوت دارد اگر پول شان در هنگام فرا رسیدن سر سال خمسی خانواده شان در نزد خودشان باشد خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج : اگر پول به مدت یک سال در نزد خودکارگر باشد باید خمس آن را پرداخت کند و بهتر است که سر سال خودکارگر و خانواده اش یکی باشد.

س : ۷۳۶ - کارگری مدتی در نزد کارفرمایی کار می کند و دستمزدش در نزد کارفرما می ماند، کارگر یقین ندارد که پولش گیرش می آید یا نه تا این که سر سال



خمسی اش می رسد آیا به این پول که یک سال از آن گذشته اما در نزد کارفرما است خمس تعلق می گیرد؟

ج : اگر از درآمد بین سال در نزد کارفرما باشد و سال بر آن بگذرد اخراج خمس آن فوراً- واجب نیست بلکه هر وقت از صاحب کارگرفت خمس آن را حساب کند و اگر کارفرما دستمزد کارگر را نداده اما کارگر برای مصرف روزانه خود از کارفرما پول قرض کرده است، قرض را پرداخت و خمس باقی مانده را حساب کند.

س : ۷۳۷- کسی که سر سال خمس ندارد و بدهکار هم است اگر فوت کند پرداخت خمس مقدم است یا بدهکاری؟

ج : پرداخت بدهکاری مقدم است چون حق الناس است مگر اینکه عین متعلق خمس باقی باشد که در این صورت خمس مقدم است.

س : ۷۳۸- اگر میت بدهکار فرزندان صغیر داشته باشد و به مجتهد یا وکیل او دسترسی نباشد وظیفه چیست؟

ج : وصی میت باید بدهکاری های ثابت شده میت را پرداخت کند.

س : ۷۳۹- کسی سر سال داشته است اما سه سال که خمس خود را حساب نکرده است در طول این سه سال دو سال اول را فایده کرده است اما آغاز سال سوم همراه با ضرر و پایان آن را همراه با سود و منفعت بوده است اگر بخواهد خمس خود را حساب کند آیا می تواند ضرر آغاز سال سوم را با منفعت پایان آن سال جبران کند؟

ج : نمی تواند جبران کند، بلکه خمس ارباح سال اول و دوم نیز در ذمه اش باقیست. ارباح سال سوم را تخمیس کند و خمس دو سال گذشته را به مبلغی با حاکم شرع مصالحه کند.

س : ۷۴۰- میتی که اصلاً خمس نداده است یا به صورت ناقص داده است و بدهکار هم است و یک حج واجب هم بر عهده اش مانده است پرداخت کدام

مقدم می شود؟

ج : اگر عین مالی که خمس به آن تعلق گرفته است موجود باشد اول خمس آن پرداخت شود و اگر موجود نیست پرداخت هر کدام (بدهکاری و خمس ) مقدم شود جایز است. درباره حج اگر وصیت به نایب بلدی گرفتن نکرده باشد از اصل ترکه نایب میقاتی گرفته شود کفایت می کند.

س : ۷۴۱- آیا زمین های نوآباد آبی و للمی (دیمی) به عنوان ارباح مکاسب خمس دارد و اگر دارد با توجه به قیمت گران آن چگونه حساب شود؟

ج : زمین های موات اگر احیا شود بعد از کسر مصارف خمس دارد مگر این که مورد نیاز و احتیاج باشد و پرداخت خمس آن موجب عسرو حرج باشد که در این صورت حاکم شرع باوای به مبلغی مصالحه می کند.

س : ۷۴۲- اگر نماینده و وکیل مجتهدی به خاطر بی عدالتی و دنیا دوستی مورد اعتماد نباشد و تنها به خاطر داشتن وکالتنامه می توان وجوه شرعی را به او داد؟

ج : در وکالت عدالت شرط نیست تا وقتی که علم به خیانت پیدا نشود دادن وجوه به نماینده یاد شده جایز است ولی رسید مرجع تقلید را باید از او مطالبه کرد.

س : ۷۴۳- به طلاب مدرسی که چندان اعتنایی به تقوا و درس و بحث ندارند تنها به خاطر داشتن وکالتنامه مدرسی چنین مدرسی، می توان خمس را به آنان داد؟

ج : بله، اگر وکیل مورد اطمینان باشد، خمس را بدهد رسید مرجع را مطالبه کند.

س : ۷۴۴- کسی خانه ای را می خرد آیا این خانه خمس دارد؟

ج : اگر خانه مورد نیاز و از درآمد بین سال خرید شده باشد خمس ندارد اما اگر با پول غیر مخمس خریداری شده باشد قیمت خانه خمس دارد.

س : ۷۴۵- همه لوازم خانه کسی مبلغ هفتصد هزار تومان قیمت گذاری شده است آیا

همه لوازم خمس دارد؟

ج : اگر با پول مخمس و یا به ارباب بین سال، خریده شده باشد خمس ندارد و اگر با پول غیر مخمس خریده شده باشد خمس دارد و اگر شک دارد باید با حاکم شرع مصالحه شود.

س : ۷۴۶- اهالی بعضی از قریه ها به خاطر ضرورت، یک باب مهمانخانه مشترک می سازند آیا از وجوه شرعی در ساختن آن استفاده می شود؟

ج : از زکات، فطره و صدقات مستحبی استفاده شود اشکالی ندارد.

س : ۷۴۷- کسی که سر سال ندارد اگر از درآمد بین سال لوازم زندگی برای خود بخرد بعد از یک سال خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج : خمس تعلق نمی گیرد اگر چند بعد از آن سر سال برای خود تعیین کند.

س : ۷۴۸- کسی چند رأس گاو و گوسفند مورد نیاز دارد آیا خمس به آن ها تعلق می گیرد؟

ج : اگر در بره گی و گوسالگی خمس آن ها را حساب کرده باشد بعد از آن که شیرده شد خمس ندارد.

س : ۷۴۹- بعد از انقلاب افغانستان کسانی که وکیل نبودند برای مردم سال خمسی تعیین می کردند و وجوه شرعی را به دلخواه شان مصرف می کردند آیا کسانی که وجوه شرعی از آنها گرفته شده است بری الذمه شده اند؟

ج : اگر برای فقراء، محرومان و طلاب علوم دینی مصرف شده باشد کفایت می کند و اما اگر در جنگ های داخلی مصرف شده باشد موجب برائت ذمه نمی شود و هرکسی که وجوه را جمع کرده است ضامن است.

س : ۷۵۰- کسانی که وکیل از طرف امام خمینی، آیت ا...خویی، گلپایگانی و اراکی (رحمهم الله) بودند حتی بعد از فوت مراجع تقلید یاد شده هم وجوه شرعی را از مردم جمع می کردند حالا وظیفه گیرندگان و دهندگان چیست؟

ج : گیرندگان وجوه شرعی باید کاغذ رسید از مجتهد زنده به دهندگان وجوه بدهند.

س : ۷۵۱ - طلابی که در روستاها و دهات خدمت می کنند می توانند از وجوه شرعی استفا ده کنند؟

ج : از خمس با اجازه مجتهد و از زکات در صورت استحقاق می توانند استفاده کنند.

س : ۷۵۲ - در صورتی که قحطی شدید جان مردم را در مناطق مرکزی تهدید می کند آیا وجوه شرعی را می توان به فقرا داد؟

ج : مردم مومن اجازه دارند که برای حفظ جان فقرا وجوه شرعی را مطلقاً به فقرا بدهند.

س : ۷۵۳ - اگر کسی چیزی را با پول غیر مخمس بخرد نماز با آن جایز است؟

ج : اگر با همین پول غیر مخمس خریداری کرده باشد نماز با آن جایز نیست اما اگر به ذمه خریده باشد و قیمت آن از پول غیر مخمس پرداخت کند نماز جایز است اما از خمس بدهکار است.

س : ۷۵۴ - کسی هشت سال پیش خمس خود را حساب کرده و مبلغ پنجاه هزار افغانی از سهمین بدهکار شده اما تاکنون نداده است با توجه به این که در طول مدت هشت سال ارزش پول افغانی کاهش یافته است به گونه ای که در زمان حساب کردن خمس با پنجاه هزار افغانی بیست و پنج سیرگندم خریداری می شد اما اکنون قیمت یک سیرگندم پنجاه هزار افغانی است وظیفه اش چیست؟

ج : باید به اندازه و ارزش پول هشت سال پیش پرداخت شود یعنی بیست و پنج سیرگندم یا قیمت آن و به خاطر تاخیر در پرداخت باید در پیشگاه خداوند توبه کند.

س : ۷۵۵ - مراجع محترم تقلید فتوا داده اند که خمس هر چیزی از خود همان چیز

پرداخت شود و یا قیمت آن پرداخت شود با توجه به این مسأله اگر کسی از خود جنس مخمس یا قیمت آن را پرداخت نکرد بلکه چیز دیگری که به درد مستحق خمس می خورد پرداخت کرد کفایت می کند؟

ج: اگر پول نقد و یا چیزی که به صلاح و نفع مستحق است پرداخت شود کفایت می کند.

س: ۷۵۶- اگر املاک و اموال ارث به کسی برسد و بداند که مورث خمس آن را نداده است آیا اخراج خمس آن واجب است و بر فرض وجوب قیمت کنونی پرداخت شود یا قیمت زمان خرید از سوی اموات؟

ج: پرداخت خمس آن بنا بر احتیاط واجب است. اگر وارث شک دارد که با پول غیرمخمس خریداری شده یا ازمنافع بین سال و یا با ثمن کلی که با پول غیر مخمس ادا شده است. تخمیس قیمت خرید کفایت می کند.

س: ۷۵۷- اگر کسی حمامی را با پول غیر مخمس بسازد غسل در آن حمام جایز است؟

ج: اگر عین مصالح به ذمه، خریده باشد و یا این که معلوم نباشد که با عین غیر مخمس خریده است یا به ذمه اشکالی ندارد.

س: ۷۵۸- سیدی می خواهد ماشین بخرد اما پول کم دارد مبلغی را از کسی قرض می کند و با آن ماشین می خرد اما بدهکاری اش را نمی تواند بدهد آیا طلبکار می تواند طلبش را خمس حساب کند و یا کس دیگری مبلغی را به عنوان خمس به سید بدهد تا بدهکاری اش را پرداخت کند؟

ج: اگر ماشین مورد نیاز و سازکار با شأن و موقعیتش است پرداخت خمس و یا پرداخت بدهکاری اش به عنوان خمس مانعی ندارد اما اگر ماشین را برای کار و درآمد خریده باشد و یا زاید بر شأنش باشد پرداخت خمس جایز نیست.

س: ۷۵۹- کسی که خمس و زکات نمی دهد، ربا و رشوه می خورد، تصرف در اموال او

- به عنوان مهمان و... جایز است؟ و همچنین اگر همین آدم روضه خوانی برگزار کند و صدقات مندوبه بدهد فایده ای به حالش دارد؟
- ج : اگر مهمان و... علم به غصب اموال میزبان داشته باشد تصرف جایز نیست و اگر شک داشته باشد جایز است. صدقه و اعمال مستحبی در صورتی پاداش دارد که از مال حلال باشد.
- س : ۷۶۰- کسی یک دست لباس برای پوشیدن خود درست می کند اما اتفاق می افتد که تا پایان سال نپوشد با این که احتیاج به آن دارد، خمس به آن تعلق می گیرد؟
- ج : با فرض این که احتیاج داشته اما نپوشیده است خمس دارد.
- س : ۷۶۱- کسانی که از مراجع تقلید اجازه گرفتن سهم امام (ع) از مردم دارند می توانند مثلاً هزار تومان را با چهارصد تومان مصالحه کنند؟ با این که بد هکار سهم امام (ع) قدرت پرداخت همه آن را دارد.
- ج : با فرض اشتغال ذمه یقینی و توان پرداخت مصالحه با کمتر جایز نیست.
- س : ۷۶۲- کسی که در روستا زندگی می کند اما خانه ای در کابل دارد که دو اتاق آن را برای تابستان خود و بچه هایش که به کابل می رود نگه می دارد و چهار تا اتاق دیگر را اجاره می دهد آیا این خانه خمس دارد؟
- ج : اگر آن دو اتاق مورد احتیاج و سزاوار با شأنش باشد جزء مؤونه به حساب می آید اما چهار تای دیگر خمس دارد.
- س : ۷۶۳- بعضی از روحانیون، پس از حساب خمس اموال مردم، بخشی از خمس را به صاحبان اموال خمس می بخشند مثلاً اگر مبلغ بیست هزار تومان افغانی شده باشد ده هزار آن را می بخشند آیا این نوع خمس حساب کردن موجب برائت ذمه می شود؟
- ج : در موارد یقینی خمس، بخشیدن آن جایز نیست اما در موارد مشکوک،

مجتهد یا کسی که از مجتهد اجازه دارد می تواند با مبلغ کمتری مصالحه کند.

س : ۷۶۴- اگر ورثه بدانند که میراث میت از کسب حرام به دست آمده است وظیفه شان چیست؟

ج : اگر صاحب مال شناخته شود باید به او برگردانند و اگر شناخته نشود با اجازه حاکم شرع رد مطالب بدهند.

س : ۷۶۵- اگر ورثه بدانند که میراث میت از حلال و حرام به دست آمده است وظیفه شان چیست؟

ج : اگر نه صاحب مال شناخته شود و نه مقدار مال، پرداخت خمس اموال مخلوط به حرام واجب است و اگر مخلوط به حرام، ارباح غیر مخمس باشد، باید دو خمس پرداخت شود.

س : ۷۶۶- ارباح مخلوط به حرام چرا دو خمس دارد؟

ج : یک خمس به خاطر اختلاط با مال حرام است و خمس دیگر به خاطر ارباح مکاسب است.

س : ۷۶۷- جهیزیه و لباس های عروس که پدر یا شوهرش برای او تهیه می کندگاهی بدون استفاده تا چند سال می ماند آیا خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج : اگر مورد نیاز نباشد و یا مورد نیاز باشد اما یک سال بدون استفاده بماند، خمس دارد.

س : ۷۶۸- اهالی برخی از مناطق مبلغی را ماهانه برای مصرف کفن و دفن و مجلس ختم اموات شان و یا برای دیگرکارهای خیر جمع آوری و در صندوقی می ریزند آیا خمس به این پول ها تعلق می گیرد؟

ج : اگر از نظر عرف پس گرفتن آن قبیح و زشت باشد جزء مؤونه سال حساب می شود و خمس ندارد و اگر به عنوان امانت باشد و پس گرفتن آن قبیح نباشد و هرکسی که بخواهد پولش را پس بگیرد خمس دارد.

س : ۷۶۹ - کارگری که سر سال خمسی دارد و مبلغی را از کارفرما طلبکار است، سر سال می رسد اما کارفرما، بعد از آن طلب کارگر را می دهد، این پول از منافع سال پیش حساب می شود یا سال بعد؟

ج : اگر کارگر پولش را طلب نکرده است و کارفرما هم حاضر به پرداخت بوده است جزء منافع سال پیش است و پرداخت خمس آن فوراً واجب است و اگر کارگر پولش را طلب کرده و کارفرما حاضر به پرداخت نبوده است جزء منافع سال بعد حساب می شود.

س : ۷۷۰ - اگر کسی، زمینی را برای استفاده در بین سالی بخرد و قیمت آن را بدهد، خمس زمین را در هنگام رسیدن سر سال بدهد یا در هنگام فروش؟

ج : زمین مانند مال التجاره است باید در سر سال خمس آن را پرداخت کند مگر اینکه از حاکم شرع اجازه تاخیر پرداخت خمس تا هنگام فروش زمین را بگیرد.

س : ۷۷۱ - کسی که گوسفند دارد، برای حساب خمس باید آن ها را قیمت گذاری کند یا از پنج تا یکی را بدهد کافی است؟

ج : قیمت گذاری کند چون گوسفند قیمی است.

س : ۷۷۲ - کسی تار و پود گلیمی را با منافع بین سال می خرد و گلیم هم روی دستگاه بافندگی است و سر سال می رسد آیا خمس به این گلیم نیم بافته مورد نیاز خانه تعلق می گیرد؟

ج : اگر برای فرش خانه باشد خمس ندارد.

س : ۷۷۳ - کسی، باغی را برای مؤونه زندگی اش می خرد تا از میوه آن استفاده کند اما ممکن است در بعضی از سال ها میوه پیش از نیاز شود و آن را بفروشد آیا این باغ باز هم جزء مؤونه به حساب می آید؟

ج : خمس ندارد اما میوه مازاد بر مصرف اگر یک سال بماند یا میوه ای را که می فروشد قیمت آن یک سال در نزد صاحب باغ بماند خمس به میوه و قیمت



آن تعلق می گیرد.

س : ۷۷۴ - آیا شغل سلمانی به خاطر تراشیدن ریش مشتری حرام است و درآمدی که از این شغل به دست می آید خمس می دارد؟

ج : شغل سلمانی حرام نیست بلکه تراشیدن ریش حرام است و پولی که از طریق تراشیدن ریش به دست می آید حرام است باید به صاحبش بازگردانده شود. اگر صاحب آن معلوم نباشد اما مبلغ پول معلوم باشد باید با اجازه حاکم شرع صدقه بدهد. اگر صاحب و مبلغ پول معلوم نباشد و با پول حلال مخلوط شده باشد و از ارباح سال هم باشد دو خمس دارد یکی برای اختلاط با حرام دیگری برای ارباح مکاسب.

س : ۷۷۵ - کسی که پیرو یکی از مذاهب اهل تسنن بوده است و سرمایه ای از راه حلال به دست آورده است اما اکنون به مذهب تشیع گرویده است باید خمس آن سرمایه و دارایی اش را بدهد؟

ج : بله، باید پرداخت کند.

س : ۷۷۶ - کسی که چند تا از اتاق های خانه اش را اجاره می دهد و در چند تای دیگر آن خودش زندگی می کند اتاق های اجاره ای آن خمس دارد؟

ج : اگر شأن و موقعیت اجتماعی او ایجاب می کند که چنین خانه ای داشته باشد و اتاق های اجاره داده شده هم مورد نیاز اوست خمس ندارد. وگرنه دارد.

س : ۷۷۷ - در صورتی که همین اتاق های یاد شده خمس داشته باشد تنها خمس اتاق های اجاره داده شده را حساب کند یا به اندازه اتاق ها از قیمت حیاط، حوض، برق و... خمس حساب کند؟

ج : نسبت به همه لوازم باید خمس حساب کند.

س : ۷۷۸ - کسی چند تخته فرش مورد نیاز خود را می فروشد و با قیمت آن زمینی را برای ساختن دکان برای کسب و کار می خرد. دکان را می سازد و مبلغی پول غیر

از قیمت فرش مصرف می شود آیا به پول های یاد شده خمس تعلق می گیرد؟

ج : قیمت فرش ها خمس ندارد اما پول های دیگری که برای ساختن دکان مصرف شده است اگر از منافع آماده شده باشد خمس دارد.

س : ۷۷۹ - کسی پیش از رسیدن سر سال خمسی اش، چیزی را ((به ذمه)) می خرد و پس از گذشت سر سال قیمت آن را پرداخت می کند آیا چنین جنسی خمس دارد؟

ج : تا قیمت آن جنس را پرداخت نکرده است خمس تعلق نمی گیرد مگر این که مال التجاره باشد و قیمت آن در سر سال زیاد شده باشد و یا این که آن جنس از ارباب سال جدید باشد و تا سر سال بعدی درمؤونه مصرف نشود در این صورت خمس دارد.

س : ۷۸۰ - کسی از سهم امام (ع) و سهم سادات خانه، حمام و دکان می خرد و وقف مسجد می کند آیا سکونت در آن خانه و غسل در آن جایز است؟

ج : اگر حاکم شرع معامله را اجازه و امضا کرده باشد اشکالی ندارد.

س : ۷۸۱ - برخی از مردم در فصل بهار درختکاری می کنند بدون این که مورد نیاز یا قصد فروش داشته باشند بلکه تنها کسب منفعت را در نظر دارند اما ریشه نهال ها بزرگ می شود یا آن ها را می فروشند و یا این که در در و پنجره از آنها استفاده می کنند آیا درخت های یاد شده خمس دارند؟

ج : اگر خمس نهال ها حساب شده باشد نموی آن در هر سال خمس دارد که پرداخت خمس آن دو راه دارد: ۱- نموی درخت ها هر سال قیمت گذاری و خمس آن حساب شود. ۲- بعد از آن که درخت ها را برای فروش یا ساختن در و پنجره قطع کردند خمس نمو را حساب کنند.

س : ۷۸۲ - کسی با پول منافع بین سال رخت و پارچه می خرد وقتی که سر سال خمسی اش می رسد این پارچه ها سه حالت دارد.

۱- برخی از این پارچه ها را لباس دوخته است اما نپوشیده است.

۲- بخشی از پارچه ها را خیاط بریده است اما هنوز ندوخته است.

۳- بخش دیگری هنوز دست نخورده در نزد خیاط مانده است. آیا خمس به همه این پارچه ها تعلق می گیرد؟

ج : اگر لباس دوخته شده مورد نیاز باشد خمس به لباس های دوخته شده و پارچه های بریده شده تعلق نمی گیرد مگر این که تا سال آینده بدون استفاده بماند اما پارچه هایی که در نزد خیاط دست نخورده مانده است خمس دارد.

س : ۷۸۳ - رسم است که کسی از سفر یا زیارت بر می گردد یا عروسی می کند یک قواره پارچه لباس به دوستان و خویشاوندان خود به عنوان تحفه و سوغات می دهد اگر همین پارچه ها در خانه صاحبش تا سر سال بماند خمس دارد؟

ج : اگر یک سال بگذرد و به دوستان و خویشاوندان خود تسلیم نکند خمس دارد اما اگر پیش از رسیدن سر سال به دوستان و خویشاوندان خود به عنوان سوغات تسلیم کرد خمس ندارد.

س : ۷۸۴ - پدر دامادی برای عیدی نامزد فرزندش یک قواره پارچه می خرد. پارچه یاد شده تا هنگام سر سال خمسی پرداماد درخانه اش می ماند. اگر این پارچه را از منافع بین سال یا با پول مخمس خریده باشد حکم خمسش تفاوت می کند؟

ج : اگر پارچه از منافع بین سال خریده باشد و تا سر سال بماند خمس دارد اما اگر با پول مخمس خریده باشد خمس ندارد.

س : ۷۸۵ - کسی پیش از رسیدن سر سالش، گوسفندی را می خرد که برای زمستان چاق کند و از گوشتش استفاده کند در سر سال این گوسفند اگر از منافع بین سال یا با پول مخمس خریده شده باشد خودگوسفند و نموی آن خمس دارد؟

ج : اگر از درآمد بین سال خریده شده باشد قیمت فعلی گوسفند خمس دارد نه قیمت خرید اما اگر با پول مخمس خریداری شده باشد تنها اضافی قیمت

آن خمس دارد نه اصل قیمت.

س : ۷۸۶- کسی خمس بره و بزغاله اش را حساب می کند و بعد از آن آنها را نگهداری می کند تا از پشم و زاد و ولد و از منافع آنها استفاده کند اگر آنها را به خاطر نیازمندی یا عدم نیازمندی فروخت تفاوت قیمت آنها خمس دارد. اگر خمس دارد فوراً حساب شود یا تا سر سال بماند؟

ج : بره، بزغاله و گوساله ای که خمس آنها پرداخت شده است اگر پیش از رسیدن سر سال آینده در مؤونه مصرف شود خمس ندارد و اگر تا سر سال آینده بماند و رشد و نمو و اضافه قیمت پیدا کند خمس ندارد مگر این که فروخته شود و قیمت آنها تا سر سال آینده بماند در این صورت رشد و نمو و اضافه قیمت خمس دارد.

س : ۷۸۷- اگر بره نرگوسفند مورد نیاز باشد و خمسش حساب شود در سال های بعد هم خمس دارد؟

ج : ترقی و نموی آن در پایان هر سال خمس دارد.

س : ۷۸۸- اگر در سال اول خمس درخت میوه دار و غیر آن داده شود در سال های بعد هم خمس دارد؟

ج : اگر درختان میوه مورد نیاز باشد تا وقتی که میوه نمی دهد ترقی آن در هر سال خمس ندارد. رشد و نموی درختان غیر میوه در هر سال خمس دارد.

س : ۷۸۹- کسی در ایران کار می کند و پولش را برای برادرش در افغانستان می فرستد که با آن زندگی مشترک دارد صاحب اختیار هم برادری است که در افغانستان است آیا این پولی ها خمس دارد؟

ج : اگر پول تا یک سال در نزد خودکارگر باشد خمس دارد اما اگر پیش از رسیدن سر سال برای برادرش بفرستد و او هم پیش از رسیدن سر سال خودش مصرف کند خمس ندارد اما اگر تا سر سال برادر مقیم افغانستان مصرف نشود

خمس دارد.

س : ۷۹۰- اگر کسی خانه ای را برای اجاره دادن بخرد، قیمت آن و ترقی قیمت آن خمس دارد؟

ج : اگر با پول غیر مخمس خریده شده باشد قیمت و ترقی آن خمس دارد و باید فوراً حساب کند اما اگر با پول مخمس خریده شده باشد قیمت خانه خمس ندارد اما ترقی و اضافی قیمت بعد از فروش خانه خمس دارد و اگر از درآمد بین سال خریده شده باشد در پایان سال قیمت گذاری و خمس آن حساب شود.

س : ۷۹۱- اموالی را که کودکان در سن صغارت مالک می شوند بعد از بلوغ خمس دارد؟

ج : اخراج خمس آن اموال بعد از بلوغ کودک واجب نیست.

س : ۷۹۲- جهیزیه ای را که تدریجاً برای دختر نابالغش می خرد و هدیه می کند اگر دختر بالغ شد خمس آن را باید بدهد؟

ج : اگر مناسب شأن و موقعیت دختر باشد بعد از بلوغ دختر خمس ندارد.

س : ۷۹۳- اگر خمس، زکات و رد مظالم از مؤونه سال مستحق امانه شود خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج : اگر منظور از خمس، سهم سادات باشد خمس به آنها تعلق می گیرد.

س : ۷۹۴- اگر پدر از درآمد بین سال خود جهیزیه مورد نیاز دخترش را خرید اما تا سر سال بدون استفاده ماند خمس تعلق می گیرد؟

ج : پرداخت خمس آن احوط است.

س : ۷۹۵- کسی خانه یا زمینی را با این هدف می خرد که خانه را اجاره بدهد و زمین را بسازد و بفروشد آیا بعد از گذشت یک سال خانه، زمین و اضافه قیمت آن خمس دارد؟

ج : اگر خانه و زمین با پول مخمس خریده شده باشد خمس ندارد. اگر از درآمد بین سال خریده شده باشد در پایان سال خمس را پرداخت کند. اگر با پول

غیر مخمس خرید شده باشد خمس قیمت خانه را پرداخت کند. پرداخت خمس ترقی و اضافه قیمت را بعد از فروش خانه و زمین پرداخت کند.

س : ۷۹۶ - اگر کسی بخواهد بدهکاری خود را از درآمد بین سال پرداخت کند می تواند پیش از پرداخت خمس درآمد، بدهکاری خود را پرداخت کند؟

ج : اگر بدهکاری از سال های قبل یا سال جاری باشد تخمیس درآمد واجب نیست زیرا ادای دین جزء مؤونه به حساب می آید. اما اگر بدهکاری سال های قبل را تا رسیدن سر سال به تاخیر اندازد نخست خمس را حساب بعد از آن بدهکاری را پرداخت کند.

س : ۷۹۷ - کسی کارش چاه کنی بوده است. اگر هفت متر چاه می کنده هشت متر به صاحب کارش می گفته و پول هشت متر را می گرفته است اما اکنون پشیمان شده است و دسترسی به صاحب کارش هم ندارد که او را راضی کند اگر خمس پول را بدهد بری الذمه خواهد شد؟

ج : این مسأله چهار صورت دارد: ۱- اگر عین پول موجود و صاحب کار در دسترس است باید برگرداند. ۲- اگر نه عین پول موجود و نه صاحب کار در دسترس است باید به خاطر اختلاط پول حلال با حرام خمس آن را بدهد. ۳- اگر عین پول موجود اما صاحب کار در دسترس نیست باید عین را به حاکم شرع بدهد. ۴- اگر عین موجود نیست اما صاحب کار در دسترس است باید او را راضی کند.

س : ۷۹۸ - کسی که فرزندان کوچک و بزرگ دارد از دنیا می رود فرزندانش می داند که پدرشان خمس مالش را نمی داده است آیا ورثه خمس میراث را از اصل ترکه میت جدا کند یا هرکس خمس سهمیه خود از میراث را پرداخت کند؟

ج : اگر اموال میت، خمس آن را کفایت می کند. ورثه آن مقداری را که

یقین دارند خمس در ذمه پدرشان است از اصل ترکه جدا کنند. اعیان موجوده متعلق خمس به خاطر شمول اخبارتحلیل، تخمیس آن بر ورثه واجب نیست.

س : ۷۹۹ - در بعضی مناطق از کود حیوانی برای سوخت استفاده می شود اگر این کود در هنگام رسیدن سر سال تر و غیر قابل استفاده باشد و تا سر سال آینده مصرف و تمام شود، خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج : اگر کود حیوانی در هنگام سر سال تر است و عرفا مالیت دارد با همان حالی قیمت گذاری و خمس آن پرداخت شود و اگر عرفا مالیت ندارد خمس هم ندارد.

س : ۸۰۰ - اگر جنسی (به ذمه) خریده شود و قیمت آن با پولی که سال بر آن گذشته است پرداخت شود آیا تصرف در آن جنس جایز است؟

ج : تصرف جایز و تخمیس قیمت خرید واجب است.

س : ۸۰۱ - اگر کسی از درآمد بین سال برای خود کفن بخرد و پیش از رسیدن سر سال از دنیا برود پرداخت خمس کفن واجب است؟  
ج : واجب نیست.

س : ۸۰۲ - آیا به پولی که خمس تعلق گرفته است می توان آن را به دیگری قرض داد و تصرف کرد؟

ج : تصرف در پول متعلق خمس جایز نیست.

س : ۸۰۳ - اگر پول متعلق خمس، حواله شود یا قرض داده شود که دوباره گیر نیاید آیا پرداخت خمس آن واجب است؟

ج : اگر خمس به پولی یاد شده تعلق گرفته باشد و صاحب پول در تخمیس آن کوتاهی کرده باشد پرداخت خمس آن واجب است اما اگر همین پول از ارباح بین سال بوده باشد که خمس به آن تعلق نگرفته است، خمس آن به گردن صاحبش واجب نیست.

س : ۸۰۴- کسی که پیش از ازدواج پولش را در اختیار پدرش قرار می دهد آیا پدر می تواند بدون اجازه فرزند خمس آن را حساب کند؟

ج : می تواند خمس آن را حساب کند مگر این که فرزند منع کند.

س : ۸۰۵- کسی که ماده گاوی را برای شیردهی از درآمد بین سال می خرد گاو یاد شده در هنگام رسیدن سر سال خمسی شیرده نیست اما آبستن است و پس از گذشت یک ماه از سر سال، گوساله ای به دنیا می آورد و شیرده می شود، آیا این گاو با این وصف خمس دارد؟

ج : اگر چند که در هنگام سر سال خمس قابل استفاده نیست اما چون شئوون خریدار ایجاب می کند که گاو شیرده داشته باشد، خمس ندارد.

س : ۸۰۶- کسی که نیاز به لباس و فرش دارد اما پشم گوسفندانش در یک سال کفایت نمی کند برای همین پشم گوسفند را چند سال جمع می کند تا فرشی ببافد و لباسی درست کند آیا پشم های یاد شده در سر سال خمس دارد؟

ج : بله، خمس دارد.

س : ۸۰۷- کارگری که در ایران کار می کند می تواند خمس خود را مطابق سر سالی که خانواده اش در افغانستان دارد حساب کند؟

ج : بله.

س : ۸۰۸- طلای مسکوکی که به عنوان زینت آلات استفاده می شود خمس دارد؟

ج : مستحب است که بعد از رفع نیاز خمس آن داده شود اما واجب نیست زیرا در زمانی مورد ضرورت بوده است.

س : ۸۰۹- آیا طلای مسکوک زکات دارد؟

ج : نه خیر، زیرا طلای مسکوک وقتی زکات دارد که مانند پول رایج امروز باشد.

س : ۸۱۰- کسی که شغل مجسمه سازی دارد و حدود هفتصد هزار تومان خمس درآمد آن شده است اما مجسمه ها تاکنون فروخته نشده است و قیمت آن هم تنزل کرده است آیا



قیمت زمان حساب خمس را پرداخت کند یا قیمت مجسمه ها را که اکنون تنزل کرده است؟

ج : اگر سنگ ها مالیت دارد می تواند یک پنجم آن را به عنوان خمس پرداخت کند و یا قیمت آن را فرق نمی کند که قیمت آن پایین آمده باشد یا گران شده باشد.

س : ۸۱۱- کسی که در افغانستان است و نیاز شدید به پول دارد اما در ایران مال و سرمایه دارد ولی دسترسی به آن ندارد آیا می تواند از وجوه شرعی (حق ابن سبیل ) مصرف عائله اش بکند؟

ج : اگر تا یک سال سرمایه و پول خودش به دستش می رسد و قرض گرفتن هم برایش ممکن باشد مستحق وجوه شرعی (حق ابن سبیل ) نیست.

س : ۸۱۲ - کسی که خمس مال خود را نمی دهد زن و بچه هایش که از آن مال مصرف می کنند بر آنها واجب است که خمس مصارف خود را حساب کند؟

ج : واجب نیست.

س : ۸۱۳ - کسی که خانه ای را با پول مخمس می خرد تا یک سال در آن سکونت نمی کند بعد از گذشت سال خمس به آن خانه تعلق می گیرد واگر بین سال خانه را بفروشد.خمس به قیمت آن تعلق می گیرد؟

ج : تنها به ترقی و تفاوت قیمت خانه خمس تعلق می گیرد البته در صورتی که ما به التفاوت یاد شده در بین سال مصرف نشود.

س : ۸۱۴- اگر ورثه یقین دارد که مورث خمس نمی داده است خمس ترکه بر ورثه واجب است؟

ج : اگر خمس به عین اموال میراث تعلق گرفته است احوط این است که ورثه کبیر خمس آن را حساب کند اما اگر مورث از خمس بدهکار بوده است باید نخست خمس اموال مورث را حساب کند بعد از آن میراث را در بین خود تقسیم کنند.

س : ۸۱۵- اگر مورث مالی هم ندارد و در عین حال به ورثه وصیت می کند که فلان مبلغ به عنوان خمس پرداخت کنند آیا عمل به این وصیت واجب است؟

ج : واجب نیست.

س : ۸۱۶- اگر با پولی که هنوز خمس به آن تعلق نگرفته است گندم و برنج خریده شود برای گندم و برنج سال خمس جداگانه در نظر گرفته می شود یا با سال پول و قیمت گندم و برنج حساب می شود؟

ج : سال گندم و برنج همان سال قیمت و پول آن است.

س : ۸۱۷- لوازم التحریر یا کتابی که از طرف برخی از مؤسسه ها داده می شود خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج : اگر در طول سال مصرف و استفاده نشود خمس دارد.

س : ۸۱۸- اگر طلبه ای که از وجوهات استفاده می کند به جای اتوبوس از تاکسی و به جای خمیر دندان و صابون ایرانی از خمیر دندان و صابون خارجی استفاده کند جایز است؟

ج : اگر زاید بر شئونات باشد اشکال دارد

س : ۸۱۹- خانه ای که با دو میلیون ساخته شده است که یک میلیون آن از درآمد بین سال و یک میلیون آن پول قرض بوده است و پیش از یکی سال از خانه استفاده هم نشده است، خمس یک میلیون آن واجب است یا دومیلیون؟

ج : اگر خانه دو میلیون ارزش دارد خمس قیمت یک میلیون (درآمد سال) واجب است.

س : ۸۲۰- کسی که مادر بزرگ مادری اش سیده باشد نوه اش هم سید به حساب می آید؟

ج : سیادت از ناحیه پدر تحقق پیدا می کند نه از ناحیه مادر.

س : ۸۲۱- لوازم و مایحتاج خانه از درآمد بین سال خریده شده است بعد از رفع نیاز آیا خمس به آنها تعلق می گیرد یا نه؟

ج : خمس تعلق نمی گیرد.

س : ۸۲۲- در بعضی از مناطق رسم است که وقتی کسی فوت می کند، مردم قریه و آشنایان هرکس در حد وسع و توانایی خود پول نقد و یا جنس روی تابوت می اندازند، این پول ها مال ورثه است یا باید برای میت مصرف شود و آیا خمس دارد و از همین پول ها می شود خمس کفن را داد؟

ج : تابع قصد پول دهندگان است، ظاهراً قصد آنها این است که در امور خیریه مانند ختم قرآن کریم و غیره برای میت مصرف شود، این پول ها خمس ندارد و خمس کفن را نیز از آن ندهند.

س : ۸۲۳- شخصی فوت کرده است و سر سال برای محاسبه خمس نیز نداشته است، واجبات دفن و کفن او خمس دارد؟

ج : اگر یک سال بر پول ها گذشته باشد خمس دارد و قبل از اخراج خمس نباید از آن پول ها در انجام واجبات میت مصرف شود و اگر از درآمد بین سال میت باشد خمس ندارد.

س : ۸۲۴- پارچه کفن، خلعتی و برد یمانی که از درآمد بین سال خریداری شده است و چند سال نیز از آن می گذرد، خمس دارد؟

ج : در فرض سوال خمس آن باید داده شود.

س : ۸۲۵- مصارف واجبات میت مانند کفن و دفن و غیره که از اصل ترکه میت جدا می شود خمس دارد؟

ج : اگر از درآمد بین سال میت مصرف شود خمس ندارد.

## احکام زکات

س: ۸۲۶- آیا زکات برای ساختن پل، مدرسه و کسی که مخارج سالانه خانواده اش را ندارد پرداخت می شود؟

ج: زکات کسی که فقیر است به خودش نمی رسد اما برای ساختن پل، مدرسه و فقرا مصرف می شود در شرایطی که قحطی و خشک سالی می باشد فقرا بر ساختن مدرسه و پل مقدم است.

س: ۸۲۷- مالک در اموال زکاتی خود می تواند تصرف کند؟

ج: پیش از پرداخت زکات در همه اموال نمی تواند تصرف کند اما در مقدار زاید بر زکات تصرف اشکال ندارد.

س: ۸۲۸- پیش از درو و برداشت گندم، و جو، مالی آن از دنیا می رود اما از او چند فرزند می ماند که مجموع گندم یا جو اگر برای آنان تقسیم شود به حد نصاب زکات نمی رسد با توجه به این مسأله زکات گندم و جو یاد شده واجب است پرداخت شود؟

ج: زکات به جو و گندم وقتی تعلق می گیرد که - عرفا - به آن ها جو و گندم گفته شود اگر در این هنگام مالی آن از دنیا برود زکات بر او واجب است و اگر پیش از آن از دنیا برود و گندم و جو در میان فرزندان (ورثه) او تقسیم شود و سهم آنان به حد نصاب نرسد زکات واجب نیست.

س: ۸۲۹- آیا پدر می تواند زکات اموال خود را به فرزند فقیر و بدهکار خود بدهد؟

ج: پدر نمی تواند زکات خود را به فرزند خود بدهد اما می تواند از زکاتش بدهکاری او را پرداخت کند.

س: ۸۳۰- شخصی دو همسر و دو قطعه زمین در دو قریه دارد به محصول هر قطعه

زمین زکات تعلق نمی گیرد اما به محصول هر دو قطعه زمین که در دو قریه است زکات تعلق می گیرد آیا پرداخت زکات واجب است؟

ج : بله، چون به مجموع محصولات زکات تعلق می گیرد.

س : ۸۳۱- اگر به جو و گندم زکات تعلق بگیرد، مالک آن به جای جو و گندم قیمت آن را به مستحق بدهد یا جنس دیگری غیر از جو گندم بدهد کفایت می کند؟

ج : اشکالی ندارد، کفایت می کند.

س : ۸۳۲ - کسی مقدار صد کیلوگندم متعلق زکات را از دیگری می خرد آیا این معامله صحیح است، زکات آن به کردن بایع است یا مشتری؟

ج : صحت معامله نیاز به اجازه حاکم شرع دارد اگر حاکم شرع اجازه ندهد معامله نسبت به مقدار زکات باطل است. اگر حاکم شرع اجازه بدهد، مشتری قیمت مقدار زکات را باید به حاکم شرع بدهد و اگر به بایع داده باشد می تواند پس بگیرد و به حاکم شرع بدهد.

س : ۸۳۳- اگر کسی ادعا کند که فقیر است پرداخت زکات به او جایز است؟ و اگر فقیر نبوده باشد، موجب برائت ذمه می شود؟

ج : کسی که پیش از این فقیر نبوده است با ادعای او، فقرش ثابت نمی شود مگر این که از گفتار او اطمینان حاصل شود. اگر انسان ندانند که کسی که ادعای فقر می کند پیش از این هم فقیر بوده است یا نه در این صورت موجب برائت ذمه می شود.

س : ۸۳۴ - اگر زن ناشزه باشد و نفقه او بر شوهر واجب نباشد شوهر می تواند زکات اموالش را به او بدهد؟

ج : زن ناشزه مستحق زکات نیست، زیرا قدرت دارد تمکین نموده نفقه از شوهر بگیرد.

س : ۸۳۵- پرداخت زکات به عنوان سهم (فی سبیل ...)، و ((ابن سبیل)) از غیر سید به سید، جایز است؟

ج : پرداخت زکات از غیر هاشمی به هاشمی جایز نیست.

س : ۸۳۶- مالک می تواند زکات اموالش را جدا و در غیر آن تصرف کند؟

ج : بله، می تواند تصرف کند.

س : ۸۳۷- حد نصاب زکات گندم و ((جومویه)) که خوراک حیوانات است چه مقدار است؟

ج : اگر گندم یا جومویه تقریباً مقدار ۸۲۷ کیلو باشد زکات به آن تعلق می گیرد و اگر آبیاری توسط دلو یا موتور از چاه باشد از بیست کیلو، یک کیلو زکات حساب می شود و اگر از آب جاری و باران باشد از ده کیلو، یک کیلو زکات داده می شود.

س : ۸۳۸- کسی که زکات محصول خود را حساب می کند می تواند مصارف تخم، شخم و...را کسر کند؟

ج : مصارف تخم و شخم و...که قبل از تعلق زکات کرده است کسر نمی شود.

س : ۸۳۹- آیا بچه های فرهنگی برای ادامه تحصیل می توانند از زکات مصرف کنند؟

ج : اگر فقیر باشند اشکالی ندارد.

س : ۸۴۰- در مناطقی که مردم در نهایت محرومیت فرهنگی به سر می برند از وجوه شرعی می توان مدرسه و مکتب درست کرد؟

ج : ساختن مدرسه و مکتب از زکات اشکالی ندارد اما فقرا مقدم تر است.

س : ۸۴۱- کسی می تواند زکات اموالش را برای عروسی فرزند فقیرش مصرف کند؟

ج : اگر قدرت ندارد که با اموال شخصی خود برای فرزندش زن بگیرد می تواند از زکات مصرف کند.

س : ۸۴۲- کسی که هیچ درآمدی ندارد خودش در خارج از کشور درس می خواند و همسر و فرزندانش که در داخل است نفقه خور برادرانش است آیا این شخص

می تواند از سهم امام و زکات برادرانش مصرف کند؟

ج : مصرف از سهم امام (ع) نیاز به اجازه حاکم شرع دارد اما از زکات برادرانش می تواند مصرف کند.

س : ۸۴۳- کسی که تخم و بذر زراعت را با قرض و نسیه فراهم کند زکات به محصول او تعلق می گیرد؟

ج : اگر به حد نصاب زکات برسد تعلق می گیرد.

س : ۸۴۴- کسی زمین هایش را در میان فرزندان تقسیم می کند برخی از فرزندان از پدر جدا زندگی می کنند و برخی دیگر با پدر زندگی می کنند که بعضی از آنها در ایران و بعضی همراه پدر در خانه است آنهایی که با پدر زندگی می کنند اختیار اموال خود را به پدرشان داده اند با توجه به این مسأله، محصولات زمین اگر تقسیم بندی شود برای فرزندان که با پدر زندگی می کنند به حد نصاب نمی رسد اما مجموع آن به حد نصاب می رسد آیا زکات به آن تعلق می گیرد؟

ج : اگر پدر زمین هایش را هبه کرده است و فرزندان هم قبول و قبض و اقباض کرده اند اما تنهاکشت و زراعت زمین آنها با پدرشان است زکات تعلق نمی گیرد اما اگر منظور از تقسیم تنها نامگذاری قطعات زمین به نام فرزندان است و قبض و اقباض صورت نگرفته است، اگر محصول مجموع آن به حد نصاب رسید پرداخت زکات آن واجب است.

س : ۸۴۵- اگر کسی زمین خود را به دیگری به مقدار سیصد سیرگندم اجاره بدهد زکات این سیصد سیر (افغانستان) به عهده مؤجر است یا مستاجر؟

ج : زکات به عهده مستاجر و کشاورز است.

س : ۸۴۶- آیا پدر و برادر می تواند با زکات اموال خود هزینه تحصیل علوم دینی فرزند و برادر خود را فراهم کند. به چه اندازه و با چه شرایط؟

ج : پدر می تواند زکات خود را برای خرید کتاب برای فرزند طلبه اش مصرف کند اما برای خوراک و پوشاکش نمی تواند. اما برادر می تواند زکات اموالش را برای خرید کتاب، خوراک و پوشاک برادر طلبه فقیرش مصرف کند.

س : ۸۴۷- آیا مصرف زکات برای ساختن و مرمت حسینیه جایز است؟

ج : مصرف از سهم فی سبیل ... جایز است.

س : ۸۴۸- آیا مصرف زکات برای بازسازی راهی که مثلاً ده، یا بیست خانواده در آن شریک هستند و راه عام نیست جایز است؟

ج : مصرف نکردن زکات در بازسازی چنین راهی احوط است.

س : ۸۴۹- آیا زکات و مال نذر امام حسین (ع) را می توان برای تعمیر و بازسازی حسینیه مصرف کرد در صورت جواز آیا فرق است میان حسینیه عمومی و حسینیه یک قوم و صنف خاص؟

ج : یکی از موارد مصرف زکات ((فی سبیل ...)) است و می توان آن را برای بازسازی حسینیه مصرف کرد. اگر از نذر قصد خاص مانند غذا دادن به عزاداران امام حسین و... نداشته می توان برای بازسازی حسینیه مصرف کرد.

س : ۸۵۰- اگر مرد ثروتمندی که زکات و خمس خود را پرداخت نمی کرده است از دنیا برود و اموال او بعد از مرگش تلف شود آیا حساب کردن خمس و زکات او بر پسرش که در هنگام مرگ پدر نابالغ بوده است و اکنون بالغ شده است واجب است؟

ج : اگر از پدر برای پسر اموالی نمانده است پسر مکلف به پرداخت خمس و زکات پدر نیست اما اگر از باب احسان به پدر پرداخت کند، پدر بری الذمه خواهد شد.

س : ۸۵۱- دو برادری که زندگی مشترک دارند آیا اگر سهم هر کدام به حد نصاب برسد زکات واجب می شود یا سهم هر دو؟



ج: اگر تقسیمی هر کدام از خرمن به حد نصاب برسد زکات واجب می شود نه مجموع سهم هر دو.

س: ۸۵۲ - کسی که برای فرار از زکات فرزند خود را در بخشی از محصولات کشاورزی شریک می کند در این صورت آیا سهم هر کدام از محصولات کشاورزی به حد نصاب برسد یا مجموع آن تا زکات تعلق بگیرد؟

ج: اگر پدر قسمتی از زمین را به پسرش بخشیده باشد یا در برابر کار و دهقانی پسر بخشی از محصولات را به او داده باشد باید سهم هر کدام از خرمن به حد نصاب برسد تا زکات تعلق بگیرد اما اگر به خاطر فرار از زکات تقسیم کرده باشد، محصولات مال پدر به حساب می آید و اگر به حد نصاب برسد زکات تعلق می گیرد.

س: ۸۵۳ - دو برادری بودند که از دنیا رفته اند، اکنون از یکی از آنها چهار و از دیگری یک فرزند باقی مانده است این عموزادگان زندگی و دخل و خرج مشترک دارند. سهمیه چهار فرزند یکی از برادران به حد نصاب زکات نمی رسد اما سهمیه یک فرزند برادر دیگر به حد زکات می رسد آیا این شخص می تواند زکاتش را به چهار عموزاده اش در صورت فقر بدهد؟

ج: این مسأله دو صورت دارد: ۱- اگر آن چهار تا برادر در مصارف زندگی چهارپنجم و عموزاده اش یک پنجم را عهده دار است می تواند به عموزاده هایش پرداخت کند. ۲- اگر دخل و خرج زندگی کاملاً مشترک است به طوری که اگر این شخص زکات خود را به عموزاده هایش بدهد در نهایت خودش هم بخشی از زکاتش را با عموزاده هایش می خورد جایز نیست.

س: ۸۵۴ - آیا برادر می تواند زکات و رد مظالمش را به برادر فقیرش بدهد؟

ج : زکات را می تواند اما رد مظالم در حکم سهم امام (ع) است و باید با اجازه حاکم شرع مصرف شود.

س : ۸۵۵- حد نصاب زکات در غلات چه اندازه است آیا بذر و تخم کسر می شود؟

ج : حد نصاب زکات یکصد و بیست سیرکابل است بذر را نمی تواند از حاصل کسرکند و سپس ملاحظه نصاب بنماید و احوط پرداخت زکات مجموع است.

س : ۸۵۶- اهالی قریه هایی که در فصل زمستان برای آموزش قرآن به فرزندان خود، طلبه ای را در برابر دستمزدی معین استخدام می کنند در صورت فقر می توانند این دستمزد را از زکات و سهم امام (ع) حساب کنند؟

ج : پرداخت دستمزد معلم قرآن از زکات مال و فطره اشکالی ندارد.

س : ۸۵۷- آیا زکات مال و فطره در امور ((عام المنفعه)) مصرف می شود؟

ج : اگر فقیری نباشد اشکالی ندارد اما اگر فقیری باشد باید بخشی برای او کنارگذاشته شود.

س : ۸۵۸- جمعی از طلاب تصمیم گرفته اند که در منطقه شان کتابخانه و مدرسه ای را بسازند برای این کار صندوقی را تأسیس کرده اند که ماهانه مبلغ معینی را در آن می ریزند و علاوه بر کمی ماهانه طلاب منطقه چند سال است که زکات فطره را هم جمع آوری می کنند حالا سوال این است : اولاً: آیا هیأت امنای صندوق می توانند سرمایه مخلوط به زکات فطره را تا چند سال نگهدارند تا به تدریج به اندازه ساختن مدرسه برسند؟ ثانیاً: آیا هیأت امنای می توانند همین سرمایه مخلوط به زکات فطره را، مضاربه یا اجاره و... بدهند تا سرمایه صندوق افزایش پیدا کند؟

ج : زکات فطره را با وجود مستحق نمی توانند معطل نگهدارند اما بقیه

موجودی صندوق را با رضایت دهندگان کمک می‌توانند هر طور صلاح دیدند مصرف کنند.

س : ۸۵۹ - پیش از درو و برداشت، محصول کشاورزی کسی را سیل، برف یا آفت دیگری نابود می‌کند آیا پرداخت زکات آن واجب است؟

ج : اگر مالک کوتاهی در نگهداری محصول خود نکرده باشد زکات ساقط می‌شود.

س : ۸۶۰ - دهقان و کشاورز از هنگام کاشت محصول تا برداشت آن، وسایل کشاورزی غذا، لباس و... مصرف می‌کند اگر این چیزها از محصولات کشاورزی کسر کند، محصول به حد نصاب نمی‌رسد و اگر کسر نکند به حد نصاب می‌رسد آیا کسر جایز است؟

ج : مصارف کسر نمی‌شود.

س : ۸۶۱ - مصارفی که از هنگام کاشت محصول می‌شود مانند تخم، کود کیمیایی، ادویه دفع آفات، استهلاک ابزار کشاورزی، کرایه گاو برای شخم، کرایه کارگر برای درو و... تا هنگام کوبیدن خرمن آیا از زکات کسر می‌شود؟

ج : مصارف پیش از تعلق گرفتن زکات کسر نمی‌شود اما مصارف بعد از آن مانند کرایه کارگر برای درو، کرایه گاو برای کوبیدن خرمن با اجازه حاکم شرع کسر می‌شود.

س : ۸۶۲ - اهالی بعضی مناطق برای نظافت مساجد و حسینیه کارگری را با دستمزد معین (هر خانه مثلا یک سیرگندم) با مدت معین استخدام می‌کنند آیا دستمزد کارگر مسجد را که فقیر هم نیست می‌توان از سهم فی سبیل ا... زکات داد؟

ج : از سهم فی سبیل ا... زکات اشکالی ندارد.

س : ۸۶۳ - اگر در زمین کشاورزی به جای گندم ((جودر)) چیزی مانند گندم بروید

حکم گندم را دارد در حد نصاب زکات؟

ج : اگر گندم یا جو گفته شود زکات دارد اما اگر جو و گندم صدق نکند زکات ندارد.

س : ۸۶۴- اگر کسی زمینش را اجاره یا نصفه کاری بدهد زکات به آن تعلق می گیرد؟

ج : در ((مال الاجاره)) زکات تعلق نمی گیرد اما در نصفه کاری اگر به حد نصاب برسد زکات تعلق می گیرد.

س : ۸۶۵- اگر کسی زمینی را اجاره کند پرداخت زکات همه حاصلات زمین بر مستأجر واجب است یا حق اجاره مالک کسر می شود؟

ج : اجاره به حاصلات خود زمین مستأجر درست نیست باید به گندم دیگری اجاره کند در این صورت پرداخت زکات همه حاصلات بر مستأجر واجب است حق اجاره مالک کسر نمی شود.

س : ۸۶۶- کسی تازه به بلوغ می رسد و محصولات کشاورزی او هم به حد نصاب می رسد اما نمی داند که پیش از تعلق زکات به محصولات بالغ شده است یا بعد از آن. آیا پرداخت زکات واجب است بر او؟

ج : در این صورت پرداخت زکات واجب نیست.

س : ۸۶۷- آیا زکات به ((ذوی الارحام)) فقیر پرداخت می شود. اگر این ذوی الارحام واجب النفقه باشد چه حکمی دارد؟

ج : پرداخت زکات به ذوی الارحامی که واجب النفقه نیست اولویت دارد، زکات به واجب النفقه پرداخت نمی شود.

س : ۸۶۸- اگر کسی ابزار و وسایل کارش را بفروشد مؤونه سالش تأمین می شود و اگر بفروشد تأمین نمی شود آیا چنین کسی مستحق زکات است؟

ج : بله، فقیر به حساب می آید.

س : ۸۶۹- کسی از دیگری طلب دارد، بدهکار از دنیا می رود آیا طلبکار می تواند طلبش را به جای زکات حساب کند؟

ج : اگر ماترک بدهکار، بدهکاری اش را کفایت نکند می تواند طلبش را زکات حساب کند.

س : ۸۷۰- اگر کسی نداند که آنچه را که در اختیار دارد مؤونه سالش را کفایت می کند یا نمی کند مستحق زکات است؟

ج : اگر آنچه را که قبلاً در اختیار داشته است و کفایت مؤونه نمی کرده است و حالاً که مقداری اضافه شده است باز هم شک دارد که کفایت می کند یا نمی کند مستحق به حساب می آید.

س : ۸۷۱- اگر واجب النفقة انسان بدهکار باشد، برای پرداخت بدهکاری او زکات به او داده می شود؟

ج : اگر راه دیگری برای پرداخت دین و بدهکاری ندارد پرداخت زکات به او اشکالی ندارد هر چند که واجب النفقه است.

س : ۸۷۲- اگر کسی مذهب شیعه را برگزیند نمازها و زکات های گذشته او چه حکمی دارد؟

ج : نمازهای گذشته اش قضا ندارد اما چون زکاتش را به غیر شیعه داده است باید دوباره پرداخت کند.

س : ۸۷۳- اگر کسی زکاتش را به فقیری داد به گمان این که شیعه است اما بعداً معلوم شد که شیعه نبوده است چه حکمی دارد؟

ج : اگر شیعه بودن فقیر یاد شده از راه های شرعی احراز نشده باشد باید دوباره پرداخت کند.

س : ۸۷۴- کسی زکاتش را به فقیر بدهکار می دهد اما بعداً معلوم می شود که فقیر یاد

شده پول های طلبکاران را در کارهای نامشروع مصرف کرده است آیا پرداخت زکات به او کفایت می کند؟

ج : اگر بدهکار یاد شده فقیر باشد زکات از سهم فقرا حساب می شود و کفایت می کند اما سهم ((غارمون)) حساب نمی شود.

س : ۸۷۵ - اگر برادر یا یکی از بستگان انسان بدهکار باشد و نتواند بدهکاری اش را پرداخت کند آیا انسان می تواند از زکات بدهکاری او را پرداخت کند بدون این که به او بگوید بدهکاری اش را از زکات پرداخت کرده است؟

ج : پرداخت بدهکاری او از زکات اشکالی ندارد اگر بدهکار پول های طلبکاران را در راه حرام مصرف نکرده باشد.

س : ۸۷۶ - کسی از مردم پول قرض کرده است و با آن پول مسجد و حسینیه ای درست کرده است اما حالا توان پرداخت بدهکاری خود را ندارد اگر چه فقیر نیست و مخارج زندگی خانواده اش را تأمین می کند آیا پرداخت بدهکاری او از زکات جایز است؟

ج : اگر توان پرداخت بدهکاری اش را نداشته باشد اشکالی ندارد.

س : ۸۷۷ - علماء فرموده اند ((انسان نمی تواند زکات را به واجب النفقة خویش پرداخت کند)) این منع در همه هشت مورد مصرف زکات است یا در بعضی از آنان؟

ج : این حکم (منع) تنها در سهم فقرا وجود دارد اما در موارد دیگر مصرف زکات، این منع وجود ندارد. مثلاً اگر واجب النفقه انسان بدهکار شود یا پدر و فرزند انسان در مسافرت زاد و توشه اش را از دست بدهد پرداخت زکات از سهم ((فی سبیل...)) جایز است.

س : ۸۷۸ - پرداخت زکات به مجتهد جامع الشرائط بهتر است یا خود انسان طبق صلاح دید خود مصرف کند؟

ج : در صورت دسترسی به مجتهد جامع الشرایط، پرداخت آن به مجتهد بهتر است اگرچه خود انسان هم مصرف می تواند.

س : ۸۷۹ - آیا تقسیم زکات بر هشت مورد مصرف لازم است یا کسی می تواند همه زکات خود را در یک مورد از موارد یاد شده مصرف کند؟

ج : تقسیم لازم نیست اگر در یک مورد مصرف کند کفایت می کند.

س : ۸۸۰ - اگر مالک زکات جو و گندم خود را جدا کرد، بعد از آن می تواند در آن تصرف کند و یا بفروشد و قیمت آن را به مستحقان زکات بدهد؟

ج : بعد از آن که زکات را جدا کرد مالک حق تصرف و خرید و فروش را ندارد.

س : ۸۸۱ - اگر مستحق زکات در محل باشد اما پرداخت کننده زکات آن را به محل دیگری ببرد و در راه بدون افراط و تفریط تلف شود ضامن است؟

ج : بله، ضامن است.

س : ۸۸۲ - اگر کسی در پرداخت زکات خود قصد قربت نکند بلکه برای هدف دیگر و یا برای نشان دادن به مردم پرداخت کند، زکات صحیح است؟

ج : زکات از عبادات است و باید با قصد قربت پرداخت شود. اگر با قصد ریا پرداخت شود، زکات باطل است.

س : ۸۸۳ - آیا زن و شوهر می توانند زکات شان را برای یکدیگر مصرف کنند؟

ج : شوهر چنین کاری نمی تواند اما زن می تواند زکاتش را به شوهرش بدهد اگرچه شوهرش برای نفقه خود زن مصرف کند.

س : ۸۸۳ - آیا با خمس و زکات می توان مسجد ساخت؟

ج : مصرف خمس نیاز به اجازه حاکم شرع دارد اما زکات از سهم ((فی سبیل ...)) می توان مسجد ساخت.

س : ۸۸۵ - کسی که در مالش خمس و زکات تعلق گرفته است و با آن تجارت و سود

---

می کند آیا ارباب خمس و زکات هم در آن حق دارند؟

ج : در سود تجارت بنا بر احتیاط واجب فقرا شریک هستند اما در ضرر آن شریک نیستند.

س : ۸۸۶- اگر شهریه طلاب دینی سادات و غیر سادات، زندگی آنان را کفایت نکند، مستحق سهم سادات و زکات به حساب می آیند؟

ج : اگر غیر از شهریه درآمدی ندارند می توانند زکات و خمس دریافت کنند.

س : ۸۸۷- کسی که فقیر، ناتوان و توان کار و کسب را ندارد اما فرزند ثروتمند دارد آیا این فرزند می تواند زکات دیگران را جمع و به پدرش بدهد؟

ج : اگر فرزند نفقه پدر را نمی دهد می تواند زکات دیگران را برای پدرش جمع کند.

س : ۸۸۸- چند نفر مستحق فطره در یک جا زندگی می کنند آیا می توانند فطره خود را به شکل دوری به یکدیگر بدهند؟

ج : می توانند بدهند.



## احکام زکات فطره

س : ۸۸۹- کسی در ماه رمضان فطره مردم را جمع آوری و در شب های قدر تعدادی را دعوت و از آن ها به عنوان افطاری پذیرایی می کند. در میان مدعوین، سادات هم حضور دارند آیا کسانی که فطره شان را به این شخص داده اند بری الذمه می شوند؟

ج : پرداخت فطره پیش از رسیدن عید فطر صحیح نیست مگر این که به عنوان قرض پرداخت شود. مصرف فطره عام برای سادات باطل است.

س : ۸۹۰- آیا کسی می تواند زکات فطره را برای حسینیه فرش، بلندگو و... بخرد؟

ج : اصل این کار، جایز است اما با وجود فقر باید به آنها داده شود.

س : ۸۹۱- آیا جایز است دستمزد خادم حسینیه را از زکات فطره پرداخت کند؟

ج : اگر در طول سال در حسینیه ترویج دین و تبیین مسایل شرعی شود جایز است.

س : ۸۹۲- آیا کسی می تواند به اندازه نیاز، در تهیه و تامین مصارف ازدواج، خرید خانه، خرید وسایل معمولی خانه، تهیه کتب درسی فقرا از زکات فطره مصرف کند؟

ج : غیر از خریدن خانه، موارد یاد شده دیگر را می تواند از زکات فطره تهیه کند اما خرید خانه از زکات فطره در صورتی جایز است که سکونت در خانه اجاره ای ممکن و میسر و یا سزاوار شأن او نباشد.

س : ۸۹۳- مصرف فطره برای حسینیه که موقوفه دارد جایز است؟

ج : زکات فطره در این صورت به فقرا داده می شود.

س : ۸۹۴- کسی که ماهانه مبلغ پانزده هزار تومان برایش کمک می شود، مبلغ سیصد هزار تومان پول نقد هم دارد اما همسر نابینا و پنج سر عائله دارد، مستحق زکات

فطره است؟

ج : چون سیصد هزار تومان پول نقد دارد فقیر به حساب نمی آید اما اگر همین پول نقد را برای رهن خانه داده باشد فقیر و مستحق به حساب می آید.

س : ۸۹۵ - فقرا و جنگ زده های کابل که اموال شان غارت شده است و توانایی پرداخت زکات فطره را ندارند چه وظیفه دارند؟

ج : زکات فطره بر فقراء واجب نیست.

س : ۸۹۶ - تکیه خانه قریه ای که بیشتر اهالی آن مهاجرت کرده اند در حال خراب شدن است افرادی که هنوز در آن قریه سکونت دارند نمی توانند با پول شخصی خود حسینیه را بازسازی کنند آیا اجازه دارند که از زکات مال، فطره، سهم امام (ع) و نذر حسینیه یاد شده را بازسازی کنند؟

ج : اهالی قریه مجاز هستند که از زکات مال، فطره و نذور مطلقه حسینیه را بازسازی کنند اما ثلث سهم امام (ع) در صورتی اجازه می شود که هر هفته در آن حسینیه، مجلس وعظ و تبلیغ برگزار شود.

س : ۸۹۷ - کسی که خودش در ایران و خانواده اش در افغانستان است، اگر بخواهد زکات فطره خانواده اش را پرداخت کند، به قیمت ایران پرداخت کند یا افغانستان؟

ج : فطره را به قیمت ایران که در آن به سر می برد پرداخت کند.

س : ۸۹۸ - آیا زکات مال و فطره برای معلم و مربی قرآن که در برخی محل ها استخدام می شود - اگرچه فقیر نباشد مصرف می شود؟

ج : بله، جایز است اما بنا بر احتیاط زکات فطره به فقرا داده شود.

س : ۸۹۹ - آیا می توان زکات مال و فطره را در سهم فی سبیل ... مصرف کرد؟

ج : بله، اما اگر در محل فقیر وجود داشته باشد اولویت دارد خصوصا در مصرف زکات فطره.

---

س : ۹۰۰ - اگر در شب عید فطر کسانی را دعوت کنند که بعد از صرف غذا به خانه هایشان بر گردند زکات فطره آنها بر میزبان واجب می شود و یا بر خودشان واجب است؟

ج : در فرض مذکور بر مهمانها واجب است که زکات فطره شان را بدهند چون عائله میزبان محسوب نمی شوند اگر بنا داشته باشند چند شب بمانند در این صورت کات فطره آنها بر میزبان واجب است.

## احکام حج

س : ۹۰۱- کسی برای انجام حج وصی بلدی می گیرد اما بعد از فوت موصی، ورثه او با انجام حج بلدی مخالفت می کنند. با توجه به این که ثلث ماترک میت بیشتر از هزینه حج بلدی است اگر وصی حج میقاتی انجام دهد کفایت می کند؟

ج : میت نسبت به حج بری الذمه می شود اما کسانی که بر سر راه حج بلدی مانع ایجاد کرده اند، معصیت کرده اند.

س : ۹۰۲- با توجه به سؤال پیشین اگر وصی حج میقاتی انجام دهد، می تواند هزینه حج بلدی را از ورثه بگیرد؟

ج : نمی تواند بگیرد.

س : ۹۰۳- با توجه به دو سؤال قبل در صورت مخالفت ورثه با انجام حج بلدی اگر وصی حج بلدی انجام دهد می تواند هزینه و اجرت حج بلدی را از ورثه بگیرد؟

ج : بله، حق دارد هزینه حج بلدی را از ورثه بگیرد.

س : ۹۰۴- کسی از افغانستان همراه با مادر پیرش برای زیارت کربلای معلا حرکت می کند در مسیر راه تجارت می کند و وقتی به کربلا می رسد استطاعت حج پیدا می کند و موسم حج هم فرا می رسد اما به خاطر تنهایی مادر و پیری او نمی تواند او را تنها بگذارد و به حج برود. وقتی به افغانستان بر می گردد دیگر توان مالی ندارد که به حج برود آیا حج بر او واجب شده است؟

ج : این مسأله دو صورت دارد:

۱- اگر امکان داشته است که مادرش را در کربلا یا نجف در خانه یکی از

دوستان، خویشاوندان یا هموطنان بگذارند و خودش به حج برود، ترک حج واجب به خاطر مادر جایز نیست.

۲- اگر حج رفتن این شخص باعث فوت مادرش می شده است حج به ذمه او تعلق نگرفته است.

س : ۹۰۵- اگر زن مستطیع شود اما شوهر اجازه رفتن به حج ندهد، وظیفه اش چیست؟

ج : کسب اجازه شوهر لازم نیست، می تواند بدون اجازه به حج برود.

س : ۹۰۶- کسی درمرض موت برادرش را برای حج نایب می گیرد و شرط می کند که در سال آینده باید به حج برود قطعه ای زمین به اومی دهد که هزینه سفر حج کند نایب (برادرش) تا هفت سال بعد از مرگ منوب عنه (برادرش) زنده بود اما به حج نرفت. او هم در فرض موت پسر بزرگش را نایب می گیرد که حج برای برادرش انجام دهد پسر بزرگ او هم تا هفت سال به حج نمی رود سرانجام پسر خود منوب عنه تصمیم می گیرد که برای پدرش حج انجام دهد اما پسر عمویش (نایب دوم) چون دستی در حکومت وقت داشته است او را از راه بر می گرداند و مانع رفتن او می شود و به جای او برادر کوچک خود را برای انجام حج یاد شده نایب می گیرد. این نایب هم بعد از پانزده سال حج را انجام می دهد. حالا سؤال این است :

اولا: این حج که بعد از پانزده سال تاخیر، انجام شده است منوب عنه اصلی را بری الذمه می کند؟

ثانیا: محصول زمین که به عنوان هزینه حج به نایب داده شده بود مال ورثه منوب عنه است یا نایب؟

ثالثا: اصل زمین مال ورثه منوب عنه است یا نایب؟

ج : اولاً: حج از منوب عنه ساقط شده است.

ثانیا: محصول زمین مال کسی است که بذر و تخم از او بوده است اما اجره المثل

زمین به میت بر می گردد.(برای میت مصرف کند) ثالثاً: زمین مال منوب عنه است و تولیت آن به حاکم شرع است او می تواند هزینه حج میقاتی به نایب سوم بدهد و بقیه آن را در راه های نیک به نیابت از میت مصرف کند.

س : ۹۰۷- مادری وصیت می کند که فرزند بزرگش برایش حج انجام دهد اما هزینه آن را همه فرزندانش پرداخت کند پسر بزرگ در افغانستان بوده است و قادر به انجام حج نبوده است او به برادر کوچکش که در ایران است سفارش می کند که حج برای مادرش انجام دهد برادر کوچک از طرف مادر حج می کند آیا مادر بری الذمه می شود؟

ج : فرزند کوچک اگر حج را به نیابت از مادرش انجام دهد، مادر بری الذمه می شود.

س : ۹۰۸- مستطیع اگر پیش از موسم حج مالش را به کسی هبه کند یا از دنیا برود حجش ساقط می شود؟

ج : در سال استطاعت و قبل از موسم اگر فوت کند حج از او ساقط می شود اما حق هبه مالش را ندارد زیرا حج بر عهده اش واجب شده است.

س : ۹۰۹- کسی که مستطیع بوده است عمداً به حج نرفته است ویا نتوانسته است برود بعد از آن که از دنیا می رود ((ماترک)) او برای حج بلدی کفایت می کند آیا حج میقاتی او را بری الذمه می کند؟

ج : حج میقاتی کفایت می کند.

س : ۹۱۰- کسی که مستطیع بوده است وصیت می کند که فلان قطعه زمین فروخته شود و برای او نایب گرفته شود برای حج با توجه به این که قیمت زمین هزینه حج بلدی را هم کفایت می کند آیا حج میقاتی او را بری الذمه می کند؟

ج : باید طبق وصیت عمل شود.اگر وصیت به حج بلدی کرده است، حج

بلدی انجام شود.

س : ۹۱۱- اگر کسی درحال احتضار وصیت کند که از ثلث مالش برایش حج انجام داده شود اگر ثلث مال از هزینه حج بلدی بیشتر باشد زیاده مال، مال نایب است یا ورثه یا برای خود موصی میت مصرف شود؟

ج : اگر ثلث مال حج بلدی را کفایت می کند باید حج بلدی برای میت انجام داده شود و باقیمانده مال برای خود میت مصرف شود.

س : ۹۱۲- کسی فوت می کند و از او چند فرزند دختر و پسر و چند قطعه زمین باقی می ماند. دختران سهم خود را از زمین به برادرشان می بخشند به شرط این که برادرشان برای پدرشان حجی انجام دهد وقت حج را هم معین نمی کنند. حالا دختران آن مرحوم از دنیا رفته اند اما پسرش زنده است و هنوز حج یاد شده را انجام نداده است آیا ورثه دختران می توانند ادعا کنند که چون به شرط مادر شان عمل نشده است، ارث مادر شان را از مامای (دایی) شان بگیرند؟

ج : خواهرزادگان حق مطالبه ارث را ندارند زیرا وقت و سال معین برای انجام حج در نظر گرفته نشده است. البته تاخیر حج تا پایان عمر جایز نیست زیرا ظاهر حال نشان می دهد که خواهران انجام حج را در طول دو سه سال بعد از فوت پدر در نظر داشته اند.

س : ۹۱۳- با توجه به سؤال پیشین اگر برادر پیش از آن که حج را انجام دهد فوت کند و به ورثه اش وصیت کند که حج را انجام دهند آیا ورثه خواهران حق مطالبه ارث را دارند؟

ج : ورثه خواهران حق فسخ هبه را دارند زیرا مامای (دایی) شان به شرط هبه عمل نکرده است بنابراین حج نیابتی برای پدر بزرگ مادری شان انجام دهند.

س : ۹۱۴- مستطبی بدون این که حج انجام دهد از دنیا می رود، اموالی که از او

مانده است کفایت مخارج سفر را نمی کند اما اگر زمینش را بفروشند می توانند حج انجام دهند آیا بر ورثه واجب است که زمین او را بفروشند یا قرض کنند و حج انجام دهند؟

ج : اگر میت وصیت بر حج بلدی کرده باشد بر ورثه واجب است که حج بلدی برای میت انجام دهند خواه زمین را بفروشند و خواه قرض کنند. اما اگر وصیت بر حج بلدی نکرده است می توانند حج میقاتی انجام دهند.

س : ۹۱۵ - کسی وصیت کرده است که ورثه برایش نایب بگیرد و حج انجام دهد، در آن زمان ورثه مبلغ پنجاه هزار تومان به کسی می دهد که نیابتاً از طرف میت حج انجام دهد. نایب دوبار اقدام به انجام حج می کند اما با مانع روبه رو می شود و نمی تواند به مکه مشرف شود بعد از آن نایب از دنیا می رود و به ورثه اش وصیت می کند که مبلغ یاد شده را به بازماندگان منوب عنه برگرداند اما ورثه منوب عنه از گرفتن پول خودداری می کنند. در این صورت وظیفه ورثه نایب و منوب عنه چیست؟

ج : این مسأله دو صورت دارد: ۱- اگر نایب متعهد شده باشد که در برابر مبلغ پنجاه هزار تومان حج را انجام می دهد بدون این که زمانش را قید کند حج بر عهده او واجب شده است و باید ورثه نایب از مآثرکش مصارف حج یاد شده را کنار بگذارند. ۲- اگر نایب شرط کرده باشد که اقدام می کند اما اگر کدام مانعی پیدا شد پول را به ورثه منوب عنه بر می گرداند در این صورت حج بر نایب واجب نیست و ورثه منوب عنه تنها حق گرفتن مبلغ پنجاه هزار تومان یاد شده را از ورثه نایب دارد.

س : ۹۱۶- اگر کسی پیش از موسم حج استطاعت پیدا کرد حفظ آن واجب است؟

ج : حفظ استطاعت واجب است.

س : ۹۱۷ - زنی که از نظر مالی استطاعت پیدا کرده است اما نمی تواند به تنهایی به



حج برود و توانائی ندارد که یکی از محارم را با خود ببرد، وظیفه اش چیست؟

ج : اگر یکی از محارم اش مستطیع و عازم حج شد باید با او به حج برود و الا حج بر او واجب نیست.

س : ۹۱۸ - اگر شوهر پیش از موسم حج ((مهریه)) همسرش را به او بدهد آیا این زن با گرفتن مهریه اش که استطاعت برای حج پیدا کرده است می تواند آن را به پدرش تملیک کند و یا این که حفظ آن مبلغ برای رفتن به حج واجب است؟

ج : اگر بدانند که با مهریه اش می تواند حج انجام دهد و پولی غیر از مهریه ندارد حفظ آن پول برای انجام حج واجب است.

س : ۹۱۹ - کسی که هم بدهکار است و هم حج واجب بر عهده اش است از دنیا برود و ماترک او برای پرداخت بدهکاری و انجام حج کفایت نکند وظیفه ورثه اش چیست؟

ج : در این صورت پرداخت بدهکاری مقدم است. اگر ورثه تبرعا از طرف میت حجی انجام دهند میت بری الذمه می شود، اگرچه حج میقاتی باشد.

س : ۹۲۰ - چند قطعه زمین به کسی ارث میرسد اما مردم منطقه شهادت می دهند که زمین های یاد شده را پدرش (مورث) از مردم گرفته است با این فرض آیا کسی که اکنون ذوالید است مالک زمین و مستطیع برای حج به حساب می آید؟

ج : اگر دو نفر مؤمن ظاهر الصلاح شهادت می دهند که زمین ها را پدر این شخص غصب کرده است این شخص مالک زمین و مستطیع برای حج نیست.

س : ۹۲۱ - کسی که پنج سال پیش مستطیع شده و به حج نرفته است و اکنون که مخارج سفر حج زیاد شده است و توانایی انجام حج را ندارد وظیفه اش چیست؟

ج : چون حج بر او واجب شده است باید انجام دهد حتی با پول قرض.

س : ۹۲۲ - زنانی که مسایل شرعی را نمی دانند و زمین های موروثی خود را به ذوی الارحام شان هبه می کنند و حال این که از نظر شرعی با داشتن زمین

موروثی مستطیع به حساب می آیند آیا هبه چنین زمینی از نظر شرعی صحیح است؟

ج : هبه صحیح است اما حج واجب بر عهده زنان یاد شده می ماند و احوط این است که موهوب له، از طرف آنها نایب میقاتی برای حج بگیرد.

س : ۹۲۳- با توجه به سؤالی پیشین اگر زنان یاد شده مستطیع به حساب آیند چه کسی برای آنان حج انجام دهد ورثه یا موهوب له؟

ج : اگر میراثی به پسران آنان رسیده است، پسران آنان باید حج انجام دهند و اگر میراثی به پسران نرسیده است اولی و احوط آن است که موهوب له نایب میقاتی برای حج از طرف آنان بگیرد.

س : ۹۲۴- کسی که از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۱ در ایران کار کرده است و مبلغ پانصد هزار تومان جمع کرده و اکنون مبلغ سیصد هزاران را برای رهن خانه داده است مستطیع به حساب می آید؟

ج : فعلا مستطیع نیست اما اگر در سال های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ که هزینه حج کم بود توانایی رفتن به مکه و مخارج خانواده اش را داشته است حج بر عهده اش واجب شده است.

س : ۹۲۵- کسی وصیت می کند که زمین هایش چهارتقسیم شود، سه قسمت مال ورثه و یک قسمت مال وارثی که برای مورث حج انجام می دهد. یکی از فرزندان او حج برای او انجام می دهد اما بقیه ورثه می گویند تو تنها مخارجی را که در سفر حج کرده ای حق داری اما زمین مشترک است در بین همه ورثه؟

ج : سهمی را که موصی برای حج تعیین کرده است مال کسی است که به حج رفته است دیگران حق ندارند.

س : ۹۲۶- کسی که به تایید چهل نفر از اهالی قریه مبتلا به جنون بوده است و در همان حال برای خواهرزاده اش وصیت می کند که از طرف او حجی به جا آورد. خواهرزاده اش پس از فوت مامای (دایی) خود زمین مرهونه دایی خود را

---

با پرداخت رهن از مرتهن می گیرد حالا سؤال این است : ۱- با توجه به جنون موصی آیا وصیت او برای انجام حج نافذ و قابل قبول است؟ ۲- آیا خواهرزاده اش می تواند مصارف سفر حج را از زمین یاد شده بگیرد؟

ج : اگر مامای (دایی) این شخص در زمان استطاعت عقل داشته است ورثه برای انجام حج از طرف او نایب بگیرند اما اگر از اول جنون داشته و تا زمان مرگ برطرف نشده است، حج بر ذمه او مستقر نشده است.

س : ۹۲۷- زنی که شوهر دارد مقداری زمین از طریق ارث به او می رسد و او زمین های موروثی خود را به فرزندانش هبه می کند با توجه به این که نفقه زن یاد شده بر عهده شوهرش بوده است و زمین های موروثی هزینه حج او و حتی همراهش را در صورت لزوم کفایت می کرده است : ۱- آیا این زن مستطیع به حساب می آید؟ ۲- آیا نایب گرفتن زن برای حج در صورتی که خودش در قید حیات است صحیح است؟ ۳- در صورت صحت نیابت، نایب بلدی بگیرد یا میقاتی؟

ج : ۱- مستطیع به حساب می آید. ۲- اگر می تواند به تنهایی یا همراه کسی به مکه برود باید برود و اگر نمی تواند باید نایب بگیرد. ۳- گرفتن نایب بلدی احوط است.

### احکام امر به معروف و نهی از منکر

س : ۹۲۸ - علماء فرموده اند که تصدی ولایت یا قضاوت از سوی حاکم جور جایز نیست مگر این که مکره شود یا بتواند امر به معروف و نهی از منکر کند آیا منظور از امر به معروف و نهی از منکر، نسبت به خود حاکم جور است یا حاکم و غیر حاکم و امر به معروف و نهی از منکر اگر چه اندک و ناچیز باشد مجوز تصدی ولایت و قضاوت می شود؟

ج : منظور این است که قاضی یا والی احکام خدا را اجرا و با امر به معروف و نهی از منکر از منکرات جلوگیری کند اما اگر با تصدی قضاوت تمکن اندک و ناچیزی برای امر به معروف و نهی از منکر پیدا کند موجب جواز تصدی قضاوت و ولایت نمی شود.

س : ۹۲۹ - شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

ج : ۱- خود امر به معروف و نهی از منکر، معروف ها و منکرها را بشناسد.

۲- کسی که امر به معروف و نهی از منکر می شود اصرار بر ادامه عمل خود داشته باشد اما اگر کسی معرفی را ترک کند و منکری را انجام بدهد و بعداً پشیمان شود و توبه کند امر و نهی او، امر به معروف و نهی از منکر نیست.

۳- احتمال تأثیر وجود داشته باشد.

۴- ضرر و مفسده ای برای خود امر به معروف و ناهی از منکر و مسلمانان دیگر نداشته باشد.

س : ۹۳۰- اگر امر به معروف ضرر داشته و جواب آن برداشته می شود یا حتی جواز هم برداشته می شود؟

ج : اگر ضرر به اندازه ای باشد که تحمل آن شرعا جایز نیست جواز هم برداشته می شود.

س : ۹۳۱- مردی سه چهار بار زنش را طلاق داده است و هر بار بعد از پایان عده حتی در مرتبه سوم و چهارم بدون ((محلل)) رجوع کرده است. با این که چندین بار به او گفته شده است که زنش حرام ابدی شده است اما او اعتنایی به مسایل شرعی ندارد. معاشرت و رفت و آمد با چنین کسی چه حکمی دارد؟

ج : به خاطر امر به معروف و نهی از منکر معاشرت با چنین شخصی نشود تا شاید از فسق علنی اجتناب کند.

س : ۹۳۲- اگر امر به معروف و نهی از منکر به تارک معروف و مرتکب منکر اثری نداشته باشد اما به اطرافیان و کسانی که توجه دارند حکم خدا یاد آوری می شود مثلا راننده اتوبوس نوار موسیقی گذاشته است امر به معروف در او اثری ندارد اما مسافران یاد می گیرند که موسیقی در اسلام حرام است آیا در چنین موردی امر به معروف و نهی از منکر واجب است؟

ج : در چنین موردی معلوم نیست واجب باشد مگر این که عرفا توهین به حکم خداوند به حساب آید و سکوت شخص موافقت به حساب آید باید خود را تیرئه کند.

س : ۹۳۳- صلّه رحم در اسلام واجب است. اگر آنها تارک معروف و مرتکب منکر

---

باشد و امر به معروف و نهی از منکر هم تأثیری نداشته باشد آیا رفت و آمد با آنها از باب صله رحم واجب است؟

ج : صله رحم منحصر به رفت و آمد نیست اگر معاشرت با رحم موجب فساد دیگران شود با نامه، تلفن و... صله رحم شود و ضمناً از نصیحت و موعظه هم خودداری نشود.

س : ۹۳۴ - برخی از نزدیکان و اقارب انسان که توجهی به نماز، روزه، خمس و زکات و... ندارند و امر به معروف هم تأثیری در آنان ندارد معاشرت جایز است؟

ج : اگر ترک معاشرت موجب تنبیه و هدایت آنان شود باید معاشرت ترک شود و اگر معاشرت و نصیحت موجب تنبیه و هدایت آنان نشود باید معاشرت و صله رحم شود.

س : ۹۳۵ - کسانی که خمس نمی دهند می توان با زور خمس آنان را حساب کرد؟

ج : باید امر به معروف و نهی از منکر شوند، اگر نپذیرفتند در صورتی که ملزم کردن آنان محذوری نداشته باشد با اجازه حاکم شرع می توان آنها را مجبور کرد.

## احکام خرید و فروش

س: ۹۳۶- شخصی به منظور فرار از ربا و استفاده مشروع از پول، مقداری پارچه از پارچه فروش می خرد، و بعد همان پارچه یا پارچه ای دیگری را به همان پارچه فروش می فروشد، اما با قیمت گران تر. آیا چنین معامله ای جایز است؟ و در صورت جواز آیا در همه این پارچه ها قبض و اقباض لازم است یا اینکه اگر در بخشی از آن قبض و اقباض صورت بگیرد کافی است؟

ج: اگر معامله مذکور بر اساس شرط و قرار قبلی صورت گیرد جایز نیست، و اگر بدون شرط و قرار قبلی، کالا را از دکانی بخرد و دوباره آن را به فروشنده یا کس دیگری به قیمت بیشتر بفروشد اشکالی ندارد، ولی اگر مبیع از مکمل و موزون باشد، فروش آن پیش از قبض، به پول بیشتر از سرمایه جاز نیست، باید به رأس المال بفروشد.

س: ۹۳۷- شخصی زمین مشترکی را بدون رضایت شریکش فروخته است، و شخص دوم نیز به دیگری و او نیز به دیگری فروخته است، آخرین مشتری سالهاست که از زمین استفاده می کند. این معاملات چه حکمی دارد؟

ج: اگر شریک اجازه نداده باشد همه آن معاملات باطل است نسبت به سهم شریک، و اگر در برابر دید شریک فروخته است، و او هم از این معامله منع نکرده باشد، و فروش مورد رضایتش بوده باشد، همه معاملات انجام شده صحیح است.

س: ۹۳۸- شخصی خودش در ایران زندگی می کند، و منزلی در کابل دارد، و در ایران

آن را به شخص دیگری به مبلغ ۳ میلیون پول افغانی می فروشد، بعد از ۲ ماه از قیمت واقعی منزل آگاه می شود که ۸ میلیون افغانی ارزش دارد، آیا بایع در معامله مذکور مغبون شده است و در صورت مغبون شدن و جواز فسخ، آیا مشتری حق مطالبه سود را در طی این چند ماه از بابت ۳ میلیون پولش که نزد بایع بوده است دارد؟

ج : بایع مغبون است و حق نسخ دارد، اما مشتری حق مطالبه سود را ندارد.

س : ۹۳۹ - کسی از روی جهل و نا آگاهی در معامله ای ربوی مبلغی را زیادی می گیرد، حالا که بنا است زیادی را به صاحبش برگرداند، بدون اینکه پرداخت کننده زیادی را از گیرنده دریافت کند آیا ذمه ای طرفین بری می شود یا حتما زیادی را برگرداند؟

ج : در صورتیکه به ناحق مال شخص را گرفته باشد بدون پرداخت، ذمه اش بری نمی شود، مگر اینکه زیادی را هبه و ابرا کند.

س : ۹۴۰ - شخصی صد هزار تومان را به چهارصد هزار افغانی به شخص دیگری می فروشد، و شخص اول دوباره چک چهارصد هزار افغانی را به صد هزار تومان و یا کمتر می خرد (این فرد اول چک صد هزار تومانی یا نود هزار تومانی را مالک است و در اختیار دارد) و شخص دوم همان چک صد هزار تومانی و یا کمتر را به پانصد و یا ششصد هزار افغانی می خرد، این نوع خرید و فروش چه حکمی دارد؟

ج : فروختن ده هزار تومان نقد مثلا به چهارصد هزار افغانی تا یک سال صحیح است، و فروختن چک چهارصد هزار افغانی به سیصد هزار افغانی نقد و یا به پنجاه هزار تومان نقد نیز صحیح است، اما به قرض صحیح نیست، یعنی اگر ثمن و مئمن هیچکدام نقد نباشد باطل است، و چک مدت دار حکم پول نقد را ندارد.

س : ۹۴۱ - در زمان آزادی خرید و فروش دلار در جمهوری اسلامی ایران، یکی از مهاجرین ده هزار دلار را به شخصی به صورت نسیه می فروشد که مشتری بعد از یک سال قیمت دلار را باید پرداخت نماید اما مشتری در موعد مقرر قیمت را



نمی پردازد و ۶ ماه از موعد مقرر می گذرد، و ارزش دلار نیز در ایران بالا می رود، حال با توجه به اینکه هنگام معامله، خرید و فروش دلار آزاد بوده است، و الان آزاد نیست آیا بایع قیمت زمان خرید را از مشتری بگیرد، یا قیمت فعلی دلار یا خود دلار را؟

ج: اگر معامله با رضایت طرفین فسخ شده باشد، غیر از دلار حق ندارد چیز دیگری را بگیرد، و اگر فسخ نکنند همان قیمت از قبل تعیین شده را استحقاق دارد، ولی مشتری از جهت تأخیر در پرداخت و تنزل قیمت تومان، موجب ضرر بایع شده است، و به عنوان مصالحه رضایت بایع را باید به دست آورد.

س: ۹۴۲- مردم برخی از مناطق در نتیجه ستم حکومت وقت، زمین های خود را رها کرده و رفته اند، و بعد از چند قرن از سرنوشت صاحبان زمین ها هیچ خبری نیست، فروختن این زمین ها صحیح است؟

ج: فروختن چنین زمین ها منوط به اذن حاکم شرع می باشد.

س: ۹۴۳- شخصی منزل یا تلفن و مغازه کسی را به عنوان رهن و بیع الشرط به مبلغ ۲۰۰ هزار تومان مثلاً می گیرد، دوباره صاحب اولی منزل یا تلفن و یا مغازه، آن را از این مشتری اجاره می گیرد، مثلاً ماهی ۱۰ هزار تومان به عنوان اجاره به مشتری که صاحب پول است پرداخت می کند شرعاً گرفتن این ۱۰ هزار تومان چه حکمی دارد؟

ج: رهن با بیع شرط فرق دارد، در صورتیکه رهن باشد اجاره دادن صحیح نیست و پولی را که به نام اجاره می گیرد ربا و حرام است، مگر اینکه رهن اجاره بدهد، ولی اگر بیع شرط به گونه ای صحیح انجام شود اجاره دادن آن صحیح و پول آن حلال است.

س: ۹۴۴- خرید و فروش پول افغانی به تومان به صورت نقدی ۸ برابر، و به صورت نسیه به ۱۸ برابر به مدت یک سال چه حکم دارد؟

ج : فروختن تومان به پول افغانی به هر قیمت جایز است، بشرط اینکه تردید در انشاء نباشد و نگویید اگر نقد دادی هشت برابر واگر نسیه دادی هجده برابر بلکه نقد یا نسیه را معین نموده انشاء کند.

س : ۹۴۵- بنده زمین موروثی خود را به صورت بیع شرط فروخته ام که هر وقت به سرزمین خود برگشتم پول مشتری را پرداخت نموده و زمین خود را تصاحب نمایم، این بیع درست است و حق فسخ دارم؟

ج : اگر مدت برای خیار تعیین نشده است و حدی از نظر زمانی ندارد، صحت آن محل اشکال است، و احوط این است که با مشتری مصالحه نماید.

س : ۹۴۶- شخصی بخشی از زمین خود را می فروشد و بعد از مدتی فوت می کند و بعد از چند سال وراثت اختلاف پیدا می کنند، و تصمیم بر تقسیم مجدد زمین ها می گیرند. آیا حق تقسیم مقدار فروخته شده را دارند؟

ج : حق تقسیم آن مقداری را که پدر فروخته است ندارند.

س : ۹۴۷- برادری بدون اجازه خواهرانش، به اندازه یک چهارم از مجموع زمین های موروثی پدری را می فروشد، و مشتری روی زمین کار می کند و در آن خانه مسکونی می سازد، اما بعداً فرزندان با بیع که زنده است با هماهنگی عمه های خود ادعا می نمایند که زمین مشترک بوده است، و خواهان استرداد زمین می شوند. اولاً: این زمین فروخته شده است یا نه؟ وثانیاً: در صورت عدم فروش، مشتری در مقابل زحمات و کارهایی که روی زمین انجام داده است حقی دارد؟

ج : خواهان حق فسخ معامله را به اندازه سهم خود دارند، اما با بیع و یا فرزندان او حق فسخ و پس گرفتن را ندارند و باید به گونه ای مصالحه نمایند که حق هیچکدام ضایع نگردد.

س : ۹۴۸- اینجانب ۱۵ سال پیش زمینی را به شخصی به مبلغ ۲۶۰۰ افغانی به عنوان رهن داده ام، مرتهن مدعی است که سالانه معادل چهل هزار افغانی از این زمین حاصل برداشت کرده است، حالا من می توانم مابه التفاوت را بگیرم، و طرف، حق

مطالبة ۲۶۰۰ افغانی را دارد؟

ج : اگر مقصد طرفین استفاده از زمین در برابر استفاده رهن از پول بوده است، معامله مذکور ربوی و حرام است. اما اگر مرتهن ۲۶۰۰ افغانی قرض الحسنه داده باشد و صاحب زمین تمام استفاده از زمین را برای مرتهن مباح کرده باشد، حاصلات زمین مال مرتهن می باشد، و مبلغ ۲۶۰۰ افغانی را که قرض الحسنه داده است می تواند مطالبه نماید.

س : ۹۴۹- بنده در افغانستان منزل را به کسی رهن داده بودم، و خودم به ایران آمدم، مرتهن در غیاب من، منزل بنده را از پدرم خریده است. این معامله لازم است؟

ج : اگر پدرت در آن خانه شریک نبوده است بدون رضایت شما حق فروش آن را نداشته است، حالا که فروخته است. بیع فضولی است، وصحت و لزوم معامله بستگی به رضایت شما دارد اگر رضایت ندارید حق دارید منزل را تصاحب نمایید.

س : ۹۵۰- شخصی زمین خود را می فروشد و مشتری چک بی محلی به عنوان بیعانه می دهد، بجز این چک که برگشت خورده است، بقیه ثمن را هم پرداخت نکرده است، ولی زمین را متصرف شده است آیا این معامله صحیح است؟

ج : اگر زمین به صورت نقد فروخته شده است و مشتری قیمت را نداده است، فروشنده می تواند معامله را بهم بزند و زمینش را متصرف شود.

س : ۹۵۱- برادری قسمتی از زمین مشترک بین چهاربرادر را بدون رضایت ۳ برادر دیگر می فروشد اکنون این ۳ برادر حق آبه ای زمین فروخته شده مشتری را نمی دهند. حکم چیست؟

ج : اگر آن سه برادر به فروش آن بخش از زمین مشترک راضی شده اند، حق آبه ای زمین را باید همه بدهند، و اگر معامله را امضاء نکرده اند. سهمیه آن سه نفر فروخته نشده است و آن را تصرف نمایند.

س : ۹۵۲- خانمی فوت کرده است، سه فرزند بالغ و یک فرزند صغیر دارد، مقداری

اموال و لوازم خانه از وی بجای مانده است، این اموال نزد شخصی نگهداری می شده است، اکنون که ۵ ماه از فوت این خانم می گذرد آن شخص حاضر به نگهداری این اموال نیست، سه فرزندش اگر چه کبیرند اما به آن حد نرسیده اند که اموال در اختیار آنها قرارگیرد، فروش این اموال و نگهداری قیمت آنها در بانک برای بچه ها جایز است؟

ج : فرزندان کبار می توانند سهمیه خود را بفروشند، ولی سهمیه فرزند صغیر را بجز پدر یا جد پدری و یا قیم منصوب از طرف حاکم شرع کس دیگری حق فروش ندارد.

س : ۹۵۳ - زنی فوت می کند و مقداری زمین برای دو تا دخترش که یکی صغیره و یکی کبیره است به ارث می گذارد، پدر این دو دختر زمین را می فروشد، و اجباراً اثر انگشت این دو دختر را روی قولنامه می گیرد، دختر کبیره فوت می کند و از او یک پسر می ماند، و دختر صغیره هم زنده است، البته مشتری با علم به اینکه زمین حق این دو دختر است آن را خریده است، آیا وارث دختر کبیره و نیز دختر صغیره که زنده است حق فسخ را دارند؟

ج : حصه دختر کبیره که اجباراً کرده است فروخته نشده است، اما حصه دختر صغیره اگر معامله به مصلحت او انجام گرفته باشد، به ولایت پدر فروخته شده است، و اگر معامله برای صغیره دارای مفسده بوده است حصه صغیره نیز فروخته نشده است.

س : ۹۵۴ - شخصی زمینش را گرو می دهد (بیع الشرط ۱ و شرط می کند اگر تا یک سال پول گرو را داد زمین را به راهن بر می گردد، و اگر پرداخت نکرد زمین مال مرتهن خواهد بود، حال اگر بعد از یک سال و در موعد مقرر پول رهن را نداد زمین، ملک کسی می باشد؟

ج : در صورتی که قرار گذاشته باشد که اگر تا یک سال پول شما را ندادم زمین مال شما باشد و مرتهن نیز قبول کرده باشد و پول را نیز تا یک سال نداده

باشد، زمین ملک مرتهن وگرودار می شود و راهن حق فسخ را ندارد.

س : ۹۵۵ - دو نفر در ایران تومان ایرانی با پول افغانی معامله می کنند، خریدار تومان سند می دهد که بعد از مدت معین در افغانستان پول افغانی به طرف بدهد، به دلیل ورشکستگی تاجر چند سال از تاریخ پرداخت می گذرد، آیا طرف حق مطالبه تومان ایرانی را دارد، یا اینکه طبق معامله و سند داده شده حق دارد پول افغانی بگیرد؟

ج : چون تأخیر از طرف تاجر صورت گرفته است، و ارزش پول افغانی سقوط فاحشی کرده است، احوط این است که معامله را با توافق هم فسخ و اقاله نمایند، و همان تومان را به فروشنده بدهد تا خسارت وی قدری جبران شود و یا مابه التفاوت ارزش پول افغانی را با جنس مصالحه کنند.

س : ۹۵۶ - شخصی ۵۰ هزار تومان را به صد هزار افغانی به صورت نسیه می فروشد و چک یک ساله می گیرد آیا این شخص می تواند بعد از یک سال همان چک صد هزار افغانی را به صد سی هزار افغانی بفروشد؟

ج : فروش تومان به افغانی صحیح است، ولی فروش صد هزار تومان افغانی به صد و سی هزار چک افغانی صحیح نیست.

س : ۹۵۷ - پدر بزرگ اینجانب زمینی را خریداری کرده است و سندش هم به اسم خودش می باشد، اما قیمت زمین از پول مشتری داده شده است که یک مقدارش مال خودش و یک مقدارش مال کس دیگری بوده است، سندی در دست نیست که نشان دهد پول کسی دیگر به عنوان قرض در اختیارش بوده است و یا امانت و یا عنوان دیگری و مبلغ آن پول نیز معلوم نیست، آیا وارث صاحب پول مذکور در زمین خریداری شده سهم دارد؟

ج : اگر شرعا کیفیت خرید زمین ثابت شود که آیا پدر بزرگ شما زمین را تنها برای خود خریده است یا برای خود و صاحب پول

به همان کیفیت عملی شود، و اگر کیفیت خرید معلوم نباشد، بنا بر احتیاط، شما با وارث صاحب پول مصالحه کنید.

س : ۹۵۸ - شخصی صد هزار تومان را به دیگری به پول افغانی می فروشد، که بعد از یک سال یک میلیون و پانصد هزار افغانی بگیرد، بعد از گذشتن موعد مقرر، آیا فروشنده مستحق صد هزار تومان است و بایک و نیم میلیون افغانی؟

ج : مستحق یک میلیون و پانصد هزار افغانی می باشد.

س : ۹۵۹ - فروش اوراق نقدی به جنس خودش با اضافه چه حکمی دارد، مانند فروش صد هزار اسکناس افغانی به صد و پنجاه هزار افغانی برای یک سال؟

ج : ربا و حرام است اما اگر به ضمیمه بفروشد حلال است و اگر صد هزار افغانی هزاری یا پنج هزاری را به صد و پنجاه هزار افغانی پول خرده بفروشد اشکال ندارد.

س : ۹۶۰ - شخصی یک سیر جوری (ذرت) یا عدس را به دیگری به عنوان قرض یا بیع می دهد و قرار می گذارد که چند ماه بعد یک سیر گندم به او بدهد، این قرض یا بیع چه حکمی دارد؟

ج : قرض یا بیع به گونه مذکور به دلیل ربا قرضی اشکال دارد، ولی اگر یک سیر جوری را قرض دهد به مدت شش ماه به یک سیر جوری وبعد از پایان مدت، شخص مدیون با رضایت خود بگوید، به جای یک سیر جوری یک سیر گندم به شما می دهد اشکال ندارد، اما از اول چنین قراری نباید داشته باشند.

س : ۹۶۱ - اگر کسی مغازه اش را با تمام اجناسش بدون حساب و از روی تخمین مثلاً به ۵ میلیون افغانی بفروشد صحیح است؟

ج : چنانچه در آن مغازه اجناس و کالاهای است که به وزن و کیل و شماره فروخته می شود، از فروش آن به تخمین پرهیز کنند ولی به عنوان مصالحه مانعی ندارد.

س : ۹۶۲ - اگر کسی زمین دیگری را رهن کند آیا دوباره می تواند به جای پول خود زمین را به صاحب زمین اجاره دهد؟

ج : نمی تواند اجاره دهد.

س : ۹۶۳- شخصی ۱۰ رأس گوسفند را به دیگری فروخته است هرگوسفندی را به قیمت ۵۰ هزار تومان اما مشتری با زورگویی و بی اعتنایی از پرداخت قیمت خودداری ورزیده است، و بعد از سالها اکنون قیمت گوسفند بالا رفته است، آیا فروشنده حق گرفتن همان قیمت تعیین شده قبلی را دارد، یا قیمت گوسفند به نرخ روز را و یا فقط می تواند در مقابل گوسفند خود گوسفند بگیرد؟

ج : فروشنده حق دارد قیمت گوسفند را به نرخ روز از مشتری بگیرد.

س : ۹۶۴- اگر کسی مال خود را به صورت نقدی بفروشد و مشتری نیز قبول کند، اما بعد از قرارداد مشتری بگوید نصف قیمت را نقدا و نصف قیمت را یک هفته بعد می پردازم، چنانچه مشتری نصف قیمت را در تاریخ معین پرداخت نکند، بایع خيار فسخ دارد؟

ج : بایع می تواند بعد از قرارداد، آن را بهم بزند و می تواند بگوید اگر تا یک هفته پرداخت نکردی بهم می زنم، و اگر قبول نماید و شرط بهم زدن را نکند، بعد از یک هفته حق بهم زدن را ندارد.

س : ۹۶۵- اگر در معامله ای قرار شود که مشتری نصف قیمت را نقدا و نصف آن را ۳ ماه بعد پرداخت نماید بدون اینکه در این قرار، شرط خيار فسخ برای بایع بعد از سه ماه (در صورت ندادن قیمت) شده باشد، اگر مشتری نصف دیگر قیمت را بعد از ۳ ماه پرداخت نکند، بایع حق فسخ دارد؟

ج : حق فسخ را ندارد.

س : ۹۶۶- شخصی ۱۱ قلم جنسی را به صورت نسیه می فروشد که دو ماه بعد مشتری باید قیمت را پرداخت نماید، اکنون ۷ سال می گذرد و پرداخت نکرده است، و در طی این مدت ارزش پول افغانی نیز تنزل یافته است، آیا مشتری این تنزلی قیمت را ضامن است؟

ج : اگر بایع با مشتری شرط خيار فسخ را (در صورت تأخیر در پرداخت ثمن)

نکرده باشد حق فسخ ندارد. اما مشتری شرعاً حق تأخیر را نداشته است، و تنزل قیمت را باید جبران کند، و احوط این است که کاهش قیمت را جنس بدهد و با هم مصالحه نمایند.

س : ۹۶۷- شخصی زمین خود را با شرط خیار فسخ می فروشد، بعد از چند سال فروشنده قیمت زمین را توسط وکیل خود برای مشتری می فرستد، و زمین خود را مطالبه می کند، اما مشتری نمی پذیرد و می گوید قرار شفاهی ما این بود که خود فروشنده هر وقت خواست بیاید و معامله را فسخ کند. اکنون مشتری از دنیا رفته است و ۸ سال از معامله می گذرد، بایع ادعای فسخ دارد، ورثه مشتری قیمت فعلی زمین را می خواهد ولی بایع همان قیمت را که قبلاً گرفته است حاضر است پرداخت کند، حق با کیست؟

ج : اگر فروشنده پیش از پایان مدت خیار معامله را بهم بزند، و قیمت زمین را به مشتری برگرداند ولی او نپذیرد، معامله بهم می خورد، چه خود بایع فسخ کرده باشد و چه وکیلش و فروشنده مالک زمین است.

س : ۹۶۸- اگر کسی صد هزار تومان را به دو میلیون افغانی به صورت نسیه بفروشد و چک یکساله بگیرد، می تواند سال آینده همین چک را قبل از دریافت پول به قیمت بیشتری به کس دیگری بفروشد؟

ج : پیش از قبض نمی تواند بفروشد.

س : ۹۶۹- اگر صاحب کارگاهی بصورت قاچاقی و دزدی بدون اطلاع دولت برق بکشد، و کارگران با علم به دزدی بودن برق از آن استفاده کنند آیا چنین استفاده ای برای کارگران جایز است؟

ج : جایز نیست کسی از دولت جمهوری اسلامی دزدی کند و یا از دزدی استفا ده کند.

س : ۹۷۰- کسی که برای انجام کار و امور خیریه از قبیل فعال کردن مکاتب و مدارس، کارهای جهاد سازندگی و... در یک قریه ای می رود، خرج و مصرف



مواد غذایی اش روی مردم قرار می گیرد، برای این شخص حلال است یا حرام؟

ج : در صورتیکه اهالی ده راضی باشند اشکال ندارد.

س : ۹۷۱- شخصی ۵۰ هزار افغانی مثلا به دیگری می دهد تا در سال آینده ۵۰۰ کیلو بادام به او بدهد ولی در سال آینده بادام میوه نمی دهد. صاحب پول خواهان قیمت بادام به نرخ روز است و قیمت هم بالا رفته است، آیا حق گرفتن اضافه بر آن پولی را که داده است دارد؟

ج : حق گرفتن ۵۰۰ کیلو بادام را دارد و طرف موظف است بادام را به هر قیمت که باشد تهیه کند.

س : ۹۷۲ - شخصی جنسی را به دیگری به صورت نسیه می فروشد، و بعد از ۶ ماه مشتری باید قیمت کالا را پرداخت کند، اما مشتری نمی تواند پول را در موعد مقرر بپردازد، فروشنده از بابت تأخیر ماهانه خواهان ۲۰٪ اضافه بر اصل پول است و بدهکار هم قبول می کند، حکم شرعی چیست؟

ج : گرفتن این زیادی ربا و حرام است، ولی اگر قیمت تنزل کرده باشد به عنوان مصالحه آنرا تدارک کند.

س : ۹۷۳- برای ساختن مدرسه ای که مورد نیاز مردم است، می شود بدون رضایت مردم از آنها پول بگیرند و مدرسه بسازند؟

ج : حق ندارند به اجبار پول ساختن مدرسه را از مردم بگیرند.

س : ۹۷۴- خریدن آرد از نانوائیهایی که دولت آرد را برای آنها توزیع می کند و اجازه فروش آرد را به آنها نمی دهد، با علم به اینکه دولت اجازه نداده است جایز است؟

ج : جایز نیست.

س : ۹۷۵ - یکی از دو برادر یک قطعه زمین مشترک را در غیاب دیگری می فروشد، برادر دیگرش بعد از حضور و آگاهی از معامله، اعتراض نمی کند. این دو برادر و مشتری فوت می کنند، اکنون ورثه برادر غایب از کشت کردن ورثه مشتری جلوگیری می کند. و ادعا دارد که حق پدر من در این زمین باقی است، زمین چه

حکمی دارد؟

ج : در صورتیکه از قرائن دانسته شود که برادر غایب معامله را امضاء نموده است، ورثه او حق جلوگیری ندارد، و اگر قرائن بر امضاء معامله وجود نداشته باشد، حق جلوگیری از زراعت را دارد.

س : ۹۷۶ - جمعی مشترکا زمینی را بصورت مشاع خریداری می نمایند و سهم هر فردی از قیمت زمین مشخص می شود، عده ای به اندازه سهم خود پول زمین را در زمان مقرر پرداخت می کنند و عده ای نمی توانند پول تهیه نمایند اما بعد از یک سال که قیمت زمین بالا می رود با قیمت بیشتری سهم خود را می خرند، خسارت افزایش قیمت بر عهده همه شرکاء است یا بر عهده کسانی که سهم خود را از زمین پرداخت نکرده اند؟

ج : افزایش قیمت بر عهده کسانی است که در وقت مقرر سهم خود را از قیمت زمین نپرداخته اند.

س : ۹۷۷ - اینجانب زمین خود را با شخصی مبادله کردم، بدون تنظیم سند و بدون قرار دادن خیار فسخ و ۷ سال از این مبادله می گذرد و قیمت هر دو زمین هم تفاوت فاحشی دارد. اولاً: بنده می توانم مبادله مذکور را فسخ نمایم و ثانیاً: در صورت عدم فسخ، با مرور زمان می توانم از خیار غبن استفاده نموده و زمین خود را متصرف شوم؟ و ثالثاً: در صورت مطلق بودن معامله و آزاد بودن آن از هرگونه شرط و خیار، مبادله مذکور چه حکمی دارد؟

ج : در فرض سؤال اولاً: حق فسخ ندارید. ثانیاً: بعد از علم به غبن اگر کشت و زراعت نموده اید خیار غبن ساقط است. و اگر تصرف نکرده اید خیار باقی است.

و ثالثاً: در صورتیکه معامله مطلق باشد و بعد از علم به غبن تصرف کنید خیار ساقط می شود و اگر تصرف نکنید خیار باقی است و حق فسخ دارید.

س : ۹۷۸ - اگر کسی مکره به فروش زمینی گردد که مشتری بین او و برادرش است، اولاً: این بیع چه حکمی دارد؟ و ثانیاً: برادر می تواند زمین مشترک را بدون اجازه برادر بالغ خود بفروشد. و ثالثاً: اگر بدون اجازه فروخت چه حکمی دارد. و رابعاً: منافع آن زمین بعد از فروش چه حکمی دارد؟

ج : اولاً: اگر ظالمی کسی را اکراه بر فروش مالش نماید معامله باطل است. و ثانیاً: برادر بدون اذن برادر نمی تواند مالش را بفروشد. و ثالثاً: اگر بدون رضایت او فروخت و برادر بعداً آن بیع را امضاء نکند بیع باطل است. و رابعاً: اگر کسی زمین غصبی را زراعت کند ضامن اجره المثل زمین به مالک آن است.

س : ۹۷۹ - شخصی از دیگری در ایران دلار خریداری می کند و متعهد می گردد که از طریق واسطه، پول افغانی برای فروشنده در افغانستان تحویل دهد، اما بخاطر گرفتاری صرافان، این پول در موعد مقرر به صاحبش نمی رسد، و نامبرده بعد از چندین ماه از افغانستان به ایران آمده و اصل دلار را از مشتری طلب می کند و قیمت دلار هم بالا رفته است، اما مشتری می گوید خرج و مصرف راه شما را می دهم، آیا حق گرفتن دلار و فسخ معامله را دارد؟

ج : حق فسخ را ندارد. اما مشتری ضرر وارده بر او را جبران نموده و با هم مصالحه نمایند.

س : ۹۸۰ - شخصی زمین زراعتی از فرد دیگری خریده است، چند سالی از این معامله می گذرد و طرفین معامله نیز فوت کرده اند، اکنون دو نفر شاهد که در هنگام معامله حضور داشته اند شهادت می دهند که خریدار به فروشنده هنگام معامله گفته است هر وقت پول پیدا کردی و برگرداندی من هم زمین را به تو برمی گردانم، اما وارثین خریدار، شهادت این دو نفر را قبول ندارند و حاضر نیستند با دریافت پول خود زمین را به صاحب اولش بازگردانند آیا وارثین با پرداخت پول حق استرداد زمین را دارند و اصلاً این معامله چه حکمی دارد؟

ج : در صورتیکه شهود شهادت دهند که در متن عقد بیع چنین شرط شده

است، شرط و بیع هر دو باطل است، چون مدت زمان خیار تعیین نشده است و اگر بعد از بیع مشتری به بائع گفته باشد هر وقت پول پیدا کردی می توانی فسخ کنی، بیع صحیح ولی شرط باطل است و حق فسخ را ندارند.

س : ۹۸۱ - کسی امانتی نزد دیگری می گذارد و اجازه فروش آن را نیز به او می دهد. بعد نامه می نویسد که اگر آن مال امانتی را نفروخته اید به آورنده نامه بدهید حامل نامه چندین بار مراجعه می کند ولی امین جنس را تحویل نمی دهد و می فروشد. مالک حق مطالبه اصل مال خود را دارد؟

ج : صاحب مال حق مطالبه جنس و با قیمت فعلی آن را دارد.

س : ۹۸۲ - شخصی در افغانستان زمینی را گرو می گیرد، فعلا هر دو طرف در ایران بسر می برند، صاحب زمین می خواهد قرارداد را فسخ کند و پول رهن را به صاحبش در ایران برگرداند ولی طرف قبول نمی کند و می گوید باید پول را در افغانستان برای وکیلیم بفرستی، پول را می فرستد وکیلش نیز قبول نمی کند بعد از فسخ محصول زمین مال کیست؟

ج : از همان تاریخی که پول به وکیل مرتهن داده شده است و او نپذیرفته است، گرو فسخ شده است و اگر بذر و تخم از صاحب زمین باشد حاصلات زمین نیز مال اوست و اگر از مرتهن باشد رهن حق اجره المثل را دارد.

س : ۹۸۳ - شخص صد هزار تومان را بطور نسیه به دیگری به ۱۰۵ هزار تومان می فروشد و چک ۱۰۵ هزار تومانی می گیرد که یک ماه بعد از بانک بگیرد، چنین معامله ای صحیح است؟

ج : معامله مذکور ربوی است اگر می خواهد ربا نشود راهش این است که با ضمیمه بفروشد. مثلا صد هزار تومان را به ضمیمه یک کتاب، جانماز و یا چیز دیگری به ۱۰۵ هزار تومان بفروشد.

س : ۹۸۴ - اگر معامله ای صرف به صورت سلف واقع شود، به این صورت که بعد از توافق طرفین بر مساوی بودن ارزش دو نوع پول (تومان و افغانی) یک

طرف نقدا پرداخت کند و طرف دیگر طبق قرارمعین (مثلا دو ماه بعد) وجه مقابل را بپردازد شرعا صحیح است؟

ج : چنین معامله ای در اسکناس و نوت های کاغذی صحیح است.

س : ۹۸۵ - اگر معامله مذکور صرف قراردادی باشد و هیچگونه داد و ستدی در حین قرارداد در کار نباشد بلکه طرفین (با قبول ارزش برابری دو نوع پول) توافق می کنند که یکماه بعد هر دو طرف پول مورد نظر را پرداخت و دریافت نمایند، چه حکم دارد؟

ج : باطل است.

س : ۹۸۶ - اگر معامله مذکور با پرداخت بیعانه ناچیز از هر دو طرف یا از یک طرف همراه باشد چه حکم دارد؟

ج : درصحت معامله شرط است که اقلا یکی از دو عوض فعلی و حاضر باشد، و بطور کلی در هر معامله ای عوضین یکی از چند حالت زیر را ممکن است داشته باشد: ۱- اگر عوضین هر دو حاضر باشد، همان معامله متعارف بین مردم است که صحتش جای بحث نیست. ۲- اگر جنس فروخته شده حاضر باشد و قیمت آن تا وقت معین تأخیر داشته باشد بیع نسبه است و صحیح است. ۳- اگر قیمت جنس حاضر باشد، اما جنس فروخته شده تا وقت معین تأخیر داشته باشد بیع سلف است و صحیح است. ۴- و اگر عوضین هیچکدام نقد نباشد معامله باطل است و بیعانه کارساز نیست.

س : ۹۸۷ - شخصی زمین ارثیه پدرش را می فروشد و در حین بیع می گوید که بعد از خودم ورثه هایم حق فسخ را ندارند. پسران فروشنده که در هنگام معامله نبوده اند ادعا دارند که پدرشان زمین را به پسرانش در مقابل یک باب منزل قبلا فروخته است و پدر نیز فعلا حیات دارد بیع مذکور چه حکمی دارد؟

ج : بیع اول صحیح است مگر اینکه فرزندان دو شاهد عادل در دادگاه بیاورند که شهادت دهند بر اینکه پدر قبلاً زمین را در مقابل یک منزل به پسرانش فروخته است. در این صورت فروشنده خسارت وارده بر مشتری را باید جبران نماید، ولی اگر دو شاهد عادل گواهی دهند که بعد از بیع اول پدر زمین را در مقابل منزل فروخته است. بیع دوم لغو و بی اثر است.

س : ۹۸۸- شخصی تومان ایرانی را به صرف ۱۶/۵ در مقابل پول افغانی می فروشد و قرار می گذارد که هر وقت خودم در افغانستان آمدم، پول افغانی را می گیرم، اکنون یکسال و نیم از موعد مقرر می گذرد و هنوز پول را نداده است اولاً: فروشنده حق گرفتن تومان را دارد یا پول افغانی را؟ و ثانیاً: از جهت تأخیر در پرداخت ثمن (با توجه به اینکه قبلاً قرارگرفتن منفعت را نگذاشته اند) حق گرفتن منفعت را دارد؟

ج : در صورتیکه بدهکار در پرداخت پول افغانی در موعد مقرر تأخیر نموده باشد معادل تومان پول افغانی را به صرف همان موعد مقرر پرداخت، باید به فروشنده بپردازد و اگر تأخیر از طرف بایع و فروشنده تومان شده است باید با هم به مبلغی مصالحه نمایند و حق گرفتن منفعت را ندارد.

س : ۹۸۹- شخصی مبلغی تومان در مقابل دو میلیون و یکصد هزار افغانی می فروشد، و قرار می شود که مشتری در طی دو سال با آن پول کار کند ولی مشتری در این مدت کار نمی کند و پول را راکد نگه می دارد و الان ۷ سال می گذرد در زمان معامله صرف تومان به افغانی ۱۰ بود ولی حالا ۷۰ است، با توجه به تنزل قیمت افغانی آیا فروشنده حق گرفتن همان دو میلیون و یکصد هزار افغانی را دارد یا بیشتر؟

ج : به ارزش پول افغانی در موعد مقرر یعنی ۵سال پیش که باید پرداخت می شد، با هم مصالحه نمایند، و دادن پول افغانی به ارزش فعلی کافی نیست.

س : ۹۹۰- شخصی پولی ایرانی را از دیگری به طور نسیه و در برابر پول افغانی خریده است، و در موعد مقرر مشتری به فروشنده دسترسی نداشته است، تا پول افغانی

را به او بپردازد، بعد از گذشت موعده مقرر آیا فروشنده حق گرفتن پول ایرانی را دارد؟

ج : علت دسترسی نداشتن مشتری به فروشنده بیان نشده است، چنانچه مشتری در پرداخت قیمت تومان هیچگونه تقصیری نداشته است و بعد از دسترسی فوراً پرداخت کرده است، همان کافی است، ولی اگر تقصیر داشته است، باید رضایت فروشنده را حاصل کند، اگر چه به دادن تومان باشد.

س : ۹۹۱- فروش چک مدت دار و در وجه حامل به پول نقد و به کمتر از مبلغ مندرج در چک از سوی صاحب اصل چک یا کسیکه چک حامل را از دیگری گرفته باشد، جایز است؟

ج : ظاهر این کار خرید و فروش است، ولی در واقع همان ربا و قرض است و جایز نیست اما فروختن چک به صاحب اصلی آن که از او گرفته شده است به کمتر از مبلغ مندرج در آن اشکال ندارد.

س : ۹۹۲- شخص به دلیل اختلافی که با برادرش دارد و یکی از عوامل اصلی این اختلاف و نزاع مجاور بودن زمین هر دو است، زمین خود را با زمین شخص دیگری بدل می کند و خودش می داند که در این مبادله ضرر و غبن متوجه او می شود، اما از روی ناچاری و بخاطر رفع اختلاف با برادرش این معامله را انجام می دهد، آیا حق بهم زدن معامله را دارد؟

ج : نمی تواند معامله را بهم بزند.

س : ۹۹۳- دو نفر تومان ایرانی را به پول افغانی معامله کرده اند، و قرار گذاشته اند که بعد از یک سال پول افغانی در برابر تومان تحویل داده شود اما طرف در موعده مقرر پول افغانی را تحویل نداده است فروشنده تومان به خریدار می گوید باید تومان به من بدهی و خریدار قبول نمی کند و می گوید افغانی می دهم حکم چیست؟

ج : مشتری چون از قرارداد تخلف نموده است باید با بیع را راضی نماید

اگر چه به دادن تومان باشد.

س: ۹۹۴- شخصی زمین یا خانه خود را علی الظاهر به بیع قطعی می فروشد و تا ۵ سال برای خود حق خیار فسخ قرار می دهد، مهلت اعمال حق فسخ تمام می شود و فروشنده فسخ نمی کند با توجه به اینکه زمین به اندازه نصف یا ثلث زیرقیمت واقعی خود فروخته شده است اکنون بایع بعد از پایان مدت خیار می خواهد فسخ کند اما مشتری قبول نمی کند آیا بیع لازم شده است؟

ج : در صورتیکه در زمان مهلت خیار فسخ نکرده باشد، بیع لازم شده است. اگر مشتری خود راضی به فسخ نشود و اقاله نکند، بایع حق فسخ را ندارد.

س : ۹۹۵- دو برادر زمینی را از مادرشان به ارث می برند، بعد برادر کوچکتر سهم خود را به برادر بزرگتر می فروشد اما برادر کوچکتر بعد از سی سال ادعا می کند که برادر بزرگترش در زمان خرید و فروش سفیه بوده است که البته الان سفیه است و با توجه به اینکه معامله به ضرر برادر کوچک (که مدعی جنون یا سفاهت برادر بزرگ است) نبوده است، آیا برادر کوچک صرفاً بخاطر سفاهت برادر بزرگ حق فسخ دارد؟

ج : در صورتیکه برادر بزرگ مجنون بوده است معامله باطل است، و اگر سفیه بوده است حاکم شرع می تواند معامله را امضاء یا فسخ کند و بر فرض فسخ، به دلیل تنزل فاحش ارزش پول بعد از سی سال نمی تواند همان اسکناس و مبلغ داده شده را برگرداند، بلکه حاکم شرع که ولایت بر سفیه و مجنون دارد باید با مبلغ پولی که به سفیه یا مجنون داده می شود موافقت نماید.

س : ۹۹۶- شخصی زمین خود را بطور بیع الشرط یعنی گرو به کس دیگری می دهد، و دختر او را برای خود عقد می کند، بعد صاحب زمین پول را فراهم می کند که زمین خویش را پس بگیرد، و لکن پدر دختر قبول نمی کند و می گوید بیع قطعی



بوده است و من به جای گله دخترم<sup>۱</sup> گرفته ام، با توجه به اینکه گرفتن گله حرام است. آیا پدردختر که این زمین را ۳۰ سال تحت تصرف خود دارد آن را مالک و مستحق است؟

ج: این زمین برای پدر دختر حلال نیست.

س: ۹۹۷ - چند نفر مشترکاً زمینی را خریداری می کنند و برای آبیاری آن باید از دریا جوی بکشند، یکی از شرکاء مدتی را با دیگران در کارکشیدن جوی مشارکت می کند. اما بعداً بخاطر خرج عائله خود مجبور به ترک کار می شود، اگر بعداً مراجعه نماید آیا شرکاء دیگر یا پایگاههای محلی حق محروم ساختن او را از زمین و آب دارند؟

ج: کسیکه زحمت کشیده است و آب را به زمین رسانده ذی حق است و کسی که زمین دارد ولی در کارکشیدن جوی آب مشارکت نکرده است باید حق الزحمة دیگران را بدهد و پایگاه حق محرومیت و سلب مالکیت کس را ندارد و اگر حق الزحمة شرکاء را نمی دهد شرکاء اجرت کار او را بدهند تا مالکیت او از آب سلب شود.

س: ۹۹۸ - حدود ۷۰ سال است که زمینی خریداری شده است و فروشنده از معامله راضی بوده است، و سالها نیز بعد از معامله زنده بوده است و فرزند وی نیز اعتراضی نکرده است و فعلاً هر دو از دنیا رفته اند و اکنون نوه آن شخص بر اساس شایعات ادعا دارد که پدر بزرگم در این معامله فریب خورده است، و خواستار فسخ است، حق فسخ دارد؟

ج: فریب خوردن جدش بر اساس شایعات ثابت نمی شود و چونکه خود فروشنده و یا فرزندش معامله را فسخ نکرده است، کشف می شود که یا فریب نخورده است و یا با وجود فریب خوردنش، خودش معامله را امضاء نموده است.

۱ - پول یا جنسی که پدر دختر از داماد در برابر نکاح دخترش می گیرد و غیر از جهیزیه است.

و در هر دو فرض حق فسخ را ندارد.

س : ۹۹۹- شخصی زمینی را فروخته است، و درحین عقد جریب کردن هزینه اش را به خود مشتری واگذار نموده است، بعداً مشتری در غیاب فروشنده و بدون رضایت او جریب نمودن زمین را در دفتر خود بایع وبه عهده او می نویسد، و بایع فوت می کند، ورثه بایع چندین باربه مشتری گفته است که جریب به پاک خودت است، آیا عقد مذکور صحیح است؟ و آیا ورثه فروشنده زمین می تواند منصرف شود؟

ج : زمین فروخته شده است و به عهده مشتری است که جریب آن را به اسم خود بنماید.

س : ۱۰۰۰ - شخصی درحالت جنون زمین خود را به زمین دیگری عوض کرده است و علاوه بر جنون در این معامله غبن نیز متوجه او شده است آیا معاوضه صحیح است؟

ج : معاوضه مجنون باطل است.

س : ۱۰۰۱ - شخصی می میرد و بجایش دو پسر و یک دختر می ماند آن دو برادر زمین موروثی را بین خود به طور مساوی تقسیم می کنند و خواهر نیز بطور مشاع در حصه ای هر دو برادر سهم دارد، بعد از مدتی اگر یکی از برادران یا هر دو بخواهند حصه خود را بفروشند آیا خواهر نسبت به حصه هر یکی از دو برادر حق شفعه دارد؟

ج : اگر خواهر به تقسیم دو برادرراضی باشد و حق خود را نیز تملیک نکرده باشد حق شفعه دارد و اگر راضی به تقسیم نباشد حق شفعه ندارد.

س : ۱۰۰۲- شخصی مقداری از زمین زراعتی خود را به عنوان بیع شرط می فروشد و شرط می کند که هر موقع قدرت مالی پیدا کردم زمین مذکور مال خودم باشد، مشتری نیز می پذیرد، اما بعد از ۳۰ سال مشتری مذکور زمین را به شخص دیگری می فروشد و در ضمن عقد او نیز شرط می کند که هر وقت مالک اول

زمین، تمکن مالی پیدا نماید زمین خود را پس می گیرد، مشتری دوم نیز این شرط را می پذیرد و اهالی محل شاهد این قضیه می باشند، اما فعلاکه وارثین مالی اصلی قدرت مالی پیدا کرده اند، مشتری دوم ادعا دارد که زمین را به عنوان بیع قطعی خریده است. این شرط در ضمن عقد با این کیفیت موجب ابطال بیع دوم نمی شود؟

ج: اگر شرط مذکور در ضمن عقد ذکر شده باشد مثلاً با بیع گفته باشد که زمین را به فلان مبلغ به شما فروختم مشروط به اینکه هر وقت پول پیدا کردم حق فسخ داشته باشم و مشتری قبول کرده باشد، این بیع غرری و باطل است، ولی اگر در ضمن عقد شرط نشده باشد و بعد از عقد با بیع گفته باشد، هر وقت پول پیدا کردم زمین را فسخ می کنم و مشتری قبول کرده باشد، این شرط باطل است ولی بطلانش به بیع سرایت نمی کند و بیع محکوم به صحت می باشد.

س: ۱۰۰۳- در پاکستان دولت ورقه هایی شبیه اسکناس های رایج کشور به شکل هزار کلداری، پانصد کلداری و صد کلداری چاپ می کند که قابل معامله در بانکها و بین مردم است، این اوراق دارای شماره های مسلسل است و دولت بعد از هر چند ماه یک سری شماره ها را به قید قرعه بیرون می کند کسانی که شماره هایشان بیرون می شود، دولت در برابر ورقه هزار روپیه گی ۲۰ هزار کلداری و در برابر ورقه پانصد روپیه گی ۱۰ هزار کلداری و در برابر صد روپیه گی چهار هزار کلداری جایزه می دهد. خرید و فروش این اوراق چه حکمی دارد؟ و پولی را که دولت به عنوان جایزه یا عنوان دیگر به مردم می دهد چه حکمی دارد؟

ج: خرید و فروش این اوراق جایز است و پولی را که دولت به عنوان جایزه به مردم می دهد به اذن حاکم شرع تصرف در آن مانعی ندارد.

س: ۱۰۰۴- یک نفر در آب مشترک بین چندین نفر یک سهم شریک است، و در نوبت یک روز حق استفاده از این آب را دارد. وی این سهم خود را به فرد دیگر برای همیشه می فروشد و دیر زمانی است که از این بیع می گذرد و مشتری

در این مدت از این آب در هر نوبت یک روز استفاده کرده است، اما پسران بایع خواهان فسخ اند و ادعا دارند که قبل از فروختن آب و در زمانیکه ماصغیر بوده ایم پدر ما زمین را برای ما هبه کرده است و حق استفاده از آب نیز به ما تعلق داشته است و پدر ما حق ما را فروخته است و حالاکه بالغ شده ایم می خواهیم فسخ کنیم، حال با توجه به اینکه بایع در سند معامله اظهار داشته است که اگر روزی هر یک از بستگانم ادعا داشته باشد خودم جواب گو می باشم، فرزندان او حق فسخ دارند؟

ج : پسران حق فسخ را ندارند چون پدر، ولی آنها بوده است و تصرفات ولی در زمان ولایت نافذ است.

س : ۱۰۰۵- شخصی زمینی را می خرد و چند سال نیز آن را در تصرف خود دارد وبعد به پسران هبه می کند و فوت می کند ۵۰ سال از این قضیه می گذرد اما اکنون نوه های برادرش ادعا دارند که نصف قیمت زمین مذکور را مادر بزرگ ما پرداخته است، پس نصف زمین از ما است، البته مادر بزرگ آنها در زمان حیات خود چنین ادعایی نداشته است. دعوی اینها پذیرفته است؟

ج : در صورتیکه دو نفر عادل شهادت دهند که نصف قیمت آن زمین را مادر بزرگ اینها داده است، دعوی نوه ها پذیرفته است، در غیر این صورت پذیرفته نیست.

## احکام شرکت

س : ۱۰۰۶- کسی نهال در محدوده زمین خود غرس می کند اما سایه نهال ها به زمین و زراعت کس دیگری ضرر و زیان می رساند آیا صاحب زمین متضرر و زیان دیده، حق دارد که صاحب نهال ها را مجبور به قطع آنها بکند؟

ج : بله، اگر شاخه های نهال ها فضای زمین غیر را اشغال کرده باشد می تواند صاحب نهال ها را مجبور کند که شاخه نهال ها را قطع کند.

س : ۱۰۰۷- کسی مال مشتری خود و شریکش را فضولتا می فروشد و شریکش راضی نمی شود و بایع فضولی را وکیل می گیرد که اموال فروخته شده را از مشتری باز پس بگیرد آیا این وکالت صحیح است؟

ج : وکالت صحیح است و بایع وکیل می تواند سهمیه شریکش را از مشتری پس بگیرد.

س : ۱۰۰۸ - کسی فوت می کند و از او اموالی باقی نمی ماند. پسر بزرگ او قطعه زمینی را با پول قرضی می خرد و قرض را هم خودش اداء می کند بدون این که از اموال مشتری پرداخت کند. اکنون برادر کوچک ادعا دارد که در زمین خریده شده من هم شریک هستم آیا این ادعا درست است؟

ج : ادعای برادر کوچک درست نیست.

س : ۱۰۰۹ - تقسیم اموال مشتری در چه صورتی لازم العمل است که شرکاء حق

تقسیم کردن مجدد را نداشته باشد؟

ج : شرکا بعد از علم پیدا کردن و مساوی بودن سهام و موافقت با تقسیم با قرعه یا بدون قرع در صورتی که غبنی در میان نباشد نمی توانند تقسیم را باطل اعلام کنند.

س : ۱۰۱۰ - چند برادری که اموال مشترک و دخل و خرج مشترک دارند اگر برخی از این برادران در آمد بیشتر، برخی کمتر داشته باشند آیا پیش از تقسیم اموال مشترک می تواند هر کسی درآمد خود را برای خود نگهدارد یا این که باید بالسویه در میان برادران تقسیم شود.

ج : اگر درآمد از سرمایه مشترک باشد همه برادران در آن شریک هستند اما اگر درآمد بدون سرمایه باشد مانند این که یکی از برادران کارگری می کند و درآمدش از این طریق است می تواند برای خودش جمع کند.

س : ۱۰۱۱ - کسی در غیاب شریکش زمین مشترک را معامله یا مبادله می کند و به طرف معامله می گوید که شریکش را راضی می کند. در صورت عدم رضایت شریک غایب، آیا او می تواند این معامله را به هم بزند؟

ج : شریک غایب بعد از حضور می تواند معامله را به هم بزند چون ((خیار تبعیض صفا)) دارد اما بایع نمی تواند معامله را به هم بزند.

س : ۱۰۱۲ - یکی از شرکا زمین مشترکی را می فروشد و به مشتری می گوید سایر شرکا را از زمین شخصی خود می دهد و راضی می کند آیا این معامله صحیح است؟ آیا سایر شرکا می توانند معامله را بهم بزنند؟

ج : اگر به شرکای دیگر بعد از اطلاع پیدا کردن از معامله، آن را امضا کنند و در بدل زمین هایشان زمین های شخصی بایع را بگیرند معامله صحیح است اما

اگر امضاه نکنند بلکه رد کنند می توانند زمینهایشان را از مشتری پس بگیرند.

س : ۱۰۱۳ - کسی در نزدیکی چشمه یا آب قلیل کس دیگری نهال غرس می کند، وقتی این نهال، درخت می شود آب چشمه کم یا خشک شود آیا صاحب چشمه از نظر شرعی حق جلوگیری از غرس نهال دارد؟

ج : بله، حق جلوگیری از غرس نهال را دارد.

س : ۱۰۱۴ - دو برادری که اموال منقول آنان مشترک است اگر یکی از این دو تا برای پسرش از اموال منقول مشترک عروسی کند یا برای دخترش جهیزیه فراهم کند، در وقت تقسیم اموال منقول برادر دیگر می تواند مصارف یاد شده را از برا درش بگیرد؟

ج : اگر کار مشترک و مصرف مشترک بوده باشد در هنگام تقسیم باید تخمین و مصالحه کنند زیرا حساب واقعی را تنها خداوند متعال می داند.

س : ۱۰۱۵ - اگر جوی آب زمین های زراعتی چند نفر بر اثر سیل و... خراب شود به گونه ای که تعمیر آن امکان نداشته باشد و زراعت نابود شود اگر کشیدن جوی از روی زمین شخص دیگری امکان داشته باشد اما صاحب زمین حتی در برابر قیمت اجازه کشیدن جوی ندهد آیا شرکای جوی خراب شده می توانند صاحب زمین را مجبور کنند زیرا در غیر این صورت ضرر و زیان به صاحبان زمین های زراعتی می رسد؟

ج : کشیدن جوی آب بدون رضایت صاحب زمین جایز نیست.

س : ۱۰۱۶ - دو برادری که از هنگام کودکی زندگی و اموال مشترک داشته و همین روند ادامه داشته است تا این که ازدواج می کنند. برادر بزرگ قطعه زمینی را می خرد و سند زمین را به نام خود می کند بعد از آن برادران جدا می شوند و اموال منقول و غیر منقول مشترک را تقسیم می کنند اما بعد از چهل سال وبعد از

فوت برادر بزرگ که سند به نامش است، فرزندان برادر کوچک ادعا می کنند که زمین خریده شده تنها مال برادر بزرگ نبوده است و باید به آنان هم داده شود آیا این ادعا صحیح است؟

ج : اگر فرزندان برادر کوچک شاهد بیاورند بر این که زمین با اموال مشترک خریده شده است حق دارند سهمیه خود را بگیرند البته اقامه بینه و شاهد در محضر قاضی باشد.

س : ۱۰۱۷- پدری در حال حیاتش دو فرزندش را از خود جدا نموده است، و این دو فرزند مشترکا کار کرده اند و از درآمد مشترک کارشان زمینی را خریداری کرده اند، اما قولنامه زمین به نام برادر بزرگ است. الان که چندین سال سپری می شود برادر بزرگ ادعای مالکیت اختصاصی بر زمین مذکور را دارد. این زمین مشترک است؟

ج : در صورتیکه پول قیمت زمین مشتری بوده است، زمین نیز میان هر دو برادر مشترک است، بودن سند به اسم یکی موجب اختصاص زمین به او نمی شود.

س : ۱۰۱۸- دو نفر شریک، زمین های زراعتی شان را بین خود تقسیم می کنند و پس از مدتی با توافق همدیگر از نو تقسیم می کنند که این بار حصه ای قبلی هر کدام به دیگری تعلق می گیرد، یکی از دو شریک از خانه قبلی اش (که در تقسیم دوم در بین حصه شریکش قرار گرفته است) کوچ می کند و در حصه متعلق به خودش (طبق تقسیم جدید) برای خود خانه می سازد. آیا این کوچ کردن به معنای اعراض از خانه قبلی است و شریکش می تواند از جای خانه او استفاده کند یا جای خانه متعلق به صاحب اولی است و آیا وارثین صاحب خانه که خودش از آنجا کوچ نموده است و خانه را متروک گذاشته است. می تواند به دلیل اینکه خانه در گذشته متعلق به مورث بوده است مانع از استفاده وارثین شریک دیگر شوند؟



---

ج : در صورتیکه در حصه ای شریک دیگر قرار دارد کوچ کردن ظهور در اعراض دارد، ولی احوط مصالحه نمودن با وارثین صاحب خانه است، چون ساختمان ملک وی بوده است.

س : ۱۰۱۹- دو نفر شریک مقداری بادام به بیع سلف می فروشند و قیمت را مشترکاً دریافت می کنند و هر دو متعهد می شوند که مشترکاً بادام را به مشتری در موعد مقرر بپردازند، اما بعداً شرکت آنها بهم می خورد، یکی از این دو شریک سهم خود را که نصف بادام باشد پرداخت می کند. اما شریک دیگر سهم خود را پرداخت نمی کند و ادعا دارد که قیمت بادام را شریکش مصرف کرده است. و او به سهم خود از قیمت نرسیده است، اما شریکش منکر است. حال اگر شریک دوم با ادله و شواهد اثبات کند که پولها را فقط شریک اول مصرف کرده است. مشتری بادام را از چه کسی مطالبه می کند؟

ج : اگر مشتری پول را به هر دو شریک داده است باید بادام را هر دو شریک بدهند و شریکی که به سهم خود از پول نرسیده است باید از شریک خود بگیرد و اگر پول را به یک شریک داده است، حق مطالبه بادام از شریک دیگر ندارد.

## احکام اجاره

س : ۱۰۲۰- اگر در قرارداد اجاره، مبلغ اجاره را در هر ماه معین نمایند. اما مدت اجاره معلوم نباشد. چنین اجاره ای صحیح است؟

ج : اگر مدت اجاره اصلاً معلوم نباشد این اجاره باطل است. بجز ماه اول که صحیح است.

س : ۱۰۲۱- شخصی خانه ای را به مدت یک سال اجاره می کند. بعد از پایان مدت صاحب خانه حاضر به تمدید اجاره نیست، مستأجر هم نمی تواند خانه ای دیگر پیدا کند. با توجه به عدم رضایت مالک تصرف در آن خانه چه حکم دارد؟

ج : تصرف در خانه بدون رضایت مالک حرام است. و تصرف کننده ضامن اجره المثل می باشد. ولی در حد متعارف باید صاحب منزل تا پیدا کردن خانه ای جدید، سکونت در منزل را با اجرت یا بدون اجرت اجازه بدهد.

س : ۱۰۲۲- کسی خانه ای را به صورت قرارداد مطلق و کلی اجاره می کند. نه شرط شده است که باید شخص مستأجر از آن استفاده کند و نه تصریح به این شده است که مستأجر می تواند به کسی دیگر اجاره دهد. آیا مستأجر حق دارد خانه را به کس دیگری اجاره دهد؟

ج : اگر شرط مباشرت نشده باشد حق دارد اما به همان مبلغی که اجاره کرده است نه بیشتر از آن، مگر اینکه کارهایی مانند تعمیر و سفید کاری روی خانه انجام داده باشد و یا در صورتیکه خانه را به غیر جنسی که اجاره گرفته است اجاره دهد.

س : ۱۰۲۳- خانه یا باغی است مشترک میان چند نفر، یکی از شرکاء بدون رضایت دیگران می تواند حصه ای خود را اجاره بدهد یا نه؟

ج : می تواند اجاره دهد و مستأجر با سایر شرکاء در انتفاع از آن خانه یا باغ شریک می شود.

س : ۱۰۲۴- خانه یا زمینی برای مدت دو سال اجاره داده می شود. در این مدت اگر مالک و یا مستأجر فوت کند اجاره باطل می شود؟

ج : تا زمانی که مدت اجاره سر نرسیده باشد، اجاره به صحت خود باقی است.

س : ۱۰۲۵- اگر حیوانی برای حمل و بارکشی و یا برای استفاده از شیرش اجاره شود آیا مانند بیع خیار حیوان و مجلس دارد؟

ج : در قرارداد اجاره خیار حیوان و مجلس نیست.

س : ۱۰۲۶- معمول است که خانه ای را به مبلغ زیادی رهن می کنند و مبلغ کمی اجاره تعیین می کنند. چنین رهن و اجاره ای چه حکمی دارد و صورت صحیح و مشروع این قراردادهای رهن و اجاره چگونه است؟

ج : این قراردادها ممکن است به دو صورت واقع شوند که در یک صورت صحیح و در صورت دیگر باطل است که برای هر کدام مثالی ذکر می شود. اما صورت صحیح : اگر صاحب خانه به مستأجر بگوید، این خانه را (که اجاره آن مثلا در ماه سی هزار تومان است) برای شما تا مدت یک سال ماهی سه هزار تومان اجاره می دهم، مشروط به اینکه هفققصد هزار تومان مثلا قرض الحسنه بدهی، این اجاره و قرض الحسنه صحیح است و خانه هم عرفا در رهن قرار دارد. اما صورت غیر صحیح : عکس صورت قبلی است یعنی قرض دهنده بگوید که هفققصد هزار تومان برای صاحب خانه قرض می دهد، اما مشروط به اینکه قرض گیرنده خانه اش را ماهانه مبلغ سه هزار تومان مثلا به وی اجاره بدهد، این ربا قرضی و حرام است.

س : ۱۰۲۷- با موت موجر و مستأجر اجاره باطل می شود؟

ج : باطل نمی شود. اما اگر در اجاره شرط مباشرت شده باشد که فقط مستأجر حق استفاده را دارد، در این صورت موجر خیار فسخ دارد.

س : ۱۰۲۸- آیا زن می توان بدون اجازه شوهر اجیر شود؟

ج : اگر منافات با حقوق شوهر نداشته باشد می تواند اجیر شود. اما در کارهای که با حقوق شوهر منافات داشته باشد، در صحت اجاره اذن شوهر لازم است.

س : ۱۰۲۹ - شخصی خانه ای سه اطافه را اجاره می کند. اما بعداً معلوم می شود که یکی از این اطاق ها قابل استفاده نیست. آیا مستأجر حق فسخ دارد؟

ج : اگر مستأجر قبلاً علم نداشته باشد که اطاق قابل استفاده نیست، خیار فسخ دارد و اگر راضی شد و فسخ نکرد، اجاره اطاق را نسبت به مجموع اجاره خانه، می تواند از مالک مطالبه نماید و یا از اجاره خانه کسر نماید.

س : ۱۰۳۰- اگر کسی حیوانی را برای مدتی اجاره نماید و بعد از چند روز این حیوان تلف شود و یا پایش بشکند و نتواند راه برود آیا اجاره باطل می شود؟

ج : مستأجر خیار فسخ دارد، چه اجاره را فسخ کند یا راضی شود در هر دو صورت مالک مستحق اجرت چند روز (که حیوان بعد از اجاره سالم بوده است) می باشد. و اگر مالک اجاره تمام مدت را قبلاً گرفته باشد باید اجاره بعد از تلف شدن و یا معیوب شدن حیوان را به مستأجر برگرداند.

س : ۱۰۳۱ - آیا گرفتن اجرت درتغسیل، تکفین و تدفین اموات جایز است؟

ج : در مقابل انجام دادن اصل این کارها جایز نیست. اما در برابر انجام دادن این اعمال با کیفیت خاصی اشکال ندارد. مثل اینکه بگوید با آب گرم غسل داده شود.

س : ۱۰۳۲- اگر کسی ماشین شخص دیگر و یا خود او را اجاره کند که وسایل او را تا فلان مقصد حمل نماید ولی در بین راه به مانع برخورد کرد و نتوانست بار را به مقصد برساند، آیا اجیر استحقاق اجرت را دارد؟

ج : اگر غرض رساندن بار به مقصد بوده است و اجیر آن را نرسانده باشد مستحق اجرت نیست، و اگر غرض برداشتن بار بوده است تا هر مقدار راه که بتواند ببرد، در این صورت تا هرکجا که حمل کرده است به همان اندازه مستحق اجرت است، به عبارت دیگر: اگر اجاره به نحو وحدت مطلوب بوده باشد مستحق اجرت نیست و اگر به نحو تعدد مطلوب بوده باشد مستحق اجرت به مقدار عملش است.

س : ۱۰۳۳ - اگر کسی کارگری را برای کار در خانه و یا محل کارش بیاورد، ولی مصالح ساختمانی و بنا حاضر نباشد و این کارگر یک روز را بیکار بماند، آیا کارگر حق اجرت دارد؟

ج : اگر قبلاً تعیین شده باشد مستحق همان است و اگر معین نشده باشد مستحق اجره المثل است.

س : ۱۰۳۴ - کسی پارچه ای را به خیاط می دهد که برای او قبا بدوزد و سایر مایحتاج قبا را هم در اختیار خیاط قرار می دهد ولی خیاط در اثر بی توجهی و سهل انگاری اشتبهاً آن پارچه را بعد از دوختن به کس دیگر می دهد. آیا خیاط ضامن پارچه است یا ضامن قبا؟

ج : ضامن قبا است، ولی اگر متمکن و قادر بر استرداد قبا نباشد، باید قیمت قبا را برای مالک پارچه بدهد. ولی حق گرفتن اجره المثلی که از قبل تعیین شده است دارد.

س : ۱۰۳۵ - اگر کسی حیوانی را برای حمل بار از قریه ای به قریه ای دیگری در روز معینی اجاره نماید و در اثر برف و بارندگی شدید نتوانست بار را برساند، مالک حیوان حق مطالبه اجرت را دارد؟

ج : حق مطالبه اجرت را ندارد.

س : ۱۰۳۶ - شخصی پارچه ای را برای دوختن پیراهن به خیاط می دهد اما خیاط بعداً ادعا می کند که پیراهن را دوخته، اما پیراهن با سایر اجناس در دکان مورد سرقت

قرارگرفت، آیا مستاجر حق مطالبه پارچه را از اجیر، اجیر حق مطالبه اجرت را از مستأجر دارد؟

ج : اگر بدون افراط و تفریط دکان مورد سرقت قرار گرفته باشد مالک پارچه حق مطالبه پارچه و یا قیمت آن را ندارد و اجیر حق مطالبه اجرت را از مستأجر دارد.

س : ۱۰۳۷- اگر کسی خانه ای را اجاره کند و به صاحب خانه بگوید که تعداد اعضاء خانواده ۵ نفرند اما در واقع ۶ نفر باشند یا بعداً یک نفر اضافه گردد، اشکال دارد؟

ج : در فرض سؤال برای بیش از ۵ نفر بدون اجازه صاحب خانه حق استفاده را ندارد، اما اگر بعداً یک فرزند نو در خانه متولد شود اشکال ندارد.

س : ۱۰۳۸ - در برخی مناطق متداول است که قالی بافان به طور نصفه قالی می بافند، به این صورت که نخ را از دکاندار می آورند و قرارداد می بندند که بعد از بافتن، قالی به فروش برسد و نصف قیمت سهم بافنده و نصف دیگر سهم صاحب نخ و دکاندار باشد، این قرارداد صحیح است؟ و در صورت صحت از مصادیق کدام یکی از معاملات جایز است و با توجه به اینکه طرفین قیمت قالی را در زمان قرارداد نمی دانند؟

ج : این قرارداد شبیه اجاره است و عامل حق اجاره المثل متعارف را دارد که نصف قیمت قالی باشد و اشکال ندارد.

س : ۱۰۳۹- اگر مستاجری در زمین مورد اجاره و با اذن موجر دیواری بکشد و بعد از پایان مدت اجاره می تواند دیوار را خراب کند؟

ج : چنانچه وسایل و آلات و مصالح بکار رفته از مستأجر باشد حق دارد خراب کند، اما باید زمین را به حالت اول برگردانده و تسلیم موجر کند.

س : ۱۰۴۰- کسی که اجیر شده است که روزه میتی را بگیرد، می تواند به اتفاق و هماهنگی اعضاء خانواده اش همه در یک روز، روزه میت را بگیرند؟

ج : مانعی ندارد مگر اینکه شرط کرده باشد که خود اجیر روزه را بگیرد.

س : ۱۰۴۱ - مستأجری بدون اذن موجر و مالک، در زمین مورد اجاره، خانه ای می سازد. صاحب زمین می گوید چوپ و دیگر مصالح ساختمانی خود را بگیرد و زمین را آزادکن، اما مستأجر قبول نمی کند و می گوید باید خانه را خریداری کنی و قیمت آن را به من پرداخت کنی، حکم چیست؟

ج : مستأجر باید چوپ و لوازمات را بردارد و زمین را مثل اولش هموار نموده و به صاحبش تسلیم نماید.

س : ۱۰۴۲ - اگر کسی ماده گاوی را برای استفاده از شیرش به مدت ۶ ماه مثلاً به یک سیر روغن اجاره بدهد صحیح است؟

ج : یک سیر روغن اگر مقید به روغن خود آن حیوان نباشد اجاره صحیح است.

س : ۱۰۴۳ - اگر اهالی قریه ای چند نفر را برای انجام کاری در برابر مبلغ معینی اجیر نمایند و این چند نفر همه آن پول را مصرف نکنند و باقیمانده آن را بین خود تقسیم نمایند، آیا برگرداندن آن مبلغ باقیمانده به صاحبانش لازم است؟

ج : چنانچه آن چند نفر اجرت گرفته اند که کاری انجام دهند و آن کار را انجام داده اند، بری الذمه شده اند. و اگر کارگران آن پول را گرفته اند که در جهت انجام کار مورد اجاره مصرف کنند هر مقدار امانه شود به صاحبش برگردانند.

### احکام هبه

س : ۱۰۴۴- کسی که چند فرزند دارد از دنیا می رود بعد از مرگ او برخی از ورثه هبه نامه ای را می آورند که مورث زمین، مایملک خود را پیشتر به آنها هبه کرده است و شاهدان هم شهادت می دهند که هبه نامه دو ساعت پیش از مرگ او و در مرض موت نوشته شده است آیا این هبه نامه اعتبار دارد؟

ج : اگر هبه ثابت شود اگر چه در هنگام بیماری مرگ باشد و قبض و اقباض در زمان حیات و اهب صورت گرفته باشد نافذ است.

س : ۱۰۴۵ - کسی یک قطعه زمین زراعتی خود را به عنوان شیربها به پدر زنش داده بوده است. پدر زن یاد شده چند سال بعد همان زمین را به نواسه خود هبه می کند اما نواسه اش در کودکی می میرد اکنون کودک یاد شده یک خواهر و پدر و مادر دارد زمین مال کدام این سه نفر است؟

ج : زمین یاد شده مال پدر و مادر کودک از دنیا رفته است خواهر او حقی ندارد.

س : ۱۰۴۶- کسی زمین های خود را برای پسرانش تقسیم کرده است و تقسیم خط هم نوشته اند آیا فرزندان او با همین تقسیم نامه صاحب زمین می شوند یا علاوه بر تقسیم هبه هم لازم است؟

ج : اگر زمین های تقسیم شده در زمان حیات پدر به قبض پسران رسیده باشد هبه معاطاتی تحقق یافته است و پسران او مالک شده اند اما اگر قبض و



اقباض صورت نگرفته باشد، زمین های یاد شده باید طبق موازین ارث در بین ورثه تقسیم شود.

س : ۱۰۴۷- در برخی از مناطق هزاره جات رسم است که کسی که از دنیا می رود در هفتم یا چهلم دخترانش را جمع می کنند و درباره ارث و میراث گفتگو می کنند. دختران شخص فوت شده ارث زمین خود را یا می گیرند و یا به برادران خود هبه می کنند اما مواردی پیش می آید که بر اثر اختلاف بعد از بیست و گاهی شصت یا هفتاد سال فرزندان دختر یا نواسه او سهم ارث مادر یا مادر بزرگ خود را می خواهند حکم مسأله چیست؟

ج : اگر برادران یا اولاد آنان نتوانستند هبه و یا اعراض خواهر را ثابت کنند باید طبق موازین ارث از نو تقسیم شود.

س : ۱۰۴۸- دختری در ضمن عقد نکاح با شوهرش شرط می کند که به شرطی راضی به ازدواج می شوم که طلاهای که برای من خریده ای برایم هبه کنی. داماد هم قبول می کند اما بعد از یک سال اختلاف پیدا می شود و از همدیگر جدا می شوند. آیا طلاهای که به دختر هبه شده است مال اوست؟

ج : هبه یکی از زوجین به دیگری بنا بر احتیاط هبه لازمی است و شوهر نمی تواند برگرداند.

س : ۱۰۴۹ - مردی که چهار دختر و چهار پسر دارد از دنیا می رود. دختران به خانه شوهر می روند و پسران زمین های پدرشان را به چهار قسمت تقسیم می کنند. یکی از برادران قسمت و سهمیه خود را می فروشد اما بعد از چند سال که ارزش پول کاهش پیدا می کند و زمین گران می شود یکی از خواهران خود را تحریک می کند که زمین را از مشتری پس بگیرد زیرا در آن زمین دختران مورث هم حق دارند در حالی که خواهر باع دارای عروس و داماد شده است و تاکنون هیچ ادعایی را نداشته است. حکم این مسأله چیست؟

ج : اگر دختران زمین ها را به برادران خود نه بخشیده باشند و فروش آن را

امضاء نکرده باشند نمی توانند نسبت به سهم خود زمین فروخته شده را فسخ کنند نه همه زمین فروخته شده را.

س : ۱۰۵۰- کسی زمین خود را در حضور علماء و مو سفیدان با میل و رغبت خود می فروشد و در قولنامه قید می کند که زمین مال شخصی خودش است اما بعد از چند سالی که قیمت گران می شود ادعا می کند که زمین در واقع مال او نبوده است بلکه زمین را پدرش به مادرش هبه کرده و او به نواسه (فرزند بالغ) اش هبه کرده است بنابراین زمین مال بایع نبوده است بلکه مال فرزند بایع است حکم این مسأله چیست؟

ج : اگر دو نفر عادل شهادت بدهند که پدر بایع زمین را به مادر بایع هبه و او به فرزند بایع هبه کرده است، هبه ثابت می شود اما اگر پسر بایع صغیر بوده باشد و پدرش از باب ولایت او را فروخته باشد معامله صحیح است و به محض ادعا فسخ نمی شود.

س : ۱۰۵۱- کسی در بیماری مرگ زمین خود را وقف حسینییه و یا هبه باعوض می کند و می گوید بعد از مرگ او برای قضای نماز، روزه و زیارت و...مصرف شود این نوع هبه و وقف چه حکمی دارد؟

ج : وقف بعد از موت نمی شود اما هبه کردن به کسی که عوض را بعد از مرگ و اهب انجام بدهد و قبض کرده باشد صحیح است.

س : ۱۰۵۲- کسی که چهار پسر و دو دختر دارد از دنیا می رود. پسرها زمین های پدری را تقسیم می کنند و دختران چیزی نمی گویند اما وقتی برادران از دنیا می روند خواهران از ورثه برادران سهمیه میراث خود را از زمین های یاد شده می خواهند آیا این ادعا درست است؟

ج : اگر دختران سهمیه خود را نبخشیده باشند می توانند از فرزندان برادران خود بگیرند.

س : ۱۰۵۳- شخصی زمین های خود را به نواسه های دختر خود هبه می کند و به

دامادش (پدر نواسه ها) به خاطر همین زمین ها نیابت زیارت می دهد. داماد به زیارت می رود اما از طرف کس دیگری نایب می شود و برای پدر زنش زیارت نمی کند و از دنیا می رود نواسه های صاحب زمین هم نمی توانند زیارت کنند آیا نواسه حق تصرف زمین ها را دارد؟

ج: اگر نوه کبیر شده باشد از طرف جد خود به زیارت برود و اگر صغیر باشد و فوریت در زیارت قید نشده باشد بعد از کبیر شدن برود اما اگر فوریت قید شده باشد وصی متوفی از مال او نایب بگیرد و اگر وصی ندارد حاکم شرع از مال متوفی نایب بگیرد.

س: ۱۰۵۴- اگر کسی قریه الی الله و به قصد ثواب، مالی را به فقیری که از احرام او نیست هبه غیر معوضه کند، در صورت بقاء عین هبه شده، می تواند رجوع کند و هبه را بهم بزند؟

ج: هبه کننده حق رجوع ندارد.

س: ۱۰۵۵- کسی که مالی به او بخشیده شده است، بعد از دریافت، آن مال را بفروشد و یا به دیگری ببخشد. یا نوعی تصرفی را در آن انجام دهد مانند اینکه پارچه بخشیده شده را لباس بدوزد. آیا با انجام این نوع تصرفات بقاء عین موهوبه صدق می کند تا بخشنده حق رجوع داشته باشد یا در حکم تلف است؟

ج: تصرفاتی مانند: بخشیدن و فروختن و نیز مانند تبدیل پارچه به لباس یا حتی رنگ کردن پارچه یا مانند آرد کردن گندم و پختن نان از آرد و امثال این تغییرات حکم تلف را دارد. اما اگر تصرف مانند پوشیدن لباس و یا سوار شدن مرکب و امثال آن باشد که عرفاً می گویند مال بخشیده شده عیناً باقی است. در این گونه تصرفات واهب حق رجوع دارد.

س: ۱۰۵۶- اگر موهوب له (کسی که مالی به او بخشیده شده است) عوض را به واهب (بخشنده) بدهد. آیا قبول عوض لازم است.

ج: قبول عوض بر بخشنده واجب نیست. اما اگر قبول کرد هبه لازم می شود.

س : ۱۰۵۷ - کسی که دیگری مالی به او بخشیده است (موهوب له) اگر مالی را به عنوان عوض به واهب و بخشنده بدهد، می تواند رجوع کند و آن را پس بگیرد؟

ج : رجوع اشکال دارد و بلکه ممنوع است.

س : ۱۰۵۸ - اگر مال بخشیده شده منفعه داشته باشد مانند میوه، حمل، بچه، شیر در پستان و...و بخشنده بخواهد رجوع کند آیا این منافع منفعه مال واهب است یا موهوب له؟

ج : این نمائات مال موهوب له است و واهب فقط عین را می تواند پس بگیرد.

س : ۱۰۵۹ - اگر شخصی ملک خود را به کسی هبه کند اما شرط کند که تا زنده است خود واهب از آن استفاده کند صحیح است؟

ج : اگر به ذوی الارحام با این شرط هبه کند صحیح است و اگر تخلف کند می تواند رجوع کند، اما اگر هبه به غیر ذوی الارحام باشد، چون هبه لازم نیست بدون شرط هم می تواند رجوع کند.

س : ۱۰۶۰ - اگر کسی برای خانمش لباسی خریداری می کند و بعد فوت کند و معلوم نیست که آیا او در زمان حیات خود این لباس را به زوجه اش تملیک کرده است یا نه، لباس مذکور جزء ترکه است یا جزء اموال زوجه؟

ج : اگر معلوم نباشد که به زن هبه کرده است یا نه جزء ترکه میت و مال ورثه است.

س : ۱۰۶۱ - آیا هبه دین و هبه منافع درست است؟

ج : هبه منافع صحیح نیست زیرا شرط صحت هبه آن است که موهوب عین باشد، اما در هبه دین اگر به خود مدیون هبه شود که فایده اش ابراء ذمه ای او است صحیح است و احوط این است که مدیون قبول کند.

س : ۱۰۶۲ - هبه ای معوضه چه نوع هبه ای است؟

ج : هبه معوضه آن است که در آن یا شرط عوض شده باشد و یا اینکه موهوب له عوض آن را به واهب بدهد اگر چه شرط عوض نشده باشد.

س : ۱۰۶۳- آیا در هبة معوضه، پرداختن عوض از سوی موهوب له به واهب شرط است؟

ج : منظور اشتراط عوض است اگر چه این عوض صلح مال یا حقی باشد. بنابراین اگر واهب شرط کند که موهوب له مال یا حقی را به او صلح نماید صحیح است و اگر طبق آن شرط عمل نمود و او هم قبول نماید هبه معوضه می شود و واهب حق رجوع ندارد.

س : ۱۰۶۴- رجوع در هبه چگونه محقق می شود؟

ج : رجوع به دو گونه محقق می شود، یا به قول مانند اینکه بگوید من رجوع کردم و یا به عمل و فعل، مانند اینکه مال را از موهوب له بگیرد، یا آن را به دیگری ببخشد و یا بفروشد و یا اجاره و رهن دهد و مانند اینها، در صورتیکه این کارها به قصد رجوع باشد.

س : ۱۰۶۵- اطلاع دادن موهوب له از رجوع لازم است؟

ج : لازم نیست. انشاء رجوع کافی است.

س : ۱۰۶۶- زید زمین خود را به عمرو بخشیده است و چون قابل کشت نبوده است عمرو آن را تصرف نمی کند بعد از مدتی عمرو فوت می کند، پسر عمرو نیز آن را تصرف نمی کند، اکنون نوبت به نوه اش رسیده است و مدعی ملکیت زمین مذکور را دارد به این دلیل که زید آن را به پدر بزرگش بخشیده است و در حال حاضر زمین در تصرف ورثه زید است، حق با کیست؟

ج : مال بخشیده شده قبل از قبض ملک واهب است. بعد از اینکه موهوب له آن را قبض کرد و متصرف شد، باز اگر هبه به ذی رحم و یا معوضه نباشد تا عین باقی است می تواند رجوع کند و عین را برگرداند، ولی اگر موهوب له وفات کند، هبه لازم می شود.

س : ۱۰۶۷- شخصی خانه ای را به دیگری می بخشد و سالها هر دو در آن خانه زندگی می کنند و سند هبه نیز به قلم یکی از علماء محلی نزد موهوب له موجود است.

ولی واهب این مدرک را قبول ندارد و می گوید که موهوب له در عمارت تصرف نکرده است، آیا سکونت او تصرف حساب می شود؟

ج : اگر هبة مذکور معوضه باشد یا به ذی رحم و یا به گونه ای صلح شرعی باشد، و واهب اذن صریح تصرف در خانه را به موهوب له داده باشد (که از طریق سکونت هر دو در خانه تصرف انجام گرفته است ) رجوع واهب جایز نیست، و در غیر این موارد و شرایط می تواند رجوع کند.

س : ۱۰۶۸- پدری ملکی را به پسر خود هبه می کند و شرط می کند تا من زنده هستم منافع آن متعلق به خودم باشد. بعداً ادعا می کند که من هنگام هبه کردن به ارزش واقعی زمین آگاه نبودم و فکر می کردم که ارزش آن خیلی کمتر از آن است. البته در موقع هبه کردن کسی او را از قیمت واقعی زمین آگاه نکرده بود. از طرف دیگر پسر نیز به پدر وعده داده بوده است که مخارج سفر حج پدر را پرداخت خواهد کرد، تکلیف ورثه پسر چیست؟ واجب است که به وعده ای که پدرشان به پدر بزرگ شان (موهوب له به واهب ) داده است عمل نمایند؟

ج : اگر تا هنگام مرگ، موهوب له آن مال را قبض و تصرف نکرده باشد با فوت او هبه باطل شده است و اگر قبض کرده باشد (اگر چه بعداً برای استفاده آن، را در اختیار واهب قرار داده باشد) هبه لازم شده است و واهب حق رجوع ندارد. اما عمل کردن به وعده پدر از مال صغار جایز نیست، ولی ورثه کبار بهتر است به وعده پدر عمل نمایند. اگر چه عمل به وعده زبانی پدر واجب نیست، اما اینکه پدر بعد از هبه ادعا کرده که از قیمت و ارزش واقعی زمین آگاه نبوده است، مانع از صحت هبه نیست.

س : ۱۰۶۹- در هبة معوضه اگر تنها از یکی طرف اقباض صورت گیرد، هبه لازم می شود؟

ج : در هبة مشروطه به عوض قبض و اقباض (گرفتن و پرداختن ) هر دو لازم است، و با قبض یک طرف هبه لازم تحقق نمی یابد.

س : ۱۰۷۰- اگر مالی به یتیمی هبه شود، با قبض قیّم یتیم، هبه حاصل می شود؟

ج : با قبض یا اذن ولی، هبه حاصل می شود.

س : ۱۰۷۱- اگر مال بخشیده شده از قبل در اختیار موهوب له باشد، قبض جدید لازم است؟

ج : قبض جدید لازم نیست.

س : ۱۰۷۲- اگر ولی صغیر از مال خودش که در دستش هست به صغیر ببخشد، نیاز به قبض جدید دارد؟

ج : قبض جدید لازم نیست، ولی بهتر و موافق با احتیاط این است که ولی بعد از هبه از طرف صغیر قبض کند.

س : ۱۰۷۳- هبه مال مشاع صحیح است؟

ج : صحیح است. چونکه قبض مشاع هم با اجازه شریک امکان دارد.

س : ۱۰۷۴- اگر کسی تمام املاک خود را به یکی از فرزندان خود هبه نماید، ولی فرزند از آن بی اطلاع باشد، و پدر بعد از چند سال همین اندک املاک خود را به کسی بفروشد و بعد از فروش، فرزندش متوجه و آگاه شود که پدرش چند سال قبل این املاک را به او بخشیده است و تاریخ هبه نیز چند سال قبل از تاریخ قبالة فروش است حکم مسأله چیست؟

ج : اگر هبه ثابت شود و در حال هبه فرزند صغیر بوده است و پدر ولایتاً از طرف او قبض و قبول کرده باشد، هبه صحیح و فروش بعدی پدر باطل است. اما اگر فرزند کبیر بوده است و قبض و اقباض صورت نگرفته باشد، هبه باطل و معامله بعدی پدر صحیح است.

س : ۱۰۷۵- در قبض هبه فوریت شرط است؟

ج : شرط نیست. هر وقت بخواهد می تواند قبض کند. در صورتیکه واهب قبل از قبض از هبه خود رجوع نکرده باشد.

س : ۱۰۷۶- منافعی که از مال بخشیده شده در فاصله زمانی بین هبه و قبول از جانب

موهوب له، بد ست می آید مال واهب است یا موهوب له؟

ج : مال واهب است، چون موهوب له عین را بعد از قبول و قبض عین موهوبه مالک می شود.

س : ۱۰۷۷ - درهبة به ذی رحم جعل خیار فسخ از طرف واهب جایز است؟

ج : جایز است، به عنوان تخلف شرط، مثل اینکه پدر به پسر زمینی را هبه کند و شرط کند که لباس را برای او بدوزد و پسر قبول کند اگر لباس را ندوزد پدر می تواند هبه را فسخ کند.

س : ۱۰۷۸ - درهبة معوضه در صورت بقاء عین موهوبه واهب حق رجوع دارد؟

ج : حق رجوع ندارد. چون هبة معوضه از عقود لازم است.

س : ۱۰۷۹ - در هبة بین زن و شوهر در صورت بقاء عین رجوع جایز است؟

ج : اگر قبض صورت گرفته باشد بنا بر احتیاط واجب حق بهم زدن را ندارند.

س : ۱۰۸۰ - اگر کسی بد هکار خود را آبراء ذمه کند، دوباره می تواند طلب خود را از او بگیرد؟

ج : با آبراء ذمه بد هکاربری الذمه می شود و طلبکار حق رجوع ندارد.

س : ۱۰۸۱ - جهیزیه ای که از سوی پدر و مادر به دختر داده می شود، مثل سائر ترکه است و شوهر از آن ارث می برد؟

ج : ظاهر این است که پدر و مادر این جهیزیه را به دختر هبه می کند. لذا او مالک می شود و همانند سائر ترکه، شوهر از آن ارث می برد.

س : ۱۰۸۲ - در هبة معوضه اگر موهوب له عین موهوبه را قبض کند اما عوض را ندهد، حکم چیست؟

ج : واجب است عوض را بدهد و اگر ندهد واهب حق بهم زدن هبه را دارد.

س : ۱۰۸۳ - در هبة معوضه بین پدر و پسر اگر پسر مال موهوب را قبض کرد ولی عوض را نداد، پدر حق رجوع دارد؟

ج : حق رجوع دارد. اگر چه عین تلف شده باشد، در مثلی به مثل و در قیمی



به قیمت می تواند رجوع کند.

س : ۱۰۸۴- شخصی مال خود را به ذی رحم خود هبه کرده است، در بعضی قبض و تسلیم صورت گرفته است و در بعضی صورت نگرفته است، نسبت به مقداری که تسلیم نکرده است حق رجوع دارد؟

ج : می تواند رجوع کند چون قبض و اقباض صورت نگرفته است.

س : ۱۰۸۵- شخصی سه فرزند دارد، زمین و سایر اموالش را بین دو فرزندش تقسیم می کند و فرزند سوم را عاق می کند، آیا پسر عاق شده بعد از فوت پدر از اموال او ارث می برد؟

ج : اگر در زمان حیات خود اموالش را برای دو فرزندش هبه کرده باشد و آن دو نیز قبول و قبض کرده باشند، پسر عاق شده ارث نمی برد و اگر وصیت کرده باشد اموالش را برای دو فرزندش، در این صورت، وصیت به مقدار ثلث از اموالی میت نافذ است و در زائد بر ثلث اگر تمام ورثه راضی شدند نافذ است و اگر راضی نشدند، ثلث اموال بین آن دو برادر تقسیم می شود و دو ثلث دیگر بین تمام ورثه تقسیم می شود به شمول فرزند عاق شده.

س : ۱۰۸۶- شخصی در حال بیماری اموال منقولش را برای برادر غائبش هبه می کند. بعد از چند روز فوت می کند. سه ماه بعد از فوتش، برادرش از هبه آگاه می شود. اولاً: این هبه صحیح است؟ وثانیاً: در صورت عدم صحت، متوفی یک مادر سفیه، دارد و سه برادر، آن اموال به چه کسی تعلق می گیرد؟ و ارث، به مادر که سفیه است تعلق می گیرد. او می تواند اموالش را به کس دیگر هبه کند؟

ج : هبه به برادرش باطل است، زیرا واهب قبل از قبض و اقباض فوت کرده است و آن اموال در فرض سوال به مادر تعلق می گیرد. اگر چه سفیه باشد. اما هبه سفیه بدون اذن حاکم شرع صحیح نیست.

س : ۱۰۸۷- اگر کسی زمین خود را به شرط عوض به دیگری هبه نماید ولی موهوب له عوض را پرداخت نکند و واهب فوت نماید، آیا ورثه واهب حق فسخ را دارند؟

ج : حق فسخ دارند.

س : ۱۰۸۸- اگر کسی مالی را که منقول است به دیگری بفروشد اما قیمت آن را به طور کامل دریافت نکند. آیا بایع خیار فسخ دارد، و نیز در هبة معوضه اگر بعضی از عوض به عهده موهوب له باقی بماند، واهب خیار فسخ دارد؟

ج : در هبة معوضه در فرض سوال خیار فسخ دارد. اما در بیع ندارد، مگر اینکه مبیع را به مشتری تسلیم نکرده باشد، که در این جا خیار تأخیر بعد از سه روز می آید.

س : ۱۰۸۹- شخصی از مال منقول خود برای پسر غائب خود هبه می کند و کس دیگری را با اجازه حاکم شرع وکیل می گیرد که از طرف پسر غائبش مال را قبض کند. اما موهوب له تا زمان فوت واهب حاضر نمی شود. این هبه نافذ است؟

ج : در هبه قبض خود موهوب له یا وکیل او معتبر است، نه قبض وکیل واهب.

س : ۱۰۹۰- شخصی چند فرزند صغیر و یک خواهر دارد، بعد از فوتش بین فرزندان صغیر و خواهرش اختلاف واقع می شود. خواهر خواهان سهم خود از زمین می شود. اما صغیران ادعا دارند که شما حق خود را به پدر ما (که برادر شما بوده است) هبه کرده اید، و سند هبه را نیز ارائه می دهند. اما خواهر منکر می شود و می گوید سند جعلی است. آیا صغار حق قسم دادن عمه ای شان را دارند؟

ج : وصی میت با قیم و ولی صغار حق اقامه شهود دارند و با نبودن شهود حق قسم دادن خواهر میت را دارند.

س : ۱۰۹۱- زنی فوت می کند در حالیکه چند برادر و چند فرزند دارد، زمین های موروثی زن در اختیار برادرانش می باشد. اما اکنون فرزندان این زن خواهان زمین مادرشان هستند اما برادرانشان ادعا دارند که خواهرانشان سهم خود را به آنها هبه کرده است، دعوی مذکور توسط قضا در حوزه اسلامی به نفع برادران زن فیصله می گردد و زمین در تصرف آنها باقی می ماند. اما بعد از مدتی یکی از علماء یک قطعه از زمین مذکور را به وارث خواهر می دهد و سالها است که

وارث خواهر از آن زمین استفاده می کند، برادران آن زن اکنون از دنیا رفته اند. اما وارثین این برادران بر اساس همان فیصله قبلی قضاة ادعای استرداد زمین را دارند، اولاً: می توانند زمین را بگیرند و ثانیاً: در صورت جواز حاصلات چند ساله را نیز می توانند از وارث خواهر بگیرند؟

ج: اگر سند و هبه نامه شرعی داشته باشند، وارثین برادران حق دارند، زمین را با اجره المثل آن بگیرند.

س: ۱۰۹۲- پدری ۵ فرزند دارد، ۳ فرزند کار می کنند و ۲ برادر دیگرشان چون کوچک اند کار نمی کنند، آن سه برادر که کار می کنند درآمد حاصل از کارشان را بدون هبه در اختیار پدر قرار می دهند (طبق رسم معمول در منطقه)، حال اگر پدر فوت نماید. اموال چگونه قسمت می شود؟

ج: اگر پول حاصل از کارشان را به پدر هبه نکرده باشند. مال کارگران می باشد و کسانی که کار نکرده است شریک نیست.

س: ۱۰۹۳- اگر زنی بدون قصد بخشش اموالش را در اختیار شوهرش قرار داده باشد، می تواند از همسرش آن اموال را مطالبه نماید یا بعد از مرگش از ماترک او بردارد؟

ج: چنانچه هبه نکرده باشد می تواند برگرداند.

س: ۱۰۹۴- اگر کسی زمین خود را برای اولاد غایبش هبه نماید و تا زمان فوت پدر اولاد در مسافرت باشند و در زمان حیات پدر قبض و اقباض صورت نگرفته باشد این هبه صحیح است؟

ج: هبه باطل است و زمین میراث است.

س: ۱۰۹۵- شخصی چهار فرزند دارد و در فرض موت خود ملکش را به این ترتیب برای فرزندانش هبه یا وصیت می کند: بخشی را برای دو پسرش که از یک مادرند و بخشی را نیز برای دو پسر دیگرش و بخش سوم را با یک مقدار از توابعش بین چهار برادر مشترک می گذارد و دو برادر بزرگ ادعا دارند که

مقداری از توابع این بخش مشترک، در بین منطقه علف کار دو برادر کوچک واقع شده است. ولی برادران کوچک این ادعا را قبول ندارند و بعد از فوت پدر به مدت ۲۵ سال این دو برادر کوچک از آن محل استفاده نموده اند و پدر نیز در وصیت و یا هبه خود اسمی از آن محل نبرده است. حکم چیست؟

ج : اگر پدر آن املاک را برای فرزندانش هبه کرده باشد و فرزندان نیز در زمان حیات پدر آن زمین ها را قبض کرده باشند. هبه صحیح و لازم می شود و باید طبق حکم هبه عمل شود و اگر وصیت کرده باشد وصیت به مقدار ثلث و یک سوم از اموال نافذ است و اگر وصیت زائد بر ثلث را تمام ورثه رضایت بدهند باز نافذ است و اگر رد کنند، زائد بر ثلث بین تمام ورثه تقسیم می شود. اما حکم آن قسمت از توابع زمین مشترک که بین زمین علف کار دو برادر کوچک واقع شده است. اگر در زمان پدر زمین مجیه و احیاء شده بوده است، باید مطابق وصیت و یا هبه عمل شود اگر حریم ملک و زمین است صاحب آن زمین نسبت به آن حریم اولویت دارد و اگر کوه عام است همه برادران می توانند از آن استفاده کنند.

س : ۱۰۹۶- شخصی مال و زمینی را برای پسران خود هبه می کند. بعضی از پسران صغیر و بعضی نیز غایب هستند، قبضی صورت نگرفته است و در زمان حیات پدر، نسبت به پسران صغار هم قبض شرط صحت هبه است؟

ج : نسبت به پسران غایب که کبیرند هبه محقق نشده است، اما نسبت به صغار اگر واهب پدر یا جد پدری باشد هبه صحیح است.

س : ۱۰۹۷- پدری زمین خود را با اندکی تفاوت، کم و زیاد بین فرزندان خود تقسیم می کند، بعد از فوت پدر یکی از فرزندان می تواند تقسیم را بهم بزند و دوباره تقسیم کند؟

ج : اگر پدر مستمیا تقسیم کرده باشد و حصه هر فرزند را تحویل داده باشد و او قبض کرده باشد، نمی تواند مجدداً تقسیم نمایند. مگر به اتفاق همه وراث.

س : ۱۰۹۸ - شخصی با فشار و اصرار چند نفر، وادار می شود که قسمتی از زمین خود را به کسی هبه کند و بدون رضایت قلبی هبه می کند و در سند هبه یادآور می شود که موهوب له باید با پسران بنده همانند برادر به نیکی و خوبی رفتار نماید. اما اکنون موهوب له بر عکس همانند یک دشمن با آنها رفتار می کند آیا میتواند فسخ کند؟

ج : از شرایط واهب ظاهر می شود که فشار به حد اکراه نبوده است، ولی این هبه اگر مشروط به دوستی با فرزندان واهب بوده است به این شرط عمل نکرده باشد، می تواند فسخ کند.

س : ۱۰۹۹ - شخصی در حال فوت زمین ترکه خود را به پسران برادرش هبه می کند، در حالیکه خود واهب پسر دارد. این هبه صحیح است؟

ج : چنانچه پسر برادرش قبول و قبض کرده باشد هبه صحیح است. اگر قبول و قبض نکرده باشد و یا پسر برادرش صغیر و بدون ولی باشد، زمین مذکور میراث است و بین ورثه تقسیم می شود.

س : ۱۱۰۰ - اگر شخصی زمین خود را برای اولادش هبه کند و بگوید که تا زنده است اختیار تصرف آن را داشته باشد چنین هبه ای صحیح است؟

ج : اگر اولادش صغیر بوده اند و زمین در قبض و اختیار واهب بوده است هبه صحیح است و اگر اولادش کبیر بوده اند و قبول و قبض اولاد نیز در زمان حیات واهب تحقق یافته باشد باز هبه صحیح است. اما اگر اولاد در زمان حیات واهب قبض نکرده باشند هبه باطل است و زمین میراث برای همه وراث می باشد.

س : ۱۱۰۱ - ذوی الارحام چه کسانی هستند؟

ج : ذوی الارحام عبارتند از: اولاد و احفاد، اخوه و اخوات (برادران و خواهران) و اولاد آنها، عمو و عمه و خالو و خاله.

س : ۱۱۰۲- اگر کسی مالی را به غیر ذوی الارحام هبه نماید و موهوب له فوت نماید. آیا واهب می تواند رجوع نماید و مال موهوبه را که نزد وارثش موجود است مطالبه نماید؟

ج : اگر قبض و اقباض در زمان حیات واهب انجام گرفته باشد بافوت موهوب له هبه لازم می شود و حق مطالبه از ورثه او را ندارد.

س : ۱۱۰۳- در هبه معوضه اگر قبل از تقلید عوض به واهب، عوض تلف شود، هبه بهم می خورد؟

ج : اگر واهب بخواهد می تواند مالش را پس بگیرد.

س : ۱۱۰۴- در هبه معوضه می شود عقد و یا ایقاع را عوض قرار داد؟ مثل اینکه بگوید به شرطی این مال را به شما می بخشم که فلان مالت را به من بفروشی و یا اینکه زنت را مثلاً طلاق بدهی؟

ج : اگر عقد و ایقاع صحیح باشد مانند مثالی که در سوال ذکر شده است، شرط قرار دادن آن در هبه اشکال ندارد.

س : ۱۱۰۵- هدایایی که بعد از مراسم عروسی از سوی بستگان عروس و داماد به آن دو می رسد، ملک هر دو است یا یکی از آن دو؟

ج : اگر احراز شود که برای خصوص داماد یا عروس هدیه شده است ملک او است و اگر این اختصاص به یکی از آن دو احراز نشود، ظاهر این است که هدیه بستگان داماد مال داماد و از بستگان عروس مال عروس است اما احتیاطاً با هم مصالحه نمایند.

س : ۱۱۰۶- اگر شخصی مالی را که به شخص غایبی هبه نماید و موهوب له بعد از مدت‌ها حاضر شود و از هبه آگاه گردد اگر در همان هنگام مال را قبض کند اولاً: هبه صحیح است؟ و ثانياً: در صورت صحت منافی که در فاصله زمانی هبه و

قبض کردن داشته است مال واهب است یا موهوب له؟

ج: اگر قبض در زمان حیات واهب صورت گیرد هبه صحیح و لازم است اگر هبه به ذی رحم باشد، و اگر غیر ذی رحم باشد صحیح است و غیر لازم نمائات و منافی که در فاصله مذکور حاصل شده است مال واهب است. ولی نمائات بعد از قبض مال موهوب له است.

س: ۱۱۰۷- بیمار می تواند در بیماری مرگش پیش از یک سوم از اموال خود را به کسی هبه کند؟

ج: اگر واجد شرایط هبه باشد می تواند هبه کند.

س: ۱۱۰۸- پدر بزرگی مقداری از زمین خود را برای نوه اش می دهد اما نه به عنوان ملکیت، بعد از فوت او زمین مال کیست؟

ج: اگر قصدش تملیک نبوده است بلکه فقط اباحت تصرف باشد تا زمانیکه خودش زنده است، بعد از فوت پدر بزرگ زمین مذکور به ورثه انتقال پیدا می کند و مطابق احکام ارث باید عمل شود.

س: ۱۱۰۹- اگر شخصی تمام اموال خود را نزد دخترش بگذارد و خودش مهاجرت نماید و در حال مهاجرت فوت نماید، بعد از مدتی دخترش نیز فوت می کند. اما شوهر این خانم با همین پول که نزد خانمش بوده است زمین خریداری نماید و به پسرش که از زن دیگرش است هبه نماید، زمین فعلا مال کیست و آیا آن شخص حق هبه کردن زمین را به پسرش دارد؟

ج: اگر زمین را به عین مال پدر دختر خریده باشد در صورتیکه همه وراثت معامله را اجازه دهند زمین مال همه وراثت می شود که یکی از این وراثت خود شوهر است (زیرا شوهر یک چهارم از اموال همسر را ارث می برد) و اگر زمین را در ذمه خریده باشد و سپس قیمت آن را از این مال داده باشد. معامله

صحیح، زمین مال شوهر و هبه نیز صحیح است. اما شوهر ضامن آن مال است و باید سهم سایر وراثت را از آن مال بپردازد.

س : ۱۱۱۰ - خواهر و برادری پدرشان را از دست می دهند و مقداری املاک و دارایی از پدر باقی می ماند برادر مقداری از زمین ارثیه ای را به عنوان شیربهاء به پدر خانم خود می دهد و خواهر اعلام نارضایتی می کند. و بعد از مدتی سهم الارث خویش را با دو شرط به برادرش واگذار می کند که عبارتند از: ۱- مبلغ پنج هزار پول نقد باید این برادر به خواهر بپردازد ۲- اگر خواهر قبل از برادر فوت نماید، برادر باید سهم الارث خواهر را جهت انجام تکفین، تدفین و عبادات و خیرات برای خواهر به مصرف برساند. مبلغ مذکور به خواهر پرداخت نمی شود، برادر فوت نموده است و ۲۰ سال است که املاک و دارایی این خواهر در اختیار فرزندان برادر است، لطفاً به سوالات زیر پاسخ دهید:

۱- آیا خواهر شرعاً حق دارد که سهم الارث خود را از فرزندان برادر مطالبه نماید؟

۲- آیا حق مطالبه حاصلات ۲۰ ساله ای املاک و دارایی ها را از فرزندان برادر دارد؟

۳- مقداری از زمین ارثیه ای مشترک را که برادر به عنوان شیربهاء به پدر خانمش داده است آیا خواهر می تواند به اندازه ای سهم خود که در آن زمین شریک بوده است از سایر زمین های سهم الارث برادرش که در تصرف فرزندان نش می باشد از فرزندان برادر مطالبه نماید؟

۴- سالها است که فرزندان برادر املاک را اجاره داده اند و بخشی از درختان را فروخته اند. آیا خواهر حق اجاره بها (به مقدار سهم خود) و قیمت درختان فروخته شده را دارد؟

ج : ۱- اگر برادر به شرط عمل نکرده است هبه به فسخ خواهر باطل می



---

شود و حق مطالبه سهم الارث خود را از فرزندان برادر دارد.

۲- اگر ثابت شود که برادر به شرط عمل نکرده است. خواهر حق مطالبه اجره المثل ۲۰ ساله را از فرزندان برادر دارد.

۳- اگر برادر به شرط عمل نکرده باشد و خواهر هم فسخ کرده باشد. سهم الارث خود را از زمینی که برادرش به پدر خانمش داده است می تواند از او مطالبه نماید. اما نمی تواند به جای آن زمین دیگری از فرزندان برادرش بگیرد مگر با رضایت خود آنها.

۴- در صورت بطلان هبه خواهر حق دارد اجره المثل ۲۰ ساله را مطالبه نماید و اگر آن درخت ها قبلاً در ملک خواهر بوده است و بعداً فروخته شده است، قیمت درختها را نیز از فرزندان برادر می تواند مطالبه نماید و فرزندان برادر ضامن قیمت درختها می باشند.

س : ۱۱۱۱ - خانمی سهم الارث پدری خود را به برادرش هبه می کند. اما شرط می کند که برادرش تا آخر عمر با او زندگی کند. اما برادرش بعد از چند سال از او جدا می شود و زمین موهوبه را نیز می فروشد. این خانم حق فسخ دارد؟

ج : اگر برادر به شرط عمل نکرده باشد، خواهر حق فسخ دارد و بعد از فسخ، برادر حق فروش ندارد و نیز اگر برادر قبل از فسخ خواهر، زمین موهوبه را بفروشد، خواهر می تواند آن معامله را امضاء نموده و قیمت زمین را بگیرد و یا اینکه اصل زمین را مطالبه کند.

س : ۱۱۱۲ - شخصی در زمان حیات خود تمام املاک و دارایی هایش را ۶ قسمت می کند، ۵ قسمت آن را به ۵ فرزندش می دهد و یک قسمت را برای خودش اختصاص می دهد و به فرزندانش می گوید هر کدام از شما که مخارج کفن و دفن و پرداخت دیونم را بعد از من به عهده گیرد، یک ششم از املاک و دارایی هایش

(که در زمان حیات خود آن را به خود اختصاص داده بود) مال او باشد و یکی از فرزندان نیز به عهده می گیرد. از جمله املاک این شخص یک قطعه چمن است که به صورت مشترک با فرزندان خود از آن استفاده می کرده اند، مدت ۳ سال است در زمان حیات پدر استفاده می کرده است و بعدها که چمن را تبدیل به زمین مزروعی نموده اند در هزینه اعمار زمین و کارهایی که روی آن انجام شده است حصه پدر را هم داده است. اکنون بعد از اعمار چمن، سایر برادران در غیاب این برادر، زمین چمن را ۵ قسمت نموده اند و ادعا دارند که در وصیت نامه پدر نیامده است که چمن زار هم به ۶ حصه تقسیم شود. چمن زار به که تعلق دارد؟

ج: اگر یک ششم از تمام املاک خود را برای خودش گذاشته باشد و سپس آن را به پسری داده باشد که مخارج و دیونش را به عهده گرفته است، قهراً یک ششم چمن زار هم به همان فرزند تعلق دارد و در نتیجه دوششم این چمن زار به این فرزند تعلق دارد. اگر چمن زار در شش قسمت داخل نبوده است بعد از فوت پدرین ۵ فرزند به ۵ قسمت تقسیم می گردد.

س: ۱۱۱۳ - پدری زمین خود را با اختیار خودش تقسیم نموده و در اختیار پسرانش قرار می دهد. البته بدون اینکه هبه نماید. اما بعداً متوجه می شود که برای بعضی از پسرانش زمینی باقی نمانده است و یا سهم بعضی از آنها کم است. آیا می تواند این تقسیم را لغو نموده و دوباره عادلانه تقسیم نماید؟

ج: اگر هبه صورت نگرفته باشد پدر می تواند از نو تقسیم نماید و هبه نماید اما خود تقسیم کردن و تسلیم نمودن هر حصه را به فرزندان و قبض کردن آنها عملاً هبه معاطاتی است، ولی اگر صریحاً بگوید که فعلاً هبه نکردم بلکه فقد اباحتاً تصرف کردم، هبه صورت نگرفته است.

## احکام رهن

س : ۱۱۱۴ - شخصی ۲۰ سال قبل زمین خود را به دیگری به ۵ هزار افغانی رهن داده است. اما بجای ۵ هزار افغانی ۱۰ رأس گوسفند به صاحب زمین داده است و هر دو موافقت کرده اند. الان که می خواهند فسخ کنند، شخص رهن گیرنده ادعای ۱۰ رأس گوسفند دارد که صاحب زمین به وی برگرداند آیا چنین حقی دارد؟

ج : چون زمین به پنج هزار افغانی رهن داده شده است و گوسفند ها هر کدام پنج صد افغانی قیمت شده است، رهن گیرنده حق مطالبه گوسفند ها را ندارد. حق مطالبه پنج هزار افغانی را دارد.

س : ۱۱۱۵ - اذا اذن المرتهن في البيع ثم رجع عن اذنه و باع الراهن فاختلفا في كون البيع قبل الرجوع او بعده هل يصح البيع ام لا؟

ج : حيث أن الاصلين متعارضان فيتسا قطان فيرجع الى عدم ترتب الاثر على هذا البيع فيحكم بفساده.

س: ۱۱۱۶- آیا رهن زمین مثل رهن خانه است؟

ج : هر دو یک حکم دارد که با اباحه رهن تمام تصرفات مرتهن بدون اشکال است.

س : ۱۱۱۷ - اگر کسی خانه یا زمینی را رهن نماید. آیا مرتهن بدون اجرت می تواند از آن استفاده نماید؟

---

ج : اگر راهن تمام تصرفات را برای مرتهن اباحه کند و نیز به مرتهن بگوید که می توانی برای دیگران هم اجازه تصرف بدهی هم خودش حق تصرف و نماز خواندن دارد و هم به دیگران می تواند اجازه نماز خواندن و بقیة تصرفات را بدهد.

س : ۱۱۱۸ - هل يجوز أن يرهن دارا او عتارا و يستفيد منهما بلا اجرة؟ و هل تجوز الصلاه مع اذن المالك با التصرف ام لا؟

ج : اذا اشترط الاستفاده من العين المرهونة فى القرض او فى تأجيل الثمن لا يجوز لتحقق الرباء و اذا لم يشترط ذلك و أباح الراهن الاستفادة منها بعد القرض صحت على الاقوى و أن كان الاحوط ان تكون الاستفادة منها بالاجرة ولو كانت قليلة. و مما ذكرنا ظهر جواز صلاه المرتهن فيها مع اذن الراهن و اما صلاه غيره فلا تجوز الا باذن الراهن و المرتهن ايضا.

## احکام صلح

س : ۱۱۱۹ - آیا صلح از عقود است و معنای آن چیست؟

ج : صلح از جمله عقود است و معنای آن این است که دو نفر با هم بر سر چیزی مانند تملیک عین و منفعت یا اسقاط دین و قرض یا اسقاط حق سازش کنند.

س : ۱۱۲۰ - آیا صلح از عقود لازمه است یا از عقود جایزه؟

ج : عقد صلح در صورتی که شرایط معتبره را داشته باشد از عقود لازمه است.

س : ۱۱۲۱ - در عقد صلح همه اقسام خیار وجود دارد یا برخی از آنها؟

ج : غیر از خیار مجلس، حیوان و تاخیر، سایر خیارات وجود دارد.

س : ۱۱۲۲ - کسی مبلغ صد هزار تومان از کس دیگری بدهکار (قرض دار) است. اگر بدهکار کتابش را با طلبکار مصالحه کند به شرط این که طلبکار پولش را از او نخواهد این مصالحه صحیح است؟

ج : بله، با مصالحه بدهکار بری الذمه می شود.

س : ۱۱۲۳ - اگر زن و شوهری مصالحه کنند که شوهر در طلاق رجعی، حق رجوع نداشته باشد این مصالحه صحیح و الزام آور است؟

ج : مصالحه یاد شده صحیح نیست.

س : ۱۱۲۴ - کسی باغی دارد که راه عبور و مرورش از بالای زمین خودش دور است. اما اگر از بالای زمین همسایه برود نزدیک می شود. برادر همسایه صاحب زمین می گوید فلان مبلغ پول بده با هم مصالحه می کنیم و من برادرم را راضی می کنم که به شما راه عبور و مرور از بالای زمینش را بدهد آیا این مصالحه صحیح است؟

ج : مصالحه یاد شده فضولی است و اگر همسایه صاحب زمین آن را امضا و قبول کند صحیح است.

س : ۱۱۲۵ - آیا فضولی بودن در صلح هم امکان دارد مانند بیع، اجاره و...؟

ج : بله، فضولیت در صلح هم جریان دارد.

س : ۱۱۲۶ - آیا در صلح صیغه خاصی معتبر است یا اگر کاری انجام شود که دست بر صلح بکند هم صحیح است؟

ج : در صلح صیغه خاصی معتبر نیست.

س : ۱۱۲۷ - آیا ده کیلوگندم با پانزده کیلو جو مصالحه می شود؟

ج : مصالحه در چیزهای مکمل و موزون که از یک جنس باشند در صورت مساوی بودن صحیح است نه همراه با زیادی.

س : ۱۱۲۸ - طرفین دعوایی با هم مصالحه کردند اما بعد از آن می خواهند عقد مصالحه را به هم بزنند آیا چنین حقی دارند؟

ج : اگر هر دو طرف دعوا راضی باشند که عقد صلح را به هم بزنند می توانند عقد را فسخ کنند.

س : ۱۱۲۹ - دو نفر با هم مصالحه کردند و شرط کردند که متصالح فلان جنسی را به مصالح هبه کند اما بعد از مصالحه، متصالح به

شرطش عمل نکرد آیا مصالح می تواند عقد صلح را به هم بزند؟

ج : بله، این حق را دارد.

س : ۱۱۳۰ - اگر دو نفر دو جنسی را با هم مصالحه کنند و یکی از این دو جنس معیوب بوده باشد آیا کسی که جنس معیوب را گرفته

است حق فسخ عقد را دارد یا حق گرفتن ارش را؟

ج : در این صورت حق خیار فسخ دارد اما اگر مصالحه را قبول کرد نمی تواند ارش بگیرد.

س : ۱۱۳۱ - آیا صلح، همیشه مسبوق به نزاع ودعوا دربین دو نفر است؟

ج : تشریح صلح در دین مقدس اسلام برای فصل خصومت و رفع نزاع است اما درغیر خصومت و نزاع هم صلح امکان دارد.

س : ۱۱۳۲ - کسی که مالی را با دیگری صلح می کند بعد از مدتی می تواند همان مال را با غیر او صلح کند؟

ج : اگر صلح صحیح بوده است نمی تواند مگر با اجازه متصالح.

س : ۱۱۳۳ - اگر ورثه میت چند برادر و خواهر باشند و خواهران سهم الارث خود را با برادران خود مصالحه کنند اما بعد از چند سال همین خواهران ادعای ارث می کنند آیا چنین حقی دارند؟

ج : اگر خیار فسخ نداشته باشند و صلح دارای شرایط معتبره بوده است چنین حقی ندارند.

س : ۱۱۳۴ - کسی که مال کس دیگری را غصب می کند و صاحب مال برای گرفتن مال خود متعهد می شود که مبلغی را به غاصب پرداخت کند آیا این گونه تعهدات از مصادق صلح است و صاحب مال مغضوب ملزم به پرداخت مبلغ تعهد شده است؟

ج : این گونه تعهدات از مصادق صلح نیست و صاحب مال ملزم به پرداخت مبلغ یاد شده نیست.

س : ۱۱۳۵ - کسی با برادرش در برابر مبلغ پولی مصالحه می کند که او را به زیارت کربلا ببرد و هر چه مصرف شد به عهده مصالح باشد اما برادر دیگر مسامحه می کند و او را به زیارت کربلا نمی برد آیا مصالح حق دارد که پول وجه المصالحه را از برادرش (متصالح) بگیرد؟

ج : صاحب پول حق فسخ دارد.

س : ۱۱۳۶ - کسی زمین های کشاورزی خود را با برخی از ورثه ها صلح می کند و در

---

ضمن صلح شریطی را یاد آوری می کند که بعد از فوت مصالح (صاحب زمین) باید انجام داده شود. اما بعد از فوت او شرایط یاد شده از سوی برخی از وراثت مصالح نادیده گرفته می شود و عمل نشود آیا سایر ورثه حق فسخ این صلح را دارند؟

ج: اگر سایر ورثه ها نتوانند ورثه های متصالح را ملزم به انجام شرایط صلح کنند می توانند عقد صلح را فسخ کنند.

س: ۱۱۳۷ - کسی در حال حیات خود برای پسر بزرگش عروسی می کند و مبلغی را خرج می کند آیا او می تواند فرزند بزرگ خود را از باقی ماترک خود محروم کند و اموال خود را با دیگر وارثان صلح کند؟

ج: ببله، جایز است اگر منجز باشد یعنی معلق به فوت مصالح (مورث) نباشد.



## احکام وکالت

س : ۱۱۳۸ - دو برادری که خانه و زندگی مشترکی دارند اما برادر کوچک هوشیارتر و فهیم تر از برادر بزرگ است آیا برادر کوچک می تواند امور زندگی و دخل و خرج را به دست بگیرد؟

ج : در صورتی که برادر بزرگ، برادر کوچک را وکیل بگیرد تصرفات برادر کوچک نافذ است.

س : ۱۱۳۹ - اگر کسی، دیگری را وکیل در اجرای صیغه عقد نکاح یا فروش خانه اش بکند و دربارہ جواز یا عدم جواز وکیل در توکیل سخنی نگوید آیا وکیل می تواند به جای خودش کس دیگری را برای انجام کارهای یاد شده وکیل بگیرد؟

ج : تا زمانی که موکل برای وکیل در توکیل اجازه نداده است وکیل نمی تواند دیگری را وکیل بگیرد.

س : ۱۱۴۰ - مالک باغی، کسی را برای فروختن باغش وکیل می کند اما وکیل خودش این کار را انجام نمی دهد بلکه کس دیگری را وکیل می گیرد برای فروختن باغ. صاحب باغ از فروش باغش منصرف می شود اما وکیل ادعا می کند که اختیار از کف صاحب باغ رفته است و نمی تواند از فروش باغ خود منصرف شود حکم این مسأله چیست؟

ج : اگر صاحب باغ وکیل اول را به طور مطلق وکیل نکرده باشد، وکیل نمی تواند کس دیگری را وکیل بگیرد اما اگر صاحب باغ وکیل اول را به طور مطلق وکیل گرفته باشد و اجازه وکیل در توکیل داده باشد می تواند پیش از

---

فروش باغ و کیل دوم را از وکالت عزل کند زیرا وکالت از عقود جایزه است بنابراین صاحب باغ می تواند از فروختن باغ خود جلوگیری کند.

س : ۱۱۴۱- کسانی که از مرجعی تقلید دارند بعد از فوت آن مرجع تقلید مقلدین شان می توانند وجوهات شرعیه خود را به وکلاء آن مرجع بد همد یا نه؟

ج : بعد از فوت مرجع تقلید وکلاء او از وکالت عزل می شوند و نمی شود به آنها وجوهات داد مگر اینکه از طرف مرجع حی که به اجازه او باقی مانده وکیل بوده باشند.

## احکام قرض

س: ۱۱۴۲ - مستثنیات دین که فروختن آنها برای پرداخت بدهکاری بر مدیون واجب نیست کدامند؟

ج: خانه محل سکونت، لباس مورد نیاز، زیورآلات در صورتی که فراخور حالش باشد. مرکب سواری مانند اسب یا ماشین سواری، فرش و ظروف و... البته همه این ها در صورتی استثناء شده که زاید بر شأن و موقعیت بدهکار نباشد.

س: ۱۱۴۳ - اگر خانه مدیون و بدهکار بیش از مورد نیاز و احتیاجش باشد وظیفه اش چیست؟

ج: باید مازاد بر احتیاج خود را بفروشد و یا این که همه خانه خود را بفروشد و خانه کوچکتر مناسب حال خود بخرد و مازاد قیمت خانه را به طلبکاران خود بدهد.

س: ۱۱۴۴ - اگر بدهکار دوسه باب خانه داشته باشد و به همه آنها هم احتیاج داشته باشد وظیفه اش چیست؟

ج: اگر واقعا به همه آنها نیاز داشته باشد همه آنها استثناء شده است.

س: ۱۱۴۵ - آیا خانه که از مستثنیات دین است مخصوص حال حیات مدیون و بدهکار است یا بعد از مرگ او را هم شامل می شود؟

ج: خانه بدهکار که استثناء شده است مخصوص حال حیات اوست بعد

از مرگ بد هکار اگر مال و سرمایه دیگری نداشته باشد خانه اش فروخته و به طلبکارانش پرداخت می شود.

س : ۱۱۴۶- اگر بد هکار با رضایت خود خانه اش را بفروشد و قیمت آن را به طلبکارانش بدهد طلبکاران می توانند آن را بگیرد؟

ج : چیزهایی که استثناء شده است معنایش این است که طلبکاران، بد هکار را مجبور به فروختن آنها نکند تا بد هکار در تنگنا قرار نگیرد اما اگر خود بد هکار با رضایت خود خانه خود را بفروشد و بد هکاری خود را پرداخت کند، گرفتن آن برای طلبکاران مانعی ندارد.

س : ۱۱۴۷- کسی که مجبور به گرفتن وام با بهره (ربا) می شود و اموالش مخلوط به حرام می شود و هنوز وام یاد شده را پرداخت نتوانسته است وظیفه فرزندان و مهمانانش چیست که از اموال مخلوط به حرام استفاده می کنند؟

ج : اگر عین آن مال فعلا در میان اموال بد هکار نیست و معاملاتی که انجام داده است کلی بوده است. تصرف خود و خانواده اش در آن اموال جایز است.

س : ۱۱۴۸- کسی که مبلغ مثلا صد هزار تومان قرض ربوی می گیرد و در هر ماه سه هزار تومان به عنوان بهره به صاحب پول پرداخت می کند اگر این قرض به اندازه ای طول بکشد که بهره پرداخت شده آن برابر با اصل پول شود آیا بد هکار می تواند اصل پول را ندهد و بگوید ربا حرام است و پول خود را تدریجا از من گرفته ای؟

ج : طلبکار آن چه را که به عنوان ربا و بهره گرفته است ضامن است. بد هکار در صورت امکان با اجازه حاکم شرع می تواند تقاص کند.

س : ۱۱۴۹- کسی که بد هکار است، بدهی خود را پرداخت می کند اما به طلبکاران نمی گوید که این پول به عنوان بد هکاری من به شما پرداخت می شود او در

دفترچه خود یادداشت می کند که طلب و قرض فلانی را پرداخت کردم. آیا بدون یاد آوری بدهی خود نسبت به طلبکار بری الذمه می شود؟

ج : در صورتی که گیرنده متوجه باشد که طلب او را پرداخت کرده است کفایت می کند.

س : ۱۱۵۰- کسی که بدهکار است اگر طلبکارش بمیرد و ورثه هم نداشته باشد وظیفه اش چیست؟

ج : باید جستجو کند تا ورثه پیدا شود، اگر از ۹۰ پیدا کردن ورثه نا امید شد به حاکم شرع پرداخت کند تا به وظیفه اش عمل کند.

س : ۱۱۵۱- طلبکار به بدهکار می گوید اگر مبلغ هشتاد هزار تومان از صد هزار تومان قرضم را بدهی مبلغ بیست هزار تومان باقی مانده را به تو می بخشم. طلبکار وقتی مبلغ هشتاد هزار تومان خود را می گیرد مبلغ بیست هزار تومان باقی مانده را طلب می کند و می گوید این حيله ای بود که برای به دست آوردن پولم به کارگرفتم و واقعا قصد بخشش بیست هزار تومان را نداشتم آیا با پرداخت هشتاد هزار تومان بدهکار بری الذمه می شود؟

ج : از ظاهر سؤال فهمیده می شود که طلبکار قصد ابراء ذمه بدهکار را نداشته است و صرفا وعده داده است، صرف وعده موجب براءت ذمه نمی شود. اما اگر طلبکار مبلغ صد هزار تومان قرض موجد خود را با مبلغ هشتاد هزار تومان مصالحه کند و از بدهکار بگیرد، بدهکار بری الذمه می شود.

س : ۱۱۵۲- اگر طلبکار برای گرفتن قرض خود مبلغی را خرج کند مانند گرفتن وکیل، مصارف رفت و آمد، کرایه ماشین و... آیا علاوه بر اصل قرض، مصارف یاد شده را می تواند از بدهکار بگیرد و اگر گرفته باشد وظیفه اش چیست؟

ج : مصارف یاد شده را نمی تواند از بدهکار بگیرد و اگر گرفته باشد باید رضایت بدهکار را جلب کند.

س : ۱۱۵۳ - بد هکاری که می داند طلبکارش خمس نمی داده است و ورثه اش هم نمی دهد آیا می تواند بدهی خود را از طرف طلبکار مرحوم به مستحقین خمس پرداخت کند؟

ج : با علم به اشتغال ذمه میت و امتناع ورثه او و با اجازه حاکم شرع می تواند آن را به مستحقین بدهد.

س : ۱۱۵۴ - کسی از دیگری بد هکار است و اعتراف و قصد پرداخت هم دارد اما هر بار به بهانه های گوناگون پرداخت بدهی خود را به تاخیر می اندازد آیا طلبکار می تواند به اندازه قرضش از اموال بد هکار بردارد؟

ج : اگر توانایی پرداخت بدهی خود را دارد و پرداخت نمی کند باید طلبکار به حاکم شرع رجوع کند تا حاکم شرع بد هکار را ملزم به پرداخت بد بیهی اش بکند. و در صورت زیر بار نرفتن بد هکار با اجازه حاکم شرع می تواند از اموالش بردارد.

س : ۱۱۵۵ - کسی از طرف وام دهنده وکیل می شود که اقساط وام را از بد هکاران جمع آوری کند و حق الزحمه خود را از بد هکاران بگیرد. گرفتن حق الزحمه چه حکمی دارد؟

ج : اگر وام مشروط به این باشد که بد هکاران حق الزحمه وکیل در جمع آوری اقساط طلبکار را بد هند این شرط باطل است اگر بد هکاران با اختیار و رضایت خود کسی را مامور جمع آوری اقساط بکنند و مبلغی را هم به عنوان حق الزحمه بدهند اشکالی ندارد.

س : ۱۱۵۶ - مالک به خاطر اضطرار و ضرورتی مانند بیماری فرزندش ملکی را به عنوان رهن ربوی معامله می کند و به خاطر حفظ آبروی خود آن چه را که مرتهن به عنوان سود می خواهد از او قبول می کند. سرانجام رهن (مالک) قدرت پرداخت وجه رهن را پیدا نمی کند و مرتهن بدون اجازه رهن و بدون پرداخت

قیمت والهعی ملک بر اساس مقررات اداری عین مرهونه را تملک می کند. اگر همین ملک را از راهن بدون اجازه مرتین بخرد حلال و جایز است؟

ج : به طور کلی قرض ربوی رهن داشته باشد یا نداشته باشد صحیح است اما شرط آن باطل است اگر بدهکار از پرداخت بدهی خود امتناع کند و عین مرهونه هم از مستثنیات دین نیست طلبکار می تواند به اندازه طلب خود از قیمت عادلانه عین مرهونه تقاص کند. خرید عین مرهونه بدون اجازه راهن باطل و تصرف در آن حرام است.

س : ۱۱۵۷ - اگر کسی نیازمند باشد و قرض الحسنه پیدا نشود برای حفظ نفس خود و خانواده خود قرض ربوی بگیرد و حتی قرض گیرنده به قرض دهنده پیشنهاد کند که بهره و سود بدهد اما از طریق شرعی یعنی توجیه و راه شرعی پیدا کند اما وام دهنده قبول نکند آیا گرفتن قرض ربوی جایز است؟

ج : اضطرار عرفی برای حفظ نفس موجب تغییرات حرمت ربا نمی شود بلکه راه های دیگری نیز وجود دارد که در توضیح المسائل (مساله ۳۰۴۰) آمده است.

س : ۱۱۵۸ - کسی به دیگری پولی قرض می دهد اما شرط می کند که دو ماه بعد یک خروار گندم و هر سیر پنجاه افغانی زیر قیمت بفروشد یا فلان جنس مرا گران تر از قیمت بازار بخرد آیا این شرط جایز است؟

ج : در هر دو صورت اصل قرض صحیح است اما شرط باطل است چون ربوی است.

س : ۱۱۵۹ - کسی از دیگری پولی قرض می کند و منزلش را به مدت یک سال به قرض دهنده رهن بدون عوض می دهد تصرف مرتین و نماز خواندن او در منزل در صورت جهل چه حکمی دارد؟

ج : اگر در قرض دادن انتفاع مرتین شرط نشود و راهن بعداً اجازه انتفاع

بدهد اشکالی ندارد اما اگر در قرض دادن انتفاع از خانه شرط شود ربوی و حرام می شود. انتفاع مرتهن از سکونت در خانه جایز نیست و ضامن اجرت المثل است مگر این که راهن و قرض گیرنده راضی شود نمازهایی که در آن خانه خوانده شده است در صورت چهل به حکم اعاده و قضا ندارد.

س: ۱۱۶۰ - با توجه به سوال پیشین پول هایی که به عنوان قرض و شرط ربی گرفته می شود قابل تصرف است؟

ج: تصرف جایز و شرط ربی باطل است.

س: ۱۱۶۱ - کسی مبلغی را به دیگری قرض می دهد و شرط می کند که وجوه شرعی اش را به رام دهنده بدهد تا در فلان مورد، نیابتاً یا وکالتاً، مصرف کند آیا این قرض ربوی است؟

ج: اصل قرض صحیح است اما اگر شرط برای انجام عمل واجبی باشد مانند پرداخت وجوه شرعی به مستحق آن جایز است.

س: ۱۱۶۲ - آیا کسی می تواند با رئیس شعبه بانکی به جای معامله ربوی، بیع شرط کند؟

ج: در صورتی که رئیس شعبه بانک اجازه و صلاحیت این کار را از مقامات و مسئولین مربوطه داشته باشد معامله بیع شرط صحیح است.

س: ۱۱۶۳ - بعضی از بانک های قرض الحسنه قانونی دارند که اگر کسی مدتی مبلغی را به عنوان سپرده ثابت در بانک بگذارد بعد از مدتی ده برابر آن را به صاحب سپرده وام می دهد مشروط به این که سپرده اش را تا پرداخت آخرین قسط وام از بانک نگیرد حکم این مسأله چیست؟

ج: هر دو شرط گذاشتن سپرده برای گرفتن وام دو برابر آن و گذاشتن سپرده تا پرداخت آخرین قسط با اجازه حاکم شرع صحیح است.

س: ۱۱۶۴ - اگر قرض گیرنده مال خود را کمتر از قیمت واقعی به قرض دهنده بفروشد به شرط این که خریدار فلان مبلغ را به باع قرض بدهد یا قرض گیرنده



مالی را گران تر از قیمت واقعی آن از قرض دهنده بخرد آیا چنین عملی جایز است؟

ج : چنین عملی جایز نیست زیرا شرط در ضمن عقد قرض موجب ربا می شود.

س : ۱۱۶۵- اگر موعد پرداخت قرض رسیده باشد و بدهکار غیر از اجناسی که در دین استثناء شده است دارد اما به فروش نمی رسد مگر ارزان تر از قیمت واقعی آیا بر بدهکار واجب است که اجناس خود را ارزان تر بفروشد و دین خود را پرداخت کند؟

ج : اگر ارزانی قیمت به اندازه ای نباشد که بیع ضرری به حساب آید واجب است که بفروشد اما اگر بیع ضرری صدق کند بعید نیست که فروش آن واجب نباشد.

س : ۱۱۶۶- اگر بدهکار در عسر و حرج باشد و نتواند بدهی خود را پرداخت کند آیا جایز است که طلبکار او را تحت فشار قرار بدهد؟

ج : در این صورت تحت فشار قرار دادن بدهکار حرام است و باید به او فرصت و مهلت داده شود تا توان پرداخت قرض خود را پیدا کند.

س : ۱۱۶۷- اگر بدهکار توان پرداخت دین خود را داشته باشد اما به تأخیر اندازد آیا مرتکب گناهی شده است؟

ج : اگر قدرت بر پرداخت بدهی داشته باشد به تأخیر انداختن آن از گناهان کبیره است و حتی در صورتی که توان پرداخت هم نداشته باشد لازم است نیت و قصد پرداخت عندالتمکن را داشته باشد.

س : ۱۱۶۸- اگر بدهکار پیش از رسیدن موعد پرداخت دین و قرض بمیرد آیا بر ورثه واجب است که بدهکاری او را پرداخت کنند یا صبرکنند تا موعد پرداخت برسد؟

ج : بر ورثه واجب است که فوراً بدهکاری او را پرداخت کنند.

س : ۱۱۶۹- اگر طلبکار پیش از موعد پرداخت طلبش بمیرد ورثه می توانند طلب او را از بدهکار بخواهند؟

ج : در صورت فوت طلبکار، بدهکار می تواند تا موعد پرداخت بدهی صبر کند و ورثه طلبکار حق ندارند طلب مورث را از بدهکار بخواهند.

س : ۱۱۷۰- اگر شوهر برای پرداخت مهریه همسرش وقتی را معین کند اگر پیش از رسیدن آن وقت همسرش را طلاق بدهد آیا همسرش می تواند مهریه اش را بخواهد و اگر شوهر بمیرد زن می تواند مهریه را از ورثه بخواهد؟

ج : طلاق حکم مرگ شوهر را ندارد. در طلاق باید زن صبر کند تا وقت معین پرداخت مهریه برسد.

س : ۱۱۷۱- در دیون موجل (مدت دار) طلبکار می تواند پیش از رسیدن مدت طلب از بدهکار تقاضای پرداخت کند و اگر بدهکار پیش از رسیدن موعد پرداخت بدهی خود را پرداخت کند بر طلبکار واجب است که قبول کند؟

ج : این مسأله دو صورت دارد: ۱- اگر دین مضمن در سلم یا ثمن در نسیه یا اجرت در اجاره باشد طلبکار حق ندارد که پیش از رسیدن موعد تقاضای پرداخت کند و بر طلبکار واجب نیست که طلب خود را پیش از رسیدن وقت قبول کند. ۲- اگر دین، قرض مدت دار باشد طلبکار پیش از موعد مقرر می تواند تقاضای پرداخت کند مگر این که طلبکار در ضمن عقد لازم دیگر شرط کرده باشد که تا وقت معین تقاضای پرداخت نکند در این صورت لازم است به شرط عمل کند. اما اگر تخلف کرد و تقاضای پرداخت کرد بر بدهکار لازم است که در صورت توان پرداخت بدهی خود را پرداخت کند و اگر بدهکار حاضر شد که بدهی خود را پیش از موعد پرداخت کند بر طلبکار واجب است که قبول کند.

س : ۱۱۷۲- اگر کسی (جودر) قرض بگیرد و گندم پرداخت کند جایز است؟

ج : جایز نیست زیرا مشتمل بر ربای قرضی می شود.

س : ۱۱۷۳ - با توجه به این که اسکناس (پول کاغذی) از معدودات است و در معدودات معامله ربوی نیست آیا اسکناس رایج در کشورها حکم معدود را دارد؟

ج : اگر معامله به صورت نسیه و مدت دار باشد یعنی مبلغ صد هزار پول اسکناس فعلی به مبلغ صد و ده هزار تومان سه ماه بعد فروخته شود جایز نیست زیرا در حقیقت قرض ربوی است اما اگر مبلغ صد هزار اسکناس خرد، به مبلغ نود هزار پول اسکناس درشت فروخته شود اشکالی ندارد.

س : ۱۱۷۴ - آیا بهره و سودی را بانک ها در برابر سپرده های مردم می دهد تصرف در آن جایز است؟

ج : این مسأله سه صورت دارد: ۱- اگر به عنوان مضاربه باشد، گرفتن سود طبق قرارداد و با اجازه حاکم شرع اشکالی ندارد. ۲- اگر به عنوان قرض و بدون قرارداد باشد اما بانک مبلغی را به عنوان هبه به صاحب پولی بدهد این هم با اجازه حاکم شرع اشکالی ندارد. ۳- اگر پول به عنوان قرض باشد و در ضمن آن قرارداد سود هم بشود ربا و حرام است اما اگر با وکالت از سوی مجتهد قیض و با اجازه او مصرف شود حرام نیست.

س : ۱۱۷۵ - اگر بیع شرط این گونه باشد که صاحب زمین هر وقتی که بر سرزمین خود بازگشت معامله را فسخ کند آیا این بیع شرط جایز است؟

ج : در صورتی که مدت برای خیار تعیین نشده باشد صحت بیع شرط خالی از اشکال نیست تراضی و مصالح بایع با مشتری احوط است.

## احکام حجر

س: ۱۱۷۶ - معنای حجر چیست؟

ج: کسی که از تصرف در اموال خود به خاطر صغارت، سفاهت، افلاس و مانند اینها از نظر شرعی منع شود او را محجور می گویند.

س: ۱۱۷۷ - آیا انسان نابالغ در صورتی که قیمت، رهن و اجاره اجناس را تشخیص بدهد می تواند تصرف کند؟

ج: تصرفات کسی که به بلوغ نرسیده است در اموالش مطلقاً نافذ نیست اگر چه دارای تمیز و رشد و تصرف به نفع و صلاح او باشد.

س: ۱۱۷۸ - انسانی که شش ماه بعد به بلوغ می رسد اگر معامله ای در ذمه به نسیه یا سلم انجام بدهد که وقت پرداخت آن در زمان بلوغش باشد صحیح است؟

ج: انسان نابالغ همان گونه که نسبت به اموالش محجور است نسبت به ذمه اش هم محجور است.

س: ۱۱۷۹ - آیا انسان نابالغ می تواند برای خود زنی را عقد کند یا همسرش را طلاق بدهد یا اجیر از جانب کسی بشود؟

ج: تزویج، عقد، طلاق و اجیر شدن صغیر صحیح نیست. اگر اجیر شده باشد اجرت المثل را مستحق است.

س: ۱۱۸۰ - آیا انسان نابالغ می تواند مباحات را حیازت کند و آن را مالک شود؟

ج: بله، می تواند حیازت کند و به قصد تملک مالک شود.

س: ۱۱۸۱ - آیا ولی صغیر می تواند با اموال او مضاربه کند؟

ج: بله، اگر عامل امین و مورد اطمینان باشد اما اگر مال صغیر را به غیر

امین و غیر مطمئن بدهد ضامن است.

س : ۱۱۸۲ - آیا ولی مجنون همان کسانی است که بر صغیر ولایت دارند یا تفاوت دارند؟

ج : صغیر و مجنون در همه احکام مساوی هستند. اما اگر جنون بعد از بلوغ دامنگیر مجنون شود ولی او حاکم شرع است، اگر چه احتیاط در توافق و همکاری پدر، جد یا وصی آنها با حاکم شرع است.

س : ۱۱۸۳ - اگر صغیر بعد از بلوغ نفقه ولی را منکر شود یا اصل انفاق را قبول داشته باشد اما انفاق سزاوار حال و فراخور شانس را انکار کند و ولی صغیر قول او را رد کند قول کدام یکی مقدم می شود؟

ج : این نزاع اثر عملی ندارد.

س : ۱۱۸۴ - سفیه به چه کسی گفته می شود؟

ج : سفیه کسی است که مال و سرمایه خود را با شیوه عقلانی دخل و خرج نمی کند.

س : ۱۱۸۵ - سفیهی که از تصرف در اموال خود منع شده است ولی او کیست؟

ج : اگر سفاهت از زمان کودکی بوده باشد پدر و جد پدری او ولی است و اگر سفاهت بعد از بلوغ عارض شده باشد حاکم شرع ولی اوست.

س : ۱۱۸۶ - آیا وکالت سفیه از غیر سفیه برای اجرای عقد بیع، هبه، اجاره و نکاح صحیح است؟

ج : بله، اگر سفیه چنین عقودی را اجراء کند صحیح است.

س : ۱۱۸۷ - آیا قسم و نذر سفیه صحیح است؟

ج : اگر نذر و قسم به مالی اوتعلق بگیرد صحیح نیست اما اگر نذر و قسم به انجام دادن کاری یا ترک کردن کاری تعلق بگیرد صحیح است.

س : ۱۱۸۸ - اگر سفیه کاری کند که موجب کفاره بشود مانند افطار عمدی روزه ماه

مبارک رمضان یا قتل خطایی آیا کفاره بر او واجب می شود؟

ج : بله، از نظر شرعی در این گونه موارد تفاوتی میان سفیه و غیر سفیه نیست.

س : ۱۱۸۹ - در کفاره هایی که غیر سفیه مخیر بین روزه گرفتن و کفاره مالی است آیا سفیه نیز مخیر است؟

ج : اختیار روزه برای سفیه احوط است اما اگر توان گرفتن روزه را نداشته باشد کفاره مالی متعین است.

س : ۱۱۹۰ - اگر سفیه کاری کند که موجب کفاره مالی است مانند کفاره احرام یا فدیة ماه مبارک رمضان حکمش چیست؟

ج : کفاره و فدیة مالی را باید بدهد.

س : ۱۱۹۱ - اگر سفیه اموال خود را بخواهد، گذاشتن اموال در اختیار سفیه جایز است؟

ج : تا زمانی که رشد سفیه ثابت نشود جایز نیست.

س : ۱۱۹۲ - چه کسی ولایت در تصرف در اموال صغیر دارد و سرپرست و ناظر بر مصالح او کیست؟

ج : ولایت در تصرف با پدر و جد پدری یا سرپرست منصوب از طرف آنان است و اگر هیچ کدام نباشد ولایت با حاکم شرع است.

س : ۱۱۹۳ - اگر کودک صغیری پدر، جد پدری و سرپرست منصوب از طرف آنان نداشته باشد حاکم شرع یا وکیل او هم نباشد آیا مادر، برادر و عموی صغیر بر او ولایت دارد؟

ج : اگر پدر، جد پدری، سرپرست منصوب از طرف آنان، حاکم شرع یا وکیل او نباشند ولایت با عدول مومنین است و اگر آنها هم نباشند ولایت با وثوق مومنین است نه با مادر و نه برادر و نه عمو.

س : ۱۱۹۴ - آیا در ولایت پدر و جد پدری عدالت شرط است و اگر پدر یا جد پدری

---

در اموال صغیر خیانت کنند حکم شان چیست؟

ج : در ولایت پدر و جد پدری عدالت شرط نیست، اما اگر خیانت کنند حاکم شرع مانع از تصرف آنان می شود.

س : ۱۱۹۵ - آیا ولایت پدر و جد پدری در عرض هم است یا در طول هم؟

ج : ولایت هر دو و در عرض هم است و هر کدام پیش تر تصرف کند نافذ است و اگر هر دو هم زمان تصرف کنند، تصرف جد پدری نافذ است.

س : ۱۱۹۶ - اگر صغیر از کسی طلبکار باشد ولی او می تواند طلب او را با کمتر از مبلغ واقعی مصالحه کند؟

ج : اگر مصالحه به نفع صغیر باشد جایز است اما برای بدهکار تملک مابه التفاوت جایز نیست.

## احکام ضمان

س : ۱۱۹۷ - اگر کسی پولی یا جنسی را نزد دیگری ودیعه بگذارد و این پول و یا جنس را دزد ببرد آیا شخص امین ودیعی ضامن است؟

ج : اگر ودیعی در حفظ ودیعه و امانت افراط و تفریط نکرده باشد ضامن نیست، مانند اینکه در نگهداری مال امانتی دقت و احتیاط لازم را کرده باشد و در جای مناسبی نگهداشته باشد. اما دزدان مسلح بیایند و دست و پای او را ببندند و قدرت دفاع را از او سلب نمایند و مال را ببرند.

س : ۱۱۹۸ - اگر سگ صاحب خانه، مسافر یا یکی از همسایگان را گاز بگیرد و مجروح کند و یا کشته شود، آیا صاحب سگ ضامن است؟

ج : اگر با اذن صاحب خانه وارد شده باشد، صاحب سگ (که صاحب خانه نیز هست) ضامن است و اگر بدون اذن وارد شده باشد ضامن نیست و اما اگر در بیرون منزل گاز بگیرد، چنانچه در روز باشد صاحب سگ ضامن است و اگر در شب باشد ضامن نیست.

س : ۱۱۹۹ - اگر خواهان (مدعی) بر علیه خوانده (مدعی علیه) بناحق شکایت نماید و خوانده مصارف و مخارج بر عهده اش تحمیل شود و ضرر و زیان مادی ببیند و همچنین مدتی بیکار گردد. آیا شخص شاکی (خواهان) این مصارف و خسارت های ناشی از بیکاری را ضامن است؟

ج : اگر شاکی سبب اتلاف مال مدعی علیه گردد، باید آن را جبران کند. اما مصارف و خسارت بیکاری را ضامن نیست.



س : ۱۲۰۰- اگر بچه ای نابالغی حیوانی را بکشد یا وطنی کند، آیا خسارت حیوان بر ولی بچه است یا بر عاقله؟<sup>۱</sup>

ج : خسارت بر عاقله است (خویشاوندان نزدیک پدری جانی مانند برادران، عموها و عموزاده ها)

س : ۱۲۰۱- اگر بچه ای سه چهارساله ای خرمن، گندم یا هیزم کسی را بسوزاند. تاوان آن بر عاقله است یا ولی بچه؟

ج : اسحاق بن عمار بطریق موثق از علی (علیه السلام) نقل می کند که : ((عمد الصبیان خطا یحمل علی العاقله )) یعنی کار عمدی اطفال حکم خطا را دارد و بر عهده عاقله می باشد.

س : ۱۲۰۲- شخصی فاقد زمین و مسکن مدتی را در منطقه ای با دهقانی و رعیتی روزگار می گذرانند و با ضمانت شخصی که ملک و زمین دارد، برای عسکری و سربازی ثبت نام می کند و متعهد می شود که به مدت دو سال سربازی کند. قبل از اینکه، حکومت وی را برای عسکری جلب کند، مفقود می شود و صاحب ملک و زمین خسارات مالی زیادی را از سوی حکومت متحمل می گردد. وقتی که آن، شخص پیدا می شود، صاحب زمین می تواند خسارات مالی خود را از او بگیرد؟

ج : نمی تواند بگیرد، مگر اینکه شخص فاقد زمین شخص مالک زمین را ضامن برای حکومت قرار داده باشد در این صورت خسارت را ضامن است.

س : ۱۲۰۳- شخصی زمینی را از دیگری می خرد و طرفین در مورد مالیات بر زمین از سوی حکومت توافق می کنند که مثلاً ۱۰ افغانی فروشنده باید مالیات زمین به دولت پرداخت کند. اما بعداً میزان مالیات بر زمین از سوی حکومت افزایش می یابد و فروشنده بیشتر از ۱۰ افغانی می پردازد. آیا بایع حق گرفتن مالیات افزوده شده را از خریدار دارد؟

۱ - عاقله یعنی خویشاوندان نزدیک پدری جانی مانند برادران، عموها، و عموزاده ها.

ج : اگر قرار و توافق هر دو به این صورت بوده باشد که فروشنده بگوید من در تمام سالهای آینده حاضرم سالی ۱۰ افغانی مالیات بدهم، چه مالیات به میزان ۱۰ افغانی باشد یا بیشتر و یا کمتر، همان ۱۰ افغانی کافی است.

س : ۱۲۰۴- شخصی به دیگری مبلغ معینی پولی افغانی قرض الحسنه می دهد و حدود شش سال از آن می گذرد و مدیون آن را پرداخت نمی کند: اولاً: اگر عمداً پرداخت نکرده باشد آیا مدیون تنزل قیمت و ارزش پول را ضامن است؟ و ثانیاً: اگر تأخیر عمدی نباشد بلکه بخاطر عدم دسترسی به صاحب پول باشد چه حکم دارد؟

ج : اگر تأخیر در پرداخت این عمدی باشد، مدیون ضامن تنزل قیمت است. ولی احتیاطاً مابه التفاوت را از باب مصالحه جنس بگیرد و اگر تأخیر عمدی نباشد و بلکه بخاطر عدم دسترسی به داین باشد، باز باید رضایت وی را احتیاطاً جلب کند.

س : ۱۲۰۵- شخصی وسایل و اثاثیه منزل خود را نزد دیگری امانت می گذارد، بعداً شهر آشفته و نا امن می شود. فرد امین اثاثیه ای مذکور را می آورد نزد برادر صاحب مال می گذارد و بر او تحمیل می کند. او نیز برای حفظ جان خود و خانواده اش شهر را ترک نموده و درب منزل را قفل می زند و مهاجرت می کند. بعداً نیروهای مسلح قفل درب را شکسته و اثاثیه را به غارت می برند. آیا صاحب مال حق مطالبه ای آن را از برادرش دارد؟

ج : اگر امکان انتقال اموال توسط شخص امین فراهم نبوده است و برادر را نیز امین می دانسته که در نزد او اثاثیه را گذاشته و او نیز پذیرفته باشد و در نگهداری نیز کوتاهی نکرده باشد، هیچ یکی از این دو نفر ضامن نیستند. اما اگر امین در نگهداری اموال کوتاهی کرده باشد او ضامن است.

س : ۱۲۰۶- اگر کسی مقداری طلا نزد زرگر برای تعمیر بگذارد و بعداً زرگر ادعا کند

که دکانم به سرقت رفته است. بر فرض راست بودن سرقت آیا زرگر ضامن است و بر فرض ضمان، این طلا از قیمیات است یا از مثلیات؟

ج: اگر در نگهداری طلا تفریط یعنی کوتاهی نکرده باشد زرگر ضامن نیست، و در فرض دوم اگر طلا ساخته نشده باشد از مثلیات و اگر ساخته شده باشد از قیمیات است.

س: ۱۲۰۷ - آیا از بین بردن آلات قمار و ظروف شراب و مانند آن بدون اجازه صاحب آن جایز است و ضمان دارد؟

ج: فقط از بین بردن آلات قمار جایز است و ضمان هم ندارد.

س: ۱۲۰۸ - اگر کسی ضمانت کسی را قبول کند بعد از مدتی می تواند از ضمان خود رجوع نموده و عقد ضمان را فسخ کند؟

ج: عقد ضمان از عقود لازمه است، ضامن و مضمون له هیچکدام حق فسخ ندارند.

س: ۱۲۰۹ - اگر کسی ذمه اش مشغول به حقوق شرعیه باشد آیا کس دیگر می تواند وی را در اداء آن ضامن شود؟

ج: اگر این حقوق عبارت از خمس یا زکات یا اموال مجهول المالک باشد، کس دیگر می تواند نزد حاکم شرع یا وکیلش او را ضمانت نماید.

س: ۱۲۱۰ - اگر کسی امانتی نزد دیگری بگذارد و اجازه فروش هم به او بدهد، اما بعداً به وی نامه بنویسد که اگر مال را نفروخته ای به آورنده نامه بده، حامل نامه نیز چندین بار مراجعه کند ولی او جنس را تحویل ندهد و به فروش رساند، مالک حق مطالبه ای مال خود را دارد؟

ج: صاحب مال حق مطالبه ای جنس و یا قیمت فعلی آن را دارد.

س: ۱۲۱۱ - اگر چند نفر دزد خانه ای را بدزدند بعداً یکی از آنها دستگیر شود آیا صاحب خانه می تواند همه اموال مسروقه خود را از او بگیرد؟

ج : مالی که در نزد او است آن را بگیرد و همد ستانش را به واسطه همین دزد دستگیر شده، دستگیر کنند و اموال دزدیده شده را از آنها بگیرند.

س : ۱۲۱۲ - اگر حیوانی مانند اسب، الاغ و گاو نر برای کارگردن عاریه برده شود و آنها بر اثر کار تلف شود ضمان دارد؟

ج : اگر کار به اندازه متعارف و معتاد باشد ضمان ندارد اگر بیش از اندازه متعارف باشد ضمان دارد.

س : ۱۲۱۳ - اگر حیوانی از طویله بیرون برود و حیوان دیگری را بکشد آیا صاحب حیوان ضامن است؟

ج : اگر صاحب حیوان در نگهداری از حیوان خود تقصیر و کوتاهی نکرده باشد مثلاً در طویله یا خود حیوان به میخ بسته بوده است اما حیوان زنجیر را پاره می کند و در طویله را می شکند در این صورت ضامن نیست، اما اگر در نگهداری از حیوان خود کوتاهی کرده باشد مثلاً در طویله را بسته نکرده باشد یا حیوان را به میخ بسته نکرده باشد ضامن است.

س : ۱۲۱۴ - اگر دزدی مال انسان را بدزدد و بعد منکر شود آیا صاحب مال می تواند به اندازه و مقدار دزدیده شده اش از مال دزد بردارد؟

ج : تنها مال و جنس خود را می تواند بردارد اما اگر بخواهد مال دزد را به جای مال خود بردارد باید از حاکم شرع اجازه بگیرد.

س : ۱۲۱۵ - کارگری برای پاک کردن دستگاه (قله بر) سنگبری از کارگر دیگری کمک می خواهد. کارگر قله بر در هنگام پاک کردن دستگاه به همکارش می گوید که کلید دستگاه را بزند با زدن کلید چهار انگشت کارگر قله بر بر اثر برخورد با زنجیر دستگاه در لابه لای دستگاه گیر می کند از سوی دیگر صاحب کارخانه به خاطر این که خسارت بیشتر به دستگاه وارد نیاید با تکی تکی جدا کردن الماس زنجیر سبب می شود که انگشت ها مدت زمان بیشتری در لابه لای دستگاه بماند و

احتمال وصل مجدد انگشت های بریده شده به دست کارگر از بین برود. در نتیجه چهار انگشت کارگر از بند درم قطع می شود آیا خود کارگر ضامن است یا همکاری که به کمک او آمده بود یا صاحب کارخانه؟

ج : اگر همکاری کمکی کارگر در روشن کردن دستگاه مقصر نباشد ضامن دیه نیست و اگر صاحب کارخانه، ضمانت این گونه حوادث را قرارداد نکرده باشد و تأخیری در بریدن زنجیر دستگاه برای بیرون آوردن انگشتان کارگرش نکرده باشد او هم ضامن نیست اگر چه عاصی و گنه کار است به خاطر سهل انگاری در بیرون آوردن انگشتان کارگر، اما اگر صاحب کارخانه تأخیر کرده باشد برای وارد آوردن خسارت کمتر باید رضایت کارگر مصدوم را جلب کند.

س : ۱۲۱۶ - شخص بدهکار در ایران طلب خود را حواله می دهد به شخص دیگری در افغانستان که برود از او بدهی خود را بگیرد، طلبکار وقتی به افغانستان می رود، آن شخص پولی را که حواله شده است پرداخت نمی کند. دوباره بدهکار مراجعه می کند او هم پرداخت نمی کند، طلبکار پول را از چه کسی بگیرد؟

ج : اگر حواله دهنده از آن شخص در افغانستان طلبکار بوده است و او هم فقیر نبوده است، طلب این شخص به ذمه او انتقال می یابد و حق مطالبه از حواله دهنده را ندارد و باید از آن شخصی که در افغانستان است بگیرد، و اگر حواله دهنده از او طلبکار نبوده است یا طلبکار بوده ولی او فقیر بوده است، طلبکار می تواند از حواله دهنده طلب خود را بگیرد و او حق امتناع را ندارد.

## احکام امانت

س : ۱۲۱۷ - کسی مالش را به عنوان امانت در نزدکس دیگری می گذارد اما بعد از مدتی امین ادعا می کند که خانه ام مورد دستبرد قرار گرفته است و اموال من به علاوه مال شما دزدیده شده است البته معلوم هم نیست که حرف امین راست باشد. آیا امین ضامن مال امانت است یا نه؟

ج : اگر صاحب مال او را امین می دانسته است و مال هم بدون تعدی و تفریط تلف شده باشد امین، ضامن نیست.

س : ۱۲۱۸ - اگر کسی مال خود را در نزد سفیه به امانت بگذارد و سفیه امانت را تلف کند چه کسی ضامن است؟

ج : اگر مال امانت بر اثر افراط و تفریط سفیه تلف شده باشد خود سفیه ضامن است اما اگر بدون افراط و تفریط تلف شده باشد ضامن نیست.

س : ۱۲۱۹ - بعضی از قریه ها در افغانستان چوپان می گیرند. اگر گرگی به رمه و (گله) حمله کند و چند تاگوسفند را بدرد آید چوپان ضامن است؟

ج : اگر چوپان تعدی (گوسفندان را در محل هجوم گرگ و درندگان بردن) و تفریط (خوابیدن چوپان و محافظت نکردن از رمه) نکرده باشد ضامن نیست و گرنه ضامن است.

## احکام نکاح

س : ۱۲۲۰ - کسانی که اندکی توضیح المسائل خوانده اند اما فرق اخبار و انشاء را نمی دانند می توانند عقد نکاح و صیغه طلاق کسی را بخوانند؟

ج : اگر فرق اخبار و انشاء را ندانند عقد و طلاق آنها صحیح نیست.

س : ۱۲۲۱ - در مواردی که وکیل گرفتن دختر محرز نباشد اما رضایت او محرز باشد عقد وکالتا خوانده می شود یا فضولا؟

ج : اگر عقد فضولی جاری شود و عروس و داماد آن را قبول کنند صحیح است اما در عقد وکالتی باید وکالت برای عاقد ثابت شود یا از طریق بینه و یا از طریق خود زوجین.

س : ۱۲۲۲ - اگر کسی یقین پیدا کند که عقد نکاح او و همسرش باطل بوده است زیرا عاقد اهلیت و صلاحیت و شرایط خواندن عقد را نداشته است وظیفه آنان چیست؟

ج : تا زمانی که زوجین اطمینان به صحت عقد دارند و یقین به بطلان پیدا نکرده اند، استمتاعات زناشویی جایز و فرزندان آنان حلال زاده است اما وقتی که یقین به بطلان عقد پیدا کردند بدون خواندن عقد جدید استمتاعات زناشویی جایز نیست.

س : ۱۲۲۳ - اگر عاقد معنای اخبار و انشاء را نفهمد و یا در هنگام خواندن عقد قصد انشاء را نداشته باشد عقد نکاح صحیح است؟

ج : در هر دو صورت محکوم به بطلان است.

س : ۱۲۲۴ - زن و مردی مرتکب زنا می شوند و زن حامله می شود، اگر عقد نکاح بخوانند

برای ازدواج این عقد صحیح است و آیا فرزند نامشروع آنان به خاله و عمه اش محرم است؟

ج : اگر زن شوهردار نبوده است و دخول در عده طلاق رجعی واقع نشده است عقد صحیح و فرزند آنان برای خاله و عمه اش محرم است یعنی آن اولاد که از عقد متولد شده باشند، و اما آن ولد که از زنا متولد شده باشد احتیاط در جمیع جهات مراعات شود.

س : ۱۲۲۵ - اگر مردی به زنی که در عده است از روی جهالت ازدواج کند و زن هم اظهار نکند که در عده است این عقد صحیح است؟

ج : اگر زن و مرد هر دو جاهل به موضوع (عده) یا جاهل به حکم (حرمت) باشند و دخول محقق نشده باشد عقد باطل اما حرمت ابدی پیدا نمی کند اما اگر جاهل نباشند زن برای مرد حرام ابدی می شود.

س : ۱۲۲۶ - آیا عقد محرمیت غیر از عقد ازدواج است و نیاز به طلاق دارد؟

ج : عقد محرمیت همان عقد ازدواج موقت است که نیاز به طلاق ندارد و با انقضای مدت، و یا بخشیدن مدت محرمیت پایان می یابد.

س : ۱۲۲۷ - اگر در هنگام خواندن عقد دختر و پسر یا پدر و یا جد پدری آنان رضایت قبلی نداشته باشند و عقد فصولتا خوانده شود آیا رضایت بعد از عقد موجب صحت عقد می شود؟

ج : بله، موجب صحت عقد می شود.

س : ۱۲۲۸ - اگر در هنگام خواندن عقد زن راضی به ازدواج نباشد اما پدر یا برادر او را مجبور به ازدواج کند اما بعد از مدتی راضی به این ازدواج شود همان عقد کفایت می کند یا نیازه عقد جدید دارد؟

ج : همان عقد نخست کفایت می کند.

س : ۱۲۲۹ - اگر پدر راضی به ازدواج دخترش نباشد اما جد پدری راضی باشد عقد



صحیح است؟

ج : بله، عقد صحیح است.

س : ۱۲۳۰- اگر زن بعد از عقد و قبل از دخول مرتکب زنا شود آیا عقدش باطل می شود و اگر شوهرش بخواهد از او جدا شود نیاز به طلاق دارد و در صورت طلاق زن مستحق مهرش است؟

ج : با ارتکاب عمل یاد شده عقد باطل نمی شود. در صورت جدا شدن از شوهر نیاز به طلاق دارد و مستحق مهرش است.

س : ۱۲۳۱- اگر پدر دختر و پدر پسر از باب ولایت بر آنها عقد ازدواج آنان را بخوانند و بعد از آن که دختر و پسر بالغ و کبیر شوند، دختر عقد یاد شده را قبول نکند آیا نیازه طلاق دارد، آیا دختر مستحق نصف مهرش است یا مهر کامل، آیا مهر دختر را پسر پرداخت کند یا پدر؟

ج : برای جدا شدن نیاز به طلاق دارد و مستحق نصف مهرش است. اگر پسر مالی دارد و پرداخت نصف مهر بر خود پسر واجب است و اگر مالی ندارد باید پدرش پرداخت کند.

س : ۱۲۳۲- آیا در فقه شیعه چیزی به نام ((تجدید عقد)) وجود دارد و اگر وجود دارد چه معنا دارد؟

ج : تجدید عقد به معنای تکرار عقد است آدم های محتاط از باب احتیاط عقد نکاح خود را تکرار می کنند و اشکالی هم ندارد.

س : ۱۲۳۳- اگر زوجین شک پیدا کنند که عقد آنان صحیح خوانده شده است یا نه آیا فحوص و تحقیق و پیدا کردن یقین به اهلیت و شایستگی عاقد برای خواندن عقد لازم است؟

ج : اگر زوجین صلاحیت و اهلیت عاقد را برای خواندن عقد از طریق بینه یا از طریق شیعاع و... احراز کنند، پس از اطمینان به صلاحیت عاقد اگر برای شان شک پیدا

شود، ازباب حمل فعل مسلم بر صحت اعتنا به شک نمی شود و عقد صحیح است.

س : ۱۲۳۴ - مردی با زنی در ایام عده ازدواج داریم یا موقت می کند. مرد می داند که زن در ایام عده به سر می برد اما نمی داند که ازدواج در ایام عده حرام است. این ازدواج چه حکمی دارد؟

ج : اگر دخول نشده باشد حرام ابدی نمی شود. بعد از انقضای عده، با عقد جدید می توانند با هم ازدواج کنند.

س : ۱۲۳۵ - زن شیعه ای با مرد سنی ای ازدواج می کند بعد از مدتی مرد، زن را طلاق می دهد اما این طلاق در حضور دو نفر عادل صورت نمی گیرد. آیا این زن می تواند با مرد دیگری ازدواج کند؟

ج : از باب جریان قاعده ((الزام)) ازدواجش مانعی ندارد.

س : ۱۲۳۶ - اگر زن و مرد در دوام و انقطاع ازدواج شان اختلاف پیدا کنند و برای اثبات مدعای شان گواه نداشته باشند قول کدام مقدم می شود؟

ج : قول مدعی دوام مقدم است.

س : ۱۲۳۷ - آیا شرط ((دادن اختیار حق مسکن به زن)) در ضمن عقد جایز است؟

ج : بنا بر احتیاط در ضمن عقد نکاح جایز نیست اما در ضمن عقد دیگری جایز است.

س : ۱۲۳۸ - آیا در عقد داریم شرط کردن عدم دخول جایز است و اگر بعد از عقد با رضایت طرفین عقد، دخول صورت گرفت عقد قبلی کفایت می کند؟

ج : اگر شرط کنند که جماع صورت نگیرد، نه این که شوهر حق جماع نداشته باشد، عقد قبلی صحیح و احتیاج به عقد جدید نیست.

س : ۱۲۳۹ - زن و شوهری که در خواندن عقد نکاح خود شک می کنند و این شک بعد از انجام عمل زناشویی پیدا شده آیا تجدید عقد لازم است؟

ج : باید تجدید عقد صورت بگیرد. اگر با وجود شک در تحقق عقد، جماع

صورت گیرد حکم زنا را دارد.

س : ۱۳۴۰ - پدری، دختر صغیره اش را به عقد مردی بالغ در آورده است و شوهر اقرار کرده است که نفقه زوجه اش را پرداخت کند اما اکنون به افغانستان رفته و زن دیگری گرفته است و از پرداخت نفقه خود داری می کند. اکنون که دختر بالغ شده است، چندین بار به شوهرش نامه فرستاده است تا وضعیت او را روشن کند اما هیچ گونه پاسخی از شوهرش دریافت نکرده است آیا دختر حق فسخ نکاح را دارد. اگر ندارد وظیفه اش چیست؟

ج : اگر در این عقد مفسده ای بوده است دختر می تواند عقد را به هم بزند و اگر مفسده ای نبوده است به شوهر ابلاغ شود تا به حقوق زن رسیدگی کند و یا طلاق بدهد وگرنه حاکم شرع می تواند طلاق او را جاری کند.

س : ۱۳۴۱ - پدری در غیاب پسر خود، دختری را برایش عقد می کند. بعد از مدتی پسر که در ایران است ، با خبر می شود پدر هر چه اصرار می کند که به افغانستان برگردد اما پسر به افغانستان نمی رود و البته پاسخ مثبت یا منفی هم نمی دهد با توجه به این مسأله، پدر می تواند، دختر یاد شده را به عقد پسر دومی خود د رآورد؟

ج : این مسأله سه صورت دارد: ۱- اگر شوهر اول، عقد را رد کرده باشد. پدر می تواند برای پسر دوم خود عقد کند. ۲- اگر شوهر عقد را قبول کرده باشد تا وقتی طلاق ندهد، پدر نمی تواند زن او را به عقد پسر دوم خود درآورد. ۳- اگر شوهرش بر فرض نه قبول کرده و نه رد کرده است باید از او سؤال شود تا وضعیت زن روشن شود.

س : ۱۳۴۲ - زنی به شوهرش اجازه می دهد که عقد او را جاری کند. شوهر با توجه به

اجازه همسر خود، به کسی سفارش می کند که عقد زن و شوهر یاد شده را بخواند بدون این که تصریح به وکالت بکند. مرد عاقد درغیاب زن رشوهر و با یقین به مأذون بودن خود، عقد را می خواند آیا وکالت تحقق یافته است و این عقد چه حکمی دارد؟

ج: اگر اذن تحقق یافته باشد با خواندن عقد، زوجیت تحقق پیدا می کند، و اگر اذن و وکالت تحقق نیافته باشد اما زوجین بعد از آگاهی از خوانده شدن عقد، اجازه بدهند عقد صحیح و زوجیت محقق است.

س: ۱۲۴۳ - کسی که اندکی خواندن و نوشتن فارسی بلد است اما عقد نکاح و صیغه طلاق را تقلیدی یاد گرفته است، و با توجه به این وصف، کسانی است که اهلیت و صلاحیت خواندن عقد نکاح و صیغه طلاق را دارد، اگر چنین کسی عقد نکاح و صیغه طلاق را بخواند چه حکمی دارد؟

ج: اگر تأییدیه ای ندارد احوط است که عقد نکاح و صیغه طلاق را نخواند.

س: ۱۲۴۴ - کسی در افغانستان دختری را برای پسرش که در ایران است خواستکاری و عقد می کند پدر داماد خصوصیات ظاهری و اخلاقی پسرش را به دختر می گوید و عکسی از او را به دختر نشان می دهد و دختر شرط می کند که همراه با پدرش به ایران و در نزد داماد بیاید اما خانواده داماد، عروس را بدون اجازه پدرش به ایران می آورند و معلوم می شود که عکسی را که به عروس نشان داده اند مال داماد نبوده است و داماد بر خلاف گفته پدرش معیوب است آیا چنین عقدی مؤثر است؟

ج: اگر عکس یاد شده از داماد بوده باشد و عیوب داماد از عیب هایی نباشد که موجب فسخ نکاح می شود عقد صحیح است اما اگر عکس یاد شده مال داماد نبوده باشد و یا عیوب داماد از عیب های موجب فسخ عقد باشد، اگر زن

بخواهد عقد را فسخ کند عقد منفسخ می شود. عیوب موجب فسخ عبارت است از: دیوانگی، خصی یا مقطوع الذکر بودن و عدم توانایی مرد بر انجام عمل جنسی. رجوع به کتاب توضیح المسائل شود.

س : ۱۲۴۵- اگر کسی پدر دختر صغیره را مجبور و مکره کند که اجازه عقد دخترش را برای مردی که همسر دارد بدهد آیا این عقد صحیح است؟ در صورتی که خود دختر راضی باشد.

ج : رضایت دختر در جواز و عدم جواز نقشی ندارد این عقد باطل است. چون پدر دختر رضایت قلبی نداشته و اجازه عقد نداده است.

س : ۱۲۴۶- دختری با اجبار و اکراه پدرش، اجازه و رضایت به اجرای عقد نکاح می دهد و مدت دو سال از عقد می گذرد باز دختر راضی به عقد نیست آیا عقد صحیح واقع شده است؟

ج : عقد اجباری و اکراهی صحیح نیست.

س : ۱۲۴۷- دختر هیجده ساله ای را پدرش با اجبار برای پسر هیجده ساله ای عروسی می کند پس از چهار روز که عروس در خانه داماد می ماند، پدر داماد به عاقد می گوید من از طرف پسر و عروسم وکیل هستم و شما عقد نکاح آنان را بخوانید، عاقد هم عقد را می خواند اما دختر نا سازگاری می کند و هنوز عمل جنسی توسط داماد و عروس انجام نگرفته است با توجه به این که عقد بدون اجازه عروس خوانده شده است آیا این عقد صحیح است؟

ج : این مسأله دو صورت دارد:

۱- اگر دختر با رضایت خود به خانه شوهر رفته باشد و عقد بدون وکالت، فضولی واقع شده است. رفتن عروس به خانه شوهر در حکم اجازه عقد است و عقد صحیح است.

۲- اگر دختر پیش از رفتن به خانه داماد عقد را رد کرده باشد و او را با اجبار به

خانه داماد برده باشند عقد باطل است.

س : ۱۲۴۸- آیا زن و مردی می توانند دست شوهر خواهر و خواهر زن خود را ببوسند؟

ج : چون نامحرم هستند بوسیدن دست آنان حرام است.

س : ۱۲۴۹- در برخی از مناطق مرسوم است که پس از بازگشت مردی از مسافرت، نزدیکان او مانند زن عمو، زن ماما (دایی)، دختر عمو، دختر عمه، دختر خاله و... دست او را می بوسند آیا چنین کاری جایز است؟

ج : بوسیدن دست او توسط نزدیکان یاد شده او جایز نیست زیرا نامحرمند.

س : ۱۲۵۰- مردی با زنی ازدواج موقت می کند و پیش از انقضای مدت، مرد او را به عقد دائمی خود در می آورد آیا این عقد صحیح است؟

ج : اول باید مدت باقی مانده بخشیده شود بعد از آن عقد دائمی خوانده شود.

س : ۱۲۵۱- باگذشت چند سال از زندگی مشترک زوجین، سفاقت بر شوهر عارض می شود یعنی خوب و بد را تشخیص داده نمی تواند. آیا وکیل مجتهدی در امور حسبه در صورت درخواست زن، او را طلاق داده می تواند؟

ج : طلاق داده نمی تواند.

س : ۱۲۵۲- زن و مردی چهار سال با عقد موقت با هم زندگی می کنند بعد از آن مرد ادعا می کند که عقد دائمی بوده و زن منکر دوام عقد است. بعد از این اختلاف چهار سال است که مرد از خانه بیرون رفته و باز نگشته است. این مسأله چه حکمی دارد؟

ج : در صورتی که زن شاهدهی بر موقت بودن ازدواج نداشته باشد شوهر تسم می خورد بر دوام عقد. بعد از آن حاکم شرع حکم به دائمی بودن ازدواج می کند.

س : ۱۲۵۳ - اگر کسی بخواهد زن موقت خود را بعد از پایان مدت، یا بخشیدن مدت، به عقد دائمی خود درآورد عده برای زن لازم است؟

ج : عده لازم نیست.

س : ۱۲۵۴ - برخی از خانواده ها برای ایجاد محرمیت عقد موقت می خوانند و هنوز مدت عقد موقت به پایان نرسیده است که عقد دائمی می خوانند، آیا این عقد دائمی صحیح است؟

ج : باید داماد باقی مانده مدت را ببخشد، یا مدت عقد موقت به پایان برسد، بعد عقد دائمی بخوانند و گرنه عقد باطل است.

س : ۱۲۵۵ - اگر کسی با زن یا دختری که شوهر ندارد و در عده هم نیست عمل نامشروعی (زنا) انجام دهد و زن حامله شود آیا می تواند با آن زن ازدواج کند آیا عده دارد؟

ج : می تواند ازدواج کند و عده هم ندارد.

س : ۱۲۵۶ - آیا ازدواج شیعه با سنی غیر متعصب جایز است؟

ج : بله، البته کراهت دارد اما اگر خوف انحرات داشته باشد جایز نیست.

س : ۱۲۵۷ - اگر زنی با مردی عمل نامشروعی را انجام دهد، پسران زن با خواهر زانی می تواند ازدواج کند؟

ج : بله، اشکالی ندارد.

س : ۱۲۵۸ - اگر کسی زن موقت خود را در مدت عقد، بدون این که باقی مانده مدت را ببخشد عقد دائمی کند صحیح است؟

ج : عقد دوم باطل است باید مدت را ببخشد و مجدداً عقد بخواند.

س : ۱۲۵۹ - اگر امر دایر باشد بین ادامه درس و آلوده شدن به گناه، به خاطر عدم ازدواج کدام مقدم می شود؟

ج : ازدواج مقدم است.

س : ۱۲۶۱- کسی برای فرزندان صغیرش وصی و سرپرست برادرش را انتخاب می کند و وصیت می کند که دخترانش بعد از بلوغ با پسران برادرش (وصی) ازدواج کنند اما یکی از دختران بعد از بلوغ بدون اجازه عمو با کس دیگری ازدواج می کند آیا این ازدواج صحیح است؟

ج : ازدواج صحیح است.

س : ۱۲۶۲- پدری با مشورت و گفتگو با پسرش از ایران به افغانستان می رود و دختر برادرش را برای پسرش عقد می کند اما اکنون پسر و مادرش ناسازگاری و مخالفت می کند و راضی به ازدواج نمی شود. وظیفه دختر چیست؟

ج : اگر پسر، پدرش را وکیل برای پیدا کردن و عقد کردن دختری وکیل گرفته باشد. حالاً که قبول ندارد باید دختر یاد شده را طلاق بدهد. اما اگر پسر پدرش را وکیل نگرفته باشد و عقد فضولی خوانده شده باشد با رد کردن پسر عقد باطل می شود و دختر می تواند با دیگری ازدواج کند و نیاز به طلاق ندارد.

س : ۱۲۶۳ - کسی بر اثر دلخوری از بعضی کارهای همسرش از او کفاره گیری می کند. در حالی که این زن در خانه شوهرش است و حق همخوابگی با شوهر را دارد؟

ج : تا زمانی که زن در خانه شوهر زندگی می کند، شوهر باید همه حقوق او را مراعات کند.

س : ۱۲۶۴- دختر عمو و پسر عمویی با هم ازدواج کرده بودند بعد از چهار سال اختلافی پیش آمد. پدر دختر در غیاب شوهر دخترش طلاق نامه ای را از کدام منبعی درست کرد و دخترش را به کس دیگری داد. آیا این طلاق غیابی و ازدواج با شوهر دوم مشروعیت دارد؟

ج : در صورتی که شوهر از نفقه دادن و نیز طلاق دادن همسر خود، خود داری کند حاکم شرع می تواند او را طلاق بدهد و در فرض سوال اگر طلاق به حکم حاکم شرع نبوده طلاق باطل است.



س : ۱۲۶۵- آیا زن می تواند شوهرش را مجبور کند که منی را در بیرون از رحم انزال کند؟

ج : زن نمی تواند شوهرش را مجبور به چنین کاری بکند.

س : ۱۲۶۶- انزال منی در خارج از رحم دیه دارد؟

ج : دیه ندارد.

س : ۱۲۶۷- آیا استمتاع از دختری که عقد شده است اما نه سالش کامل نشده است، غیر از مقاربت جایز است؟

ج : استمتاع غیر از مقاربت اشکالی ندارد.

س : ۱۲۶۸- اگر زن اجازه وطی از دبرش ندهد ناشزه به حساب می آید؟

ج : ناشزه به حساب نمی آید.

س : ۱۲۷۰- اگر شوهر شک داشته باشد که نه سال همسرش کامل شده است یا نشده است؟ آیا می تواند مقاربت کند؟

ج : باید تحقیق شود تا علم به نه سالگی پیدا شود وگرنه مقاربت جایز نیست.

س : ۱۲۷۱- استفاده از داروهای ضد بارداری برای زنان جایز است؟

ج : بله، جایز است.

س : ۱۲۷۲- آیا عقیم کردن زنان جایز است؟

ج : چون اضرار به نفس است احتیاط واجب در ترک آن است.

س : ۱۲۷۳- استفاده از روش ها و داروهای مهلت دار که حامله شدن را به تاخیر می اندازد جایز است؟

ج : بله، جایز است.

س : ۱۲۷۴- آیا استمناء با دست یا بدن همسر جایز است؟

ج : استمناء با دست خود انسان حرام است اما با دست همسر یا بدن او اشکالی ندارد.

س : ۱۲۷۵- مردی دو زن دارد، یکی از این دو زن دختری دارد که به شوهر می دهد

اگر پدر زن این مرد، زن دیگر خود را طلاق بدهد، دامادش می تواند با زن او که در واقع مادر اندر (نامادری) زن او می شود ازدواج کند؟

ج: بله، می تواند ازدواج کند.

س: ۱۲۷۶ - مردی که با دختر باکره ای در یک جا کار می کنند آیا می توانند بدون اجازه پدر دختر، عقد محرمیت بخوانند تا آزادانه حرف بزنند و بازی و شوخی غیر از مقاربت نکنند؟

ج: بدون اجازه پدر دختر چنین عقدی اشکال دارد و باید از آن پرهیز و دوری شود.

س: ۱۲۷۷ - اگر در ازدواج موقت، مدت عقد زیاد باشد به طوری که مساوی با عمر یک انسان مثلاً هفتاد یا هشتاد سال باشد آیا این عقد بدل به عقد دائمی می شود؟

ج: احوط این است که عقد دائمی خوانده شود اما اگر مثلاً صد سال مدت گذاشته شود باید احتیاط مراعات شود مثلاً توارث شرط شود، همچنین نفقه شرط شود. اگر طلاق داده شود باید بین هبه مدت، و طلاق جمع شود.

س: ۱۲۷۸ - شوهر ادعا می کند که زنش را به خاطر ناشزه بودنش کتک زده است و زن ادعا می کند که کاملاً تمکین داشته و شوهر او را بدون جهت کتک زده است این مسأله چه حکمی دارد؟

ج: شوهر حتی در صورت ناشزه بودن زن، حق کتک زدن او را ندارد، مگر برای تادیب به اندازه ای که موجب قصاص و دیه نشود. در این مسأله در صورت ثابت نشدن نشوز باید توبه و ازهمسرش طلب بخشش کند و اگر زدن موجب دیه شده باشد زن حق دارد دیه خود را از شوهر بگیرد.

س: ۱۲۷۹ - زن ادعا می کند که عقد نکاح دائمی بوده است و شوهرش باید نفقه یا طلاق او را بدهد البته برای اثبات این ادعا شاهی ندارد. مرد ادعا می کند که عقد موقت بوده است و پس از پایان مدت، نیازه طلاق نیست و همچنین راضی

به قسم خوردن زن برای اثبات دایمی بودن عقد نیست، وظیفه زن و شوهر چیست؟

ج : شوهر باید شاهد برای اثبات مدعایش بیاورد و اگر شوهر شاهد اقامه نکرد و زن قسم بخورد، عقد محکوم به دوام است و اگر زن قسم نخورد و آن را رد نمود به زوج، و او قسم خورد، عقد محکوم به انقطاع است.

س : ۱۲۸۰- زنی که به مدت سه ماه در خانه پدرش زندگی می کند، ادعا دارد که شوهرش او را از خانه بیرون کرده است. شوهر ادعا می کند که همسرش بدون رضایت او به خانه پدرش رفته است و هر دو (زن و شوهر) شاهدهی برای اثبات ادعای شان ندارند. آیا زوجه می تواند نفقه سه ماهه خود را از شوهر بگیرد؟

ج : اگر زن اعتراف دارد بر این که در این مدت در خانه پدرش بوده است اگر شاهدهی بر خروج اجباری از خانه خودش و رفتن به خانه پدرش داشته باشد و شوهر مانع بازگشتش شده باشد حق نفقه را دارد اما اگر شاهدهی ندارد حق دارد شوهر را قسم بدهد و چون این مسئله نیاز به مرافعة شرعی دارد رجوع به حاکم شرع کنند.

س : ۱۲۸۱- اگر مردی ادعا کند که با فلان زن ازدواج کرده است اما زن منکر ازدواج باشد. عاقدی که به ادعای شوهر عقد را خوانده است در آغاز به خاطر ترس و... منکر خواندن عقد می شود اما سرانجام به خواندن عقد اعتراف می کند آیا این زن نیاز به طلاق دارد؟

ج : اگر با اقامه بینة و شاهد خواندن عقد ثابت شود، زوجیت هم ثابت می شود زیرا اعتراف عاقد بعد از انکارش معتبر نیست. در غیر این صورت زن در پیش حاکم شرع قسم می خورد، زوجیت منتفی اعلام می شود.

س : ۱۲۸۲- زنی به مردی اجازه می دهد که عقد نکاح دایمی او را برای خودش بخواند اما مرد، عقد موقت می خواند بعد از مدتی زن با خبر می شود که عقد

موقت بوده است وظیفه زن چیست؟

ج : اگر زن راضی شود به عقد موقت، عقد صحیح است زیرا عقد فضولی و اجازه زن کاشف از صحت است اما اگر زن عقد را رد کند باید فوراً از مرد جدا شود.

س : ۱۲۸۳ - اگر شوهر فوت کند و زن اجرت کار خود در خانه شوهر را بخواهد با این که شوهر فرزندان صغیر دارد چه حکمی دارد؟

ج : در صورتی که اجرت زن معلوم باشد می تواند بگیرد و اگر اجرت زن معلوم نباشد، و دایر بین اقل و اکثر باشد، اقل به او داده می شود.

س : ۱۲۸۴ - زانی که در خانه شوهران شان کار می کنند می توانند بدون اجازه شوهران از اموال خانه نذر یا صدقه بدهند؟

ج : نمی توانند نذر و صدقه بدهند (از اموال شوهر).

س : ۱۲۸۵ - اگر زن شرط کند که در ثواب خیرات شوهر شریک باشد با این که در خانه زحمت می کشد آیا بدون شرط در ثواب خیر خانه شریک نیست؟

ج : شریک است.

س : ۱۲۸۶ - اگر زن شرط کند که ۹/۱۵ ثواب مال زن باشد و شوهر قبول کند آیا زن بدون اجازه می تواند خیرات کند؟

ج : اگر شوهر قبول کند اشکالی ندارد.

س : ۱۲۸۷ - زنی ادعا می کند که فلان مرد را وکیل گرفته است برای این که عقد موقت مرا برای خودش بخواند اما مرد ادعا می کند که مرا وکیل برای خواندن عقد دایمی گرفته است و اکنون او زن دایمی من است قول کدام یکی مقدم می شود؟

ج : قول زوج مدعی دوام عقد مقدم است بنابراین اگر هر دو شاهدی برای اثبات مدعی شان نداشته باشند حاکم شرع مرد را قسم می دهد بر دایمی بودن عقد. در صورت قسم یاد کردن شوهر، حکم به دایمی بودن عقد می شود و

نمی توانند بدون طلاق از همدیگر جدا شوند. این مسأله در حضور حاکم شرع باید صورت گیرد.

س : ۱۲۸۸ - کسی همسرش را، شدیداً کتک می زند، همسرش به خاطر مسأله دیگری به خانه پدرش می رود و اکنون یک سال است که در خانه پدرش به سر می برد. پدر زنش پیغام داده است که یا زنت را به خانه ات ببر یا نفقه اش را بده و یا طلاقش را. اما شوهر زیر بار نمی رود و می گوید ناشزه است نه طلاقش می دهم و نه نفقه اش را. همان جا بماند (تا موهایش مانند دندان هایش سفید شود) با این حال وظیفه زن چیست؟

ج : اگر بدون این که شوهرش کتک بزند و بدون اجازه شوهر به خانه پدر رفته باشد ناشزه به حساب می آید اما اگر بر اثر کتک زدن شوهر و خوف جان خود رفته باشد ناشزه نیست. باید نماینده ای تعیین شود و با شوهر صحبت کند تا صلح شود و یا طلاق بدهد.

س : ۱۲۸۹ - طلا و هدایایی که شوهر یا بستگان شوهر برای زن می خرد، در صورت اختلاف زن و شوهر مال کیست؟

ج : طلا و هدایایی را که شوهر برای زنش خریده است اگر به زنش تملیک کرده باشد، احتیاطاً نباید آن را از زن پس بگیرد. در غیر این صورت شوهر می تواند پس بگیرد مگر این که زن ثابت کند که لباس و چیزهایی مانند آن جزء نفقه زن بوده و شوهر به زن تملیک کرده است. اما هدایایی را که اقوام داماد خریده است مانند ظروف و... ظاهر اً مال شوهر است ولی احتیاطاً زن و شوهر باهم مصالحه کنند.

س : ۱۲۹۰ - کسی که به خاطر مشکلات اقتصادی به ایران مهاجرت می کند اما همسرش به ایران نمی آید و بعد از آن چندین بار پیغام می دهد با یکی از محارمش به ایران بیاید و همه مصارف راه را شوهر پرداخت می کند اما باز هم

زن از آمدن به ایران خودداری می کند. شوهر به خاطر مادر پیری که دارد نمی تواند او را بدون سرپرست در ایران بگذارد و خودش برای آوردن همسرش به افغانستان برود آیا نفقه همسر این مرد بر او واجب است؟

ج : اگر در هنگام عقد شرط شده باشد که شوهر، همسرش را از وطنش بیرون نبرد در این صورت نفقه زن بر شوهر واجب است اما اگر زندگی و سکونت همسر در وطن شرط نشده باشد و اختیار محل زندگی با شوهر باشد نفقه زن بر شوهر واجب نیست.

س : ۱۲۹۱ - به خاطر تنگدستی و فقر، مجبور بودم به ایران بیایم اما همسر از آمدن با من به ایران خودداری کرد و گفته ام اگر در افغانستان در نزد برادر و مادرت بمانی خرج زندگی ات را نمی توانم بدهم. با وجود مخالفت عملی با مصالح زندگی من آیا نفقه اش بر من واجب است؟

ج : نفقه او بر شما واجب نیست.

س : ۱۲۹۲ - کسانی که چندین سال است همسران خود را ترک کرده اند و از آن ها خبر ندارند وظیفه شان چیست؟

ج : نفقه آن ها بر شوهران شان واجب است.

س : ۱۲۹۳ - در صورتی که مرد گرفتار فقر باشد می تواند همسرش را مجبور به کار کند؟

ج : چون نفقه زن بر شوهر واجب است مرد حق ندارد زن را مجبور به کار کند.

س : ۱۲۹۴ - اگر زن بدون اجازه شوهرش کار کند آیا دستمزدش مال خودش است یا مال شوهر؟

ج : دستمزد مال خود زن است اما زن نمی تواند مانع برای استمتاع شوهر ایجاد کند.

س : ۱۲۹۵ - زنی با مردی در افغانستان ازدواج می کند. زن شرط می کند که مرد زن دیگری نداشته باشد اما وقتی به ایران می آیند زن می بیند که مرد همسر دیگری

نیز دارد. زن اعتراض می کند اما مرد او را بلا تکلیف رها می کند و مدت دو سال است که او را نفقه نمی دهد و حاضر به طلاق هم نیست وظیفه زن چیست؟

ج : زن می تواند شوهرش را در نزد حاکم شرع احضار کند تا حاکم مرد را مجبور به پرداخت نفقه یا دادن طلاق کند.

س : ۱۲۹۶ - مدت چهار سال است که در قم درس می خوانم اما همسرم در افغانستان بدون سرپرست مانده است آیا وظیفه ام رفتن به افغانستان برای سرپرستی همسرم است یا ادامه تحصیل؟ با توجه به نیاز شدید منطقه ما به روحانی.

ج : اگر همسر شما بدون نفقه مانده باشد باید نفقه او را تامین کنید حتی اگر به رفتن شما به افغانستان بینجامد اما اگر از ایران می توانید نفقه همسر خود را تامین کنید ماندن شما برای ادامه تحصیل و آشنایی با احکام شرعی ارجح است.

س : ۱۲۹۷ - کسی زن منکوحه ای دارد که هنوز زفاف صورت نگرفته است. پدر دختر چندین بار به شوهر دخترش سفارش کرده است که عروسی کند و دخترش را به خانه ببرد اما داماد حاضر به عروسی نشده است ایامی تواند مخارج این مدت را از داماد بگیرد؟.

ج : اگر تأخیر زفاف به اندازه متعارف به خاطر فراهم کردن مقدمات عروسی باشد پدر دختر نمی تواند مخارج (نفقه) این مدت را از داماد بگیرد اما اگر تأخیر غیر متعارف و طولانی باشد باید داماد پدر زنش را راضی کند.

س : ۱۲۹۸ - کسی مدت سیزده سال، زن و سه تا فرزندش را در افغانستان گذاشته و به ایران آمده است و زن دیگری گرفته است وظیفه زن نخست چیست؟

ج : زن نخست می تواند نفقه سیزده سال گذشته را از شوهرش بگیرد.

س : ۱۲۹۹ - کسی بعد از ازدواج همسرش را ترک می کند و به کشور دیگری می رود این مدت پنج سال، طول می کشد. در این مدت همسرش به خانه پدرش می رود و هنگامی که شوهر برمی گردد پدر زنش مخارج (نفقه) پنج سال گذشته دخترش

را از دامادش می خواهد. آیا چنین حقی دارد؟

ج : اگر زن ناشزه نبوده باشد، پدر زنش حق نفقه پنج ساله را دارد.

س : ۱۳۰۰- زنی با مرد بیگانه ای کار نامشروعی را انجام می دهد. لذا شوهر او را از خانه بیرون می کند و به خانه پدرش می فرستد نه نفقه می دهد و نه طلاق، آیا پدر زنش می تواند مصارف خوراک، پوشاک، دارو و درمان دخترش را از دامادش بگیرد؟

ج : حکم این مساله این است که حاکم شرع حد شرعی را اجراء کند نه این که شوهر از طلاق و نفقه دادن خودداری کند بنابراین زن حق دارد در صورت تمکین از شوهر، نفقه سالهای گذشته را مطالبه کند.

### احکام زنان که ازدواج با آنان حرام است

س : ۱۳۰۱- مرد جوانی نسبت به زن شوهرداری مهر و محبت و علاقه پیدا می کند. مرد و زن یاد شده سوگند یاد می کنند که برادر خوانده و خواهر خوانده همدیگر باشند. شوهر زن از این مسأله باخبر می شود و زنش را طلاق می دهد. از نظر شرعی چه کیفری برای آنان پیش بینی شده است و آیا آنان می توانند ازدواج کنند؟

ج : اگر مرد با زن در هنگامی که شوهر داشته است زنا نکرده باشد ازدواج آنان مانعی ندارد. اما اگر زنا کرده باشد، زن برای مرد حرام ابدی می شود. از نظر شرعی اگر لمس و تقبیل (بوسه) و زنا اتفاق نیفتاده باشد کیفری ندارند.

س : ۱۳۰۲- آیا ازدواج با زن دایی بعد از فوتش جایز است؟

ج : بله، جایز است.

س : ۱۳۰۳- پسر پانزده ساله یا شانزده ساله ای با پسر دوازده ساله ای عمل شنیعی را



انجام می دهد و بعد از آن بدون آگاهی از حکم شرعی با خواهر مفعول ازدواج می کند. بعد از شش ماه از حرمت ابدی زنش آگاه می شود و البته اعتراف دارد که انزال اتفاق افتاده است. از سوی دیگر برادر مفعول با خواهر فاعل ازدواج کرده است. اگر فاعل از خواهر مفعول جدا شود، برادر مفعول هم از خواهر فاعل جدا می شود و دو سه تا خانواده از هم می پاشد حکم این مسأله چیست؟

ج : چون فاعل اعتراف دارد که انزال اتفاق افتاده است بنابراین خواهر مفعول بر فاعل حرام ابدی شده است و باید از همدیگر جدا شوند. از هم پاشیده شدن دو- سه خانواده موجب تغییر و تبدیل حکم شرعی نمی شود.

س : ۱۳۰۴- دختر دو ماهه ای به مدت یک ماه از زن عموی خود شیر می خورد. آیا خواهر این دختر می تواند با پسر عموی ازدواج کند؟

ج : دختر بزرگ عمو با برادر مرتضع، خواهر و برادر رضاعی به حساب نمی آیند و می توانند ازدواج کنند.

س : ۱۳۰۵- آیا کسی می تواند با زن موقت عموی بعد از پایان عده ازدواج کند؟

ج : بله، اشکالی ندارد.

س : ۱۳۰۶- مردی با زنی ازدواج موقت می کند درحالی که زن یاد شده پیش از این با مرد دیگری ازدواج موقت کرده بوده است. اما پدر و مادرش به داماد جدید می گویند که شوهر پیشین دخترش از دنیا رفته است. اکنون چند سوال مطرح است : ۱- عقد موقت شوهر دوم صحیح است؟ ۲- با توجه به این که دختر دروغ گفته است شوهر دوم می تواند عقد موقت را به هم بزند؟ ۳- چیزهایی را که برای زنش خریده است می تواند پس بگیرد؟

ج : ۱- اگر عقد موقت در زمان عقد یا عده شوهر اول واقع نشده باشد

عقد صحیح است. اما اگر عقد دوم در زمان عقد یا عده شوهر اول واقع شده باشد عقد باطل است و اگر مقاربتی صورت گرفته باشد زن برای مرد حرام ابدی شده است. ۲- شوهر می تواند مدت باقی مانده را هبه کند و از زن جدا شود اما اگر عقد از اول باطل بوده باشد زن از اول حرام بوده است و احتیاج به هبه مدت باقی مانده نیست. ۳- اگر عقد باطل بوده باشد همه آن چیزهایی را که به زن داده است می تواند پس بگیرد. اما اگر عقد صحیح بوده است مهریه و نیز هدایایی که برای زن خریده و بخشیده است نمی تواند پس بگیرد اما اگر هدایا را نبخشیده باشد می تواند آنها را پس بگیرد.

س : ۱۳۰۷- کسی در ایران زندگی می کند. زنش را که در افغانستان است طلاق می دهد و خبر طلاق به زنش می رسد و زنش بعد از پایان مدت عده با مرد دیگری ازدواج می کند. اما ناگهان شایع می شود که شوهر پیشین هشتاد و پنج روز بعد از طلاق دوباره رجوع کرده است نامه ای هم در این باره در میان مردم پخش می شود. اکنون این سوال مطرح است که اگر رجوع شوهر پیشین واقعیت داشته باشد ازدواج دوم چه حکمی دارد؟

ج : اگر شوهر اول طلاق داده باشد و زن بعد از عده ازدواج کرده باشد عقد صحیح است و اعتنا به شایعه مردم نمی شود. اما اگر شرعاً ثابت شود که شوهر اول رجوع کرده بوده است. در آن صورت زن باید از شوهر دوم خود جدا شود چون به زوجیت شوهر اول برگشته است.

س : ۱۳۰۸- آیا محارم نسبی مانند مادر و خواهر زن بعد از طلاق یا فوت زن باز هم محرم هستند؟

ج : مادر زن حرام ابدی است ولی خواهر زن بعد از فوت همسر، و یا طلاق او و منقضی شدن زمان عده در طلاق رجعی ازدواج با او جائز است.

س : ۱۳۰۹ - کسی با زنی ازدواج می کند و بعد از چندین سال او را طلاق می دهد و با خواهر او ازدواج می کند آیا این عقد صحیح است؟

ج : اگر بعد از پایان یافتن عده ازدواج کرده باشد عقد صحیح است.

س : ۱۳۱۰ - اگر مردی با پسر نابالغی عمل شنیعی انجام دهد و پسر نابالغ گاهی فاعل و گاهی مفعول شود آیا این پسر بعد از بلوغ می تواند با خواهر یا دختر مرد یاد شده ازدواج کند؟

ج : اگر دخول شده باشد بنا بر احتیاط واجب نباید با دختر یا خواهر آن مرد ازدواج کند.

### عیوب موجب فسخ نکاح

س : ۱۳۱۱ - عیوب موجب فسخ نکاح در مرد چند تا است؟

ج : چهار تا است : ۱ - دیوانگی ( جنون ) ۲ - قطع آلت تناسلی ۳ - خصی بودن مرد ۴ - ناتوانی بر انجام عمل جنسی (عین). برای تفصیل بیشترش باید به کتاب توضیح المسائل مراجعه شود.

س : ۱۳۱۲ - اگر زن ادعا کند که شوهرش ((عین)) است، شوهر چه قدر فرصت دارد تا خود را درمان کند و آیا زن حق فسخ نکاح را دارد؟

ج: زن و شوهر به حاکم شرع رجوع می کنند. حاکم شرع یک سال به شوهر فرصت می دهد تا خود را درمان کند. بعد از این مدت اگر درمان نتیجه نداد زن حق فسخ دارد.

س: ۱۳۱۳ - اگر زن به خاطر (عنن) بودن شوهر عقد را فسخ کند مهریه و مصارفی که در عروسی شده است چه حکمی دارد؟

ج: اگر زن عمد را به خاطر عنن بودن شوهر فسخ کند مستحق نصف مهرش است اما اگر به خاطر عیوب دیگر موجب فسخ، عقد را فسخ کند اگر دخول تحقق یافته باشد زن مستحق همه مهرش است. اما اگر دخول تحقق نیافته باشد مستحق مهرش نیست. اطمینان مهمانان در عروسی هم جزء خیرات به حساب می آید حق گرفتن را ندارد

س: ۱۳۱۴ - دختری با مردی ازدواج می کند و بعد از سه ماه متوجه می شود که شوهرش گرفتار بیماری ارثی غیر قابل درمان است و احتمال دارد که اولادشان (( ناقص الخلقه )) به دنیا بیایند آیا زن حق فسخ را دارد؟

ج: زن حق فسخ را ندارد اما می تواند شوهرش را راضی به طلاق کند.

س: ۱۳۱۵ - مردی حدود شش سال است که ازدواج کرده است و در این مدت تنها دو سال تندرست و سلامت بوده است و بقیه مدت را جنون داشته است و بارها به دکتر رفته است اما نتیجه ای نگرفته است و اکنون مدت شش ماه است که کم شده است. آیا این زن می تواند طلاق بگیرد، آیا حضور شوهر در طلاق شرط است، مهریه اش چه حکمی دارد؟

ج: اگر جنون شوهر به اندازه ای است که نمی تواند اوقات نماز یومیة خود را تشخیص بدهد زن می تواند عقد را فسخ کند و نیاز به طلاق ندارد. مهریه اش را می تواند از شوهرش بگیرد.

س: ۱۳۱۶ - دختری با مردی ازدواج می کند که جنون دارد و دو زن قبلی اش را بخاطر

جنونش طلاق داده است اما سومی را نه طلاق می دهد و نه نفقه. وظیفه زن چیست؟

ج : اگر جنون شوهر به اندازه ای باشد که اوقات نماز خود را تشخیص ندهد، زن می تواند عقد را فسخ کند و بعد از پایان یافتن عده با کس دیگری ازدواج کند.

س : ۱۳۱۷ - دختری با مردی ازدواج می کند اما شوهر توانایی انجام عمل جنسی را ندارد و عنین است. از مرحوم آیت ا... گلپایگانی استفتاء شد و ایشان یک سال به شوهر فرصت داد تا خود را درمان کند. اکنون چهار سال از استفتاء از آیت ا... گلپایگانی می گذرد اما درمان نتیجه ای نداده است وظیفه دختر چیست؟

ج : در صورتی که دختر می داند شوهرش عنین است و فرصتی را که مرحوم آیت ا... گلپایگانی برای شوهر داده بود پایان یافته است. دختر می تواند عقد را فسخ کند و با کس دیگری ازدواج کند.

س : ۱۳۱۸ - دختری با مرد سفیه و مجنون ازدواج می کند و علاوه بر این، شوهر عنین است و توانایی انجام عمل جنسی را ندارد. دختر چه وظیفه ای دارد؟

ج : اگر شوهر سفیه باشد زن حق فسخ نکاح را ندارد. اگر شوهر مجنون بوده است و زن از جنون شوهرش اطلاع نداشته است می تواند عقد را فسخ کند. اگر شوهر عنین است، زن به حاکم شرع رجوع کند و حاکم مدت یک سال به شوهر فرصت دوا و درمان می دهد. اگر بعد از یک سال باز توانایی انجام عمل جنسی را پیدا نکرد زن می تواند عقد را فسخ کند.

س : ۱۳۱۹ - بعد از عقد روشن شده است که داماد عقیم است و از آزمایش و درمان هم نتیجه ای نگرفته است آیا عقد باطل بوده است؟ آیا زن می تواند طلاق بگیرد؟

ج : اگر مرد توانایی عمل جنسی را دارد زن حق فسخ نکاح را ندارد اگر چه شوهر عقیم باشد.

## احکام زنان که شوهران شان مفقود الاثر هستند

س : ۱۳۳۰ - در زمان اشغال افغانستان از سوی نیروهای اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۳۵۸ بسیاری از علماء و روحانیون و... دستگیر شدند و تاکنون از آنها خبری نیست تکلیف همسران و حکم اموال آنان چیست؟

۱- آیا علقه زوجیت هنوز باقی است؟

۲- اگر علقه زوجیت باقی باشد و همسران شان نتوانند ازدواج کنند و در صورتی که فرزندان صغیر داشته باشند نفقه زنان مفقودالاثرها از کجا تأمین می شود؟

۳- زنانی که بدون مراجعه به حاکم شرع شوهر کرده اند چه حکمی دارند؟

۴- اگر اموال مفقودالاثرها در بین ورثه تقسیم نشود و در صورتی که فرزند صغیر داشته باشند، اموال به چه کسی تعلق می گیرد؟

ج : ۱- علقه زوجیت هنوز باقی است چون هنوز ده سال نگذشته است و احوط این است که بعد از گذشتن ده سال به حاکم شرع مراجعه کنند تا طلاق شان را جاری نماید، بعد از انقضای عده وفات شوهر می توانند.

۲- اگر ولی مفقودالاثر از مال مفقودالاثر یا مال خودش نفقه زن را بدهد زن باید صبر کند تا یقین به مرگ شوهرش پیدا کند. اگر ولی مفقودالاثر نفقه زن را تأمین

نکند، زن به حاکم شرع رجوع کند حاکم شرع دستور فحوص و جستجو به مدت چهار سال می دهد و اگر دوستان و خانواده مفقودالایر بدون امر حاکم شرع به مدت چهار سال فحوص و جستجو کرده باشند بازهم حاکم شرع دستوری دهد که جستجوی مختصری انجام دهند. بعد از این مدت حاکم شرع یا وکیل او به ولی مفقودالایر دستوری دهد که همسر مفقودالایر را طلاق بدهند و اگر مفقودالایر ولی نداشته باشد خود حاکم شرع یا وکیل او همسر مفقودالایر را طلاق می دهد.

۳- عقد دوم باطل است مگر این که زن یقین به مرگ شوهر خود پیدا کرده باشد در این صورت عقد بعد از عده صحیح است.

۴- اموال در ملک مفقودالایر باقی است و نفقه صغیر از آن داده می شود.

س : ۱۳۲۱ - مردی شش سال پیش مفقود شده است. پدرش تمام جاهایی را که احتمال داده جستجو کرده و اثری از او به دست نیاورده است. همسرش هم از پیدا شدن شوهرش نا امید شده است حالا وظیفه همسر مفقودالایر چیست؟

ج : اگر زوجه یقین به فوت شوهرش دارد و از زنده بودنش نا امید شده است بعد از عده وفات (چهار ماه و ده روز) می تواند با کس دیگری ازدواج کند.

س : ۱۳۲۲ - مردی شش، هفت سال مفقودالایر بوده است به گونه ای که از مرگ و زندگی اش خبری نبوده است. همسرش شوهر دوم اختیار می کند و از او صاحب فرزند می شود. بعد از مدتی معلوم می شود که شوهر اول زنده است اکنون حکم ازدواج دوم چیست؟ و زن چه وظیفه ای دارد؟

ج : چون زن بدون طلاق و بدون مجوز شرعی با مرد دوم ازدواج کرده است عقدش باطل و بر شوهر دوم حرام ابدی شده است. عقد شوهر اول همچنان باقی است.

س : ۱۳۲۳ - مردی که ده سال از مفقود شدنش می گذرد و فحوص و جستجویی هم نشده است آیا حاکم شرع می تواند حکم به فوت مفقودالایر کند تا در نتیجه

اموالش تقسیم شود و همسرش ازدواج کند؟

ج : اگر مفقودالایر در سفر غیر دریایی منقود شده باشد احتیاط این است که باید اطمینان به فوت حاصل شود اگر چه حکم به فوت بعید نیست. و احوط این است که حاکم شرع طلاقش را جاری کند و بعد از انقضای عده وفات شوهر کند.

س : ۱۳۲۴ - مردی هشت سال مفقود بوده است، زنش با مرد دیگری ازدواج می کند و بعد از پیدا شدن شوهر اولش، شوهر دوم از او جدا می شود اما شوهر اول هم او را طلاق می دهد. آیا شوهر دوم باز می تواند با او ازدواج کند؟

ج : زن برای شوهر دوم حرام ابدی شده است.

س : ۱۳۲۵ - مردی شش سال است که مفقودالایر است و نفقه همسرش را پدر زنش داده است آیا پدر زنش می تواند مصارف یاد شده را از اموال داماد مفقودالایرش بردارد؟

ج : بله، مصارف و نفقه این مدت را می تواند از اموال دامادش بردارد.

س : ۱۳۲۶ - مردی هفت - هشت سال مفقودالایر بوده است و همسرش به گمان این که شوهرش مرده است شوهر دوم انتخاب کرده و از او فرزندی به دنیا آورده است بعد از مدتی شوهر اولش بازگشته است. اولاً: وظیفه زن به شوهر اول و دوم چیست؟ و حکم بچه ها چیست؟

ج : اگر زن بدون اذن حاکم شرع و خودسرانه شوهر دوم انتخاب کرده است برای شوهر دوم حرام ابدی شده است و باید از شوهر دوم جدا شود و عده وطی به شبه نگهدارد و از آن پس به نزد شوهر اول برگردد و مهرالمثل خود را از شوهر دوم می گیرد و اگر مهرالمثل و مهرالمسمی تفاوت داشته باشد با هم مصالحه کنند. فرزندان چون ((اولاد شبه)) هستند حلال زاده هستند. اگر شوهر اول، زن یاد شده را طلاق داد، زن بعد از عده می تواند فرد سومی را شوهر کند.



س : ۱۳۲۷ - مردی مدت هفت سال پیش از افغانستان در جنگ داخلی افغانستان مفقودالثر شده است و معلوم نیست که کشته شده یا به خارج از افغانستان رفته است. چندین بار در روزنامه و رادیو آگهی شده است اما خبری نیامده است. نفقه زنش را در طول این مدت پدر زنش داده است وظیفه اش چیست؟

ج : تا زمانی که پدرزنش نفقه دخترش را می دهد باید صبر کند اما اگر پدر زنش از دادن نفقه و خرج خودداری کرد. زن به حاکم شرع رجوع کند تا تکلیفش روشن شود.

س : ۱۳۲۸ - زنی که شوهرش مفقودالثر بوده است به حاکم شرع رجوع کرده است و بعد از تفحص و جستجو با تمام شرایط زن طلاق داده می شود و بعد از گذراندن مدت عده، زن با مرد دیگری ازدواج می کند اما مدتی بعد شوهر اول برمی گردد. اکنون زن، همسر شوهر اول به حساب می آید یا همسر دوم؟

ج : چون عقد شوهر دوم با اجازه حاکم شرع و صحیح بوده است، زن، همسر شوهر دوم می باشد.

س : ۱۳۲۹ - مردی دو سال پیش در جنگ داخلی مفقود می شود. اکنون همسرش می گوید یقین دارد که شوهرش کشته شده است آیا زن می تواند همسر دوم برگزیند؟

ج : اگر یقین دارد به مرگ شوهرش، عده نگهدارد و بعد از آن شوهر کند اما اگر یقین به مرگ شوهرش ندارد باید به حاکم شرع رجوع کند.

س : ۱۳۳۰ - مردی مفقودالثر بوده است و همسرش هفت - هشت سال صبر می کند و با یقین به فوت شوهرش به حاکم شرع رجوع نمی کند و با کسی دیگری ازدواج می کند و پس از گذشت مدتی شوهر اولش پیدا می شود و پس از آگاه شدن از ازدواج همسرش او را طلاق می دهد آیا این زن بعد از گذراندن عده می تواند با شوهر دومش مجدداً ازدواج کند؟

ج: اگر شوهر دوم دخول نکرده باشد ازدواج با او جایز است و اگر دخول کرده باشد زن برایش حرام ابدی شده است.

س: ۱۳۳۱- زنی که شوهرش مفقودالاثر بوده است با رجوع به حاکم شرع و گذراندن عده با کس دیگری ازدواج می کند. بعد از انجام عمل جنسی و مقاربت با شوهر دوم، فردای آن روز شوهر اول پیدا می شود و زن بدون این که حرفی از ازدواج مجددش بزند با شوهر نخست هم مقاربت می کند و شوهر فردایش از موضوع آگاه می شود و زن حامله شده است. اکنون هر دو شوهر زن را ترک کرده اند. حالا بچه مال کدام شوهر و نفقه زن بر کدام شوهر است؟

ج: چون ازدواج با اجازه حاکم شرع بوده است بچه مال شوهر دوم و نفقه هم بر شوهر دوم واجب است اما اگر ازدواج بدون اجازه حاکم شرع می بود بچه مال شوهر اول و نفقه هم بر او واجب بود.

س: ۱۳۳۲- مردی هفت سال است که مفقودالاثر است. زنش یقین به کشته شدن شوهرش پیدا کرده است آیا می تواند شوهر کند؟

ج: در صورتی که همسرش یقین به کشته شدن شوهرش پیدا کرده باشد بعد از نگهداشتن عده و وفات (چهارماه و ده روز) می تواند شوهر کند.

س: ۱۳۳۳- مردی در زمان حکومت کمونیستی افغانستان دستگیر می شود و تاکنون از او خبری نیست آیا همسرش می تواند ازدواج کند؟

ج: اگر از تاریخ مفقود شدن شوهر ده سال تمام نگذشته باشد و یقین دارد که شوهرش کشته شده است بعد از گذراندن عده می تواند شوهر کند. اگر یقین به فوت شوهرش ندارد و نفقه اش از دارایی شوهرش یا خانواده شوهرش تأمین می شود، باید صبر کند و اگر نفقه تأمین نمی شود به حاکم شرع رجوع کند. اما اگر از زمان مفقود شدن شوهر ده سال گذشته باشد احوط این است که به حاکم شرع مراجعه کند تا طلاقش را جاری کند.

س : ۱۳۳۴ - مردی که برای کارگری به ایران آمده بود در تاریخ ۱۳۷۲/۱/۱۲ که اکنون دو سال می شود برای آوردن نان از اتاقش خارج و تاکنون مفقود می شود. تمام جاهایی که احتمال داده می شد جستجو و تفحص شده است و ۹۵٪ احتمال مرگش می رود. این مرد همسر و دو فرزند صغیر دارد. نفقه زن و فرزندانش بر عهده کیست؟ آیا همسر مرد مفقودالاثر می تواند ازدواج کند؟

ج : اگر یقین به مرگ شوهرش دارد چهار ماه و ده روز عده نگهدارد و بعد از آن شوهر کند اگر یقین به مرگ شوهرش ندارد و از شوهرش مال و دارایی مانده است نفقه خود و فرزندانش را از مال شوهرش تامین و صبر کند و اگر از شوهرش دارایی مانده است. دو سال و نیم دیگر شوهرش را جستجو کند و اگر پیدانشد به حاکم شرع رجوع کند تا طلاق بگیرد. بعد از عده وفات شوهر کند. راجع به نفقه، اگر مادر و بچه های صغیر مالی ندارند نفقه مادر بر عهده خودش است. اگر کار می تواند کار کند. و اگر نمی تواند از صدقات و زکات نفقه خود را تأمین کند. همچنین نفقه بچه ها را؟

س : ۱۳۳۵ - مردی سال ها است که مفقودالاثر است آیا همسرش می تواند ازدواج کند و اموالش بین ورثه تقسیم می شود؟

ج : اگر با اجازه حاکم شرع چهار سال تفحص و جستجو شود و بعد از آن حاکم شرع همسرش را طلاق بدهد و بعد از گذراندن عده (چهار ماه و ده روز) می تواند شوهر کند و اگر ده سال از تاریخ مفقود شدنش گذشته باشد اقوی این است که حکم فوت بر او بار می شود که در نتیجه میراث او بین ورثه تقسیم می شود و زنش بعد از وفات می تواند شوهر کند ولی احتیاطاً مراجعه به حاکم شرع کند تا طلاقش را جاری کند و بعد از انقضای عده وفات شوهر می تواند.

### احکام شیربها (گله)

س : ۱۳۳۶- دختری با پسر مورد علاقه اش فرار می کند اما پدر دختر به خاطر نگرفتن شیربها (گله) اجازه عقد نمی دهد آیا عقد بدون اجازه پدر دختر نافذ است؟

ج : اگر دختر بالغ و رشید و داماد هم کفو با دختر است و پدر دختر تنها به خاطر نگرفتن شیربها (گله) اجازه عقد نمی دهد، عقد صحیح است، اما اگر پدر دختر، داماد را هم کفو دخترش نداند و دختر تمایل داشته باشد عقد صحیح نیست.

س : ۱۳۳۷- اموالی را که داماد به عنوان شیربها (گله) به پدر دختر می دهد و نیز جهیزیه ای را که پدر دختر به دخترش می دهد در صورت پیدا شدن اختلاف می توانند از همدیگر بخوانند؟

ج : اموالی را که داماد به پدر دختر بخشیده باشد اگر موجود باشد می تواند پس بگیرد و اگر مصرف شده باشد نمی تواند پس بگیرد. جهیزیه ای را که پدر دختر به دخترش بخشیده است نمی تواند پس بگیرد.

س : ۱۳۳۸- پولی را که پدر دختر به عنوان شیربها (گله) از داماد می گیرد، برای پدر عروس حلال است و اگر با همین پول جهیزیه برای دخترش تهیه کند مال عروس است یا داماد؟

ج : اگر پول شیربها (گله) بدون رضایت و رغبت داماد از او گرفته شده باشد مالک داماد است و جهیزیه ای که با این پول تهیه می شود نیز مال داماد است. اگر پول شیربها (گله) را داماد به پدر عروس بخشیده باشد برای او حلال است. اگر پول یاد شده مهریه عروس باشد مال عروس است.

س : ۱۳۳۹- جناب عالی گرفتن گله را جایز نمی دانید. اما مواردی پیش می آید که پدر

دختر فقیر و تهی دست است و نمی تواند اندک جهیزیه ای برای دخترش فراهم کند و دختر هم بدون جهیزیه به خانه شوهر نمی رود و اگر جهیزیه نبرد تحقیر می شود. بنابراین پدر دختر بناچار مبلغی را از داماد می گیرد تا جهیزیه ای برای دخترش تهیه کند. اگر پول نگیرد چه کار کند؟

ج : پول به عنوان شیربها (گله) از داماد گرفته نشود اما دختر می تواند مهرش را با توافق داماد معادل شیربها تعیین کند و دختر بخشی از مهرش را به پدرش بدهد تا او جهیزیه تهیه کند.

س : ۱۳۴۰- در برخی از مناطق پدر دختر مبلغی را به عنوان شیربها (گله) از داماد میگیرد و بخشی از آن پول را جهیزیه برای دختر تهیه می کند و باقی مانده را خودش تملک می کند آیا گرفتن این پول برای پدر دختر جایز است و اگر جایز نیست راه شرعی گرفتن پول از داماد چیست؟

ج : گرفتن پول به عنوان شیربها (گله) از داماد جایز نیست اما بهتر است که دختر، پدرش را وکیل بگیرد برای تعیین مهر، پدر دختر مقدار مهریه را با موافقت داماد تعیین کند و دختر بخشی از مهریه اش را برای پدرش ببخشد تا از راه هبه پولی به پدر دختر هم برسد و یا مبلغی را پدر دختر در مقابل تحصیل رضایت دخترش از داماد بگیرد اشکال ندارد.

س : ۱۳۴۱- کسی دو سال پیش دختری را برای پسرش خواستگاری می کند و مبلغ هشتصد هزار تومان به عنوان شیربها (گله) به پدر دختر می دهد اما اکنون در میان خانواده پسر و دختر اختلاف پیدا شده است و روابط خویشاوندی به هم خورده است. پدر دختر مبلغ هشتصد هزار تومان پدر پسر را پس می دهد آیا پدر پسر می تواند تفاوت کاهش ارزش پول را از پدر دختر بگیرد؟

ج : پدر حق ندارد که تفاوت ارزش پولی را از پدر دختر بگیرد. اما اگر پول نقد با جنس سنجیده شود و ارزش تومان نسبت به جنس تفاوت کرده باشد پدر

---

دختر باید با پدر پسر مصالحه و جبران کند.

س : ۱۳۴۲- اگر پدر دختر بدون گرفتن گله راضی به ازدواج دخترش نشود آیا پول و گله گرفتن جایز است؟

ج : اگر دختر راضی نباشد و پدر پول از داماد بگیرد تا دخترش را راضی به ازدواج کند و یا این که دختر بگوید تا پدرم را راضی نکنید ازدواج نمی کنم اگر داماد برای راضی کردن دختر یا پدر دختر پول بدهد، گرفتن پول جایز است اما اگر پدر دختر علاوه بر مهریه دختر که مال خود دختر است پول بخواهد با عدم رضایت داماد به اکراه پول بگیرد، دختر فروشی است و جایز نیست.

### شروط ضمن عقد

س : ۱۳۴۳- کسی که زن دارد و می خواهد با دختری ازدواج کند، پدر دختر شرط می کند که تا زنت را طلاق نداده ای اجازه نمی دهم دخترم با تو ازدواج کند. داماد در حضور جمعی از مردم زنت را طلاق می دهد آیا این مرد بعد از طلاق در مدت عده حق رجوع به زنت را دارد؟

ج : اگر عقد زن دوم مشروط به طلاق و عدم رجوع به زن اول باشد، وظیفه داماد عدم رجوع است اما اگر به زن مطلقه اش رجوع کرد و زن دوم هم رضایت داد مانعی ندارد.

س : ۱۳۴۴- دختری در هنگام عقد شروطی را یادآوری می کند و تصریح می کند که در صورت عدم تحقق این شروط از سوی داماد، عقد فسخ شود:

۱- مهریه چهل سکه بهار آزادی ایرانی باشد.

۲- طلا و جهیزیه ای که به او داده شده است مال خودش باشد.

۳- تا وقتی که دلش بخواهد در شهر محل زندگی پدرش زندگی کند.

۴- کارهای خلافی را که پیش از عقد، شوهرش انجام می داده است ترک کند. بعد از دو سه سال زندگی مشترک اکنون زن ادعا می کند که شوهرش به شروط مکتوب در دفترچه عقد وفا و پایبندی ندارد آیا این زن می تواند عقدش را فسخ کند؟

ج : شروط موجب فسخ در عقد نکاح مشروعیت ندارد. باید شروط یاد شده در ضمن عقد لازم دیگری یادآوری می شد. اکنون تنها راهی که برای زن وجود دارد این است که در دادگاه صالحه شکایت کند تا دادگاه داماد را مجبور به وفای به شروط کند، این در صورتی است که عقد نکاح مبنی بر آن شروط جاری شده باشد.

س : ۱۳۴۵ - آیا زن در ضمن عقد می تواند شرط کند که داماد مبلغ پولی به پدر زن بدهد؟

ج : در ضمن عقد نکاح چنین شرطی نمی تواند مگر این که آن مبلغ را به عنوان مهریه شرط کرده باشد.

س : ۱۳۴۶ - زن در ضمن عقد شرط می کند که انتخاب مسکن با زن باشد و دیگر این که داماد مانع درس خواندن زن تا وقتی که خود زن بخواهد نشود اکنون داماد به این دو شرط عمل نکرده است آیا عقد باطل شده است؟

ج : زن به دادگاه شکایت کند تا شوهر را مجبور به وفای به شرط کند.

س : ۱۳۴۷ - در جریان خواستگاری، پدر عروس شرط می کند که پدر داماد فلان مقدار زمین به عنوان گله (شیربها) به پدر عروس بدهد و مبلغی هم به عنوان مهریه عروس تعیین می شود. یادآوری می شود که دادن زمین به پدر عروس در ضمن عقد شرط نشده است آیا ورثه پدر داماد می تواند زمین یاد شده را از خانواده عروس پس بگیرد؟

ج : اگر زمین جزء مهریه عروس نباشد بلکه عوض خود عروس باشد ورثه می توانند آن را پس بگیرند زیرا پدر دختر مالک زمین نشده است مگر اینکه پدر داماد زمین را به پدر عروس هبه کرده باشد که در این صورت بعد از فوت پدر ورثه حق فسخ ندارند.

س : ۱۳۴۸ - پدر خانواده ای با پدر خانواده دیگر قرار می گذارند که من با مصرف خودم شما را به مشهد و عتبات مقدسه می برم اما در مقابل آن، دختر خود را به عقد پسر من در آورید. تمام مقدمات فراهم می شود جلسه عقد برگزار می شود اما پیش از عروسی معلوم می شود که داماد از نظر هوشی مشکل دارد و دختر عدم رضایت خود را اعلام می کند آیا این عقد صحیح است؟

ج : اگر عقد به رضایت دختر خوانده شده بعد از عقد دختر متوجه دیوانگی شوهر شده اگر شوهر به حدی دیوانه است که اوقات نمازهای یومیه را



تشخیص نمی دهد دختر حق فسخ عقد را دارد و اگر دیوانگی شوهر به آن اندازه نباشد زن حق فسخ عقد را ندارد.

س : ۱۳۴۹- آیا شرط ضمن عقد تنها در ضمن عقد در نکاح جایز نیست یا در ضمن عقود دیگر هم جایز نیست؟

ج : تنها در نکاح جایز نیست.

س : ۱۳۵۰ - اگر در ضمن عقد نکاح یا در ضمن عقد لازم دیگری شوهر، زنش را وکیل در طلاق کند. در صورت امتناع شوهر از پرداخت نفقه به مدت پنج ماه زن می تواند کسی را وکیل برای اجرای طلاق کند؟

ج : شرط وکالت در ضمن عقد نکاح جایز نیست اما در ضمن عقود دیگر جایز است. در صورتی که مرد تخلف از شروط کند زن می تواند خود را مطلقه کند.

س : ۱۳۵۱ - اگر دختری در ضمن عقد نکاح خود شرط کند که همسرش تا پایان عمر زن دیگری نگیرد آیا این شرط شامل ازدواج موقت هم می شود؟ اصولاً وفای به این شرط لازم است؟

ج : وفا به این شرط لازم نیست.

س : ۱۳۵۲ - آیا گنجاندن شرط جایز مانند اختیار مسکن با زن در ضمن عقد نکاح جایز است؟

ج : شرط جایز در ضمن عقد نکاح مانند دیگر شروط جایز نیست زیرا عقد نکاح معلق به این شرط می شود.

س : ۱۳۵۳ - آیا زن در ضمن عقد می تواند شرط کند که اجازه خروج از خانه با خودش باشد؟

ج : چنین شرطی نمی تواند. اما می تواند شرط کند که شوهر اجازه خارج شدن بدهد.

---

## ولایت پدر در ازدواج

س : ۱۳۵۴- کسی که زن خود را طلاق داده و دختر را از خانه بیرون رانده است دختر یاد شده اکنون با مادرمطلقه اش زندگی می کند. آیا ازدواج این دختر نیاز به اجازه پدرش دارد؟

ج : دختر باید از پدرش اجازه بگیرد اما اگر ازدواج به مصلحت دختر است و پدرش بخاطر لجاجت با دختر اجازه ندهد می تواند بدون اجازه پدر ازدواج کند.

س : ۱۳۵۵- کسی دختر صغیره اش را برای پسری عقد می کند. اکنون که دختر بزرگ شده است عقد را قبول ندارد. آیا عقد یاد شده نافذ است؟

ج : اگر پدر، دخترش را عقد کرده باشد و این عقد برای دختر مفسده ای نداشته باشد عقد نافذ است.

س : ۱۳۵۶- اگر دختری بدون اجازه پدر عقد شود و پدرش بعداً راضی شود عقد صحیح است؟

ج : اگر عقد با اجازه دختر بوده باشد و اجازه پدر ملحق به عقد شود صحیح است.

س : ۱۳۵۷ - دختری در هنگام کودکی پدرش را از دست می دهد و مادرش در هشت سالگی او را به عقد کسی در می آورد وقتی دختر بزرگ و بالغ می شود عقد را قبول نمی کند. حکم این مسأله چیست؟

ج : اگر دختر عقد را قبول ندارد عقد باطل است و می تواند با کس دیگری ازدواج کند.

س : ۱۳۵۸ - دختر سیده هیجده ساله ای است که خواستگاران زیادی دارد اما پدر و مادرش تاکنون با هیچ کدام موافقت نکرده اند و حتی یک بار جلسه عقد را به هم زده اند. این بار خود دختر تصمیم گرفته است که با جوانی که از هر نظر هم کفو هستند ازدواج کند اما پدر دختر باز مخالفت می کند به خاطر این که پسر عام (یعنی غیر سید است) آیا ولایت پدر ساقط می شود یا نه؟

ج : اگر پسر با دختر هم کفو باشد و مخالفت پدر دختر تنها به خاطر عام بودن پسر است ولایت پدر ساقط می شود.

س : ۱۳۵۹ - دختری در نه سالگی شیرینی خوری می شود. وقتی دختر به شانزده سالگی می رسد رضایت به عقد نمی دهد اما پدر و مادرش اصرار می کند که - حتما با نامزدش ازدواج کند. آیا دختر یاد شده می تواند با کس دیگری ازدواج کند؟

ج : در صورتی که عقد خوانده نشده باشد می تواند با کس دیگری ازدواج کند اما به شرط این که رضایت پدر را جلب کند زیرا در عقد دختر باکره اجازه پدر شرط است.

س : ۱۳۶۰ - پدری دختر صغیرش را به عقد مردی درمی آورد که با دختر بیست و پنج سال تفاوت سنی دارد. اکنون که دختر بالغ شده است عقد را قبول ندارد و صحیح است یا نه؟

ج : پدر بر دختر صغیرش ولایت دارد و مصلحت هم شرط صحت عقد نیست بلکه عدم مفسده شرط صحت عقد است. اگر این عقد مفسده داشته است برای دختر، می تواند عقد را رد کند و شوهر دیگری بکند و اگر مفسده نداشته عقد لازم شده است و دختر حق بهم زدن را ندارد.

س : ۱۳۶۱- دختری بدون اجازه پدر و جد پدری اش با مردی ازدواج می کند آیا اجازه بعدی پدر یا جد پدری دختر کفایت می کند یا دوباره با اجازه پدر و جد، عقد خوانده شود؟

ج : اگر دخول نشده باشد و پدر یا جد پدری اجازه بدهد عقد صحیح است. اگر دخول شده باشد بعید نیست که بعد از اجازه پدر یا جد پدری حکم به صحت عقد شود اما احتیاطاً عقد جدیدی خوانده شود و در عقد جدید اجازه پدر یا جد پدری شرط نیست زیرا دختر باکره نیست.

س : ۱۳۶۲- ولایت شوهر بر همسرش چه اندازه است. اگر همسر بدون اجازه شوهرش از خانه خارج و در جای دیگر زندگی کند نمازش صحیح است یا باطل؟

ج : شوهر بر همسر خود ولایتی ندارد. تنها بر زن واجب است که در برابر شوهر خود تمکین کند و بدون اجازه از خانه خارج نشود. در صورت خروج بدون اجازه شوهر نمازش صحیح است اما اگر مسافرت کند نمازش قصر نمی شود زیرا معصیت کرده است.

س : ۱۳۶۳- آیا پدر می تواند برای پسرکبیر خود دختری را عقد کند؟

ج : اگر پدر وکیل پسرش باشد و دختر هم توافق داشته باشد می تواند عقد کند در غیر این صورت عقد فضولی است و با اجازه پسر عقد صحیح می شود.

س : ۱۳۶۴- دختری که پدر و جد پدری ندارد می تواند بدون اجازه برادرانش شوهر کند در صورت جواز شیریهایی که می گیرد مال خود دختر است یا مال برادرانش؟

---

ج : دختر حق انتخاب شوهر دارد و کسی نمی تواند از داماد پول بگیرد مگر این که خود داماد با رضایت و رغبت خود مبلغی را به برادران دختر ببخشد.

س : ۱۳۶۵- اگر پدر یا جد پدری، عقد دختر و یا پسر صغیرشان را بخوانند، بعد از کبیر شدن دختر و پسر این عقد لازم است یا می تواند فسخ کنند؟

ج : اگر عقد یاد شده مفسده ای نداشته است لازم است و اگر در هنگام وقوع عقد مفسده داشته است، صحت عقد مشروط به اجازه دختر و پسر است.

س : ۱۳۶۶- اگر عقد دختر و پسر صغیری توسط پدران آنها خوانده شود بعد از آن که دختر و پسر کبیر شدند می توانند این عقد را فسخ کنند؟

ج : درباره احتمال لزوم عقد باید رعایت احتیاط شود یعنی اگر دختر و پسر از همدیگر جدا می شوند با طلاق دادن دختر جدا شوند.

## احکام مهریه

س : ۱۳۶۷- اگر زن و شوهر در مقدار مهر اختلاف پیدا کنند و سند و شهادتی برای اثبات ادعایشان نداشته باشند قول کدام یکی مقدم می شود؟

ج : قول مدعی اقل که احتمالاً شوهر است مقدم می شود.

س : ۱۳۶۸- اگر مهر مؤجل باشد و زمان پرداخت تعیین نشده باشد و شوهر تمکن مالی داشته باشد، زن می تواند مهر خود را طلب کند؟

ج : اگر دخول محقق شده باشد و زن مهرش را بخواهد، شوهر باید آن را پرداخت کند.

س : ۱۳۶۹- اگر زن تعیین مقدار مهرش را به شوهر واگذار کند و شوهر هم قبول کند بعد از ازدواج هر مبلغی که به زنش بدهد کفایت می کند؟

ج : بله، کفایت می کند.

س : ۱۳۷۰- اگر دختری در ضمن عقدش شرط کند که داماد علاوه بر مهر عروس، هر مبلغی را به پدر عروس بدهد آیا گرفتن این مبلغ برای پدر جایز است؟

ج : چنین شرطی در ضمن عقد جایز نیست. اگر عروس بخواهد مبلغی پول به پدرش برسد می تواند بخشی از مهرش را به پدرش هبه کند.

س : ۱۳۷۱- اگر مهر مؤجل باشد و وقت پرداخت آن معین نشود این عقد صحیح است و در صورت صحت عقد، زن می تواند مهر را فوراً طلب کند؟

ج : زن پیش از دخول حق ندارد مهرش را بخواهد اما بعد از دخول می تواند فوراً مهرش را بخواهد.

س : ۱۳۷۲- اگر مهریه عروس را پدر داماد به عهده بگیرد این عقد صحیح است و در صورت صحت عقد، پدر داماد ضامن مهر است یا خود داماد؟

ج : خود داماد ضامن مهر است اما اگر پدر داماد تبرعاً مهریه عروسش را

پرداخت کند مانعی ندارد.

س : ۱۳۷۳- اگر مهر در عقد دائمی ذکر نشود و داماد پیش از دخول از دنیا برود آیا عروس مستحق مهر است؟

ج : عروس مستحق مهر نیست.

س : ۱۳۷۴- اگر زنی با مردی ازدواج کند و مهر تعیین نکنند، عقد نکاح آنان صحیح است آیا زن حق دارد مهرش را بخواهد؟

ج : عقد بدون مهر صحیح است. اگر شوهر بدون دخول از دنیا برود، زن مستحق مهر نیست اما اگر دخول تحقق یافته باشد زن مستحق ((مهرا لمثل)) است.

س: ۱۳۷۵- اگر زن پیش از دخول مهرش را به شوهرش ببخشد و شوهر او را پیش از دخول طلاق بدهد، شوهر می تواند نصف مهر را از زنش بخواهد؟

ج : بله، شوهر می تواند حقی را به زنش ببخشد و نصف مهر را از او بگیرد.

س : ۱۳۷۶- یادآوری مهریه در عقد دائم یا موقت لازم است؟

ج : یادآوری مهریه در عقد موقت شرط صحت است اما در عقد دائم شرط صحت نیست.

س : ۱۳۷۷- اگر وقت پرداخت مهریه در عقد دائمی معین نشده باشد آیا زن می تواند مهرش را فوراً طلب کند؟

ج : زن می تواند مهرش را فوراً بخواهد اما اگر شوهر توان پرداخت آن را ندارد می تواند پرداخت آن را به تاخیر اندازد تا زمانی که توان پرداخت پیدا کند. البته زن هم می تواند تا زمانی که مهریه اش پرداخت نشده است از تمکین خودداری کند.

س : ۱۳۷۸- کسی دختری را عقد می کند اما پیش از عروسی می میرد:

۱- مصارفی که داماد برای مراسم عقد کرده است بر عهده کیست؟

۲- چیزهایی که داماد برای عروس خریده است، ورثه داماد می تواند از عروس بگیرند؟

۳- مهریه عروس چه حکمی دارد؟

ج : ۱- مصارفی که برای مراسم عقد شده است بر عهده داماد بوده است و ورثه داماد حق باز بس گیری مصارف یاد شده را از خانواده عروس ندارند.

۲- چیزهایی را که داماد برای عروس خریده بوده است اگر به عروس بخشیده باشد مال عروس است وگرنه مال ورثه داماد است.

۳- اگر دخول تحقق نیافته باشد، عروس نصف مهریه را مستحق است.

س : ۱۳۷۹- زنی به خاطر اختلاف اندکی قهر کرده است و به خانه پدرش رفته است و اکنون سه سال می گذرد. زن به خانه شوهر بر نمی گردد مگر این که شوهرش همه مهریه او را پرداخت کند اما شوهرش بدهکار است و توان پرداخت مهریه را ندارد. آیا زن حق دارد در خانه پدرش بماند و از شوهرش تمکین نکند؟

ج : زن حق ندارد که زندگی مشترکش را به هم بزند و از شوهرش اطاعت نکند باید به خانه اش برگردد و هنگامی که شوهرش توان مالی پیدا کرد، مهریه زنش را پرداخت کند.

س : ۱۳۸۰- در صورت از هم پاشیده شدن خانواده ای، جز یک دست لباس چیز دیگری به زن داده نمی شود. این صحیح است؟

ج : اگر زن مهریه اش را نبخشیده باشد، حق گرفتن مهریه را دارد. اگر قالی بافته باشد یا درآمدی داشته است یا کار دیگری کرده باشد، سهم خودش را حق دارد بگیرد.

س : ۱۳۸۱ - کسی با دختر کبیره ای مرتکب زنا می شود و در چهارمجلس به انجام زنا اعتراف می کند حکم این مسأله چیست و مهریه دختر چه مقدار است؟



ج : نخست اهالی محل، مهرالمثل را تعیین می کنند برای دختر و از زانی گرفته می شود بعد از آن حد شرعی درباره زانی جاری می شود. البته اگر خود دختر راضی به انجام زنا بوده چون خودش اقدام بر ضرر خود کرده است حق مهرالمثل (ارش) ندارد.

س : ۱۳۸۲ - در برخی مناطق، مهریه تعیین شده از سوی دختر مورد پذیرش روحانیون عاقد قرار نمی گیرد و مهریه را زیاد می دانند به خاطر همین صیغه عقد را نمی خوانند مگر این که دختر مبلغ و مقدار مهریه را کاهش دهد. با توجه به این که دختر خود را در اختیار مرد قرار می دهد، کار و تلاش و کتک و زحمت را به عهده می گیرد، کاهش دادن مهریه کار درستی است؟

ج : مبلغ و مقدار مهریه با توافق داماد هر چه باشد جایز است البته مستحب است که بیش تر از (مهرالسنه) حدوداً دو صد هزار تومان نباشد.

س : ۱۳۸۳ - مهریه حاضر (گله) دختری مبلغ چهارصد هزار افغانی بوده است که داماد به جای پول یاد شده قطعه زمینی به پدر و برادران دختر می دهد. دختر مهریه حاضرش را به پدر و برادرانش هبه نکرده است آیا می تواند قطعه زمین یاد شده را از پدر و برادرانش بگیرد؟

ج : اگر آن زمین واقعاً مهریه دختر است کسی دیگری حق ندارد و اگر زمین به عنوان (گله) داده شده است مال داماد است و اگر داماد آن را هبه کرده است مال موهوب له است و اگر داماد از هبه دادنش پشیمان شود می تواند زمین را پس بگیرد زیرا عین موهوبه موجود است.

س : ۱۳۸۴ - زنی به شوهرش می گوید مهریه ام را از تو نمی گیرم اما در برابر آن، من در اموال و خانه با شما شریک باشم، شوهر قبول می کند آیا پس از مرگ شوهر، زن در اموال و خانه با فرزندان شریک است و کیفیت تقسیم اموال فوت شده چگونه است؟

ج : اگر شوهر فوت شده در برابر بخشیده شدن مهریه، نصف اموال خود را به زنش داده باشد در نصف آن شریک است و اگر کمتر از نصف را به همسرش داده باشد در کمتر از نصف شریک است.

س : ۱۳۸۵ - آیا مهریه حاضر (گله) به خود دختر تعلق می گیرد یا به پدر و برادران دختر؟

ج : مهر مال دختر است اما گله مال داماد است و اگر دامادگله را بخشیده باشد مال موهوب له است.

س : ۱۳۸۶ - مردی با زنی ازدواج موقت می کند و مهریه زن تعداد دو صد سکه بهار آزادی قرار داده می شود آیا این مهر و عقد صحیح است؟ و اگر مهریه اش را ببخشد و بعد از گذشت مدت دوباره مهریه خود را دو صد سکه بهار آزادی در عقد دائم خود قرار بدهد صحیح است؟

ج : چنین مهریه ای در عقد دائم و موقت صحیح است اما دویست سکه بهار آزادی که تقریباً ده میلیون تومان می شود بر خلاف (مهرالسنه) است.

س : ۱۳۸۷ - مهریه دختری هفت سال پیش پنجاه هزار تومان بوده است، آیا شوهر همان پنجاه هزار تومان را از زنش بدهکار است یا ضامن کاهش قیمت و ارزش آن هم است؟

ج : اگر مهر مؤجل، و شوهر حاضر به پرداخت آن بوده است اما زن نگرفته است شوهر ضامن کاهش ارزش پول نیست اما اگر مهر معجل بوده است و شوهر آن را به تأخیر انداخته است در این صورت ضامن کاهش ارزش پول است.

س : ۱۳۸۸ - آیا کسی می تواند بعد از خوانده شدن عقد دائم، مهریه را تعیین کند؟

ج : اگر در عقد دائم مهر تعیین نشود مهرالمثل به گردن شوهر تعلق می گیرد.

س : ۱۳۸۹ - مردی پس از پنج ماه زندگی با همسرش تهمت جذام و پیسی به او می زند و مبلغ صد هزار تومان از او می گیرد و بدون این که مهرش را پرداخت کند او را طلاق می دهد درحالی که زن خویشارند و اقوام نزدیک در ایران ندارد

حکم این مسأله چیست؟

ج : چون با زن مقارت کرده است باید مهر زن را بدهد و مرد حق ندارد که مبلغ صد هزار تومان از زن بگیرد. باید مبلغ یاد شده را به زن برگرداند.

س : ۱۳۹۰ - دختری بعد از فوت پدر به سن بلوغ می رسد، اما به آن حد از رشد نمی رسد که بتواند نفع و ضرر خود را تشخیص دهد، آیا قیم (که پدرش معین نموده است) حق قیمومیت بر این دختر دارد در امر ازدواج؟

ج : در صورتیکه به تمام جهات رشیده نیست، قیم حق دارد که با توجه به مصالح دختر و استشاره و قناعت دادن دختر، او را نامزد نماید.

س : ۱۳۹۱ - اگر زنده و مرده بودن شخص مفقودالایر معلوم نباشد، تکلیف زوجة او چیست؟

ج : بعد از چهار سال فحوص و جستجوی شوهر، حاکم شرع می تواند او را طلاق دهد و بعد از عده وفات، می تواند شوهر دیگری اختیار کند.

س : ۱۳۹۲ - شخصی علاوه بر مهریه، مقداری از زمین خود را به عنوان گله به پدر دختر می دهد، آیا پدر دختر این زمین را مالک می شود؟

ج : گله حلیت ندارد، مگر اینکه داماد با رضایت کامل و بدون فشار و اکراه از طرف پدر دختر، زمین را هبه کرده باشد، که باز تا عین زمین باقی است، داماد حق رجوع دارد و می تواند زمین را پس بگیرد.

س : ۱۳۹۳ - زنیکه دهها سال قبل ازدواج کرده است و مهریه اش پول رایج زمان قرار داده شده است و فعلا ارزش این پول تنزل کرده است، اگر شوهرش او را طلاق دهد و یا خودش مهر خود را مطالبه نماید، همان مبلغ تعیین شده در تاریخ وقوع عقد را حق دارد، یا ارزش سابق پول را محاسبه نماید؟

ج : زوج و زوجه مهر مذکور را به اندازه ارزش زمان وقوع عقد مصالحه نمایند

## احکام طلاق

س : ۱۳۹۴- آیا شرط صحت طلاق حضور و استماع عدلین است یا استماع به وسیله تلفن، ضبط صوت و... کفایت می کند؟

ج : شرط صحت طلاق حضور و استماع عدلین است.

س : ۱۳۹۵- اگر زن خواهان طلاق باشد علاوه بر این که از مهریه صرف نظر می کند آیا شیربها و خسارت وارده بر شوهر را هم پرداخت کند؟

ج : اگر طلاق خلعی باشد باید شوهر را راضی کند به هر مبلغی که راضی می شود.

س : ۱۳۹۶- زنی در حال حیض طلاق داده شده است و چون جاهل به حکم بوده است بعد از پایان عده با مرد دیگری ازدواج می کند و بعد از هشت- نه سال می فهمد که طلاق در حال حیض باطل است. اکنون این زن و شوهر چه وظیفه ای دارند؟ با توجه به این که اگر حکم به جدایی زن از شوهر دومش شود زن خودکشی خواهد کرد.

ج : ازدواج دوم باطل و زن بر شوهر دوم حرام ابدی شده است. فرزندان آنان حلال زاده و ملحق به زن و شوهر دوم است.

س : ۱۳۹۷- در هنگام عده طلاق رجعی شوهر بدون قصد رجوع، می تواند به همسر مطلقه خود نگاه شهوت آلود بکند؟

ج : اشکالی ندارد. زیرا تا زمانی که زن در عده رجعی به سر می برد علقه

زوجیت باقی است.

س : ۱۳۹۸ - اگر وکیل شوهر در طلاق همسر، او را در حضور دو نفری طلاق بدهد که از نظر شوهر یکی از آنها یا هر دو عادل نیستند و شوهر بعد از اجرای طلاق و بعد از مدتی از این مسأله با خبر شود شوهر چه وظیفه ای دارد و حکم این طلاق چیست؟

ج : این طلاق باطل است و باید دوباره در حضور عدلین طلاق داده شود.

س : ۱۳۹۹ - با توجه به سوال پیشین اگر زن، شوهر دوم کرده باشد حکم چیست؟

ج : اگر در واقع طلاق فاسد باشد، زوجیت شوهر اول باقی است و زن یاد شده بر شوهر دوم حرام ابدی می شود.

س : ۱۴۰۰ - اگر شوهر، کسی را برای طلاق همسرش وکیل کند آیا شوهر می تواند یکی از دو شاهد طلاق باشد؟

ج : در اجرای طلاق باید دو نفر شاهد غیر از شوهر و غیر از مجری صیغه طلاق باشد.

س : ۱۴۰۱ - آیا در طلاق به جای دو شاهد مرد عادل چهار زن عادل یا یک مرد عادل و دو زن عادل کفایت می کند؟

ج : طلاق این چنینی باطل است.

س : ۱۴۰۲ - اگر حاکم شرع یا وکیل او دسترسی به شوهر نداشته باشد تا او را مجبور به پرداخت نفقه و یا طلاق همسرش بکند، در این صورت حاکم شرع می تواند زن او را طلاق بدهد؟

ج : اگر امتناع شوهر از پرداخت نفقه یا طلاق از راه های شرعی در نزد حاکم ثابت شود می تواند همسر او را طلاق بدهد.

س : ۱۴۰۳ - اگر در طلاق رجعی شوهر ادعا کند که هنوز زمان عده پایان نیافته است و رجوع کند اما زنش ادعا کند که زمان عده پایان یافته است و شوهرش حق رجوع

ندارد. قول کدام یک مقدم می شود؟

ج : قول مرد (شوهر) مقدم می شود. مگر اینکه زن ادعای خود را با بینه شرعیه ثابت کند.

س : ۱۴۰۴- اگر کسی بخواهد همسر مدخوله اش را طلاق بدهد و زن بگوید حیض نیستم اما بعد از اجرای طلاق زن ادعا کند که زمان طلاق حیض بوده است حکم مسأله چیست؟

ج : این قول زن اعتبار ندارد. مگر این که برای اثبات ادعای خود شاهد و بینه ای داشته باشد.

س : ۱۴۰۵- آیا کسی می تواند برای رجوع به همسرش وکیل بگیرد همان طوری که در اجرای طلاق وکیل می گیرد؟

ج : وکیل گرفتن در رجوع کفایت نمی کند. و نیاز به گرفتن وکیل ندارد فقط همین اندازه که بگوید من رجوع کردم کافی است و اگر بخواهد در آینده رجوع خود را ثابت کند در حضور چند نفر بگوید رجوع کردم.

س : ۱۴۰۶- زنی که از همسر خود طلاق خلعی گرفته است و مقداری از وجه خلع به ذمه زن باقی مانده است بعد از پایان عده، شوهرش زن مطلقه اش را نمی گذارد که شوهر کند مگر این که باقی مانده وجه خلع را پرداخت کند این مسأله چه حکمی دارد؟

ج : چون عده تمام شده است زن مطلقه به حساب می آید اما بنا بر احتیاط تا زمانی که باقی مانده وجه خلع را به شوهر سابقش نداده است از ازدواج مجدد اجتناب کند.

س : ۱۴۰۷- کسی که در ایران زندگی می کند مردی را وکیل می کند که همسرش را که در افغانستان زندگی می کند طلاق بدهد. وکیل، زن یاد شده را طلاق رجعی می دهد. هنوز عده طلاق رجعی به پایان نرسیده است که شوهرش در ایران از

دنیا می رود و زن بدون این که خبر از مرگ شوهرش داشته باشد بعد از پایان عده طلاق رجعی با مرد دیگری ازدواج می کند و بعد از دو- سه سال از مرگ شوهرش در زمان عده طلاق رجعی باخبر می شود. اکنون حکم این مسأله و همچنین حکم فرزندان زن که از شوهر دوم به دنیا آمده است چیست؟

ج : زن باید بعد از اطلاع از قضیه بدون طلاق از شوهر دومش جدا شود و چهار ماه و ده روز عده بگیرد. فرزندی که از ازدواج دوم زن به دنیا آمده است به شوهر دوم ملحق می شود و زن می تواند از شوهر دومش مهر المثلش را بگیرد. و مرد می تواند زن را با عقد جدید به ازدواج خود درآورد.

س : ۱۴۰۸- گاهی شوهر بدون عذر شرعی از دادن نفقه به همسرش خودداری می کند و طلاق هم نمی دهد اگر حاکم شرع طلاق دهد چه نوع طلاق می دهد؟

ج : نوع طلاق رجعی است ولی احوط این است که شوهر بدون عقد مجدد به زوجه رجوع نکند.

س : ۱۴۰۹- اگر زن از شوهرش تمکین نکند و شوهر او را نفقه ندهد و زن در عسر و حرج بیفتد و به دستور حاکم شرع طلاق داده شود. این طلاق از کدام نوع طلاق است؟

ج : چون زن به خاطر تمکین نکردن در عسر و حرج افتاده است حاکم شرع نمی تواند او را طلاق بدهد.

س : ۱۴۱۰- اگر زنی از اهل تشیع با مردی از اهل تسنن ازدواج کند و بعد از مدتی بر اثر اختلاف از همدیگر جدا شوند و صیغه طلاق را قاضی اهل تسنن بدون در نظر گرفتن شرایطی که در نزد تشیع معتبر است، جاری کند و زن ازدواج مجدد کند و شوهر دوم بعد از دخول از فرایند طلاق همسرش آگاهی پیدا کند. وظیفه اش چیست؟

۱- آیا این طلاق قاضی اهل سنت با علم و یقین به این که بدون شرایط معتبر در نزد تشیع صادر شده است صحیح است؟

۲- اگر شوهر دوم علم و یقین به این قضیه نداشته باشد چه حکمی دارد؟

ج : ۱- طلاق صحیح و ازدواج با آن زن اشکالی ندارد.

۲- طلاق قاضی اهل سنت از باب قاعده الزام صحیح است و ازدواج آن زن بعد از انقضای عده جایز است.

س : ۱۴۱۱- اگر قاضی اهل سنت بدون احراز شرایط معتبر در نزد تشیع زن کسی را طلاق بدهد و زن به حاکم شرع رجوع و او را از قضیه با خبر کند وظیفه حاکم شرع چیست؟

ج : طلاق قاضی یاد شده باطل است و حاکم شرع به شوهر زن دستور می دهد که مجدداً زنش را به شرایط معتبر در حضور دو نفر عادل طلاق بدهد و یا نفقه بدهد. اگر از طلاق و نفقه امتناع کند حاکم شرع یا وکیل او صیغه طلاق را جاری می کند و زن می تواند بعد از عده شوهر کند.

س : ۱۴۱۲- زنی از شوهرش تقاضای طلاق خلعی می کند. زن بدون پرداخت وجهی به شوهرش و بدون رضایت او از طریق پارتی بازی و رشوه خود را مطلقه می کند. آیا این طلاق صحیح است؟

ج : طلاق باطل و علقه زوجیت باقی است.

س : ۱۴۱۳- دختری که به خاطر خردسالی خوب و بد را تمیز داده نمی توانسته است به عقد پیرمردی درآورده اند. پانزده سال از زندگی مشترک آنان می گذرد و اکنون شوهرش فلج و از کار افتاده است و توان انجام عمل جنسی را ندارد و همسرش کار می کند و مصارف شوهرش را تهیه می کند. زن می گوید چون در مشکلات به سر می برد می ترسد به فساد کشیده و به گناه آلوده شود وظیفه این زن چیست؟

ج : چون این عقد مفسده داشته است زن می تواند این عقد را قبول نکند اما حالاً که قبول کرده است باید شوهرش را راضی به طلاق کند حتی در برابر پرداخت وجهی.



س : ۱۴۱۴ - مردی محکوم به زندان دراز مدت شده است. زنش می گوید حتی در صورتی که شوهرش نفقه اش را بدهد قادر به صبرکردن و ادامه زندگی نیست و اگر صبرکند هم ضرر دینی و هم ضرر آبرویی و حیثیتی پیدا می کند و گرفتار زنا می شود. وظیفه زن چیست؟

ج : زن به شوهر زندانی خود رجوع کند و او را مباشرتا و یا وکالتا راضی به طلاق کند.

س : ۱۴۱۵ - مردی، همسرش را بعد از پنج سال زندگی مشترک در غیابش طلاق می دهد و همسرش هم اطمینان به طلاق پیدا می کند. اما حالا دوباره مرد منکر طلاق همسرش شده است و از پدرش خواسته است که دخترش را به خانه شوهرش بفرستد. حکم این مساله چیست؟

ج : اگر طلاق ثابت شود و زن سه بار عادت ماهانه شود بعد از آن مرد ادعا می کند در این صورت نیازه توافق و عقد جدید دارد اما اگر بیش از سه بار عادت ماهانه مرد ادعا کند طلاق باطل می شود زوجیت باقی است.

س : ۱۴۱۶ - اگر مرد ادعا کند که همسرش را طلاق داده است این ادعا قبول می شود یا نیاز به شاهد دارد؟

ج : اقرار مرد به طلاق کفایت می کند مگر این که همسرش یقین به دروغ شوهر خود داشته، در این صورت زن نمی تواند ازدواج مجدد کند باید به حاکم شرع رجوع کند تا او وظیفه اش را معین کند.

س : ۱۴۱۷ - اگر زن و شوهر در اصل طلاق توافق داشته باشند، اما در نوع رجعی و خلعی بودن آن اختلاف داشته باشند و دلیل هم بر ادعای شان نباشد قول کدام یکی مقدم است؟

ج : چون خلع و طلاق دو ماهیت هستند هر کدام که برای اثبات ادعای خود بینه داشته باشد قولش مقدم می شود.

---

س : ۱۴۱۸- زن هایی که در دوران طاعوت با جبر و زور از شوهران شان طلاق گرفته اند آیا طلاق آنان صحیح است؟

ج : طلاق اجباری باطل و علقه زوجیت باقی است.

س : ۱۴۱۹- مردی دوازده سال پیش همسرش را به خاطر نشوزش ترک می کند و به ایران می آید و اکنون سالهاست که همسرش پشیمان و خواستار بازگشت شوهرش و یا طلاقش شده است اما شوهرش از بازگشت و طلاق خودداری می کند و می گوید ((بماند تا موهایش مانند دندان هایش سفید شود)) وظیفه زن چیست؟

ج : اگر زن ناشزه نیست باید شوهر برگردد و یا طلاق بدهد در غیر این صورت حاکم شرع می تواند زن را بدون اجازه شوهر طلاق دهد.

## احکام عده

س : ۱۴۲۰ - زنی در سن و سالی به سر می برد که حیض می شود اما لوله های رحم خود را بسته است و یا اصلاً عقیم است آیا عده دارد؟

ج : بله، عده دارد.

س : ۱۴۲۱ - زنی که در هنگام زایمان عمل جراحی شده و رحم او را بیرون آورده اند و اکنون حیض و حامله نمی شود. اما مقابتی صورت می گیرد. عده دارد؟

ج : در صورتی که سه ماه از انجام مقاربت بگذرد، طلاق صحیح است و بعد از طلاق هم سه ماه عده نگهدارد.

س : ۱۴۲۲ - مردی پنج سال است که در خارج از کشور به سر می برد و با همسرش مقاربت نکرده است اکنون پدر یا برادرش را وکیل کرده است که همسرش را طلاق بدهد. در صورت طلاق آیا این زن عده دارد؟

ج : اگر شوهر در زمانی که در وطنش بوده است با همسرش مقاربت کرده باشد و همسرش به سن یائسگی نرسیده باشد بعد از طلاق باید عده نگهدارد و اما اگر شوهر تاکنون اصلاً با همسرش نزدیکی نکرده باشد و ((غیر مدخوله)) به حساب آید، بعد از طلاق عده ندارد.

س : ۱۴۲۳ - مردی با زنی ازدواج موقت می کند بعد از یک سال باقی مانده مدت را می بخشد آیا پیش از پایان یافتن عده می تواند زن یاد شده را دوباره عقد کند؟

ج : بله، اشکالی ندارد.

### اسباب تحریم

س : ۱۴۲۴- اگر کسی با زنی ازدواج موقت کند، بعد از آن با مادر زن موقتش زنا کند و بعد از آن مدت باقی مانده را ببخشد و با زن موقتش ازدواج دائم بکند اکنون وظیفه زن و شوهر چیست؟

ج : اگر زنا پیش از مقاربت با زن موقت اتفاق افتاده است، احتیاط واجب آن است که زن خود را طلاق بدهد. اما اگر زنا بعد از مقاربت با زن موقتش اتفاق افتاده باشد لازم نیست از زنش جدا شود و طلاق بدهد.

س : ۱۴۲۵- اگر زن شوهرداری با مردی زنا کند، بعد از آن از شوهرش طلاق بگیرد در حالی که علم و یقین دارد بر این که بر زانی حرام ابدی شده است یا او ازدوج می کند. باز در همان وقت با مرد دیگری مرتکب زنا می شود و اگر از شوهر دومش طلاق بگیرد، می تواند با زانی دوم ازدواج کند، یا زن زانیه بر زانی دوم همانند زانی اول حرمت ابدی پیدا کرده است؟

ج : اگر ازدواج با زانی دوم بعد از عده طلاق شوهر اولی واقع شود اشکالی ندارد زیرا عقد زانی اول (شوهر دوم) باطل بوده است اما اگر زنا، با زانی دوم در زمان عده طلاق شوهر اول واقع شده باشد بر زانی دوم نیز حرام ابدی شده است.

س : ۱۴۲۶- آیا ازدواج با دو خواهر رضاعی در یک زمان مانند ازدواج با دو خواهر نسبی در یک زمان، حرام است، یا تفاوت دارد؟

ج : ازدواج با دو خواهر رضاعی در یک زمان مانند ازدواج با دو خواهر نسبی در یک زمان حرام است و تفاوتی ندارد.

س : ۱۴۲۷- آیا ازدواج با دو خواهری که یکی از آنان فرزند مشروع و دیگری فرزند

نامشروع (زنزاده) است حرام است؟

ج : بله ازدواج با دو خواهر یاد شده در یک زمان مانند ازدواج با دو خواهر نسبی یا رضاعی و یا نسبی و رضاعی در یک زمان حرام است.

س : ۱۴۲۸- زنی در زمان عده وفات شوهرش با مردی زنا می کند. بعد از پایان عده وفات زن و مرد یاد شده می توانند با هم ازدواج کنند؟

ج : بعد از پایان یافتن عده وفات می توانند با هم ازدواج کنند زیرا زنا در زمان عده وفات موجب حرمت ابدی نمی شود. بر خلاف زنا در عده طلاق رجعی که موجب حرمت ابدی می شود.

س : ۱۴۲۹- اگر کسی دو زن داشته باشد و یکی از این زنان دختری داشته باشد آیا زن دیگر پدر دختر که مادر اندر به حساب می آید بر شوهر دختر یاد شده حرام می شود؟

ج : نامادری همسر (مادر اندر زن) برای انسان حرام نیست.

س : ۱۴۳۰- اگر کسی با زنی ازدواج و عقد کند اما پیش از دخول او را طلاق بدهد آیا پسر این مرد می تواند با زن مطلقه غیر مدخول بهای پدرش ازدواج کند؟

ج : زن پدر، زن پدر است چه مدخول بها باشد یا نباشد حرام است.

س : ۱۴۳۱- مردی زنش را طلاق می دهد و به سفر می رود. در زمان عده طلاق به همسرش رجوع می کند اما زن مطلقه چون از رجوع شوهرش آگاه نبوده است بعد از عده طلاق با مرد دیگری ازدواج می کند اکنون زن یاد شده از نظر شرعی زن شوهر اول به حساب می آید یا زن شوهر دوم؟

ج : اگر شوهر اول بتواند رجوع خود را با بینه معتبری ثابت کند زن یاد شده همسر او به حساب می آید و عقد شوهر دوم باطل بوده است.

س : ۱۴۳۲- آیا مرد می تواند در یک زمان با دو زن سیده ازدواج کند؟

ج : اشکالی ندارد اما احتیاط مستحب در ترک آن است.

س : ۱۴۳۳ - اگر مردی با دختر باکره ای یا زنی که شوهر ندارد و در عده هم به سر نمی برد مرتکب زنا شود و زانیه حامله شود، آیا زانی می تواند با زانیه ازدواج کند آیا نیاز به عده دارد؟

ج : ازدواج آنان اشکالی ندارد و نیاز به عده هم ندارد.

س : ۱۴۳۴ - اگر زن برادر کسی فرزند او را شیر بدهد آیا باعث محرمیت در سایر افراد این خانواده می شود؟

ج : سبب محرمیت (ممنوعیت از دواج) در سایر افراد نمی شود.

س : ۱۴۳۵ - آیا خواهر مرتضع می تواند خواهر رضاعی برادرش را برای پسرش عقد کند؟

ج : بله، مانعی ندارد.

## حقوق اولاد

(ختنه)

س : ۱۴۳۶ - ملاک و فلسفه ختنه چیست؟

ج : در حدیث آمده است که حضرت ابراهیم (ع)، حضرت اسحاق (ع) را ختنه کرده است و بعد از آنان سنت شده است.

س : ۱۴۳۷ - آیا ملاک درختنه بریدن اطراف حشفه به اندازه حشفه است یا اگر اندکی هم بریده شود کفایت می کند؟

ج : باید پوست اضافی دور حشفه بریده شود.

س : ۱۴۳۸ - اگر مقداری از اطراف حشفه بریده شود ختنه صحیح است یا دوباره ختنه شود؟

ج : پوست زیادی اطراف حشفه بریده شود.

---

س : ۱۴۳۹ - اگر مقداری از پوست اطراف حشفه بریده شود و ختنه مجدد باعث آبروریزی باشد باز هم ختنه شود؟

ج : ختنه کردن باعث آبروریزی نمی شود وگرنه شارع واجب نمی کرد.

س : ۱۴۴۰ - ختنه کردن همه مردم باعث عسر و حرج نیست؟

ج : همه درکودکی ختنه می شوند و عسر و حرجی هم نیست.

س : ۱۴۴۱ - اگر ختنه مجدد در صورتی که ختنه قبلی کفایت نکرده باشد موجب ضرر یا مرگ مختون شود آیا ختنه قبلی کفایت نمی کند؟

ج : اگر اطمینان به ضرر و مرگ باشد ختنه قبلی کفایت می کند.

س : ۱۴۴۲ - آیا حج غیر مختون صحیح است؟

ج : حج غیر مختون باطل است.

س : ۱۴۴۳ - کسی که ختنه نشده است و مستطیع شده است اما نمی تواند خود را ختنه کند به خاطر این که خجالت می کشد یا برایش ضرر دارد آیا می تواند به حج برود یا نایب بگیرد؟

ج : چون ختنه شرط صحت طواف است باید نخست ختنه شود و بعد از آن به حج برود.

### احکام اولاد:

س : ۱۴۴۴ - اگر زن حاضر نشود که فرزند مشترکش را به شوهرش بدهد آیا حق دارد که نفقه و مخارج فرزند یاد شده را از شوهرش بگیرد؟

ج : حق حضانت فرزند پسر تا دوسال با مادر است و نفقه و مخارج این دو سال را می تواند از شوهرش بگیرد اما بعد از دو سال شوهر (پدر بچه) حق دارد که پسرش را از مادرش جدا کند و با خود ببرد.

س : ۱۴۴۵ - کسی در جنگ کابل بدون وصیت کشته شده و از او یک دختر باقی مانده است مادر دختر ادعا می کند که چون مهریه اش را به شوهر مقتولش بخشیده است دخترم را با خودم می برم. آیا مادر دختر چنین حقی دارد؟

ج : حق حضانت دختر تا هفت سال با مادرش است و بعد از هفت سالگی تا زمان بلوغ می تواند دخترش را نگهدارد اما بعد از بلوغ حق انتخاب زندگی با خود دختر است که با مادرش زندگی کند یا با اقوام پدرش. اما مادر حق ندارد که دختر را عوض مهریه اش بگیرد.

س : ۱۴۴۶ - مردی با کمال رضایت و اختیار و تعهد و قرارداد کتبی در حضور علمای منطقه حق ولایت دختر دو ماهه اش را به جد مادری دختر می دهد و تصریح می کند که جد مادری اش در تمام امور دختر مانند بزرگ کردن، ازدواج و...



ولایت دارد. جد مادری دختر، نواسه خود را بزرگ می کند و تمام مصارف و نفقه و خوراک و پوشای او را می دهد حالاکه دختر یاد شده به سن پانزده سالگی رسیده است پدرش خواستار بازگشت و گرفتن دخترش شده است آیا چنین حقی دارد؟

ج : در صورتی که پدر دختر تمام مصارف و حق الزحمه جد مادری دختر را بدهد می تواند دخترش را از جد مادری بگیرد.

س : ۱۴۴۷- پسری در دو سالگی پدر و جد پدری خود را از دست می دهد و با مادرش در خانه جد مادری خود زندگی می کند. تمام خوراک و پوشاک و مصارف و...مادر و پسر خردسالش از زمین زراعتی موروثی پدر، پسر یاد شده فراهم می شود حالا عموی او می خواهد پسر را از مادرش جدا کند و با خود ببرد آیا چنین حقی دارد و اگر چنین حقی نداشته باشد از نظر شرعی می توان سهمیه یاد شده را از زمین های مشترک که در نزد عمویش است گرفت؟

ج : پسر یاد شده تا دو سال به عنوان حق حضانت مادرش در نزد او می ماند و بعد از دو سال چون عمویش ولی و قیم شرعی او نیست نمی تواند او را از مادرش جدا کند بنابراین تا هنگام بلوغ در نزد مادرش می ماند. دربارہ زمین های زراعتی پسر یاد شده، اگر ولی و قیم و سرپرستی منصوب از طرف پدر یا جد پدری یا حاکم شرع باشد می تواند در زمین ها تصرف کند و حتی اگر حاکم شرع عموی پسر را به عنوان ولی و سرپرست منصوب کند، سرپرستی طفل و زمین او به عموی او سپرده می شود.

س : ۱۴۴۸- زنی در هنگام مرگ شوهرش سه ماهه حامله بوده است و بعد از گذشت شش ماه فرزندش به دنیا می آید. همه مصارف زایمان و بیمارستان و...را پدر این زن پرداخت می کند. اکنون برادر و مادر شوهر این زن می خواهند فرزندش شش ماه اش را از او جدا کنند و به افغانستان ببرند.

---

اولا: برادر و مادر شوهر حق دارند کودک را از مادرش جدا کنند؟

ثانیا: حق رضاعت و بهای شیر دادن مادر چه می شود؟

ثالثا: از نظر شرعی تا چه وقت مادر کودک حق نگهداری و حضانت از بچه اش را دارد؟

ج : اولاً: هیچ کس حق ندارد فرزند را از مادرش جدا کند.

ثانیا: مصارف بیمارستان و... را می تواند از میراث شوهرش بردارد و اگر از شوهرش میراثی نمانده باشد حق ندارد از کسی بگیرد، به عهده خودش است.

ثالثا: بهای شیر دادن و رضاعت را نمی تواند از کسی طلب کند.

### احکام چیزی که انسان پیدا می کند.

س : ۱۴۹۲ - اگر کسی طفل نوزادی را کنار جاده ای عمومی یا پشت بیمارستانی پیدا کند و یقین کند که پدر و یا مادرش از او اعراض کرده اند آیا واجب است که آن طفل را التقاط کند؟

ج : اگر جان لقیط وگم شده در خطر باشد برداشتن او واجب کفایی است، و هرکسی که او را بردارد حق اولویت در حضانت او دارد مگر اینکه در آینده ولی این طفل پیدا شود که در این صورت واجب است او را به ولیش تسلیم کند.

س : ۱۴۹۳ - اگر کسی مالی را که قیمت آن بیشتر از یک درهم است در غیر شهر خودش پیدا کند، و قبل از پیدا کردن صاحب آن مال بخواهد به شهر خودش برگردد، درباره این مال چه وظیفه دارد؟

ج : واجب است که شخص امینی را در آن شهر نایب بگیرد تا به مدت یک سال تعریف کند، اگر صاحب مال پیدا نشود از جانب صاحب مال آن را به فقیران صدقه بدهد.

س : ۱۴۹۴ - اگر مالی که پیدا شده است قبل از تعریف و اعلام کردن بین مردم تلف شود، آیا باز تعریف واجب است و این شخص یابنده ضامن مثل، یا قیمت آن است؟

ج : اگر افراط و تفریط نکرده باشد تعریف واجب نیست و ضمان هم ندارد و اگر در تلف شدن آن تعدی و تفریط و کوتاهی کرده باشد، هم تعریف آن واجب است و هم ضامن مثل یا قیمت آن است.

س : ۱۴۹۵ - افرادی که در محل کارشان همه روزه مراجعین زیادی دارند مانند طبیب، اگر اموالی از این مراجعین جا بماند، وظیفه این افراد چیست؟

ج : حکم مجهول المالک بر این اموال جاری است.

س : ۱۴۹۶ - برخی از افراد اشیاء و وسایلی را پیدا می کنند مانند تسبیح، ساعت و...

بدون اینکه به وظائف خود از جهت تعریف اشیاء گمشده و شرایط آن عمل نمایند، آن اشیاء را می آورند و در مساجد یا حسینیه ها می گذارند و گاه سالها می گذرد و از صاحب اموال خبری نمی شود. وظیفه خادم یا متولی چیست؟

ج : حکم مجهول المالک بر این اموال جاری است که با اذن حاکم شرع یا وکیل مأذونش عین یا قیمت این اموال را صدقه بدهند.

س : ۱۴۹۷- در تابستان سال ۱۳۷۰ بخاطر نداشتن برگه تردد راهی اردوگاه شدم. مدتی را آنجا ماندم و یک دوربین عکاسی را که به احتمال قوی از مهاجرین خود ما بوده است از بین نان خشک پیدا کردم، که ظاهراً از ترس آن را در بین نان خشک انداخته بود. آن را برداشتم و موقع بیرون آمدن از اردوگاه با خود بیرون آوردم، آیا می شود آن را به یکی از طلاب از طرف صاحبش صدقه بدهم؟

ج : اگر دوربین علامت و مشخصاتی نداشته باشد (که حتما دارد) که قابل تعریف باشد در این صورت صدقه داده می شود. اما اگر علامت یا علائم و مشخصاتی داشته باشد که بتوان آن را تعریف کرد، احکام لقطه بر او جاری است. و اگر اطمینان داشته باشد که صاحبش پیدا نمی شود، می تواند با اذن حاکم شرع و بدون تعریف صدقه بدهد. در تعریف آن به کارکنان اردوگاه نگویید که دوربین یافته ام، بلکه بگویید چیزی پیدا کرده ام تا علامت را بگویند.

س : ۱۴۹۸- اسکناسها و بلیت هایی که در شهرهای شلوغ و پر رفت و آمد پیدا می شود چه حکمی دارد؟

ج : یابنده می تواند آن ها را تملک کند اما احوط این است که به نیابت از سوی صاحبان آنها صدقه بدهد.

س : ۱۴۹۹- چیزهای گران قیمت که از زیر زمین و خاک پیدا می شود و از طرف حکومت ها تملک آنها ممنوع است چه حکمی دارد؟

ج : اگر یابنده بداند که از زمان های قدیم بوده است و مالک آن موجود نیست در صورتی که به حد نصاب برسد نخست خمس آن را حساب وبعد از آن تملک کند.

## احکام ذباحت

س : ۱۵۰۰- اگر ذابح مسلمان نباشد ولی تسمیه و سایر شرایط ذبح را رعایت کند در صحت ذبح کفایت می کند یا نه؟

ج : مسلمان بودن در ذبح موضوعیت دارد اگر ذابح مسلمان نباشد حیوان حرام می شود.

س : ۱۵۰۱- اگر در هنگام بریدن سر حیوان به خاطر فراموشی نام خداوند برده نشود یا حیوان رو به قبله نشود گوشت حیوان حلال است یا حرام؟

ج : اگر فراموش شود که یاد کردن نام خداوند در هنگام ذبح و رو به قبله کردن حیوان واجب است گوشت حیوان حلال است.

س : ۱۵۰۲- اگر ذابح در هنگام بریدن سر حیوان عمدا نام خداوند را یاد نکند و عمدا حیوان را رو به قبله نکند گوشت حیوان حلال است یا حرام؟

ج : در این صورت گوشت حیوان حرام می شود.

س : ۱۵۰۳- اگر در هنگام بریدن سر مرغ به خاطر تیزی کارد سر مرغ جدا شود گوشتش حلال است یا حرام؟

ج : در صورتی که ((جوزه)) به طرف سر برود و اوداج اربعه قطع شود حلال است.

س : ۱۵۰۴- کشتارگاه هایی که گاوها، گوسفندها و مرغ ها را به صورت جمعی با

ابزار آلات عصری با فشار دادن یک کلید ذبح می کنند اگر یک نام خداوند به قصد و نیت ذبح همه آنها برده شود کفایت می کند؟

ج : احتیاط واجب این است که حیوانات به صورت متعارف ذبح شود نه با ابزار جدید.

س : ۱۵۰۵- اگر سگی به حیوانی حمله کند و دندان هایش را درگوشه حیوان فرو ببرد و جای آن سیاه شود و در حالی که حیوان زنده است ذبح شود جای دندان های سگ حلال است یا حرام؟

ج : اگر محل دندان سگ تطهیر شود حلال است.

س : ۱۵۰۶- قصابی که لال است اما خدا را توجه دارد ذبیحه او چه حکمی دارد؟

ج : اگر در هنگام ذبح خدا را یاد کند با اشاره دست یا با حرکت دادن زبان ذبیحه او حلال است اگر چه اولی و احوط این است که در صورتی که ضرورت نباشد کسی دیگری ذبح را به عهده بگیرد.

س : ۱۵۰۷- حیوانی که آبستن است و هنگام زاییدنش فرا رسیده است دو نفر همزمان یکی کارت را به گلویش می گذارد و دیگری شکمش را پاره می کند این ذبیحه چه حکمی دارد؟

ج : ذبیحه حلال است اما ترک این کار احتیاط مستحب است.

س : ۱۵۰۸ - گوسفند آبستنی که نمی تواند بزاید نخست برای بیرون آوردن بره شکمش را پاره می کنند و بعد از آن او را ذبح می کنند چه حکمی دارد؟

ج : اگر بعد از پاره شده شکم، گوسفند زنده باشد و شرایط ذبح مراعات شود حلال است.

س : ۱۵۰۹- آیا ذبح حیوان با ابزار غیر آهنی مانند مس، نقره، استیل و برنج جایز است و موجب حلیت می شود؟

ج : اگر اضطرار و ضرورت باشد و دسترسی به ابزار آهنی نباشد اشکال

ندارد اما اگر دسترسی به ابزار آهنی باشد ذبح با ابزار غیر آهنی موجب حلیت نمی شود.

س : ۱۵۱۰ - اگر قصاب از مجتهدی تقلید داشته باشد که در ذبح یک شرط مثلاً جهیدن خون را کافی می داند اما مصرف کننده گوشت از مجتهدی تقلید دارد که دو شرط را در ذبح معتبر می داند مانند جهیدن خون و حرکت حیوان. آیا مصرف کننده می تواند از گوشتی که با اعتبار یک شرط توسط همان قصاب ذبح شده است مصرف کند؟

ج : این مسأله دو صورت دارد: ۱- اگر مرجع تقلیدی که در شرط جهیدن خون و حرکت حیوان را معتبر می داند در اعتبار آن دو شرط احتیاط کند، مقلدین او می توانند از مجتهدی تقلید کنند که یک شرط را معتبر می داند در صورتی که این مجتهد جامع الشرایط باشد و رعایت الاعلم فالاعلم شده باشد. ۲- اگر مرجع تقلیدی که دو شرط را معتبر می داند به اعتبار این دو شرط در ذبیحه فتوا داده باشد و مقلدین او هم به این مسأله عمل کرده باشند نمی توانند از ذبیحه قصاب یاد شده مصرف کنند.

س : ۱۵۱۱ - اگر حیوانی بعد از قطع دو رگ از چهاررگ (اوداج اربعه) فرار کند و بعداً او را بگیرند و ذبح کنند که عرفاً دو عمل به حساب می آید آیا حیوان تزکیه می شود؟

ج : اگر دو رگ باقی مانده را با مراعات شرایط ذبح ببرند تزکیه می شود.

س : ۱۵۱۲ - اگر گری، گوسفندی را بدرد و امعا و احشای او را بیرون بیاورد و پیش از مردنش ذبح شود آیا اجزای متصل به گوسفند تزکیه می شود؟

ج : اگر روح و اوداج اربعه گوسنند باقی است و شرایط ذبح مراعات شود حلال است.

س : ۱۵۱۳ - اگر حیوانی مجروح شود و خون زیادی از او برود اما در هنگام ذبح خون نیاید یا کمتر از حد متعارف بیاید حلال است یا حرام؟

ج : اگر بعد از ذبح حرکت کند اگر چه خون کم بیاید حلال است.

س : ۱۵۱۴ - اگر گوسفند آبستنی ذبح شود و بره در شکمش زنده باشد اما در پاره کردن شکم گوسفند پیش از حد متعارف تاخیر شود بره در شکم گوسفند ذبح شده بمیرد آیا این بره حلال است یا حرام؟

ج : گوشت بره حرام است.

س : ۱۵۱۵ - اگر از شکم گوسفند ذبح شده بره ای مرده بیرون آید و خلقتش هم تمام شده باشد و پشم هم آورده باشد آیا در حلیت آن تفاوتی بین بره ای که هنوز روح در او دمیده نشده و بره ای که در او روح دمیده شده اما در شکم مادرش مرده باشد، هست؟

ج : اگر روح دمیده نشده باشد یا دمیده شده باشد اما بعد از تذکیه و ذبح مادرش مرده باشد گوشت بره حلال است، اگر روح دمیده شده باشد اما پیش از ذبح مادر به خاطر بیماری و... مرده باشد حرام است.

س : ۱۵۱۶ - اگر سر حیوان به دلیلی از زیر چانه چانه جدا شود و درحالی که روح دارد ذبح شود حلال است یا حرام؟

ج : اگر شرایط ذبح رعایت شود حلال است اما سر حیوان حرام است چون پیش از ذبح شرعی از حیوان جدا شده است.

س : ۱۵۱۷ - اگر سر خروس را به قصد ذبح از تنش جدا کند و بعداً معلوم شود که یکی از اوداج اربعه باقی مانده است و بی درنگ آن را قطع کند حلال است یا حرام؟

ج : گوشت خروس حلال است اما احتیاط این است که از جدا کردن سر خروس در حال حیات اجتناب شود.

س : ۱۵۱۸ - اگر کسی جاهل به مسأله باشد و حیوان را رو به قبله ذبح نکند چه



حکمی دارد؟

ج : اگر از روی جهل رو به قبله نکند یا قبله را اشتباه کند یا نتواند رو به قبله کند اما دیگر شرایط ذبح را مراعات کند حلال است.

س : ۱۵۱۹- اگر بعد از ذبح حیوانی معلوم شود که برآمدگی به طرف تن حیوان آمده است و حیوان هنوز زنده است و بی درنگ برآمدگی را به طرف سر حیوان برگردانند حلال است یا حرام؟

ج : اگر روح داشته باشد و مجدداً اوداج اربعه را ببرند و بار دوم خون جاری شود حلال است.

س : ۱۵۲۰- اگر گردن حیوانی به سبب گرگ یا وسیله دیگری از پشت گردن قطع شود اما اوداج اربعه (چهاررگ) باقی باشد و آن را ذبح کنند حلال است یا حرام؟

ج : اگر بعد از ذبح، حیوان اندک حرکتی کند و شرایط ذبح رعایت شود حلال است.

س : ۱۵۲۱- درکشتارگاه های صنعتی دستگاه های برقی سر حیوان را از پشت گردن قطع می کند و بعد از قطع سر حیوان دست و پا می زند این گونه ذبح موجب حلیت می شود؟

ج : اگر ذبیحه از پرندگان نباشد، اجتناب از گوشت آن احوط است.

س : ۱۵۲۲- کسی که دستگاه کشتار را روشن می کند باید نام خداوند را یاد کند اگر چه در نزدیک حیوانات نباشد؟

ج : بله، زیرا ذبح کننده او است و باید نام خدا را یاد کند. ولی احتیاط واجب این است که با آلات متعارف ذبح کند.

س : ۱۵۲۳- آیا در ذبح گفتن جملات مخصوص شرط است یا گفتن تنها کلمه ((الله)) کفایت می کند؟

ج : گفتن الله اکبر، بسم الله و یا الله کفایت می کند.

س : ۱۵۲۴- اگر سر مرغ به خاطر تیزی کارت جدا شود و برآمدگی در قسمت تن مرغ

---

قرار بگیرد بی درنگ با ذبح دوباره آن را به قسمت سر قرار بدهد حلال است؟

ج : اگر روح باقی باشد و شرایط ذبح مراعات شود حلال است اما سر مرغ حرام می شود زیرا از بدن حیوان زنده جدا شده است.

س : ۱۵۲۵ - کسانی که در روز عید قربان در خانه های خود و دور از سرزمین مکه قربانی می کند روی چه مبنای شرعی است؟

ج : قربانی در روز عید قربان و اهدای ثواب آن به ارواح اموات اشکالی ندارد بلکه کار پسندیده ای است.

س : ۱۵۲۶ - اگر گوش حیوانی کمی پاره شده باشد یا برای نشانی کمی قیچی شده باشد اشکالی دارد؟

ج : اشکالی ندارد.

### احکام نذر

س : ۱۵۲۷ - اگر کسی گوسفند ماده ای را نذر امام حسین (ع) بکند و این حیوان تا چند سال زنده بماند و بره بیاورد آیا بره هایش هم نذر امام حسین (ع) است؟

ج : احتیاط واجب این است که بره هایش هم نذر امام حسین (ع) است مگر این که ناذر قصد نذر بره هایش را نکرده باشد.

س : ۱۵۲۸ - کسی گوسفندی را نذر می کند که در دهه محرم ذبح و اطعام کند اگر این گوسفند آبستن باشد آیا می تواند آن را ذبح کند یا تا سال آینده صبر کند؟

ج : اگر برای دهه محرم امسال نذر کرده باشد باید ذبح کند اما اگر سال ذبح و اطعام را تعیین نکرده باشد می تواند ذبح را به تاخیر اندازد.

س : ۱۵۲۹ - کسی گوساله ای را نذر امام حسین (ع) می کند وقتی گاو می شود آیا می تواند آن را بفروشد و قیمت آن را فرش و ظرف برای حسینی بخرد؟

ج : اگر نذر امام حسین کرده باشد و صیغه خوانده باشد باید ذبح کند و نمی تواند بفروشد.

س : ۱۵۳۰ - کسی، گوسفندی را نذر امام حسین (ع) می کند که در روز عاشورا ذبح کند اما پیش از عاشورا می تواند آن را به نام امام حسین (ع) به فقیری بدهد که در معرض تلف قرار دارد؟

ج : اگر صیغه خوانده باشد و برای ذبح نذر کرده باشد اگرچه نذر لازم العمل است اما چون حفظ نفس محترمه در میان است می تواند به فقیر بدهد و فقیر مقدم بر نذر می شود.

س : ۱۵۳۱ - پولی را که کارگران در ایران برای منبر و حسینیه جمع می کنند تا فرش و طرف و... بخرند آیا کسی می تواند این پول را برای خود مصرف کند؟

ج : نمی تواند برای خود مصرف کند.

س : ۱۵۳۲ - با توجه به سوال پیشین آیا گروه دادن این پول ها و گرفتن بهره و فایده آن برای حسینیه جایز است؟

ج : گروه کردن و بهره گرفتن جایز نیست مگر این که صاحبان پول تصریح کرده باشند به چنین کاری و معامله حلال انجام شود اما گروه دادن پول و بهره گرفتن مطلقاً جایز نیست.

س : ۱۵۳۳ - با توجه به سوال پیشین آیا می توانیم چند نفر را امین انتخاب کنیم تا پول را برای حسینیه مصرف کنند؟

ج : اگر کارگران شما را امین انتخاب کرده باشند باید مباشرتاً انجام دهید و اگر انتخاب نکرده باشند می توانید به سبب آدم های امین برای حسینیه مصرف کنید.

س : ۱۵۳۴ - در ایام محرم و غیر آن وجوهی به عنوان نذر امام حسین جمع آوری می شود و معلوم نیست که صاحبان وجوه صیغه نذر را خوانده اند یا نخوانده اند. بخشی از این وجوه مصرف و بخشی دیگر می ماند آیا هیات امناء اجازه دارند که پول های باقی مانده را به فقرا و مساکین بدهند و ثوابش را به امام حسین (ع) اهدا کنند؟

ج : مصرف کردن چنین وجوهی برای عزاداری امام حسین (ع) اگر چه در غیر محرم باشد احوط است

س : ۱۵۳۵ - وجوهی برای خریدن وسایل برای حسینیه جمع آوری شده است آیا از این وجوه برای آزادی گروگان ها از دست قاچاقبر و کمی به فقرا که در حال اضطرار است مصرف می شود؟

ج : اگر صاحبان پول صیغه نذر را خوانده باشند باید برای حسینیه مصرف

شود اما اگر صیغه نذرا نخوانده باشند با علم و یقین به رضایت صاحبان پول جایز است که برای آزادی گروگان ها و کمی به فقرای مضطر مصرف شود.

س : ۱۵۳۶- کسی قسم می خورد که سیگار را ترک کند مدتی ترک می کند اما بیمار می شود و سیگار اندکی بیماری او را بهبود می بخشد اکنون دوباره سیگار می کشد حکم قسم او چیست؟

ج : اگر سوگند شرعی باشد تخلف از آن کفاره دارد باید یک بنده آزاد یا ده نفر فقیر را اطعام کند.

س : ۱۵۳۷- کسی سیگار می کشد و سیگار حال او را بد می کند و در همان حال از روی عصبانیت نذر می کند که اگر سیگار بکشد سه ماه روزه بگیرد آیا چنین نذری صحیح است؟

ج : اگر در هنگام نذر نام خداوند را بر زبان آورده باشد که (که برای خدا بر من است اگر سیگار بکشم سه ماه روزه بگیرم) نذر منعقد شده است و اگر نام خدا را بر زبان نیاورده باشد نذر منعقد نشده است.

س : ۱۵۳۸- اگر کسی مفهوم و شرایط نذر را نداند و بگوید (( اگر سیگار بکشم به خدا قسم سه ماه روزه بگیرم)) و هدفش سه ماه روزه گرفتن است، آیا نذر این شخص و یاسوگندش منعقد شده است؟

ج : سوگند منعقد شده است اما نذر منعقد نشده است.

س : ۱۵۳۹- تعدادی از پول نذر امام حسین (ع)، را کرایه ماشین داده است و برخی از صاحبان پول راضی نیستند این مساله چه حکمی دارد؟

ج : کرایه کردن ماشین برای حمل و انتقال عزاداران و آوردن فرش و ظرف حسینیبه اشکال ندارد.

س : ۱۵۴۰- کسی که در هنگام مسافرت دست خود را به سرگوسفندی می کشد بدون این که صیغه نذر را بخواند آیا چنین نذری منعقد می شود؟

ج : نذر منعقد نمی شود اما اطعام مومنان ثواب دارد.

س : ۱۵۴۱- اگر یکی از برادران کوسفند مشترکی را برای فرزند خود نذر کند این نذر نافذ است؟

ج : بدون اجازه شرکاء نذر منعقد نمی شود حتی در سهمیه پدر فرزند.

س : ۱۵۴۲- اگر گاو نذری برای قُلبه و... کرایه داده شود آیا گرفتن کرایه از سوی صاحب گاو نذری جایز است؟

ج : اگر صیغه نذر را خوانده باشد کرایه آن حکم نذر را دارد اما اگر کرایه دادن گاو باعث لاغری گاو شود نباید کرایه بدهد.

س : ۱۵۴۳ - دو نفر در مورد یک قطعه زمینی دعوا دارند و ذوالید (کسی که زمین فعلاً در اختیار او است) مدعی است زمینی که از طریق بیع به او رسیده است کم است. در این صورت قسم یادکردن بر ذوالید فعلی است یا ذوالید سابق (کسی که زمین قبلاً در اختیار او بوده است)؟ و بر فرض که ذوالید سابق باشد و ذوالید فعلی نه قسم ذوالید سابق را بپذیرد و نه زمین را رها کند حکم شرعی چیست؟

ج : در صورتی که ذوالید فعلی اقرار دارد که زمین مال ذوالید سابق بوده است و من خریده ام باید برای اثبات خریدنش بینه و شاهد بیاورد و اگر بینه ندارد ذوالید سابق در نزد قاضی قسم یاد کند که زمین در ملک من باقی است قاضی زمین را به او تسلیم می کند.

## احکام غصب

س : ۱۵۴۴ - کسی مال دیگری را غصب می کند اما پشیمان می شود و می خواهد خود را بری الذمه کند عین مال هم موجود نیست آیا غاصب ضامن قیمت روز غصب است یا روز تلف یا بالاترین قیمت در این دو روز؟

ج : غاصب ضامن قیمت روزتلف است.

س : ۱۵۴۵ - اگر کسی مال دیگری را بدون اجازه او بفروشد و صاحب مال بعد از سه ماه اجازه بدهد. این اجازه کاشف است یا ناقل؟

ج : اجازه کاشف است و منافع مال خریده شده در این مدت مال مشتری است.

س : ۱۵۴۶ - اگر کسی در زمین کس دیگری نهال غرس کند، یا چیزی کشت کند، آیا مالک زمین حق دارد پیش از برداشت محصول و رشد نهال ها از آن جلوگیری کند، اگر چنین حقی داشته باشد قطع درختان و برداشتن زراعت به عهده کیست؟

ج : مالک چنین حقی دارد، قطع درختان و درو زراعت به عهده غاصب است.

س : ۱۵۴۷ - پسری درخانه پدرش نهالی غرس می کند این نهال مال خود پسر است یا مال پدر است و یا مال برادر بزرگ؟

ج : اگر زمین مال خود پسر است نهال هم مال اوست اگر زمین مال پدر است باید پسر اجرت آن را به اندازه متعارف بدهد. ولی نهال مال پسر است.

س : ۱۵۴۸ - بعضی افراد منطقه در جنگ های داخلی افغانستان زمین کسی را مصادره می کنند و در اختیار پایگاه قرار می دهند پایگاه زمین را نصفه کاری یا اجاره می دهد. اجاره و نصفه کاری گرفتن چنین زمینی چه حکمی دارد؟

ج : تصرف در این گونه زمین ها حرام و محصول آن غصب است باید فوراً به صاحبان زمین برگردانده شود. و اجرت المثل زمین را هم بدهد.

س : ۱۵۴۹ - مسجدی که با فشار و زور پایگاه و با جمع آوری پول و چوب از فقیر و غنی ساخته شده باشد نماز خواندن در آن چه حکمی دارد؟

ج : اگر زمین و فرش آن از مال حلال باشد اگر چه دیوار و سقف آن از مال حرام باشد نماز صحیح است.

س : ۱۵۵۰ - چشمه ای بوده است که اهالی منطقه از آب آن استفاده می کرده اند اما محل چشمه از کس دیگری بوده است که در اطراف چشمه نهال غرس کرده است و اکنون آب به قریه نمی رسد آیا اهالی قریه درخت های یاد شده را می تواند قطع کنند؟

ج : اگر صاحب زمین چشمه را حفر کرده باشد یا همراه با زمین از دیگری خریده باشد مالک آن است و اهالی قریه حق استفاده از آب آن را ندارند. اما اگر چشمه از مباحات اولیه است حق اولویت برای کسانی است که اول از آن چشمه استفاده می کرده اند. اگر اهالی از اول استفاده کرده اند و حق سبق دارند درخت هارا قطع می توانند.

س : ۱۵۵۱ - چشمه آب کسی بر اثر سیلاب خراب و آب آن قطع می شود اما آب از بالای زمین کس دیگری بیرون می آید آیا آب چشمه جدید مال صاحب چشمه قدیم است یا مال صاحب زمین است؟

ج : صاحب چشمه قدیم باید همان محل قدیم چشمه را حفر کند یا جای دیگری از زمین خود را برای پیدا کردن آب چشمه حفر کند اما اگر توانست آب



چشمه را پیدا کند احوط این است که با صاحب زمینی که چشمه جدید در آن جاری شده است مشترکا از آب آن استفاده کنند.

س : ۱۵۵۲ - اگر غاصب عین مغضوب را به صاحبش برگرداند آیا ضامن کاهش قیمت آن هم است؟

ج : بله، غاصب ضامن تفاوت قیمت هم است مثلا بیست سال پیش مبلغ صد هزار افغانی را غصب کرده است که با آن مبلغ در آن زمان یک دستگاه ماشین خریداری می شد اما در زمان حاضر یک مرغ خریداری نمی شود باید تفاوت ارزش را پرداخت کند.

س : ۱۵۵۳ - کسی مدت سی سال از منطقه مسکونی اش به خاطر ظلم و ستم فراری بوده است در طول این مدت غاصبی زمین های او را کشت کرده است، خانه و باغ درست کرده است، بعد از انقلاب فرزندان مالک اصلی زمین تقاضای استرداد زمین شان را می کنند اما مسئولین منطقه این مساله را به صورت شرعی فیصله نمی توانند بلکه به صورت عرفی و توافق غاصب و یکی از فرزندان مالک مبلغی را به یکی از فرزندان مالک اصلی می دهد اما سایر برادران غیر از استرداد زمین شان به چیزی رضایت نمی دهند لطفا حکم شرعی این مساله را بیان کنید:

۱- آیا فرزندان مالک اصلی می توانند زمین شان را از غاصب بگیرند؟

۲- در صورت استرداد زمین به فرزندان مالک اصلی، محصول سی ساله زمین از غاصب گرفته می شود؟

۳- اگر غاصب پیرامون را توسعه و نهال غرس کرده و خانه ساخته باشد وظیفه اش چیست؟

ج : ۱ - اگر ثابت شود که غاصب زمین ها را غصب کرده است مالک یا فرزندان او می توانند زمین را همراه با اجرت المثل این مدت از غاصب بگیرد و

یکی از فرزندان مالک حق ندارد که سهم همه فرزندان مالک را بفروشد و اگر بفروشد معامله نسبت به سهم فرزندان دیگر مالک فضولی است و اگر سایر فرزندان مالک راضی نشوند معامله نسبت به سهم آنان باطل است.

۲- اگر بذر مال غاصب بوده است فرزندان مالک حق ندارند محصول این مدت را بخواهند بلکه می توانند اجرت المثل را بگیرند.

۳- اگر زمین را توسعه داده باشد و در حریم قریه و ملک غیر نباشد با همین توسعه دادن احیاء کرده است و آن را مالک شده است اما اگر خانه ساخته باشد، و درخت غرس کرده باشد، مالک آنها است، اما حق ندارد آنها را در ملک غیر بگذارد و یا باید خانه و درخت ها را از بالای زمین مغضوب بردارد یا به صاحبان زمین اجرت المثل بدهد.

س : ۱۵۵۴ - زمین هایی که گفته می شود از صاحبان اصلی آن غصب شده است و اکنون نه از مالک اصلی ورثه ای مانده و نه از غاصب، اگر در این زمین ها مسجدی ساخته شود نماز خواندن در آن چه حکمی دارد؟

ج : اگر علم و یقین به مغضوب بودن زمین مسجد نباشد نماز خواندن اشکالی ندارد.

س : ۱۵۵۵ - برادرانی که همه اموال منقول و غیر منقول آنان مشترک است اگر یکی از این برادران بدون همکاری و اطلاع برادران دیگر در زمین مشترک نهال غرس کند، نهال ها مال همه برادران یا تنها مال غارس است؟

ج : این مسأله سه صورت دارد:

۱- اگر نهال ها از مال مشترک تهیه و در زمین مشترک غرس شده باشد مال همه برادران است.

۲- اگر نهال را از مال شخصی خود تهیه و در زمین مشترک غرس کرده باشد نهال ها مال غارس است و برادران دیگر به اندازه سهم خود حق گرفتن اجرت

المثل زمین را از غارس دارند.

۳- اگر نهال ها را از مال شخصی خود تهیه و به قصد اشتراک همه برادران غرس کرده باشد مال همه برادران است و غارس حق دارد قیمت نهال ها را از دیگر برادران بگیرد.

س : ۱۵۵۶- کسی چند سال است که در ایران به سر می برد برادرانش در افغانستان در زمین مشترک نهال غرس کرده اند آیا برادری که در ایران است هم در آن شریک است؟

ج : درخت مال کسی است که آن را غرس می کند. بنابراین اگر این درخت ها از مال مشترک تهیه نشده باشد مال برادرانی است که آنها را غرس کرده اند و برادری که در ایران بوده است می تواند اجرت المثل زمین مشترک را از آنان بگیرد و همچنین می تواند که از برادرانش بخواهد که درخت ها را از بالای زمین مشتری قطع کنند. اما اگر نهال ها از مال مشترک تهیه شده باشد مال همه برادران است.

س : ۱۵۵۷- کسی به خاطر تنگی زمین خانه اش تهداب دیوار یک طرف خانه اش را بر زمین همسایه می گذارد و همچنین از همسایه اش می خواهد که جای هیزم و طویله به او بدهد. همسایه اش هم خواسته او را قبول می کند و با رضایت خود زمینی را به او می دهد اما بعد از هفده سال و بعد از فوت صاحب زمین پسرش خواستار استرداد محل هیزم و طویله و... می شود آیا او چنین حقی دارد؟

ج : اگر صاحب زمین جای طویله و هیزم را با رضایت خود بخشیده باشد فرزندش حق ندارد که خواستار استرداد شود زیرا هبه پس از فوت واهب لازم می شود.

س : ۱۵۵۸- کسی که از راه های نامشروع مانند دزدی و رشوه اموالی فراهم کرده است وصیت می کند که بعد از فوتش با همان مال از جانب او به زیارت عتبات عالیات بروند

آیا این وصیت صحیح است و اگر نیست ورثه با اموال او چه کارکنند؟

ج : اگر صاحب مال باشند باید به آنها برگردانده شود و اگر صاحبان آن معلوم نباشند یا شناسند به عنوان اموال مجهول المالک با اجازه حاکم شرع به فقرا صدقه بدهند. و اگر موصی اموالی غیر از اموال نامشروع دارد در صورتی که هزینه سفر زیارت پیش از ثلث آن نباشد با همان مال برای زیارت کند و اگر هزینه سفر زیارت پیش از ثلث آن باشد باید از ورثه اجازه گرفته شود و بعداً برای زیارت کنند.

س : ۱۵۵۹- اگر کسی مال دیگری را دزدی و یا غصب کند و در دریا یا در چاه بیفتد که بیرون آوردن آن ممکن نباشد وظیفه غاصب چیست؟

ج : بر غاصب واجب است که مثل یا قیمت آن (بدل حیلوله) را به صاحب مال مغضوب بدهد و اگر اخیانا - عین مغضوب به دست آمد آن را به صاحبش بدهد و بدل حیلوله را باز پس بگیرد.

س : ۱۵۶۰- اگر در عین مغضوب عیبی به وجود آید آیا صاحب عین مغضوب می تواند عین معیوب و تفاوت قیمت آن را از غاصب نگیرد و قیمت عین مغضوب را از او بخواهد؟

ج : صاحب عین مغضوب نمی تواند قیمت آن را از غاصب بخواهد بلکه باید عین و تفاوت قیمت صحیح و معیوب را از غاصب بگیرد.

س : ۱۵۶۱ - در بعضی از مناطق با مشورت و مصلحت بیشتر اهالی منطقه به واسطه افراد قدرتمند از میان قریه ها جاده کشیده شده است و در بعضی از منطقه ها جاده از روی زمین کشاورزی کشیده شده است که صاحبان زمین راضی نبوده اند. عبور و مرور از چنین جاده هایی چه حکمی دارد؟

ج : اگر صاحبان زمین راضی نباشند، عبور و مرور اشکال دارد.

س : ۱۵۶۲- اگر صاحب گارگاهی به صورت قاچاقی و دزدی و بدون اطلاع دولت

---

برق بکشد، و کارگران با علم به دزدی بودن برق از آن استفاده کنند آیا چنین استفاده ای برای کارگران جایز است؟

ج : جایز نیست کسی از دولت جمهوری اسلامی دزدی کند و یا از دزدی استفاده کند.

س : ۱۵۶۳ - کسی که برای انجام کار و امور خیریه از قبیل فعال کردن مکاتب و مدارس، کارهای جهاد سازندگی و غیره در یک قریه می رود خرج و مصرف مواد غذای اش روی مردم است، برای این شخص حلال است؟

ج : اگر اهل ده راضی باشند اشکال ندارد.

س : ۱۵۶۴ - برای ساختن مدرسه ای که مورد نیاز مردم است، می شود بدون رضایت مردم از آنها پول گرفت و مدرسه ساخت؟

ج : جایز نیست به اجبار پول مدرسه را از مردم بگیرند.

س : ۱۵۶۵ - خریدن آرد از نانوائیهایی که دولت آرد را برای آنها توزیع می کند ولی اجازه فروش آرد را به آنها نمی دهد با علم به اینکه دولت اجازه نداده است جایز است؟

ج : جایز نیست.

## احکام احیای موات

س : ۱۵۶۶- در بعضی از مناطق افغانستان، علف های کوه ها برای مصارف زمستان گوسفندان و گاوها جمع آوری می شود و حدود علفزار هر خانه و منطقه هم از قدیم الایام مشخص و تقسیم شده است. آیا خرید و فروش علفزارهای یاد شده و تصرف دیگران در حدود علفزارهای دیگران بدون اجازه جایز است؟

ج : فروختن علفزارها جایز نیست و اگر علفزارها حریم قریه باشد ایجاد مزاحمت برای دیگران جایز نیست.

س : ۱۵۶۷- اگر علف این کوه ها فروخته شود آیا هیزم آن نیز تابع علف است؟

ج : کوه عام پیش از احیا مال کسی نیست تا آن را بفروشد تنها می تواند استفاده کند و اگر حریم قریه باشد ایجاد مزاحمت برای اهل قریه جایز نیست.

س : ۱۵۶۸- چشمه ها و آب هایی که در این گونه کوه ها وجود دارد مال صاحب علفزار است یا بدون صاحب است؟ آیا کسی می تواند در پیرامون چشمه ها، زمین کشا ورزی درست کند؟

ج : هرکسی که بیشتر از دیگران زمین درست کرده است حق اولویت دارد و اگر آب اضافه و زیاد شد دیگران هم می توانند از آن استفاده کنند.

س : ۱۵۶۹- آیا کسی می تواند در حریم قریه خانه بسازد؟

ج : ساختن خانه در حریم قریه اگر موجب شود که اهل قریه در مضیقه بیفتند حکم غضب را دارد و اهالی می توانند خانه را خراب کنند.

س : ۱۵۷۰- کسی پیرامون زمین خود را احیاء و نهال غرس کرده است اهالی قریه می گویند حریم قریه تنگ شده است و ضرر به ما می رسد آیا مطلق ضرر اهل قریه کفایت می کند برای پس گرفتن حریم قریه یا ملاک عسر و حرج اهالی است؟

ج: اگر احیای حریم موجب ضرر و مزاحمت اهالی شود برای پس گرفتن حریم کفایت می کند.

س: ۱۵۷۱ - حریم نهر آب از نظر وسعت و فضا چه اندازه است؟

ج: به اندازه رفع احتیاجات مانند جای انداختن گل و لای نهر و رفت و آمد مالکان آن.

س: ۱۵۷۲ - دو برادر زمین کشاورزی زنی را می خرند. خواهر زن ادعای شفعه می کند و دعوا و مرافعه طولانی می شود و از این بابت ضرر و زیان مالی متوجه خریداران می شود و سرانجام فیصله می شود که زمین به مشتری (دو برادر) داده شود و آنها به مدت دو سال زمین راکشت می کنند اما یکی از برادران در ایران بدهکار و مجبور به فروش سهمیه خود از زمین یاد شده می شود. سهمیه یکی از برادران را خواهر همان زن (بایع) در ایران می خرد و وقف حسینیه محل می کند. اکنون برادر (بایع دوم) نمی گذارد که برادرش زمین را به خواهر بایع اولی بفروشد و چند ادعا دارد: ۱- قرار بوده است که یکی از برادران زمین خود را بدون اجازه دیگران نفروشد. ۲- ادعای حق شفعه دارد و خودش حاضر است که زمین برادرش را بخرد. ۳- زمین پیش از تقسیم فروخته شده است. ۴- زیان های مالی که در معامله اول متوجه این دو برادر شده است پرداخت نشده است.

ج: برادر بایع دوم حق شفعه دارد و می تواند پول خواهر بایع اول را بدهد و زمین برادر را مالک شود. اما ضرر و زیان مالی نیاز به حضور طرفین دعوا در پیش قاضی دارد.

س: ۱۵۷۳ - آیا کسی می تواند مرتع و چراگاه لریه را مورد استفاده شخصی قرار بدهد و مانع دیگران شود؟

ج : کسی نمی تواند حریم قریه را احیاء کند.

س : ۱۵۷۴- اگر نفوس یک قریه زیاد باشد و حریم آن قریه نسبت به نفوسش کم باشد در این صورت حریم قریه ها چگونه مشخص می شود؟

ج : همه اهل قریه از همان حریم استفاده می کنند تشخیص مورد حاجت نیست.

س : ۱۵۷۵- در بعضی مناطق آبریزه قریه را حریم قریه قرار می دهند بدون این که مایحتاج قریه را در نظر داشته باشند آیا این صحیح است؟

ج : محدوده حریم با آبریزه تشخیص داده نمی شود.

س : ۱۵۷۶- برخی از اهالی قریه ها با توافق حریم قریه را تقسیم کرده اند و برخی از اهالی تقسیمی و سهمیه خود را زمین زراعتی درست کرده اند و چاه آب حفر کرده اند اما بعضی دیگر ادعا دارند که با حفر چاه آب کافی برای آنها نمانده است آیا می توانند تقسیم را به هم بزنند؟

ج : تقسیم حریم باطل است و احیای آن صحیح نیست. مگر با رضایت همه اهالی قریه.

س : ۱۵۷۷- برخی از اهالی، حریم قریه را تصاحب کرده اند و اهالی دیگر مانع شدند اما نتوانستند آن را باز پس بگیرند. با توجه به این که اهالی قریه ادعای ضرر و زیان می کنند آیا می توانند حریم قریه را اجبارا پس بگیرند و تبدیل به زمین موا ت کنند؟

ج : بله، اگر حریم قریه باشد می توانند باز پس بگیرند.

س : ۱۵۷۸- رودخانه ای است متعلق به دو نفر که در وسط زمین این دو واقع شده است. در فصل تابستان و پاییز که آب کم می شود به طور مساوی بین خود تقسیم می کنند، حالا یکی از این دو شریک در دامنه ای زمین خود جوی جدیدی از پایین رودخانه کشیده است و شریک دیگر نیز از پایین رودخانه جوی جدید کشیده است. اما با اعتراض شریک خود که قبلا این کار را کرده بود مواجه



می شود. آیا آب پایین نیز مثل آب بالا بین این دو تا مزرعه به طور مساوی تقسیم می شود؟

ج : اگر رودخانه ملک شخصی این دو نفر باشد و هر کدام مالک نصف آن باشد، هر یکی از طرفین به اندازه نصف آب حق دارد و هر مقدار زمینی را که احیاء می کند، حق دارد از نصف آب رودخانه استفاده کند و نه بیشتر از آن و حق هر دو شریک به طور مساوی و در عرض هم است. ولی اگر رودخانه از مباحات اولیه باشد و این دو نفر از جهت احیاء کردن و جوی کشیدن مالک شده باشند، هر که زودتر اقدام به جوی کشیدن در پایین رودخانه کرده باشد اولویت دارد کسی که بعداً جوی کشیده و احیاء کرده است، حق دارد از آب مازاد و اضافی بر نیاز فرد اول استفاده کند و حق هر دو در طول هم می باشد.

س : ۱۵۷۹ - زید ملک و زمین کشاورزی خود را رها نموده و جلاء وطن اختیار می کند. عمرو که زمینش در کنار و همسایگی زمین زید است، زمین زراعتی زید را متصرف می شود و زراعت می کند و مالیات حکومت را نیز می پردازد. اما زید بعد از سالها به وطن برمی گردد و با همکاری حاکم وقت زمین خود را دوباره متصرف می شود و زراعت می کند. یک سال بعد حاکم وقت عزل می شود و زید نیز بار دیگر از وطن مهاجرت می کند و سالهای زیادی سپری می شود و دیگر به سراغ ملک و زمین خود نمی آید. عمرو نیز فوت می کند. پسر عمرو به نام خالد زمین را همانند پدرش دوباره در اختیار می گیرد و از آن استفاده می کند. زید نیز در خارج از وطن فوت می کند. پسر زید به نام بکر بعد از فوت پدرش پیدا می شود و زمین پدری خود را در معرض فروش می گذارد. با توجه به این قضیه اکنون چند سوالی مطرح است. اولاً: در فرض مذکور اعراض صدق می کند؟ و ثانیاً: آیا در تحقق اعراض قصد عدم بازگشت شرط است و یا گذشتن سالهای طولانی مانند یک نسل و دو نسل در تحقق آن کافی است؟

و ثالثاً: زمین مورد اعراض دو تا جوی دارد، یکی جوی مختص خود آن زمین است که جزء موات شده و پسران خالد آن را احیاء کرده اند و دیگری جوی مشترک با شخص دیگری که از آن استفاده می کند آیا اعراض از زمینی که جزء موات شده و جوی آبش از بین رفته است، قرینه برای اعراض از زمین دوم که جوی مشترک دارد نیز می شود و از آن کفایت می کند؟

ج : اما جواب سوال اول و دوم : اگر اعراض زید یقینی باشد زمین مال عمرو و خالد می باشد، و اگر اعراض یقینی نباشد ولی زمین خراب و جزء موات شده است و جوی آبش از بین رفته است و عمرو احیاء کرده است وجوی آب را بکار انداخته باشد، باز هم زمین مال عمرو و خالد می باشد و اگر اعراض یقینی نباشد و زمین خراب و جزء موات نشده باشد، مالک یا وارثش بیاید و ادعای زمین را بنماید، احوط این است که عمرو و خالد، رضایت زید و بکر را حاصل نمایند. اما جواب سوال سوم : اگر در این مدت صاحب زمین از زمین دوم (که جوی مشترک دارد) نیز استفاده نکرده باشد حکم زمین اول (که جوی آبش از بین رفته است) را دارد و اعراض از زمین اول قرینه برای اعراض از زمین دوم نیز میباشد.

س : ۱۵۸۰- شخصی علف کوه عام را محدوده خود می داند، آیا در بیشتر از ضرورت خود حق فروش یا حق ممانعت دیگران را دارد؟

ج : نه حق فروش دارد و نه حق ممانعت دیگران را از جیدن علف ها.

س : ۱۵۸۱ - زمین آباد و مملوک شخصی پشته ای دارد که در اختیار و تحت ملکیت کسی نیست. آیا کسی حق دارد بدون اجازه مالک زمین مذکور آن را احیاء و تصرف نماید؟

ج : هیچ کس حق احیاء محدوده حریم و مایحتاج کس دیگری را ندارد، اما خارج از محدوده حریم و مایحتاج زمین را هر کسی که احیاء نماید مالک

---

می شود، پشته بودن موجب استحقاق نیست.

س : ۱۵۸۲- در نزدیکی یا محدوده زمین شخصی کوه عام و زمین موات واقع شده است. صاحب زمین، این زمین موات را به شخص دیگری واگذار می کند که شخم بزند و لیمی (دیمی) بکارد. اما قرارداد می کند که در برابر این کار مدت سه یا چهار سال از محصول آن استفاده کند و بعد به صاحب زمین (که این زمین احیاء شده در محدوده زمین او قرار دارد) تسلیم نماید. با چنین قراردادی زمین احیاء شده مال چه کسی است؟

ج : زمین مال احیاءکننده می باشد.

س : ۱۵۸۳- زمینی است موات که سابقا علف زار بوده است و شخصی از آن استفاده می کرده است. اما فعلا علف ندارد و در پشته ای زمین شخصی دیگر (غیر از کسی که سابقا از آن استفاده می کرده است) قرار دارد و آب هم دارد، آیا این شخص می تواند این زمین را احیاء نماید و شخصی که قبلا از علفزار استفاده می کرده است حق ممانعت دارد؟

ج : حق ممانعت ندارد.

س : ۱۵۸۴- در مناطق کوهستانی هزاره جات بعضی اشخاص کوه عام را که تحت تصرف و ملکیت کسی قرار ندارد و علف خودرو روییده دارد به دیگران می فروشد. آیا پولی را که فروشنده می گیرد حلال است؟

ج : حلال نیست.

س : ۱۵۸۵- آبی به صورت طبیعی از کنار کوهی جریان دارد و در تصرف مردم است. اما شخصی ادعا دارد که کوه و آب و ضمیمه های آن را خریده است و در سندش نیز کوه مذکور در بذر افشان این آب ذکر شده است. ولی دلیلی بر مزروعی بودن کوه وجود ندارد و بلکه ظاهر خلاف آن را می رساند، آیا این ادعا و سند پذیرفته است؟

---

ج : خریدن توقف دارد بر اینکه بایع آنچه را که می فروشد مالک باشد. اما کوه عام را پیش از احیاء کسی مالک نیست. اما چشم ه ای که از کوه جریان دارد استفاده از آن حق کسانی است که اطراف آن را احیاء کرده باشند.

## احکام حریم

س : ۱۵۸۶ - قریه ای که در زمین احیاء شده، ایجادشده است، حریم دارد؟

ج : حریم دارد و حریم آن متصل به قریه است.

س : ۱۵۸۷ - محدوده حریم قریه چه اندازه است؟

ج : آنچه قریه به آن احتیاج دارد که در صورت استیلاء دیگران بر آن، اهل قریه در تنگنا قرار می گیرند حریم قریه به حساب می آید، مانند: راه تردد، محل خاکروبه، محل ریختن کود حیوانات، محل هیزم، چراگاه حیوانات و....

س : ۱۵۸۸ - اگر اهالی قریه حریم را بین خود تقسیم نمایند و هرکس (طبق توافق اهل قریه) باید فراتر از محدوده و حصه خود استفاده نکند. چنانچه فردی بر خلاف این قرارداد از محدوده و تقسیم دیگری استفاده نماید ضامن است؟

ج : همه موظف به عمل کردن طبق قرارداداند و در صورت تخلف فرد متخلف ضامن نیست چون تقسیم حریم، ملکیت نمی آورد.

س : ۱۵۸۹ - کوه عام که علف و هیزم آن مورد استفاده اهالی قریه است، حریم قریه محسوب می شود و یا همه می توانند از آن استفاده نمایند و اختصاص به اهل قریه ندارد؟

ج : اگر چراگاه و هیزم گاه قریه است به مقدار نیاز قریه، حریم قریه است و دیگران حق تصرف در آن را ندارند.

س : ۱۵۹۰ - زمینی است موات و دارای علف و هیزم، نسبت به یک قریه نزدیک تر

است و نسبت به قریه دیگر آبریزه محسوب می شود، حق تقدم در استفاده از این زمین از کدام قریه است؟

ج : در محدوده حریم هر یکی از این دو قریه قرار داشته باشد، اهالی همان قریه حق استفاده از آن را دارند و دیگران حق تصرف در آن را بدون رضایت اهالی آن قریه ندارند. اما اگر نسبت به هر دو قریه حریم نباشد و یا نسبت به هر دو قریه حریم باشد. هر دو حق استفاده از آن را دارند.

س : ۱۵۹۱ - دره ای است که قبلا چند قریه از هیزم و علف آن استفاده می کرده اند، اما حالا قریه ای که نسبت به آن دره نزدیکتر از سایر قریه ها است، اهالی قریه های دیگر را از استفاده از محصولات آن دره منع می کنند. به دلیل نزدیک بودن به آن، آیا حق منع دارند؟

ج : اگر حریم برای همه آن قریه ها محسوب می شود، قریه نزدیکتر حق منع دیگران را ندارند و اگر قریه های دورتر غیر از این دره، چراگاه و هیزم گاه دیگری داشته باشند، اهالی قریه نزدیک حق منع آنها را دارند.

س : ۱۵۹۲ - ساختن منزل در بیابان یا کوهی که عام است و سند ندارد جایز است؟

ج : چنانچه حریم قریه ای نباشد احیاء آن و تأسیس عمارت جایز است.

س : ۱۵۹۳ - چشمه ای از کنار دره ای جاری است و آب آن همیشه با آب دره مخلوط می شده است. اکنون شخصی از زیر آن چشمه جوی کشیده است و آب را در داخل آن جوی هدایت کرده است آیا آب چشمه مال صاحب جوی است یا باید کما فی السابق با آب دره بیوندد تا مورد استفاده ساکنان قبلی آن چشمه قرار گیرد؟

ج : حق اولویت با کسانی است که قبلا زمین را احیاء کرده اند و از آن آب استفاده می کرده اند و چنانچه از نیاز آنها اضافه شود دیگران حق استفاده دارند.

س : ۱۵۹۴ - زمینی است که در قید سند هیچ کسی نیست. اما به زمین شخص دیگری

نزدیک است. آیا صاحب آن زمین می تواند در زمین مذکور برای خود کشت نماید و آن را احیاء کند؟

ج : چنانچه حریم قریه ای نباشد، می تواند.

س : ۱۵۹۵ - چراگاه و هیزم گاهی است که بین دو قریه قرار گرفته است و هر دو قریه به علف و هیزم آن نیاز دارند آیا این محل حریم هر دو قریه است و اگر در آبریزه ای یکی از دو قریه قرار داشته باشد، آن قریه حق تقدم دارد؟

ج : حریم هر دو قریه محسوب می گردد و آب ریزه بودن حق تقدم و ترجیح نمی آورد.

س : ۱۵۹۶ - شخصی زمین موروثی دارد که از بالا و پایین آن جوی کشیده شده است و پایین هر دو جوی مورد استفاده اوست. اما در وسط هر دو جوی پسر عمومی این شخص به عنوان استفاده از کوه عام خانه مسکونی ساخته است. زمین مال چه کسی است؟

ج : زمین وسط هر دو جوی چنانچه ملک کسی دیگر و یا حریم هر دو جوی و یا حریم قریه و حریم ملک غیر نباشد. ساختن خانه در آن اشکال ندارد. در غیر این صورت جایز نیست مگر با رضایت صاحب ملک و حریم.

س : ۱۵۹۷ - آیا می شود راه عمومی قریه را بدون رضایت اهل قریه مدرسه ساخت و استفاده از سهم مبارک امام (ع) در ساختن آن جایز است؟

ج : بدون رضایت تمام اهالی قریه، مدرسه ساختن جایز نیست و دادن وجوهات نیز در ساختن آن جواز ندارد.

س : ۱۵۹۸ - در برخی از مناطق کوهستانی در داخل هر دره ای، جای برای عبور سیلابها وجود دارد که معمولاً در وسط دره ها و زمین های مزروعی قرار دارد و وجود آن برای هدایت سیلابها به بیرون دره ها ضروری است، چنین جاهایی حریم قریه ها و زمین ها محسوب می شوند؟

ج : حریم محسوب می شود و بدون رضایت تمام اهل قریه (در حریم قریه ) و صاحب زمین (در حریم ملک شخصی) کسی حق تصرف در آن را ندارد و با احیاء کردن مالک نمی شود.

س : ۱۵۹۹ - شخصی مدت ها از علف های کوه عام و زمین های موات استفاده می کند و بعداً شخص دیگری از روی این زمین موات و کوه عام جوی می کشد و به قصد ملکیت احیاء و زراعت می کند. ولی با اعتراض و ممانعت شخص اول روبرو می گردد زمین مذکور مال چه کسی است؟

ج : اگر حریم قریه و آبادی نباشد هر کسی که احیا کرده است مالک شده است و دیگری حق ممانعت ندارد.

س : ۱۶۰۰ - چند برادر زمین خود را تقسیم می کنند. اما سایر مصارف شان یک جا و مشترک است. اگر یکی از این برادران جوی آبی بکشد، این جوی مشترک است یا فقط مال کسی است که جوی را کشیده است؟

ج : اگر جوی از بالای زمین موات کشیده شده است، مال کسی است که جوی را کشیده است و اگر از حریم مشترک کشیده شده باشد جوی مشترک است.

س : ۱۶۰۱ - اهل قریه حق تقسیم بندی حریم قریه را با رضایت همدیگر دارند؟

ج : اگر بین آنها صغیر و مجنون نباشد اشکال ندارد.

س : ۱۶۰۲ - اگر اهل قریه ای بر اساس رضایت حریم قریه را تقسیم نمایند، مدت ها بعد از این تقسیم یکی از وراث شرکاء حق بهم زدن را دارد؟

ج : اگر بعد از تقسیم، حریم قریه را احیاء کرده اند، بعد از احیاء حق بهم زدن ندارند. و الا اگر مفسده نداشته باشد می تواند بهم بزند.

س : ۱۶۰۳ - حریم قریه ای مشترک بین سه نفر با رضایت همه تقسیم می شود. از دو شریک، فرزندان و نسل زیادی بجا می ماند و از یکی تعداد کمتری می ماند.



اولاد و احفاد آن دو شریک که تعدادشان بیشترند بعد از یک قرن می خواهند حریم قریه را از نو تقسیم نمایند، آیا حق بهم زدن تقسیم قبلی را دارند؟

ج : اگر حریم را بعد از تقسیم احیاء کرده باشند کسی حق بهم زدن را ندارد. و اگر احیاء نکرده می توانند بهم بزند در صورتیکه مفسده نداشته باشد.

س : ۱۶۰۴- محدوده حریم مسجد و فضای آن چه اندازه است؟

ج : تا هر اندازه که در حد متعارف مورد نیاز مسجد است حریم مسجد است. متر و ذراع ملاک نیست ملاک نیاز مسجد است.

س : ۱۶۰۵- در مناطق ما از قدیم زمین ها و چشمه هایی وجود داشته است که مورد استفاده مردم جهت کشت و زرع نبوده است، اما حالا با دسترسی مردم به وسایل جدید، امکان استفاده از آنها فراهم شده است با توجه به اینکه زمین ها و چشمه ها در محدوده حریم قریه ها قرار دارند. آیا قابل احیاء شرعی می باشند؟

ج : اگر در حریم قریه قرار داشته باشند با رضایت همه اهالی قریه شرعا قابل احیاء است.

س : ۱۶۰۶- کوهی است که اهل قریه از بیده زار و علف های آن برای حیوانات خود استفاده می کنند و هرگونه مصرف و هزینه در جهت نگهداری از آن لازم شود همه ساکنین قریه آن را مشترکا متقبل می شوند. در تقسیم بندی کوه مذکور اهالی قریه اختلاف دارند. دسته ای می گویند هرچه آمار خانه ها و ساکنین قریه بالا رود حق استفاده از بیده زار و علف های کوه را دارند، دسته ای دیگر می گویند، همان تقسیم بندی اولی که از قدیم صورت گرفته است باید محفوظ بماند حکم چیست؟

ج : کوه مذکور که مورد نیاز اهالی قریه است حریم آن قریه محسوب می گردد و هر چه بر جمعیت قریه افزوده شود حق استفاده از آن را دارند و اگر نیاز به مصارف و مخارج داشته باشد همه اهالی قریه باید بپردازند.

س : ۱۶۰۷- شخصی روی حاشیه زمین دیگری و بدون رضایت او درخت می کارد و با مخالفت صاحب زمین روبرو می شود اما آن را قطع نمی کند و بعد از به ثمر رسیدن قطع می کند. اما ریشه های درخت در زیر زمین باقی می ماند و بعد از مدتی می رویند این نهال های جدید که از آن ریشه ها روئیده اند مال کیست؟

ج : درختی که بدون اجازه در ملک و حریم غیرکاشته شده است ملک کسی است که آن را کاشته است و صاحب زمین حق دارد اجره المثل زمین خود را از او بگیرد و اگر صاحب درخت بخواهد درختش در ملک یا حریم غیر باقی بماند تا به ثمر برسد باید صاحبش را راضی نماید و اگر راضی نشود به صاحب درخت ابلاغ کند که درختش را قطع کند، اگر قطع نکرد می تواند خودش درخت را قطع نماید نهال هایی که بعد از قطع درخت از ریشه های آن می رویند باز ملک کسی است که آن را کاشته است ولی اجره المثل را به صاحب زمین ضامن است. ولی اگر از آن ریشه ها اعراض کرده باشد مال صاحب زمین است.

س : ۱۶۰۸- حریم قبرستان شرعا از چهارطرف تا چه مقدار محدود می گردد؟

ج : اگر زمین قبرستان موات بالاصاله باشد حریم آن به مقداری است که برای تردد و رفت و آمد برای دفن کردن اموات و فاتحه خواندن و غیره مورد نیاز است.

## احکام وقف

س : ۱۶۰۹- کسی گندم یا جوی را وقف می کند که برای دهه محرم مصرف نمایند اما به خاطر نبودن آسیاب یا علل دیگری نمی تواند آن را آرد کند آیا می تواند گندم وقفی را با آرد خود بدل کند و مصرف دهه محرم کند؟

ج : وقف گندم باطل است آن را می تواند با آرد خود مبادله کند.

س : ۱۶۱۰- قبرستانی در اثر خاکبرداری کشف شده است و قبلا اثری از آن نبوده است. این قبور وراثی هم ندارند تا مانع از خاکبرداری و سایر تصرفات شوند و حریم ملک دیگران هم نیست، خانه ساختن و دیگر تصرفات در این قبرستان چه حکم دارد؟

ج : چنانچه وقف بودن آن زمین برای قبرستان ثابت نباشد و اموات مدفون در آنجا نیز رمیم و پوسیده شده باشند، خاکبرداری و خانه ساختن در آن مانعی ندارد.

س : ۱۶۱۱- حسینه ای کوچک قدیمی که وقف عام یا خاص بودنش معلوم نیست، به دلیل افزایش جمعیت، مردم محل نیاز به حسنیة بزرگ تر دارند و در اطراف آن حسینه مکانی برای توسعه مسجد نیز وجود ندارد. فروش این حسینه و خرید زمین برای ساختن حسینه ای بزرگتر جایز است؟

ج : چنانچه اهالی محل حسینه ای دیگری را بسازند و این حسینه بدون استفاده باقی بماند می توانند این حسینه را بفروشند و پولش را برای حسینه جدیدالتأسیس مصرف نمایند.

س : ۱۶۱۲- شخصی زمینی را وقف مسجد و یا مدرسه ای کرده است، و کسی را نیز به عنوان متولی انتخاب نموده است، آیا متولی می تواند مقداری از منافع آن زمین را به عنوان حق التولیه برای خود بردارد؟

ج : اگر متولی بطور مجانی و رایگان تولیت را قبول نکرده باشد، می تواند از منافع آن زمین به مقداری که حاکم شرع تعیین کند به عنوان حق الزحمه برای خود بردارد.

س : ۱۶۱۳- آیا کسی می تواند زمینی را وقف مسجد یا مدرسه نماید با این شرط که تا وقتی خودش زنده است از آن زمین استفاده نماید و بعد از خودش در اختیار مسجد و مدرسه قرارگیرد؟

ج : نمی تواند عین زمین را فعلاً وقف مسجد یا مدرسه نماید و منفعت آن را تا زمانی که زنده است به خود اختصاص دهد، زیرا این شرط منافات با وقفیت زمین دارد.

س : ۱۶۱۴- اگر کسی مدرسه را وقف کند مشروط به اینکه طلاب ساکن در آن مدرسه از شهرستان و یا کشور خاصی باشد، رعایت این شرط لازم است؟

ج : آنچه واقف شرط کرده است باید طبق آن عمل شود..

س : ۱۶۱۵ - زمینی که برای ساختن مدرسه و حسینیه وقف شده است متولی وقف می تواند بخشی از این زمین موقوفه را برای احداث دکان و مغازه اختصاص دهد و سود حاصل از آن را به مصرف حسینیه و مدرسه برساند؟

ج : اگر دکان ساختن بر خلاف وقف نباشد و اجاره دادن آن به مصالح مدرسه و حسینیه موقوفه باشد اشکالی ندارد.

س : ۱۶۱۶ - حدود اختیارات متولی مدرسه و حسینیه در وضع مقررات و شرایط و لزوم و عدم لزوم رعایت آن تا چه اندازه است؟

ج : در محدوده مصالح مدرسه و حسینیه، متولی شرعی می تواند مقررات و شرایطی را وضع نماید و رعایت این مقررات بر استفاده کنندگان الزامی است.

س : ۱۶۱۷- اگر کسی حاصلات زمین خود را برای مسجد یا حسینیه ای وقف نماید اما مشخص نکند که بذر و حق الزحمه کارگر و کشاورز از حاصل زمین کسر

شود، می شود که بذر و حق الزحمه را از حاصل زمین کسر کرد؟

ج : در فرض سؤال، بذر، مزد کشاورز و دیگر مصارف از حاصلات آن زمین موقوفه گرفته می شود. البته در صورتیکه زمین متعلق وقف باشد نه حاصلات، زیرا وقف حاصلات باطل است.

س : ۱۶۱۸- شخصی زمین را وقف مدرسه علمیه کرده است ولی بجز خود زمین (که تماما وقف مدسه است) پول و سرمایه برای ساختن مدرسه وجود ندارد، آیا فروختن بخشی از این زمین و یا اجاره دادن آن برای ساختن مدرسه جایز است؟

ج : فروختن زمین وقف جایز نیست ولی اجاره دادن رمصرف کردن مال الاجاره برای مدرسه اشکال ندارد.

س : ۱۶۱۹- زمینی که منافعش برای حسینیه وقف شده است، آیا می شود از منافع آن زمین برای عزاداری و روضه خوانی استفاده کرد و یا به سخنران و روضه خوان در آن حسینیه داد؟

ج : وقف زمین برای حسینیه صحیح است ولی وقف حاصل زمین باطل است و احوط این است که منافع حاصل از زمین موقوفه را در جهت رفع نیازمندی های خود حسینیه مصرف نمایند و در صورت عدم نیاز می توان در اقامه عزاداری و روضه خوانی مصرف نمود.

س : ۱۶۲۰- اگر مالی را برای عنوانی وقف کند که خود واقف یکی از مصادیق و افراد آن عنوان است، آیا واقف می تواند از آن مال استفاده کند؟

ج : می تواند استفاده کند.

س : ۱۶۲۱- در چه مواردی فروختن و تبدیل مال موقوفه جایز است؟

ج : در مواردی که استفاده از آن عین موقوفه در جهت وقف امکان نداشته باشد.

س : ۱۶۲۲- زمین مزروعی است که حاصلاتش برای حسینیه وقف شده است. ولی مقداری از آن زمین از حاصلات افتاده است، آیا می شود آن مقدار از زمین را با

زمین قابل کشت معاوضه کرد؟

ج : وقف حاصلات باطل است، اگر خود زمین موقوفه باشد معاوضه وقف جایز نیست و اگر قابل اجاره است اجرت آن به مصارف حسینیّه برسد و اگر قابل اجاره نباشد معاوضه نمایند.

س : ۱۶۲۳ - شخصی زمینی را برای حسینیّه وقف نموده است که حاصلات آن زمین در حسینیّه مصرف شود و یک قسمتی از آن زمین در مرور زمان تبدیل به سنگ زار شده است و قابل زرع نیست، شخص دیگری سهواً دیوار خانه اش را روی آن زمین موقوفه غیر قابل زرع بنا کرده است. این زمین موقوفه متولی شرعی ندارد. اگر سالانه اجره المثلی آن زمین را برای حسینیّه مصرف کند این شخص بری الذمه می شود؟

ج : آن زمین به وقفیت خود باقی است و مصرف اجره المثل برای حسینیّه با موافقت متولی اشکال ندارد.

س : ۱۶۲۴ - قبرستانی که مدت صد سال از آن می گذرد، می شود که روی آن مسجد، حسینیّه و یا مدرسه ساخت؟

ج : اگر زمین وقف قبرستان باشد نمی شود در آن زمین حسینیّه، مسجد و یا مدرسه ساخت و اگر وقف نباشد مانعی ندارد.

س : ۱۶۲۵ - زمینی برای مدرسه علمیه وقف شده است. و با همکاری مردم آن مدرسه تکمیل شده است کمکهای مردمی توسط شخصی جمع آوری گردیده است، چه کسی حق تعیین متولی دارد، صاحب زمین یا شخصی که عهده دار جمع آوری کمی های مردمی بوده است و یا حاکم شرع؟

ج : واقف می تواند کس دیگری را به عنوان متولی انتخاب کند و اگر او تعیین نکرده باشد و در غیاب او حاکم شرع می تواند متولی تعیین کند.

س : ۱۶۲۶ - شخصی یک چهارم زمین خود را وقف کرده است و در صورتیکه زمین ایشان کفایت فرزندان و نوه هایش را نمی کند، آیا فرزندان می توانند باتوجه به

مصلحت ورثه یک قطعه زمین را از طرف پدر مرحوم شان وقف کنند؟

ج: اگر واقف زمین موقوفه را که یک چهارم کل زمین است معین کرده باشد که فلان زمین را وقف کردم، وقف صحیح است و باید ورثه عمل نمایند و اگر معین نکرده باشد و بطور کلی گفته باشد که یک چهارم زمین خود را وقف کردم، چون کلی است صحت آن محل اشکال است. لذا ورثه می توانند زمینی را که یک چهارم کل زمین است وقف نمایند، تا ثواب آن برای پدرشان باشد.

س: ۱۶۲۷- در وسط زمین اینجانب حسینییه ای قرار دارد که اکنون تبدیل به مخروبه گردیده است و مزاحم زراعت است و اهالی محل نیز یک حسینییه ای دیگری ساخته اند و این حسینییه بلا استفاده است آیا می توانم عوض آن در جای دیگری حسینییه درست کنم و اگر تعوفی آن جایز نباشد می توانم آن را بفروشم و قیمت آن را در جای دیگر مصرف کنم؟

ج: در صورتیکه از آن حسینییه در آینده برای اقامه عزاداری بهره برداری نمی شود، عدول مؤمنین قیمت گذاری کنند شما قیمتش را در نزدیکترین حسینییه به محل مصرف کنید، و جایش را زراعت کنید

س: ۱۶۲۸- در برخی روستاها رسم است که مردم با همیاری و همکاری یکدیگر زمینی را برای محل دفن مسلمین وقف می کنند و بعد از مدتی که قریه تو سعه پیدا می کند بعضی از اهالی ده که زمین زراعتی در نزدیکی و اطراف قبرستان دارد کم کم به زمین زراعتی خود توسعه می دهند. حال چند سوال مطرح است: اولاً: آیا کسی حق دارد که زمین اطراف قبرستان را که قبلاً مزروع نبوده است زراعت و تصرف نماید با آنکه در حال حاضر مردگان را در همان قبرستان دفن می کنند؟ ثانیاً: در فرض زراعت و تصرف آیا مالک این قسمت از زمین می شود؟ ثالثاً: آیا بقیه اهالی ده حق منع و جلوگیری از زراعت را دارند؟

ج: اگر زمین وقف قبرستان است کسی حق ندارد آن را جزء زمین

مزروعی خود قرار دهد و اگر در آن زراعت و تصرف نماید مالک نمی شود و سایر اهالی ده نیز حق ممانعت و جلوگیری از این کار را دارند.

س : ۱۶۲۹- آیا با ادعای همسر فرد متوفی مبتنی بر اینکه شوهرش زمینی را وقف کرده است، وقف بودن آن زمین ثابت می شود در حالیکه هیچ سند و مدرک دیگری که مدعای او را تأیید کند وجود ندارد؟

ج : وقف با شهادت یک زن ثابت نمی شود.

س : ۱۶۳۰ - شخصی مقداری از زمین خود را برای حسینیه ای وقف کرده است و بعد از فوت واقف وراث او، زمین موقوفه را بین خود جهت کشاورزی تقسیم کرده اند و یک قسمت از آن زمین موقوفه در موقعیتی قرار دارد که اسباب مزاحمت و مشقت صاحب زمین همجوار را فراهم کرده است و حاصل آن نیز کم شده است، آیا مالک زمین همجوار می تواند، این قسمت از زمین موقوفه را بخرد و قیمت آن را برای حسینیه موقوفه مصرف نماید.

ج : مادامیکه قابل استفاده در مورد وقف است بیع آن جایز نیست.

س : ۱۶۳۱ - قبرستانی است که موقوفه بودن و غیر موقوفه بودن زمین آن معلوم نیست و اکنون در اثر سیلاب خراب شده است. کسی حق احیاء آن را دارد؟ و اگر کسی زمین مذکور را احیاء کند آیا دیگران حق ممانعت را دارند؟

ج : تا زمانیکه امکان دفن اموات در آن قبرستان وجود دارد باید به صورت قبرستان باقی بماند.

س : ۱۶۳۲- آیا کاشتن درختان و اشجار میوه دار (و یا غیر آن) بر روی قبرستان مسلمین که باعث خرابی و ویرانی قبور اموات می گردد جایز است؟ و استفاده از میوه های چنین درختانی حلال است؟

ج : اگر باعث تخریب قبور و توهین اموات گردد جایز نیست اما این درختان ملک کسی است که از ابتدا مالک بوده و آنها را کاشته است و میوه نیز تابع اصل درخت است.



س : ۱۶۳۳ - حسینیہ ای در جای تنگ و نامناسبی قرار دارد، مردم محل، حسینیہ ای دیگری در محل مناسبی می خواهند بسازند، آیا وسایل و امکانات حسینیہ ای قبلی را می توانند به حسینیة جدید منتقل نمایند؟

ج : اگر حسینیة اول هنوز در عذاریهها مورد استفاده قرار می گیرد، انتقال وسائل آن به حسینیہ ای دیگر جایز نیست و اگر قابل استفاد نیست انتقال وسائل آن به حسینیہ ای دوم اشکال ندارد.

س : ۱۶۳۴ - مسجدی است که در موقعیت نامناسب قرار دارد، نمناک، فرسوده، و در آستانة خراب شدن است به چند سوال در این رابطه پاسخ دهید: ۱- آیا می شود این مسجد را تخریب کرد و از مصالح ساختمان آن برای احداث مسجد دیگری استفاده کرد؟

ج : تخریب آن برای اعمار خود همان مسجد جایز است و برای اعمار مسجد دیگر جایز نیست. ۲- بر فرض جواز تخریب، این مسجد اسباب و وسائلی دارد که جزء موقوفات آن است، واقفین مدعی اند که ما باعتقاد اینکه حسینیہ است وسائل را وقف کرده ایم، نقل دادن این وسائل چه حکمی دارد؟

ج : در صورتیکه وقف خاص همان مسجد باشد نقل دادن آن جایز نیست. ۳- اگر از این وسائل در ساختمان مسجد دیگری استفاده شود جلب رضایت واقفین این وسائل نیز لازم است؟

ج : در صورتیکه وقف همان مسجد کرده اند واقفین نیز حق انتقال آن را ندارند.

س : ۱۶۳۵ - شخصی زمین خود را وقف حسینیہ می کند. دو روز بعد (قبل از قبض انتخاب متولی) پشیمان می شود و زمین را به اقارب خود هبه می کند و بزودی فوت می کند، وقف صحیح است یا هبه؟

ج : اگر وقف ساختن حسینیہ کرده باشد و گفته باشد اینجا عذاریه امام حسین (علیه السلام) اقامه شود تا اقامه عزا نشود وقف تحقق پیدا نخواهد کرد. بنابراین هبه

صحیح است در صورت که موهوب له عین موهوبه را در زمان حیات راهب قبض کرده باشد.

س : ۱۶۳۶- دو قطعه زمین وقف حسینییه ای بوده است و درآمد آن هم به مصرف همان حسینییه می رسیده است، حالا در نزدیکی زمین های موقوفی حسینییه ای دیگری احداث شده است، آیا حاصلات زمین های فوق الذکر را می شود به مصرف حسینییه تازه تأسیس رساند؟

ج : اگر وقف خاص باشد یعنی فقط برای حسینییه اول وقف شده باشد. جایز نیست و اگر وقف عام باشد یعنی برای اقامه عزای سیدالشهداء وقف کرده باشد می توان از درآمدهای زمین موقوفی برای حسینییه جدید مصرف کرد.

س : ۱۶۳۷- محله ای مسجدی دارد که به دلیل افزایش جمعیت برای برپایی مراسم مذهبی کوچک است و کفایت نمی کند و توسعه ای آن نیز بخاطر منازل شخصی اطراف آن، امکان ندارد. مردم محل تصمیم دارند مسجد جدیدی بسازند، اما بخاطر فقر و محرومیت قادر به تامین هزینه آن نیستند آیا از سهم مبارک امام (علیه السلام) می توانند برای ساختن مسجد جدید استفاده نمایند؟

ج : مسجد وقف نمازگزاران است، در صورت احداث مسجد جدید، مسجد اول بدون جهت تعطیل می شود. برای انجام دیگر مراسم مذهبی جای دیگری از پول شخصی آماده نمایند.

س : ۱۶۳۸- درآمد دو قطعه زمین موقوفی همه سال از قدیم الایام تاکنون در حسینییه قدیمی محلی به مصرف نذر عاشورای حسینی می رسد. وقف عام یا خاص بودن این زمین برای کسی معلوم نیست، اکنون حسینییه ای جدیدی تأسیس شده است آیا مصرف کردن از درآمد این زمین موقوفی برای نذر عاشورا در حسینییه ای جدید جایز است؟

ج : اگر وقف خاص بودن آن ثابت شده است نباید جای دیگر مصرف شود، و اگر اختصاص وقف ثابت نیست ولی عملاً برای حسینییه اولی مصرف

می شده است، احوط این است که برای همان حسینیه مصرف شود.

س : ۱۶۳۹- حسینیه ای است کوچک و غیر قابل توسعه، مردم آن را خراب کرده اند و در جای دیگر حسینیه ای بزرگی ساخته اند، آیا می توان جای همین حسینیه مخروب را به فروش رساند و صرف حسینیه ای دیگری کند؟

ج : تخریب آن حسینیه جایز نبوده است ولی اکنون که خراب کرده اند و دیگر قابل استفاده نیست، با اجازه متولی زمین آن را بفروشند و قیمت آن را در حسینیه ای جدید مصرف نمایند.

س : ۱۶۴۰- پولی توسط عده ای وقف مسجد شده است، تا برای مسجد یک دستگاه ژنراتور برق خریداری شود آیا جایز است از این پول در صورت ضرورت، برای کار دیگری مربوط به همین مسجد استفاده کرد؟ و اگر از درآمد آن پول بطور کلی در نیازمندی های مسجد مصرف شود جایز است؟

ج : پول نقد قابلیت وقف را ندارد، زیرا در عین موقوفه شرط است که عین باقی باشد و ازمنافع آن، موقوف علیهم استفاده نمایند، والبته اگر با آن پول وسائلی مانند ژنراتور، فرش ماشینی، موتور و غیره خریداری شود، آن وسائیل را وقف نماید.

س : ۱۶۴۱- تخریب قبرستانی که حدود صد سال از عمر آن می گذرد، و تبدیل آن به زمین کشاورزی شخصی یا عام المنفعه جایز است. مثلاً مدرسه ای بسازند یا درآمد کشاورزی آن را به مصارف مدرسه علمیه برسانند؟

ج : در صورتیکه زمین وقف قبرستان باشد، به هیچ وجه تخریب آن جایز نیست، و اگر وقف نباشد و در تخریب و تعمیر آن هتک اموات مؤمنین نشود، و قبور علماء و صلحاء نباشد، بعد از آن که اموات پوسیده و مبدل به خاک شده باشند احداث مسجد و مدرسه در آن جایز است، ولی اگر سنگ و چوب و آجر در آن قبرستان بکار رفته باشد، از صاحبان آن اجازه بگیرند و اگر معلوم نباشند از حاکم شرع اجازه بگیرند.

س : ۱۶۴۲- شخصی کتابهایش را برای فرزندش وقف می کند، و فرزندش فوت می کند، فرزند دیگری هم ندارد، اما والدینش زنده اند، کتابها مال کیست؟

ج : مال واقف است و می تواند آن را وقف عام کند و ثوابش را برای فرزند متوفای خود قرار دهد.

س : ۱۶۴۳- کوهی است موقوفه برای مسجد و حسینیه که دائماً قیمت علف های آن به مصرف نیازهای مسجد می رسیده است، از هیزم آن مردم استفاده می کرده اند، اکنون همان کوه موقوفه را مردم محلی بین خودشان تقسیم کرده اند و حتی بعضی ها برای خود خانه ساخته اند آیا تقسیم موقوفه مذکور جایز است؟ بر فرض عدم جواز، خانه هایی که ساخته شده است چه حکمی دارد؟

ج : کوه عام پیش از احیاء وقف نمی شود، و چون ملک کسی نیست، هر کس احیاء کند مالک می شود و می تواند برای خود بسازد و یا زراعت کند.

س : ۱۶۴۴- حسینیه ای با کمک اجباری مردم ساخته شده است، و از فقیر و غنی بطور یکسان کمکی جمع آوری کرده اند، آیا نشستن در این حسینیه جایز است؟

ج : در صورتیکه کف حسینیه و یا فرش آن از پول غصب درست شده باشد تصرف در آن جایز نیست و اگر از پول غصب در دیوار بکار رفته باشد و کف و فرش از پول مباح باشد تصرف جایز است.

س : ۱۶۴۵ - چهار تا درخت را وقف مایحتاج حسینیه نمودم، چون حسینیه احتیاج به فرش داشت درخت ها را با قیمت روز برای حسینیه خریدم، آیا این خرید صحیح است؟

ج : در صورتیکه استفاده از میوه یا سایه درختان مقصود بوده باشد خرید آن جایز نیست، و همچنین اگر میوه دار نبوده و مقصود شما از وقف استفاده از شاخه های درختان بوده است، باز هم جایز نیست زیرا در وقف شرط است که عین باقی باشد و از منافع آن استفاده شود.

س : ۱۶۴۶- شخصی وصیت کرده است که بعد از خودش ۷۱ جلد کتابش وقف ۴

مدرسه شود و به وصی خودگفته است که کتابها به این مدارس داده شود، و هر ماه از کتابها سر بزند، در صورتیکه طلبه و محصلی نباشد کتابها را برگرداند و محافظت نماید، ۱۷ سال است که کتابها بلا استفاده مانده است، مدارس یا مدرسه ای هم وجود ندارد، و وصی نیز پیر و ناتوان گردیده است، وظیفه و تکلیف وصی را درباره کتب مذکور بیان فرمایید؟

ج: در صورتی که مدرسه ای وجود نداشته است چطور وقف ۴ مدرسه نموده است، و اگر مدارس را در منطقه یا مناطق خاص معین نکرده است، در ۴ مدرسه منطقه دیگر داده شود تا طلاب از آن استفاده نمایند، و چون وقف مدرسه است تقسیم بین طلاب جایز نیست و در صورتی که پیر و ناتوان شده است، با موافقت ایشان فرد امین دیگری را می توانید بحیث متولی تعیین نمایید.

س: ۱۶۴۷- حسینییه ای است رو به خرابی، اهل محل می خواهند حسینییه ای جدید بسازند، اما اگر بخواهند این حسینییه را در جای حسینییه ای قبلی بسازند، با مشکلاتی از جمله محدودیت محلی روبرو می شوند، لذا اهالی می خواهند حسینییه ای را در محل دیگری تأسیس نمایند که هم وسعت بیشتری دارد و هم کم خرج تر است، آیا این تغییر مکان شرعا جایز است؟

ج: اگر زمین حسینییه اول وقف باشد تغییر آن جایز نیست و اگر وقف نیست اشکال ندارد.

س: ۱۶۴۸- شخصی حدود ۵۰ سال قبل بخشی از زمین خود را که در کنار قبرستان قرار دارد جزء قبرستان قرار داده است که در آنجا اموات دفن شوند، اما معلوم نیست که این زمین را به نیت وقف واگذار کرده است یا نه، مردم از کنار آن زمین خاکبرداری نموده اند و برای خود از آن خاک خانه ساخته اند حتی خود صاحب زمین نیز خاکبرداری کرده است، اکنون پس از ۵۰ سال مردم به آن زمین وقفی می گویند، خانه هایی که از خاک آن زمین ساخته شده اند چه حکمی دارند؟

ج: به حسب ظاهر وقف گفته می شود و خاک برداشتن برای خودش اشکال

ندارد و اما دیگران که در اثر خاکبرداری گودالهایی را در زمین ایجاد کرده اند، همان گودالها را با خاک دیگر پرکنند تا ضرری به عین موقوفه وارد نشود.

س : ۱۶۴۹ - اگر کسی زمین مشترکی را بدون اجازه شرکاء وقف کند و بعد این شخص واقف وارث قرارگیرد وقفی که کرده است صحیح است؟

ج : در هنگام وقف کردن به اندازه سهم خودش از مال مشترک وقف شده است و مقداری را که بعداً آن را به ارث مالک شده است وقف نشده است، و اگر بعد از مالک شدن آن را وقف کند صحیح است.

س : ۱۶۵۰ - اگر کسی از زمین وقفی برای خود خانه بسازد یا آجر و گل بیاورد وظیفه او چیست تا بری الذمه گردد؟

ج : موضع خاکبرداری شده از زمین را به حالت اولش برگرداند یا با مثل خاک خودش یا بهتر از آن، بدتر از خاک خودش نباشد.

س : ۱۶۵۱ - کتابخانه ای عمومی است که کتابهایش با کمی های مردم جمع شده است و معلوم نیست که چه کتابهایی به نیت وقف داده شده است و چه کتابهایی بدون نیت وقف با توجه به مشکلات انتقال کتابها به سمت شمال افغانستان (مزار شریف) حتی برخی از آنها ارزش انتقال دادن را هم ندارد، آیا فروش کتابها جایز است، تکلیف چیست؟

ج : کتاب وقفی فروخته نمی شود، و اگر قابل انتقال نیست جزء کتابخانه وقفی در ایران قرار دهید.

س : ۱۶۵۲ - اگر تأسیس حسینییه ای باعث ایجاد تفرقه قومی و حتی اختلاف خانوادگی گردد، آیا کمک کردن به آن و نیز کارهای عبادی در آن جایز است؟

ج : در صورتیکه باعث نفاق شود از ساختن آن اجتناب شود.

س : ۱۶۵۳ - اگر انتقال امکانات حسینییه ای مانند فرش، پول نقد و... به حسینییه دیگر باعث هتک حرمت حسینییه اول گردد این کار جایز است؟

ج : اگر اجناس مذکور وقف حسینییه اول باشد، انتقال آنها به جای دیگر

جایز نیست.

س : ۱۶۵۴- حسینیة کوچک، قدیمی و کهنه یک روستا، به دلیل افزایش جمعیت و عدم امکان توسعه آن توسط اهالی روستا تخریب شده است و از سنگ و چوب آن برای ساختن حسینیة جدید استفاده شده است. آیا حسینیة جدید حکم غصب را دارد یا توجه به عدم امکان توسعه حسینیة قدیم و نیاز نداشتن مردم به دو حسینیة؟

ج : حسینیة سابق در صورتی که قابل استفاده نبوده است باید فروخته می شود. از قیمت آن زمین به اسم واقف اول حسینیة درست می کردند و حالا نیز هر چیزی که از حسینیة اول به حسینیة جدید مصرف می کنند، ثوابش قهراً به همان واقف اول می رسد و نماز خواندن در این حسینیة اشکال ندارد و زمین حسینیة اول را هم بفروشند و برای رفع نیازهای حسینیة جدید مصرف نمایند تا واقف آن در ثواب این حسینیة شریک باشد.

س : ۱۶۵۵- شخصی زمین زراعی آبی و دیمی خود را به شمول خار درو و علف درو برای سه حسینیة و یک نفر سید در وصیتنامه خود وقف کرده است، و وارثین او نیز این وصیت را قبول دارند، اما بعداً روحانیت منطقه فیصله نموده اند که زمین موقوفی که در وصیت آمده است فقط زمین های کشاورزی آبی و دیمی را در بر می گیرد و چون علف کار و خار درو را شرعاً مالک نبوده است، حق وقف کردن آن را نداشته است و خارج از محدوده وقف و متعلق به ورثه است، با توجه به این مساله محدوده وقف را بیان فرمایید؟

ج : در صورتیکه منطقه علف کار و خار درو حریم زمین های موقوفی نباشد، در وقف داخل نیست و اگر حریم باشد تابع زمین های موقوفی می باشد.

س : ۱۶۵۶- شخصی زمین مواتی را در کنار قبرستانی احیاء می کند و بعد از مدتی آن را به مردم واگذار می کند که جزء قبرستان قرار گیرد، اما معلوم نیست که زمین را وقف کرده است یا بدون وقف واگذار کرده است.

اولاً: آیا این زمین احکام وقف را دارد؟

ثانیا: کسانی که از خاک این زمین برای خود خانه ساخته اند، عبادت و زندگی آنها در آن منازل چه حکمی دارد؟

ثالثا: واقف یا واگذارکننده زمین در زمان حیاتش مردم را از خاکبرداری منع نمی کرده است، اکنون خاکبرداری از این زمین اشکال دارد؟

ج : وقفیت آن ثابت نیست و احکام وقف را ندارد و در صورت اجازه مالک و یا وارث وی خانه های ساخته شده غصبی نیستند و اگر وارث کسی را منع نکند خاک برداشتن از آن اشکال ندارد.

س : ۱۶۵۷- جمعی از مهاجرین زمینی را مشترکا خریده اند و قبرستان قرار داده اند، اکنون هم آنها و هم کسانی که پول نداده اند (البته با توافق شرکاء) اموات خود را در این مکان دفن می کنند، اما غیر شرکاء پول مقبره ها را پرداخت می کنند، اینجانب یکی از شرکاء هستم وبخشی از آنها نزد من می باشد، تکلیف من درباره این پول ها چیست؟ و در چه مواردی به مصرف برسانم تا بری الذمه شوم؟

ج : سوال مذکور چند صورت دارد: ۱- اگر وقف عام باشد اجرت گرفتن از غیر شرکاء صحیح نیست. ۲- اگر وقف خاص باشد اجرت گرفتن از موقوف علیهم جایز نیست، بدون اجرت اموات شان را دفن نمایند و برای غیر موقوف علیهم، دفن اموات شان چه با اجرت و چه بدون اجرت جایز نیست. ۳- اگر وقف نکرده باشند ملک کسانی است که پول داده اند و اگر اجازه دفن با اجرت به دیگران بدهند، پول اجرت به همه مالکین تعلق دارد و باید با اجازه همه شان سنگ قبر یا چیز دیگری خریده شود.

س : ۱۶۵۸- شخصی ۱۵۰ سال قبل زمین کشاورزی به شمول آب، درخت حریم آن بطور مطلق در وصیتنامه خود وقف کرده است که در روز عاشورا درآمد و ثمرات موقوفه به مصرف برسد. اما مشخص نکرده است که در کجا و کدام حسینیه. در آن زمان یک حسینیه بیشتر در محل وجود نداشته است، اما بتدریج تا امروز



حسینیه های دیگری نیز ساخته شده است سوال این است که : آیا ثمرات موقوفه اختصاصاً در همان حسینیه قدیم مصرف شود یا در هر حسینیه ای که مصرف شود اشکال ندارد؟

ج : اگر قرائتی وجود دارد که مقصود واقف همان حسینیه قدیمی محله بوده است باید در همان حسینیه مصرف شود و اگر قرائتی وجود ندارد در هر حسینیه ای که مصرف شود جایز است.

س : ۱۶۵۹ - در یک محلی حسینیه ای از قدیم پایگاه تبلیغات مذهبی و عزاداری بوده است اما چند سال است که چند خانوار بطور جداگانه حسینیه دیگری در نزدیکی همان حسینیه ساخته اند که دلیلی جز تحریک افراد ماجراجو و رقابت های ناسالم نداشته اند. اما الان همان چند خانوار پشیمان شده اند و می گویند ما اشتباه کرده ایم و یک حسینیه بیشتر نیاز نیست و الان می خواهند آن حسینیه دوم را خراب نمایند آیا تخریب این حسینیه و انتقال لوازم آن به حسینیه قبلی جایز است؟

ج : در صورتیکه حسینیه ساخته شده است و در آن عزاداری برپا گردیده است، خراب نکنند و در بعضی جمعه ها یا وفیات و مناسبت های مذهبی در آن حسینیه عزاداری برپا نمایند.

س : ۱۶۶۰ - قطعه زمینی که در کنار مسجد قرار دارد، وقف شده است تا در آنجا حسینیه ساخته شود و اکنون ۲۷ سال از وقف آن می گذرد ولی هنوز مردم اقدام برای ساختن حسینیه نکرده اند زیرا نیازی به حسینیه ندارند چونکه مراسم و برنامه های مذهبی از قبیل نماز جماعت، سخنرانی، عزاداری و... در مسجد برگزار می گردد. اگر اجازه می فرمایید یک باب مدرسه علوم دینی در این زمین وقفی ساخته شود که مورد نیاز مردم است و اگر مدرسه هم ساخته نشود و اشکال داشته باشد زمین مذکور بدون استفاده خواهد ماند؟

ج : اگر زمین وسعت دارد در اطراف آن اُتاق هایی را به نام حسینیه برای

طلاب بسازید و در صحن آن مراسم عزاداری در محرم و ایام وفیات معصومین (علیهم السلام) برپا نمایید تا آنکه عنوان وقف حسینی نیز باقی باشد.

س : ۱۶۶۱- در کنار قبرستانی مسجدی بوده است متروک و مهجور. ولی اهالی قریه این مسجد را خراب کرد و جزء قبرستان قرار داده اند، آهن آن را فروخته اند و قصد دارند به مصرف قبرستان برسانند و سنگ و آجر آن را برای دیوار محوطه مسجد بکار برده اند، آیا این کار جایز است؟

ج : تخریب مسجدی که زمین آن وقف مسجد شده است جایز نیست و دفن میت در زمین آن مسجد به هیچ وجه جایز نیست. اما نسبت به مصالح مسجد اگر مسجد بکلی تخریب شده باشد. اگر مسجد دیگری نیاز به مصالح مانند سنگ، آجر و آهن داشته باشد باید صرف آن مسجد نمایند. و فروش آن جایز نیست. اما اگر مسجد دیگر نیاز به مصالح ندارد آن را بفروشد و پولش را صرف مسجد بنمایند.

س : ۱۶۶۲- شخصی ثلث زمینش را برای فقراء و طلاب علوم دینی وقف می کند و فرزندش را متولی این وقف قرار می دهد ولی فرزندش بعد از گذشت چند سال می گوید من قدرت زراعت ندارم و اجاره چهار ساله زمین را هم نداده است، آیا متولی می تواند آن زمین را به کس دیگری به عنوان اجاره بدهد و وجه الاجاره را در مورد موقوفه مصرف کند؟

ج : با همکاری چند نفر از اهل خبره زمین موقوفی را بررسی نموده و اجاره المثلی برای آن تعیین نمایند. متولی می تواند همان اجاره المثل را به عهده بگیرد و یا به کس دیگری اجاره دهد و همان وجه اجاره را به فقراء و طلاب بدهد و اجاره چهار ساله زمین را نیز بدهکار است.

س : ۱۶۶۳- مساجدی که حدوداً شصت سال پیش به دستور حاکم درهر قریه و ده ساخته شده است، اکنون مردم درباره این گونه مساجد احکام و مراعات نمی کنند چون به دستور حاکم جابر ساخته شده است حکم این مساله چیست؟

---

ج: اگر این خانه ها را برای فرار از ترس و مواخذه حاکم مسجد نامیده باشند حکم مسجد را ندارند اما اگر واقعا به قصد مسجد ساخته باشند باید احکام مساجد درباره آن مراعات شود.

س: ۱۶۶۴- تعدادی برای میتی قبر می کنند اما در کف قبر استخوان های مرده دیگری پیدا می شود. استخوان های کهنه را در کوشه قبر جمع می کنند و میت جدید را در آن قبر دفن می کنند. ورثه مرده پیشین اعتراض می کنند که چرا در قبر مرده ما میت دیگری را دفن کرده اید؟ یادآوری می شود که قبرستان سابقه ده ساله دارد حکم این مسأله چیست؟

ج: اگر قبرستان وقف عام باشد و بیرون آوردن میت دوم هتک حرمت به حساب آید اگر چه ورثه میت قبلی راضی نباشند نباید مرده دوم بیرون آورده شود. اما اگر ورثه میت قبلی محل قبر را خریده باشند دفن میت دوم در آن قبر جایز نیست و اگر ورثه میت قبلی رضایت ندهند باید مرده دوم در جای دیگر دفن شود.

## احکام وصیت

س : ۱۶۶۵- کسی که در زندگی خود خمس نداده است به فرزندش وصیت می کند که مبلغ صد هزار تومان سهم امام (ع) و هفتصد کیلوگرم گندم زکات پرداخت کند و بیست و پنج ماه روزه برای او بگیرد و بیست و پنج سال نماز بخواند اگر فرزند نسبت به چنین وصیتی عمل کند از ماترک میت چیزی باقی نمی ماند آیا این وصیت نافذ است؟

ج : اگر ثابت شود که مبلغ صد هزار تومان و هفتصد کیلوگرم گندم از خمس و زکات بدهکار است از اصل ما ترک پرداخت شود. روزه و نمازش از ثلث ترکه باقی مانده انجام داده می شود حتی اگر ثلث ترکه یک ماه روزه و یک سال نماز را کفایت کند.

س : ۱۶۶۶- شخصی فوت می کند و وارث صغیر دارد، برادر متوفی مصارف کفن و دفن و مراسم فاتحه و ختم او را به عهده می گیرد. مصارف مذکور را می تواند از وارث متوفی بگیرد؟

ج : اگر بدون وصیت فوت کرده باشد و برادرش نیز بدون قصد تبرع (بدون نیت مجانی) مصارف مذکور را پرداخت کرده باشد، به مقدار واجب از مصارف کفن و دفن را می تواند از اصل مال میت بردارد و مصارف مستحبی را نمی تواند بردارد اما اگر شخص متوفی وصیت کرده باشد می تواند مصارف مستحبی را نیز از ثلث مال میت بردارد.

س : ۱۶۶۷- شخصی که بدون وصیت ازدنیا می رود، بدون اجازه ورثه یا اگر ورثه

صغیر باشد، تا چه مقدار می شود از اموال میت برایش مصرف کرد؟

ج : فقط به مقدار واجب برای کفن و دفن می شود مصرف کرد و زائد بر آن جایز نیست.

س : ۱۶۶۸- در برخی مناطق رسم است که وقتی شخصی از دنیا می رود، بستگان و آشنایان متوفی که در مراسم تشییع و فاتحه او شرکت می کنند، مبالغی را به عنوان کمک پرداخت می کنند. مصرف نمودن مبالغ مذکور برای خود میت جایز است؟

ج : مصرف مبالغ مذکور بستگی به نیت و قصد کمک کنندگان دارد.

س : ۱۶۶۹- غذا خوردن در خانه ایتام صغیر که مادر یا برادر یا عمومی آنها برای میهمانان غذا می آورند و نیز نماز خواندن در خانه این ایتام چه حکمی دارد؟

ج : باید به حاکم شرع مراجعه نمایند تا برای ایتام قیم (سرپرست) نصب نماید و قیم طبق مصالح ایتام در خانه و اموال آنها تصرف نماید.

س : ۱۶۷۰- اگر شخصی به طور کلی وصیت کند که ثلث اموال برایش مصرف شود. شامل اموال منقول و غیر منقول می شود؟

ج : اگر قرینه ای بر تعیین اموال غیر منقول وجود نداشته باشد ظاهر این است که وصیت میت شامل اموال منقول و غیر منقول می شود. اگر ورثه پولی نداشته باشد که به جای ثلث زمین از آن استفاده کند ثلث از قیمت زمین را برای میت مصرف کند.

س : ۱۶۷۱- زنی زمینش را برای یکی از نوادگان خود وصیت می کند. و نیز وصیت می کند که نوه اش در مقابل این زمین از طرف او حج انجام دهد، وصی مذکور چند سال از زمین استفاده می کند و پیش از انجام حج فوت می کند و برادرش را وصی می گیرد که زمین را بگیرد و حج انجام دهد او نیز چند سال از زمین استفاده می کند، فرزند وصی اول زمین را از وصی دوم می گیرد و او نیز می میرد اما وصی سوم را برای حج می گیرد. وصی سوم نیز فوت می کند و او نیز وصی دیگری (که وصی چهارم می شود) می گیرد، کدام یکی از این وصیت ها

نافذ است؟

ج : هر کسی راکه وصی اول برای انجام حج نایب گرفته است حق تقدم دارد و فرزندان وصی اول نمی توانند کس دیگری را نایب بگیرند مگر اینکه وصی اول شرط کرده باشد که نایبش تا سال معین حج را انجام دهد و آن شخص انجام ندهد. در این صورت فرزندان وصی اول با اجازه حاکم شرع کس دیگری را نایب بگیرند. اما اگر زن شخص معین را در سال معین نایب گرفته باشد که مباشرتاً خودش حج را انجام دهد و او انجام ندهد و بمیرد، حاکم شرع کس دیگری را نایب بگیرد و زمین را تسلیم او نماید و اجره المثل را از ترکه نایب اول بگیرد و در راههای خیر به نیابت از موصی مصرف کند.

س : ۱۶۷۲- شخصی به فرزندش وصیت می کند که ۱۵ سال نماز قضایی و ۱۵ سال روزه قضایی برای او انجام دهد و نیز مبلغی را بجای خمس و زکات بپردازد در حالی که تمام دارایی و ماترک میت تنها یکی از موارد مذکور را کفایت می کند نه هر سه مورد را، وظیفه فرزند چیست؟

ج : اگر ورثه آن وصیت را امضا کنند همه ماترک مصرف می شود هر مقدار کفایت کند و اگر ورثه امضا نکنند وصیت فقط به مقدار یک سوم از مجموع اموال و دارایی های میت نافذ است. اگر ثلث دارایی و اموال میت تمام موارد وصیت را کفایت نکند. خمس و زکات را از اصل مال بکشد و نماز و روزه قضایی را از ثلث مال حساب کند و اگر یک سوم ماترک همه نماز و روزه را کفایت نکند نصف ثلث را برای نماز و نصف دیگر را برای روزه مصرف کند و در فرض سوال اگر مجموع دارایی و اموال میت فقط برای یکی از موارد مذکور کفایت می کند و ورثه نیز وصیت اضافه بر یک سوم را اجازه دهند. باید برای خمس و زکات مصرف شود نه برای روزه و نماز.

س : ۱۶۷۳- شخصی وصیت می کند که تمام اموال من سه قسمت شود یک قسمت برای خودش و دو قسمت برای فرزندانش، اما در مورد دو سوم از اموال مربوط

به فرزندان وصیت می کند که اموال منقول بطور مساوی بین تمام فرزندان تقسیم شود بدون فرق بین پسر و دختر و از زمین و سایر اموال غیر منقول دختران را محروم سازد و می گوید که آنها حق ندارند. آیا دختران از زمین ارث می برند؟

ج : وصیت در زائد بر ثلث نیاز به اجازه ورثه دارد. اگر همه رضایت دادند طبق وصیت عملی شود و اگر بعضی راضی شدند و بعضی رد کردند. وصیت نسبت به سهم کسانی که رضایت دارند نافذ است و اگر همه رد کردند وصیت در زائد بر ثلث باطل است و دو سوم از اموال میت اعم از منقول و غیر منقول باید طبق قانون ارث بین تمام فرزندان تقسیم شود یعنی به هر پسری دو برابر سهم هر دختری داده شود.

س : ۱۳۷۴- اگر کسی بدون وصیت از دنیا برود برای قضاء واجبات، مراسم فاتحه، ختم قرآن و روضه خوانی، از اصل مال یا از ثلث مال میت برداشته می شود؟

ج : برای انجام واجبات مالی مانند: دین، قضاء خمس، زکات، رد مظالم و حج واجبی اگر مستطیع بوده باشد (نه حج نذری) از اصل مال میت برداشته می شود. اما برای انجام واجبات غیر مالی مانند نماز و روزه و نیز برای کارهای مستحبی مانند مراسم فاتحه، قرآن خوانی و... اگر ورثه ای کبیر اجازه دهند می شود از مال میت مصرف کرد و گرنه نمی شود مصرف کرد، چنانکه بر عکس، کفن واجبی و پول دفن از اصل ترکه ای میت پرداخت می شود و اجازه ورثه شرط نیست.

س : ۱۶۷۵- ما ۸ برادر و ۶ خواهر از یک پدر هستیم، پدرم با دو خواهرم فوت نموده اند، پدرم در زمان حیات خود برای ۶ تا از برادران زن گرفته است و دو تا از برادرانم در زمان حیات پدرم از خانواده جدا شده بودند و خانه مستقل دارند و مادرم نیز زنده است. برادرانم تصمیم گرفته اند که زمین های پدر را تقسیم نمایند با توجه به وضعیت فوق لطفاً به سوالات زیر پاسخ دهید: ۱- آیا خواهرانم در

تقسیم زمین شریک هستند؟

۲- پدرم وصیت نموده است که هر فرزند سالانه ۱۰ سیرگندم به مادرم بدهد آیا غیر از این ۱۰ سیرگندم مادرم از زمین پدرم ارث می برد؟

۳- ۶ نفر از برادران که خانه مستقلی ندارند و درگذشته در منزل پدر با هم زندگی می کردند (و در آینده نیز هر کدام باید خانه جدا داشته باشد) سهم بیشتری از زمین پدری می برند؟ و اگر سهم بیشتر نمی برند مخارج و هزینه های ساختن خانه و عروسی (برای دو برادری که در زمان پدر ازدواج نکرده بودند) از ارثیه پدر پرداخت می شود؟ و آیا دو برادری که خانه مستقلی دارند وظیفه دارند که به این برادران کمک نمایند؟

۴- برادر کوچک که بالغ شده است، اگر اجازه تقسیم زمین را بدهد و بعد از مدتی این تقسیم را به نفع خود نبیند و پشیمان شود آیا اجازه او نافذ است؟ و آیا این برادر که از جهاتی مستحق ترحم است و بخصوص که پدر نیز در مورد او به باقی برادران زیاد سفارش کرده بود سهم بیشتری از ارث می برد؟

ج : ۱- همه فرزندان اعم از پسر و دختر که در زمان فوت پدر زنده بوده اند مطابق احکام ارث از اموال منقول و غیر منقول پدر ارث می برند. ولی همسر از زمین ارث نمی برد و از منقولات و قیمت بنا و قیمت درخت ارث می برد.

۲- وصیت پدر به ۱۰ سیرگندم در هر سال مانع از ارث زن نمی شود (در اموال منقول و قیمت ساختمان و اشجار).

۳- دو برادر بزرگ که جدا زندگی می کنند اگر پدر، زمین و سایر اموال خود را در زمان حیاتش به آنها تملیک و هبه کرده باشد و آنها نیز قبول و قبض کرده باشند، این زمین و اموال ملک آنها است و دیگر وراثت در آن حق ندارند اما اگر پدر فقط اباحت تصرف کرده باشد بعد از فوت پدر با سایر اموال پدر بین تمام وراثت تقسیم می شود اما دو برادر دیگر که ازدواج نکرده اند، اگر پدر نسبت به آن دو برادر وصیت نکرده باشد مخارج ازدواج و ساختن خانه به عهده خودشان است.



۴- اگر برادر کوچک بالغ و رشید باشد، اجازه اش در تقسیم زمین نافذ است و اگر سفیه باشد با اجازه حاکم شرع تقسیم نمایند و اگر پدر درباره پسر کوچک وصیت نکرده باشد پیش از دیگران ارث نمی برد و اگر دیگر برداران او را کمک نمایند کار خوبی است و صلة رحم می شود.

س : ۱۶۷۶- اگر شخصی در مرض موت خود وصیت نماید که تمام دارایی و املاک او به اولاد صغارش داده شود و اولادکبار را از ارث محروم نماید آیا این وصیت صحیح است؟

ج : اگر فرزندان کبار وصیت پدر را امضاء نمایند تمام اموال فرزندان صغار می شود و اگر امضاء ننمایند یک سوم اموال از فرزندان صغار می شود و دو سوم دیگر بین تمام ورثه تقسیم می شود.

س : ۱۶۷۷- شخصی زمینی را برای انجام دادن حج وصیت می کند، و وصی قبل از انجام دادن حج فوت می کند ولی ورثه میت آن زمین را می فروشد آیا انجام ندادن حج مانع از فروختن و رهن دادن زمین می شود؟

ج : اگر به قیمت واقع فروخته شده باشد حاکم شرع آن بیع را امضاء میکند ولی اجازه نمی دهد که قیمت آن در غیر حج استفاده شود.

س : ۱۶۷۸- بر همه مکلفین، وصیت واجب است یا بر افراد خاصی؟

ج : هرکسی که دین یا امانتی از مردم به عهده دارد یا قضاء نماز و روزه و واجبات - دیگری به عهده دارد وصیت بر چنین شخصی واجب است و کسی که هیچ یک از اینها بر ذمه اش نیست، وصیت نیز بر او واجب نیست.

س : ۱۶۷۹- شخصی وصیت می کند که جنازه ام را درمحلّی خاصی دفن کند. اما ورثه بر خلاف وصیت در محل دیگری آن را دفن می کند آیا نبش قبر به منظور عمل به وصیت جایز است؟

ج : اگر وصیت به حمل و دفن نمودن به مشاهد مشرفه بوده است و نیز اگر نبش قبر و دفن مجدد موجب هتک جنازه نباشد، عمل به وصیت واجب است.

س : ۱۶۸۰- اگر کسی وصیت نماید که ثلث اموالش در امور خیریه مصرف شود ولی اولادش مانع از عمل به وصیت می شوند وظیفه چیست؟

ج : بر وصی لازم است که به وصیت عمل نماید اگر چه با اجبار کردن ورثه و یا با ارجاع به حاکم شرع باشد، در صورتیکه عمل به وصیت اصلاً امکان نداشته باشد تکلیف از وصی ساقط است.

س : ۱۶۸۱- شخصی وصیت می کند که خانه ام فروخته شود و قیمت آن در امور خیریه به مصرف برسد. ولی ورثه خانه را می فروشند و قیمت آن را در مورد وصیت مصرف نمی کنند، خرید این خانه با علم مشتری به چنین وصیت، برای مشتری و تصرف در آن چه حکمی دارد؟

ج : اگر خانه زائد بر ثلث اموال میت نباشد مال مورد وصیت فروخته شده است اگر چه معامله صحیح است. ولی مصرف نمودن قیمت آن در غیر مورد وصیت حرام است.

س : ۱۶۸۲- اگر شخصی وصیت کند که اموال و ماترک او را در جهت انجام روزه، نماز، خمس، زکات، ختم قرآن و عزاداری و روضه خوانی اهل بیت (علیهم السلام) مصرف نمایند. اما بعضی از وراثت از عمل به این وصیت امتناع ورزند تکلیف وصی چیست؟

ج : بر وصی واجب است که موارد خمس و زکات را که در وصیت آمده است از اصل مال خارج کند و سایر موارد را از ثلث مال مصرف نماید اما در زائد بر ثلث محتاج به اجازه ورثه است. اگر بعضی از وراثت اجازه دهند و بعضی رد کنند، وصی بعد از محاسبه دقیق، سهم کسانی را که اجازه داده اند در موارد باقیمانده از وصیت مصرف نماید و سهم کسانی را که اجازه نداده اند به خودشان تسلیم نماید.

س : ۱۶۸۳- اگر شخصی وصیت کند که بعد از فوتش خانه مسکونی او را عوض مهریه به همسرش بدهند آیا بر ورثه او واجب است که خانه مسکونی را بدهند و

یا به جای آن وجه نقد هم می توانند بدهند و اگر وارث عمل به وصیت نکند فقط معصیت کرده است یا نسبت به خانه مورد وصیت غاصب نیز هست؟

ج : بر ورثه واجب است که به وصیت عمل نمایند مگر این که همسر موصی و متوفی به جای منزل به وجه نقد راضی شود در این صورت ذمه موصی بری می شود و خانه ملک ورثه است. اما اگر وصیت کند که خانه در مقابل مهر ملک زوجه باشد و زوجه نیز قبول کند خانه ملک اومی شود و احکام ملک بر آن مترتب و تصرف ورثه حرام است.

س : ۱۶۸۴- اگر شخصی وصیت کند که وصی او پس از مرگ او خمسش را بپردازد اما ورثه مانع از خمس دادن می شود به این دلیل که میت بچه های صغیر دارد و آنها در تنگنای مالی قرار می گیرند، تکلیف وصی چیست؟

ج : اگر وصی قدرت عمل به وصیت ندارد تکلیف از او ساقط است، اما موافقت و همکاری ورثه با وصی در جهت پرداخت حقوق واجب میت، واجب است و نباید مخالفت نماید و در مضیقه قرار گرفتن صغار مجوز عمل نکردن به وصیت نمی شود.

س : ۱۶۸۵- اگر شخصی موارد مصرف یک سوم از اموالش را در وصیت نامه اش مشخص کند آیا ورثه حق تأخیر در عمل به وصیت را دارند، مثلاً در طی چند سال و به تدریج ثلث مال را در موارد وصیت مصرف کنند؟

ج : اگر موصی اذن در تأخیر نداده باشد تأخیر در عمل به وصیت جایز نیست.

س : ۱۶۸۶- اگر وصی برای عمل به موارد وصیت چاره نداشته باشد جز فروش بخشی از اموال و املاک موصی و از این طریق ضرر کلی به ورثه وارد شود. آیا وصی می تواند ورثه را اجبار نماید؟

ج : عمل به وصیت واجب است و تأخیر جایز نیست (مگر اذن در تأخیر داشته باشد) و ورثه حق ممانعت ندارند. البته در زائد بر ثلث توقف بر اذن ورثه دارد.

س : ۱۶۸۷- شخصی وارث ندارد، وصیت می کند که تمام اموالش برای فقراء و

ساکتین مصرف شود. این وصیت در تمام اموال او نافذ است یا در ثلث اموالش؟

ج: اگر حاکم شرع اجازه کند در تمام اموالش نافذ است.

س: ۱۶۸۸- زنی در اثر اختلاف با شوهرش مکرراً گفته است که بعد از من از اموالم به شوهرم چیزی ندهید اما در هنگام وصیت این موضوع را یادآور نمی شود و برای قضاء نماز و روزه اش وصیت می کند در این فرض شوهر ارث می برد؟

ج: وصیت در یک سوم از اموال نافذ است برای نماز و روزه باشد یا غیر آن دو، اما در فرض سوال مذکور، اگر زن وصیت کرده باشد به اندازه ثلث نافذ است و از دو ثلث باقیمانده که مورد وصیت نیست شوهر ارث می برد.

س: ۱۶۸۹- با شهادت زن وصیت اثبات می شود؟

ج: بله، اما با شهادت یک زن، وصیت در یک چهارم از مال مورد وصیت، و با شهادت دو زن در نصف آن مال و با شهادت سه زن در سه چهارم آن مال و با شهادت چهار زن در تمام آن مال ثابت می شود.

س: ۱۶۹۰- شخصی وصیت می کند که یک سوم از اموالش در موارد معینی (که خودش معین کرده است) مصرف شود. اما ورثه بعد از فوت او منکر وصیت و مانع از عمل به آن می شوند. و بعد از مدتی اکنون ورثه می خواهند به وصیت عمل نمایند. قیمت زمان فوت موصی محاسبه شود یا قیمت موجود؟

ج: اگر ثلث را در اجناس و اعیان مخصوصی معین کرده باشند همان اجناس و اعیان به قیمت فعلی باید محاسبه شود اما اگر ثلث را در وجوه نقدیه معین کرده باشد مثلاً گفته باشد فلان مبلغ را که ثلث مال من می شود، در موارد معینی خرج کنید، همان مبلغ معین را باید بپردازند، یعنی با همان مبلغ مثلاً هر مقدار نماز، روزه و... در زمان وصیت انجام می شد. الان نیز همان مقدار را انجام دهند.

س: ۱۶۹۱- اگر کسی ثلث اموالش در مواردی وصیت نماید، ولی این موارد هم واجب و هم غیر واجب است و ثلث اموال هر دو را کفایت نکند، کدام را مقدم بدانند؟

ج : موارد واجب را بر غیر واجب مقدم نمایند.

س : ۱۶۹۲- اگر کسی به طور کلی وصیت کند که از اموالم برایم خرج کنید، و ورثه صغیر نیز دارد، وصی چه مقدار از اموالش را می تواند برایش مصرف کند؟

ج : اگر به حسب قرائن معمول و متعارف، وصیت انصراف به مبلغ معینی نداشته باشد ظاهر این است که وصی طبق صلاحدید خود می تواند به مقدار یک سوم از اموال مصرف نماید.

س: ۱۶۹۳- اگر پدری وصیت به نماز، روزه، رد مظالم بنماید، پرداخت پول آنها بر ورثه صغیر هم تعلق می گیرد؟

ج : به مقدار یک ثلث از تمام اموال برداشته می شود زائد بر آن بین ورثه تقسیم می شود چه صغیر باشند ویا کبیر ویا برخی صغیر و برخی کبیر باشند.

س : ۱۶۹۴ - مادری زمینش را به فرزندش تملیک کرده است و در مقابل آن وصیت می کند که فرزندانش چند سال قضاء نماز وروزه برای او بگیرند، فرزند آن قضاء نماز و روزه را انجام داده اند اما حج را انجام نداده اند یکی از فرزندان که وکیل آن مرحومه است، اصرار و پافشاری دارد که باید حج را انجام دهید، اما فرزندان می گویند فعلا وضع معیشتی و اقتصادی ما خوب نیست، اگر حج را انجام دهیم اهل و عیال ما تلف می شوند وظیفه شرعی فرزندان چیست؟

ج : اگر فرزندان در برابر تملیک زمین از سوی مادر به آنها، قضاء نماز ، روزه و حج را قبول کرده باشند باید به آن قرارداد عمل نمایند و حج را در اولین فرصت ممکن باید انجام دهند و اگر فعلا قدرت ندارند باید زمین را که از مادر گرفته اند بفروشند و حج را انجام دهند، زیرا تنفیذ وصیت واجب فوری است.

س : ۱۶۹۵ - شخصی ۵۰ سال قبل فوت نموده و نوشته ای از اوباقی مانده است که در آن وصیت کرده است که مبلغ چهار هزار افغانی در زیارات عتبات عالیات مصرف شود اما از آن زمان تا کنون ارزش پول تفاوت زیادی پیدا کرده است وظیفه ورثه چیست؟

ج : اگر مطمئن باشند که نوشته مذکور دست خط میت و وصیت او است و از آن برگشته است، و آن مبلغ نیز زائد بر ثلث نباشد وصیت لازم و نافذ است، و اگر زائد بر ثلث باشد در بیشتر از آن نیاز به رضایت تمام ورثه دارند. اگر رضایت ندارند زائد بر ثلث بین وراثت تقسیم می شود. اما راجع به تنزل قیمت و ارزش پول : اگر ورثه عمداً عمل به وصیت را به تأخیر انداخته باشند و پول را در مورد دیگری مصرف کرده باشند. تفاوت قیمت را ضامن اند، به هر اندازه که با آن پول در زمان وصیت و با توجه به ارزش آن زمان می شد مصرف کرد، به همان ارزش و قیمت الان نیز برای میت در اعتبارات عالیات مصرف کنند.

س ۱۶۹۶- اگر شخصی بدون وصیت فوت کند، و مدیون هم باشد، و چند فرزند صغیر دارد آیا دین میت قبل از انتقال ترکه و دارایی به ورثه و از اصل ترکه اخراج می شود، یا بعد از انتقال به ورثه؟

ج : اگر صغار ولی ندارند، اول باید برای صغار با اجازه حاکم شرع ولی تعیین کنند و سپس مصارف واجبات میت را مانند کفن و دفن و نیز دیون و بدهی او را از اصل ترکه و دارایی جدا کنند و بعد باقیمانده به ورثه انتقال پیدا می کند.

س : ۱۶۹۷- اگر کسی وصیت کند که جنس معینی به یکی از فرزندانش داده شود، ولی قیمت آن پیش از ثلث میت است و قابل قسمت هم نیست، تمام عین به موصی له داده شود یا بعد از قیمت گذاری به مقدار ثلث مال به او داده شود؟

ج : اگر سایر وراثت رضایت دهند همه آن عین را به موصی له بدهند، و اگر رضایت ندهند، باید قیمت گذاری شود و ثلث قیمت به موصی له داده شود و بقیه مال ورثه است.

س : ۱۶۹۸- مراد از ثلث که وصیت در آن نافذ است، ثلث در زمان وصیت است یا ثلث بعد از موت موصی؟

ج : ثلث هنگام فوت موصی مراد است.

س : ۱۶۹۹ - اگر شخصی وصیت کند که ثلث اموالش در امور خیریه مصرف شود، اما دیونش تمام ترکه را فرا می گیرد، پرداخت دیون مقدم است یا عمل کردن به وصیت؟

ج : اول دیون میت را پرداخت نمایند اگر چیزی باقی ماند از ترکه میت در مورد وصیت مصرف نمایند.

س : ۱۷۰۰ - شخصی وصیت می کند که زمینی را فروخته و قیمت آن را در انجام حج مصرف نمایند، حدود ۳۰ سال است که ورثه از زمین مذکور استفاده می کنند، و حج را انجام نداده است، وصی نیز فوت کرده است پسر برادر وصی که ورثه میت نیز می باشد، این زمین را رهن داده است آیا انجام ندادن حج مانع از فروختن و یارهن دادن زمین می شود، اکنون حج بر چه کسی واجب است؟

ج : اگر میت مستطیع و واجب الحج بوده و آن را انجام نداده باشد و نیز اگر مستطیع نبوده ولی وصیت به انجام حج کرده باشد و در صورت دوم زمین مذکور نیز زائد بر ثلث نباشد در هر دو صورت عمل به وصیت لازم است و تاخیر بدون عذر جازیب نیست و بعد از فوت وصی، ورثه میت حق تصرف در آن زمین را ندارند مگر با اجازه حاکم شرع یا اجازه وصی که حاکم شرع (بعد از فوت وصی اول) آن را تعیین کرده باشد. در غیر این صورت تصرفی که در زمین کرده است فضولی است و اگر وصی یا حاکم شرع اجازه دادند معامله ای که انجام داده است صحیح است و گرنه باطل است. اما فعلا حج به عهده ورثه است، زیرا از دادن زمین به وصی میت و فروختن آن خودداری کرده است.

س : ۱۷۰۱ - قطعه ای از زمین شخصی را (که فوت کرده است) برای اجرای وصایای او قیمت گذاری می کنند، تا بفروشند. آیا وصی میت اختیار دارد که زمین را به هر که بخواهد بفروشد، یا باید به اقربای میت بفروشد. با توجه به اینکه رسم بر این است که وراثت و اقربای نسبی میتی که وارث ذکور ندارد چنین زمینی را خریداری می کنند؟

ج : بهتر این است که اول زمین را به اقارب و بستگان موصی عرضه کند،

اگر به قیمت واقعی خریدند به آنها بدهد و اگر از قیمت واقعی کمتر خواستند، وصی می تواند آن را به غیر اقارب بفروشد.

س : ۱۷۰۲- شخصی زمین خود را ابتدا برای فرزندش به دو حصه مساوی وصیت می کند و دوباره بعضی از آن زمین را برای نوه خود وصیت می کند، این وصیت صحیح است؟

ج : وصیت در زائد بر ثلث نافذ نیست، بنابراین یک ثلث زمین مال نوه و دو ثلث مال وراثت دیگر است.

س : ۱۷۰۳- شخصی فوت می کند و فرزندان دختر و پسر بی جای می گذارد، و ۲۰ سال بعد از فوت پدر، بیشتر وراثت مرد چند قطعه زمین موروثی شان را می فروشند، در حال فروش همه وراثت بالغ بوده اند و تا ۱۵ سال بعد از فروش (با علم به فروش زمین) که زنده بوده اند هیچ اعتراضی نکرده اند. بعد از فوت ورثه انات (دختران این شخص) اکنون ورثه انات او (نوه های دختری) ادعای حق مادرشان را دارند آیا فرزندان ورثه انات ۴۰ سال بعد از فوت پدر بزرگ و ۲۰ سال بعد از فوت مادرشان (که در این ۲۰ سال ادعای حق نداشته اند) حق دعوا دارند؟

ج : بعید نیست که دختران از حق خود اعراض نموده باشند. ولی از باب احتیاط استجابی به فرزندان دختران چیزی بدهند، تا رضایت آنها حاصل شود.

س : ۱۷۰۴ - وصی میت حق تصرف در اموال منقول و غیر منقول ورثه صغار و مجنون را بدون اجازه حاکم شرع دارد؟

ج : اگر به مصلحت صغار باشد می تواند تصرف کند و نیاز به اجازه حاکم شرع ندارد اما تصرف در اموال مجنون نیاز به اجازه حاکم شرع دارد.

س : ۱۷۰۵- اگر کسی وصیت کند که خانه مسکونی ام را به بچه صغیرم بدهید. در حالیکه ورثه کبار نیز در آن خانه سکونت دارند، بعد از فوت پدر ورثه کبار باید خانه مذکور را تخلیه نمایند؟



ج : اگر خانه کمتر از ثلث باشد مال بچه صغیر است. ولی اگر مصلحت صغیر در این است که با سایر ورثه در این خانه زندگی کند تخلیه خانه واجب نیست، تا وقتی که بچه بالغ و رشید گردد و در زائد بر مصلحت بچه اجره المثل خانه بر ذمه ورثه کبار است. وبعد از کبیر شدن بچه باید به بچه بپردازند و یا از او طلب رضایت نمایند..

س : ۱۷۰۶- وصی می تواند اجناس صغار را به قیمت عادلانه به خودش و یا دیگری بفروشد و قیمت آن را در اختیار صغار قرار دهد و یا اینکه قیمت را باید نگهدارد و بعد از بلوغ به آنها بدهد؟

ج : اگر فروش اموال صغار به مصلحت آنها باشد، می تواند بفروشد و قیمت آن را نگهدارد و بعد از بلوغ در اختیار صغار قرار دهد و یا در مواردی که مصلحت صغار ایجاب می کند مصرف نماید.

س : ۱۷۰۷- شخصی وارث ندارد، وصیت می کند که تمام اموالش برای فقرا و مساکین مصرف شود، این وصیت در تمام اموال او نافذ است. یا در ثلث اموالش؟

ج : اگر حاکم شرع اجازه کند، در تمام اموالش نافذ است.

س : ۱۷۰۸- وصی میت حق تصرف در اموالی منقول و غیر منقول ورثه صغار و مجنون را بدون اذن حاکم شرع دارد؟

ج : در صورتیکه به مصلحت صغار باشد می تواند تصرف کند و نیاز به اجازه از حاکم ندارد.

## احکام ارث

س : ۱۷۰۹- کسی که سه پسر و دو دختر دارد از دنیا می رود در وقت مردن او یکی از پسر هایش صغیر بوده است فرزندان او زمین های میت را با اجازه و کیل تام الاختیار مجتهد می فروشند و بدهکاری میت را پرداخت می کنند در قولنامه هم قید می کنند که زمین عوض دین فروخته شد. وقتی پسر صغیر میت کبیر می شود ادعا می کند که راضی به فروختن زمین نیست و سهم و حصه خود را می خواهد آیا این ادعا درست است؟

ج : حق ندارد چنین ادعایی بکند.

س : ۱۷۱۰- اگر پسر توان و قدرت رسیدگی به امور معیشتی پدر را داشته باشند اما به امور معیشتی او رسیدگی نکند آیا پدر می تواند او را از ارث محروم کند؟

ج : پدر نمی تواند پسرش را از همه ارث محروم کند بلکه تنها می تواند از ثلث ارث محروم کند اما می تواند اموال خود را در زندگی خود بفروشد یا به کسی هبه کند و پسر متمرّد و سرکش خود را ندهد.

س : ۱۷۱۱- مردی که سه پسر و یک دختر دارد از دنیا می رود. پسران او زمین پدری خود را سه قسمت می کنند و به خواهرشان نمی دهند. یکی از این پسران در زمان عسکری از دنیا می رود و از او فرزندان صغیری می ماند. در این زمان خواهر آنان خواهان سهمیه خود از ارث می شود. دو برادر باقی مانده سهمیه برادر فوت شده شان را به خواهرشان می دهند نه این که سهمیه خواهر را از اصل زمینها

بدهند این مسأله از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج : سهمیه خواهر باید از اصل و مجموع ماترک پدرش داده شود و نباید سهمیه بچه های صغیر برادر فوت شده را به او بدهند.

س : ۱۷۱۲ - اگر فرزندان پدر و مادر خود را آزار و اذیت و مورد ضرب و شتم قرار دهند و از خانه بیرون کنند آیا پدر می تواند آنان را از ارث محروم و اموال و دارایی خود را به یکی از ورثه هبه کند و یا وقف امام حسین (ع) کند؟

ج : پدر می تواند وقف یا هبه کند اما این وقف و هبه باید منجز باشد نه این که معلق و موکول به مرگ واهب و واقف باشد اما اگر وقف و هبه معلق به مرگ واهب و واقف شد. هبه و وقف بدل به وصیت می شود و هبه تنها در ثلث آن نافذ است و وقف باطل است.

س : ۱۷۱۳ - شخصی بدون تعیین وصی فوت می کند و فرزندان صغیر و کبیری دارد آیا فرزندان کبیر او می توانند مخارج کفن و دفن و دیون میت را از ماترک او جدا کنند؟

ج : اول باید با مراجعه به حاکم شرع برای صغار قیم تعیین نمایند (اگر میت وصی نداشته باشند) بعد از آن قیم و فرزندان کبیر مخارج کفن و دفن و دیون میت را از ماترک او جدا کنند.

س : ۱۷۱۴ - آیا شوهر از مهریه زن خود ارث می برد؟

ج : مرد از تمام ماترک همسرش و از جمله مهریه ارث می برد.

س : ۱۷۱۵ - آیا زن از چاه عمیق، آب، وسایل و امکانات آن ارث می برد؟

ج : از وسایل و ابزار و آب چاه عمیق ارث می برد.

س : ۱۷۱۶ - زنی مدت ۲۰ سال مانند یک کارگر در خانه شوهرکار نموده و زحمت می کشد، بعد از فوت شوهر اگر ادعا کند که من در خانه شوهرم به قصد اجرت

کارکرده ام این سخن از او مسموع است؟

ج : اگر به قصد تبرع و رایگان در خانه شوهرکار نکرده باشد حق اجره المثل کار خود را دارد و چون تعیین اجره المثل مشکل است باید با همسرش مصالحه نموده و رضایت او را بگیرد.

س : ۱۷۱۷- شخصی فوت می کند و وراثش عبارتند از: همسر، چند نوه پسری و دختری، همسر چه مقدار ارث می برد؟

ج : زن یک هشتم از مال شوهر ارث می برد، از زمین ارث نمی برد ولی از قیمت بنا ارث می برد.

س : ۱۷۱۸- اگر دو تن از وراث بدون اجازه سایر وراث، مال الارث را تقسیم نمایند صحیح است؟

ج : باطل است.

س : ۱۷۱۹- اگر زن غیر از شوهر و شوهر غیر از زن وراث دیگری نداشته باشد ارثیه آنها چه حکمی دارد؟

ج : تمام اموال زن به شوهرش، فرضاً و ردا منتقل می شود، اما یک چهارم از اموال منقول و قیمت بناء و اشجار به زن ارث می رسد و باقی اموال شوهرش به حاکم شرع واگذار می شود.

س : ۱۷۲۰- آیا زن از دینه شوهر ارث می برد و اگر دینه شوهر زمین باشد، زن از عین زمین ارث می برد یا از قیمت آن؟

ج : از دینه شوهر ارث می برد و اگر دینه زمین باشد زن از عین زمین ارث می برد.

س : ۱۷۲۱- شخصی زمینش را به بیع الشرط می فروشد و قبل از پایان خیار فوت می کند و از او یک پسر باقی می ماند آیا همسر فرد متوفی حق خیار فسخ دارد؟

ج : زن از حق خیار فسخ همسرش ارث می برد اگر راضی به معامله شد از قیمت زمین ارث می برد و اگر معامله را فسخ کرد از زمین ارث نمی برد.

س : ۱۷۲۲- شخصی فوت می کند، اموال و ماترکش در اختیار بعضی از وراثش قرار می گیرد. اما بعضی دیگر از وراث او تا هنگام مرگ شان ادعای مال الارث نمی کنند، ولی بعد از فوت آنها ورثه شان دعوی ارث می کنند، چنین دعوی از سوی آنها صحیح است؟

ج : اگر رضایت ورثه و اسقاط حق آنها یا اعراض از ارثیه اثبات نشود، ورثه وارثین حق مطالبه اموال مورث شان را دارند.

س : ۱۷۲۳- اگر شخص مقتول به غیر از برادر مادری و دایی و خاله وارث دیگری نداشته باشد، از دیه مقتول ارث می برند؟

ج : ارث نمی برند، دیه مقتول متعلق به حاکم شرع است که در هر کجا صلاح دید مصرف کند.

س : ۱۷۲۴- شخصی عمدا کسی را به قتل می رساند و مقتول وارثی ندارد، حکم شرعی قصاص است یا دیه؟ و اگر قاتل محکوم به پرداخت دیه شود دیه در چه راهی مصرف می شود؟

ج : به حاکم شرع مراجعه می شود و حاکم می تواند اخذ دیه کند و در هر موردی که صلاح داند مصرف می کند.

س : ۱۷۲۵- اگر شخصی با زنی ازدواج موقت نماید و مدت را مادام العمر قرار دهد. اولاً: این عقد موقت است یا دائمی؟ و ثانیاً: با بخشیدن از طرف زوج زوجیت بهم می خورد؟ و ثالثاً: زوجین از همدیگر ارث می برند؟

ج : احوط این است که عقد را دائمی انجام دهد، و اگر مدت را صد سال و مادام العمر بگذارند، باید از هر جهت احتیاط را مراعات نمایند، مانند شرط

توارث و نفقه و اگر از همدیگر جدا شوند بین هبه مدت و طلاق جمع کند.

س : ۱۷۲۶ - اشتراط توارث (از همدیگر ارث بردن) در ضمن عقد موقت از سوی زوجین صحیح است؟

ج : در صورتی که اشتراط ارث در ضمن عقد لازم باشد از همدیگر ارث می برند.

س : ۱۷۲۷ - آیا وراث میت از حقوق او مانند حق فسخ، حق تجبیر و...مانند اموال او ارث می برند؟

ج : ارث می برند.

س : ۱۷۲۸ - شخصی بعد از فروش خانه اش و قبل از پایان خیار فسخ از دنیا می رود، یکی از فرزندانش بعد از مرگ پدری را فسخ می کند و دو فرزند دیگرش به بیع راضی و آن را امضاء می کنند، حکم شرعی چیست؟

ج : اگر همه وراث به فسخ توافق کنند حق فسخ دارند، ولی هر یک به تنهایی حق فسخ ندارد.

س : ۱۷۲۹ - شخصی چند سال است که از منزل خارج شده و در یکی از مناطق جنگی ناپدید شده است، و در زمان ناپدید شدن این شخص پسرش از دنیا می رود و تنها یک مادر دارد، اگر تقدم یا تأخر فوت پدر نسبت به فوت پسر بعداً معلوم شود و یا معلوم نشود، حکم ارث زن در هر دو صورت چگونه است؟

ج : تا زمانی که فوت پدر احراز نشود تصرف در اموال او به عنوان ارث جایز نیست، بعداً اگر فوت پدر قبل از مرگ پسر احراز شود تمام اموال میت به مادر پسر تعلق می گیرد، و اگر مرگ پدر بعد از فوت پسر بوده باشد زن یک چهارم از اموال منقوله را ارث می برد.

س : ۱۷۳۰ - آیا از زمینی که در آن خانه ساخته شده و جزء خانه حساب می شود زوجه

ارث می برد؟

ج : ارث نمی برد.

س : ۱۷۳۱ - اگر هنگام فوت شوهر میوه های درخت به طور کامل نرسیده باشد، زن از این میوه های نارس ارث می برد؟

ج : اگر آن میوه ها ارزش داشته باشد زن از عین آن ارث می برد.

س : ۱۷۳۲ - اگر زن در زمان فوت شوهرش حامله باشد، و به حمل روح دمیده شده باشد، ولی بعدها مرده سقط کند، این بچه از اموال پدرش ارث می برد؟

ج : اگر بچه مرده به دنیا بیاید ارث نمی برد.

س : ۱۷۳۳ - اگر بعضی از وراثت غایب باشند و یا حاضر باشند ولی حاضر به تقسیم ترکه نباشند، آیا سایر وراثت می توانند ترکه میت را بین خود تقسیم نمایند؟

ج : اگر غیبت بعضی از وراثت طولانی باشد و یا حاضرین، حاضر به تقسیم ارثیه نباشند، باید با اجازه حاکم شرع و یا نایب او ترکه میت بین وراثت تقسیم شود.

س : ۱۷۳۴ - وکیل مجتهد جامع الشرايط در امور حسبيه، می تواند اموال اطفال صغار را بین شان تقسیم کند؟

ج : اگر صغار ولی و قیم نداشته باشد و میت نیز کسی را وصی تعیین نکرده باشد، وکیل مذکور می تواند اموال صغار را تقسیم کند.

س : ۱۷۳۵ - ورثه از چه حقوقی به غیر از اموال میت ارث می برند؟

ج : از حق خیار، حق تحجیر و مانند آن ارث می برند.

س : ۱۷۳۶ - شخصی وصیت کرده است که مبلغ دو صد هزار تومان در امور خیریه برای خودش مصرف شود و مبلغ صد و پنجاه هزار تومان به فرزند کوچکش و صد هزار تومان به فرزند بزرگش داده شود و سایر اموالش بین وراثت تقسیم

شود، اگر تمام اموال میت یک میلیون تومان باشد و سایر ورثه زاید بر ثلث را امضاه نکنند، ثلث میت چگونه توزیع می شود؟

ج : در امور خیریه میت مبلغ ۱۴۸۱۴۸ تومان اختصاص داده می شود برای فرزند کوچک مبلغ ۱۱۱۱۱۱ تومان اختصاص داده می شود. برای فرزند بزرگ مبلغ ۷۴۰۷۴ تومان اختصاص داده می شود.

س : ۱۷۳۷ - آیا زن از محصولات سیب زمینی و هویج که در موقع فوت شوهرش هنوز برداشت نکرده اند، و یا گندم های که به سنبل نرسیده و چمن ها و علوفه حیوانات و کود آنها ارث می برد؟

ج : از تمام آنچه در سوال ذکر شده است زن ارث می برد.

س : ۱۷۳۸ - آیا زن از امتیاز آب، برق و تلفن مربوط به شوهر ارث می برد.

ج : اینها مثل بناء خانه است و از قیمت اینها ارث می برد.

س : ۱۷۳۹ - اگر شخصی مبلغی را در بانک برای انجام حج عمره واریز کرده باشد و قبل از رسیدن موعد حج فوت کند آیا زنش از آن مبلغ ارث می برد؟

ج : اگر برای انجام حج و عمره مستحبی آن مبلغ را ذخیره کرده باشد، آن مبلغ به ورثه تعلق می گیرد و زن یکی از وراث می باشد و به اندازه سهم خود ارث می برد.

س : ۱۷۴۰ - شخصی در زمین پدرش درختانی را غرس می کند ولی قبلا پدرش از دنیا می رود این درخت ها مال کیست؟

ج : اگر درختان مال پسر بوده است و غرس کرده است، مالک درختان نیز پسر است، و بعد از فوت پسر درختان متعلق به ورثه می شود و اگر درختان مال پدر بوده است و پسر غرس کرده است مالک درختان نیز پدر است، و پسر مستحق اجره المثل است، در صورتیکه به قصد اجرت غرس کرده باشد.



س : ۱۷۴۱ - شخصی یک پسر و چند دختر دارد، زمین های خود را سه قسمت می کند. دو بخش آن را به یکی از نوه های خودش هبه می کند و بخش دیگر را به پسرش هبه می کند، و دخترانش را از زمین محروم می سازد ولی شرط می کند که تا زمانیکه خودش زنده است دو بخش از زمین مال خودش باشد. بعد از چند سال پسر این شخص فوت می کند. و بعد از پسر پدر فوت می کند. آیا دختران او از این زمین ها ارث می برند؟

ج : هر مقدار از زمین را که هبه کرده است و موهوب له آن را در زمان حیات و اهب قبول و قبض کرده باشد هبه نافذ است، و کسی دیگر در آن زمین حق ندارد. اما اگر و اهب قبل از قبض و اقباض شرط کند که تا زنده هستم دو بخش زمین مال خودم باشد. این درحقیقت همان وصیت است نه هبه که در این صورت تا مقدار ثلث نافذ است و زائد بر ثلث متوقف به اجازه ورثه است و اگر اجازه ندادند دوثلث زمین بین تمام وراثت اعم از پسر و دختر طبق قانون میراث تقسیم می شود.

س : ۱۷۴۲ - شخصی مدت ۶ سال است که مفقودالایر است و تمام جاهایی را که احتمال وجود او در آنجاها بوده است تفحص کرده اند ولی خبری از او نیست، آیا می شود اموال او را بین وراثت تقسیم کرد؟

ج : تا ۱۰ سال انتظار بکشند، اگر خبری از مرگ و زندگی او نشد، اموالش را طبق قانون ارث تقسیم نمایند.

س : ۱۷۴۳ - اگر مرد در ضمن عقد نکاح یا عقد لازم دیگری شرط کند که همسرش از وی ارث نبرد این شرط لازم است؟

ج : شرط مذکور باطل است ولی مبطل عقد نیست.

س : ۱۷۴۴ - شخصی از مال الارث که مشترک بین چند نفر دیگر است، بدون اجازه

دیگران زمین یا جنس دیگری می‌خرد، وارثین حق مطالبه مال الارث را دارند یا زمینی را که شریکشان خریده‌اند؟

ج : اگر وارثین معامله را امضاء کرده باشند در زمین یا جنس خریداری شده شریک می‌باشند، اگر معامله را امضاء نکنند، عین مال خود و یا مثل و قیمت آن را حق دارند بگیرند.

س : ۱۷۴۵- اگر خانمی فوت کند و از او یک نوه و یک خواهر و شوهر باقی بماند اموال او چگونه تقسیم می‌شود؟

ج : یک چهارم سهم شوهر و سه چهارم مال نوه می‌باشد و خواهرش میراث نمی‌برد.

س : ۱۷۴۶- شخصی فوت می‌کند. یک پسر و دو دختر دارد، دختران سهم الارث خود را نگرفته‌اند، ماترک پدر در اختیار پسر قرار گرفته است، هنگام فوت مثلاً پنج صد هزار افغانی کامل ماترک پدر بوده است. و در اثر تجارت پسر اکنون سرمایه زیاد شده است. و دختران ادعای میراث پدر دارند آیا از اصل اموال که پنجصد هزار افغانی است ارث می‌برد یا هم از اصل و منافع؟

ج : اگر اموال بین پسر و دختران مشترک باقی مانده است، اصل و منافع مال مشترک است، اما اگر پسر با اذن خواهران روی اصل سرمایه کار کرده باشد و خواهران گفته باشند که منافع آن مال خودت باشد و دختران در اصل سرمایه شریک اند نه منافع، و اگر به شرط اشتراک در منافع اذن داده باشند باز اصل و منافع مشترک است، ولی برادر حق اجره المثل را از اصل و منافع مال دارد. اگر تبرعاً (رایگان) کار نکرده باشد.

س : ۱۷۴۷- شخصی فوت می‌کند و زنش حامله بوده است، یک ماه پس از فوت شوهر طفل به دنیا می‌آید اما در هنگام ولادت زنده بودن طفل مشکوک است.

معلوم نیست که آیا طفل قبل از ولادت و در شکم مادر و یا در حین ولادت و یا بعد از ولادت مرده است، ولی افراد حاضر در لحظه ولادت می گویند بچه مرده به دنیا آمده است، آیا حمل هم ارث می برد؟

ج : اگر طفل زنده متولد شود ارث می برد، اگر مرده متولد شود ارث نمی برد، اگر چه طفل در زمان حیات پدر در شکم مادر زنده بوده باشد و در فرض سوال به دلیل مشکوک بودن حیات طفل در زمان ولادت و شهادت شاهدان عینی بر مرده متولد شدن طفل، ارث نمی برد و اگر این شخص فرزندی نداشته باشد، زن یک چهارم از مال شوهر ارث می برد و اگر فرزند داشته باشد (اگر چه از همسر دیگر) سهم زوجه از ارث یک هشتم است.

س : ۱۷۴۸ - زوجه شخص متوفای همه ساله یک هشتم از میوه های درختان همسر متوفای خود را به عنوان سهم الارث می برد و حاضر به گرفتن قیمت درختان نیست، اولاً: این درختان به عنوان میوه دار قیمت گذاری می شوند یا درختان قطع شده؟ و ثانیاً: زن حق امتناع از فروش درختان و گرفتن قیمت را دارد؟ در صورت داشتن حق امتناع، همه ساله حق دارد که یک هشتم از میوه های درختان را ببرد؟ و ثالثاً: این زن مالک قیمت یک هشتم زمان فوت شوهر است یا مالک قیمت امروز؟

ج : اگر هنگام فوت شوهر، درختان دارای میوه بوده است، زن از عین میوه همان سال نیز یک هشتم ارث می برد، اما از میوه های سال بعد ارث نمی برد، و چنانچه ورثه میت رضایت ندهند، هر چه را که برده است باید قیمت آن را به ورثه برگرداند. و اگر ورثه در آن زمان قیمت اشجار و خانه را به زن نداده باشند و زن حاضر به گرفتن قیمت نبوده است، اکنون باید قیمت همان زمان را بدهند نه قیمت امروز را و درختان نیز به عنوان درختان میوه دار و با فرض بقاء

در روی زمین به قیمت آن روز قیمت می شود (نه به عنوان درختان قطع شده) و نیز زن حق امتناع از گرفتن قیمت و امتناع از فروش درختان را ندارد، زیرا مالک یک هشتم خود درختان نیست تا اختیار فروش داشته باشد، بلکه مالک یک هشتم از قیمت درختان است.

س : ۱۷۴۹- اگر زن حامله با حملش در اثر تصادف بمیرند از همدیگر ارث می برند؟

ج : از همدیگر ارث نمی برند.

س : ۱۷۵۰- اگر زن طلاق خلعی بگیرد و در بین عده یکی از زوجین فوت کند از همدیگر ارث می برند؟

ج : ارث نمی برند، اما اگر طلاق رجعی باشد ارث می برند.

س : ۱۷۵۱- زنی از شوهر خودش بچه دار نمی شود، اما از طریق تزریق منی مرد بیگانه در رحمش بچه دار می شود، آیا این بچه از این زن و شوهر ارث می برد؟

ج : البته این کار حرام است ولی اگر این کار را کرده اند، مادر با این بچه از همدیگر ارث می برند. اما شوهر زن با این بچه از همدیگر ارث نمی برند.

س : ۱۷۵۲- پدر زمین های خود را بین فرزندان تقسیم می کند، اما نسبت به تملیک، یا هبه یا اباحه در تصرف چیزی اظهار نمی کند، آیا این تقسیم موجب ملکیت است یا بعد از فوت پدر دوباره باید تقسیم شود؟

ج : اگر تقسیم و واگذاری به این عنوان بوده است که بعد از مردن ملک آنها بشود، این تملیک نیست بلکه در واقع وصیت تملیکیه می باشد و اگر قسمت ها مساوی باشد یا زیادی بیش از ثلث نباشد نافذ است، ولی اگر پدر بعدا ادعا کند که من تملیک نکرده ام حرفش پذیرفته است.

س : ۱۷۵۳- اگر پدری چندین دست لباس، یا چندین جلد قرآن کریم و چندین عدد انگشتر که همه گران قیمت اند داشته باشد همه از پسر بزرگ است؟

ج : لباس های مستعمل و استفاده شده میت و یا لباس هایی که آماده پوشیدن میت بوده است به پسر بزرگ می رسد، اگر چه متعدد باشد، اما در مصحف و انگشتر اگر بیشتر از یکی باشد احوط این است که بین همه وراث با مصالحه تقسیم شود یا با رضایت بقیه به پسر بزرگ برگردد، و نیز اگر انگشتر از اشیاء قیمتی مانند الماس و نوحوان باشد.

س : ۱۷۵۴- آیا دیه جزء ماترک مقتول است و بین وراث تقسیم می شود و اگر میت مقتول وصیت به ثلث کرده باشد شامل ثلث دیه خود مقتول هم می شود؟

ج : جزء ترکه است و بین وراث تقسیم می شود مثل سایر ترکه و همچنین وصیت به ثلث شامل ثلث دیه نیز می شود، ولی از دیه خویشان مادری چه خواهران و چه برادران و اولاد ایشان ارث نمی برند.

س : ۱۷۵۵- زنی در اثر تصادف فوت می کند وارثش پدر و شوهرش هستند. شوهر مدعی است که من مبالغی را در مراسم فاتحه و ختم قرآن مصرف کرده ام، اول باید مصارف را از دیه بردارم بعد دیه را با پدر زنم تقسیم می کنم آیا شوهر چنین حقی دارد؟

ج : بدون رضایت پدر زن خود حق برداشتن را ندارد.

س : ۱۷۵۶- شخصی زمینی را خریده است و در هنگام خرید گفته است که این زمین از دو فرزند کوچکم است، اما ۲۰ سال بعد فوت کرده است ولی مجدداً و بخصوص در هنگام فوت چیزی در این مورد اظهار نکرده است، با توجه به اینکه فرزندان کوچک چهار نفر شاهد برگفته پدر خود در هنگام خرید زمین دارند، فرزندان دیگر در آن زمین سهم دارند؟

ج : اگر در زمان گفته پدر آن دو فرزندش صغیر بوده اند، زمین ملک همان دو صغیر شده است و اگر بالغ بوده اند، در صورتی ملک آن دو شده است که پدر

هبه کرده باشد و آن دو قبول و قبض کرده باشند و سایر فرزندان از بقیه اموال پدر ارث می برند.

س : ۱۷۵۷- شخصی می میرد و یک دختر بجایش باقی می ماند، دختر شوهر می کند و صاحب فرزند می شود، بعد از مدتی زن و فرزندش هر دو فوت می کنند. اما یک نوه از آن زن باقی می ماند و یک برادر مادری نیز دارد ارث به که تعلق می گیرد؟

ج : میراث به نوه آن زن تعلق می گیرد.

س : ۱۷۵۸- زنی که سهم الارث خود را از اموال شوهرش نگرفته است، پرداخت حق اوبه عهده کیست؟

ج : اگر میت وصی دارد باید وصی از ترکه میت اخراج کند و اگر وصی ندارد، ورثه کبار به اذن حاکم شرع پرداخت کنند.

س : ۱۷۵۹- شخصی فوت می کند و از او یک نوه و سه فرزند بجا می ماند، نوه ادعا دارد که پدر بزرگم تمام زمین ها را به من هبه کرده است و شاهدان بر هبه نیز از دنیا رفته اند حکم چیست؟

ج : با وجود فرزند نوه ارث نمی برد، اگر هبه با بیّنه شرعی ثابت نشده باشد، هبه ثابت نیست.

س : ۱۷۶۰- شخصی فوت می کند و وراثت عبارتند از: یک برادر و خواهر پدري و مادری و دو برادر و یک خواهر مادری و یک همسر بدون فرزند، و وصیت کرده است که یک سوم اموال در واجبات و مستحبات من مصرف شود، حالا آن دو ثلث دیگر چگونه بین وراث مذکور تقسیم می شود؟

ج : یک ثلث از دو ثلث به دو برادر و یک خواهر مادری داده می شود و یک چهارم از دو ثلث به همسر داده می شود، و باقیمانده مال به برادر و خواهر پدري و مادری داده می شود.

س: ۱۷۶۱- اگر زنی فوت کند و وارثی غیر از شوهر نداشته باشد، آیا تمام میراث به شوهر می رسد؟ و اگر شوهر قبل از او بمیرد به که می رسد؟

ج: اگر زن وارثان بعیدی مانند نوه عمو، نوه خالو، عمه و نوه خاله نداشته باشد، تمام ترکه ا و مال شوهرش می شود، و اگر شوهرش زودتر از خودش بمیرد ترکه مال امام (علیه السلام) است و به حاکم شرع داده شود.

س: ۱۷۶۲- اگر بعضی از وارثین میت صغیر باشند اموال میت تقسیم می شود؟

ج: صغیر بودن بعضی از وارثین مانع از تقسیم ترکه نمی شود:

س: ۱۷۶۳- گاه وارثین بعد از اخراج ثلث میت، بقیه اموال را مشترکا استفاده می کنند و چه بسا در بین وارثین افراد صغیر نیز وجود دارند، آیا تصرف در اموال مشترک به این صورت جایز است؟

ج: تصرف وراث در اموال مشترک بین صغیر و کبیر بخاطر متضرر شدن صغار جایز نیست، باید اول حصه صغار را جدا نمایند و بعد از آن وراث کبار با تراضی به هر نحوه بخواهند می توانند تصرف نمایند.

س: ۱۷۶۴- شخصی زمین خود را به بیع خیاری می فروشد و قبل از پایان مدت خیاری فوت می کند و دیونی نیز دارد، یکی از وارثین همسرش است. آیا قیمت زمین فروخته شده (که میت آن را در زمان حیات خود گرفته بود) نیز مانند دیون میت اول از ترکه استثناء می شود، بعد ترکه بین وراث تقسیم می شود؟

ج: ترکه به شمول قیمت زمین تقسیم می شود و استثناء نمی شود، بعد از تقسیم اگر وراث خواستند فسخ کنند، از سهمیه خود باید قیمت را برگردانند. اما حق خیاری به همه وراث از جمله زوجه منتقل می شود. اگر همسر به فسخ راضی نشود سایر وراث حق فسخ ندارند و راه حل این است که فرزندان و سایر وراث میت از مال شخصی خود به مقدار سهمیه زوجه به او بدهند، و او آنها را در فسخ

وکیل بگیرد. وقتی فرزندان اعمال خیار کردند زمین ملک آنها می شود.

س : ۱۷۶۵ - شخصی بعد از فوت مبلغ نود هزار افغانی به ارث می گذارد. وصیت به ثلث هم کرده است. و از طرفی بدهکاری هم دارد. ماترک این شخص چگونه تقسیم می شود؟

ج : اول دین میت اداء می شود و بعد از آن ثلث برای عمل به وصیت کشیده می شود و بقیه بین ورثه تقسیم می گردد در سوال مذکور اگر دین مثلا ۱۵ هزار باشد اول مقدار دین کشیده می شود، ۲۵ هزار ثلث باقیمانده در موارد وصیت مصرف می شود و ۵۰ هزار بین وراثت تقسیم می شود.

س : ۱۷۶۶ - وجوهات شرعیه مانند خمس، زکات، کفارات و نذورات که به عهده میت است از اصل ترکه جدا می شود یا از ثلث؟

ج : اگر وصیت کرده باشد که واجبات مذکور از ثلث مالم داده شود، از ثلث پرداخت می شود. اگر برای ثلث مصارف دیگری را تعیین کرده باشد، وجوهات مذکور از اصل ترکه داده می شود، به جزء کفارات، عهده و نذر که از ثلث داده می شود.

س : ۱۷۶۷ - اگر فرزندی از پدرش بخواهد که در زمان حیات خود، فلان زمین یا فلان خانه را مثلا به عنوان سهم الارث به من واگذار کن، و بعد از فوت شما چیزی از میراث شما نمی خواهم این صحیح است؟

ج : اگر پدر زمین یا خانه مذکور را در زمان حیات خود به پسرش بدهد. عنوان هبه دارد نه میراث، ولی پدر می تواند این هبه را مشروط کند به عدم مطالبه میراث که اگر بعداً مطالبه میراث نماید سایر وراثت می توانند هبه را فسخ نمایند. اگر چنین شرطی نکند پسر بعد از قبول و قبض در زمان حیات پدر عین موهوبه را مالک می شود و بعد از فوت پدر حق مطالبه میراث دارد.



س : ۱۷۶۸- زنی که حامله است از شوهر متوفای خود چه مقدار ارث می برد؟ آیا حمل او نیز ارث می برد؟

ج : اگر میت از این زن یا از زن دیگری فرزندی داشته باشد زوجه یک هشتم ارث می برد و اگر فرزند نداشته باشد، فعلاً یک هشتم به او داده می شود. دو سهم نیز احتیاطاً کنارگذاشته می شود که اگر در آینده دو پسر به دنیا آمد (دو قلو) به آن دو داده می شود و اگر یک پسر یا یک دختر به صورت دوقلو یا به تنهایی به دنیا آمدند از آن دو سهم کنارگذاشته شده به او داده می شود و باقیمانده آن بین همه وراثت تقسیم می شود اما اگر در آینده حمل مرده به دنیا آمد (و میت فرزند دیگری هم نداشته باشد) زوجه یک چهارم ارث می برد و دو سهم کنار گذاشته شده نیز بین وراثت تقسیم می شود.

س : ۱۷۶۹- اگر با آزمایشات و دستگاههای جدید مشخص شد که یک بچه در شکم زن حامله متوفی است آن هم پسر است یا دختر آیا باز واجب است که سهم دو پسر کنارگذاشته شود؟

ج : چنانچه اطمینان حاصل شود جدا کردن سهم دو پسر واجب نیست.

س : ۱۷۷۰- زوجه میت از همه اموال و ماترک میت ارث می برد؟

ج : از زمین مطلقاً ارث نمی برد چه مزروعی و چه غیر مزروعی و چه غیر آن حتی از زمینی که در آن خانه ساخته شده است. اما از قیمت بناء خانه و از قیمت درختان و دیگر اموال منقول ارث می برد، البته اگر زن دائمی باشد. اما اگر با ازدواج موقت همسر او شده باشد از هیچ چیز ارث نمی برد.

س : ۱۷۷۱- زن مقتول از دية شوهر مقتول خود ارث می برد. و آیا در مصارفی که برای میت از مصارف واجبی و مستحبی می شود، بین دية میت و بقیة ترکه فرق است؟

ج : هیچ فرقی بین سایر ترکه و دية میت در این امور وجود ندارد.

## احکام حدود

س : ۱۷۷۲- مردی، زن شوهرداری را فراری می دهد و مدتی هم با او زندگی می کند. یادآوری می شود که مرد ازدواج کرده است و زن دارد - آیا بر مرد و زن یاد شده، حد زنا جاری می شود یا تعزیر می شوند؟

ج : تا وقتی که اقرار به زنا نکرده باشند و شهود بر زنا آنان شهادت ندهند زنا ثابت نمی شود و حد زنا جاری نمی شود. اگر چه مستحق تعزیر هستند.

س : ۱۷۷۳- زن و پسر نابالغی مرتکب زنا می شوند از نظر شرعی چه حکمی دارند؟

ج : پسر نابالغ تعزیر می شود. اگر از بلوغ چندین سال فاصله دارد کمتر و اگر نزدیک به بلوغ است بیشتر تازیانه زده می شود. زن صد تا تازیانه زده می شود اما رجم نمی شود.

س : ۱۷۷۴- پسری با پسر نابالغ مرتکب عمل شنیعی می شده است. پسر نابالغ در هنگام انجام عمل برای اولین بار انزال می کند، این عمل شنیع چندین بار تکرار می شود. از نظر شرعی چه حکمی دارند؟

ج : پسری که تازه برای اولین بار انزال کرده است معنایش این است که به حد بلوغ رسیده است بنابراین اگر هر دو تا فاعل و مفعول بوده اند کشته می شوند ولی اگر تازه بالغ بعد از بلوغ مفعول واقع نشده صد تازیانه زده می شود و پسر بالغ کشته می شود.

س: ۱۷۷۵- مردی با زنی زنا می کند و زن ادعا می کند که شوهر ندارد و مرد هم می داند که زن با مردهای دیگر هم این عمل را مرتکب می شود. از نظر شرعی

چه حکمی دارند؟

ج : اگر زانی و زانیه، زن و شوهر داشته باشند سنگسار می شوند و اگر نداشته باشند صدتا تازیانه زده می شوند.

س : ۱۷۷۶ - مردی با زن شوهر داری متهم به زنا می شوند و سه نفر شهادت می دهند که مرد و زن یاد شده را در فلان جا دیده اند. مرد مدتی زندانی و بعد تبعید می شود و پس از پایان تبعید به محل زندگی خود برمی گردد اما شوهر زن متهم با اجازه حوزه مرد را به قتل می رساند: ۱- آیا زنا با شهادت سه نفر ثابت می شود؟ ۲- آیا ورثه مقتول حق قصاص یا گرفتن دیه از قاتل دارد؟

ج : ۱- زنا با شهادت سه نفر ثابت نمی شود و اگر مقتول اقرار به زنا نکرده باشد، بر سه شاهد یاد شده حد قذف جاری می شود. ۲- ورثه مقتول حق دارند قاتل را قصاص یا قصاص را بدل به دیه کنند.

س : ۱۷۷۷ - مردی متهم به زنا می شود و مورد ضرب و جرح و شتم قرار می گیرد. تعدادی از مردم به جای صدتا تازیانه که به مرد زده شود مبلغی را از او می گیرند و به شوهر زن می دهند آیا گرفتن مبلغ یاد شده برای شوهر زن جایز است و آیا ضرب و جرح متهم دیه دارد؟

ج : عمل شنیع زنا تا ((کالمیل فی المکحله)) چنانکه در کتب فقهی تعبیر شده است دیده نشود حد ندارد و گرفتن پول از متهم جایز نیست. ضرب و جرح متهم دیه دارد اما اگر متهم بدون اجازه صاحب خانه وارد خانه اش شده باشد به امر حاکم شرع تعزیر می شود.

س : ۱۷۷۸ - مردی به دختر نابالغی تجاوز و او را افضا می کند. دیه دختر چه اندازه است؟

ج : باید دیه کامل یک زن را به دختر بدهد و احوط این است که نفقه دختر را هم بدهد تا وقتی که دختر زنده است.

---

## احکام مرتد

س : ۱۷۷۹ - کسانی که ادعای مسلمانی دارند اما شریعت اسلام را قبول ندارند چه حکمی دارند؟

ج : اگر منکر ضروریات اسلام باشند یعنی تشریح نماز و... را قبول نداشته باشند مرتد به حساب می آیند و اگر قبول داشته باشند اما نماز نخوانند فاسق به حساب می آیند ولی مرتد نیستند.

س : ۱۷۸۰ - کسانی که در هنگام عصبانیت و خشم، دین و آیین و کتاب مسلمان دیگری را دشنام و فحش می دهند چه حکمی دارند؟

ج : اگر در حال عصبانیت از حال طبیعی خارج شوند و دشنام بدهند ارتداد به حساب نمی آید.

## احکام قصاص

س : ۱۷۸۱- کسی درخت دیگری را قطع می کند. در بین صاحب درخت و کسی که درخت را قطع کرده است درگیری ایجاد می شود و یکی با چاقو و دیگری با آلت قتاله به جان همدیگر می افتند و سرانجام کسی که درخت را قطع کرده است کشته و قاتل در حالی که زخم عمیقی در سر دارد فرار می کند خانواده او به دنبالش از منطقه فرار می کند ورثه مقتول زمین و دارایی قاتل را تصرف می کنند. قاتل پس از یک سال به منطقه برمی گردد و چند نفر را به عنوان مصلح به یک نامه عذرخواهی به خانه ورثه مقتول می فرستد و خواستار فیصله شرعی می شود اما ورثه مقتول می گویند باید زمین خود را به ما بدهد و گرنه ما فیصله را قبول نمی کنیم. قاتل حاضر نمی شود که زمین خود را به ورثه مقتول بدهد و بناچار دوباره از منطقه فرار می کند. وقتی پسر مقتول بزرگ می شود همراه با دو نفر دیگر قاتل را تعقیب و تیراندازی می کنند تیر به دست قاتل اصابت می کند و بعد از آن ضارب (پسر مقتول) فرار می کند. اما توسط مردم دستگیر می شود سرانجام پسر مقتول با پارتی و واسطه زمین قاتل را تقسیم می کند. حکم شرعی این مسأله چیست؟

ج : چون قتل عمد بوده است قاتل قصاص می شود مگر این که ورثه مقتول به دیه رضایت بدهند و اگر ورثه مقتول خواستار قصاص باشند کسی آنان را مجبور به پذیرش دیه نمی تواند چنانکه اگر قاتل به دادن دیه راضی نباشد کسی نمی تواند از او دیه بگیرد. چون قاتل راضی به فیصله شرعی شده است اما ورثه مقتول قبول نکرده است و پسر مقتول بدون حکم شرعی تیراندازی کرده

است باید دیه دست قاتل و همچنین اجرت المثل محصول زمین را در مدتی که تصرف کرده است بدهد بعد از آن یا قاتل را قصاص می کند و یا دیه می گیرد.

س : ۱۷۸۲- کسی از طرف پایگاه جواز حمل اسلحه را دارد. اسلحه اش را در گوشه ای می گذارد و مشغول احوالپرسی با حاضران در اتاق می شود. یکی از حاضران مشغول بازی با اسلحه می شود. صاحب اسلحه هشدار می دهد که خشاب تفنگ پر از گلوله است اما او توجهی نمی کند. سرانجام صدای تفنگ بلند می شود و یکی از حاضران در اتاق کشته می شود آیا این قتل، قتل عمد به حساب می آید و مقصر صاحب اسلحه است یا کسی که با اسلحه بازی کرده است؟

ج : قتل، عمدی نیست و ورثه مقتول حق قصاص کسی را که با تفنگ بازی می کرده است ندارد و باید از او دیه بگیرند. در این ماجرا صاحب تفنگ مقصر نیست. بلکه مقصر کسی است که با تفنگ بازی کرده است.

س : ۱۷۸۳- اگر فرمانده پایگاه به یکی از افراد تحت فرمان خود بگوید فلان مبلغ به تو می دهم به شرط این که فلان کس را ترور کنی البته فرد تحت فرمان در پذیرفتن و نپذیرفتن این فرمان مختار است. در این صورت اگر فرد مورد نظر را ترور کند حکم مباشر و سبب چیست؟

ج : مباشر قصاص و آمر حبس ابد می شود.

س : ۱۷۸۴- اگر کسی در میان دو سنگر کشته شود و کارشناسان نظامی و غیر آنها تایید کنند که تیراندازی از یکی از این دو سنگر شده است و قاتل یکی از این سه - چهار نفر است ((لوث)) تحقیق پیدا می کند؟

ج : بله، لوث تحقیق پیدا می کند.

س : ۱۷۸۵- اگر بعضی از اولیای دم در قتل عمد مادر، خواهر و دختر مقتول باشد حق قصاص دارد؟

ج : بله، می توانند قصاص کنند و در صورت توافق قاتل می توانند از او

دیه بگیرند.

س : ۱۷۸۶- کسی، دیگری را عمداً به قتل می رساند فرار می کند اولیای مقتول اموال قاتل را مصادره می کند آیا بعد از بازگشت قاتل اولیای مقتول حق قصاص دارند؟

ج : اگر اموال مقتول را به قصد و نیت دیه نگرفته باشند حق قصاص دارند و گرفتن اموال کاشف از رضایت به دیه نیست.

س : ۱۷۸۷- اگر قاتل با سه گلوله قصاص و کشته شود اما اولیای مقتول پنج گلوله به او بزنند دوگلوله اضافی چه حکمی دارد؟

ج : اگر ثابت شود که دوگلوله بعد از کشته شدن قاتل به او زده شده است دیه دارد اما دیه اش به ورثه قاتل داده نمی شود بلکه در کارهای خیر و نیکو مصرف می شود و ثوابش به قاتل می رسد.

س : ۱۷۸۸- اگر مسئول پایگاه کسی را مأمور به چوب زدن یا مصادره اموال دیگری بکند و اگر مأمور این دستور را قبول نکند خودش مورد ضرب و شتم و حبس قرار می گیرد در این صورت مسأله سبب و مباشر چگونه است؟

ج : اگر تهدید مسئول پایگاه به چیزی باشد که شدیدتر و دردناک تر از چوب زدن و مصادره اموال باشد مثلاً اگر مأمور چوب نزند یا اموال شخص مورد نظر مسئول پایگاه را مصادره نکند مسئول پایگاه گوش او را می برد یا دست او را می شکند در این صورت مصادره اموال و زدن چوب جایز است و مال مصادره شده را هر که تلف کند ضامن است و زدن چوب اگر باعث کبودی و سیاهی بدن مضروب شود خود ضارب و مأمور پایگاه باید دیه اش را پرداخت کند.

س : ۱۷۸۹- اگر حاکم جابر و ظالم کسی را به کشتن دیگری امر کند و مأمور اگر اطاعت نکند خودش کشته خواهد شد. در این صورت اگر مأمور شخص مورد

نظر حاکم را بکشد چه حکمی دارد؟

ج : مشهور در بین اصحاب (علماء) این است که مأمور اقدام به کشتن شخص مورد نظر حاکم نکند اگر چه خودش در معرض کشته شدن قرارگیرد.

س : ۱۷۹۰- کسی به صورت پنهانی کشته می شود و تعدادی از افراد مومن شهادت می دهند که ما یقین داریم که فلانی قاتل است و وقتی از خود متهم می پرسند درکشتن مقتول تنها بودی یا کس دیگری هم بود راست بگو شاید قصاص نشوی، متهم می گوید (من کس دیگری را شریک جرم خودم نمی دانم هرچه سرنوشت من باشد تحمل می کنم) آیا با شهادت تعدادی از مومنان و اقرار این چنینی متهم، قتل اثبات می شود؟

ج : اگر شهود عادل، شهادت دادند در نزد قاضی و شهادت از روی حس باشد نه از روی حدس و گمان شهادت نافذ است. اما گفتن چنین جملاتی از سوی متهم اگر به عنوان اقرار به قتل عمد بوده باشد قصاص می شود اما اگر اقرار نکرده باشد جملات یاد شده به عرف محول می شود. عرف از آن جملات هرچه فهمید همان می شود.

س : ۱۷۹۱- اگر حاکم شرع یا قاضی منصوب از طرف او نباشد و بیم فرارقاتل هم در میان باشد آیا ورثه مقتول با مشورت و مصلحت علماء و ریش سفیدان منطقه می توانند قاتل را قصاص کنند؟

ج : اگر عمدی بودن قتل ثابت شده باشد می توانند قصاص کنند.

س : ۱۷۹۲- در توضیح المسائل فرموده اید که : (( ورثه مقول حق دارند قاتل را قصاص کنند اما احوط این است که از حاکم شرع اجازه بگیرند)) آیا منظور احتیاط و جویی است یا استحبابی؟

ج : اگر مفسده اجتماعی و اختلال نظام وجود داشته باشد باید با اجازه حاکم شرع قصاص شود البته در صورتی که اجازه گرفتن از حاکم شرع امکان



---

داشته باشد.

س : ۱۷۹۳- اگر مادر کسی پدر او را به قتل برساند آیا پسر می تواند مادر خود را به جرم قتل پدرش قصاص کند؟

ج : بله، می تواند قصاص کند اما گرفتن دیه از مادر بهتر از قصاص است.

## احکام دیات

س : ۱۷۹۳ - اگر مردی زنش را اکراه به انجام زنا با اجنبی بکند و زنا هم تحقق پیدا کند اما چهار- پنج ساعت بعد از آن با آلت قتاله شوهرش را به قتل برساند حکم این زن چیست؟

ج : اگر زن با شهادت چهار نفر شاهد عادل، اکراه خود بر زنا را ثابت کند و ورثه مقتول هم حرف او را تصدیق کند زن آزاد می شود اما اگر ثابت نتواند ورثه می تواند زن را قصاص کنند.

س : ۱۷۹۴ - فقهاء بعضی از دیات و کفارات را با دینار حساب می کنند و یک دینار طلای مسکوی را از نظر وزن هیچده نخود حساب می کند اکنون سوال این است : ۱- آیا عین دینار پرداخت شود یا قیمت آن هم کفایت می کند؟ ۲- چون قیمت طلا به مرور زمان کم و زیاد می شود آیا قیمت روز پرداخت کفایت می کند؟ ۳- آیا تعیین قیمت دینار از سوی صرافان اعتبار دارد؟

ج : ۱- با رضایت اولیای دم و ورثه منقول می تواند قیمت دینار را پرداخت کند. ۲- با رضایت اولیای دم و ورثه مقتول پرداخت قیمت یوم الادا کفایت می کند. ۳- تعیین قیمت صرافان معتبر است.

س : ۱۷۹۶ - اگر شهود شهادت بر قتل خطایی دادند اما تعدادی از اولیای دم ادعای قتل عمدی کردند آیا همین تعداد می توانند از عاقله دیه بگیرند؟

ج : اگر ادعای عمدی بودن قتل را داشته باشند نمی توانند از عاقله دیه بگیرند. بلکه به اندازه سهمیه شان از قاتل بگیرند. البته مصالحه ورثه مقول با قاتل و عاقله احوط است.

س : ۱۷۹۷- اگر ورثه مقتول صغیر باشند اما سرپرست و ولی و قیم داشته باشند یا سرپرست آنان حاکم شرع باشد آیا ولی و قیم و سرپرست صغیر می تواند قاتل را قصاص یا قصاص را بدل به دیه کند؟

ج : ولی و سرپرست شرعی حق قصاص قاتل را ندارد اما اگر مصلحتی باشد می تواند دیه بگیرد یا صبر کند تا صغیر کبیر شود.

س : ۱۷۹۸- تغلیظ دیه در همه ماه های حرام و در همه قتل ها جریان دارد؟

ج : در قتل های عمدی و خطایی و در همه ماه های حرام جریان دارد.

س : ۱۷۹۹- اگر قاتل فرار کند و حکومت وقت اقارب و نزدیکان او را جلب کند و ضرر و زیان مالی متوجه آنان شود آیا آنها حق دارند زیان مالی خود را از قاتل بگیرد؟

ج : اگر دیه مقتول را از نزدیکان قاتل گرفته باشند می توانند آن را از قاتل بگیرند اما خسارات و زیان های غیر دیه را نمی توانند از قاتل بگیرند اگر چه احوط این است که قاتل ضررهای یاد شده را جبران کند.

س : ۱۸۰۰- اگر زن بارداری بمیرد و بچه اش زنده باشد آیا جایز است که شکمش را پاره کنند و بچه را بیرون بیاورند. آیا پاره کردن شکم زن مرده دیه دارد؟

ج : اگر بچه در شکم زن مرده، زنده باشد واجب است که با هر وسیله ممکن بچه را از شکم مادر بیرون بیاورند و پاره کردن شکم مادر دیه ندارد.

س : ۱۸۰۱- اگر کسی، جنینی را که یک ساعت بعد به طور کامل و طبیعی متولد می شود - عمدتاً سقط کند. قصاص می شود یا دیه پرداخت کند؟

ج : بر مسقط دیه واجب است اگر چنین پسر باشد هزار دینار و اگر دختر

باشد پانصد دینار باید پرداخت کند و کسی حق قصاص مسقط راندارد.

س : ۱۸۰۲- اگر دیه به عاقله تعلق بگیرد و آنها پرداخت نکنند یا قدرت پرداخت را نداشته باشند و بیت المال هم در آن کشور نباشد آیا از بیت المال کشور اسلامی دیگر می توان دیه او را تدارک کرد؟

ج : اگر ولی فقیه قدرت پرداخت داشته باشد باید پرداخت کند.

س : ۱۸۰۳- دیه زخم خطایی بر عهده کیست؟

ج : اگر زخم موضعه و زخم طوری باشد که استخوان واضح باشد و دیده شود و بیشتر از آن باشد دیه بر عاقله است و اگر کمتر از آن باشد بر عهده خود جانی و ضارب است.

س : ۱۸۰۴- کسی در جمهوری اسلامی به قتل می رسد. اولیای دم وکیل می گیرند و پدر و مادر مقتول را از افغانستان دعوت می کند آیا حق الوکاله و مصارف سفر پدر و مادر مقتول از دیه داده می شود؟

ج : حق الوکاله از دیه داده می شود اما مصارف سفر داده نمی شود.

س : ۱۸۰۵- اگر کسی سر میت را قطع کند قصاص می شود یا دیه پرداخت کند؟

ج : صد دینار طلای مسکوک دیه دارد که به ورثه داده نمی شود بلکه برای خود میت در کارهای خیر مصرف می شود.

س : ۱۸۰۶- کسی که به خاطر قتل عمد از باب مصالحه به پرداخت دیه محکوم شده است و بخشی از دیه را هم پرداخت می کند بخشی دیگر می ماند و اکنون دوازده سال از این فیصله می گذرد آیا قاتل همان مبلغ باقی مانده (سه میلیون افغانی) را باید بدهد یا ضامن کاهش ارزش پولی افغانی هم است؟

ج : ورثه مقتول حق دارند که کاهش ارزش افغانی را هم از قاتل بگیرند مثلا دوازده سال پیش سه میلیون افغانی چند سیرگندم می شده است اکنون معادل قیمت همان گندم را بگیرند بطور مصالحه.

س : ۱۸۰۷- کودکی بر سر بلندی یا دیواری رفته است کس دیگری بر سر او فریاد می زند و کودک سقوط می کند و دستش از بازو می شکند آیا دیه دارد و اگر دیه دارد ولی کودک می تواند دیه را بگیرد یا ببخشد یا صبر کند تا خودکودک بالغ شود و آیا ولی کودک علاوه بر دیه مخارج بیمارستان و درمان را هم می تواند بگیرد؟

ج : اگر بازوی کودک بدون عیب خوب شود صد دینار طلا دیه دارد. ولی کودک نمی تواند دیه را ببخشد و نمی تواند مصارف بیمارستان را از فریاد زنده بگیرد.

س : ۱۸۰۸- پایگاه محلی دیه مقتولی را کمتر از دیه شرعی تعیین نموده است، ورثه مقتول صغیر است. بعد از بلوغ در صورت عدم رضایت به دیه تعیین شده می تواند دیه کامل را بگیرد؟

ج : پایگاه حق ندارد دیه را کمتر حساب کند، و اگر وکیل حاکم شرع باشد باید دیه را کامل اخذ کند و به ولی یا قیم صغار تسلیم کند. اگر نکرد خود صغار حق دارند بعد از بلوغ باقی مانده دیه را بگیرد.

س : ۱۸۰۹- شخصی دیگری را به قتل می رساند، اگر قاتل بمیرد آیا ورثه مقتولی می تواند از ورثه ای قاتل دیه اخذ کند؟

ج : ورثه مقتول می تواند از ترکه قاتل اخذ کند و اگر مال نداشته باشد از اقارب گرفته می شود الا قرب فالاقرب. باید مراعات شود.

س : ۱۸۱۰- اگر تفنگی غفلتاً شلیک شود و به شخصی اصابت کند یا مجروح شود و یا کشته شود حکمش چیست؟

ج : دیه آن بر عاقل است.

س : ۱۸۱۱- اگر پسری در اثر ارتکاب جرمی محکوم به پرداخت دیه گردد. اما فرار کند، یا از پرداخت دیه امتناع ورزد، آیا مجنی علیه یا ورثه اش می تواند از پدر جانی دیه را مطالبه کند؟

ج : اگر پسرقتل عمد مرتکب شود و فرار کند در صورتیکه مال دارد دیه

از مال وی پرداخت می شود و اگر مال ندارد، از پدرش گرفته می شد.

س : ۱۸۱۲ - زنی که وارث غیر از پدر و شوهر ندارد دیه اش چگونه تقسیم می شود؟

ج : بطور مساوی و مناصفه بین شوهر و پدر تقسیم می شود.

س : ۱۸۱۳ - زنی در اثر تصادف کشته می شود و شوهرش به همین جهت مدتی بیکار می شود، آیا شوهر می تواند خسارت بیکاری خود را از دیه عیال خود بردارد؟

ج : نمی تواند بردارد.

س : ۱۸۱۴ - شخصی در اثر تصادف کشته می شود، قاتل محکوم به پرداخت دیه می گردد، وارثین عبارتند از: پدر، مادر و دختر صغیره، آیا پدر حق دارد مبلغی از دیه را به قاتل ببخشد؟

ج : سهم خود را می تواند ببخشد.

س : ۱۸۱۵ - اگر میتی را کالبد شکافی نمایند و عضوی از بدن او را بردارند و در عوض به ورثه دیه پرداخت نمایند، آیا دیه نیز جزء ماترک میت و مال ورثه است؟

ج : در جهت امور خیریه برای خود میت مصرف می شود، بین ورثه تقسیم نمی شود.

س : ۱۸۱۶ - آیا وراثت مقتول علاوه بر دیه حق گرفتن مصارف تجهیز و تکفین میت و فاتحه را از قاتل دارد؟

ج : غیر از دیه حق گرفتن سایر مصارف را ندارد.

## سؤالات تخصصی

بسمه تعالی

#مجموعه ای از سؤالات تخصصی که توسط مرکز تحقیقات فقهی امام خمینی (ره) در سال (۱۳۷۸) از معظم له شده است و ایشان جواب مرقوم فرمودند ضمیمه این استفتائات می شود و در اختیار محققان و صاحب نظران قرار می گیرد.





## احکام حدود

س : ۱ - در مورد صغار و مجانین که مورد ضرب و جرح یا توهین قرار گرفته باشند، بفرمایید:

۱ - آیا اولیای آنان با رعایت غبطة مولی علیه حق گذشت دارند یا خیر؟

۲ - ملاک در رعایت غبطة مولی علیه چیست؟ (آیا صرف عدم الضرر کافی است یا باید نفع صغیر لحاظ گردد؟)

ج : ۱ - ضرب و جرح که موجب ديه و قصاص باشد ولی حق گذشت ندارد. زیرا ولی حق اضرار به مولی علیه را ندارد و اگر موجب توهین قذف باشد، بر قازف حد جاری نمی شود از جهت صحیحه فضیل<sup>۱</sup> و صحیحه ابی مریم<sup>۲</sup> و موثقه اسحاق بن عمار<sup>۳</sup>

۲ - غبطة بر عدم ضرر صدق نمی کند، باید ولی نفع صغیر را در نظر داشته باشد.

س : ۲ - در مورد توبه بفرمایید:

۱ - در مواردی که توبه مسقط حد است آیا اظهار لفظ دال بر توبه از طرف مجرم ، برای سقوط حد کافی است یا باید عملی دال بر ثبوت توبه از او سر زده باشد؟

ج : اظهار لفظ دال بر توبه کافیهست و قول تائب مسموع است ( فان التائب من الذنب کمن لا ذنب له ومرسله جمیل) که دلالت بر اعتبار عمل دال بر توبه

۱ - ج ۱۸ ب ۱۹ من ابواب مقدمات الحدود ح ۱.

۲ - س ج ۱۸ ب ۵ من ابواب حد القذف ح ۱.

۳ - ج ۱۸ ب ۱۹ من ابواب مقدمات الحدود ح ۱.

دارد (لا يعتمد عليها لارسالها. وكلام امام عليه السلام در معتبره أصبغ بن نباته : أی طهاره أفضل من التوبه) دلالت دارد که اظهار لفظ توبه کافیهست .

س : ۳ - در مواردی که توبه قبل از اقامه بینه مسقط حد است . آیا ثبوت توبه قبل از بینه کافی است یا (اظهار توبه عندالحاکم) نیز باید قبل از بینه باشد؟

ج : توبه قبل از بینه ، نزد حاکم باید ثابت شود، لعدم الدلیل علی اعتبار اظهار التوبه عندالحاکم .

س : ۴ - آیا در توبه مسقط حد، احراز توبه لازم است یا در صورت شبهه توبه نیز حاکم شرع می تواند با تمسک به قاعده الحدود تدرء بالشبهات ، حد را اجراء نکند؟

ج : احراز توبه لازم است ، و دلیل قاعده تدرء بالشبهات ، ضعیف است .

س : ۵ - درباره لزوم تاخیر اجرای حد یا قصاص زن شیرده ، بفرمایید:

۱ - آیا این حکم ، مادر رضاعی را نیز شامل می شود؟ در فرض شمول ، بین امکان و عدم امکان جایگزینی دایه ای دیگر یا شیر خشک یا شیر حیوان تفارقی وجود دارد؟

۲ - در صورت امکان جایگزینی، یافتن دایه وظیفه حاکم شرع است یا ولی طفل ؟

ج : ۱ - مادر رضاعی را شامل نمی شود مگر در صورتیکه اجراء حد مستلزم خوف تلف طفل باشد، نه مرضه دیگر پیدا شود و نه با شیر خشک و حیوان حیانتش حفظ شود. ومادر طفل نیز همان مقدار مهلت داده می شود که لباء:

فله برای طفلش بدهد ومقتضای جمع بین موققه عمار ساباطی<sup>۱</sup> و صحیحة ابی مریم انصاری<sup>۲</sup> این است که چه از دادن فله به طفل ، حد جاری می شود، و فله همان شیری است که در پستان حیوان در اوائل ولادت جمع می شود و سفت

۱ - س ج ۱۸ ب ۱۶ من ابواب حد الزنا ح ۴، ۵ .

۲ - س ج ۱۸ ب ۱۶ من ابواب حد الزنا ح ۴، ۵ .

می باشد و شیر رقیق که بعد می آید فله گفته نمی شود و بعضی از اطباء گفته است که طفل بدون خوردن فله زنده نمی ماند. و بعد از دادن فله حد جاری می شود، مگر اینکه حیات طفل در معرض خطر قرارگیرد که بازهم مهلت داده می شود.

۲ - نفقة طفل بر پدر و جد لازم است. با وجود آنها نوبت به حاکم شرع نمی رسد.

س : ۶ - در مواردی که شارع مقدس شیوه یا ابزار خاصی را در اجرای مجازات در نظر گرفته است مانند رجم یا کشتن با شمشیر، بفرمایید:

۱ - آیا شیوه یا ابزار یاد شده موضوعیت دارد؟ (به عبارت دیگر در اینگونه موارد آیا هدف شارع مقدس فقط ازهاق روح است و لو با استفاده از ابزار نوین، یا ازهاق روح به شیوه یا ابزار مخصوص ضرورت دارد؟)

۲ - در صورت موضوعیت داشتن، چنانچه اجرای رجم یا مجازاتهایی نظیر مجازات لواط با شیوه های مخصوص در شرائطی خاص به مصلحت اسلام و نظام مقدس اسلامی نباشد مثلا وهن اسلام و مسلمین باشد یا چهره خشنی از اسلام یا نظام اسلامی نشان دهد. آیا می توان ضمن اجرای اصل حکم - قتل - شیوه اجرای آنرا تغییر داد؟

ج : ۱ - ازهاق روح به شیوه یا ابزار مخصوص ضرورت دارد. به نقل یک حدیث اکتفا می کنیم . مرحوم کلینی به سند صحیح از حضرت امام صادق (علیه السلام) نقل می کند: (إن امیرالمؤمنین (علیه السلام) قال لرجل اقرّ عنده باللواط أربعا: یا هذا ان رسول ا... (صلی الله علیه و آله) حکم فی مثلک بثلاثة احکام، فاختر ایّهن شئت، قال: و ما هن یا امیر المؤمنین؟ قال: ضربه بالسيف فی عتقک بالغه منی ما بلغت او اهداء من جبل مشدود الیدین و الرجلین او احراق بالنار الحدیث<sup>۱</sup>) و این صحیحه دلالتش واضح است بر اینکه ابزار متعین است و ضرورت دارد.

۲ - چنانچه از مخصوص شیوه خاص استفاده شود، به واسطه تبلیغات مخالفین اسلام و مسلمین ، تغییر داده نمی شود، چنانچه به تبلیغات آنها بها داده شود، و به آنها مماشاه شود، اصل نظام اسلامی را زیر سؤال می برند که مردم محوری

نیست ، ما با توکل به خدای توانا به این آیه مبارکه عمل نمائیم : و لا یستخفنک الذین لا یوقنون.

س : ۷ - با عنایت به این که در صورت ثبوت جرم مستوجب رجم با اقرار، اگر هنگام اجرای مجازات رجم ، مجرم از حفره فرار کند، نباید برگردانده شود، بفرمایید:

۱ - آیا در این حکم بین موردی که پس از آغاز رجم هنوز سنگی به وی اصابت نکرده با موردی که سنگ به وی اصابت کرده تفاوتی وجود دارد؟

۲ - اگر مجرم پس از قرار داده شدن در حفره و قبل از پرتاب سنگ فرار کند، آیا مشمول حکم فوق خواهد بود؟

ج : ۱ - بلی مقتضای صحیحۃ حسین بن خالد<sup>۱</sup> این است که اگر جرم به اقرار ثابت شده باشد و شی از حجاره به او رسیده باشد برگردانده نمی شود و اگر جرم به بینه ثابت شده باشد مطلقاً برگردانده می شود و صحیحۃ ابی بصیر<sup>۲</sup> اگر چه تفصیل بین اصابت حجاره و عدم اصابت داده است ولی صحیحۃ حسین اظهر است از جهت تقیید به اقرار و اصابت حجاره و مقدم می شود بر صحیحۃ ابی بصیر که دلالت دارد بر عدم برگرداندن بعد از اصابت حجاره مطلقاً، و حمل مطلق بر مقید می شود.

۲ - هر دو صحیحۃ اتفاق دارند بر اینکه اگر فرار پیش از اصابت حجاره باشد برگردانده می شود.

س : ۸ - با توجه به جریان قاعده قرعه در شبهات موضوعیه ، بفرمایید:

۱ - آیا این قاعده به امور حقوقی اختصاص دارد یا شبهات موضوعیه در امور

۱ - س ج ۱۸ ب ۱۵ من ابواب حد ازنا ح ۵ .

۲ - س ج ۱۸ ب ۱۵ من ابواب حد ازنا ح ۵ .

جزائی را نیز در بر می گیرد؟(به عنوان مثال در موردی که علم اجمالی به وجود قاتل بین دو یا چند نفر باشد، آیا می توان با تمسک به قرعه حسب مورد، حکم قصاص یا دیه را اجراء نمود؟

۲- در فرض جریان این قاعده در امور جزائی، آیا در تمام ابواب حدود، قصاص، دیات و تعزیرات جاری است یا به باب خاصی از جزائیات اختصاص دارد؟

ج : ۱ - صحیحہ محمد بن حکیم چنین است قال : سألت ابا الحسن عليه السلام عن شيء؟ فقال لي : كل مجهول ففيه القرعة، قلت له : أن القرعة تخطيء و تصيب ، قال : كلما حكم الله به ، فليس بمخطيء<sup>۱</sup> این روایت صحیحہ است به طریق صدوق (رحمه الله) و دلالتش به عموم می باشد، بنابراین در هر جایی که شارع مقدس طریق و اماره و دلیل برای موضوع و یا حق از حقوق معین نکرده باشد به قرعه تعیین می کند، كما في صحیحة الحلبي عن ابي عبدالله (عليه السلام) قال : اذا وقع المسلم و اليهودي و النصراني على المرأة في طهر واحد اقرع بينهم ، فكان الولد للذي تصيبه القرعة<sup>۲</sup> و واضح است که در اینجا هیچ اماره و طریق برای الحاق ولد موجود نیست لهذا محول به قرعه شده است . و اما در مفروض سؤالی شارع مقدس برای اثبات و نفی بینة و اقرار و قسامه را قرار داده است حتی ازمدهی علیه و منکر در فرض لوث ، بینة و قسامه مطالبه شده است ، بنا جای قرعه نیست .

س : ۹ - درباره قاعده درء بفرمائید:

۱ - آیا این قاعده به باب حدود اختصاص دارد یا شامل ابواب قصاص ، دیات و تعزیرات نیز می شود؟

۲ - معیار در عدم اجرای حد چیست ؟ (شک در حلیت ، توهم جواز عمل ، صرف

۱ - س ج ۱۸ ب ۱۳ ابواب کیفیة الحكم ح ۱۱ .

۲ - س ج ۱۷ ب ۲۷ من ابواب میراث ولد الملائنة ح ۱ .

ظن به اباحه ولو غیر معتبر یا عدم علم به حرمت؟)

۳- محل عروض شبهه در قاعده درء کیست؟ قاضی، مرتکب عمل یا هر دو؟

۴- آیا شبهات موضوعیه، حکمییه، شبهه و غیر عمد، اکراه، اجبار، نسیان و... مشمول این قاعده می شود؟

۵- در فرض شمول شبهات حکمییه، آیا بین جاهل قاصر و مقصر تفاوتی وجود دارد؟

ج: ۱- اختصاص به حدود و تعزیرات دارد، ولی قصاص در مورد شبهه تبدیل به دیه نمی شود و ساقط مجانی نمی شود و دیات را شامل نمی شود، چون داخل در حقوق است نه حدود بلکه در مورد قصاص و دیه چنانچه شبهه باشد نه تنها وضع نمی شود بلکه بر متهم بینه بر برانیت و یا قسامه لازم است ( لئلایبطل دم امرء مسلم ) و اما شمولی قاعده تعزیرات را از جهت این است که جنبه حق اللّهی دارد مثل حدود بلکه تعزیر تأدیب است پایین تر از حد و جنبه حق الناسی ندارد.

۲- معیار در عدم اجراء حد این است که قاضی بداند مرتکب جاهل به جهل مرکب بوده مثل اینکه اعتقاد داشته این خانم زوجه او می باشد و مقاربت نموده بعد کشف شده که اجنبیه بوده و یا اینکه جاهل به حکم بوده به جهل قصوری مثل

شخصی که جدید الاسلام باشد و هیچ چیزی از حلال و حرام را نداند (کما تدل علی ذلک صحیححه الحلبی و غیرها)<sup>۱</sup>

۳- چنانچه مدرک درء حدود، به شبهات همان نصوص مشارالیهها باشد، اختصاص به مرتکب عمل دارد و اگر به مرسله مرحوم صدوق: (ادراوالحدود با الشبهات) عمل کنیم از جهت اینکه ضعفش را منجر به عمل اصحاب بدانیم، هر دو را شامل می شود. ولی اگر شبهه برای قاضی حاصل باشد مألش به این

است که جرم وجدانا یا تعبدیه برایشان ثابت نشده است بناء عدم حکم قاضی مستند به عدم ثبوت است نه به واسطه درء حد به شبهه ، (فافهم فانه لایخلوعن دقه) و نتیجه این است که مورد قاعده غالباً مرتکب عمل است نه قاضی مگر در مورد نادر.

۴ - شبهه حکمی و موضوعیه را اطلاق صحیحۃ عبدالصمد بن بشیر شامل می شود<sup>۱</sup> و نسیان را به طریق اولی شامل می شود و چنانچه اکراه و اجبار نزد قاضی ثابت شود حدیث حد را بر می دارد ((رفع ما اکرهوا علیه))<sup>۲</sup> و اگر مرتکب فاحشه ادعا کند که مرا اکراه کرده است مسموع است لصحیحۃ ابی عبیده عن ابی جعفر علیهما السلام<sup>۳</sup> در اینجا حد دفع شده از جهت شبهه که در نزد قاضی پیدا شده است چون زانیه ادعاء اکراه نموده است و حضرت امیر (علیه السلام) قبول نموده و حال آنکه احتمال می رود زن از جهت خوف حد، دروغ گفته باشد.

۵ - در مورد جاهل قاصر و غافل حد برداشته است ولی جاهل اگر مقصر و ملتفت باشد و سؤال نکند حد جاری می شود لصحیحۃ یزید الكناسی.<sup>۴</sup>

س : ۱۰ - در صورتی که پس از اجرای مجازات رجم ، به زعم این که مجرم به قتل رسیده ، جسد وی به سرد خانه منتقل شود ولی بر حسب اتفاق علائم حیاتی در او مشاهده شود و پس از معالجه سلامت خود را باز یابد، بفرمایید:

۱ - آیا صرف صدق عنوان رجم و لو به قتل محکوم نیانجامد کفایت می کند ( تا در نتیجه نیازی به اجرای مجدد حکم نباشد) یا چون قتل از طریق رجم

۱ - س ج ۹ ب ۴۵ من ابواب تروک الاحرام ح ۳ .

۲ - س ج ۱۱ ب ۵۶ من ابواب جهاد النفس و ما یناسبه ح ۱ و ۲ .

۳ - س ج ۱۸ ب ۱۸ من ابواب حد الزنا ح ۱ .

۴ - س ج ۱۸ ب ۲۷ من ابواب حد الزنا ح ۳ .

موضوعیت دارد، باید مجدداً حکم رجم را در مورد وی به مرحلهٔ اجراء گذاشت؟

۲- در فرض دوم، آیا مجرم می‌تواند دیه جراحات وارده در اثر اجرای حکم در مرتبه اول را مطالبه نماید؟

۳- در صورت مثبت بودن پاسخ، پرداخت دیه به عهدهٔ کیست؟

ج: ۱- چون غرض از رجم قتل به این نحو است پس باید رجم کنند تا کشته شود ((کما تدل علی ذلک مارواه الصدوق ((قدس سره)) باسناده عن یونس بن یعقوب عن ابی مریم))

۲- چون رجم به دستور امام یا نایب ایشان انجام می‌شود، مجرم حق مطالبهٔ دیه را ندارد، و رجم دوم متمم اول است.

۳- بله، چنانچه رجم کنندگان به سنگ‌های کوچک که کشنده نیست رجم کرده باشند دیه آن از بیت المال داده می‌شود.

س: ۱۱- چنانچه دلیل اثبات جرم، منحصر به نظریه کارشناس مانند کارشناس انگشت نگاری یا پزشکی قانونی باشد، بفرمایید:

۱- آیا از نظر شرعی چنین دلیلی حجیت دارد؟

۲- در صورت حجیت، آیا دلیل مستقلی محسوب می‌شود یا حجیت آن منوط به داشتن شرایط بینه است؟

ج: ۱- چنانچه از قول کارشناس برای حاکم شرع وثوق و اطمینان پیدا شود، طبق آن حکم می‌تواند. چون سیره عقلاء قائم به حجیت اطمینان و عمل به آن می‌باشد.

۲- چنانچه دو نفر و دارای عدالت باشند، قولشان از باب بینه، حجت است و لو اینکه موجب اطمینان نباشند.



## احکام قصاص

س : ۱۲ - در موارد زیر که جرح و قتل به طور عمد یا غیر عمد توسط یک نفر صورت می پذیرد، آیا حسب مورد قصاص طرف در قصاص نفس و دیه عضو در دیه نفس تداخل می کند؟

۱ - جرح و قتل با ضربه واحد انجام شود.

۲ - جرح و قتل با دو ضربه یا بیشتر انجام شود (در این فرض ممکن است ضربات متعدد در زمانهای متفرق یا متوالی انجام شود).

ج : ۱ - چنانچه قتل و جرح با ضربه واحد انجام شود، قصاص طرف در قصاص نفس و دیه طرف در دیه نفس تداخل می کند، ((تدل علی ذلك صحیحه ابی عبیده الحذاء))<sup>۱</sup> ((و صحیحه محمد بن قیس و صحیحه حفص بن البختری))<sup>۲</sup>

۲ - چنانچه جرح و قتل با دو ضربه یا بیشتر در زمانهای متعدد با فصل زمانی انجام شود، جرح با قتل تداخل نمی کند، قصاص طرف اولاً، بعد از آن قصاص نفس انجام می شود، و اگر جرح و قتل با دو ضربه متوالی انجام شود، صحیحه

حذاء دال بر تداخل است و صحیحه ابن قیس و ابن بختری دلالت بر عدم تداخل دارند، ((فتقع المعارضه بینهما، فالابد من الرجوع الى المرجحات، فيما أن الصحیحین موافقتان للكتاب لأنه ناطق بقصاص العضو و النفس مستقلاً، ترجحان علی صحیحه الحذاء فالنتیجه هی عدم التداخل . و هو الاقوی .))

س : ۱۳ - درباره قصاص نفس یا طرف، بفرمایید:

۱ - آیا ولی امر می تواند بر خلاف درخواست ولی دم یا مجنی علیه بنابه

۱ - س ج ۱۹ ب ۱ من ابواب دیات المنافع ح ۱ .

۲ - س ج ۱۹ ب ۱۵ من ابواب القصاص فی النفس ح ۱ و ۲ .

مصالحی قصاص را به دیه تبدیل نماید؟

۲ - چنانچه پاسخ مثبت باشد، با توجه به اینکه طبق فتوای مشهور، قصاص تنها در صورت رضایت جانی به دیه تبدیل می شود، آیا می توان علیرغم درخواست جانی قصاص را به دیه تبدیل نمود؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، مسؤول پرداخت دیه کیست؟ جانی یا بیت المال؟

ج: ولی امر نمی تواند بر خلاف خواست ولی دم قصاص را به دیه تبدیل کند، لانه یخالف صریح القرآن: من قتل مظلوما، فقط جعلنا لولیة سلطانا(الاسراء الآیه ۳۳) و کذا الکلام فیما اذا خالف المجنی علیه لقوله تعالی: والعین بالعين (الی قوله) والجروح قصاص (المائده الآیه ۴۵)

۲ - ولی امر می تواند بر خلاف خواست جانی قصاص را به دیه تبدیل کند، ولی حق اجبار به پرداخت دیه ندارد، باید دیه را از بیت المال بپردازد. و این جواب مبتنی بر جواب اول نیست. چون اینجا احسان به جانی و ارفاقی می باشد، باکتاب یا سنت مخالفت ندارد.

س: ۱۴ - در صورتی که شخص محکوم به قصاص، عضو مماثل نداشته باشد، بفرماید:

۱ - با توجه به این که عضو ناسالم در برابر عضو سالم قصاص می شود، آیا مثلا چشم کسی که به حسب ظاهر سالم است ولی بینایی ندارد عضو ناسالم محسوب می شود یا چنین فردی فاقد عضو به حساب می آید؟

۲ - اگر جانی، فاقد بینایی چشم راست باشد و چشم راست کسی را کور کرده باشد، آیا چشم چپ او به عنوان قصاص کور می شود یا خیر؟

۳ - اگر سلب بینایی باکندن حدقه باشد و خود جانی حدقه چشمش سالم است ولی بینایی ندارد، هنگام قصاص تکلیف چیست؟ ( آیا حدقه در مقابل حدقه

قصاص می شود و نسبت به سلب بینایی اخذ دیه می گردد یا حکم دیگری دارد؟)

ج : ۱ - چنین شخصی فاقد عضو نیست بلکه عضو ناسالم دارد و دیه آن ثلث می باشد ((کما یدل علیه صحیحة برید))<sup>۱</sup>

۲ - احوط این است که مجنی علیه دیه بگیرد و اگر دیه را قبول نکند و چشم راست جانی را قلع کند کافیسست و اگر به آن قناعت نکند احوط این است که جانی مابه التفاوت بین ثلث دیه و نصف دیه را برای مجنی علیه بدهد.

۳ - احوط این است که مجنی علیه به گرفتن دیه قناعت کند و اگر قصاص کند، احوط این است که جانی مابه التفاوت را برای مجنی علیه بپردازد.

س : ۱۵ - اگر مردی دو زن یا بیشتر راکشته باشد و اولیای آنان خواهان قصاص باشند: بفرما یید :

آیا اولیای خواهان قصاص باید چیزی به عنوان فاضل دیه بپردازند یا خیر؟ و در صورت لزوم پرداخت ، آیا باید هر یک از اولیای خواهان قصاص ، مستقلاً و جداگانه نصف دیه یک مرد را بدهند یا اینکه نصف دیه یک مرد، به نسبت اولیای خواهان قصاص تقسیم می شود؟(مثلاً اگر مردی دو زن را کشته باشد و اولیای هر دو خواهان قصاص باشند، آیا باید هر یک از اولیاء نصف دیه یک مرد را بدهند یا یک چهارم دیه یک مرد؟

ج : بر اولیاء کشته شدگان واجب نیست چیزی بپردازند. زیرا دیه دو زن دیه یک مرد می باشد و اگر سه زن راکشته باشد و اولیاء آنها به قصاص توافق کنند حق ندارند چیزی مطالبه کنند. ولی اگر اولیاء یکی از زنها بدون توافق دیگران، قصاص کنند، باید نصف دیه آن مرد را بپردازند و اولیاء آن دو زن دیگر، حق دارند، دیه آن دو را بگیرند و الا لازم می آید خون مسلمان ضایع شود.

س : ۱۶ - با عنایت به این که اگر شخصی دست راست دیگری را قطع نماید، به هنگام

قصاص چنانچه جانی فاقد دست راست باشد دست چپ او و در صورت فقدان دست چپ ، پای او قطع می گردد، بفرمایید:

آیا این حکم در مورد پا و دیگر اعضای زوج بدن نیز قابل اجراء می باشد؟(مثلا اگر جانی پای راست ندارد و پای راست دیگری را قطع کرده باشد، آیا این جا نیز ابتدا پای چپ وی و در صورت فقدان آن ، دست او قطع می گردد؟)

ج : در صورت فقدان دست چپ ، پای وی قطع نمی شود و نوبت به دیه می رسد. زیرا روایت حبیب سجستانی ضعیف است ((لانه لم یوثق و لم یمدح فی کتب الرجال))

س : ۱۷ - در صورتی که مجنی علیه از زنده ماندن خود مأیوس شده باشد، بفرمایید: آیا می تواند در مورد تبدیل قصاص نفس به دیه یا مصالحه یا عفو جانی وصیت نماید؟ آیا چنین وصیتی نافذ خواهد بود؟

ج : چنین وصیتی نافذ نیست زیرا حق قصاص مال ولی دم می باشد در زمان حیات مجنی علیه وجود ندارد و اسقاط آن اسقاط مالیم یجب می باشد و همچنین صلح و عفو نافذ نیست چون وجود ندارد، ولی مجنی علیه می تواند جانی را عفو کند از جنایت وارده و بعد از آن اگر جنایت موجب مرگ شود قصاص نخواهد داشت .

س : ۱۸ - درباره محکوم به قصاص که به درخواست اولیاء دم حلق آویز شده و هنوز جان نسپرده است ، بفرمایید:

۱ - اگر در این مرحله برخی از اولیاء دم قاتل را عفو کنند، آیا باید اجرای حکم را متوقف کرد یا توقف حکم نیازمند به رضایت همه آنهاست ؟

۲ - در صورت لزوم توقف با توجه به اینکه در فرض تعدد اولیاء دم ، اگر در بدو امر بعضی از آنها از قصاص عفو نمایند اولیاء خواهان قصاص در صورت تامین سهم الدیة عفو کنندگان حق استیفاء قصاص دارند، آیا در فرض فوق نیز برای

اولیاء خواهان قصاص این حق باقی است یا حق آنان در این مرحله ساقط می گردد؟(مخصوصا در موردی که این وضع چندین مرتبه تکرار شود).

۳ - عفو جانی در حین اجرای حکم به نحو مشروط چه حکمی دارد؟(به عنوان مثال ولی دم بگوید اگر جانی فلان مبلغ را به من بپردازد او را عفو می کنم).

۴ - ضمان خسارتها و آسیب های وارده به جانی در مرحله یا مراحل قبلی به عهده کیست ؟ .

ج : ۱ - توقف و ترک قصاص ، متوقف به رضایت همه می باشد و اگر یکی از آنها قصاص کند می تواند، ولی باید سهمیه عفوکنندگان را برای ورثه قاتل بپردازد.)) (کما یدل علیه صحیحة ابی ولاد<sup>۱</sup> و ما دل علی الخلاف یحمل علی التقیه

۲ - دلیل بر سقوط حق خواهان قصاص نیست ، بلکه اطلاق صحیحه ابی ولاد این مورد را نیز شامل است .

۳ - این همان مصالحه قصاص به دیه می باشد، چنانچه جانی قبول کند، صحیح است اگر چه چند برابر دیه قتل باشد.

۴ - هر خسارت و آسیب که خارج از حق قصاص باشد، چنانچه سبب آن اولیاء مقتول باشند، ضامن می باشند و اگر آنها سبب نباشند، ضامن نیستند.

س : ۱۹ - آیا مجازات معاونت در قتل عمد، همچون قتل عمد، حق الناس است و قابل برگشت از سوی اولیاء دم یا حق الله و عفو آن منحصر در اختیار ولی امر می باشد؟

ج : امساک کننده مقتول و امر قتل که حبس ابدی می شوند حق الله است و قابل گذشت از طرف اولیاء دم نیست ، بلکه ولق امر هم حدی راکه منشا آن به

بینه ثابت شود عفو نمی تواند و اگر مثلاً آن به اقرار ثابت شود، ولی امر عفو می تواند، ((کما تدل علی ذلک معتبره طلحه بن زید<sup>۱</sup>.

س: ۲۰ - در صورت علم اجمالی به وجود قاتل در بین افراد محدود و معین، بفرمایید:

۱ - آیا قاضی می تواند برای تعیین قاتل و اجرای قصاص از قرعه استفاده نماید؟

۲ - در صورت منفی بودن پاسخ و لزوم پرداخت دیه، چه کسی باید دیه را بپردازد و نحوه پرداخت آن چگونه خواهد بود؟

ج: ۱ - چون شارع مقدس در مورد اتهام به قتل بینه را بر مدعی علیه قرار داده، قرعه مشروعیت ندارد.

۲ - وظیفه هر یک از متهمین این است که بینه اقامه کند که او قاتل نیست و چنانچه اقامه بینه کردند، دعوی ساقط می شد و اگر اقامه بینه نتوانستند، مدعی موظف است به قسامه، پس چنانچه پنجاه نفر را در مورد ادعای قتل عمد آورد، هر

کدام یک قسم می خورد بر اینکه قاتل احدهما می باشد و به آن قصاص ثابت نمی شود، دیه ثابت می شود، هر کدام نصف دیه را بپردازد و اگر (۲۵) نفر آورد هر کدام دو مرتبه قسم یاد می کند و هکذا و اگر افراد دیگر را احضار نتوانست،

خود مدعی پنجاه مرتبه قسم یاد می کند که یکی این دو نفر قاتل است، و اگر خودش قسم نخورد قسامه متوجه متهمین می شود هر کدام اقامه قسامه می نماید: ((بالله ماقتلناه و لم نعرف قاتله)) و چنانچه قسامه را به نحو اجتماعی یا فردی اقامه کردند از قتل تبرئه می شوند، و دیه از بیت المال داده می شود ((لئلا یبطل دم إمرأ مسلم)) و اگر احضار افراد را برای قسم به نفی قتل نتوانستند و هر کدام ۵۰ قسم به نفی قتل نخوردند، دیه بر آن دو نفر ثابت می شود هر کدام نصف دیه را بدهند و قصاص نمی شوند ((لعدم معلومیة القاتل بعینه))

س: ۲۱ - پسر پانزده ساله ای شب هنگام پس از بیدار شدن از خواب، فردی اجنبی را

به صورت برهنه با مادرش در اتاق خواب می بیند و با این اعتقاد که فرد خائن و متجاوز به ناموس باید کشته شود، فرد مزبور را در حال فرار به قتل می رساند. با توجه به این که زن مدعی است: ((با تهدید مقتول، مبنی بر ریختن آبروی او در صورت تن ندادن به رابطه، مجبور به بازکردن درب منزل به روی او شده و رابطه نامشروع در حد کمتر از زنا بوده است)) بفرمایید:

۱- قتل ارتكابی توسط نوجوان، با اعتقاد به لزوم کشتن این گونه افراد، مشمول کدام یک از عناوین قتل عمد یا شبه عمد می شود؟  
 ۲- با توجه به ادعای زن مبنی بر این که از روی تهدید مجبور به برقراری رابطه با اجنبی شده است، آیا عمل ارتكابی از سوی فرزند تازه بالغ وی می تواند مشمول عنوان دفاع از ناموس باشد؟

۳- با توجه به این که اطلاعات فقهی نوجوان از احکام شرعی کم بوده، آیا جهل وی به مسأله می تواند رافع مسئولیت باشد؟

ج: ۱- این قتل داخل در شبهه عمد می باشد، چون اعتقاد به وجوب و یا به جواز آن داشته است.

۲- چون اعتقاد دفاع از ناموس را داشته، قصاص نمی شود.

۳- رافع قصاص می شود ولی دیه لازم است.

س: ۲۲- ۱: چنانچه اولیای دم در مقام مصالحه قصاص با مبلغی زائد بر دیه، مقداری را تقاضا کردند که پرداخت آن برای قاتل میسر نیست، آیا دادگاه میتواند فرصت محدودی برای اجرای قصاص به اولیای دم بدهد و پس از انقضای

مهلت مذکور و عدم تقاضای قصاص، محکوم را آزاد نماید؟

۲- در صورت مثبت بودن جواب، آیا باید او را بدون قید آزاد نمود یا با أخذ وثیقه و قید ضمانت؟

۳- در صورتی که مقتول دارای ورثه صغیر و کبیر باشد، اگر ورثه کبیر خواهان قصاص بودند ولی برای استیفای قصاص قدرت تأمین سهم صغیر را نداشتند.

آیا می توان قاتل را تا زمان بلوغ صغیر (اگر چه در مدت طولانی) در زندان نگه داشت؟

۲ - در صورت مثبت بودن جواب ، آیا تحمل سالهای متمادی در زندان (مثلا ۱۲ سال برای بلوغ فرزند صغیر مقتول) و بعد ، اجرای حکم قصاص از مصادیق تحمیل دوجریمه به خاطر یک جرم نیست؟

ج : ۱ - الصلح بین القاتل و ولی الدم لابد أن یکون برضا الطرفين ، فاذا رضیابه لابد أن یعین مقدار المال و آن ادائه حالی أو مؤجل و علی الثانی هل یکون بقسط و احد أو باقساط ، فبعد تعیین ابعاد الصلح و تحققه لا یجوز لولی الدم أن یطالب بشیء زائد و لا یجوز أن یفسخ الصلح بلا رضاء القاتل ، فان عقد الصلح من العقود اللازمة و یجب الوفاء به . نعم

لوطالب الوالی مالا لا یقدر علیه القاتل و لم یتحقق الصلح للالقاضی أن یعین أمدا محدودا للقصاص فان لم یقدم علیه ، یطلق سراحه بکفیل او وثیقة لا بدونه لثلا بیطل دم امررا مسلم و من ذلی فی الجواب من الثانی (ب)

۳ - لا یجوز حبسه الی آمد طویل ، فانه مستلزم عقوبتین لجناية واحدة و هو لا یجوز، فلا بد من اطلاق سراحه بکفیل أو وثیقة لثلا بیطل دم امرأ مسلم ، و یجوز للولی ان یضمن سهمیة الصغار و یقدم علی القصاص لان دفع سهامهم لیس واجبا فوریا، بل معلق علی بلوغهم و عدم ارقضاء القصاص و ان رضوا با لقصاص، لیس لهم مطالبه الیدیة.



## احکام ديه

س : ۲۳ - اگر شخصی کشته شده و جنازه او مثلا در بیابان ، منزل یا باغی یافت شود و هیچ یک از قاتل و مقتول شناسایی نشوند، بفرمایید:

۱ - آیا ديه ای وجود دارد؟

۲ - بر فرض ثبوت ، پرداخت ديه به عهده کیست و مورد مصرف آن کجاست ؟

ج : تفصیل جواب این است که اگر مقتول در بیابان پیدا شود و مقتول ، وارث غیر از امام نداشته باشد، ديه ندارد ((لانه لا معنى لان يؤخذ الدية من بيت المال و ردت اليه )) و اگر غیر از امام وارث داشته باشد ديه او از بيت المال برای ورثه داده می شود، لصحيحه عبدالله بن سنان و عبدالله بن بكير<sup>۱</sup> و اگر در منزل یا باغی پیدا شود، صاحب و یا صاحبان منزل و باغ موظفند، بينه بر عدم قتل اقامه کنند و اگر بينه نداشتند، باید ديه را به ولی دم بدهند و اگر وارث نداشت به بيت المال بپردازند. ((والدليل على ذلك صحیحة محمد بن قيس<sup>۲</sup> و ان امتنعوا من اعطاء الدية و كان هناك لوث يكلفون بالقسامة فان اتوا بها يؤدى الدية من بيت المال لصحيحة مسعدة بن زياد و هنا و ان لم يصرح بذكر بيت المال الا ان افراد كلمه (يؤدى) الدية شاهد على انها من بيت المال و الا لعبر (بيؤدون)

۲ - مصرف آن مثل بقیه بيت المال می باشد که باید به مصالح مسلمین مصرف شود .

۱ - س ج ۱۹ ب ۶ من ابواب دعوى القتل ح ۱ .

۲ - س ج ۱۹ ب ۸ من ابواب دعوى القتل ح ۵ .

س : ۲۴ - چنانچه شخص مقتول از پیروان فرقه ضالّه بهائیت باشد: بفرمایید:

۱ - آیا دیه دارد یا خیر؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ ، دیه او چقدر است ؟

ج : دیه ندارد، از جهت اینکه مهدور الدم می باشد از اسلام خارج است و اهل کتاب نیست تا با قبول شرائط ذمه محقون الدم باشد.

س : ۲۵ - چنانچه مقتول ، ورثه صغیر داشته باشد، بفرمایید:

۱ - آیا همواره اخذ دیه از سوی اولیای صغار، اصلاح به حال صغار است یا اینکه حسب مورد می توان جانی را عفو و یا از وی مطالبه قصاص نمود؟

۲ - آیا محدوده اختیارات ولی با قیّم در این خصوص تفاوتی دارد؟

ج : ۱ - غالباً اخذ دیه اصلاح به حال صغار می باشد، اما ولی حق عفو ندارد، از جهت اینکه در آن نه تنها غبطه صغار نیست ، بلکه ضرر بر آنهاست ، اما قصاص به یک شرط می تواند و آن این است که ولی صغیر از قرائن به دست آورد، اگر قاتل را قصاص نکند، این صغیر را خواهد کشت .

۲ - چنانچه ولی قیّم را نصب کرده باشد و گفته باشد هر تصرفی را که من حق داشتم ، شما حق دارید، قیّم مثل ولی می باشد.

س : ۲۶ - درباره تغلیظ دیه در اشهر حرم یا مکه معظمه ، بفرمایید:

۱ - آیا تغلیظ دیه مختص قتل عمد است یا شامل قتل شبه عمد و خطای محض نیز می شود ؟

۲ - آیا حکم مذکور مختص مسلمین است یا شامل اهل کتاب نیز می گردد؟

۳ - آیا جهل قاتل به حکم یا موضوع ، در تخلیظ دیه تأثیری دارد؟

ج : ۱ - مقتضای اطلاق صحیحه کلب اسدی<sup>۱</sup> عدم فرق است در تغلیظ بین قتل عمد و شبه عمد و خطا محض.

۲ - اطلاق صحیحه مشارالیه شامل می شود هر شخص را که محقون الدم باشد

و اهل کتاب چنانچه شرایط ذمه را قبول نمایند محقون الدم می باشند.

۳- جهل قاتل به حکم یا موضوع درتعلیظ اثری ندارد از جهت اطلاق صحیحه کلیب .

س : ۲۷- در مورد جراحت (متلاحمه ای) که به فلج عضو می انجامد و با درمان می توان از فلج شدن پیشگیری کرد، بفرمایید؟

۱- آیا بر شخص مجروح واجب است خود را درمان نماید؟

۲- در صورت درمان ، آیا می توان هزینه های افزون بر مقدار دیه را از جانی گرفت ؟

ج : ۱- بلی، درمان از جهت حفظ نفسی از تلف یا ضررمهم مثل فلج عضو و یا قطع آن واجب است . اجماعاً ولی این وجوب ، حکم تکلیفی است ، و چنانچه درمان نکند و لو عصبانا و عضو فلج شود، جانی دو ثلث دیه آن عضو را نیز،

ضامن است ((کما تدل علی ذلک صحیحه فضیل بن یسار<sup>۱</sup> و روایات که دلالت بر تمام دیه عضو دارد چون موافق با عامه است حمل بر تقیه می شود.

۲- چنانچه درمان کند و بیشتر از دیه جراحت مصرف کند حق مطالبه از جانی ندارد، بجهت اینکه دیه آن جراحت اگر مخصوص است مقتضای اطلاق نص عدم فرق است بین اینکه درمان مصرف بیشتر لازم دارد، یا ندارد و اگر حکم اولی آن جرح قصاص باشد و آن را مصالحه به دیه، کرده باشد باز هم حق مطالبه افزون از جانی ندارد، چون صلح از عقود لازمه است نه جائزه .

س : ۲۸- درباره ماهیت دیه بفرمایید:

۱- آیا جعل دیه از طرف شارع مقدس بعنوان مجازات بوده یا نوعی جبران خسارت تلقی شده است ؟

۲- آیا عمد، شبه عمد یا خطای محض بودن جنایت در پاسخ به سوال فوق

تاثیری دارد؟

ج : ۱ - دیه جبران خسارت می باشد و از حقوق اولیاء دم است دلیلش این می باشد که اولیاء دم حق عفو را دارند، و مجازات الهی را کسی عفو نمی تواند، مثل حد زنا و حد سرقت و لواط و بقیه حدود.

۲ - در پاسخ به سوال فوق تاثیر ندارند، فرقی که بین قتل عمد و دو تایی دیگری می باشد این است که در قتل عمد حق اولی قصاص است و می شود مصالحه به دیه بنمایند و اما دو تایی دیگر حق اولی برای ولی دم، دیه است و حق قصاص ندارد، و دیه اخیر بر عاقله قاتل می باشد نه بر خود قاتل .

س : ۲۹ - همانطور که استحضار دارید درباره دیه انگشتان دو قول وجود دارد:

۱ - تساوی انگشتان از نظر دیه : بر اساس این قول که میان قدماء و متأخرین شهرت یافته و روایات چندی بر آن دلالت دارند، به هر یک از انگشتان ، عشر دیه کامل تعلق می گیرد.

۲ - تفاوت انگشت ابهام از نظر دیه با سایر انگشتان :

اصحاب این قول گرچه به سه دسته تقسیم می شوند و هر کدام در تعیین دیه ابهام و سایر انگشتان نظری را برگزیده اند، ولی همگی بر متفاوت بودن دیه ابهام با غیر آن اتفاق نظر دارند. صاحبان این قول را برخی از قدماء مثل ابی الصلاح

حلبی در کافی و ابن زهره در غنیه و صاحب اصباح الشیعه (رحمه الله علیه) تشکیل می دهند. معتبره ظریف با یکی از نظرات سه گانه فوق هماهنگی می باشد و شیخ (رحمة الله علیه) در مبسوط از آن به روایت اکثر اصحاب یاد می کند و در خلاف بر مفاد آن ادعای اجماع می نماید. حضرت آیت الله العظمی خوئی (رحمه الله علیه) همین روایت را بر می گزیند و و چه ترجیح آن بر سایر روایات را مخالفت آن با عامه معرفی می کند. با عنایت به اینکه در عصر حاضر که مشاغل متحول و دگرگون شده است ، اشخاصی که دچار آسیب دیدگی در

ناحیه انگشتان شده اند و دارای مشاغلی چون جراحی خطاطی و .. هستند، اظهار می دارند صدمه وارده ، به شغل آنها آسیب جدی رسانده است ، بفرمایید:

۱ - آیا می توان گفت تفاوت مطرح در معتبره ظریف میان ابهام و سایر انگشتان ، بخاطر تفاوت در میزان کارائی آنهاست؟

۲ - بر این اساس ، آیا می توان از انگشت ابهام الغاء خصوصیت کرد و این تفاوت را در مورد سایر انگشتان نیز تعمیم داد؟ یعنی نسبت به خسارت وارده بر انگشتان با توجه به اهمیت شغل وارزش هر انگشت عمل کنیم و به تعیین دیه و خسارات وارده پردازیم؟

ج : ۱ - آنچه مسلم است این است که کارایی انگشت ابهام به حیث حکمت ملحوظ است نه علت .

۲ - بر اساس حکمت الغاء خصوصیت نمی شود، و اگر علت بودن کارایی لحاظ می شد، الغاء خصوصیت می توانستیم زیرا علت اطّراد دارد و حکمت اطّراد ندارد، بناء گفته نمی توانیم در هر انگشت که کارایی بیشتر باشد، تفاوت دیه است ، محل کلام نظیر وجوب عده است بر زن مدخوله جوان که شوهر طلاق دهد، عدم اختلاط نسب ملحوظ است به حیث حکمت نه علت ، بناء چنانچه شوهر مسافرت کند در آمریکا مثلا بعد از ده سال طلاق خانمش را بفرستد بر خانم عده گرفتن واجب است . اگر چه یقین دارد اگر بدون عده شوهر کند اختلاط نسب نیست .

س : ۳۰ - با توجه به این که طبق فتوای مشهور فقها، دیه اهل کتاب ((کافر ذمی هشتصد درهم است)). آیا اقلیت زرتشتی نیز مشمول این حکم خواهند بود؟

ج : اقلیت زرتشتی اهل کتاب نیستند و اهل کتاب : یهود و نصاری و مجوس می باشند. به اتفاق نصوص<sup>۱</sup> و فتاوی<sup>۲</sup> بناء مشمول این حکم نمی باشند.

۱ - س ج ۱۹ ب ۱۳ من ابواب دیات النفس ح ۱ و ۲ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ .  
 ۲ - جواهر ج ۳ ص ۳۸ .

س : ٣١- در مواردی که سارق مورد عفو مسروق منه قرار می گیرد، آیا حاکم شرع بنا به مصالحی می تواند حد را اجراء نماید یا خیر؟

ج (( ان المسروق منه ان عفى السارق قبل أن تثبت السرقة عند الحاكم ، فليس للحاكم اقامة الحد لانتفاء الموضوع و ان من شرایط اقامة الحد عدم عفو المسروق منه السارق قبل المرافعة الى الحاكم كما تدل على ذلك صحیحة الحلبي<sup>١</sup> و اما اذا رفع الى الحاكم و تثبت السرقة با البينة، فليس للحاكم عفوهُ فضلاً عن المسروق منه - و اما اذا ثبت السرقة عند الحاكم

بالاقرار، فله اقامة الحد كما ان له العفو كما يدل على ذلك ما رواه الصدوق باسناده الى أفضیه امیر المؤمنین (عليه السلام).<sup>٢</sup>

س : ٣٢ - در مورد سرقت مستوجب حد بفرمایید: آیا پس از شکایت مسروق منه و قبل از ثبوت جرم ، امکان عفو سارق توسط مسروق منه نسبت به اجرای حد وجود دارد یا خیر؟

ج : ((ان العفو قبل ان يرفع الى الامام أو القاضي و ذلّى لصحیحة الحلبي<sup>٣</sup> و موثقه سماعة<sup>٤</sup> و انهما خصتا الهبه قبل ان يرفع الى الامام و اما بعد رفع الأمر الى الامام ، فهو الذى يصمم فيه ، فان ثبت السرقة بالبينة، يجب على الحاكم الحكم بالقطع و أن ثبت بالاقرار، فالاحوط أن يعفو و لا يقطع فيما اذا عفى المسروق منه قبل الاقرار عند الحاكم)).

س : ٣٣ - چنانچه تعزیر علاوه بر تازیانه مصادیق دیگری داشته باشد: (مانند: حبس ، جزائی نقدی، تراشیدن سر، چرخاندن در شهر، لغو جواز کسب ، ابطال گواهینامه رانندگی، محرومیت از مشاغل دولتی، ثبت سوء سابقه و...) بفرمایید:

١ - س ج ١٨ ب ١٧ من ابواب مقدمات الحدود ح ٢.

٢ - س ج ١٨ ب ١٨ من ابواب مقدمات الحدود ح ٣ بطریق الصدوق فان رواء البرقی مرسل .

٣ - س ج ١٨ ب ١٧ من ابواب مقدمات الحدود ح ٢ و ٣ .

٤ - س ج ١٨ ب ١٧ من ابواب مقدمات الحدود ح ٢ و ٣ .

١ - آیا تعبیر ((التعزیر دون الحد)) نقد در خصوص تازیانه رعایت می شود یا شامل دیگر موارد مذکور نیز می شود؟

٢ - در صورت شمول به موارد دیگر، ملاک ((دون الحد)) چه می باشد؟

ج : ١ - قد يكون الحد موجبا للقتل كرجم المحصن و المحصنه و قد يكون موجبا لحبس الابد كأمر المتل و الممسى للمقتول قبل القتل و السارق في المرتبه الثالثه و قد يكون موجبا للجلد فزان غير محصن بجلد ماه و القاذف بجلد ثمانين حراكان ، او عبدا و لكن في معتبرة قاسم بن سليمان ان المملوك في القذف يحد اربعين<sup>١</sup> و في صحيحه حماد بن عثمان<sup>٢</sup> عين الامام (عليه السلام) التعزير بما دون الاربعين ، قال : فانها حد المملوك . فالمراد ان التعزير حيث يكون غالبا بالسوط ، فلهذا عين ما دون الاربعين ، و التعزير بالحبس يجوز و لكنه لا بد أن يكون اقل من الحد و هو الحبس الدائم . فلا يجوز التعزير بالقتل و لا بالحبس الدائم و لا بالضرب بالسوط اكثر من تسعة و ثلاثين سوطا و اما لطرف الاقل فهو على حسب ما يراه الحاكم صلاحا ، و حيث أن التعزير يكون غالبا بالسوط و الحبس ، عبر بدون الحد.

٢ - و قد ظهر مما ذكرنا جواب هذا السؤال ، فان التعزير اذا كان بما هو الغالب و هو الحبس و السوط فلا بد من ان يكون بما دون الحد و اما اذا كان بغيرهما ، فهو موكول الى نظر الحاكم ، و اما جواز التعزير بغيرهما فهو المستفاد من مراجعة سيره الرسول و اميرالمؤمنين عليهما السلام .

س : ٣٤ - بر اساس دستور شارع مقدس ، مهلت پرداخت ديه در قتل و جراحات شبه

١ - س ج ١٨ ب ٤ من ابواب الحد القذف ح ١٥ .

٢ - س ج ١٨ ب ١٠ من ابواب بقية الحدود ح ٣ .

عمد (مانند جراحات یا تلفات ناشی از تصادفات رانندگی) ۲ سال می باشد، آیا تقاضای اعصار جانی قایل از انقضای مهلت مقرر، مسموع می باشد یا خیر؟

ج: ان القاضی یأمر بالتحقیق و التفتیش عن حاله و آن زر اعساره و افلاسه ، یمهله حتی یستفید مالا، و الدلیل علی ذلی موثقه غیاث بن ابراهیم عن جعفر (علیه السلام) <sup>۱</sup> و المستفاد منها آن الحبس ان کان موجبا لظهور حاله ، یحبس ثم خلی سبیله .

س: ۳۵ - ۱ - در مواردی که بر اساس دستور شارع مقدس ، بهبود جراحی یا نقص عضو، میزان دیه را تغییر می دهد مخارج و هزینه های درمان به عهده جانی است یا مجنی علیه ؟

۲ - چنانچه به عهده مجنی علیه باشد در موارد که هزینه های درمان پیش از مقدار دیه مأخوذه است ، آیا راهی برای جبران خسارت زائد بر مقدار دیه وجود دارد یا خیر؟ (در این گونه موارد چه بسا هزینه های درمان پیش از مقدار دیه

مقرره باشد).

۳ - در مواردی نظیر شکستگی ستون فقرات که دیه کامله دارد، طبق فتوای فقهاء اگر این شکستگی به گونه ای معالجه شود که اثری از جنایت باقی نماند جانی باید یک صد دینار بپردازد. در این گونه موارد فعلیت درمان و اصلاح ملاک است یا قابلیت آن ؟ (به این معنی که اگر فعلیت ملاک باشد از ابتدا دیه کامله به عهده جانی قرار می گیرد و جانی یا موظف به پرداخت تمام دیه می باشد. که پس از اصلاح و خوب شدن نهصد دینار به او پس داده می شود و یا منتظر می ماند که پس از معالجه ، دیه مقرره ( ۱۰۰ دینار)) را بپردازد، (اگر چه ذمه اش به کل دیه مشغول است ) ولی اگر قابلیت درمان ملاک باشد از همان



ابتداء، ذمة جانی به یکصد دینار مشغولی می شود. (

ج : ۱ - اذا اقدم المجنى عليه على العلاج ، تكون مصارفة عليه و لا دليل على كونها على الجانی و أن لم يقدم عليه و اقدم الجانی على العلاج ، فللمجنى عليه ان يقول : اجيزالعلاج بشرط أن تمقبل المصارن ، فاذا تقبلها تكون عليه .

۲ - اذا كانت الدية مقدرة با الاصاله، فلا طريقه لجبران الخسارة و لو كانت زائدة على الدية لعدم الدليل الا على اصل الدية، و اما اذا كان الحق الاولي للمجنى عليه القصاص فمصالحته باضعات المصارن ممكنة .

۳ - لا شك في ان الملاك هو فعلية العلاج لصحيحه بريد العجلى<sup>۱</sup> و العلاج على غير عثم و لا عيب كما في صحیحة ظریف<sup>۲</sup> نادر قد يتفق ، فاذا عولج مع العثم او العيب و منه عسر الانزال ، فلا يستحق الجانی من الدية شيئاً.

س : ۳۶ - همانگونه که مستحضرید بر اساس برخی روایات وارده در باب دیات ، خوب شدن بعضی جراحات یا نقص عضوها (نظیر شکستگی استخوان در اعضای که دیه مقدره دارد یا شکافتن لب ) میزان دیه را تغییر می دهد. با توجه به اینکه امروزه به خاطر پیشرفت علم پزشکی تعداد قابل ملاحظه ای از جراحات و نقص عضوها قابل درمان می باشند، بفرمایید:

۱ - آیا تأثیر درمان در میزان دیه را به غیر موارد مصرح در فقه نیز می توان تعمیم داد؟

۲ - آیا پیوند عضو مقطوع در میزان دیه تأثیر دارد یا خیر؟(در صورت که انگشت یا دست شخصی در اثر جنایت قطع شود، اگر به موقع اقدام گردد می توان عضو

۱ - س ج ۱۹ ب ۱۴ من ابواب دیات الاعضاء ح ۱ .

۲ - س ج ۱۹ ب ۱۶ من ابواب دیات المنافع ح ۱ .

---

مقطع را پیوند زد؟)

- ج : ١ - لا دليل على التعميم فان الاحكام الشرعية توقيفيه، فلا بد من الاقصر على مورد النص و القياس ليس من مذهبنا
- ٢ - لا دليل على تأثير الاتصال و الائتيم في تقليل الديه، فان قطع الضو تمام الموضوع للديه نا الدليل الدال على اثباتها مطان يشمل صورته الاتصال و الائتيم ، فلودل الدليل على تقليلها في مورد تقتصر فيه و لا يصح التعدى عن مورد النص فانه قياس ليس من مذهبنا.

## مسائل متفرقه

### احکام شطرنج و قمار و ...

س : ۱ - در رساله های عملی آیات عظام بازی با شطرنج حرام اعلام شده است اما در جمهوری اسلامی شطرنج آزاد است و خبر آن از رادیو و تلویزیون بخش می شود.

ج : کسانی که شطرنج را جایز می دانند، عقیده دارند که شطرنج از آلت قمار بودن خارج شده است . با رفتن موضوع حکم هم می رود.

س : ۲ - بازی (شیر - بز) چه حکمی دارد؟

ج : اگر برد و باخت مالی در میان نباشد اشکالی ندارد.

س : ۳ - خریدن بلیت ارمغان بهزیستی که در ایران رواج دارد چه حکمی دارد؟

ج : اگر دادن جایزه اش با اجازه حاکم شرع باشد، جایز است .

س : ۴ - کسی که آلات و ابزار قمار می سازد و کسانی که بدون برد و باخت مالی با شطرنج ، کرسمیل ، پاسور (پر) و کمسای بازی می کنند چه حکمی دارند؟

ج : آلات و ابزار قمار باید نابود شود و حفظ نشود.

س : ۵ - بازی شطرنج بدون برد و باخت و به انگیزه تقویت حافظه و برای سرگرمی چه حکمی دارد؟

ج : احوط ترک آن است .

س : ۶ - بازی با آلات قمار به انگیزه تفریح نظیر پاسور، شطرنج و غیره چه حکمی دارد؟

ج : احتیاط وجوبی در ترک استعمال شطرنج و هر نوع آلت قمار است .

## احکام رقص و کف زدن و ...

س : ۷ - آیا رقصیدن زن در میان زنان و رقصیدن مرد در میان مردان جایز است ؟

ج : احتیاط واجب در ترک رقصیدن است مطلقاً.

س : ۸ - کف زدن در جشن و سرور موالید ائمه (ع) چه حکمی دارد؟

ج : کف زدن حرام نیست . اگر چه گفتن تکبیر افضل و ارجح است .

س : ۹ - کف زدن در مکان های مقدس و بیوت مراجع تقلید چه حکمی دارد؟

ج : حرام نیست .

س : ۱۰ - آیا ترویج کف زدن و تشویق کف زنان جایز است ؟

ج : حرام نیست . اما ترویج تکبیر و صلوات بهتر است .

س : ۱۱ - برگزارکردن عروسی و مراسم مانند آن در مساجد و حسینیه ها چه حکمی دارد؟

ج : اگر موجب توهین به مساجد و حسینیه ها نباشد، اشکالی ندارد.

س : ۱۲ - آیا رقص و آواز خواندن زن برای شوهرش در صورتی که نامحرم نبیند و نشنود جایز است ؟

ج : بله ، مانعی ندارد.

س : ۱۳ - بازی نمودن مرد و زن اجنبی در نقش زن و شوهر در فیلم ها و تئاترها چه حکمی دارد؟

ج : اگر زن شوهر ندارد. مرد می تواند او را به عقد خود درآورد و با هم بازی کنند. اما اگر شوهر دار، جایز نیست با مرد اجنبی در نقش همسر وی بازی کند.

---

### احکام فیلمبرداری ، عکاسی و نقاشی

س : ۱۴ - فیلمبرداری و عکاسی تمام بدن انسان و نقاشی حیوانات و نقاشی صورت انسان بر قالبین از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج : فیلمبرداری و عکاسی از تمام بدن انسان و حیوانات در صورتی که مستلزم حرامی نباشد اشکال ندارد اما نقاشی انسان و حیوانات بر قالبین اشکال دارد و نباید مرتکب شد.

س : ۱۵ - نقاشی ذی روح چه حکمی دارد؟

ج : نقاشی ذی روح مطلقاً حرام است اگر چه برخی از علماء قائل به تفصیل شده اند.

س : ۱۶ - دیدن فیلم های خارجی که زنان بی حجاب در آن ها بازی کرده اند و از تلویزیون جمهوری اسلامی ایران بخش می شود چه حکمی دارد؟

ج : اگر فیلم شهوت برانگیز و یا دیدن آن لذت برانگیز باشد جایز نیست .

## احکام نگاه کردن و معاشرت

س : ۱۷ - آیا پدر شوهر می تواند صورت عروس خود را ببوسد؟

ج : بوسیدن دست پدر شوهر از سوی عروس و بوسیدن صورت عروس از سوی پدر شوهر بدون قصد التذاذ اشکال ندارد. اگر پدر شوهر، جوان و بوسیدن صورت عروس در معرض تهییج شهوت باشد احتیاطاً از آن اجتناب شود.

س : ۱۸ - آیا کسی می تواند خواهرزادگان شوهر دار یا بی شوهر خود را ببوسد؟

ج : بوسیدن خواهر زادگان شوهر دار و بی شوهر اشکالی ندارد در صورت که مهیج شهوت نباشد.

س : ۱۹ - در میان کسانی که دایی (ماما) عمو، عموی مادری، عموی پدری، خاله پدری و مادری و عمه پدری و مادری است . حدود حجاب اسلامی چه اندازه است؟

ج : افراد یاد شده از محارم اند و حدود حجاب در میان محارم تنها پوشاندن عورت است و بنا بر احتیاط از زانو تا ناف باید پوشانده شود.

س : ۲۰ - در صورتی که عروس و داماد تنها نامزد شده باشد اما عقد و نکاح خوانده نشده باشد رفت و آمد داماد به خانه عروس ، نگاه کردن ، شوخی کردن و لمس کردن همراه با شهوت چه حکمی دارد؟

ج : لمس و نظر با شهوت حرام است .

س : ۲۱ - آیا دست دادن با زندهای نامحرم به قصد احوالپرسی در صورتی که دست زن در چادر پیچیده باشد جایز است؟

ج : دست دادن با پیرزن ها به این صورت مهیج نیست اما از دست دادن با زنان جوان حتی از پشت چادر اجتناب شود.

## احکام تعویذ نویسی، رمالی و غیبگویی

س : ۲۲ - کسانی هستند که به قول خودشان خبر از غیب می دهند مثلا اگر چیزی دزدیده شده باشد سارق و مکان اموال مسروقه را نشان می دهند و در بعضی موارد مطابق با واقع می شود آیا صاحب اموال مسروقه می تواند خانه متهم را

بازرسی کند ؟

ج : خبر دادن آنان حجت شرعی نیست و اثبات حق نمی کند. مگر این که صاحب اموال مسروقه یقین پیدا کند.

س : ۲۳ - کسانی هستند که تعویذ، دعانویسی و رمالی را پیشه کرده اند. مثلا برای رفع حسد از گاو و ... تعویذ می دهند و در برابر آن از مردم و حاجتمندان پول می گیرند. آیا گرفتن اجرت جایز است ؟

ج : اصل دعانویسی از قرآن و کتب معتبر برای شفای بیماران و حل مشکلات مانعی ندارد. و گرفتن اجرت در برابر آن جایز است .

## احکام موسیقی

س : ۲۳ - موسیقی هزارگی که با تار و تنبور و تنبک نواخته می شود و مانند آن از سیمای جمهوری اسلامی هم بخش می شود و اگر همین موسیقی هزارگی به صورت کنسرت برگزار شود چه حکمی دارد؟

ج : به طور کلی هر آوازی که مطرب باشد و باعث طرب در انسان شود گوش دادن ، یادگرفتن و یاد دادن آن حرام است.

س : ۲۵ - آیا دلیلی بر حرمت موسیقی هم وجود دارد؟

ج : بله ، دلایل فراوانی بر حرمت موسیقی وجود دارد مانند اجماع و اتفاق علماء بر حرمت آن ، آیات ششم سوره لقمان و سوم سوره مؤمنون و روایات متعدده و معتبره که به ما رسیده است .

س : ۲۶ - آیا خواندن سرود و نواختن ارگ و گیتار و بخش موسیقی مانند موسیقی سریال امام علی (ع) در اعیاد میلاد امامان (ع) و یادواره شهدا جایز است ؟

ج : در صورتی که ((غنا)) صدق کند بر نوازنده ، برپا کننده و شنونده حرام است.



س : ۲۷ - شخصی ۵ فرزند دارد و در حال حیات تمام اموال و املاک خود را به ۶ حصه تقسیم می کند. ۵ حصه را به فرزندان خود می دهد و یک حصه را برای خود باقی می گذارد، بعد از مدتی سه فرزند از پدر جدا می شوند و دو فرزند همراه پدر خود زندگی می کنند و پدر حصه ای خود را به این دو فرزند همراه خود هبه می کند و یکی از این دو فرزند حصه ای پدرش را بدون اذن پدر می فروشد، و فعلا پدر و برادر به آن معامله رضایت ندارند، معامله مذکور چه حکمی دارد؟

ج : معامله نسبت به سهمیه برادر باطل است و سهمیه باع را این برادر که شریک است می تواند به عنوان حق شفعه بگیرد و قیمتش را بدهد.

س : ۲۸ - شخصی زمین زراعتی را می خرد و قیمت آن را پرداخت می کند و سند عرفی می گیرد و بعد از مدتی شخص دیگری مانع می شود و به مشتری می گوید من حق شفع دارم و زمین را زراعت می کند. این شخص فوت می کند و فرزندی صغیری از او می ماند. فعلا زمین در اختیار کسی است که ادعای شفع دارد و قیمت آن را مالک اصلی زمین گرفته است ، حکم چیست ؟

ج : اگر دو نفر در یک قطعه زمین شریک باشند و یکی از دو شریکی قبل از تقسیم حصه ای خود را بفروشد شریک دیگر حق شفعه دارد، و در صورت استفاده از حق شفعه باید پول مشتری را بدهد و زمین را متصرف شود و اگر بعد از تقسیم ، شریک حق خود را بفروشد دیگری حق شفعه ندارد.

س : ۲۹ - تکلیف نوجوانانی که آغاز تکلیف آنها است در مسأله تقلید چیست ؟

ج : واجب است از مجتهد جامع الشرائط تقلید کنند.

س : ۳۰ - در مسأله بقاء بر تقلید آیا رجوع به حی اعلم لازم است ؟

ج : اگر اعلم محرز باشد، باید به وی رجوع کند و اگر محرز نباشد به یکی از مراجع احیاء مراجعه کند.

س : ۳۱ - آیا شرکت در مجالس و محافل صوفیه در خانقاه یا جای دیگر و گفتن اذکار

و اوراد آنها جایز است؟

ج: جایز نیست و علماء، عوام را از شرکت در محافل آنها نهی کنند.

س: ۳۲ - آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه مکلفین واجب است یا بر قشر خاص از آنها؟

ج: هر مکلفی که واجد شرایط امر به معروف و نهی از منکر باشد، بر او واجب کفایی است که امر و نهی نماید. ولی امر و نهی عملی متوقف است بر دستور مرجع و فقیه جامع الشرایط.

س: ۳۳ - آیا وجوب حجاب بر زن از ضروریات دین اسلام است یا نه؟

ج: اصل وجوب حجاب از ضروریات دین مقدس اسلام است پس زنان مو و بدنشان را از نامحرم سترکنند و صورت اگر مهبیح شهوت باشد نیز سترکنند. ولی سترکفین واجب نیست.

س: ۳۴ - پوشیدن جوراب بدن نما و لباسی که ساتر تمام بدن نیست در کوچه و خیابان برای زن چه صورت دارد؟

ج: حرام است و همچنین است خارج شدن با آرایش در محضر اجانب.

س: ۳۵ - آیا پوشیدن چادر مشکی برای زن کراهت دارد؟

ج: کراهت ندارد. بهترین ساتر برای زنان چادر مشکی است. چادر بهتر مفاقتن بدن را می پوشاند، لهذا حجاب برتر است.

س: ۳۶ - خرید و فروش برخی از روزنامه ها و مجلاتی که با استفاده از آزادی، برخی احکام اسلام را زیر سوال برده و یا به مقدسات انقلاب اسلامی جسارت کرده و یا بی بند و باری و فساد را ترویج می کند چه صورت دارد؟

ج: طبع و نشر و فررش آنها جایز نیست و ثمن آنها برای فروشنده سحت است. مؤمنین از خریدن آنها اجتناب کنند تا اعانت به اثم نکرده باشند.

س: ۳۷ - برخی از داگیرین در مدایح اهل بیت علیهم السلام تعبیراتی دارند: (مستم ،

مستم من ، علی پرستم من . بادآباد همچون مادرت زهرا از همه خوشگل تری) \* آیا چنین تعبیراتی صحیح است ؟

ج : هر تعبیری که مشعر بر غلو باشد یا موجب هتک حرمت باشد نباید به کار برند، تعبیرات خوب فراوان است باید از آنها استفاده کرد.

س : ۳۸ - ساختن مجسمه ذی روح و آموزش آن چه صورت دارد؟

ج : حرام است ، بلکه از مطلق تصویر ذی روح باید اجتناب نمود.

س : ۳۹ - ربا خواری مطلقاً حرام است یا آنکه در بعضی موارد جایز است ؟

ج : ربا خواری از گناهان کبیره است و به هیچ وجهی از وجوه جایز نیست .

س : ۴۰ - چک مدت دار را که سند بدهکاری کسی است ، آیا جایز است برای غیر بدهکار به مبلغ کمتر نقد بفروشد یا نه؟

ج : جایز نیست چون مالش این است که برایم صد هزار نقد بدهید و بعد از شش ماه مثلاً صدو پنجاه هزار بگیریید و ربا قرضی در اینجا تحقق پیدا می کند.

س : ۴۱ - غنا و موسیقی با هم فرق دارد یا نه ؟ آیا بعضی اقسام آن حلال می باشد؟

ج : غنا و موسیقی که با ترجیع صدا و مطرب باشد که غالباً در مجالس عیش و نوش نواخته می شود حرام است . نامگذاری آن به موسیقی موجب حلیت نیست.

س : ۴۳ - آیا شرکت در مجالس جشن و عروسی که موسیقی و ترانه در آن نواخته می شود جایز است ؟

ج : استماع آن مثل نواختن حرام است .

س : ۴۴ - خوانندگی زنان در مجالس زنانه (روضه یا مولودی) در حالی که با بلندگو صدای آنها در کوچه و خیابان توسط نامحرمان شنیده می شود و چه بسا موجب تحریک آنان می شود، چه صورت دارد؟

ج : چون معرضیت برای ریبه و التذاذ دارد جایز نیست .

س : ۴۴ - برپا نمودن جشن تکلیف با رقصیدن و کف زدن چه صورت دارد؟

ج : رقصیدن بنا بر احتیاط واجب مطلقاً حرام است . باید جشن تکلیف مشتمل بر تعلیم نونهالان به اصول دین و فروع و تعلیم مسائل طهارت و نجاست و وضو و غسل و تیمم باشد.

س : ۴۵ - آیا تراشیدن ریش جایز است یا حرام ؟

ج : احتیاط واجب در ترک تراشیدن ریش است .

س : ۴۶ - اجرت گرفتن بر تراشیدن ریش حرام است یا نه ؟

ج : بنا بر احتیاط واجب حرام است . بناء شخص تراش کننده مرتکب دو خلاف شده است : ۱ - نفس تراشیدن ۲ - گرفتن اجرت بر آن .

س : ۴۷ - خرید و فروش حلقه یا ساعت یا زنجیر طلا خانواده عروس برای داماد تهیه می کند چه صورت دارد؟

ج : چون زینت نمودن داماد به آنها حرام است نباید خانواده عروس چنین اشیاء را تهیه نمایند.

س : ۴۸ - شعبده بازی و دعوت از شعبده باز و تماشای آن چه صورت دارد؟

ج : احتیاط واجب ترک آن است مطلقاً.

س : ۴۹ - اگر مبلغی را مستأجر برای موجر قرض دهد و در ضمن شرط کند که منزلت را در مدت یکسال به دوازده هزار تومان برایم اجاره بده ، این معامله جایز است.

ج : این معامله ربوی و باطل است .

س : ۵۰ - با توجه به سوال پیشین و عکس آن ، بدین صورت که موجر منزل را به مبلغ مذکور اجاره دهد و در ضمن آن شرط کند که یک میلیون تومان مثلاً تا یک سال قرض الحسنه به من بده ، آیا این معامله جایز است ؟

ج : بله ، جایز است .

س : ۵۱ - بازی نمودن مرد و زن در فیلم که زن حجاب را مراعات نمی کند و با اینکه مهیج شهوت است ، چه صورت دارد؟ آیا تماشای آن جایز است؟

ج : بازی نمودن و یا تماشای فیلمهایی که مهیج شهوت باشد حرام است .

س : ۵۲ - آیا بستن کراوات و یا پاپیون ، جایز است ؟

ج : چون ترویج فرهنگ غیر مسلمین است اشکال دارد.

س : ۵۳ - گروههای سرود متشکل از پسران و دختران به شکل نامناسب به اجراء برنامه می بردازند. آیا تشکیل چنین گروه ها و شرکت در محافلی که آنها اجراء برنامه می کنند. جاب عکس و ترویج آن توسط برخی مطبوعات ، یا پخش آن از تلویزیون چه صورت دارد؟

ج : امور فوق الذکر حرام است و مفسد آن واضح و آشکار می باشد.

س : ۵۴ - شرط بندی در مسابقات ورزشی مثل اینکه بگویند اگر شما برنده شدید یک وعده غذا می دهیم و اگر من برنده شدم شما غذا بدهید مثلاً، آیا جایز است یا نه ؟

ج : این شرط بندی واجب الوفا نیست پس نمی توان برنده بازنده را اجبار کند.

س : ۵۵ - کاندیدا شدن زن برای شوراهای اسلامی و تبلیغ و ترویج جهت انتخاب شدن چه صورت دارد؟

ج : نسبت به زنهایی جوان ، چون مستلزم اختلاط با مردان و تهییج جوانان می شود جایز نیست . ولی زنهایی که فوق شصت سال داشته باشند مانعی ندارد.

س : ۵۶ - رأی دادن به نمایندگانی که برای دفاع از اصول و معیارهای اسلامی و ارزشی جامعه نمی اندیشند و در برخی موارد به منافع شخصی و گروهی خود می اندیشند چه صورت دارد؟

ج : به چنین شخصی رأی دادن جایز نیست . باید به کسی رأی دهند که برای معیارها و ضوابط اسلامی تلاش نموده و خدمت گذار ملت مسلمان باشد.

س : ۵۷ - آیا پولی که جوانان جهت ازدواج یا خرید مسکن پس انداز می کنند یا برای

حج می پردازند که سالها در بانک می ماند خمس دارد؟

ج : پولی که جهت ازدواج یا خرید مسکن پس انداز می کند در سر سال باید خمسش را بپردازد، مگر اینکه از جهت نداشتن زن یا مسکن ، مبتلا به حرج باشد که در این صورت خریدن مسکن و ازدواج مقدم بر تخمیس می باشد و اما

پول حج را که در بانک واریز کرده باشد اگر تخمیس آن موجب فوات استطاعت شود در سر سال تخمیس آن واجب نیست .

س : ۵۸ - پول یا اجناسی را که والدین جهت جهیزیه دختر کنار می گذارند آیا خمس دارد ؟

ج : پولی خمسی دارد، اما جهیزیه را اگر برای دختر بخشیده باشد و او در آستانه ازدواج باشد خمس ندارد و اگر به دختر نابالغ هم بخشیده باشد خمس ندارد .

س : ۵۹ - کسی که اهل پرداخت خمس نیست و یا زکات مالش را نمی پردازد، رفت و آمد و معاشرت و استفاده از اموالش چه صورت دارد؟

ج : اگر یقین ندارد آن مالی که مورد استفاده قرار گرفته متعلق خمس و یا زکات است ، اشکال ندارد.

س : ۶۰ - با توجه به عدم وجود نیروی متخصص برای آموزش قرآن کریم ویژه خواهران حضور برادران چه حکمی دارد؟

ج : چنانچه برای تعلیم قرائت صحیح معلم زن موجود باشد (که هست ) به همان مقدار اکتفا کنند و اگر بخواهند محسنات قرائت را یاد بگیرند به رادیو قرائت قرآن استماع کنند. بناء قرائت خواهران به نحو تحقیق یا ترتیل درحضور مردان نیاز نیست باید ترک شود و همچنین تواشیح و جمع خوانی قرآن کریم توسط خواهران در حضور مردان باید ترک شود.

س : ۶۱ - تبلیغات بیش از حد ورزش ، بسیاری از مردم از جمله دختران را به سوی

فوتبال و جمع آوری عکس های فوتبالیستها و نصب آنها در منازل کشانده و اثرات نامطلوبی از نظر تحصیلی و الگویی داشته است و در برخی موارد موجب بروز منکراتی شده است ، ارشاد حضرت عالی در این زمینه چیست ؟

ج : این امور چون خالی از تهییج و تحریک و مفسده نیست باید جدا از آنها پرهیز شود.

س : ۲۶ - نگاه کردن زنان به صحنه های ورزشی، مثل شنا و کشتی که مردها نیمه عریان می باشد چه صورت دارد؟

ج : نگاه کردن زنان به چنین صحنه هایی جایز نیست و نگاه کردن به فیلم آنها در صورتی که مهیج باشد حرام است .

س : ۶۳ - زنان یا مردانی در کنار خیابانها و یا پاده روها نشسته و برای مردم فال می گیرند و از گذشته و آینده خبر می دهند، آیا کار آنها مشروعیت دارد و پول دادن به آنها جایز است و پول گرفتن آنها چه صورت دارد؟

ج : کهانت و اخبار از مغیبات حرام است و پول دادن و گرفتن مشروعیت ندارد .

س : ۶۴ - آیا برخورد زن با چهره خندان و متبسم با مردان در هنگام خرید و یا صحبت با آنها جایز است ؟

ج : چنین برخورد، چون مهیج و منشا ریه است جایز نیست و از آیه مبارکه قران : (و لا یخضعن بالقول ، فیطمع الذی فی قلبه مرض ) حرمت آن استفاده می شود.

س : ۶۵ - خندیدن زنان و دختران با صدای بلند در خیابان و کوچه و بازار چه صورت دارد ؟

ج : چون در معرض شنید نامحرمان است جواز ندارد.

س : ۶۶ - شرکت کردن در مجالس عروسی که مقرون با لهو و لعب است و شرکت

نکردن باعث دشمنی و خصومت با اقوام و فامیل است ، چه حکمی دارد؟

ج : اول نهی ازمنکر نماید اگر موثر نشد شرکت نکند، اگر چه باعث قطع مراوده شود.

س : ۶۷ - بعضی اظهار می دارند که خانمها، کت و دامن بپوشند و دوچرخه سوار شوند و ورزش نمایند مانعی ندارد، آیا این نظر درست است ؟

ج : ترویج اموری که مبدأ نشر فساد در جامعه یا موجب بی عفتی زنان و دختران شود جایز نیست . پوشیدن لباس زینت که حجم مفاتن بدن زن را نپوشاند، کافی نیست .

س : ۶۸ - سیگارکشیدن در صورتیکه مضر برای خودش یا دیگران باشد چه صورت دارد ؟

ج : اگر ضرر معتابه باشد باید اجتناب کند.

س : ۶۹ - اعتیاد به تریاک و بقیه مواد مخدر چه صورت دارد؟

ج : مضر بودن آنها از واضحات است . بناء احتیاط واجب در ترک استعمال می باشد.

س : ۷۰ - رشوه دادن و گرفتن مطلقاً حرام است . یا در بعضی موارد جایز است ؟

ج : رشوه دادن و گرفتن در مورد قضا مطلقاً حرام است و اما غیر قاضی مثل مأمور در جمهوری اسلامی در هنگام انجام وظیفه جایز نیست پول از کسی بگیرد و اما در خارج از وقت اداری اگر برای انجام کار مباح پول بگیرد رشوه محسوب نیست و جایز است . چون حق الزحمه محسوب است .

س : ۷۱ - چهارشنبه سوری و سیزده بدر و ترقه بازی از دیدگاه شرع چه حکمی دارد؟

ج : نه رجحان شرعی دارد نه رجحان عقلانی و ترقه بازی که موجب اذیت است جایز نیست .

س : ۷۲ - عید نوروز مبنای شرعی دارد یا خیر؟



ج : مبنای شرعی ندارد ولی تطهیر خانه ها و صله با ذوی الارحام و دیدن آنها کار خوبی است ولی از انجام کارهای حرام در نوروز و غیر آن باید پرهیز کنند.

س : ۷۳ - اگر شخصی در هفته یک روز یا دو روز سفر می کند آیا حکم دائم السفر را دارد یا نه ؟

ج : اگر در هفته یک روز مسافرت کند دائم السفر گفته نمی شود و اگر در هفته دو بار مسافرت کند جمع کند بین قصر و تمام و اگر در هفته سه روز یا بیشتر مسافرت کند حکم دائم السفر را دارد.

س : ۷۴ - سختگیری والدین در امر ازدواج بسا باعث می شود که دختران و پسران تا سنین بالا بدون ازدواج باقی بمانند و احیاناً مفاسد بر آن مترتب می شود، متمنی است در این زمینه دستور اسلام را بیان فرمایید؟

ج : دستور اسلام این است که کفو دختر اگر خواستگار بیاید جواب منفی از جهت امور مالی ندهند و از سعادت مرد این است که دخترش در خانه پدر عادت نشود و در حدیث آمده است که سعادت مند آن زنی است که در عین داشتن وجاهت مهرش کم باشد.

س : ۷۵ - در سیمای جمهوری اسلامی ایران مسابقاتی برگزار می شود که شرکت کنندگان در مسابقه پسران و دختران به طور مختلط و تماشاچیان هم زنان و مردان هستند و برخی حرکات زننده مانند دویدن دختران در حضور جوانان نامحرم صورت می گیرد و مجری برنامه هم معمولاً زنان و دختران جوان می باشند مانند مسابقه ۲۰ در کانال ۳ تلویزیون به نظر حضرت عالی، برپایی چنین مسابقات و شرکت در آنها و نمایش آن از تلویزیون که موجب عادی شدن روابط دختران و پسران و بر طرف شدن حجاب و حیای دختران می شود چه گونه است ؟

ج : این نحو اختلاط باعث تهییج شهوت و حرام است نباید سیمای جمهوری اسلامی به نمایش بگذارد.

س : ۷۶ - انجام دادن فعل حرام در خنا با علنی از نظر حرمت فرق دارد؟

ج : بلی مرتکب حرام در خفا مستحق عقاب است ولی انجام دادن در محضر مردم عتابش از جهت اشاعه فاحشه شدید است .

س : ۷۷ - بعضی از مادران دخترش را پیش از سن بلوغ بدون حجاب و یا نیمه عریان در مجالس و خیابانها می برد، آیا به وظیفه اسلامی خویش عمل کرده است ؟

ج : وظیفه مادر این است که دخترش را قبل از بلوغ به حجاب اسلامی عادت دهد تا اینکه حجاب بعد از بلوغ برایش سنگینی نکند.

س : ۷۸ - آیا بر زنان جایز است به پزشک مرد مراجعه کنند، با وجود پزشک زن ؟

ج : جایز نیست . و بر فرض عدم پزشک زن یا عدم قدرت او بر علاج از جهت ضرورت مراجعه به پزشک مرد جایز است .

س : ۷۹ - آیا برای زن جایز است از جهت عقیم شدن و اینکه باردار نشود به پزشک زن مراجعه کند؟

ج : چون عمل مذکور موجب نظر و لمس عورت می باشد، جایز نیست .

س : ۸۰ - مراجعه مرد به پزشک زن در صورتیکه مستلزم لمس و نظر باشد چه صورت دارد ؟

ج : جایز نیست مگر در صورتی که پزشک مرد موجود نباشد و یا قدرت بر علاج نداشته باشد که در این صورت از جهت ضرورت جائز است .

س : ۸۱ - سگ بازی و آوردن آن به خانه و ماشین و مغازه چه صورت دارد؟

ج : چون سگ نجس العین است و موجب نجاست محل می شود لهذا باید از آن اجتناب کنند.

س : ۸۲ - فحش دادن و فحاشی اگر از طرف مسلمان باشد چه صورت دارد؟

ج : فحش و سباب مومن حرام است.

س : ۸۳ - درباره سقط جنین قبل از دمیدن روح و بعد از آن چه می فرمایید؟

ج : مطلقاً حرام است و دیه دارد و تفصیل آن در توضیح المسائل مساله (۳۰۲۱) مذکور است و اگر روح دمیده باشد بر علاوه دیه کفاره نیز دارد و کفاره قتل عمد را که همان کفاره جمع است انجام دهد.

س : ۸۴ - اقامه عزا در عاشورا توسط خواهران که مستمعین و روضه خوان زن می باشد چه صورت دارد؟

ج : بسیار کار مرغوب است ولی بلند گو را به قدری بگذارند که مردان نامحرم نشنوند.

س : ۸۵ - خرید و فروش و توزیع و تکثیر نوارهای ترانه از خوانندگانی طاغوتی و عکسهای مبتذل و مستهجن چه صورت دارد و آیا پولی که از این راه بدست می آورند و همچنین کسب درآمد از راه خرید و فروش مواد مخدر چه صورت دارد؟

ج : همه حرام است و موجب فساد در جامعه می باشد.

س : ۸۶ - آیا رقصیدن مرد و زن چه صورت دارد؟

ج : رقصیدن زن برای شوهر و عکس آن جایز است و در غیر آن بنا بر احتیاط واجب باید اجتناب شود.

---



---

الحمد لله اولاً و آخراً و الصلوات و السلام علی محمد و آله بدءاً و ختاماً .

تاریخ ۱۳۸۱/۳/۲۵